

سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی
(۱۱۹)

از آستارا تا استارباد

مجلد هفتم

شامل:

اسناد تاریخی گرگان

بکوشش:

مسیح ذبیحی - دکتر منوچهر ستوده

آستارا تا استارباد

جلد هفتم

مازندران و گیلان

۱

۲

۸



سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی

«۱۱۹»

از آستارا تا استارباد

مجلد هفتم

شامل:

اسناد تاریخی گرگان

بکوشش:

مسیح ذبیحی - دکتر منوچهر ستوده

از این کتاب دوهزار نسخه در چاپخانه بهمن به چاپ رسید
شماره ثبت دفتر مخصوص کتابخانه ملی ....

بنام خداوند جان آفرین

پس از سپاس بی قیاس به درگاه پروردگار تعالی و درود فراوان بر پیمبر بزرگ اسلام حضرت محمّد مصطفی (ص) در پرتو عنایات کریمانه ذات خجسته شهریاری اعلیحضرت همایون محمّد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر مجلّد هفتم کتاب «از آستارا تا استارباد» شامل اسناد تاریخی گوناگون مربوط به سرزمین گرگان به معرض انتشار و استفادهٔ علاقه‌مندان گذارده میشود.

مجلّد حاضر در حقیقت با مجلّد پیشین همین کتاب یعنی مجلّد ششم کتاب «از آستارا تا استارباد» صورت کتاب واحدی را دارد که به علت زیادی صفحات و حجم آن در دو مجلّد صحافی و تجلید شده است و بدین مناسبت آنچه در سرآغاز مجلّد ششم مرقوم رفت دربارهٔ این مجلّد هم از هر جهت صدق می کند و تکرار آن بی مورد خواهد بود، بهمین لحاظ تصدیع افزای خوانندگان گرامی نشده خاطر عزیزشان را به سرآغاز مجلّد پیشین معطوف میدارد.

امیدوار و آرزومند است که با پایمردی دانشوران و عناصر گرانمایهٔ فرهنگی و پژوهندگان ارجمند مرز و بوم ایران عزیز بیش از پیش توفیق خدمات شایسته و درخور پیشینهٔ فرهنگی چند هزار ساله این سرزمین مقدّس نصیب گردد.

بمنّه و کرمه
انجمن آثار ملی

فهرست مطالب

به نام آنکه او نامی ندارد

مقدمه

سرزمین گرگان که در کنج جنوب شرقی دریای خزر قرار می‌گیرد ، به علت بر کنار بودن از جریـانهای بادهای باران‌آور موسمی و نزدیك بودن به دشت ، خشك‌تر از سایر نقاط حاشیهٔ دریای خزر است . به همین سبب ساکنان آن از قدیمترین ایـام رشته قناتهایی کنده بوده‌اند . نام سی رشته از این قناتها در متن اسناد چاپ شدهٔ در این کتاب آمده است وما آنها را درفهرست عمومی کتاب آورده‌ایم .

درقرارنامچه‌هایی که یك‌طرف آنها اربابان وصاحبان‌املاك بوده‌اند و طرف دیگرچاخوان (حافران)، مالك فقط زمینی را که پشته‌ها وپیشان قنات درآنها قرارمی‌گرفته دراختیارچاخوان می‌گذاشته وسپس بابت‌بومحصه دوسهم‌ازشش‌سهم‌محصولات‌را از ایشان می‌گرفته است . سایر مخـارج و لوازم کندن و دایر نگاه داشتن قنات واستفاده از آب‌آن به‌شرح‌زیربرعهدهٔ چاخوان بوده است .

۱ـ مخارج‌حق‌الحفر(ص۹۱ و۳۳۸ و۳۵۵) یعنی‌اجرت و

جیرهٔ چاخو و عمله (ص ۳۵۸ و ۳۶۰ و ۳۶۷).

۲ـ خرید پالانه (کول)[1] ولو اینکه صد هزار پالانه حاجت داشته باشد (ص ۳۵۸) . درسال ۱۳۱۲ قمری قرار بر این داده‌اند که چاخو نباید هر هزار پالانه را بیش از ۵۰ تومان به حساب آورد (ص ۳۶۷) و نشاندن تمام این پالانه‌ها در دهانهٔ چاهها یا نقب‌ها (ص ۳۳۶ و ۳۶۰) .

۳ـ کندن پیشان[2] و پشته‌های آبی (آبکام)[3] و پشته‌های خشکام[4] (ص ۱۵ و ۲۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۱۱۰ و ۳۳۶ و ۳۵۴ و ۳۵۷ و ۳۶۹ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۶) به درازای سیصد ذرع شاهی (ص ۳۵۸ و ۳۶۰) وگاهی تا پانصد ذرع . پشته‌های خشکام وآبکام را « تیره‌چاه » (ص ۹۰ و۲۸۵) نیز خوانده‌اند ودرازای یکی ازآنهارا تا هزار ذرع (ص ۳۴۹) نیز یاد کرده‌اند .

۴ـ در مورد احیاء قناتهای بائر صاحبان املاك به چاخوان حق تحویل از نول[5] نقب قدیم به چپ و راست (ص ۳۵۵) یا تحت و فوق (ص ۳۵۸) داده‌اند . این حق تحویل میان پنج ذرع شاه در دو طرف

۱ـ بفتح کاف و واو و سکون لام سفالهایی‌است بیضی شکل‌که قطراطول آن در حدود یك متر وپهنای‌آنها درحدود ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر است و درقنات، جاهایی که شولات‌است به‌کار می‌برند تا سقف نقب فرو نریزد . درگرگان‌در حلقه چاهها نیز به کار می‌رود . چند سالی است آنها را با سیمان می‌سازند .

۲ـ پیشان محل آفتابی شدن قنات است . پیشانش رو می‌افتد‌ دم دروازهٔ قریهٔ چوپلانی (ص ۳۷۶) .

۳ـ پشته‌هایی که در قسمت آب‌دار قنات کنده می‌شود .

۴ـ پشته‌ها یا چاهها و نقبهایی که در قسمت خشك قنات کنده می‌شود .

۵ـ نول بر وزن غول لوله و نایژهٔ صراحی و مشربه را گویند وگردن صراحی را نیز گفته‌اند (برهان قاطع) .

رشتهٔ قدیم (ص ۱۱۰) یا بیست ذرع شاه ازهرطرف (ص ۳۶۹) یاپنجاه ذرع شاه (ص ۳۵۵) بوده است ودر یك قرارنامچه نوشته‌اند که هر قدر محتاج به تحویل باشد تحویل دهند ، از طرف یمین و یسار و هرگاه ده مرتبه محتاج تحویل شود تحویل دهند (ص ۳۷۶) چاخوان پس از نوکنی (ص ۳۶۷) یا تعمیر و مرمت قنات بائر به مادرچاه می‌رسند . ممکن است قناتی دارای دو مادر چاه در دو نقطهٔ جداگانه باشد ، این چنین قنات را دو لنگه‌گویند (ض ۳۳۰ و ۳۷۶) .

۵ـ قناتی پس از اینکه به راه افتاد وآبدهی پیدا کرد ، پس از گذشت زمان علف مال می‌شود (ص ۳۳۷ و ۳۵۰ و ۳۶۹ و ۳۷۶) و محتاج به تنقیه و لاروبی می‌گردد (ص ۳۵۸ و ۳۶۰ و ۳۶۹) و ممکن است در پاره‌ای جاها نشاندن پالانه لازم باشد (ص ۳۶۹) نگاهداری قنات نیز با چاخوان بوده است .

۶ـ اراضی‌قابل کشت خصوصاً شالی‌زارها که از آب این‌قناتهای تازه‌آباد آبیاری می‌شوند به رویه[1] تقسیم می‌گردد. برای قناتی دورویه در نظر گرفته‌اند که هر رویه پنج قسمت[2] است (ص ۳۵۸). درقرارنامچهٔ دیگری نوشته شده است : « به هریك از دو رشته قنات سه رویه داده شود که اقلاً هر رویه چهارقسمت به نی پنج ذرع شاه بوده باشد» (ص ۳۶۹) این کلمه به شکل «رویچه» (ص ۳۴۸) و رویهٔ بزرگ (ص۲۸۹) نیز دیده شد که مقدار اختلاف آنها با «رویه» معلوم نشد .

در قرارنامچهٔ دیگری چنین نوشته‌اند «که آب قنات موصوفه‌را

۱ـ رویه اراضی‌قابل کشتی‌راگویند که ازآب نهری‌یا قناتی‌آبیاری شود.

۲ـ قسمت بیش از یك هکتار امروزی‌است که ده هزار مترمربع باشد. هرقسمت مساوی است با بیست نی در بیست نی و هر نی پنج ذرع شاه است بنابراین هرقسمت ده هزار ذرع مربع شاه است .

حافر مذکور در سه‌آوش رویه که مساحت هر آوش رویه پانزده قسمت بوده باشد تسلط داشته باشد ذرع نماید» (ص ۳۳۶) . بنابراین صاحب ملك سه‌آوش‌رویه اراضی کشت دراختیار چاخوان گذاشته و هرآوش‌ـرویه را پانزده قسمت یعنی بیش از پانزده هکتار دانسته است و مالك دیگر بیست قسمت آوش‌رویه به حافر داده است (ص۳۴۹). معمولاً حفر انهار آوش نیز با حافران بوده است (ص ۲۱).

۷ـ اختیار زراعت خشکه و آبی (ص ۳۶۹) و اولویت در زرع با آب این قناتهای نو با چاخوان بوده است .

۸ـ گرفتن صاحب نسق (ص ۳۵۵) و پرداخت حق صاحب نسقی (ص ۳۵۵) و اختیار بستن نسق (ص ۳۵۵ و ۳۵۸ و ۳۷۴ و ۳۷۷) و به اصطلاح دیگر نسق گذاشتن (ص ۳۷۴) و داخل نسق کردن (ص۲۹۳) اراضی قابل کشت باآب این قناتها با چاخوان است . گاهی بابت‌حق نی‌چی بیست من شالی از کل محصول موضوع کرده‌اند . (ص ۳۴۸).

۹ـ گرفتن آب‌ران (ص ۳۵۵ و ۳۵۸ و ۳۶۰) و پرداخت حق آبرانی (ص ۳۵۵) با چاخوان است . گاهی بابت آب‌رانیها دو خروار محصول از کل موضوع کرده‌اند (ص ۳۴۸) .

۱۰ـ مالکان با چاخوان در تقسیم محصولی‌که از آب این قناتها به‌دست می‌آمد معمولاً قرار اثلاثی (ص ۳۵۴ و۳۵۸) یعنی چهاردانگ دو دانگ (ص ۳۵۷ و ۳۶۰ و ۳۷۵) یا به عبارت دیگر دو دانگه و یك دانگه (ص۳۵ و ۴۱) بسته‌اند. به این معنی که چهاردانگ ازکل‌محصول متعلق به چاخو و دودانگ از بـابت حق‌الارض (ص ۳۵۵ و ۳۶۰) یا اجرت‌الارض (ص۳۵۵) یا بومحصه (۱۰۶ و۳۵۵) متعلق به مالك زمین می‌شود .

* * *

در این کتاب اصطلاحات کشاورزی و آبیاری بسیار است که ما در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می کنیم .

آب تحنت = آب تنحت ، ص ۲۹۳ و ۲۹۵ و ۲۹۶ .

آوش ، ص ۲۸ .

آهن کاری (برای آبدنگ) ، ص ۳۷۵ .

بریجه : محصول و درآمد زمین ، ص ۲۸۷ .

بزن (اصطلاح آبیاری) ، ص ۱۴۸ .

بندآب قوچانی ص ۳۴۱ . یك بند از آب قوچانی ، ص۳۴۰ .

یك بند = یك درك آب رودخانه ، ص ۳۴۲ .

پاکر : هر ساله در پاکر ایشان می‌نوشت ، ص ۳۰۵ .

پیش وال (از اصطلاحات آبدنگ) : دنبالهٔ نهرآبدنگ که با سطح زمین یکی است ، ص ۳۷۵ .

تقسیم‌نامهٔ عمومی ، ص ۳۰۵ .

تقسیم نامه‌ها ، ص ۳۰۰ .

جرقریهٔ مرزنکلاته ، ص ۳۳۰ .

جرو خندق ، ص ۳۳۰ .

حجر وسهم و قسمت ودانگ ودرك (از اصطلاحات تقسیم‌بندی آب) ، ص ۳۱۷ .

حق‌الارض، مالیهٔ آبی را ازقرار قسمتی پنج خروار وبیست من شلتوك به مالکین حق‌الارض بدهد ، ص ۳۶۹ .

حق‌الارض از قرار هر قسمتی شش خروار ، ص ۳۷۴ . از قرار مالیه‌کاری قسمت شش خروار ، ص ۳۷۴ .

خروار، ص ۴۴۵ . خروار استراباد معادل پنجاه من‌شاه وصدمن تبریز است .

خشکه‌کار : کشت گندم وجو، ص ۹۵ .

دانگ دو من روغن به وقر استراباد از بابت حق مراتع، ده‌سیر به وقر بلدهٔ مزبور روغن می‌شود ، ص ۱۷۱ . من استراباد معادل‌شش کیلو است. تقسیم‌بندی باجیه کوه براساس من استراباد است وهردانگ مرتع دومن روغن باجیه می‌داده‌اند .

درك کشیدن . نهر کشیدن از رودخانه ، ص ۳۲۱ .

سررشته‌دار. کسی که آشنا به مسائل ملکی محل است، ص۳۰۵.

سنگ بخش = درك بخش ، ص ۲۷۷ و ۳۱۹ و ۳۲۰ . سنگ بخشه باشد ، ص ۳۲۱ .

شالی سردهٔ گردهٔ دهقان پسند ، ص ۱۴۶ . برنج سرده برنجی است که در پائیز به دست می‌آید . شالی‌گردهٔ سرده ، ص۱۷۰ و۳۵۰ .

شاهمرز : رشته تپهٔ کوتاهی که مرز میان دو آبادی است ، ص ۲۱ و ۳۳ .

شرکت نامچه ، ص ۳۱۳ .

شش دانگ مرتع جهان نما ازروی دوازده من روغن تقسیم‌بندی می‌شود، ص ۳۶۵.

شلتوك رزازپسند ، ص ۹۵ .

شلتوك‌کار ، ص ۹۵ .

شوارشاب : آب سیل ، سیلاب ، ص ۳۴۲ .

شیوار : آب‌کند ، ص ۳۳۰ و ۳۴۸ .

شیوارات ، ص ۳۵ و ۱۶۸ و ۲۳۵ .

شیوار چالکون ، ص ۳۳۱ .

شیوار مشهور به باریك‌آب ، ص ۳۴۹ .

ضابط کردمحله ، ص ۴۰۸ .

مزرعهٔ لتری مجری‌المیاه ، ص ۱۵۴ .

مقسم : تقسیم‌کننده محصول ، ص ۳۰۵ .

من ، یك من استراباد معادل شش کیلو است .

ناور ، ص ۲۱ و ۲۴ و ۳۴۰ . استخرهایی که با خاکریز های دستی دردامنهٔ کوه به وجودآورند این لغت‌را درلهجهٔ محل« NUŪR » گویند . ناور بایره ، ص ۳۲، ناورات ، ص ۳۵. بستن ناور، ص۲۱. بند ناور، ص ۳۳. برسر راه قدیمی‌زنجان به اردبیل نزدیك عباس‌آباد دریاچه‌ای کوهستانی است‌که درمحل‌آن را « NuūR »گویند .

نصفه‌کاری بطوری‌که مرسوم‌دهات سدن‌رستاق است، ص۳۷۴.

وال، ص ۳۹۰ به معنی نهر است.

وال اوجاکله ، ص ۳۵۱ .

وال چهارپل، آن نهر معروف است به وال چهارپل، ص۳۵۱.

وال حسن‌گریه ، ص ۳۵۱ .

وال دیوان ، ص ۳۴۵ و ۳۵۷ و ۳۵۸ .

وال رستم وال ، ص ۳۴۰. نهری‌که به نام رستم معروف بوده است .

وال کله‌باغ ، ص ۳۵۱ .

وال و نهرکردن : نهرکشی‌کردن ، ص ۲۹۳ . مخارج والها، ص ۳۵۲ .

* * *

سکه‌های رایج در بازارگرگان در ادوار مختلف متفاوت بوده است . حدود سال نهصد هجری قمری تـا اواخر دوران قاجـاری که اسنادی ازآن ادوار در دست است سکه‌های رایج در این سرزمین به شرح زیر بوده است .

درسال ۹۲۰ قمری دینار کپکی[1] رایج بوده و هرپنج دینار از آن یك مثقال نقرهٔ مسکوکهٔ مضروبهٔ شهر روان استراباد ارزش داشته است. (ص ۳ و۴) . همین دینار کپکی در سال ۹۳۸ یعنی هجده‌سال بعد ارزش کمتری پیدا کرده و هر ده دینـار آن یك مثقال و یك دانگ مثقال نقرهٔ مسکوکهٔ مضروبهٔ شهر روان استراباد شده است (ص ۶) .

درسال ۹۵۴ سخن ازرواج تنگه است و هر شش تنگه معادل‌یك مثقال نقرهٔ سرهٔ مضروبهٔ مسکوکهٔ رایج گرگان بوده است (ص ۶۵) . در همین سال تومان تبریزی نیز رایج بوده و هر تومان تبریزی معمول خراسان معادل ده هزار دینار وهرشصت دینار از آن به وزن یك مثقال‌و دونخود وچهار دانگ ازنقرهٔ سرهٔ مضروبهٔ مسکوکه بوده‌است (ص۹).

در سال ۱۰۴۲ تمامی قریهٔ سوخته‌سرای کبودجامه به مبلغ شش تومان عراقی که نصف‌آن سه تـومان رایج‌الوقت تبریزی عراقی است به فروش رفته است . (ص ۱۰) .

در سال ۱۰۴۹ یا کمی قبل از آن ظاهراً ضرب جدیدی از تومان عراق شده است چه در این تاریخ سه دانگ از ششدانگ قریهٔ میرو-محله در بلوك استرابادرستاق به مبلـغ چهارده تومان جدید فضی رایج عراق به فروش رفته است (ص ۱۴) .

درسالهای ۱۱۲۳ تا ۱۱۷۴ قمری که اسنادی‌از آن دوران دردست

۱ــبنا به‌گفتهٔ مینورسکی کپکی بایدکبکی (با باء منقوط) باشد . کبك (بضم کاف و فتح باء و سکون کاف دوم) درترکی به معنی ناف است واحتمال دارد نام شخصی بوده باشد . اسکندر منشی در سال ۱۰۰۳ ﻫ . ق . می‌نویسد که پنجاه هزار دینارکپکی پنجاه تومان عراقی‌است یعنی هر هزار دینارکپکی یك تومان عراقی می‌شود . (آلبوم سکه‌های رابینو، ص ۳۳) . امروز درتمام خاك شوروی یك روبل مساوی صد کپیاك است (بفتح کاف) وجه مشابهتی میان این لغت قدیمی و لغت روسی است .

است (صفحات ۱۸ تا ۳۴) هنوز تومان تبریزی فضی که یك تومان آن ده هزار دینار بوده ، رواج داشته است .

سندی ازسال ۱۲۳۵ قمری در دست است که قیمت مورد معامله به دویست تومان ریال فتحعلی شاهی دو مثقالی ، هشت عدد یك تومان تقویم شده است (ص ۳۶) .

در سال ۱۲۳۹ یا یکی دوسال پیش از این تاریخ ، اشرفی یك مثقالی ضرب شده و رواج پیدا کرده‌است . دویست وپنجاه عدداشرفی تومانی یك مثقالی معادل دویست و پنجاه تومان وجه رایج سلطانی بوده است (ص ۴۱) .

در سال ۱۲۴۰ که هنوز فتحعلی‌شاه برتخت است ، وزن ریال صاحبقرانی به یك مثقال ونیم رسیده و ده عدد از آن معادل یك تومان رایج بوده است (ص ۴۳) .

درسال ۱۲۴۸ که دو سال ازسلطنت فتحعلی‌شاه باقی‌است تومان رایج سلطانی‌وتومان تبریزی هنوزمعادل‌ده‌عدد صاحبقران فتحعلی‌شاهی است (ص ۷۰) ودو دانگ ازشش دانگ یك در دکان دربازار استراباد به سی و پنج تومان معامله شده است (ص ۴۵) . ظاهراً ارزش این تومان تا آخر دوران فتحعلی شاه یعنی سال ۱۲۵۰ پایدار و برقرار بوده است .

فتحعلی شاه در نوزدهم جمادی‌الآخره سال ۱۲۵۰ قمری فوت شد و با فوت او نام تومان رایج سلطانی و صاحبقران فتحعلی‌شاهی نیز از میان رفت . در سندی که ازبیست وششم رجب ۱۲۵۰ در دست است یك تومان تبریزی معادل‌یك اشرفی محمد شاهی به وزن ۱۸ نخود ویك تومان رواج بوده است (ص ۷۲) .

در سال ۱۲۵۵ به سکه‌ای به نام « کشوری » برمی‌خوریم . دو

قطعه زمین در شهر استراباد به مبلغ بیست عدد کشوری و بیست عدد ریال جدیـد محمد شاهی سی نخودی معـامله شده است . پس ریـال جدیدالضرب در این تـاریخ سی نخود وزن داشته است (ص ۷۵) و اشرفی تومانی محمد شاهی وزنش به هجده نخود می‌رسیده است (ص ۷۶) و یك دینار پول سیاه سه مثقال وسه نخود وزن داشته ، اما ازنوع فلز آن سخنی به میان نیامده است (ص ۸۱) .

درسالهای ۱۲۶۸ و ۱۲۶۹ ریال ناصرالدین شاهی که هر ریال به وزن ۲۸ نخود بوده رواج داشته است (ص ۹۰ و۳۸۶ و ۵۸۵ و ۵۹۲) و تا سال ۱۲۷۵ همان ریال با همان وزن رایج بوده است . درهمین‌سال است که به اشرفی ناصرالدین شاهی ۱۸ نخود وزن و یك تومان رواج برمی‌خوریم (ص ۹۵) .

درسال ۱۲۷۶ نیم ریالی (نیم قرانی) سیزده نخودی ناصرالدین‌ـ شاهی ضرب شده است (ص ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۱ و ۴۴۲) و بیست وچهار تومان وجه رایج معادل چهارصد و هشتاد عدد نیم ریالی سیزده نخودی است (ص ۱۰۷) .

ریال (قران) بیست و شش نخودی و نیم ریـال سیزده نخودی ناصرالدین شاهی ظاهراً تاسال ۱۳۰۰ قمری برقرار و رایج بوده‌است.[۱] در این سال یـا کمی پس از آن به ریال مشین جدید الضرب فضی ۲۴ نخودی برمی‌خوریم (ص ۱۶۳ و ۱۶۵ و ۱۶۸ و ۱۷۴) ودرسال ۱۳۱۲ یعنی‌یك سال پیش‌ازکشته شدن ناصرالدین‌شاه همین ریال جدیدالضرب چرخی یك مثقال وزن و ده عدد یك ترمان رایج بوده است (ص ۱۷۶) و سندی از مـاه رجب سال ۱۳۱۳ یعنی شش مـاه پیش از کشته شدن ناصرالدین شاه در دست است که نشان می‌دهد تا آن تـاریخ هیچگونه

۱ ـ ص ۱۰۱ تا ص ۱۱۰ وص ۱۱۳ وص ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۴۳۶ .

تغییری در وزن و ارزش ریال داده نشده است (ص ۱۷۹).

درمیان اسنادی که به چاپ رسیده است نخستین‌بار درسال۱۳۱۶ است که به ریال جدیدالضرب چرخی رواجی مظفرالدین شاهی ریالی یك مثقال وزن و ده عدد یك تومان برمی‌خوریم (ص ۱۸۷)[1] همین‌ریال با همین وزن و ارزش تا سال ۱۳۴۰ قمری رواج داشته است. دریکی از اسناد سال ۱۳۲۲ ارزش ۱۵۰ تومان را به طلای صیرفی چنین تعیین کرده است که ۱۵۰ تومـان عبارت است از ۱۵۰۰ قران ۲۴ نخودی مسکوك مظفرالدین شاهی موازی پنجاه مثقـال صیرفی طلای خـالص صراف پسند (ص ۳۹۰).

از سایر سکه‌ها نظیر دینار تبریزی (ص ۴۲۹) و تومان تبریزی یك مثقالی (ص ۵۱۶ و ۵۱۸) وتومان عراقی فضی (ص ۵۸۳) و تومان خراسانی (ص ۴۲۷) نیز ذکری به میان‌آمده است که ارزش دقیق‌آنهارا نتوانستیم معین کنیم.

* * *

در مبایعه نامچه‌ها و مصالحه نامچه‌هایی که درآنها دهکده‌ای در مقام بیع یـا مصالحه درآمده است، مراجع شرع سعی کرده‌انـد که اجزای آن دهکده را در متن قبـاله بگنجانند تا روزی فروشنده نتواند ادعایی‌نسبت به جزیی داشته‌باشد. این‌اجزاء را که درقباله‌های مختلف به نظر رسید به ترتیب حروف الفبا در اینجا می‌آوریم:

آبدنگ، صفحـات: ۲۴، ۹۵، ۱۱۴، ۱۵۰، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۵، ۲۰۵.

آسیابها (طواحین)، ص ۲۴، ۵۹، ۹۵، ۱۱۴، ۱۵۰، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۵، ۲۰۵.

۱ـ صفحات ۱۹۰ و ۱۹۳ و ۱۹۵ و ۱۹۸.

در قبالهٔ مناکحهٔ مورخ ۱۲۷۳ مبلغ صداق به رضای طرفین یك صد تومان رایج سلطانی ناصرالدین شاهی بیست و هشت نخودی است که نصف مقبوض سه دانگ خانه‌ای درمحلهٔ نعلبندان استراباد بابیست و پنج مثقال طلا به شرح زیر است :

گوشواره یك زوج شش تومان و سارمه شش تومان وگل‌مرصع سه تومان و طوی چتری یك زوج دو تومان و انگشتر شکوفه یك عدد یك‌تومان وسلیمانی یك‌زوج شش تومان وانگشترگل‌گلی‌مع چشم چمن طلا گرفته یك تومان که ارزش تمام رویهمرفته پنجاه تومان بوده است و پنجاه تومان هم بر ذمهٔ زوج باقی مانده است .

در مابقی اسناد نیز اصطلاحات و ترکیبات و مفرداتی به‌کار رفته که مطالعه و بررسی آنها کاری ضروری است و از گردآوری آنها می‌توان مباحث مطالعهٔ تازه‌ای به‌وجود آورد .

* * *

این اسناد به‌طور پراکنده یا یکجا در خاندانهای قدیمی گرگان یا سازمانهای مربوط مانند ادارهٔ اوقاف‌تا امروز محفوظ و برقرارمانده است . دوست گرامی آقای مسیح ذبیحی با کوششی پی‌گیر وپشت‌کار فراوان ایـن اسناد را گردآوردند و عکسبرداری کردند . این بنده از یکایك صاحبان اسناد و مسؤولان و بایگانان سازمانهای مربوط از طرف خود وآقای ذبیحی اظهار امتنان و تشکر می‌نماید . نام ایشان را دراین مقدمه می‌آورد تا یاد ایشان زنده و همیشگی باشد .

۱ـ حجةالاسلام حاج آقا رضا میبدی و آقا سید حسین برومند ، اسناد مربوط به سادات درازگیسو .

۲ـ حاج آقا حسین نبوی، اسناد مربوط به سادات نبوی.

۳ـ حاج آقا نصرالله قدس مفیدی، اسناد خاندان سادات مفیدی.

۴ـ آقـای ابوالحسن‌خان میرفندرسکی، اسناد خانـدان سادات میرفندرسکی .

۵ـ آقای علی‌اکبر طاهری، اسناد مربوط به سادات طاهری .

۶ـ مرحوم حاج آقا محمدرضا شیرنگی ، اسناد خاندان سادات شیرنگی .

۷ـ آقای سید محمود هاشمی، اسناد مربوط به سادات هاشمی .

۸ـ آقای . . . افضلی، اسناد مربوط به سادات افضلی.

۹ـ آقای عابدین‌پور، اسناد مربوط به امامزاده عبدالله زیارت .

۱۰ـ آقای یحیی قره‌داغی، اسناد مربوط به خاندان مقصودلو .

۱۱ـ آقای علی‌اکبرمفیدی، اسناد مربوط به‌امامزادهٔ روشن‌آبادو یساقی .

۱۲ـ آقای عبدالحسین ملك، اسناد مربوط به خاندان ملك .

۱۳ـ با همکاری آقای زیادلو بایگان اداره‌اوقاف، اسناد مربوط

به آب شهر و وقفنامه‌های فراوان .

۱۴ـ آقایان ابوالقاسم امیر لطیفی و علی اصغر کشاورز، اسناد مختلف.

۱۵ـ آقای علی اکبر رهبر، اسناد مربوط به قاجار گرگان .

۱۶ـ مقداری از اسناد از بایگانی ادارهٔ دادگستری رونویس شده است . عکسهای این اسناد از فیلمهای کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران چاپ شد و در اختیار نگارنده قرار گرفت . این بنده پس از طبقه‌بندی کردن و تنظیم آنها به ترتیب سنوات به خواندن و رونویس کردن آنها مشغول شد و خلاصه‌ای از هر یك را در بالای سند آورده و برای چاپ آماده کرد و انجمن آثار ملی به چاپ آن پرداخت. از هیئت محترم مؤسسین انجمن آثار ملی به‌ویژه هیئت مدیرهٔ آن انجمن نهایت درجه سپاسگزاری می‌نماید .

از آقایان محمدتقی دانش‌پژوه، محمد شیروانی، عبدالله نورانی و حسین محبوبی اردکانی که در خواندن پاره‌ای کلمات و اشکالات متن ، این بنده را یاری کرده‌اند بسیار ممنون و متشکر است .

کار چاپ این کتاب زیر نظر دوست گرامی آقای مسعود گلزاری به‌انجام رسیده است دقت نظر ایشان از کاری که کرده‌اند معلوم است، از ایشان نیز سپاسگزارم .

تهران چهارم تیرماه ۱۳۵۴

منوچهر ستوده

بخش پنجم

اسناد مبایعه و بیع شرط

۱

سند مبایعهٔ مورخ ۹۲۰ هـ . ق .

در این سند شیخ کمال الدین بهرام بن مولانا شمس الدین بهرام استرابادی یک نصف مشاع از تمامی عملهٔ یک در کاریز بایر قریهٔ علوی کلاتهٔ بلوک استراباد رستاق را از مولانا حیدر بن مولانا عالمشیخ استرابادی به مبلغ یکصد و پنجاه دینار کپک خریداری کرده است .

هو

درین وقت بمبایعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ بخرید بماله لنفسه جناب فضایلمآب شریعت ایاب افادت دستگاه خلاصة العلماء والفضلا ملاذ الاسلام والمسلمین مولانا شیخ کمال الدین بهرام بن الجناب المولی المرحوم المغفور المبرور مولانا شمس الدین بهرام استرابادی از خدمت مفخر الاقران مولانا حیدر بن مولانا عالمشیخ استرابادی یکنصف کامل مشاع را از تمامی عملهٔ یکدر کاریز بایر که واقع است در قریهٔ معروفهٔ علوی کلاته از بلوك استراباد رستاق محدود برین وجه شرقیاً وغربیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ قریهٔ مذکور جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ مشهور رستم کلاته شمالیاً پیوستهٔ بوستان بایع مذکور با هرچه بدین مبیع محدود مذکور مضاف ومنسوب است شرعاً وعرفاً بثمن معین مقرر یوم-البیع المبلغ یکصد وپنجاه دینار کپك نصفه هفتاد وپنجدینار که هر پنجدینار از آن

یك مثقال نقرهٔ مسکوکهٔ مضروبهٔ شهرروان بلدهٔ استرابـاد شده و این بایع مذکور مبیع مذکور را بجناب‌مشتری مشارالیه فروخته‌است بثمن‌موصوف مذکور و بعداز وقوع عقد بیع‌بات‌بینهما تقایض دربدلین‌مذکورین بشرطه شرعاً بحصول پیوست .

حرره‌فی‌حادی عشرشهر جمادی‌الثانی سته‌عشرین وتسعمائه .

[درپایین این سند عبارات زیرنوشته شده است :]

حرره‌العبدالفقیرفخرالدین ... درازگیسو الحسینی . [مهرگرد ناخوانا]

شهد بمضمونه حسین‌بن عبدالله شیرسوار .

شهد بمافیه فضل‌الله بن حاجی شیخ اسلام .

من الحاضرین عبدالعلی بن نصرالدین .

شهد بمضمونه المسطور حرره‌العبد علی‌بن‌عبدالله الحسینی .

۲

سندمبایعهٔ مورخ ۹۳۸ ه . ق .

در ایـن سند خواجه عبدالرحیم‌بن‌خواجه شیخ‌محمد آنچه‌که بـه ملکیت‌متصرف بوده‌است به‌خواجه‌شهاب‌الدین علی‌بن‌خواجه حاجی محمدزرگراسترابادی به‌مبلغ‌ششهزاروهشتصدو پنجاه دینار کپکی فروخته وقبض واقباض و تسلیم و تسلم به‌حصول پیوسته است .

هو المالك بالاستحقاق

سبب تحریـراین وثیقهٔ شرعیه‌آنکه خـدمت‌امجداکرم قدوة الاقران بل‌الامم خواجه عبدالرحیم‌بن‌المرحوم المبرور خواجــه شیخ محمد عبدالـرحیم اقرار معتبر شرعی نمود فی نفاذ اموره‌که فروخته‌است به‌بیع‌باین صحیح‌لازم‌قطعی‌یکبارگی بعالیجناب دولتمآب سعادت‌ایـاب مکرمت انتساب صاحب ماجـد خلاصة الاعیان والاماجـد

المخصوص بعواطف الملك الولی خواجه شهاب الدین علی بن الجناب الصاحب الامجد الاکرم السعید المحترم المغفور خواجه شمس الدین حاجی محمد زرگر الاسترابادی رحم‌الله السلف وعظم الخلف از آنچه نمود که بایع مذکور که بملکیت متصرف بود تا زمان این مبایعهٔ مذکوره وتصرف او در آنچه مبیع ومذکور میشود که درین‌وثیقه مستفادشد ازشهادت شرعیهٔ جنابان سعادت‌ایابان معالی‌نصابان امیرسید هبة‌الله الخطیب ابن السید المرحوم امیرسیدفخر الدین احمددرازگیسو الحسینی وامیرسید کمال الدین بن لمبرور امیرسید شمس الدین محمدالسوکندی وخواجه شمس الدین‌محمد بن خواجه سیف‌الدین کمانگر استرابادی و آن همگی‌بوم وعملهٔ قریهٔ‌معروفهٔ موسومه‌باکبرمچاله است واقع دربلوك نواحی بلدهٔ استرابادمحدود برینوجه شرقیاً پشتهٔ مشهور دلگشاد غربیاً پیوستهٔ‌قریهٔ مشهورهٔ درزی‌کلاته شمالیاً پیوستهٔ املاك مشهورشیخ علی عرب که حالا بتصرف ملکیت‌جناب‌سعادتمآب معالی‌نصاب خلاصة‌السادات امیرسیدرکن‌الدین محمدبن الجناب السید السند المرحوم امیرسید عبدالرحیم لمسکی‌است جنوبیاً پیوستهٔ شارع عام و زه مشهور درزی‌کلاته وایضاً تمامی بوم وعملهٔ قریهٔ موسومـهٔ مذکورهٔ محله وجود(؟) که واقع است دربلوك مذکور که‌حدوداربعهٔ‌آن برینوجه است شرقیاً پیوستهٔ موضع‌مشهورچاله‌باغ که بتصرف مشتری مشارالیه‌است بملکیت غربیاً پیوستهٔ قریهٔ مشهورهٔدرب قانچیان وکذا الشمالی جنوبیاً پیوستهٔ‌املاك مشهورشیخ علی‌عرب که مذکورشد وایضاًهمگی‌شایع‌کامل ازتمامی مجری مشهورهٔ باکروال کـه منشعب میشود ازرودخانهٔ مشهور خشك‌رود درقریهٔ اروس‌کلاته ازبلوك مذکور و آب آن در قریهٔ‌مذکوره مزروع میگردد و آب مجری مذکور ازکثرت‌شهرت ازتحدید مستغنی است مع‌علمهمابها باهرچه‌بدین مبیعات مذکورات مضاف ومنسوب‌است شرعاًوعرفاً سوی‌یك‌قطعه ملیارستان‌ویکقطعه توتستان راتمامی پیوستهٔ‌یکدیگر که درتصرف جناب سیادتمآب امیرسید رکن‌الدین محمد مشارالیه است محدود برین‌وجه شرقیاً پیوستهٔ

صح الوصل

پشتهٔ مذکوره غربیاً پیوستهٔ قریهٔ درزی کلاتهٔ مذکور جنوبیاً پیوستهٔ املاك مذکور شیخ علی مذکور شمالیاً پیوستهٔ کوچهٔ غیر نافذه که ممر خاص سراجایگاه مشهور شمس الدین زنگیا است که مستثنی خواهد شد درین مسطور و سوی یکنصف مشاع از تمامی دو قطعه املاك یکی مشهور رست باملاك حسن بامنی و دیگری مشهور رست باملاك حجام که در تصرف ملکیت فصاحت شعاری خواجه نصیر الدین محمد بن خواجه شیخ محمد مذکور است و از کثرت شهرت از تحدید مستغنی اند و سوی سراجایگاه مشهور شمس الدین زنگیا که مذکور شد و از کثرت شهرت نیز از تحدید مستغنی است و سوی المستثنیات الشرعیه کالطرق و السکك و حقوق سعی المسلمین المعلوم بینهما بثمن معین مقرر یوم البیع بتقویم عدول عارفین المبلغ شش هزار و هشتصد و پنجاه دینار کپکی نصفه سه هزار و چهار صد و بیست و پنجدینار که هر ده دینار از آن یك مثقال و یکدانگ مثقال نقرهٔ مسکوکهٔ مضروبهٔ شهر روان بلد مذکوره است و این عالیجناب مشتری مشار الیه مبیعات مذکورات را سوی المستثنیات المذکوره ازین بایع مذکور خریده است بثمن مذکور و تمام ثمن مذکور را تسلیم بایع مذکور نمود و او اخذ و قبض نموده مبیعات مذکورات را تخلیه کرده مفرغاً عن الموانع بتصرف مشتری مشار الیه باز گذاشت و او اخذ و تصرف ملکی کرد و باسایر املاك مقبوض خود منضم گردانید و بینهما تسلیم و تسلم و قبض و اقباض شرعاً بحصول پیوست .

وکان ذلك فی الخامس و العشرین من شهر جمادی الاول
سنة ثمان و ثلث و تسعمائه من الهجرة النبویة علیه السلام.

[در بالا و ذیل و حاشیهٔ سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

وضح مضمونه بالاعتراف لدی.

وضح مدلوله کما شرح عندی. [جای مهر][1]

وانا العبد غیاث الدین علی بن بهرام عفی عنهما.

۱ــ مهر گرد ناخوانا .

حرره العبدالفقیر الی‌الله‌الغنی فخرالدین...دراز گیسوالحسینی‌سترعیوبه .

[مهری گردناخوانا]

هذالمضمون به‌اقراری‌کاتب العبد عبدالرحیم‌بن سیدمحمد.

شهد بمضمونه محمدبن حسن جلیل .

بشهادة سید حسن ...الحسینی .

شهد علیه ناصرالدین محمد شطابادی .

شهد بمافیه عزالدین‌علی‌بن‌محمدجلیل .

شهد بمضمونه حرره‌العبد حافظ‌باغنوی. [مهری‌گرد ناخوانا]

شهد بمضمونه عمادالدین . . . . محمود .

شهد بمضمونه العبد ابورضا حسن‌بن علی .

شهد بمضمونه العبد علی‌رضابن جمال‌الدین محمودآزادی .

۳

سندمبایعهٔ مورخ ۹۵۴ ه . ق .

در این‌سند مولانا شیخ محمدولد مولانا علی وکالةً ازقبل‌سیده رقیه‌بیگم تمامی‌وهمگی نه‌سهم‌شایع‌کامل ازمجموع‌قریهٔ‌علوی‌کلاته از جملهٔشانزده سهم‌را به‌امیر سیدکمال‌الدین ابراهیم الحسینی به مبلغ‌دو تومان تبریزی معمول خراسان فروخته است .

باعث برتحریر این صحیفهٔ ملیه‌آنست که‌بعد ازآنکه‌وکالة جناب فضایلمآبی تقوی‌شعاری مولانا شیخ محمد ولدمرحومی‌مولانا علی . . .[1] از قبل حضرت سیدهٔمعظمهٔ مکرمه تاج‌العفایف والمخدرات اسوة‌الخوانین‌والمستورات مرکز دائرهٔ عصمت و طهارت قدوهٔ دودمان‌سیادت ونقابت المختصة بمواهب‌الله الملك‌الدایم عصمة‌الدنیاء

۱ــ یك‌کلمه محو شده است .

والدین رقیه بیگم ابنة عالیجناب سیادت ونقابت پناه رفعت ومعالی‌دستگاهی زبدة اعاظم‌السادات‌والنقبا خلاصةالاکابر والنجبا مرحمت‌پناهی سیادت‌دستگاهی‌المستریح الی جوار رحمةالله الغنی امیرعمادالملة والتقوی والدین محمد الحسینی الفندرسکی بشهادة برادر بزرگوار حضرت مشارالیها وهو عالیجاه سیادت ونقابت‌پناه افادت و فضایل‌دستگاهی تقوی و ورع دثـاری محیط اوج عزت و اقبال قطب فلك فضل و افضال المخصوص‌بعواطف‌الله الملك‌المعلی نظاماً للسیادةوافتخار والفضیلة والتقوی والدین آمیرزاحسن‌الحسینی الفندرسکی وجناب‌فضائلمآب تقوی‌شعاری‌مولاناحسین استرابادی ولدمرحومی‌مولاناعلی کلاتی‌وفضائلمآب تقوی‌دثاری مولانااسمعیل‌سیدی ولد مولانا اللهداد باغبانی دربیع حصهٔ معینهٔ مذکوره مافی‌الذیل بثمن معین مذکورو قبض آن بوضوح انجامید بفروخت وکیل مذکـور بعالیجناب سیادت و نجابتـ دستگاهـی معالی‌القابی اعالی انتسابی فضایل وکمالات آثاری المنظو ربـانظارالله الملك القوی امیرسید کمال‌الدین‌ابراهیم‌الحسینی‌الأسترابادی ولد عالیجناب‌سیادت‌و معالی‌نصاب افادت وافاضت‌انتسابی فضیلت ومروت‌آثاری قـدوة العلماءِ والأشراف زبدةالاکابـر فی الاکناف امیرسید نظام‌الدین استرابادی و خرید عالیجناب مشتری مشارالیه ازآنچه نمود وکیل‌مذکور که حق وملك حضرت موکلهٔ مومی‌الیهـا بوده تا زمان این مبایعهٔ شرعیه بلامانـع و منازغ تمامت وهمگی نه سهم شایع‌کامل را از مجموع قریهٔ علوی کلاته ازجمله شانزده سهم که مشتمله است این قریـه برنهری‌که مشتق است از رودخانهٔ رستم‌کلاته و قنواة بایره و رسم طاحونـه و اراضی صالحهٔ زراعت و اشجار مثمره وغیرها سوی حقوق مسلمانان واقعه در ولایت استراباد در بلوك استرابادرستاق محـدود بدین حدود شرقیها بعضی متصل قریهٔ روستائی‌محله و بعضی متصل قریهٔ پشتاهنگ جنوبیها بعضی متصل قریـهٔ رستم‌کلاته و بعضی متصل قریهٔ چلابی غربیها متصل‌قریهٔ فوجرد شمالیها ملاحق قریهٔ پشتاهنگ باجمیع حدودو

حقوق و مضافات و منسوبات وملحقات و منضمات ذکـر فیه‌ام لم یذکر و اخلافها اوخارجاً عنها ضعفةً واحدة بمبلغ دو تومان تبریزی معمول خراسان که بیست هزار دینار موصوف بوده باشد وهرشصت دینار از آن بوزن یك مثقال و دو نخود وچهار دانگ نخودی است از جنس نقرهٔ سره مضروبهٔ مسکوکه که ثمن مثل و قیمت وقت بود مرساً مبیع مذکور را بتقویم مقوم عدل خبیر نصیر وحضرت موکلهٔ مذکوره با علم بقیمت مبیع مذکور از دعوی غبن‌وفساد بیع‌ابرای عام شرعی نموده و تعارض دربدلین بینهما محقق گشته و این مبیع مذکور باسایر املاك جناب مشتری مشارالیه ملحق ومنضم شد .

وکان ذلك بتاریخ۱۲ شهر محرم‌الحرام من شهور سنة **۹۵۴** .

[برحاشیهٔ سمت راست این سند عبارت زیر است :]

اعترف وئیلاالمتبایعین بعدوضوح وقالیهما بمانسب الیهمالـدی المذنب‌الراجـی علاءالدین‌بن ابرهیم الشریف الحسینی .

٤

سندمبایعهٔ مورخ ۱۰۴۲ ﻫ . ق .

دراین‌سندخواجه یادگارمحمدبن‌مرحوم‌خواجه‌محمدحسین بتکچی و خواجه میرزا بیگ‌بن‌مرحوم‌خواجه محمدمؤمن قریهٔ‌سوخته‌سرای کبودجامه را به‌مبلغ شش تومان عراقی به‌ملك‌حسن‌بن مرحوم ملك علی‌بیگ ناتلی وملك‌میرزامحمدبن ملك سلطان ناتلی وملك‌ولی‌-بیگ بن ملك شاه بیگ ناتلی فروخته‌اند .

هوالمالك بالاستحقاق

الحمدالله الذی قدانتظم امـور المعاملات بین‌الخلائق بالعقود المصححة الواضحة والصلوة والسلام علی سید البریة خاتم‌الانبیاء محمد المبعوث بالمعجزات اللایحة و

عترته واولاده المعصومین الذین طهرهم عن الرجس و اعطاهم الامامة اللامعة الراجحه وبعد غرض از تحریر این سطور شرعیه و باعث بر تسطیر این زبور ملیه آنست که بالطوع والاختیار دون الاکراه والاجبار بفروختند به بیع صحیح شرعی قطعی و بعقد صریح معتبر اسلامی عالیحضرات سعادت و رفعت پناهان عوالی و معالی دستگاهان خواجه یادگارمحمد ابن المرحوم المغفور المبرور خواجه محمدحسین بتکچی و خواجه میرزا بیگ ابن المرحوم المغفور المبرور خواجه محمد مؤمن به سعادت و رفعت پناهان عزت دستگاهان ملك حسن ابن المرحوم ملك علی بیگ ناتلی و ملك میرزا محمد ابن المغفور ملك سلطان ناتلی و ملك ولی بیگ ابن المبرور ملك شاه بیگ ناتلی همگی و تمامی کل قریۀ معروفه به سوخته سرای کبودجامه را که محدود است بدین وجه شرقیاً پیوستۀ به چهار درۀ کوه نشا غربیاً پیوستۀ به رودخانۀ خرمارود جنوباً پیوستۀ به تنگۀ طالب شمالیاً پیوستۀ به درۀ آقایورت باجمیع توابع ولواحق ومضافات ومنسوبات و ملحقات آن از اراضی وصحاری وعامره وغامره شرب ومشارب جداول وانهار مع که آب سنبیان زراعت شود ازهرچه ملکیت را شاید و درتحت تصرف و قید تملك درآید از طواحین وقنواة دایره وبایره وغیرذلك من القلیل و الکثیر والنقیر والقطمیر سطر فی هذه الصحیفة اولم یسطرمما ذکرفیه اولم یذکرسوای المستثنیات الشرعیة کالسکك و الطرق والمساجد والمقابر و حقوق سعی المسلمین المعلومة فیها با جمیع شرایط صحت و لزوم عقد بیع درومرعی خالی از شروط مفسده و عاری از قیود مبطله به ثمن مقرر معین یوم البیع المبلغ شش تومان عراقی النصف منه تأکیداً له و توضیحاً اياه مبلغ سه تومان رائج الوقت تبریزی عراق و این مشتریین مذکورین مبیع محدود موصوف مذکور را به ثمن مذکور خریدن[د]و تمامی ثمن مزبور را ایفا نمودند و بایعان مومی الیهم اخذ واستیفاء تمام ثمن مزبور نموده مبیع محدود موصوف مذکوررا ازملکیت خودتخلیه نموده بتصرف مشتریین مشارالیهم گذاشتندو

مشترین مشارالیهم قبض ملکـی و تصرف شرعی نموده با سایر املاك خود منضم گردانیدند و بینهما قبض‌واقباض و تسلیم وتسلم شرعی دربدلین مذکورین واقع شدو اسقاط جمیع خیارات نمودنـد سیماخیارالغبن ولـوکان فاحشاً و ضمان درك شرعی شدند بایعان‌مذکوران‌که عند خروج مستحق للغیرکلاً او بعضاً از عهدهٔ غرامت آن بیرون‌آیند ومبایعهٔ‌صحیحهٔ‌شرعیهٔ‌اسلامیهٔ شامله‌ایجاب‌وقبول شرعی‌واقع‌شدتا واضح بوده‌باشد.

وکان ذلك فی تاریخ ۲۲ شهرشوال‌ختم بالخیر والظفر والاقبال سنة اثنی واربعون والف‌من‌الهجرة النبویة المصطفویة صلواةالله‌تعالی سنة۱۰۴۲ .

[بر حاشیهٔ سمت راست وبالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

قبول‌است بدینموجب العبد یادگارمحمد ابن‌مرحوم خواجه‌محمدحسین‌بتکچی .

[جای مهر][1]

بدینموجب قبولست العبد میرزا بیگ ابن خواجه محمد مؤمن‌کبودجامه .

[جای مهر][2]

شهد بمافیه العبدالملك . [جای مهر][3]

بشهادت بیرام‌آقا شامبیاتی راهدار شارع خرمارود . [جای مهر][4]

بشهادت العبدالاقل خواجه مرشدقلی راقیانی. [جای مهر][5]

بشهادت ولی‌جان‌آقاء شام‌بیاتی راهدار شارع خرمارود . [جای مهر][6]

شهد بمافیه العبدالاقل محمدعلی‌ابن‌المرحوم میرحسین جهانمائی . [جای مهر][7]

۱ـ مهری‌چهارگوشهٔ‌کوچك باسجع: «یادگارمحمدبن حسین». ۲ـمهری‌گرد ناخوانا. ۳ـ مهری کوچك چهارگوشهٔ ناخوانا . ۴ ـ مهری‌کوچك گرد که نام «بیرام» برآن خوانده می‌شود . ۵ـ مهری گلابی‌شکل‌ناخوانا . ۶ ـ مهری کلاهکدارگرد باسجع: «عبده‌ولی‌خان». ۷ـ مهری شش‌ضلعی با سجع :«عبده‌الراجی محمدعلی».

بگواهی میرعزیز شهرابی. [جای مهر][1]

قدوقع البیع المذکور علی الوجه المسطور حرره العبدالاقل محمدمهدی ابن المغفور فخرالدین محمدظهیرمتولی الخسینی عفی عنهما . [جای مهر][2]

شهادت قاسم ولد حسن . . . [جای مهر][3]

شهد بمافیه المسطور علی الوجه المذکور العبد الأقل خواجه شاهسوار ابن المرحوم المغفور المبرور خواجه میرزاحسین میرشاهی . [جای مهر][4]

شهدبمافی العبدالأقل رستم ولد مرحوم . . . [جای مهر][5]

بسم الله الرحمن الرحیم

این مرقومهٔ قدیمه علائم صحت و اعتبار و آثار صدق و متانت دراو ظاهر و هویداست قد حرر فی ۲۷ ذی القعده من سنهٔ ۱۳۳۱ الأحقر .

[جای مهر][6]

---

۱ ـ مهری چهارگوشه که کلمات « میرعزیز » و « نجف » برآن خوانده مـی‌شود .
۲ـ مهری بادامی‌شکل باسجع «عبده محمد مهدی الحسینی » . ۳ ـ مهری‌هشت گوشه که کلمات «آل‌محمد» برآن‌خوانده‌می‌شود. ۴ ـ مهری بیضی که کلمات «شیخ‌شاه‌سوار» برآن روشن‌خوانده‌می‌شود. ۵ ـ «عبده‌رستم» برآن‌خوانده می‌شود . ۶ ـ مهری بیضی باسجع : «عبده‌العاصی‌الراجی حسین» .

۵

سندمبایعه مورخ ۱۰۴۹ هـ . ق .

دراین سندمیرزا بدیع‌الزمان حسینی به‌وکالت ثابته ازقبل زوجتان خود سه‌دانگ ازجملهٔ شش‌دانگ‌قریهٔ میرومحله رابه‌مبلغ‌چهارده تومان جدید فضی رایج عراق‌به‌مولانا قاسم‌علی ولد مرحوم ملك محمدحسین فیروزشاه فروخته است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدلله الذی احل البیع والشری وحرم الغصب والربوا و الصلوة و السلام علی سیدنامحمد و آله‌مصابیح الدجا وسلم‌تسلیماً کثیراً کثیرا اما بعد باعث بر تحریر این سطور شرعیه وغرض ازتسطیر این زبور ملیه آنکه بفروخت عالیحضرت سعادت و نجابت‌پناه عزت‌ومعالی‌دستگاه‌نتیجةالسادات‌العظام والنقباءالکرام میرزا بدیع‌الزمان الحسینی الشیرنگی بوکالة ثابته از قبل زوجتان خود وهی عصمت‌پناه و عفت‌ـ دستگاه معظمهٔ مکرمهٔ مخدره تاج‌المستورات‌والمخدرات تبرك‌خانم بنت سیادت و مرحمت‌پناه مغفرت و رضوان‌دستگاه میرضیاءالدین محمد الحسینی الشیرنگی و عفت‌پناه عصمت دستگاه بلقیس‌مکانی خدیجة الدورانی فخرجهان خانم‌بنت مغفرت‌ـ پناه مرحمت‌دستگاه میرکن‌الدین‌محمدالحسینی‌الشیرنگی بجناب رفعت و معالی ـ پناه سراجا مولانا قاسم علیا ولد مرحوم ملك محمدحسین فیروزشاه همگی و تمامی سه دانگ از جمله شش دانگ قریهٔ موسومهٔ مدعوهٔ میررومحله را که واقع است در بلوك استراباد رستاق من اعمال دارالمؤمنین استراباد و محدود است بحدود اربع علی ماذیل شرقیاً پیوستهٔ رودخانهٔ ترنگ غربیاً پیوستهٔ قریهٔ چوپالانی جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ اشتامهین خالصه شمالیاً پیوستهٔ جادهٔ قریهٔ ترنگ باجمیع مضافات و بیوتات وملحقات آن‌اراضی عامره وغامره ومجاری میاه وعیون وقنوات وحق‌آبه و

مواضع طواحین وتوتستانوملیاراستان وغیرذلك واز هرچه ملکیت‌را شاید ودرتحت تصرف وقید ملکیت درآیدواخلافها وخارجاً عنها من‌القلیل‌والکثیر والنقیر والقطمیر مما ذکرفیه اولم یذکرسطرفی مدالصحیفه‌اولم سطر به‌بیع بات ثبات‌جازم لازم قطعی یکبار با جمیع شرایط صحت غور بیع درومرعی خالی از شروط مفسده وعاری از قیود مبطله بقیمت مقومـان عـدل ذوی‌البصیره بـه‌ثمن مقرر مشخص یـوم البیع المبلغ چهارده تومان جدیـد فضی رایج عراق نصفه توضیحاًله هفت تومان رایـج مذکور واین جناب سیادت ونجابت‌پناه بایع مشارالیه بوکالـة نایب‌الوکاله زوجتان مذکورتان خوداخذ واستیفاء تمام‌ثمن‌مزبورنموده مبیع محدودو موصوف‌مذکوررا از ملکیت موکلتـان خـود تخلیه نموده بتصرف مالکانـهٔ مولانا قاسم علی مشتری مذکورگذاشت ومشتری مذکورقبض ملکی وتصرف شرعی نموده باسایراملاك‌خود منضم‌گـردانید و اسقاط جمیع خیارات‌نمود سیما خیارالغبن ولوکان فاحشاً اوافحش ... مسطورهٔ مذکوره میانهٔ دو نفر بدیع‌الزمان .... بالمناصفه بود .

وکان‌ذلك فی غرة شهررجب‌المرجب سنة ۱۰۴۹ .

[برحواشی بالا و راست این سند عبارات زیرنوشته شده‌است :]

وقع‌البیع المذکور واخذالمبلغ تماماً بعدثبوت‌الوکالة عندی العبدرفیع‌الدین محمد الخادم الحسینی. [جای مهر][1]

هو

وقع بیع‌المذکور مع اخذالثمن علی‌النهج‌المسطور . [جای مهر][2]

هو

اعترف‌السید السند الحسیب بجمیع ماسطرفیه نمقه . [جای مهر][3]

۱ــ مهری بیضی‌کوچك ناخوانا . ۲ــمهری گردکه‌کلمات «افوض‌امری الی‌الله الغنی عبده ابن . . . شفیع» برآن‌خوانده‌می‌شود . ۳ــ مهری‌بیضی‌کوچك ناخوانا .

برینموجب قبولست العبدبدیع‌الزمان الحسینی . [جای مهر][1]
مضمون مسطور بیان واقع است العبدمحمد صالح . [جای مهر][2]
مضمون مسطور بیان واقع است العبد . . . [جای مهر][3]
شهد بمضمونه العبد الاقل عیسی‌الحسینی . [جای مهر][4]
[باشهادت چند تن‌دیگر ازشهود برحاشیهٔ سمت‌راست که بیشتر بدخط وناخواناست].

۶

سندمبایعهٔ شرطی مورخ ۱۱۱۹ هـ . ق .

دراین سندقربانعلی ولدمرحوم ابراهیم‌رغدی‌ساکن‌قریهٔ تلوکلاته یك سهم از جملهٔهفت‌سهم‌از نیمدانگ ازکل قریهٔ تلوکلاته را به مبلغ یك‌تومان و پنجهزاردینارعراقی به میر غیاث‌الدین محمدبن میرکمال‌الدین محمد فروخته است .

بفروخت به‌بیع‌شرط نه ماه . . . یوم سعادت نصاب قربانعلی ولد مرحوم ابراهیم رغدی ساکن قریهٔ تلوکاته بجناب سیادت و نجابت‌پناه عزت و عوالی دستگاه میرغیاث‌الدین محمد ابن مرحمت و غفران‌پناه میرکمال‌الدین محمد همگی و تمامی یکسهم از جمله هفت سهم از نیمدانگ از کل قریهٔ معروفهٔ تلوکلاته که از کثرت و شهرت و تفرداسم مستغنی است از تحدید با جمیع مضافات از آبحصه‌و ... حصه و چشمه و رودخانه‌وغیرذالك و همگی وتمامی ۲ دانگ از جمله چهاردانگ‌حق‌الحفر رعیتی از کل یك رشته قناة واقعه در قریهٔ مرزبانکلاته و مشهوراست بقنات ابراهیم‌رغدی با جمیع مضافات ازپشت وپیشان وخشکام وآبکام وحریم و غیرذالك ما ذکراولم یذکر بثمن‌المقرر یوم‌البیع المبلغ یکتومان پنجهزار دینار عراقی نصفه

۱ــمهری کوچك چهارگوشهٔ‌ناخوانا . ۲ ــ مهری گرد که کلمات«محمدصالح» برآن خوانده‌می‌شود. ۳ــ مهری‌چهارگوشهٔ‌ناخوانا. ۴ ــ مهری بیضی‌ناخوانا .

بیاناًلاصله هفت‌هـزار وپانضد دینار رایج مزبور که درحین‌وقوع مبایعه از ید مشتری مشارالیه اخذوقبض نموده ودرضمن عقد مبایعه بینهما شرط شرعی‌شد هرگاه‌ازتاریخ تحریر تاسع عشر شهر ذی‌الحجةالحرام سنهٔ ۱۱۱۹ الی انقضای مـدت مزبوره در ظرف ایام خیار را تمام ثمن بسوی مشتری سابق‌الذکر نماید مسلط بر فسخ مبایعـه بوده باشد والامبیع موصوف را تسلیم نماید وبعد ذالك باجـارهٔ شرعیه قبول نمود بایع مومی‌الیه حاصل و منافع مبیع موصوف را ازجناب مشتری مشارالیـه بمقدار یکخروار وبیست من شالی بوزن بلده نصفه سی من مقرر آنکـه بـدل اجاره را در انتهای موعد درقریهٔ مزبوره بلاعذر تسلیم و مهمسازی نماید وصیغهٔ شرعیه بعربی و فارسی بینهما جاری‌گردید .

تحریـراً ۱۹ شهر ذی‌الحجةالحرام سنة ۱۱۱۹
من‌الهجرة الـنبویة المصطفویة علیه‌الف‌الف .

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این سند مطالب زیر نوشته شده است :]

بسم‌الله خیرالاسماء

وقع‌البیع و قبض‌الثمن تماماً و قبول‌الاجارة کمازبزفیه عندی . [جای مهر][1]
بتاریـخ بیست وچهارم شهر رمضان‌المبارك . . . هدایت و نقابت دستگاه میر-غیاث‌الدین بن‌محمد ... واخبار داد بایع مذکور راکه هرگاه ازحالتحریر لغات‌مدت نه‌ماه‌دیگرردکل‌مثل‌ثمن‌دفعهٔ واحده‌بسوی‌جناب‌مشتری‌مشارالیه ردنمایدمسلط نموده باشد برفسخ مبایعهٔ مزبوروالابیع‌لازم وخیار ساقط وفسخ ممتع بوده‌محتاج به بیع جدید نبوده باشد وکان ذلك بتاریخ المزبور الفوق سنهٔ ۱۱۲۰ . [جای مهر][2]

۱ ــ مهری‌چهارگوشهٔ‌بزرگ‌باسجع : «الواثق‌بالولی‌المبدء عبده‌المعبد محمدمفید» .
۲ ــ مهری چهارگوشه باسجع : « الواثق بـالولی المبدءعبده‌المعبد محمد مـفید »

اقر بالبیع المشروط فیه وباخذالثمن و قبول‌الاجاره ... زبرفیه فی‌الکتاب لدی نمقه میرزا محمد .

وقع‌البیع‌واقربقبض‌الثمن والاجاره العبدمحمد قاسم . [جای‌مهر][1]

هو الشاهدین علی ذلك حاجی محمدتقی سیری .

هو وقع البیع‌واخذ الثمن ...کماسطرفیه ... العبدالاقل سیدمحمد مقیم .

[جای مهر][2]

هـو

اقر بالمبایعه المشروط فیها آخذاثمنها اعترف بقبول الاجاره حسبما سطر فیه لدی نمقه‌العبدالجانی. [جای‌مهر][3]

وقع البیع واخذ الثمن والاجاره کماسطر ... العبد الاقل میرزابیگ غلام .

[جای دومهر][4]

وقع البیع واخذالثمن تماماً وقبول‌الاجاره حسبما زبرفیه لدی العبدالجانی .

[جای‌مهر][5]

۱ ـ مهری بیضی بزرگ ناخوانا. ۲ـ مهری چهارگوشه باسجع: «وجنات‌فیها نعیم مقیم» . ۳ ـ مهری‌بیضی وناخوانا . ۴ ـ مهری چهارگوشه باسجع : «عبده میربیگ» . ومهری چهارگوشهٔ کوچك باسجع: «محمدعلی» . ۵ـ مهری‌چهارگوشه باخط طغراکه کلمهٔ «محمد» برآن خوانده می‌شود.

۷

سندمبایعهٔ مورخ ۱۱۲۳ هـ . ق .

دراین‌سند ملك‌زاده قلیچ ناتلی یك‌ثلث ازیك‌دانگ از شش‌دانگ قریهٔ سوخته‌سرای را به مبلغ یك تومان وپنجهزار دینار تبریزی به‌آقا عبدالمطلب ولد قلندربیگ ناتلی به‌بیع قطع فروخته است .

مطلب از تحریر این سطور مبرا ازقصور آنست که حاضر شد به‌محکمهٔ محکمهٔ قلعهٔ مبارکهٔ دارالمؤمنین استراباد ملك‌زاده قلیچ ناطلی بفروخت بمبایعهٔ قطعیهٔ صحیحهٔ شرعیه در حالی که شاهد تعریف او بود حضرت نجابت و رفعت و معالی‌پناه عزت‌و محمدت وعوالی دستگاه حاج‌الحرمین‌الشریفین زایر بیت‌الله‌الحرام کهف الحاج والمعتمرین حاجی محمدموسی حاجیلر و تصدیق نیز نموده بود که درجانب . . . همگی وتمامی ثلث ازیك دانگ ازشش دانگ از کل قریهٔ مشهورهٔ معروفه بسوخته‌سرای را مالك است و در ید تصرف خود دارد و حق طلق او است برفعت و معالی‌پناه آقا عبدالمطلب ولد قلندربیگ ناطلی ثلث یك دانگ از شش دانگ ازکل قریهٔ مزبوره را با جمیع توابع ولواحق و مضافات و منسوبات از تلال و جبال و اودیه وانهار وغیر ذلك عن‌آنچه ملك را شاید وانتفاع توان یافت مما ذکر فیه اولم یذکر وسطر فیه اولم یسطر بثمن مشخص معین الی یوم البیع المبلغ سی تومان تبریزی فضی رایج نصفه، بیاناً للاصل وتوضیحاً لایاه یك تومان وپنج هزار دینار تبریزی رایج موصوف و صیغهٔ مبایعهٔ صحیحهٔ شرعیه فیمابین بایع و مشتری مزبورمشتمل بایجاب وقبول شرعی‌فیمابین واقع‌وجاری‌گردید وبایع مزبور اخذ و ایفای تمام ثمن از ید مشتری نموده مبلغ مزبور را از ید تصرف خود تخلیه نموده بتصرف مالکانهٔ مشتری مومی‌الیه داد و بایع مومی‌الیه اسقاط جمیع خیارات سیما خیارالغبن ولوکان فاحشاً بل أفحش نمود و بعد ذلك دعوی غبن آن را بایع

مزبور بامشتری مزبور به‌مبلغ‌دوهزار دینارتبریزی‌فضی‌رایج مصالحهٔ صحیحهٔشرعیه نمودومرة بعداخری‌دانسته وفهمیده وعاملاً بالکمیه‌والکیفیة دعوی‌غبن‌غبن‌غبن مبیع مزبور رابمبلغ‌یکهزاردینارتبریزمصالحه‌نمود وبدلین مزبورین نیزدرمجلس مبایعه‌و مصالحه بـه معرفت مشتری مسطور واصل بایع مذکور شد و مجموع اصل ثمن و مال‌المصالحتین کـه‌کل مبلغ سه تومان و سه هزار دینار تبریزی بوده باشد باقباض مشتری واصل شد وضمان‌الـدرك عند خروج المبیع مستحقاً للغیر کلاً اوبعضاً عینیةً او منفعةً علی من علیه بموجب شریعت غرا ثابت و مقرراست .

وکان ذلك بتاریخ ۵شهر ذیحجة الحرام من شهورسنة ثلث و عشرین ومأة بعدالالف من‌الهجرةالنبویةالمصطفویة علیه‌الف‌الف سلام و الثناءوالتحیة.

[بر حاشیهٔ بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

مبایعهٔ مزبوره‌وقبض‌ثمن ومصالحتین مزبورتین واخذ بدل‌مصالحتین‌تماماًمع‌ضمان‌ـ الدرك از مالمزبور درحضور داعی دوام دولت قاهره واقع شد نمقه‌العبد.

[جای مهر][1]

شهد بمافیه خانقلی‌حاجیلر. [جای‌مهر][2]

شهد بمافیه میرولی قلیچی . [جای مهر][3]

شهد بمافیه محمدعلی شامبیاتی . [جای مهر][4]

شهد بمافیه العبد میرك‌سلطان . [جای مهر][5]

شهد بمافیه ایوزخان‌رامیانی . [جای مهر][6]

---

۱ ــ مهری چهارگوشهٔ‌بزرگ باسجع: «افوض امری الی‌الله عبده محمدمفید۱۱۲۱» .

۲ــ مهری چهارگوشه باسجع : «عبده خانقلی» . ۳ــ مهری چهارگوشه‌که‌کلمات«عبده میرمحمدولی» برآن خوانده می‌شود. ۴ــمهری چهارگوشه باسجع: «الله محمدعلی» .

۵ ــ مهری چهارگوشه باسجع : «لااله‌الاالله » وکلمات «خاك ، علی، مه ، سال ، است»

۶ــ مهری بیضی باسجع : «عبده عوض» .

هو اقر بمافیه لدی العبد سید علی الینگانی. [جای مهر][1]

شهد بمافیه حسین‌علی‌بك شامبیاتی . [جای مهر][2]

شهد بمافیه محمدیوسف غلام . [جای مهر][3]

۸

سندمبایعهٔ مورخ ۱۱۲۶ ه . ق .

در این سند محمدبیگ ولد محمدکاظم‌خان پنج‌دانگ ازجملهٔ شش دانگ ناورمشهور به‌تو تجنگل و پنج‌دانگ‌از شش‌دانگ ناورهای مشهور به قرابیان‌واقع درقریهٔ‌سنگدوین را به‌میرزا محمدابراهیم ولدمیرابوطالب موسوی فندرسکی به‌بیع‌قطع فروخته است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدلله‌رب‌العالمین‌والصلوة‌والسلام‌علی‌خیرخلقه‌محمدوآله‌اجمین امابعدباعث برتحریراین‌رقیمه آنکه بفروخت‌بمبایعهٔ‌صحیحهٔ‌شرعیه‌عا[لیجاه]رفیعمقدارو الاتبار... اعاظم‌آثارمقرب‌الحضرت‌العلیه‌العالیه‌آقایامحمدبیکاولدمرحمت‌وغفران‌پناه‌محمدکاظم خان بجناب عالیحضرت سیادت و نجابت ومعالی‌پناه عزت‌ومکرمت وعوالی‌دستگاه سلاله‌السادات‌والنجبائی‌میرزا محمدابراهیم[4] ولدمرحمت‌وغفران‌پناه میرزاابوطالب موسوی فندرسکی پنجدنگ از جمله شش‌دانگ ناورمشهور به‌توتجنگل‌وپنجدنگ ازجمله شش‌دنگ ناورهای مشهوربقرابیان که واقعند بقریهٔ سنگدوین‌وغیره باجمیع

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده علی‌الحسینی». ۲ ـ مهری چهار گوشه‌باسجع : «حسینعلی شفیع‌توباشد ۱۱۲۰». ۳ـ مهری بیضی‌کوچك با نام : «محمد یوسف» .

۴ ـ مهری مستطیل شکل باسجع : «الله محمد علی عبده محمد ۱۱۰۹».

ما یتعلق‌بها از آنچه ملکیت را سزد وشاید بموجب حدودی [... چند کلمه محذوف است] بایع‌معزی‌الیه بوده وپنجدانگ ازهریك بامشتری مومی‌الیه بوده باشد بمبلغ پنجاه تومان نصفه بیست‌وپنج تومان تبریزی.

حــــــــــــــــد

نـاور تـوتجنـگل

جنوبیـــــــه	شرقیـــــــه
شاهمرزی کـه ازسربندبـدران کشیده بسامان‌کافردوین متصل است بـالای شاه‌راه	شاهمـرز قریـهٔ کافـردویـن
شمالیـــــــه	مغربیـــــــه
سـیاهجـو	نهرگـرجـی‌وال تا بنـد آبـدنگ مقصودبیگ مشهور بـه‌بیدجنـگل

حــــــــــــــــد

نـاورقـرایـان

جنوبیـــــــه	شرقیـــــــه
رودخـانـهٔ سیاهجـو	سـامـان اجلـو
شمالیـــــــه	غـربیـــــــه
رودخـانـهٔ قـراتیکن	قاریشوق‌رودخانهٔ قراتیکن وسیاه‌جو

بوده باشد مشروط‌به‌آنکه عالیقدربایع‌بهیچ‌وجه من‌الوجوه بااخراجات ملکی‌ناور‌ـ های مذکور مثل بستن ناور وساختن مسیل‌وحفرانهارادش‌وغیره مطلقاً رجوعی‌نبوده تمامی بامشتری بوده باشد و اخراجات دیوانی مثل مالوجهات واخراجات ایلچی و ولیمحمدخان وغیره که بقریهٔ‌سنگدوین‌حواله‌میشود تمامی باعالیقدربایع معزی‌الیه که

مالك قريهٔسنگدوين است بوده باشد که مطلقاًمشتری مشار اليه‌را رجوع نبوده‌باشد و بعلت پنجدنگ نـاور از اخراجات [نباید] دیناری ازو مطالبه شود وچون‌یکدانگ عالیقدر معزی‌الیه مخلوط‌است بهرجزئی از اجزای‌کل پنجدنگ متعلق بمشتری که منفك ومنقسم نمیتواند شد لذا آنچه حاصل ناورهای مذکورشد ازجمله شش‌دانگ یکدنگ برینموجب ازهریك تعلق

صـد خـروار	سی و پنـج خروار	بیست خـروار	صدوسی خـروار
ازقسمتی‌بیست‌من	ازقسمتی پنجاه‌دینار	از قرار خـروار	و عدس خرواری
بـوزن فنـدرسك	۵۰	فندرسکی یکمن	بـوزن فنـدرسك
۲۰		بـوزن فندرسك	۵
		۵	

با عالیقدر بایع معظم‌الیه دارد و آنچه حاصلی‌که غیراینها به‌عمل آید مثل ابریشمو مواشی وغیره اگـرمالك پنجدنگ بازیافت نماید ازآنچه بازیافت نماید یك دنگ باعالیقدر بایعمذکوراست وتتمهٔ محصولات مفصلهٔ فوق وغیره باعالیحضرت مشتری مرمی‌الیه است بشرایط مسطوره صیغهٔ بیع وشرابینهما جریان یافت و عالیقدر بایع معظم‌الیه تمامی‌مبلغ را ازید مشتری اخذ نموده وناورهای مذکوره را ازاملاك‌خود تخلیه نموده بتصرف مالکانهٔ مشتری مشارالیه داده و او نیز تصرف مالکانه نمودکـه سال بسال درسرخرمن ازآنچه حاصل زراعت بعمل‌آمده باشد بموجب تفصیل فوق رسد عالیقدرمعزی‌الیه را تسلیم‌گماشتهٔ ایشان نموده قبض بازیافت‌نماید وضمن‌العقد شرط‌شدکه هرگاه مشتری خواسته باشدکه ازرودخانهٔ دهنه نردبان آبی ازهرجاکـه خواسته‌باشد بیاورد احدی مزاحم‌آن نشود مشروط بآنکه ضرری‌وتعرضاتی‌بزراعت و قنواة وغیره سنگدوین نرساند زاینده وفاضل‌آب نهرگرجی وآب رودخانهٔ دهنه‌ـ نر[د]بان‌که داخل نهرمذکور شود ازبالای سامان مشتری‌که بند جنگل است سوای

زراعت غله وعدس و ماش درسمت مشرقی نهرمذکورننمایندکه مطلقاً زراعت‌شالی نشود ودرتحت‌سامان که بندجنگل است مشتری‌مومی‌الیه هرگاه خواسته‌باشد بندبسته بجهة سرکوب ناور ازهرجا مختاراست.

کان‌ذلك تحریرا فی‌تاریخ غـرهٔ شهر ربیع‌الاول
یونت‌ئیل‌سنهٔ هزاروصدوبیست‌وشش‌سنهٔ ۱۱۲۶.

[محل مهر][1]

[برحاشیهٔ سمت‌راست این سند، شهودچنین نوشته‌اند :]

شهدبمافیه العبدملامحمد سنگدوینی. [مهری بیضی وناخوانا]

شهدبمافیه العبد جانعلی سنگ‌دوینی [جای مهر][2]

شهدبمافیه العبدملك شاه‌حسین سنگ‌دوینی. [جای‌مهر][3]

شهدبمافیه العبدمحمدقلی آقافردوسی . [جای‌مهر][4]

شهدبمافیه العبد علیرضای علی‌آبادی . [جای مهر[5]

هو شهدبمضمونه‌المسطور العبدالاقل‌گرگین . [جای مهر][6]

هو شهدبمضمونه‌المسطور العبدالاقل‌زال . [جای مهر][7]

۱ ــ مهری مستطیل باسجع : «الله‌محمدعلی عبده‌محمد ۱۱۰۹» . ۲ ــ مهری‌شش گوشه باسجع : « جانعلی‌سنگ‌دوینی ۱۱۲۲». ۳ــ مهری‌چهارگوشه بانام«شاه‌حسین سنگ دوینی» . ۴ ــ مهری چهارگوشه باسجع : «بنده شاه دین محمدقلی» . ۵ ــ مهری چهارگوشه باسجع : «یا امام علی‌بن‌موسی‌الرضا ۱۱۲۲» . ۶ ــ مهری چهارگوشه باسجع: «افوض امری‌الی‌الله عبده گرگین ۱۱۱۷». ۷ ــ مهری‌چهارگوشه که‌کلمهٔ «زال» برآن خوانده می‌شود.

۹

سند مبایعهٔ مورخ ۱۱۲۹ هـ . ق.

در این سندمیرزا عبدالحمید ولدمرحوم میرزا محمد فندرسکی به وکالت زوجهٔ دائمهٔخود سیده حلیمه‌خاتون ، یك‌دانگ‌ونیم‌قریهٔ کیاب‌سر و یك دانگ‌و نیم قنات مازوستان و یك دانگ‌ونیم ازهر رشته قنات واقع درمزرعهٔ مابین فندرسك و یك‌دانگ‌ونیم ازقریهٔ خسرو آبادو یك دانگ‌و نیم‌مزرعهٔ طالب‌آباد وسه‌دانگ قنات‌حاجی قاسم را به‌میرزا حبیب‌الله و میرزا بدیع‌الزمان فرزندان مرحوم میرزا محمد فندرسکی باجمیع توابع و لواحق به‌بیع‌قطع فروخته است .

الحمدلله‌الذی‌احل‌البیع‌والشری‌وحرم‌الغصب والربو اوصلی‌الله‌علی‌محمدوآله‌مصابیح الدجی وسلم تسلیماً‌کثیراً کثیرا وبعد مقصود ازتحریراین سطور شرعیة القواعد و الارکان آنستکه فروخت ببیع‌صحیح‌شرعی جازم‌لازم طوعاً ورغبةً‌لااکراه و اجباراً سیادت ونجابت‌پناه میرزا عبدالحمید ولدمرحوم میرزامحمد فندرسکی‌بوکالت‌زوجهٔ دائمهٔ خود هی‌لمسماة السیده حلیمه خاتون بنت‌المرحوم میرزا ابوطالب فندرسکی بسیادت‌ونجابت‌پناهان میرزاحبیب‌الله ومیرزابدیع‌الزمان ولدان مرحوم میرزا محمد فندرسکی‌همگی‌وتمامی‌قری‌ومزارع‌مفصلهٔ‌ذیل‌راباجمیع‌توابع‌ولواحق‌ازقنوات‌دایره وبایرهٔ‌وحق‌الارض‌قنوات‌وغیره وطواحین وآبدنگ‌ومجراءالمیاه وملیاراستان‌وناور

قریه	قناة	قنوات
کیاب سرازجملـه شش	مشهوربقناةمازوستان‌واقع	واقـع در مزرعـهٔ پائین
دانگ‌تمام‌قریهٔ مذکـور	درآب کله که مالکان سابق	فندرسك که معروف‌بایع‌و
یکدانگ‌ و نیـم	بمالك قریهٔ مزبوربملکیت	مشتری است کـه بشرح

	داده‌اند ودر . . . مزبور زراعت‌میشود یك‌دانگ‌و نیم	ایضاً مالکان سابق حقابهٔ قریهٔمزبوروضع نموده‌اند ازهریك ازدو رشته یك دانگ‌ونیم

قریه	مزرعه	قناة
خسروآباد از جمله شش دانگ تمام قریهٔ مذکور یك دانگ ونیم	طالب‌آباد بایکدانگه‌حق‌الارض قنوة مشهور بقناة سپردوزان یك‌دانگ ونیم	مشهور بقناة حاجی قاسم واقع در مزرعهٔ مذکور ازحق‌الارض و حق‌الحفر سه دانگ از جمله شش دانگ

وتوت‌استان واشجار مثمره وغیرمثمره عن‌آنچه ملکیت را شاید وسزد ودرقیدتملك درآید وانتفاع توان‌یافت مماذکرفیه‌اولم‌یذکر ومماسطرفیه‌اولم یسطر بثمن مشخص معین‌الحاضر المبلغ نودتومان عراقی فضی‌رایج‌المعامله النصف منه تأکیداًللاصل‌و توضیحاًایاه‌چهل‌وپنج‌تومان‌رایج مزبور بخریدندجناب مشتریان سابق‌الالقاب‌مبیعات موصوفات مفصلهٔفوق را از وکیل مسماةسیدهٔ مزبوره وایفاء تمام ثمن درمجلس‌بیع نمودند وبایع مومی‌الیه‌وکالةً اخذ واستیفاء تمام ثمن ازیدمشتریان مزبوران نمود مبیعات مزبوره را از ملکیت مالکانهٔ موکلهٔ خود تخلیه وبتصرف مشتریان مزبوران داده و ایشان نیز قبض ملکی و تصرف شرعی نموده با سایر املاك و رقبات خود منضم‌گردانیدند وبینهم‌قبض واقباض‌وتسلیم وتسلم دربدلین‌واقع‌شد ثانیاًوکیل بایعهٔ مزبوره بامشتریان مشارالیهمادرمقام دعوی‌غبن مبایعهٔ مزبوره درآمده بعدازگفتگو و نزاع جمعی‌ازمؤمنین‌اصلاح کیش‌فیمابین واسطه و دعوی‌غبن مزبور را بمبلغ‌هشت تومان عراقی نصفه‌بیاناً له چهارتومان‌صلح‌وبدل‌مصالحه بمعرفت‌بایعان‌مذکوران‌تسلیم وکیل‌مشترایهٔ مسفوره شد وثالثاً نیزوکیل مسماة بایعهٔ مسفوره با مشتریان مذکوران

نزاع ودعوی غبن مبایعهٔ مزبوره نموده آن نیز بتوسط جمعی از مصلحین بمبلغ دو تومان عراقی نصفه بیاناً له و توضیحاً ایاه یکتومان رایج مزبور صلح صحیح شرعی نموده قاطع کل خصومات و دعاوی شد و بدل مصالحین بانضمام اصل ثمن که مجموع مبلغ یکصد تومان عراقی بوده باشد بمعرفت مشتریان مذکوران و اصل و تسلیم موکلهٔ بایعهٔ مسفوره شد صلحاً صحیحاً شرعیاً اسلامیاً و صیغ شرعی بقانون شریعت بیضا بعربی و فارسی جریان یافت.

کان ذلك فی تاریخ سابع شهر رجب المرجب من شهور سنة تسع و عشرین ومائة بعد الألف من الهجرة النبویة المصطفویة صلی الله علیه وسلم الف الف الف الف التحیة والثنا سنة ۱۱۲۹ .

[جای مهری بیضی شکل ناخوانا]

[برحواشی این سند عبارات زیر خوانده می‌شود :]

هو شهد بما فیه العبد سعدالله الموسوی.

هو وقع البیع حسبما سطر فیه بعدما استفاد وکالة البایع المشار الیه من شهادت السادات النجبا المعزی الیهم لدی العبد . [جای مهر] [1]

هو وضح وصح مدلوله بمحضری العبد الباری محمد اسمعیل الأنصاری .

[جای مهری ناخوانا]

هو من المطلعین علی ذلك البیع ابن محمد حسین یحیی الخادم. [جای مهر][2]

هو

وقع البیع والصلح حسبما زبر فیه بمحضری... لایخفی ان وکالة البایع مستفاد من شهادة

---

۱ ــ مهری چهارگوشه باسجع : «عبده فضل‌الله الموسوی ۱۱۱۸» . ۲ ــ مهری چهارگوشه باسجع «من عبده ... یحیی الحسینی ۱۱۲۳».

السادات النجبا السید محمد ابراهیم والسید سعدالله و مولانا کرمعلی والشیخ محمد سعید والسید محمدحسین. [جای پنج مهر][۱]

وضح‌وصح مدلوله‌لدی حرره محمدحسین الخادم . [جای‌مهر][۲]

انامن‌الشاهدین بذلك . [جای دومهر][۳]

هو اقر البایع‌المدعی للوکالة بمافیه‌لدی العبد الطالح حسین‌بن صالح .

[جای‌مهر][۴]

صح‌مضمون‌الکتاب باخبارجماعة من‌الکلامهم. [جای مهر][۵]

هو

اعترف‌السیدالنجیب بالبیع‌وقبض‌الثمن تماماً وقوع‌المصالحین واخذبدلهابعدثبوت الوکالته‌لدی العبد. [جای‌مهر][۶]

---

۱ ـ مهر اول بیضی باسجع : «عبده مفیدالموسوی» . مهر دوم بیضی باسجع : «عبده مرتضی‌الموسوی». مهرسوم‌چهارگوشه باسجع: «افوض امری‌الی‌الله عبده‌سیدعبدالله ۱۱۲۵» . مهرچهارم بیضی باسجع: «عبده شیخ‌محمد رضا». مهرپنجم‌بیضی‌باسجع: «عبده‌مفیدالموسوی».

۲ـ مهری چهارگوشه باسجع : « حسین‌منی‌وانامن‌الحسین» . ۳ ـ مهـر‌اول بیضی با سجع: «عبده‌محمد ابراهیم...».مهردوم چهارگوشه باسجع: «عبده علی‌بن ابرهیم‌الموسوی».

۴ ـ مهری بیضی‌که کلمهٔ « صالح » برآن خوانده‌می‌شود . ۵ـ مهری بیضی‌ناخوانا .

۶ ـ مهری مستطیل بزرگ که‌کلمات «عبده محمد مفید» برآن خوانده می‌شود.

۱۰

سندمبایعهٔ مورخ ربیع‌الاول سنهٔ ۱۱۴۰ هـ . ق .

در این سند ملک‌جمال‌الدین نیم دانگ و نیم ربع‌ازجملهٔ دودانگ و نیم از پنج دانگ حق‌الحفر قناة چوپلانی را به مبلغ سه هزار و پانصد دینار عراقی به‌میر محمدجعفر فروخته است .

بفروخت به‌بیع‌قطعی جازم لازم طوعاً ورغبةً لااکراهاً و اجباراً توفیق آثار علی‌ولد مرحوم ملك جمال‌الدین تبلکی بسیادت ونجابت‌پناه میرمحمدجعفر همگی وتمامی نیمدانگ ونیم‌ربع‌ازجمله دو دانگ‌ونیم از پنجدانگ حق‌الحفر قناة که‌واقعست‌در قریهٔ چوپلانی مع‌توابع ولواحق‌آن ازپشت‌وپیشان وآدش‌ومایتعلق بهابثمن‌مشخص معین‌یوم‌البیع‌المبلغ سه‌هزاروپانصد دینار عراقی نصفه بیاناً‌له یکهزاروهفصدوپنجاه دینار بخرید مشتری مشارالیه وتمام ثمن را بسوی بایعمذکـور ایفاء نموده و اونیز قبض‌ملکی‌نموده بسایر املاك‌خود منضم‌گردانید وبایعمذکور دعوی خیارغبن مبایعهٔ مزبوره را بمبلغ یکهزاردینار ودعوی غبن‌غبن آنرا ایضاً بمبلغ پانصددینارصلح و قبض تمام بدل‌المصالحه نمود .

تحریرا غرهٔ شهر ربیع‌الاول سنهٔ ۱۱۴۰ .

[بربالا وسمت راست این‌سند عبارات زیرخوانده می‌شود :]

هو اقربالبیع واخذالثمن بمحضری حررها . [جای مهر] ۱

هو وقع‌البیع وقبض‌الثمن تماماً‌لدی العبد احمد حلی .

شهدی بمافیه آقاحسین. [جای مهری بیضی ناخوانا]

من‌الشاهدین‌علی‌ذالك حاجی میرعبدالکریم. [جای مهری بیضی‌ناخوانا]

---

۱ ــ مهری بیضی بزرگ باسجع : «افوض امری‌الی‌الله عبده محمد باقر ۱۱۲۸ » .

وقع‌البیع وقبض الثمن تماماً لدی العبد خداداد. [جای مهر] [۱]

۱۱

سندمبایعهٔ مورخ ۱۱۷۰ هـ . ق .

دراین‌سند میرزاجمال‌الدین محمدالحسینی‌شیرنگی به‌وکالت‌ازقبل والده وزوجهٔ خود پنج سهم ازجملهٔ نه‌سهم ازده سهم از یك دانگ ازجمله شش دانگ قـریـهٔ میرومحله را بـه میرعبدالله حسینی و میرزین‌العابدین فروخته است.

هو المالك

نحمد ونصلی وبعد فروخت ببیع‌صحیح شرعی قطعی حضرت‌گرامی‌سلاله‌السادات والنجبایـی میرزا جمال‌الدین محمد الحسینی الشیرنگی بسیادت ونجابت پناهـان میرعبدالله الحسینی‌خلف مـرحـوم مغفور میرمحمدقاسم مشهور بحاجـی میرعیسی استرابادی و میرزین‌العابدین ولـد مرحوم میرعبدالغفار و این بایعمـزبور بوکالت مشافههٔ ثابته از قبل والده و زوجهٔ خودکه صبیهٔ کبری مرحوم میرزا معزالدین‌محمد بوده باشد مبایعهٔ مزبوره را واقع ساخته‌برهمگی‌وتمامی وپنجسهم از جمله نه‌سهم‌از ده‌سهم ازیکدانگ از جمله ششدانگ از کل قریهٔ میرومحله واقعه دربلوك‌استراباد۔ رستاق را ازآب رودخانه واراضی عامره وغامره واشجارمثمره وغیرمثمره وآبارو انهار وغیرذلك عـن‌آنچه ملکیت را شاید وسزد مماذکرفیه اولم‌یذکر بثمن‌مشخص مقبوض عندالبیع‌المبلغ هفت تومان [و] دوهزار وپانصد دینار تبریزی فضی رایج المعامله وبینهما قبض واقباض و تسلیم وتسلم دربدلین مزبورین بـوقوع انجامید و بعدذلك‌المراتب دعوی‌غبن وغبن درغبن‌مبایعهٔ مزبوره رابایعمزبورازجانب موکلان

---

۱ ــ مهری چهارگوشه باسجع : «العبد خدادادبن محمد».

خود بامشتریان مومی‌الیهما دانسته و فهمیده بمبلغ پنجهزارودویست وپنجاهـدینار ... لحهٔ صحیحهٔ شرعیه نموده وجه‌مصالحه بانضمام تمامی ثمن که‌مساوی و ... تومان و هفت‌هـزارو هفتصدو پنجاهـدینار تبریزی بوده بـاشد باقباض مشتریان مزبوران واصل‌وعاید بایعمزبور شد وعقودلازمهٔمزبوره جاری شد وضمان درك شرعی مبیع مزبور در عهدهٔ بایعمشارالیه است که عندفسادالعقود از عهدهٔ کلما یلزم‌علی‌المشتریان برآمده بعذری موقوف ندارد.

تحریر شد ۱۲ شهرذی‌القعدةالحرام سنهٔ ۱۱۷۰.

[برحواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله جل‌شأنه

بعد از آنکه سیادت ونجابت‌پناهان آقامیرعماد و آقا سیدرضا ولدان مرحوم آقامیر روح‌الله استرابادی‌ادای‌شهادتی بروکالت... پناه بایعمزبورتین نمودندجناب بایعمزبور اقرار بمبایعه و مصالحه واخذ بدلین واسقاط خیارات بشرح مزبور متن نمود.

[جای مهر][1]

هو بعدثبوت‌التوکیل شفاها وقع‌العقد البیع والصلح وقبض مالهما و الضمان‌لدی نمقه‌العبد. [جای مهر][2]

اقرالبایع‌المشارالیه بالبیع واخذالثمن لدی. [جای مهری بیضی ناخوانا]

بعدوضـوح التوکیل اقرالبایع بجمیع‌اسندالیه فیه‌لدی. [جـای مهری ناخوانا]

هو اقرالبایع دام عزه‌بالبیع وقبض‌الثمن کمااسندالیه فیه‌لدی. [جای مهر][3]

اعترف‌البایع وقدقدره بالبیع‌وقبض‌الثمن کمااسند فیه‌لدی. [جای مهری ناخوانا]

---

۱ ـ مهری چهارگوشهٔ کـوچك باسجع: «افوض امری‌الـی‌الله عبده محمدعلی».

۲ ـ مهری مستطیل‌شکل باسجع: «افوض امری الی‌الله عبده لطف‌الله».

۳ ـ مهری بیضی که‌کلمات «عبده محمدصادق» برآن خوانده می‌شود.

۱۲

سندمبایعهٔ مورخ ۱۱۷۴ هـ . ق.

دراین سند ملامحمد زمان همگی و تمامی یك‌باب باغچهٔ متصل به مدرسهٔ مفیدیهٔ‌استراباد رابه‌وکیل آقامحمدرفیع‌موسوی به‌مبلغ یك تومان‌و پنج‌هزار دینار تبریزی فروخته است .

هو

سیدالمرسلین　　　　بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

خاتم‌النبیین

الحمدلله‌الذی احل‌البیع والشری‌وحرم‌الغصب والربوا والصلوة والسلام علی‌محمد خیرالوری وعلی‌آله‌واولاده مصابیح الدجی وبعدحمدالله سبحانه‌وتعالی غرض از تحریر این سطور خیریت دستور وتسطیر این‌زیور میمنت مزبور آنست‌که بفروخت ببیع‌صحیح صریح معتبرلازم جازم شرعی صلاحیت و فضیلت‌پناه ملامحمدزمان ولدالمرحوم‌ملامحمدمهدی‌بوکیل سرکارعالیجناب مقدس‌القاب سیادت‌مآب‌کمالات اکتساب ملکی طینت قدسی سریرت قدوسی بهجت خجسته فطرت افتخار اولاد امجاد اعتضاد احفاد سعادت‌نژاد حاوی مکارم‌الآداب فی‌کل‌باب‌المستغنی عن‌الاطناب فی‌الالقاب آقامحمد رفیع‌الموسوی زیدعمرها همگی و تمامی یکباب باغچهٔ متصله بمدرسهٔ مفیدیه واقعه در دارالمؤمنین استراباد محدود بحدود اربعه شرقاً بدکان صابون‌پزی ملکی رفیعمقدار آقا اسمعیل شهری غرباً بشارع عام شمالاً بدکان‌ملکی حاج‌الحرمین الشریفین حاجی‌احمد جنوباً بمدرسهٔ مزبوره بثمن معین ومبلغ مبین یکتومان وپنجهزار دینارتبریزی‌فضی رایج‌الوقت بلدهٔ مزبوره وبخریدوکیل‌سرکار عالیجناب معزی‌الیه‌که ارشد واکبراولادعظام واحفادکرام مرحمت‌وغفران‌پناه‌بانی‌و

واقف مدرسهٔ مزبـوره و متولی شرعی آن میباشند مبیع موصوفرا ازبابت وجـوه موقوفات مدرسهٔ مزبوره وثمن آن ازبابت وجه موقوفات تسلیم بایع وصیغهٔ مبایعه بلااکراه و اجباربل بالتراضـی والاختیار فیمابین بایع و وکیل سـرکار عالیجناب معزیالیه سمت جریان ووقوع یافته ادعای غبن آنرابمال المصالحه مبلغ یکصددینار- تبریزی مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔملیهٔ اسلامیه نموده اسقاط جمیع خیارات نمود ومبیع موصوف را ازیدتصرف خود اخراج و کسایراملاك الموقـوفات منضم و داخـل موقوفات گردید وضمان الدرك الشرعی علی من اوجب علیه الشارع عندوقوعه ولزومه.

وکان ذلك فی شهر ربیع الاخرمن شهورسنة اربع وسبعین ومائة بعدالالف من الهجـرةالنبویـة علیـه الف الف تحیـه ۱۱۷۴ .

[برحواشی این سند عبارات زیر است:]

اعترف البایع بمافیه العبد . [جای مهر][۱]

قداعترف بماسمی فیه العبدالمذنب. [جای مهر][۲]

قداتفقت المبایعه والمصالحه وجریان الصیغه بمحضری العبد . [جای مهر][۳]

قداقرالبایع الطایع بالبیع وقبض الثمن تماماً لدی. [جای مهر][۴]

وقع البیع والشری وقبض الثمن وجریان الصیغةالمصالحه مافیه لدی العبد.

[جای مهر][۵]

قداقرالبایع واخذالثمن لدی العبد . [جای مهر][۶]

۱ـ مهری چهارگوشه که کلمات: «مکاناعلیا» در آن خوانده میشود. ۲ـ مهری بیضی باسجع : «عبده جمال الدین الحسینی». ۳ـ مهری بیضی باسجع : « افوض امری الی الله عبده محسن ... ». ۴ ـ مهری بیضی بزرگ با سجع : «عبده ابوالحسن بن محمد الحسینی». ۵ ـ مهری چهارگوشه باسجع : «افـوض امـری الی الله عبده رستمعلی » .
۶ ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده دوست محمد».

انا شاهد بذلك وذلك كذالك . [جای مهر][1]

۱۴

سندمبایعهٔ مورخ ۱۱۷۴ هـ . ق .

در این سندمیرزا محمد ربیع ومیرزا محمدهادی اصالـةً ووكالةً از طرف برادر خود میرزا سیدمفیدوزینت‌نسابگم دودانگ ازکل ششدانگ یك باب ناوربایره را به‌مبلغ دوتومان تبریزی به‌میرزا محمدمحسن موسوی فندرسکی فروخته‌اند .

الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی‌خیـر خلقه محمد وآلـه‌اجمعین الطیبن الطاهـرین امابعـد بفروختند بمبایعـهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ ملیـه عالیحضرات رفیع ـ درجات سیادت ونجا [بت] پناهان میرزا محمدربیـع و میرزا محمد هـادی ولـدان مـرحوم میرزا رفیع‌الملك از اصالت خـود و وكالت برادر خود میرزا سید مفید و علیاحضرته مخدرهٔ مستوره زینت‌نسابگم . . . موروثی خود را از همگی وتمامـی دو دانگ از كل ششدانگ یکباب ناور بایره‌كه واقعست در مزرعهٔ مشهور بمزرعهٔ تیمور پی محدود بحدود اربعه ازممرومجراه و اراضـی و صحاری و جـداول از آنچه ملکیت را سزد وشاید و در تحت تصرف مالکانه درآید عن آنچه ذکر شده و ذکر نشده برین موجب

شـرقیـاً رودخـانـه کشیده بسمت شمال میرود الی سامـان . . . عـرب	شمالـی شاهمرزی کـه‌كشیده میرود بعلقه‌چهامی کشیده‌میرودالی‌نهر کرچی
غربی‌نهر کرچی کشیده میرود الی‌بندی که ازرودخانه بجهة ناورگرفته میشود	جنوبی همان بند مزبور

۱ـ مهری چهار گوشه باسجع : «یاامام علی‌النقی» .

بعالیحضرت سیادت و نجابت‌پناه میرزا محمدمحسن الـموسوی فندرسکی بمبلغ معین و ثمن مبین بمبلغ دو تومـان تبریزی رایج‌المعامله مبلغ مزبـور در یوم‌البیع بمعرفت مشتری معزی‌الیه داخل و عاید بایعان شد و بایعان معزی‌الیه مبیعهٔ مزبور را از ید خود تخلیه‌نمودند و بتصرف مالکانهٔ مشتری مشارالیه واگذاشتند ومشتری مبیعهٔ مذکور رامتصرف شده منضم بسایر املاك خودنمود ودرثانی بایعان مشارالیه درمقام دعاوی غبن درآمده دعاوی غبن را بمبلغ یکهزار دینار نقد و یکمن گندم مصالحه نمودند بامشتری مشارالیه وجه‌مصالحه درمجلس صلح بمعرفت‌مشتری‌داخل وعاید بایعان شد وضامن درك مبیعهٔ مذکورگردیدند بایعان هرگاه مبیعه مستحقاًللغیر درآید آنها نیز از عهده برآیند مخفی نماناد کـه حقابهٔ ناورمزبور از رودخانه و دره‌ئی که مشهور است بدرهٔ سیاوستان و امیرآبادست وصیغهٔ مبایعه ومصالحه فیمابین بایعان و مشتری بعربی و فارسی جاری شد .

وکان ذلك فی‌شهرذیحجةالحرام سنة ۱۱۷۴.

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ سمت راست این سند عبارات زیر است:]

هو اقربمافیه العبد محمدصادق فندرسکی .

هو اقربمافیه لدی میراحمد فندرسکی.

هو اقربمافیه‌لدی العبد محمدمهدی. [جای مهر][2]

هو اقربمافیه‌لدی العبد میرزای موسوی .

---

۱ ـ مهری بیضی با سجع : « یا قائم آل محمد » . ۲ ـ مهری بیضی باسجع : « هدیت من‌المهدی » .

۱٤

سندمبایعهٔ مورخ ۱۲۳۵ هـ . ق .

در این سندحاجی محمدصالح سه‌دانگ از کل ششدانگ قریهٔ انگرم آقاجعفری بلوک‌سدن‌رستاق‌را به‌مبلغ دویست‌تومان ریال‌فتحعلی‌شاهی به محمدتقی‌خان فروخته است .

هو المالك بالاستحقاق

نحمدالله قبل کل مقال

و نصلی علی‌النبی‌و آل

و بعد بفروخت بمبایعهٔ صحیحهٔ‌شرعیهٔ قطعیهٔ لازمهٔ جازمهٔ اسلامیه بالطوع والرغبة بلاشایبهٔ‌اکراه واجبار در حالت صحت نفس‌و کمال عقل‌جناب مقدس‌القاب‌تقوی‌شعارحاجی‌الحرمین‌الشریفین خیرالحاج والمعتمرین‌حاجی‌محمدصالح‌ولدمرحمت‌و غفران‌پناه رضوان‌جایگاه آقا جعفر شهری‌الأصل بعالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت واقبال‌همراه محمدتقیخان ولدمرحمت وغفران‌پناه رضوان‌جایگاه‌کربلائی محمدقلی‌بالارستاقی هزارجریبی همگی وتمامی سه‌دانگ ازکل شش‌دانگ ازقریهٔ انگرم‌مشهوره بانگرم آقاجعفری ویکدانگ ازکل ششدانگ از اصل کل شش‌دانگ سه‌انگرم مجری‌المیاه و یکدانگ ازکل‌شش دانگ از اصل مجری‌المیاه‌چشمه‌سیاه‌پوست واقعه دربلوک‌سدن‌رستاق من‌اعمال‌استراباد صانهاالله عن‌التفرقه والفساد رامع جمیع مایتعلق‌بها و باتوابع ولواحق شرعیهٔ آن از اراضی عامره وغامره وآدشات رطبه‌و یابسه وقنواة دائره و بایره و یکدانگه و دودانگه و توتستان و ملیارستان و ناورات و شیوارات و تلال و جبال و انهار واشجار و مراتع ذکرام لم یذکرو سمی ام‌لم‌یسم ازآنچه ملکیت را سزد وشاید و انتفاع توان برد محدود بحدود اربعهٔ

ظهر بمبلغ مشخص معین مبین مقبوض فی‌مجلس المبایعه دویست تومان ریال‌فتحعلی شاهی دومثقالی هشت‌عدد یکتومان و بعدذلك مصالحهٔ شرعیه نمود بایع‌طایع جمیع دعاوی‌غبن وغبن‌الغبن و لو کان فاحشاً بل‌افحش‌را عالماً بالکمیته والکیفیة‌مبلغ بیست تومان وجه‌موصوف و بایع‌معظمه‌الیه ضامن‌درك عین‌مبیعه گردید کلاو بعضاًعیناًام‌منفعة مستحقاًللغیر برآید ازعهده برآید و بعدازاجرای صیغهٔ مبایعهٔ شرعیه بایع تخلیهٔ ید نمود یعنی‌مبیعهٔ معلومه‌را بتصرف‌مشتری معظم‌الیه‌دادومشتری متصرف وبعدازقبض‌و اقباض و تسلیم وتسلم بسایررقبات ومملوکات خود ضم‌ساخته اوراست حسب‌الشرع مطاع‌لازم‌الاتباع انحاءتصرفات کتصرف‌الملاك فی‌املاکهم وذی‌الحقوق‌فی‌حقوقهم‌و صیغهٔ مبایعهٔ شرعیه و مصالحه وقبول از طرفین بالعربی والفارسی کماورد فی‌الشرع جریان پذیرفت.

وکان ذلك فی سابع‌عشرین شهررجب‌المرجب فی‌سنة ۱۲۳۵.

[برحواشی این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

هوالله تعالی‌شأنه قداعترف البایع بجمیع مازبرورقم‌فیه بمحضری. [جای مهر][۱]

قدوقع المبایعة والمصالحة حسبما زبرفیه‌لدی نمقه‌الخاطی. [جای مهر][۲]

اعترف بمافیه‌لدی حرره‌الجانی. [جای‌مهر][۳]

اعترف‌البایع الطایع بجمیع مانمی‌فیه‌الیه‌لدی وکتب‌الجانی. [جای مهر][۴]

اقرالبایع‌الطایع بجمیع مارقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][۵]

اعترف البایع الطایع بمافیه‌لدی حرره‌الجانی.

اقرالبایع بجمیع مازبرفیه ورقم‌فیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][۶]

۱ـ مهری‌چهارگوشهٔ بزرگ که‌کلمات «عبده محمدمحسن الموسوی». برآن‌خوانده می‌شود. ۲ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده‌الراجی محمدحسین ۱۲۲۳». ۳ـ مهری بیضی با سجع: «افوض‌امری‌الی‌الله». ۴ ـ مهری بیضی‌با سجع: «عبده مفیدالموسوی ۱۱۴۶». ۵ـ مهرچهارگوشهٔ بزرگ‌باسجع: «المتوکل‌علی‌الله محمدحسین‌الموسوی».

۶ ـ مهری بیضی با سجع: «عبده محمدصادق الموسوی ۱۲۳۴».

اقر البایع الطایع بجمیع مازبرورقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][1]

بسم‌الله خیر الاسما

اقر البایع الطایع بجمیع مازبرورقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی . [جای مهر][2]

قداقر البایع الطایع بالبیع‌الصحیح الشرعی القطعی‌لدی نمقه‌الخاطی .

[جای دومهر][3]

قداقر البایع بمافیه‌لدی نمقه‌الجانی . [جای مهر][4]

قداقر البایع بمازبرفیه‌لدی نمقه‌الجانی . [جای مهر][5]

اقر البایع بالمبایعه واخذالثمن کمافیه لدی نمقه‌الجانی . [جای مهر][6]

اقر البایع الطایع بجمیع مارقم‌فیه‌لدی . [جای‌مهر][7]

اقر البایع‌بالمصالحه‌القطعیة والمصالحه کمازبرفیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][8]

قداقر البایع بمازبرفیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][9]

قداقرواعترف البایع المذکور بمازبرفیه العبداقل الطلبه محمدرضا .

قدوقع‌المبایعة والمصالحة واسقاط خیارات واخذ ثمن کمازبرورقم فیه‌لدی .

[جای مهر][10]

اقر البایع بالمبایعه القطعیه کمارقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای‌مهر][11]

۱ـ مهری چهارگوشهٔ بزرگ با سجع: «عبده محمدشفیع‌الموسوی». ۲ـ مهری بیضی با سجع: «عبده محمدرحیم الموسوی». ۳ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده... علی» و مهری دیگر بیضی باسجع : « المتوکل علی‌الله عبده محمدبـاقر». ۴ ـ مهری بیضی با سجع : «عبده محمدحسن». ۵ ـ مهری بیضی باسجع : « افوض امـری‌الی‌الله عبده حاجی‌علی» . ۶ـ مهری بیضی که کلمات «آل‌وعبادوحسین» بر آن خوانده‌می‌شود. ۷ ـ مهری بیضی باسجع : «عبده محمدحسین الحسینی». ۸ـ مهری‌چهارگوشه‌باسجع: «المتوکل‌علی‌الله علی‌رضاالحسینی». ۹ ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده‌الراجی‌محمدهادی ۱۲۳۱». ۱۰ ـ مهری بیضی‌باسجع : «عبده‌الراجی‌الله‌ویردی» . ۱۱ ـ مهری چهارگوشه باسجع : «عبده‌الراجی محمدالموسوی ».

۱۵

سندبیع‌شرط مورخ ۱۲۳۸ هـ . ق .

در این سند محمدابراهیم‌خان یك سهم وربع سهم از ده‌سهم‌ونیم از دودانگ‌از کل‌ششدانگ قریهٔ سو ته‌کلاته را به مبلغ‌هشتادوشش تومان وجه ریال در یکهزار دینار فضی‌فتحعلی‌شاهی به حاجی سیدمفید وآقارحیم اشتراکاً به‌بیع‌شرط فروخته و بایع‌ازمشتریان به مبلغ هیفده تومان و دوهزار دینار اجاره‌کرده است.

البـــایـع الشـارط

عالیجاه‌معلی‌جایگاه محمدابراهیم‌خان ولداکبر و ارشد عالیجاه معلی‌جایگاه خیرالحاج والعمار حاجی کلبعلی‌خان سپانلوی قاجار

المشـــتریـان المشترکان

المتساویان فی‌اشتراك الثمن و المثمن عالیجنابان فضایـل وکمالات‌انتسابان سلالة السادات العظام الکرام عمدة ـ الحاج والعمار حاجی سید مفید و آقا رحیم ادام‌الله تعالی عمرهما

الثمـــن

مبلغ هشتادوشش تومان وجه ریال در یکهزاردینارفضی‌فتحعلی‌شاهی‌جدید ـ الضرب دومثقالـی رایج‌دارالمؤمنین استراباد صانهاالله تعالی عن‌التفرقـة و الفساد

المثمـــن

همگی و تمامی یکسهم وربـع سهم از ده‌سهم‌ونیم‌از دودانگ‌از کل‌ششدانگ از قریـهٔ موسومه بسو ته‌کلاته مشهوره بقلعهٔ‌محمود آقاوتاچراب‌وسایرمتعلقات از اراضی عامـره‌و غامره وغیرهاکـه بحسب‌البیـع متاع که‌یك‌سهم آن را از عالیجاه نیازعلی خان و ربـع سهم از عالیجاه مصطفی‌قلی‌آقـا خلف مرحوم

محرم آقا منتقل بعالیجاه محمدابراهیم
خان شده بودست

المــــــــــدة الخیــــــــــار

المضروبة لأدائها انشاءالله تعالی سیزده ظـرف المـدةلـه ده یـوم بعـدهـا
ماه و پـانـزده روز

در ضمن عقد شرط شرعی بوقوع انجامید که هرگاه بـایع معظم‌الیه بعد از انقضای مدت در ظرف ایام خیار ردکل مثل ثمن بسوی مشتریان معظم‌الیهما نماید قادربوده بـاشد برفسخ مبایعه والابیع‌لازم وخیار ساقط و محتاج به‌بیع جدید نخواهد بود و بعد ذلك قبول اجارهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ اسلامیه نمود عالیجاه بایع از مشتریان معزاً‌ـ الیهماعین مبیعهٔ مرقومه را در مدت مزبوره بمال‌الاجاره مبلغ هیفده تومان‌ودوهزار دینار وجه‌ریال دوهزاردینار که مال‌الاجاره را بعداز انقضای‌مدت مسطوره مهمسازی نماید و بعذری از اعذار که خلاف شرع انور بوده باشد موقوف ومعطل نـدارد و صیغهٔ عقدین واقع و جاری شد.

کان ذلك فی‌غرة شهررجب‌المرجب من شهورسنة ۱۲۳۸.

[جای مهر][1]

[بربالای این سند عبارات زیرنوشته شده است:]

هوالله تعالی‌شأنه

اعترف البایع الشارط بجمیع مازبرورقم فیه بمحضری. [جای مهر][2]

قداعترف البایع بمافیه‌لدی العبدالجانی . [جای مهر][3]

۱ـ مهری‌بیضی باسجع: «کل‌من شیعة ابراهیم». ۲ـ مهری چهارگوشهٔ بزرگ که کلمات«عبده‌محمدمحسن الموسوی»برآن خوانده می‌شود. ۳ ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده‌الراجی نصرالله‌الحسینی ۱۲۳۰».

قدوقعت المبایعه المشروطة وقبول الاجارة کمارقم لدی العبدالخاطی.

[جای دومهر][1]

۱۶

سندمبایعهٔ مورخ ۱۲۳۹ . ه . ق.

در این سندحاجی محمدجعفر سه‌ربع ازیك دانگ ازکل ششدانگ قریهٔ گرجی‌محلهٔ سیر کار و نیم ربع از دو دانگ از قریه انگرم میرجعفری و یك‌ربع ازیك دانگ‌ازکل دودانگ‌ویك‌سدس‌ازنیم دانگ ازکل‌دودانگ آقاجعفری و نیم‌دانگ ازکل‌ششدانگ‌انگرم محمدزکی را به‌مبلغ دویست‌وپنجاه تومان‌که عبارت ازدویست‌و پنجاه اشرفی یك مثقالی است به آقاحسن شهری استرابادی فروخته است .

نحمدالله قبل کل‌مقال

و نصلی‌علی‌النبی‌و آل

وبعد بفروخت بمبایعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ لازمهٔ جازمه بالطوع والرغبة بلاشایبهٔ اکراه و اجبار در حالت صحت نفس و کمال عقل عالیحضرت رفیع منزلت نیکو- طینت کهف الحاج و المعتمرین حاجی محمدجعفر ولد مرحمت و غفران‌پناه رضوانجایگاه آقا حسن شهری استرابادی بعالیجاه رفیع‌جایگاه دولت و اقبال‌همراه عزت و سعادت‌دستگاه عظمت و جلالت‌پناه محمدتقی‌خان بالارستاقی هزارجریبی همگی و تمامی سه‌ربع از یکدانگ ازکل ششدانگ قریه موسومهٔ معروفهٔ گرجی- محلهٔ سیرکار راکه از غایت شهرت مستغنی از تعریف است و نیم ربع از دودانگ

---

۱ ــ مهری بیضی باسجع : «عبده محمدحسین الحسینی» و دیگری نیز بیضی باسجع : «عبده‌الراجی محمداسمعیل۱۲۲۳».

از کل ازقریهٔ معروفهٔ موسومهٔ انگرم میرجعفری را ویکربع از یکدانگ از کل دو دانگ ومع‌یکسدس از نیم دانگ از کل دودانگ انگرم آقاجعفریرا ونیم‌دانگ از کل ششدانگ انگرم محمدزکیرا که هریك از سه انگرم مزبور در خارج بالسویه بدودانگ منقسمند که واقعند دربلوك سدن‌رستاق استراباد با جمیع توابع‌و لواحق شرعیه و هریك از املاك مزبورهٔ فوق ازاراضی عـامره وغامره وآدشات و رطبه و یابسه وقنواة دایره وبایره ومجری‌المیاه ویکدانگه ودودانگه وتوتستان وملیارستان‌و تلال و جبال وانهار ذکرام لم یذکر وسمی‌ام‌لم‌یسم از آنچه ملکیت را سزدوشاید و منفعت درآن متصور شود قلیلاً کان‌ام‌کثیراً بمبلغ مشخص‌معین مبین مبلغ دویست‌ـ پنجاه‌تومان وجه‌رایج‌سلطانی که عبارة از دویست‌پنجاه عدد اشرفی تومانی‌یکمثقالی باشد المقبوض فی‌مجلس المبایعه با اسقاط خیارات و بعدذلك مصالحهٔ شرعیه‌نمود بایع‌طایع جمیع دعاوی غبن‌وغبن الغبن ولوکان فاحشاًبل‌افحش وغبن درمصالحه‌را عالماً بالکمیة والکیفیة بمال‌المصالحه مبلغ بیست‌پنجتومان‌وجه موصوف مزبوره و بعد از اجرای‌صیغهٔ مبایعهٔ شرعیه بایع تخلیهٔ یدنمود اعیان معلومهٔ مزبور رابتصرف مشتری معظم‌الیه داد و مشتری متصرف و بعد از قبض و اقباض و تسلیم و تسلم در بدلین مزبورین بسایر رقبات و مملوکات خود منضم ساخته اوراست انحاءتصرفات کتصرف ملاك فی‌املاکهم وذوی‌الحقوق فی‌حقوقهم کیف‌شاء بماشاء وبایع درحین عقد ضامن‌درك اعیان مبیعه‌گردید که هرگاه بعدالیوم عیناً ام‌منفعةً مستحقاً للغیربرآید ازعهده برآیدو صیغهٔ بیع‌وشری‌وقبول از طرفین‌بالعربی‌و الفارسی کماوردفی‌الشرع سمت جریان پذیرفت.

وکان ذلك فی‌تاسع شهر رجب‌المرجب فی‌سنة ۱۲۳۹.

[جای مهر][1]

---

۱ ـ مهری چهارگوشه باسجع : « بود فروغ دین محمدی جعفر » .

[برحواشی این سند عبارات زیر آمده است:]

قدوقع المبایعةالقطعیة والمصالحة الملیة حسبمازبرفیه‌لدی نمقه‌الخاطی.

[جای مهر][1]

قداقرالبایع الطایع المزبور بجمیع مازبرفیه‌لدی حرره‌الجانی . [جای مهر][2]

هوالله تعالی شأنه

قدوقع البیع وقبض‌الثمن والمصالحه وجمیع مارقم فیه‌لدی. [جای مهر][3]

اعترف البایع الطایع بجمیع مانمی‌فیه‌الیه‌لدی وکتب‌الجانی . [جای دومهر][4]

اعترف‌البایع‌بمبایعةالطقعیة واخذالثمن‌والمصالحه کمازبرورقم‌فیه‌لدی نمقه‌الجانی.

[جای مهر][5]

قدوقعت المبایعة القطعیة والمصالحة کمافیه واخذ الثمن واسقاط الخیارات والضمان کمازبرورقم‌فیه لدی نمقه‌الجانی . [جای مهر][6]

اعترف‌البایع بالمبایعةالقطعیة واخذالثمن والمصالحة کمازبرفیه‌لدی نمقه‌الجانی.

[جای مهر][7]

قداعترف البایع بمازبرفیه‌لدی اناعبدالاحقر . [جای مهر][8]

قداقرواعترف حسبما زبرورقم فیه‌لدی. [جای مهر][9]

۱ـ مهری بیضی باسجع : «عبده‌الراجی‌محمدالحسینی۱۲۳۲». ۲ـ مهری بیضی باسجع : «افوض امری‌الی‌الله عبده محمدالموسوی». ۳ ـ مهری چهارگوشه که کلمات «عبده‌محمد محسن‌الموسوی» برآن خوانده می‌شود. ۴ ـ مهری بیضی باسجع : «عبده مفید الموسوی» و مهردیگرچهارگوشه باسجع : « المتوکل علی‌الله محمدحسین الموسوی ». ۵ ـ مهری چهارگوشه باسجع : «عبده‌الراجی محمدذکی‌الموسوی». ۶ ـ مهری بیضی باسجع : «عبدالراجی‌الله‌ویردی» . ۷ ـ مهری چهارگوشه باسجع : « المتوکل علی‌الله علی‌رضا الحسینی». ۸ ـمهری بیضی باسجع : « عبده محمدجعفر» . ۹ ـ مهری بیضی باسجع «یا امام محمدباقر ۱۲۲۰ » .

۱۷

سند مبایعهٔ مورخ ۱۲۴۰ هـ . ق .

در این سندحاجی محمدابراهیم حصه‌ورسد شرعیهٔ مرحومه‌هاجر همشیرهٔ صلبی خود را ازمزرعهٔ بالو وگرجی‌محله که به او رسیده بوده است به‌مبلغ پنجاه‌وپنج‌تومان به همشیرهٔ دیگر خود مسماة به راضیه بیگم فروخته است.

هو

و بعد غرض از تحریر اینحروف شـریعت . . . آنستکه بفروخت بمبایعهٔ صحیحهٔ شرعیه اقل‌عباد واحقرسادات[1] حاجی محمدابراهیم استرابادی همگی وتمامی‌حصه‌و رسدی شرعیهٔ مرحومهٔ مسماة هاجر همشیرهٔ صلبی خود را کـه در خارج مشخص است از سهم مزرعهٔ بالووگرجی‌محلهٔ استراباد از مقل تمش ومیرزائی ومیرزینل و غیره بانضمام متعلقات ومنضمات که بانتقال شرعی‌ازهمشیرهٔ مذکورهٔ مرحومه منتقل باقل‌عباد بهمرسانیده است بعلیاجناب خورشید احتجاب زبدة العفایف و المخدرات همشیرهٔ صلبی خود والدهٔ عالیجناب نورچشمی‌ام آقا محمدتقی مسماة براضیه‌بیگم بمبلغ مشخص‌معین مبلغ پنجاه‌وپنج تومان وجه رایج سلطانی ریال‌صاحبقرانی یك مثقال‌ونیم ده‌عددیك‌تومان وبینهماقبض واقباض واقع‌گردید ومشتریهٔ مشارالیهااعیان مبیعه را بتصرف مالکانهٔ خود درآورده ملحق و منضم بسایر املاك و رقبات خـود نمایدوانحاءِ تصرفات‌اورا سزد وشایدوصیغهٔ مبایعهٔصحیحهٔ مذکوره‌بقانون‌شرعمطاع بالعربی‌والفارسی‌سمت‌جریان‌پذیرفت مقرر‌ومخفی‌نماناد‌که مبلغ مذکورفوق‌بایصال عالیجناب آخوند ملامحمد جعفرخادم استرابادی واصل‌اقل عبادگردید چون‌همشیرهٔ

---

۱ ــ مهری بیضی بزرگ باسجع : «عبده‌الراجی محمد ابراهیم الموسوی».

مشتریه مشارالیها مبلغ پانزده تومان وجه‌رایج مال المصالحهٔ املاك و ارث مرحومه هاجر که ادعای خود را باحقیر بمبلغ مذکور مصالحهٔ شرعیه نموده وصاحب طلب بوده‌اند مبلغ پانزده تومان مذکور رادرثانی‌الحال بعالیجناب مشارالیه رد وایصال کرده است و این چندکلمه برسبیل قباله‌نامه قلمی گردید.

وکان ذلك فی‌غرهٔ شهر رمضان‌المبارك من شهورسنة ۱۲۴۰ .

[جای مهر][1]

[بربالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قدوقع‌البیع المزبور والقبض المسفورلدی الراجی‌الی عفوربه‌الغفور.

[جای مهر][2]

لاریب بمازبرورقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][3]

لاشك ولاریب بمازبرورقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][4]

لیس‌لوقعتهاکاذبه . [جای مهر][5]

ذلك‌الکتاب لاریب‌فیه. [جای مهر][6]

ذلك‌الکتاب لاریب فیه. [جای مهر][7]

شهدبمافیه. [جای مهر][8]

قدوقع المبایعةکمارقم‌فیه العبدالجانی. [جای دومهر][9]

۱ ـ مهری بیضی باسجع : «عبده‌الراجی محمد ابراهیم الموسوی» . ۲ـ مهری بیضی بـزرگ باسجع : «عبده‌الراجی محمد حسن» . ۳ ـ مهر بیضی‌بزرگ باسجع: «المتوکل‌علی‌الله عبده‌صادق». ۴ـ مهری‌بیضی‌باسجع: «عبده‌الراجی‌یحیی‌الموسوی». ۵ ـ مهری بیضی باسجع : «الراجی عبدالله». و دومهر بیضی دیگر نـاخوانا . ۶ ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده سلطانعلی‌الحسینی». ۷ـ مهری چهارگوشه باسجع: «افوض امری‌الی‌الله‌الغنی‌عبده‌حسینعلی». ۸ـمهری‌بیضی‌ناخوانا . ۹ـمهری‌بیضی‌باسجع: «عبده‌الراجی محمدکریم الموسوی» و مهری‌بیضی دیگر باسجع : «عبده رفیع‌الحسینی».

۱۸

سند مبایعهٔ مورخ ۱۲۴۸ هـ . ق .

در این سندحاجی باقر دودانگ از کل ششدانگ یك باب دکان موروثی خود را به مبلغ سی‌و‌پنج تومان تبریزی فتحعلی‌شاهی‌ده عدد صاحبقران یك تومان به‌حاجی سیدمفید موسوی فروخته است .

نحمد و نصلی

بفروخت بمبایعهٔ صحیحهٔ شرعیه بالطوع والرغبة‌لا بالاجبار والاکراه درحال صحت نفس وبنای عقل عالیحضرت خجسته فطرت مماثل‌الاقران حاجی باقر خلف‌مرحوم مغفور کربلائی‌محمدشیروانی‌الاصل‌استرابادی‌المسکن‌بعالیجناب‌مقدس‌القاب‌فضائل‌و کمالات اکتساب حقایق و معارف انتساب اجل‌السادات العظام و عمدةالعلماءالکرام حاجی سید مفیدالموسوی دام ظله‌العالی همگی و تمامی کل شش‌دانگ از دودانگ از کل ششدانگ‌یکباب دکان از موروثی خود راکه واقع است در بازارکه‌ازغایت شهرت مستغنی از توصیف است محدود بحدود ظهر باجمیع توابع ولواحق شرعیهٔ آن از جدران وکل مایتعلق را بثمن مشخص معین منصوصاً فی‌المجلس‌البیع مبلغ سی‌وپنج تومان تبریزی فتحعلی شاهی ده‌عدد صاحبقران یك تومان و بینهما قبض و اقباض دریدین‌مزبورین واقع وبعدذلك بایع مشارالیه دعوی‌غبن درمبایعه‌را دانسته‌و فهمیده مشتری معظم‌الیه بموازی پانزده من بوزن بلده برنج مصالحهٔ شرعیه‌نموده و غبن در مصالحه را نیزعالماً وعامداً بالکمیة والکیفیة با مشتری معظم‌الیه موازی‌پنج من‌بوزن موصوف مصالحه نموده همگی مال‌المبایعه ووجهی‌المصالحه را درمجلس بیع‌تسلیم بایع مزبور نموده وضامن درك شرعی عندخروجهاللغیر کلاً اوبعضاً

عیناًام منفعتاً گردیدند وعین مبیعه را از ید تملك خود تخلیه نموده و بتصرف مالکانهٔ مشتری معظم الیه داده وله التصرف کتصرف المـلاك فی امـلاکهم وذوی الحقوق فی حقوقهم و بینهمـا صیغین مبـایعین کما قرر فی الشریعة المقـدسة المطهـرة مشتملاً علی الایجاب والقبول و رفع دعاوی گردید .

وکان ذلك فی ۶ شهر شوال المکرم من شهور سنة ۱۲۴۸.

[برحواشی این سندمطالب زیر نوشته شده است:]

قدوقعت المبایعه حسبما زبرورقم فیه حرره الجانی . [جای مهر][1]

اقرواعترف بمازبرورقم فیه لدی الجانی واناالعبد . [جای مهر][2]

اقرواعترف بمارقم فیه لدی نمقه الجانی. [جای مهر][3]

اقرواعترف بمافیه لدی . [جای مهر][4]

۱ ــ مهری چهارگوشهٔ بزرگ باسجع : «یهدی الله للحق عبده محمد مهدی ۱۲۴۱» .
۲ــ مهری بیضی بزرگ باسجع : «افوض امری الی الله عبده عبدالله ۱۲۴۰». ۳ ــ مهری بیضی باسجع : «عبده محمدزکی الموسوی ۱۲۴۰». ۴ ــ مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبده الراجی محمدرحیم الحسینی ۱۲۴۶» .

۱۹

سند مبایعهٔ مورخ ۱۲۵۲ ه . ق .

دراین‌سند کربلائی عباسعلی به وصایت‌ثابته‌ازجانب صغیرومحمد۔اسماعیل خلف کربلائی باباخان شش‌سهم از سیزده سهم‌الاخمس از شصت‌وچهارسهم از دویست وچهل سهم ازششدانگ گرجی‌محلهٔ میرزائی رابه‌بیع‌شرط به‌مبلغ چهل‌وپنج تومان رایج محمد شاهی به‌سید مفید موسوی فروخته‌اند.

افشاندن بذراین‌معانی‌شرعیة‌المغانی برعرض وطول ارض اینصفحهٔ ملیة‌المبانی را مفید منافع ومثمرثمرهٔ آن است که بفروختند بمبایعهٔ قطعیهٔ‌لازمه عالیحضرتان‌خجسته فطرتان‌کربلائی عباسقلی بوصایهٔ ثابته ازجانب صغیر [1] ومحمداسمعیل خلف‌مرحوم کربلائی باباخان درحال صحت‌نفس و اجتماع حواس طوعاً ورغبةً لاکرها و رعبةً عالماً قاصداً همگی و تمامی شش سهم از سیزده سهم الأخمس از شصت چهار سهم از دویست چهل سهم از ششدانگ ازگرجی‌محلهٔ میرزائی راکه به‌بیع شرط از عالیجناب سلالةالسادات آقاعلی‌اکبر به اذن‌واطلاع والدهٔ او منتقل شد بمسطورین فوق‌باجمیع توابع‌عین مبیعه ازمزارع.... ومراتع وقنوات عامره و غامره ومجری‌المیاه‌وغیرها ازآنچه ملکیة را زیبد وشاید ذکرأولم یذکر بعالیجناب فضایل و فواضل مآب حقایق ومعارف اکتساب مفخرالسادات العظام و مسندالعلماء الفخام کهف‌الحاج‌وکعبةالمحتاج الحاج سیدمفیدالموسوی‌المفیدی أدام‌اللهظله بمبلغ چهل‌و پنج تومان رواج محمد شاهی ونیز بخرید معظم‌الیه اعیان موصوفه را بمبلغ معروف وشرایط بیع‌ازاقباض وقبض‌عوضین‌ازطرفین صورت تحقق وتوقع‌پذیرفت جناب مشتری معظم‌الیه بعد از تخلیهٔ بایعین عین مبیعه را در تصرف ملکیهٔ خود در

۱ ـ دراصل مقداری سفید است ، ظاهراً نامی را محو کرده‌اند.

آورده وملحق بسایر املاك ومتصرفات خود ساخته وحضرات بایعین اسقاط خیارات علی‌الخصوص خیار غبن وغبن غبن ولوکان فاحشاً اوافحش نموده‌اند فله‌التصرف فیها کیف شاء ومتی اراد کتصرف الملاك فی املاکهم وذوی‌الحقوق فی‌حقوقهم واین مسطور میمنت منظور بعداز تحقق مراتب مذکوره سیما اجرای‌صیغهٔ مبایعه ازآنجهت درحیز دستور صورت وقوع یافته‌که بقباله‌نامچه بعد از اینکه مرسوم شد موسوم شود که عنه‌الحاجة حجة شرعی تواند شد.

وکان ذلك درهجدهم شهر شعبان‌المعظم من‌شهور سنة ۱۲۵۲.

[برپای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اعترف بمبایعةالقطعیه واخذالثمن بمازبر ورقم‌فیه‌لدی نمقه‌الجانی.

[جای‌مهر][1]

قدوقعت المبایعةالمسطوره واخذالثمن کمازبرورقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی.

[جای مهر][2]

قدوقعت المبایعه المسطوره و اخذالثمن کمازبرورقم‌فیه. [جای مهر][3]

قدوقعت المبایعة بجمیع مازبرورقم‌فیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای دومهر][4]

۱ــ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی سیدمحمدالموسوی۱۲۴۱». ۲ــ مهری چهارگوشهٔ بزرگ‌باسجع: «یهدی‌الله‌للحق عبده محمدمهدی». ۳ــ مهری‌بیضی باسجع: «پیرو دین محمد باقر ۱۲۴۴». و پای مهر «ملامحمد باقر باغوئی» نوشته شده است.

۴ــ هردومهر بیضی باسجع: «عبده محمدحسین‌الحسینی». این مهریك‌بار وارونیز زده شده است. پای مهر «میرمحمدحسین میرعبدالمجیدی» نوشته شده است.

۲۰

سند مبایعهٔ مورخ ۱۳۵۶ . هـ . ق

در این سند سهم حاجی مهدی‌قلی‌خان قوانلو را بعد از وضع یك هشت یك سهم همسرانش باقی که بیست و نه سهم بود میان دوازده پسر و پنج دختر تقسیم کرده‌اند و ایشان سهام خود را به حاجی سید مفید استرابادی فروخته‌اند.

بسم‌الله تعالی خیر الاسماء

الحمدلله الذی احل البیع والشری و حرم الغصب والربا

وصلی‌الله علی اشرف الانبیاء محمد صلی‌الله علیه و آله الانقیاء النجباء

چون ..... از کل ششدانگ حمام واقع در محلهٔ سرچشمهٔ استراباد که مستغنی از تحدید و توصیف است ملك طلق و حق‌صدق مرحوم مغفور جنت ورضوان آرامگاه فخرالحاج والمعتمرین امیرالامراءالعظام حاجی مهدیقلی خان قوانلو بود ازآنکه داعی‌حق را لبیك اجابت فرموده‌اند بعد از وضع یك هشتیك که درمیان سه زوجهٔ مغفورهٔ ایشان از هوائی قسمت می‌شود باقی به‌بیست‌ونه سهم درمیان دوازده پسر و پنج دختر آنمرحوم منقسم‌شده لهذا پارهٔ ازسهوم را بعضی از وراث بحسب‌عقودی ازعقود شرعی منتقل نمودند بعالیجناب‌قدسی و قدوسی‌انتساب اعلم‌العلماءِ الکرام‌و افضل‌الفضلاءِ الاسلام سلالةالسادات الموسوی آقاسید محمدتقی ولدفخرالحاج والمعتمرین اعظم‌العلما اشرف‌الفضلا اعظم‌السادات‌العظام افخرالحجاج‌ذوی‌الاحترام حاجی سید مفیداسترابادی حفظه‌الله وجوده عن‌الآفات والحدثان و بعضی دیگر الی‌حال منتقل ننموده‌اند، بعلت تعیین کسانیکه منتقل کرده‌اند و کسانیکه هنوز منتقل ننموده‌اند شاید انشاءالله بعد منتقل نمایند در رقعهٔ ذیل درتحت این‌سطرمعلوم نموده که معلوم باشد

کسانیکه منتقل نموده‌اند

هشت‌سهم بل‌چیزی علاوه

مهرعلی‌خان و پارهٔ از اولاد فضلعلی‌خان

تخمیناً چهارسهم است بل‌چیزی‌علاوه

مهرعلیخان

۲ سهم از سهم خود دوازبیست ونه سهم	یکسهم دو ثلث ازثلث از بیست و نه سهم همشیرهٔ مرحومهٔ و ... زینت خانم بحسب ارث که باو منتقل‌شده	هشت یك هوایی یك ثلث دریك دانگ ماه‌جبین خانم والدهٔ فضلعلی خان بعلت وصی بودن

همشیرهٔ مهرعلیخان شرف نساخانم

یك‌سهم ازبیست ونه‌سهم	یك ثلث از ثلث یکسهم از بیست ونه‌سهم ثلث ارثی

پاره‌ای از اولاد فضلعلی خان دوسهم از بیست و نه سهم یکدانگ بعد از وضع هشتیك هوائی مال‌فضلعلی‌خان‌بودبعلاوه یك هشتیك ... هیجده سهم درمال هفت پسروچهار دختراست...منتقل نمود

...شاهرخ را که‌هشت یك‌از دوازده هوایی	محمد تقی خان اصالتاً و وکالتاً از جانب دو برادر خودمحمدولیخان و محمد زمان دو همشیره فاطمه خانم و خدیجه خانم هشت سهم از . . . سهم از بیست و نه سهم

از همشیره . . . محمد شریف‌خان
زینت خانم باو دوسهم از هجده
منتقل شده سهم از بیست‌و نه
سهم

چهارسهم

شهربانوخانم یکسهم‌از بیست و نه سهم	جهان خانم یك سهم از بیست‌و نه‌سهم	رحیم خان دوسهم از بیست‌و نه سهم

[جای‌مهر][1]

کسانیکه الی‌حال منتقل ننموده‌اند

بطن اول

بیوك خان دوسهم است	حاج حسن خان دو سهم است	اسماعیل خان دوسهم است	نصرالله‌خان دوسهم است	اماموردی‌خان دوسهم است

باقرخان دو سهم است	همشیرهٔ اسمعیل و خلیل خان و بیوك خان و اماموردی یك سهم است	یك‌ثلث هشتیك از هوایی از یکدانگ که منتقل شده از مرحومهٔ والدهٔ بیوك‌خان بخود بیوك‌خان و اماموردی خان و همشیره‌اش

بطن دویم

۱ـ مهری بیضی با سجع: «حیدر قلی».

اولاد موسی‌خان کبیرا وصغیرا	اولاد علی‌نقی خان دوسهم	اولاد کاظم‌خان دو سهم	پارهٔ ازاولاد فضل‌علی‌خان بعدازوضع آنکه در دفعهٔ اول منتقل کرده که سه پسرودو دختراست که هشت سهم از هیجده‌ازدوسهم از بیست و نه سهم ...
دوسهم از بیست ونه‌سهم	ثلث هشتیك از هوایی نصف		

که منتقل از قرار تفصیل فوق نموده‌اند که آن تخمیناً هشت سهم بل‌چیزی علاوه می‌شود جناب سیدمعظم‌الیه راست دراوتصرفات مالکانهٔ مستقلانه کتصرف الملاك فی‌املاکهم و ذوی‌الحقوق فی‌حقوقهم و آنچه باقی‌ماند که عبارت از تخمیناً بیست‌و یکسهم وقدر معین از دو ثلث ازهشتیك ازهوایی یکدانك اگر انشاءالله تعالی آنهاهم منتقل‌نمایند تمام یکدانگ حق مال‌جناب سید خواهدشدوالی‌الآن همان هشت‌سهم‌بل چیزی علاوه‌است وکسانیکه‌منتقل‌نموده‌اند‌درزمان اجرای صیغه بهیچوجه‌من‌الوجوه غبنی بلکه غبن‌غبنی ولوکان فاحشاً بل‌الافحش برای‌خود باقی‌نگذاشتند وبهمه‌جهت مصالحه‌ها نمودند.

تحریراً فی‌شهر رمضان‌المبارك سنهٔ ۱۲۵۶ مطابق سیچقان‌ئیل خیریت‌دلیل

[جای مهر][1]

[بربالای این سند عبارات زیراست:]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «بی‌مهر علی بهشت رضوان مطلب».

هو کسانیکه منتقل ننموده‌اند درنزد حقیر بیوك‌خان وحاجی‌حسن‌خان نصرالله‌خان امام‌وردی‌خان باقرخان اولاعلی‌نقی‌خان باقی منتقل در نزد حقیر کرده‌اند و اقرار در نزد حقیر کرده‌اند تمام تعلق بجناب آقاسید محمدتقی یافته است .

[جای‌مهر][1]

[برحاشیهٔ این سندمهرهای زیر است :][2]

۲۱

سند مبایعهٔ مورخ ۱۲۷۵ هـ . ق .

دراین سندمحمدابراهیم‌وهمسرش فاطمه سه‌دانگ ازکل ششدانگ خانهٔ درمحلهٔ میدان‌استراباد را به دوازده‌تومان ریال‌ناصرالدین‌شاهی‌ازبی‌بی‌زینب زوجهٔ دائمهٔ آقاعلی‌کاشی به‌بیع‌شرط خریده‌اند.

البـایعان الشـارطـان	المشتریـة المشترطـة
محمد ابراهیم خلف مرحوم کربلائی نصیرمع زوجته فاطمه نام صبیهٔ مرحوم حاجی‌حیدر	عفت وعصمت و خدارت‌مآب بی‌بی زینب زوجـهٔ دائمهٔ آقـا علی المشهور بکاشی
الثمـــن	المثمـــن
مبلغ دوازده‌تومان ریـال ناصرالدین‌شاهی بیست وهشت نخودی	سه‌دانگ ازکل ششدانگ خوانـهٔ ملك طلق‌که واقـع است در محلهٔ میدان من محلات دارالمؤمنین استراباد

۱ـ مهری‌بیضی باسجع: «عبده‌الراجی‌محمدالموسوی». ۲ـ مهری‌چهارگوشه‌و ناخوانا. مهری دیگر با سجع: «بی‌مهرعلی بهشت رضوان‌مطلب». مهری‌چهارگوشه‌باسجع: «شرف‌فزای جهان وشریك نامم .. ایامم» و مهری دیگر با سجع : «لااله‌الاالله‌الملك‌الحق المبین عبده‌اسمعیل» .

المـــــــــــــدة الخیـــــــــــــــــــــــــــار

یك سال کامل الشهور ده روز بعدالمـــدة

مقرر و مشروط آنکه درصورتیکه بایعان الشارطان بعدانقضای المدة و درضمن خیار رد مثل الثمن بسوی مشتریة المشترطة اومن یقوم مقامها نمود قادر بر فسخ مبایعه بوده باشد والابیع لازم وخیار ساقط ومحتاج بعقد جدید نبوده باشد و ثانیاً اجـاره داده است مشتریه المشترطه عین مبیعه را ببایعان المذبورتان درمدة معلومة بمال الاجـارة معلومة مبلغ دو تومان موصوف و مشارالیها نیز قبول نموده وصیغتان المذبورتان مـابینهما جاری گردیده.

وکان ذلك بتاریخ غرة شهر ربیع الاولی فی سنة ۱۲۷۵.

[برحاشیهٔ بالای سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اقر الرجل المعلوم واقرت مرأة المرقوم کما زبر وسطر لدی . [جای مهر][۱]

اقر الرجل بمارقم فیه واقرت المرئة بمارقم فیه بعد تصدیق الـرجل بـانهاهی واقـرا باخذ البدل ایضاً حرره الاقل فی ربیع الاول ۱۲۷۵. [جای مهر][۲]

قدوقع جمیع مارقم فیه لدی ۱۲۷۵. [جای مهر][۳]

۱ــ مهری چهارگوشه با سجع: «یا علی». ۲ــ مهری بیضی بزرگ با سجع: «عبده محمد صادق العقیلی». ۳ــ مهری چهارگوشه با سجع: «عبده آقابابا».

۲۲

سند مبایعهٔ مورخ ۱۲۷۶ هـ . ق .

در این سند آقا ابراهیم ولد کربلائی نصیر نیم‌دانگ از یك‌دانگ از کل ششدانگ خانهٔ موروثی‌خود را به‌مبلغ یك تومان و یکهزار و پانصد که بیست‌وسه‌عدد نیم‌ریال ناصرالدین‌شاهی سیزده نخودی است به آقا تقی خلف آقا حسین خالو اکبر به‌بیع‌شرط فروخته است.

البــــــــــــایع الشارط	المــــــــــــشتری المشترط
صلاحیت شعار آقا ابراهیم ولد مرحوم کربلائی نصیر	عالیحضرت آقاتقی خلف مرحوم آقـا حسین خالو اکبر
المثمــــــــــــــن	الثمــــــــــــــن
همگی و تمامی نیم دانگ‌ازیکدانگ‌از کل شش‌دانگ‌خانهٔ موروئی خود کـه واقع است در محلهٔ میدان	مبلغ یکتومان یکهزار پانصد که عبارت ازسی سه عدد نیم ریال ناصرالدین‌شاهی ۱۳ نخودی بوده باشد
المــــــــــــدة	الخیــــــــــــار
شش مـاه‌کامل	شش یوم بعدالمــدة

وبعد درضمن عقدشرط شرعی بوقوع انجامید کـه هرگاه بایع شارط بعدازانقضای مدت و در ظرف ایام‌خیار ردمثل کل‌ثمن یا معادل آن بسوی مشتری یـانایب مناب شرعی نماید قادر برفسخ بوده والابیع‌لازم وخیارساقط ومحتاج بعقد جدیدنخواهد بود.

وکان ذلك‌التاریخ چهارم شهر ربیع‌الاولی سنهٔ ۱۲۷۶.

[برحاشیهٔ این سندعبارات زیر نوشته شده است:]

قـد اوقعت المصالحة وکالة عن البایع المسطور مطابقة بمارقم فیه من المبایعه مـع...
وجه‌الاجاره ولقد حرره في الخامس من شهر ۶ ربیع‌الاولی ۱۲۷۶ . [جای‌مهر][1]
قد اعترف بمارقم فیه لدی الجانی. [جای مهر][2]
قد اعترف بمارقم فیه لدی.

۲۳

سند مبایعهٔ مورخ ۱۲۹۱ هـ . ق .

دراین سند بی بی زینب صبیهٔ مرحوم محمدابراهیم حصهٔ خانهٔ پدری خود را به راقم قباله ، حسینعلی موسوی منتقل کـرده وخریدار دوباره به فروشنده صلح نموده و سپس به آقا سیدحسین خالو واز او به آقا سید طاهر صلح شده است .

لایخفی آنکه صبیهٔ مرحوم محمدابراهیم ابن مرحوم مبرور کربلائی نصیر درباب خانهٔ ابی مشارالیها که براقم حروف[3] منتقل شرعی نموده بود درثانـی منتقل نمودم بخود مشارالیها و اومنتقل نموده بسیادت‌مآب آقاسیدحسین خالو و از آقاسیدحسین منتقل شده بجناب مستطاب قبله‌گاهی آقائی آقا آقا سید طاهر زیدفضله و روماً لاحتیاط نیز مصالحهٔ شرعیه نمودم تمامت سهمی خود را از خانهٔ مزبوره واقعه در محلهٔ میدان که درخارج معین ومستغنی از بیان است که از جانب عفت‌پناه بی‌بی‌زینب صبیهٔ مرحوم محمدابراهیم انتقال شرعی شده بود باینجانب ومنتقل نمودم بجناب آقای معزی‌الیه

۱ـ مهری بیضی با سجع: «عبده محمدصادق‌العقیلی». ۲ـ مهری بیضی با سجع: «عبده‌الراجی محمد حسن الموسوی». ۳ـ در زیر کمات «راقم حروف» مهری بیضی با سجع : «عبده حسینعلی الموسوی» .

بدل‌المصالحهٔ معین مشخص و قبض تمامت بدل‌الصلح بالنسبه بمشارالیها[۱] و نیز از جناب مستطاب آقائی آقا سید محمدطاهر سلمه‌الله‌تعالی وقوع یافت.

وکان ذلک التحریر فی عشرین شهررجب‌المرحب ۱۲۹۱.

[جای مهر][۲]

[بربالاوحاشیهٔ سمت راست سند عبارات زیر نوشته شده است:]

وقع جمیع مارقم فیه‌لدی الآثم. [جای مهر][۳]

جناب آقای حسینعلی اعتراف بمراتب مزبوره نمود. [جای مهر][۴]

جناب آقا اعتراف نمود بمراتب مسطوره. [جای مهر][۵]

وقع جمیع مارقم فیه‌لدی الآثم. [جای مهر][۶]

اعتراف نمود بمراتب مزبوره نزد من. [جای مهر][۷]

جناب آقا اعتراف نمود حاج اکبربلوچ.

جناب آقای حسینعلی. [جای‌مهر][۸]

۱ــ درکنار کلمات «معین» و «مشارالیها» مهری بیضی با سجع: «عبده حسینعلی - الموسوی». ۲ ــ مهری بیضی با سجع: «عبده حسینعلی‌الموسوی». ۳ ــ مهر چهارگوشه باسجع: «محمدحسین ابن‌عباسعلی». ۴ــ مهری‌چهارگوشه باسجع: «محمد یوسف ۱۲۷۵». ۵ــ مهری بیضی بزرگ با سجع: «عبده‌کاظم ابن مهدی». ۶ــمهری بیضی با سجع: «محمد رفیع». ۷ ــ مهری بیضی با سجع: «محمد حسن ابن محمد مهدی». ۸ ــ مهری بیضی با سجع: «عبده حسینعلی‌الموسوی».

۲٤

سند مبایعهٔ مورخ ۱۳۰۳ هـ . ق .

در این سند علی‌الحسینی نویسندهٔ قباله، چهاردانگ از کل ششدانگ اراضی موات معروف به توران را درفندرسك به میرزاسعدالله‌خان که خود نویسنده، وکیل او بوده است وهمچنین دودانگ ازشش دانگ آن اراضی را به کربلائی قربان و آخوند ملاقنبر به چهار تومان قران فضی فروخته است و شرایط معامله را در آخر سند آورده است .

بسم‌الله‌خیر الاسما

الحمدلله‌الذی احل‌البیع و صلی‌الله علی خیرخلقه محمد صلی‌الله علیه
وآله غرض ازتحریر این‌کلمات شرعیةالدلالات آن است که بیع
صحیح شد مع‌الشرایط‌المفصلة الشرعیة فی ضمن عقدالبیع

بیع‌نمودم‌ارض‌مماتومخروبت راکه‌مشهوراست بتوران‌که واقع است‌درفندرسك که محدود است بحدود اربعه‌که شرقیاً متصل بآدش‌کلو وغربیاً متصل است بچشمهٔ مستال‌کرد و شمالیاً متصل بناور قورچی و جنوبیاً بملك غرهٔ جنگل چهاردانگ ازکل ششدانگ آنرا بمقرب‌الخاقان آقامیرزا سعدالله [1]خان دام‌ظله‌العالی بمبلغ ده تومان قران فضي‌رواجی وبعد از اینکه وکیل‌کرده بود مراسرکار خان‌سابق‌الذکراز جانب ایشان قبول بیع‌کردم بنهج‌مذکور ومختار است هرکه را با خودشریك‌قرار بدهد از طائفهٔ تراکمه هرکرا صلاح‌داند و همچنین فروختم دودانگ ازشش‌دانگ آن‌ارض‌راکه محدوداست بحدود اربعهٔ فوق بجنابان عالیقدران‌کربلائی ملاقربانو

۱ــ زیر کلمهٔ سعدالله مهری بیضی با سجع : «سعدالله الموسوی».

آخوند ملا قنبر نفری یکدانگ بچهار تومـان قران فضی‌رواجی و جناب آخونـد ملا قنبر ازجانب خود و ازجناب وکیل‌خود که کربلائی قربان باشد قبول‌بیع کردو دیگر در سهم این دو نفر در دو دانگ کسی باید شریك نشود و هرچـه من‌بعد آباد میشود ازآسیاب ودنگ وقنات وغیرآن بمنوال پیش‌باید معمول‌شود ازدودانگ... آندودانگ وچهار دانگ کل اینها شرط شرعی شد درضمن عقدبیـع و تسلیم وتسلم در بدلین شد وصیغهٔ مبایعه کماقررفی‌الشرع‌الانور بجریان پذیرفت .

بتاریخ پنجم شوال‌المکرم ۱۳۰۳.

[جای مهر][1]

[مطلب زیراز متن افتاده و در حاشیهٔ سمت راست افزوده‌اند :]

وغبن‌الغبن وغبن‌الفاحش وغبن‌الافحش این‌مبایعه‌را مصالحه کرده بآخوند ملاقنبرو کربلائی قربان بیکمن گندم سیاه بوقربلوك و یکمن نمك بترتیب عمل پشت‌کوه و یکقران‌پول وایشانهم‌قبول صلح کردند بمال‌المصالحهٔ معلوم ۱۳۰۳ . [جای مهر][2]

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این سند عبارات زیرنوشته شده‌است:]

قدوقـع البیع بحسب المسطور حررته‌فی ۵ شهر شوال‌المکرم ۱۳۰۳.

[جای مهر][3]

آنچه در این ورقه است بیان واقـع است وخلافی نـدارد ۲۱ شهر شوال‌المکـرم ۱۳۰۳. [جای‌مهر][4]

ذلك‌الکتاب لاریب‌فیه . [جای مهر][5]

واضح بوده باشد بآنکه قرارفیمابین این جانبان که‌کربلائی ملاقربان ومـلاقنبرعلی

۱ـ مهری‌چهارگوشه با سجع: «عبده‌علی‌الحسینی» : ۲ـ مهری چهارگوشه با سجع مهرقبلی. ۳ـ مهری چهارگوشه‌با سجع: «عبده علی‌الحسینی». ۴ـمهری بیضی با سجع: «سعدالله‌الموسوی». ۵ـ مهری بیضی با سجع : «هدایت‌الله‌الحسینی».

هستیم این بوده‌است‌که آنچه مخارجی که ازجهت تعمیر ملك ازقبیل مخارج‌دنگ‌و آسیاب و قنات و غیره تماماً را این جانبان متعهد گردیدیم‌کـه خود متحمل مخارج شویم و بسرکار مقرب‌الخاقان آقامیرزا سعدالله‌خان هیچ دخلی نداشته و ندارد و این قید از متن قباله فراموش‌گردیده بود مجدداً عرض شد. [جای مهر][۱]

۱ ـ مهری‌بیضی و ناخوانا.

بخش ششم

مصالحه‌نامچه و هبه‌نامه

۱

هبه‌نامهٔ مورخ ۹۴۲ ه . ق .

در این سند محمد صالح مزرعهٔ میرومحله که داخل قریهٔ ترنگ استرابادرستاق است بنابر تقرب حضرت باری و ترویح روح حضرت رسالت پناهی واهل البیت به کمال الدین محمود هبهٔ شرعیه کرده است .

درین وقت بنابر تقرب بحضرت باری وترویح روح حضرت رسالت‌پناهی و اهل ـ البیت آنحضرت مزرعهٔ میرومحله که داخل قریهٔ ترنگ استرادبادرستاق است از اراضی و املاکات از اشجارمثمره وغیر مثمره و غیرذلك وهرچه اسم ملکیت بر آن اطلاق توان نمود ذوی‌حقوق مسلمین مع نصف آن نهری که مشهوراست به‌فرهادبند که مأخذ آن از رودخانهٔ قریهٔ مذکوره است ومبدء آن در قریهٔ گینامهر است بعالیجناب سیادت‌پناهی فضیلت‌دستگاهی معانی‌نصابی سعادت‌آثاری کمالا محمود هبهٔ شرعیه نموده شد قربةً الی‌الله‌تعالی و آن مزرعهٔ مذکور محدود است‌باین‌حدود حد شرقی آن بتمام متصل‌رودخانهٔ مذکور وحدغربی آن بعضی‌متصل زمین‌ساده‌ملك عالیجناب سیادت‌پناه مومی‌الیه وبرادران است و حدشمالی آن بتمام متصل‌شارع عام وحد جنوبی آن بتمام متصل قریهٔ گینامهر مذکوراست وآن مزرعهٔ مذکورهٔ

موهوبه را مع نصف آن مذکور از تصرف وملکیت خود خارج کرده شد و بقبض و تصرف عالیجناب مشارالیه گذاشته شد و اوقبض وتصرف نمود.

تحریرا فی تاسع عشرشهر ربیع الثانی سنة اثنی واربعین وتسعمائه.
هبهٔ مذکوره کماهوطریقه شرعاً تقرباً الی الله تعالی و طلبالثوابه‌ـ
الجزیل ازمن صادر شد. [جای مهر][1] محمد صالح

[برحاشیهٔ سمت راست و پایین این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

ثبت مضمون المسطور بوجه وجیه شرعی لدی و حکمت به واناالعبد عفی عنهما غیاث‌الدین علی‌بهرام . [جای مهر][2]

من‌المطلعین علی‌مافی هذا الکتاب المستطاب جعفربن علی‌العاملی عفاالله عنهما. [جای مهر][3]

من‌الشاهدین بمضمونه حرره‌العبد عمادالدین مسعودالحسینی. [جای مهر][4]

من‌الشاهدین بمضمونه العبدالفقیر محمد ابن‌رضا. [جای مهر][5]

شهدبمضمونه حرره‌العبدالاقل فخرالدین احمد. [جای مهر][6]

شهدبمافیه العبدظهیربن‌علی‌طلبه . [جای مهر][7]

بمضمون المسطور من‌الشاهدین زین‌العابدین الحسینی. [جای مهر][8]

۱ــ مهری گرد و ناخوانا. ۲ــ مهری گرد و ناخوانا. ۳ــ مهری گرد و ناخوانا. ۴ــ مهری گرد وناخوانا. ۵ــ مهری گرد وناخوانا. ۶ــ مهری گرد و ناخوانا. ۷ــ مهری گرد و ناخوانا. ۸ــ مهری گرد و ناخوانا. تمام مهرهای این دوره گرد و مدوراست .

۲

مصالحه‌نامچۀ مورخ ۹۵۴ ﻫ . ق .

در این سند بی‌بی‌خوانگار و بی‌بی‌آقاچه حقوق خودرا در قریۀ علوی‌کلاته به‌مبلغ یك‌هزار تنگه به‌امیرعمادالدین مسعود مصالحه کرده‌اند .

غرض از تحریر این مسطور شرعیه و تسطیر این مزبور ملیه آنست که هرحقی که جناب عصمت مآبان وعفت آدابان نتیجۀسرکار والاخانی بی‌بی‌خوانگار بانو وبی‌بی‌آقاچه بنت عالیجناب مغفرت پناه عمدةالاخیار والاشراف الواصل الی‌جوار رحمةالله و رضوانه خواجه محمدمظفر بتکچی درقریۀ علوی‌کلاته که‌واقع است دربلوك استراباد رستاق از ولایت‌دارالمؤمنین استراباد که‌محدود است باین حدود شرقیاً بعضی‌متصل قریۀ روستاق‌همگی‌وبعضی‌متصل قریۀ پستاهنگ‌جنوبیاً بعضی‌متصل قریۀ رستم‌کلاته‌و بعضی متصل قریۀ جلالی غربیاً متصل قریۀ فوجرد شمالیاً متصل قریۀ پستاهنگ بر عالیجناب سیادت‌ونقابت‌پناه معالی‌دستگاه امیرعمادالدین‌مسعودبن‌عالیجناب‌سیادت‌و معالی‌نصاب رضوان‌پناه مرحوم مغفور امیرسید نظام‌الدین احمد استرابادی ... به توسط جمع‌عدول وثقات‌مبلغ یکهزارتنگه که هرشش تنگه از آن یکمثقال نقرۀ سرۀ مضروبۀ مسکوکۀ رایج جرجان است صلح صحیح شرعی قطعی یکبارگی‌نمودند و مصالح‌معه مذکور صلح مزبوره را بریال مذکور قبول نمودند و تمامی مال صلح مذکوررا تسلیم مصالحان مذکوران نمودند و مصالحان مذکوران ... صلح‌مزبور نمودند وتمام حقوق‌مصالحان مذکوران از قرار مزبور بسهمات مصالح‌معه مذکور انتقال . . . . یافت شرعاً تصرف کتصرف الملاك فی‌الأملاك و مسمای مصالحۀ مذکوره در وقت این‌صلح بوقوع آورده وهریك ازمتصالحان مذکوران عالم‌بودند

بر کیفیت و کمیت موضوع مصالح به قبول صلح ویااشبه ذلك بناءً علی‌ذلك تمامی حصهٔمصالحان‌مذکوران از قرار مزبورومضافات ومنسوبات‌آن ازاراضی وقنوات‌و انهار ومواضع طواحین واشجار مثمره وغیر مثمره بمصالح معهٔ مذکورمنتقل شد و ازکذب دراقرار ودعوی‌غبن ایراوترا واقع شد .

وکان ذلك فی‌التاریخ شهرربیع‌الاول سنةاربع وخمسین وتسعمائه.

[برحاشیهٔ سمت راست این سندعبارات زیر نوشته شده است:]

الشاهد بمضمونه العبد محمد ... [جای مهر][1]

شهده بمافیه علاءالدین .

شهده بمضمونه العبد محمدمجید.

بشهاده سلطان محمد ... [جای مهر][2]

من‌الشاهدین بمافیه العبد حاجی علی. [جای مهر][3]

شهدبمضمونه کمال‌الدین حسین.

شهدبمضمونه سیدقاسم‌الحسینی .

شهدبمضمونه عبده جبارابن‌ربیع.

شهدبمضمونه جمال‌گلشنی. [جای مهر][4]

شهدبمضمونه العبد شمس‌الدین علی‌بن‌درویش علی پلاسری. [جای مهر][5]

۱ـ مهری شش ضلعی و ناخوانا. ۲ـ مهری گرد و ناخوانا. ۳ـ مهری گردکه‌کلمات «العبد حاجی علی بن حسین» برآن خوانده می‌شود. ۴ـ مهری گرد و ناخوانا. ۵ـ مهری‌گرد و ناخوانا .

۳

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۳۶ هـ . ق .

در این سند آقا محمد شفیع و آقا محمدزکی و محمد نصیر و والدهٔ آقاعباس و محمدعلی آقا و محمدخان آقا و الله‌قلی آقای سپانلو و اسماعیل‌خان سپانلو و عباسقلی‌خان عزالدینلوی قاجار و حاج محمد جعفر و حاج محمدعلی و آقاسید ابراهیم و آقاعبدالمطلب و آقا کلبعلی و ورثهٔ حاجی سید احمد حقوق خود را بـه محمدتقی‌خان بالارستاقی مصالحه کردند تا نامبرده که خود از شرکاست در درهٔ انگرم آبندانی بسازد و چهاردانگ آن از بابت حق‌العمل تعلق به‌خود او داشته باشد و دودانگ دیگر سهم کل مالکان قریهٔ مزبور باشد.

نحمدالله قبل کل مقال
و نصلی علی النبی و آل

و بعد باعث بر تحریر این صفحهٔ صحت ترجمه آنست که مصالحهٔ صحیحهٔ شـرعیه نمودند طوعاً ورغبةً لااکراها واجبارا کل مالکان سه قریـهٔ انگرم واقعات دربلوك سدن‌رستاق که از غایت شهرت مستغنی از تعریف و توصیف است و هم عالیجنابان مقدس‌القابان سلالة‌السادات العظمان الکـرامان آقا محمدشفیـع و آقا محمدزکی و محمدنصیر و والـدهٔ عالیجناب آقاعباس اولاد مرحمت‌پناه خلدآرامگاه رضوان ـ جایگاه آقامحمدرضا موسوی طاب‌ثراه وعالیشانان عزت وسعادت‌نشانان محمدعلی آقاومحمدخان آقا والله‌قلی آقای‌سپانلو وعالیجاهان اسمعیل‌خان سپانلو وعباسقلی‌خان عزالدینلو قاجار وعالیحضرت رفیع‌الدرجات خیرالحاج حاجی محمدجعفروحاجی محمدعلی وسیادت‌پناه آقاسید ابراهیم وآقاعبدالمطلب و آقاکلبعلی احفاد مـرحوم مغفور آقا محمدزکی و ورثهٔ مرحمت وغفران‌پناه رضوان جایگاه حاجی سیداحمد

بعالیجاه‌معلی‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه شوکت واجلال‌دستگاه شهامت ونبالت‌انتباه محمدتقی‌خان بالارستاقی دام‌عزه که خود معظم‌الیه از جمله شرکاءقرای‌مزبوره میباشدکه ازمال ورجال خود سدمجرای قرای مزبوره که مشهور است بـدرهٔ انگرم نموده در واقع آبندانی بوده باشدکه چهاردانگ آن‌از بابت حق‌العمل تعلق‌بسرکار عالیجاه معظم‌الیه بوده باشد و دودانگ دیگر باکل مالکان قرای مزبوره بوده باشد آنچه‌منافعی که‌بعمل‌بیاید بعداز وضع چهاردانگ مالکان دودانگ از بابت‌حق‌الارض فیمابین خود علی‌قـدر حصصهم تقسیم نمایندکه عالیجاه معظم‌الیه هـم از دودانگ حق‌الارض بقدرحصهٔ ملکی شریك وسیهم میباشد سوای‌حقابهٔ قرای مزبوره که‌عبارة از یك ثلث از یکدانگ ازکل ششدانگ حقابهٔ منشعبهٔ از رودخانهٔ میان دره بـاکل شش دانگ منبع و مجرای چشمه‌سیاه‌پوست بوده باشدکه درخارج مشخص‌ومعینند تعلق با مالکان‌کل شش‌دانگ قرای مزبوره دارد آنچه منافع و مداخلی‌که ازحقابـهٔ قدیم بعمل بیاید بـا مالکان شش‌دانگ می‌باشد واسقاط جمیع خیارات نمودند سیما خیارالغبن و غبن‌الغبن ولوکان فاحشاًبل افحش و صیغهٔ مصالحهٔ شرعیه‌کماهو قانون فی‌الشریعة المقدسه بالعربیة والفارسیه جاری‌گردید .

وکان ذلك فی‌غرهٔ شهرجمادی‌الثانی من‌شهور سنه ۱۲۳۶ .

[بربالا و حاشیهٔ سمت راست این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

رضیت‌بحصتی بماز برورقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][۱]

بقدرحصهٔ خودم‌که ازقریتین مزبورتین‌ارث منتقل شده‌است برمراتب مزبوره داخل شده‌ام نمقه‌الجانی. [جای مهر][۲]

۱ـ مهری چهارگوشه‌با سجع: «عبده محمدشفیع الموسوی۱۲۲۲». ۲ـ مهری چهارگوشه‌باسجع: «عبده الراجی زکی‌الموسوی».

رضیت بحصتی بمازبرفیه‌لدی . [جای مهر][1]
رضیت بحصتی بمازبرفیه‌لدی. [جای مهر][2]
رضیت بحصتی بمازبرفیه‌لدی. [جای مهر][3]
رضیت بحصتی بمازبرفیه‌لدی. [جای مهر][4]
رضیت علی‌حسب‌حصتی کمارقم‌فیه نمقه‌الخاطی. [جای مهر][5]
رضیت بحصتی بمازبرفیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][6]
رضیت علی حسب حصتی بمارقم‌فیه نمقه‌الخاطی. [جای‌مهر][7]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی اسمعیل» . ۲ ـ مهری چهار گوشه با سجع : «محمدخان ابن‌نردینی». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «الهی‌بحق‌نبی‌وولی ببخشا گناه‌الله قلی». ۴ـ مهری‌بیضی با سجع : «عبده الراجی‌محمدعلی». ۵ ـ مهری چهار گوشه با سجع: «بود مروج دین محمدی جعفر». ۶ـمهری چهار گوشه‌با سجع: «خاك قدم‌علی مطلب۱۲۱۲». ۷ـ مهری چهار گوشه با سجع: «لااله‌الاالله الملك‌الحق‌ـ المبین عبده قلی».



مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۴۸ ه. ق.

در این سند بی‌بی‌فاطمه کل شش‌دانگ دکان واقع درگذر سوخته‌چنار بازارنو را به‌استاد حاجی بابای زرگر به‌مبلغ سی‌تومان‌رایج سلطانی که عبارت‌ازسیصدعدد سکهٔ صاحبقرانی فتحعلی‌شاهی‌است مصالحه‌کرده است مشروط براینکه حاجی بابا پنج قبر از قبور معهودرا سنگ‌کند و چهار سال صوم و صلوة برای چهارمیت بدهد و دومجلس خرج تعزیه‌داری نماید وخرج سفر بی‌بی‌فاطمه را به عتبات فراهم آورد.

غرض از تحریر این ورقه آنستکه محالحهٔ شرعی اسلامی نمود عفت و عصمت‌پناه سیادت‌مآب بی‌بی فاطمه زوجهٔ استاد محمدرضا باعالیقدر استاد حاجی بابای زرگر برادرزادهٔ مرحوم استاد محمدرضای صباغ کل شش‌دانگ دوکان واقع در گذر سوخت‌چنار که در بازارنو است و محدود بحدود اربعهٔ ظهر است باجمیع توابع‌و لواحق آن ازچوب وسفال وحریم وغیره‌وجمیع متروکات جزئیات از نمدوکاسه و مسین‌آلات را بمال المصالحهٔ مبلغ سی‌تومان رائج سلطانی که عبارت از سه‌صد عدد صاحب‌قران فتحعلی‌شاهی جدید باشد و مشروط برآنکه پنج قبر ازقبور معهود را سنگ‌کند بطریق تعارف وچهارسال صوم‌وصلوة از برای چهارمیت‌بدهدو دو مجلس خرج تعزیه‌داری نماید و شرط دیگر آنکه در وقت رفتن سیدهٔ مذکوره بعتبات عالیات اسباب جزئیات و کلیات سفری‌ایشان را بدهدازاسباب کفش وچادر-شب ومس‌ضروری سفر را بدهد و وجه مذکوره را ده‌تومان آن را بعد از ده‌یوم دیگر بدهد و باقی را بعد از دو ماه دیگر بدهد و اگر سیدهٔ مذکوره قبل از زمان قسط بزودی نخواهد برود کل سی‌تومان را نقد داده روانه کند وبعد استاد حاجی

بابای مذکور مصالحه نمود جمیع خیارات را از خیارغبن وغبن درغبن وغیره را بمال‌المصالحهٔ یك من‌گندم و صددینار پول و قروض سیدهٔ مزبور را ازدیناری تا سی‌تومان بدهد وصیغهٔ‌مصالحتین بطریق ایجاب وقبول‌عربی وفارسی جاری‌گردید.

وکان ذلك درغرهٔ شهرصفرالمظفرمن شهور سنهٔ ۱۲۴۸.

[بربالای این سند عبارات زیر نوشته شده‌است:]

هو قدوقع جمیع مارقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][1]

وقع‌مارقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][2]

هو ذلك‌كذلك الجانی. [جای‌مهر][3]



مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۵۰ ﻫ . ق .

در این سند میرزا محمدربیع ومیرزا محمدجواد سه دانگ مشاع از جمله شش دانگ مزرعهٔ میرزا هاشمی واقع درنامتالو از بلوك فندرسك را به مبلغ شصت تومان تبریزی از قرار اشرفی محمد‌شاهی دانهٔ هیجده نخود نخودی یك تومان رایج بانضمام یك من تبریزگندم سفید خاص به محمدتقی بیگ بسطامی ساکن قریهٔ کرند مصالحه‌کرده‌اند .

هو الله تعالی شأنه‌العزیز

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به‌نستعین

و بعد غرض ازتحریر این کلمات شرعیة الدلالات آنکه حاضرشدند درعالیمجلس

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی فضل‌الله». ۲ ـ مهری چهارگوشه که کلمات«عبده محمد موسی الحسینی» برآن خوانده می‌شود. ۳ـ مهری‌بیضی با سجع: «عبده محمدتقی الحسینی».

شرعمطاع لازم‌الاتباع دارالخلافهٔ طهران خفت بالامن‌والامان عالیجنابان سعادت‌مآبان سلالة السادات العظام الکرام میرزا محمدربیع و میرزا محمدجواد[1] اخوان ولدان مرحمت [و] غفران‌پناه میرزا محمدحسین سیدموسوی فندرسکی من‌بلوکات استراباد دون‌الاکراه والاجبار بالطوع والرغبه باشد رضا مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ دینیهٔ اسلامیه نمودند بعالیشان عزت‌نشان سلالة‌الاعیان محمدتقی‌بیگ ولدمرحمت و غفران‌پناه محمدمهدی بیگ بسطامی ساکن قریهٔ‌کرند مقرون بقبول او همگی‌تمامی سه‌دانگ مشاع منجمله ششدانگ مزرعهٔ مشخصهٔ مدعوه بمزرعهٔ میرزاهاشمی‌واقعه درنامتالومن بلوك فندرسك‌که محدود بحدوداربعهٔ ذیل است

[جنوبی]	شرقی	شمالی	غربی
رودخانهٔ مشهور خوشاب	ازبرکی‌مشهوربند کلوکن	بطاحونهٔملك‌ذوالفقار	الم دیکه

باکافهٔ ملحقات شرعیهٔ آن‌ازاراضی صحاری انهارتلال‌چشمه ده‌خانه‌واررعیتی‌مشهور بکالکی‌که ازاکارم مزرعه میباشد هرآنچه‌تعلق‌داردبمزرعهٔ مزبوره مع‌حق‌آبه‌ازآب‌داروباریکدانگ از بندکی‌نو یکدانگ ازچشمه هرقسمی از رودسرخ‌محله یکدانگ که ازآب ... میباشدکل‌مایتعلق‌بها شرعاًبقدرالحصه سه‌دانگ ذکر ام‌لم‌یذکروصف ام‌لم‌یوصف که‌موروثی ایشان میباشد دانسته فهمیده‌بمال‌المصالحه مبلغ شصت‌تومان تبریزی‌که از قرار اشرفی محمدشاهی دانهٔ هیجده نخود نخودی یکتومان رایج بانضمام یکمن بوزن تبریزی‌گندم‌سفید خاص‌که تمام آنرا نقدفی‌المجلس‌اخذنمودند بمصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ دینیهٔ‌اسلامیهٔ شاملهٔ ایجاب‌وقبول‌شرعی‌بصحت‌لزوم‌آن‌قائل

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده ربیع‌الموسوی» و مهری گلابی شکل باسجع : «عبده جواد الموسوی».

شده تصدیق اجازهٔ امضاء را و قطع حق ایشان از سه‌دانگ مزبور در فوق شده و حق مصالح له مزبور برقرار شده چنانچه من بعد هریك از مصالح لهما ادعا نمایند برخلاف مرقوم از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد بود مر مصالح له راست انحاء تصرفات مالکانه کیف شاء که بهر نحو که خواهد مصالح له تصرف نماید در مزرعهٔ مزبوره وصیغهٔ شرعیه بالفارسیه والعربیه برطبق مراتب مزبوره جاری و واقع گردید.

وکان ذلك تحریر هذه الکلمات فی بیست ششم شهر رجب المرجب سنة ۱۲۵۰.

[جای دومهر][۱]

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اقر و اعترف بجمیع مارقم فیه لدی نمقه الجانی. [جای مهر][۲]

اقل السادات آقاسیدحسین طباطبائی [جای مهر][۳]

ذلك کذلك . [جای مهر][۴]

قداقر بمارقم فیه لدی. [جای مهر][۵]

هو حاجی رحیم ماهرودی. [جای مهر][۶]

ذلك کذلك . [جای مهر][۷]

---

۱ ـ مهری بیضی با سجع: «عبده ربیع الموسوی» و مهری گلابی شکل با سجع: «عبده جواد الموسوی» . ۲ـ مهری بیضی با سجع: «عبده الراجی نصرالله» و مهری چهار گوشه بالای آن با سجع: «لااله الاالله الملك الحق المبین مرتضی قلی» . ۳ـ مهری بیضی با سجع: «عبده محمدحسین بن محمد حسن الطباطبائی». ۴ـ مهری بیضی با سجع: «محمدتقی عجم» . ۵ـ مهری بیضی با سجع : «عبده الراجی محمد ابراهیم». ۶ـ مهری چهارگوشه با سجع: «بسم الله الرحمن الرحیم». ۷ـ مهری چهارگوشه با سجع : «لااله الاالله الملك الحق المبین عبده ذوالفقار».

شهدت فرج‌الله‌خان عرب . [جای مهر] [1]
اقرون واعترفون حرره‌العبدالاقل‌والاذل‌حاجی‌بابا عرب بسطامی. [جای‌مهر] [2]
آقا بابابیگ مقانی. [جای مهر] [3]
محمودخان ده‌پیازی. [جای مهر] [4]
ذلك‌كذلك اناشاهد بذلك خان‌احمدسلطان عرب ارمیانی بسطامی .
چندین شهادت و مهردیگر وتوضیحی برحاشیه دارد که چون دستخوردگی داشت نقل‌نشد].

۶

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۵۵ ﻫ . ق .

دراین سندنسق‌چی‌باشی‌ومحمدرضاخان‌وجمیع‌ورثهٔقرقچی‌باشی‌و ورثهٔخان‌بذرك‌كل‌شش‌دانگ ازدوقطعه زمین‌متصل به‌خانه وباغچهٔ آقامیرموسی‌را به‌مبلغ بیست‌عدد کشوری‌وبیست‌عددریال‌محمدشاهی به‌آقا سید فضل‌الله استرابادی مصالحه کرده‌اند.

غرض ازتحریر وتنمیق این ورقه آنست که درحال صحت نفس وثبات عقل‌بلاشائبهٔ اکراه و اجبار مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیه نمودند جمیع ورثهٔ مرحوم جنت‌آرامگاه ... بخصوص عالیجاه رفیع‌جایگاه زبدةالاشراف والارکان نخبةالامراء الکرام سرکار عصمت‌مدار مقرب‌الخاقان نسق‌چی‌باشی وسرکار عصمت‌مدار زبدةالخوانین‌العظام

۱ ـ مهری بیضی با سجع : «افوض امری الی‌الله عبده فرج‌الله» . ۲ ـ مهری چهارگوشه که «لااله‌الاالله الملك الحق المبین حاجی بابا بن ابوالقاسم» بر آن خوانده می‌شود. ۳ـ مهری بیضی باسجع: «بابا زین‌العابدین». ۴ـ مهری‌بیضی‌که‌کلمهٔ «محمود» برآن‌خوانده می‌شود.

مقرب‌الخاقان محمدرضاخان وجمیع ورثهٔ مرحوم جنت تکیه‌گاه عمدةالامراءالعظام الکرام نسق‌چی‌باشی و ورثهٔ مرحوم جنت‌آرامگاه امیرالامراء العظام وباقی ورثهٔ مرحوم خان بذرك بعالیجناب فضایل‌مآب سلالةالسادات‌العظام علامی‌فهامی مجتهد‌الزمانی جناب آقاسید فضل‌الله استرابادی همگی و تمامی کل ششدانگ از دو قطعه زمین‌متصل بخانه و باغچهٔ سلالةالسادات مرحوم مغفورجنت ورضوان‌آرامگاه آقا میر موسی والدآنجناب باجمیع توابع ولواحق من‌الممروالمدخل بحدود اربعهٔ ذیل

شرقیاً بکوچهٔ عام‌وخانهٔ‌سیدهندی‌وخانهٔ که ورثهٔ آقا لموردی شالی بود	وجنوبیاً بخانهٔ والدآنجناب
وشمالیاً بقلعهٔ قدیم و باغچهٔ بذرك که الآن ملك ورثهٔ مرحوم فوق است که این قلعه فاصله است میانهٔ این‌دوقطعه و باغچهٔ بذرك	و غربیاً بعضی بخانه و باغچهٔ جناب سید مذبور مرحوم

بمال‌المصالحه مبلغ بیست عدد کشوری و بیست‌عدد ریال جدید محمدشاهی سی‌نخودی و بعد مصالحه نمودند جمیع خیارات خود را ورثهٔ آنمرحوم ازخیارغبن‌و غبن درغبن و خیار رؤیت وتوریه و آنچه حقوقی که تصور شود ازین دوقطعه زمین باآنجناب بقرائت سه‌سبحان‌الله قبض واقباض درمال‌المصالحه وملك مزبور بقرائت سه سبحان‌الله واقع‌شد وله‌التصرف فی‌ملکه کالتصرف الملاك فی‌املاکهم واجرای صیغتین بطریق عربی و فارسی شد.

وکان ذلك در نوزدهم شهر محرم‌الحرام من‌سنة ۱۲۵۵.

۷

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۵۵ ه . ق .

در این سند رقیه‌خانم زوجهٔ محمدولی میرزا همگی و تمامی ارثیهٔ خودرا از قری ومحال فندرسك به مبلغ پنجاه عدد اشرفی تومانی محمدشاهی هیجده نخودی به‌محمدتقی بیگ نایب ایشیك‌آقاسی‌ـ باشی مصالحه کرده است.

فبعد غرض‌از تحریر وتسطیر این سطور شرعیه‌آیات واضحةالدلالات آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ ملیهٔ اسلامیه نمود فی حالة تحققالشروط الشرعیة کالقصد والاختیاربلااکراه واجباربل‌بالطوع والرغبة عفت وعصمت‌پناه طایفهٔ بیت‌الله حاجیه رقیه خانم زوجهٔ دائمهٔ شاهزاده عدیم‌المثال محمدولی‌میرزا به‌عالیشان عزت‌وسعادت نشان زبدة الاماثل والاقران محمدتقی بیگ نایب ایشیك‌آقاسی‌باشی خلف مرحوم جنت‌مکان مهدی‌بیگ بسطامی ساکن قریهٔ گرمن همگی و تمامی و جملگی حقوق ارثیهٔ خود راکه ازقری ومحال فندرسك داشت آنچه ملکیت وحقیت راسزد وشاید بدون استثنای شیء از آن‌راعیناً کان أم منفعة مع ده‌خروار شالی که از بابت منافع املاك محل مسطور واصل مشارالیها می‌گردید بمال المصالحه مبلغ پنجاه عدد اشرفی تومانی محمد شاهی هیجده نخودی و صیغهٔ مصالحهٔ مشتملة علی‌الایجاب والقبول کماورد فی‌شرع الرسول بالعربیة والفارسیة بین‌وکیلیهما واقع‌وجاری‌شد و بعدذلك مصالحه نمود معزی‌الیهاجمیع حقوق خود راکه درمصالحهٔ مسطوره داشت ولوخیارغبن‌رابه‌عالیشان مصالح‌مزبور بمال‌المصالحة مبلغ‌پنج عدد اشرفی موصوف وصیغهٔ مصالحه‌به‌وقوع پیوست ومال‌المصالحة فی‌مجلس‌المصالحة بلاکسوروقصور واصل گردید پس بنابر وقوع مراتب مزبوره گردید جمیع حقوق معزی‌الیها

حق‌صدق وملك طلق‌مصالح مزبور.

وكان‌ذلك بتاريخ دهم شهر رجب‌المرجب سنهٔ ۱۲۵۵.

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اعترف‌الوكيل‌الشفاهي‌بالمصالحتين‌مزبورتين‌ووصول مالهما لدى وانا‌العبدالجانى الاحقر. [جای مهر][1]

وقع مازبرفیه‌لدی. [جای دومهر][2]

قد وقعت‌المصالحتين حسبمازبرفيه‌لدى . [جای مهر][3]

میرزا ربیع فندرسکی. [جای مهر][4]

آقاسیدحسن زواره . [جای مهر][5]

میرزا جواد فندرسکی. [جای مهر][6]

محمودخان ده پیازی. [جای مهر][7]

تحریرمتن بیان واقع‌است. [جای دومهر][8]

وقع مازبرفیه‌لدی . [جای دومهر][9]

۱ــ مهری بیضی باسجع: «الله‌خالق کل‌شییء عبده محمدجعفر» . ۲ــ مهری‌بیضی که وسط آن گل و بوته و چهار طرف آن کلمهٔ «حسن» حك شده است ومهری چهار گوشه که «لااله‌الاالله‌الملك‌الحق‌المبين حاجی‌بابابن‌ابوالقاسم» برآن خوانده می‌شود. ۳ــ مهری هشت گوشه‌باسج: «عبده‌الراجی‌عباسقلی». ۴ــ مهری‌بیضی که کلمات«عبده‌ربیع‌الموسوی» برآن‌خوانده می‌شود. برسمت راست این‌مهر مهری‌چهار گوشهٔ بزرگ است با سجع : «لااله الاالله‌الملك‌الحق‌المبين عبده مرتضی قلی» . ۵ــ مهری‌بیضی‌باسجع: «عبده‌محمدحسين ابن محمد مؤمن‌الطباطبائی». ۶ ــ مهری گلابی‌شکل باسجع: «عبده‌جوادالموسوی». ۷ــ مهری بیضی که‌کلمات «فی‌کل محمود» بر آن خوانده می‌شود. ۸ــ مهری بیضی باسجع: «یا حمزه سیدالشهدا ۱۲۵۴ » و مهری بیضی دیگر بانام « علی اصغر». ۹ــ مهری بیضی باسجع: « کنده‌بدل‌مهرمحمد صالح» ودیگری باسجع:« پیرودین نبی مصطفی».

علی‌اکبرخان ده‌پیازی. [جای مهر][1]

۸

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۵۵ هـ . ق .

در این سند محمدتقی بیگ تمامی حصه و رسد خود را از قریهٔ برزمهین واشکارکلاته و قریهٔ مستکیان و مرزعهٔ تنارود و مرزعهٔ زرین‌کل و واکانوومزرعهٔ شیرین‌آباد را به‌ولد هفت سالهٔ خود محمد حسب‌القبول خود مصالحه کرده است .

هو المالك بالاستحقاق

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به‌نستعین

...غرض‌ازتحریروترقیم اینکلمات‌شرعیةالدلالات حاضرشد بدارالشرع‌الانورطهران عالیشان عزت‌نشان‌سلالةالاعیان محمدتقی‌بیگ ولدمرحوم مهدی‌بیگ بسطامی‌ساکن گرمن‌بدون اکراه برضای خود مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ دینیهٔ اسلامیهٔ لازمهٔ جازمه بعالیشان رفیع‌مکان بولد هفت‌سالهٔ‌خود محمد حسب‌القبول‌خودمصالح مزبورکه‌ولی اومیباشد همگی وتمامی حصه ورسد خود را ازمزارعات وقنات وقریه وطاحونه و اشجار و اراضی و صحاری و محل زراعت‌کاری ازشتوی‌کاری و صیفی که بنحو مزبور اسامی آنها در ذیل معین شد

شش‌دانگ برزمهین مع‌مزارعهٔ مشهورهٔ متعلقهٔ بآن . . . . . و سنگستان ومیان دو ـ رودکرمان‌کاریز وحق‌آبهٔ آن از رودخانهٔ سیاه‌جوب وغیره از قنوات و دودانگ از چشمه‌سارها کماکان و محدود بحدود ذیل است بالتمام

---

[1] ــ مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبده الراجی علی‌اکبر».

حــــــــــــد

شرقیاً سرچشمهٔ سفید روی که مشهور است ببرزاجرد ونهر برزاجرد که‌میرود بقنات ناجرها و از آنجا میرود بقنات لیاس که در پهلوی یرط دولت شاهی واقع است و از آنجا منتهی میشود بتیه میرزا اشرف

حــــــــــــد

غرباً بتختهٔ بلند بزرگ رودخانهٔ کلوکن که‌شورشاب کوکن و رودخانهٔ مذکوره میرود بسوی اشکارکلاته و منتهی میشود بسیاه‌جوب

حــــــــــــد

جنوباً میرود بستوه ولندان

حــــــــــــد

شمالیاً شوار سنجدگله که متصل است بسیاه‌جوب

قریهٔ اشکارکلایه که حق‌آب آن یکرشته قنات واقع درقریهٔ برزمهین است و بندمیر دوست مع بند حلوال و محدود بحدود ذیل است بالتمام که شش دانگ بوده باشد.

حــــد	حــــد
شرقیاً رودخانهٔ سیاه‌جوب	غرباً مستی ناور بندوال

قریهٔ مستکیان مشهور کنیزك وناورهای آنها و غیره کماکان محدود بحدود ذیل است بالنصفه که سه دانگ بوده باشد

حــــد حــــد

ومزرعهٔ زرین کل وواکانووحق‌آبهٔ آن از رودخانهٔ بزدومان است و در محل خود ازتحدید و توصیف مستغنی است بالثلث که خود یکی بوده باشد

حــــد حــــد

حـــــــــد حـــــــــد

شمالاً برودخانـهٔ جنو بأمرز بالای‌سر-

سیاه‌جوب زینل مزرعهٔ کنیزك

محدوداست بحدودی

کـه در تحت رسد

عالیحضرت‌میرزا ایدالله

بموجب تفصیل

مزرعهٔ تنارود که در محل خود از تحدید وتوصیف مستغنی است بالثلث که‌دودانگ بوده باشد و مزرعهٔ شیرین‌آباد که در محل خود از تحدید مستغنی است بالنصفه که سه‌دانگ بوده باشد که قریهٔ مزبوره بحدود ذیل است

حـــد

مزرعهٔ زرین‌کل وواکانو ومزرعهٔ شیرین‌آباد و مزرعهٔ تنارود که هریك درمحل خود از تحدید مستغنی است

و موازی دودانگ از جمله شش دانگ قریهٔ ولندان باجمیع توابع ولواحق شرعیه نیمدانگ از جمله شش دانگ از یکرشته‌قنات دایرواقعه درقریهٔ بالاچهارگاه‌باتوابع شرعیه‌ولواحق و دودانگ‌نیم ازجمله پنجدانگ حق‌الحفر ازشش‌دانگ یکرشته‌قنات دلیره مشهور بقنات قریهٔ ییلاق و محدود بحدود مزبوره که در قبالهٔ جداگانه میباشد بدون وضع جریب از آن که معلوم شده است در فوق که از همشیرهٔ مصطفی‌خـان زوجهٔ عالیجاه رفیع‌خان ابتیاع نموده است ومبلغ ده‌خروار شلتوك مال‌الاجارهٔ در هرسال راکـه مسماة وموسومه به حاجیه رقیه خانم زوجـهٔ محمدولی میرزا مشهور به‌جده بزرگ می‌باشد و آنچه در فوق معلوم شـده است

من‌توابع و محال فندرسك میباشد که من‌دهات استراباد بوده باشد و در تصرف‌خود داشته و مالك بوده دانسته و فهمیده مصالحه نموده بمال‌المصالحه مبلغ یکصد دینار پول‌سیاه دانهٔ سه مثقال سه نخود یکصد دینار رایج‌الحال طهران و موازی یك سیر نبات‌صندوقه که تمام وجه مال‌المصالحه را ولایتاً قبول نموده واخذ نموده ومصالحهٔ شرعیهٔ ملیّهٔ اسلامیهٔ لازمهٔ جازمهٔ شامله ایجاب وقبول شرعی وبصحت وشرعیت و لزوم آن تأیید و تصدیق و اجازه و امضای آن را نموده و صیغهٔ شرعیه جاری شد و ازالهٔملکیت وسلب‌حقیت‌مصالح مزبور ازتمامی مزارعات وقریه‌های مزبوره درفوق شد وبحق مصالح‌له مزبور برقرارشده وبرمصالح‌له مزبور می‌باشدکه بعدازبلوغ و رشد آنجا را بتصرفات مالکانهٔ خودکیف شاء و ارادت [درآورد] کتصرف الملاك فی‌املاکهم و ذوی‌الحقوق فی‌حقوقهم وکان ذلك‌التحریر هذه‌الکلمات الشرعیه.

وکان ذلك فی دوشنبه سیزدهم شهر
رجب‌المرجب‌من‌شهورسنة ۱۲۵۵.

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این سند عبارات زیراست:]

اعترف بجمیع ماز برفیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][1]
قداقرالمصالح بالمصالحة لدی حسبمافیه . [جای مهر][2]
اعترف بمازبر ونظرفیه‌لدی. [جای مهر][3]
آقا سید حسین زوارهٔ. [جای سه مهر][4]

۱ـ مهری بیضی با سجع: «عبده الراجی نصرالله» . ۲ـ مهری بیضی با سجع: «عبده الراجی عباسقلی». ۳ـ مهری بیضی که وسط آن درمیان نقش نام «محمد» وچهار طرف آن نام «حسن» است . ۴ـ مهری بیضی با سجع: «عبده محمد حسین‌بن محمدـ مؤمن الطباطبائی» و بالای آن مهری چهار گوشه با سجع: « لااله‌الاالله الملك‌الحق المبین عبده مرتضی قلی » و مهری چهارگوشهٔ دیگر با سجع: «لااله‌الاالله الملك الحق‌المبین عبده الآثم‌حاجی بابا بن ابوالقاسم».

الشاهد حاجی عبدالکریم تاجر قندهاری الاصل. [جای مهر][1]

شهدت میرزا ربیع فندرسکی. [جای مهر][2]

شهدت میرزا جواد فندرسکی. [جای مهر][3]

محمودخان ده‌پیازی. [جای مهر][4]

الشاهد شکرالله‌خان اصفهانی‌الاصل.

اقل‌عباد محمد علی‌یزدی‌الاصل. [جای مهر][5]

مصطفی .... [جای مهر][6]

علی‌اکبرخان ده‌پیازی. [جای مهر][7]

آقابابا کت مقانی. [جای مهر][8]

۱ــ مهری چهارگوشه با سجع: «لااله‌الاالله الملك‌الحق‌المبین عبده عبدالکریم».

۲ــ مهری بیضی کوچك با سجع: «عبده ربیع‌الموسوی». ۳ــ مهری گلابی‌شکل با سجع: «عبده جواد الموسوی». ۴ ــ مهری بیضی کوچك که کلمات «الله‌فی کل محمود» بر آن خوانده می‌شود. ۵ــ مهری چهارگوشه با سجع: «العبدالمذنب محمد علی».

۶ــ مهری چهارگوشه با سجع: «پیرو دین‌نبی مصطفی». ۷ ــ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی علی‌اکبر». ۸ ــ مهری بیضی کوچك‌که نام «زین‌العابدین» بر آن خوانده می‌شود.

۹

مصالحه نامهٔ مورخ ۱۲۶۱ هـ . ق .

در این سند وراث موسی‌خان قاجار قوانلو فرزند حاجی مهدی‌قلی خان قاجارقوانلو حقوقی راکه از موسی‌خان حسب الارث به ایشان انتقال یافته بود و آن یك دانگ مشاع ازکل ششدانگ از یك‌باب حمام واقـع در محلهٔ سرچشمه از محلات استراباد معروف به حمام چشمه به یك من تبریز گندم‌سفید خباز پسند و گفتن سه‌مرتبه کلمهٔ طیبهٔ‌سبحان‌الله به‌سید محمدتقی‌خلف سیدمفید استرابادی مصالحه کرده‌اند .

هو العالم بحقایق‌الامــور

بســـم‌الله الرحمن‌الرحیم و به‌ثقتی

الحمدلله رب‌العالمین والعاقبة للمتقین وصلی‌الله علی‌محمدوآله

و بعد باعث برتسطیر و تـرقیم این ارقام خجسته‌فرجام آنستکه حضرات عـالی‌ـ جاهان رفیـع جایگاهان عـزت و سعادت همراهان جلالت و نبالت اکتناهـان وراث مرحمت وغفران‌پنـاه جنت ورضوان‌آرامگاه موسی‌خان قاجارقوانلو خلفمرحمت و غفران‌پناه جنت وفردوس‌آرامگاه حاجی مهدیقلیخان قاجارقوانلو دانسته وفهمـیده عالماً عامداً بالطوع والرغبةوالاختیار هریك بانفراده که اسامی سامی ایشان‌بموجب تفصیل ذیل‌است صلح صحیح نمودند به عالیجناب قدسی‌القاب فضایل‌مآب حقایق و معارف اکتساب سلالةالسادات‌الاطیاب جناب‌آقاسید محمدتقی‌خلفمرحمت‌وغفران‌ـ پناه جنة ورضوان‌آرامگاه المستغرق الی بحار رحمةالله حاجی سید مفید استرابادی

کافه وقاطبهٔ حقوقیکه بحسب‌الارث از مرحمت‌پناه‌موسی‌خان بایشان انتقال یافته‌بود در همگی و تمامی یکدانگ مشاع از کل ششدانگ یکباب حمام مشخص معین‌معلوم واقعه در محلهٔ معـروفه به‌محلهٔ سرچشمه من محلات دارالمؤمنین استرابـاد که این حمام معروفه است بحمام چشمه که عنداهالیهامستغنی از تعریف وتوصیف‌است‌باکافهٔ متعلقات ومنضمات شرعیهٔ آن بدون وضع واستثناء چیزی از آن حصص خود کـه حصهٔ مرحمت‌پناه حاجی مهدیقلیخان از حمام‌مذکور یکدانگ بوده وبحسب‌الارث بجمیع ورثهٔ اوانتقال‌یافته للذکرمثل‌حظ‌الانثیین که یك حصه کمافرض‌الله بمرحمت‌ـ پناه‌موسی‌خان‌انتقال‌یافته‌وحضرات‌هم‌مصالحه‌کردند بجناب معزی‌الله بمال‌المصالحه موازی یکمن‌تبریز گندم‌سفید خبازپسند وگفتن‌سه‌مرتبه کلمهٔ طیبهٔ‌سبحان‌الله وآنجناب معظم‌الیه قبول مبایعه نمود وصیغهٔ مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیه بینها بـالفارسیه و العربیه جاری وواقع شد مشتمله برکل مالابذمته شرعاً محتویه براسقاط کافهٔ خیارات‌شرعیه ازغبن وغیره‌وهرگاه‌یوماًمن‌الایام هریك ازحضرات مسطورین‌بخلاف مسطورگفتگو کنند باطل است و از درجهٔ اعتبار ساقط .

وکان ذلك فی‌تاریخ یوم هیجدهم شهر جمادی‌الاولی‌من‌شهور
سنة یکهزار و دویست وشصت یـك هجری نبوی سنة ۱۲۶۱
[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ دست راست این‌سند نوشته شده است:]

هوالله تعالی

بعقدمصالحهٔ شرعیه منتقل‌نمودند ورثهٔ مرحوم موسی‌خان قاجارقوانلو هرگونه حقی که در حمام مسطور متن داشتند بجناب مستغنی‌القاب سلالةالسادات العظام آقا سید

۱ـ مهری بیضی با نام «طیقون ۱۲۳۷ »

محمدتقی مزبور متن مگر یکنفرصغیر که سمی مرحوم مزبور است حق‌او باقی‌است علی‌ماکان و یکدختر دیگر که زوجهٔ عالیجاه امامقلی‌خان است از او اعترافی‌نشنیدم باقی‌علی‌نهج‌الشرع‌الشریف‌منتقل‌بجناب‌سید‌نمودند‌وهمچنین ازانتقال‌حق‌امیر‌الامراء مهدیقلیخان بجناب سید مطلع نشدم تحریرا فی ۱۲۶۱. [جای سه مهر][1]

۱۰

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۸ هـ . ق .

دراین سند ملا محمدباقر خواجه سه دانگ از کل ششدانگ یك باب دکان‌را به وکالت ثابته ازجانب برادرزادهٔ خود مسماة به‌گوهرشاد بـه مال‌المصالحه مبلغ پانزده تومان‌و پنج‌ریال بیست‌وهشت‌نخودی ناصرالدین‌شاهی به‌اسدالله موسوی مصالحه‌کرده است.

مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ اسلامیه نمود بالطوع والرغبة لابالاکراه والـرهبة در حال‌صحت نفس‌وثبات عقل‌وجواز‌تصرف عالماً وعامداً بالکم والکیف عمدةالاعیان تجارت دستگاه ملا محمدباقر خواجه خلف‌الصدق ملاحاجی بابا مرحوم همگی وتمامـی سه‌دانگ از کل ششدانگ از یکدرب دکان ابتیاعی از عـالیجناب سلالة السادات العظام آقا سید محمدالموسوی بوکالة ثابته از جانب زوجـهٔ خود سلیمه‌بیگم‌صبیهٔ مرحوم رضوان‌جایگاه حاجی‌آقاکوچك موسوی که دکان‌مذکوررا مصالـح بـا آقا محمد اسمعیل پسر عـم ایشان بشراکت ابتیاع نموده بودنـد و

---

[1] ــ مهری بیضی با نام «علی اصغر» ومهری بیضی دیگر با نام « شیخ باقر» و مهری بیضی دیگربا نام «محمد قلی» .

سه دانگ حصهٔ آقا محمداسمعیل منتقل گردید بـه همشیرهٔ مرحوم ایشان کـه وقف برتعزیه‌داری نموده والآن عین مصطلحهٔ مشترکه است فیمابین خود و موقفه بطریق تنصیف بسرکار عالیجناب فضایل‌مآب آقائی آقااسدالله‌الموسوی‌بوکالة ثابتهٔ محققه از جانب برادرزادهٔ کرام خود وهی‌المسمات بگوهرشادبیگم کـه صبیهٔ جناب آقائی آقا عبدالـرحمن‌الموسوی بـاشد و محدود است بحدود اربعهٔ ذیـل و واقعه است در راست بـازارکهنه واقـع در محلـهٔ میـدان من محلات دارالمؤمنین استرابـاد صانهاالله‌عن‌التفرقه‌والفساد به‌مال‌المصالحه مبلغ‌پانزده تومان وپنجریال بیست‌وهشت نخودی وزناً ناصرالدین‌شاهی‌نصفه توضیحاً للاصل مبلغ هفت تومان وهفت ریال‌و پانصد دینار وجه مرقوم موصوف مذکور و قبض واقباض وتسلیم و تسلم دربـدلین مزبورین‌گردید وتجارت‌دستگاه مصالح تخلیهٔید مالکانهٔ خود نمود وعین مصطلحه را بتصرف عالیجناب موکل مصطلحةلها داده پس‌گردیـد عین مصطلحه‌مال مصطلحة ـ لهامشارالیهاء ایشان نیزبسایر رقبات خود منضم ساختند وایشانراست انحاء وانواع تصرفات مالکانـه کتصرف الملاك فـی‌املاکهم وذوی‌الحقوق فـی‌حقوقهم متی‌شاء کیف شاء وغب ذلك مصالحه نمودند غبن‌درمصالحه است‌را وغبن‌درغبن راولوکان فاحشاً‌بل‌افحش به‌مال‌المصالحه مبلغ یکشاهی پول‌سیاه دوعدد یکشاهـی و چنانچه عین مصطلحه‌کلاً او بعضاً مستحقاً للغیر برآید مصالح مشارالیه ازعهدهٔ آن برآیدو صیغتان بالفارسیه والعربیه جاری‌گردید.

وکان ذلك فی‌غرهٔ شهرشعبان المعظم سنهٔ ۱۲۶۸.

جنوبیـــــــاً	شمالیـــــــاً
متصل استبدکان موقوفهٔ جده مرحومهٔ آقاعلی‌محمدابن‌آقا محسن شیخ‌الاسلام	متصل است بدکان آقائی آقااسدالله که از بابت ارث منتقل بایشان گردیده کـه

که مال مرحـوم طاب‌ثراه حـاجی آقا کوچك بوده که بارث منتقل بآن مرحومه شده بوده و وقف کرده است

از مال مرحوم طاب‌ثراه حـاجی آقاـ کوچك بوده تا واضح باشد

شـرقیـــــــــــاً

متصل است بدکانهای کاروانسرای حاجی محمدتقی‌خان هزارجریبی کـه پیش از کاروانسرا باغچه بوده مشهوره بباغچهٔ سرکار که الآن کاروانسرا گرداند

غـربیـــــــــــاً

متصل است بشارع عام راسته‌بازار کهنه واقع در محلهٔ میدان که تخت‌داروغه‌در آنجا است وسمت غربی شارع هم دکان است ممتدالی منتهای بازار وسمت‌شرقی دکان مذکور است

[بربالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

قد اقر ملا محمدباقر مزبور بمارقم فیه الی‌النهایه لدی الاقل ۵ شعبان ۱۲۶۸.

[جای مهر][1]

جناب ملا محمدباقر مسطور اقرار بصلح مزبور واخذ بدل و اسقاط . . . .
بتاریخ یازدهم شعبان ۱۲۶۸ نموده نمقه‌الجانی. [جای مهر][2]
وقع الصلح واخذالبدل فی‌یوم المرقوم‌لدی. [جای دومهر][3]
قداعترف المصالح المرقوم بمافیه‌لدی. [جای دومهر][4]

هوالمستعان

در روز پنجم شهر مزبور از سنهٔ مزبوره مصالح مزبور اعتراف بر مراتب مزبوره

۱ـ مهـری بیضی کوچك کـه کلمات « محمد صـادق » بـر آن خوانـده می‌شود.

۲ـ مهری بیضی با سجع: «عبده علی‌نقی». ۳ـ مهری بیضی با سجع: «عبده عبدالحسین الموسوی» و مهری دیگر با سجع: «عبده محسن الموسوی». ۴ـ مهری چهارگوشه با سجع: «عبده محمدحسن» و مهری بیضی دیگر با سجع: «عبده‌الراجی میرزا محمد».

نموده . [جای مهر][1]
قداعترف المصالح المرقوم بمارقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی . [جای مهر][2]
واقع گردید مصالحهٔ مزبوره در نزد احقرعبادالله وانا عبدالخاطی‌الجانـی .
[جای مهر][3]

اقربمافیه‌لدی الجانی. [جای‌مهر][4]
اقربمافیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][5]

۱۱

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۹ هـ . ق .

در این سند وراث احمدخان‌شامبیاتی‌قاجار و جناب ملا محمدرضا به ولایت شرعیه سهم‌فرخ صغیر از چهار دانگ از کل‌شش دانگ یك رشته قنات معروف به قنات قزل‌ایاق را به مبلغ بیست تـومان وجه رایج فضی به حاجی میرمحمد خالو و آقا محمدتقی مصالحه کرده‌اند.

بعدالحمد والصلوة مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ ملیهٔ اسلامیهٔ قطعیهٔ لازمـه درحالیکه صحیح بـود از ایشان عقد مصالحهٔ وراث مرحمت و غفـران‌پناه احمدخان آقـای شامبیاتی قاجار ذکوراً واناثاً و هم عالیشان معلی‌مکان محمدصادق آقا وفرخ خانم و معصومه‌خانم وحواخانم وشیرین‌خانم و شهربانوخانم و چون فرخ صغیره بود لهذا جناب مستطاب عمدةالعلما والمحققین‌وقدوةالفقهاء والمجتهدین‌جناب ملامحمدرضا

۱ـ مهری‌بیضی بزرگ با سجع: «المتوکل‌علی‌الله محمدعلی». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی محمد اسمعیل». ۳ـ مهری چهارگوشه با سجع : « عبده‌الراجی عبدالکریم‌الحسینی». ۴ـ مهری بیضی با سجع : «عبده‌الراجی‌محمدرحیم الحسینی» .
۵ـ مهری بیضی با سجع: «افوض امری الی‌الله عبده محمدعلی» .

سلمه‌الله بولایت شرعیه سهم فرخ را درمعرض صلح درآورده بعالیحضرت معلی ـ منزلت سیادت‌منقبت حاج‌الحرمین‌الشریفین حاجی میرمحمد خالووعالیشان عزت‌ـ نشان عمدةالاشباه‌والاقران آقامحمدتقی‌ابن‌مرحمت وغفران‌پناه حاجی‌مطلب همگی‌و تمامی چهار دانگ ازکل ششدانگ یکرشته قنات معروفـهٔ موسومهٔ بقنات قزل‌اباق واقعه درملك روشن‌آباد من‌قراء سدن‌رستاق استراباد صانهاالله عن‌التفرقه والفسادرا کـه حدی شرقی آن درودمحله وغربی آن شاهـده است بانضمام تمام منضمات‌و کافهٔ ملحقات آن از پشته وپیشان و ازحق‌اختصاص آن بادش رویه وحق تحویل‌کائناً ماکان‌بحسب‌لایستثنی‌منه‌شیء‌را بمبلغ‌معین وثمن‌مبین‌مسلماً ومأخوذاًفی‌مجلس‌الصلح بمال‌المصالحه مبلغ بیست تومان وجه رایج فضی سلطانی ۲۸ نخودی‌کـه هـر یك مصطلحان مبلغ ده‌تومان است علی‌طریق‌المناصفه فی‌السهم تسلیم نمودند وشرط شد درضمن عقد مصالحه اسقاط خیارات لاسیما خیارالغبن وغبن‌الغبن ولـوکان بمعارج العالیه و مصطلحان مزبوران قبول صلح عین مصطلحه را بمال‌المصالحهٔ مـزبور و شرط مزبور نمودند وپس ازاجرای عقدصلح وتسلیم مال‌المصالحهٔ وراث آنمرحوم تخلیهٔ‌یدازعین‌مصطلحه نموده‌آنرابتصرت مصطلحان‌دادندپس‌قبض واقباض‌وتسلیم و تسلم دربدلین مزبورین‌واقع وضامن‌درك عین‌مصطلحه‌گردیدند مصالحون مزبورون که‌عندخروجها مستحقة للغیرکلاً اوبعضاً عیناً اومنفعتاً ازعهده‌برآیند وصیغهٔ مصالحه کماوردت فی‌شرع الرسول صلی‌الله علیه‌وآلـه مشتملة علی‌الایجاب والقبول سمت جریان پذیرفت.

وکان تحریرذلك فی خمس وعشرین
من‌شهرربیع‌الثانی من‌شهور۱۲۶۹ .

[بربالا و سمت راست این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

بعدالحمد والصلوة مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ اسلامیه نمود درحال اختیاربدون‌شائبهٔ

اکراه واجبار عالیجناب سلالة الأطیاب زبدةالأعیان خیرالحاج حاجی میر محمد به عالیشان معلی‌مکان سموالقدروالمرتبه والشأن عمدةالأعیان آقا محمدتقی همگی‌وتمامی دودانگ از کل ششدانگ قنوة مشهوره بقزل‌اپاق واقعه درملك روشن‌آباد من‌بلوك سدن‌رستاق دارالمؤمنین استراباد از پیشان وپشته وتبرجاه وخاکریز وسایرملحقات و منضمات آن مماذکرام لم‌یذکروسطر فیه‌اولم‌یسطر و حق تحویل‌کائناً ماکان بحیث لایستثنی منه شیء که حدود آن مذکور شده است بمبلغ دویست‌وپنجاه عدد ریال ناصرالدین‌شاهی هرریالی در وزن بیست‌وهشت نخود و درضمن آن اسقاط جمیع خیارات نمودند سیماخیارالغبن وغبن‌الغبن ولو کان فاحشاً بل افحش‌وصیغهٔ مصالحه‌با اسقاط خیارات جاری‌شد وتمام مبلغ مزبور را عالیشان مزبورتسلیم‌خیرالحاج نمود بعدازاخذ مبلغ تخلیهٔ‌یدنمود وبتصرف مشارالیه داد واوهم تصرف‌نمود وبسایراملاك خود ملحق‌نمود وضامن درك شرعی‌گردید که هرگاه عیناً ام‌منفعتاً کلاً اوبعضاً مستحقاً للغیربرآید از عهده برآید و این چندکلمه برسبیل یادداشت قلمی شد .

تحریرا فی‌غرهٔ شهررجب سنهٔ ۱۲۷۳ .

وقع اصل‌الصلح حسب‌المرقوم مع مراعاة الاحتیاط فی‌حصة‌الصغیره من‌جهة اخری

حرره‌الآثم [جای مهر][1]

قدجری ماجری بینهما من‌اصل‌الصلح وملحقاته حسب مافی‌فوق‌المتن‌الی‌النهایه‌لدی.

[جای مهر][2]

قدوقعت المصالحة المرقومه فی‌الحاشیه حسب‌المرقوم فیه‌لدی. [جای دومهر][3]

---

۱ و۲ـ مهری بیضی با سجع: «محمدرضا». ۳ـ مهری بیضی با سجع: «محمدـ ولی ابن محمدحسن » و مهر بیضی دیگر با سجع: «محمدحسن».

محمدصادق آقا اقرار مصالحهٔ مسطورهٔ متن‌واخذ ثمن نمود عندالخاطی الاقل .

[جای پنج‌مهر][۱]

وقـع بمافیه‌لدی. [جای سه مهر][۲]

۱۲

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۹ ه . ق .

در این‌سند را قم‌متن‌هفت سهم‌از نه‌سهم از کل ششدانگ و یك‌سهم از دو دانگ از کل شش‌دانگ ازحق الحفر قنات مشهور به‌قنات آقا احمد را به‌مال‌المصالحه‌مبلغ پنج تومان‌وجه رایج ناصرالدین‌شاهی بیست‌وهشت نخودی به‌آقا محمدحسن مصالحه‌کرده است.

غرض از تحریر اینکلمات واضحةالدلالات آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شـرعیهٔ ملیهٔ اسلامیه نمودم منکه راقم‌اینحروفم همگی وتمامی هفت سهم از نه سهم از یکدانگ از کل‌ششدانگ ویکسهم ازهفت سهم ازدودانگ از کل ششدانگ ازحق‌الحفرقنات[۳] مشهور بقناة مرحوم مبرور آقـائی آقا احمد طاب ثراه را از پشته وپیشان و آنچه ملکیت را سزد و شاید وانتفاع میتوان بـرد الا حق‌الارض کـه مشترکست فیمابین مالکان قاضی باغ بجناب آقا محمد حسن ولد ارجمند کامکار جناب شامخ الالقاب فضایل‌مآب‌فریدالدهری و وحیدالعصری‌آقامحمدتقی زیدعمره‌العالی بمال‌المصالحه مبلغ‌پنج تومان‌وجه‌رایج ناصرالدین‌شاهی‌نخودی ده‌عددیکتومان مقبوضاًفی‌المجس

۱ـ مهری چهارگوشه‌با سجع: «یاعلی ادرکنی» و مهری چهارگوشهٔ دیگر با سجع: «وتلك حجتنا اتینا ابرهیم»ومهری‌دیگر با سجع: «یا علی» ومهری‌بیضی‌دیگر باسجع: «محمد صادق» و مهری چهارگوشهٔ دیگر با سجع : «عبده محمد حسین». ۲ـ مهری کوچك گرد ناخوانا ومهری‌بیضی‌کوچك‌باسجع:« یا امام زین‌العابدین‌ادرکنی» ومهری چهارگوشهٔ دیگر با سجع:«اللّه‌محمد علی». ۳ ـ مهری بزرگ بیضی با سجع : « المتوکل علی‌اللّه اسداللّه الموسوی ».

المصالحه و بینهما قبض و اقباض و تسلیم وتسلم واقع گردید وتخلیهٔ یدمالکانهٔ خود از عین مصطلحه نموده و بتصرف مصطلح داد و اوراست انحاء تصرفات در آن کتصرف الملاك فی املاکهم وذوی الحقوق فی حقوقهم وبعدذلك عالماً وعامداً مصالحه نمودم غبن وغبن در غبن مصالحه را بمصطلح بمال المصالحه مبلغ چهارهزار وجه موصوف مقبوضاً فی المجلس المصالحه وصیغتان بالعربیة و الفارسیه سمت جریان پذیرفت.

وکان ذلك فی بیست و ششم شهر
ربیع الاولی من شهورسنة ۱۲۶۹.
[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]
قد وقع مارقم فیه لدی حرره الداعی. [جای مهر][2]
وقع مارقم فیه لدی نمقه الجانی. [جای مهر][3]
وقع جمیع ما سطرفیه لدی واناالعبدالجانی. [جای مهر][4]
اقربمارقم فیه لدی . [جای مهر][5]

۱ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «المتوکل علی الله اسدالله الموسوی». ۲ـ مهری بیضی با سجع: « عبده احمدالموسوی » . ۳ ـ مهری بیضی با سجع : « افوض امری الی الله عبده محمدالموسوی» ۴ـ مهری بیضی که عبارات «عبده علی» بر آن خوانده می‌شود.
۵ ـ مهری بیضی باسجع : « عبده عبدالجوادالموسوی ».

۱۳

مصالحه‌نامهٔ مورخ ۱۲۶۹ هـ . ق .

در این سند کلثوم حصهٔ ارثیهٔ سدسیهٔ خود را ازخانه وزمین متصل به‌خانه‌وازاطاق ودکان صباغی‌وسرکارآخوند ملامحمدرضا بملاحظهٔ صرفه وغبطهٔ صغیرین میرزا حسین مرحوم به ولایت شرعی پنج دانگ اطاق‌که ملك‌صغیرین بود به مبلغ شش‌تومان وجه رایج ناصرالدین‌شاهی به ملاعلی‌اکبر جناب مصالحه نمودند.

مخفی ومستور نماندکه کربلائیه کلثوم والدهٔ مرحوم میرزا حسین تمامت حصهٔارثیهٔ سدسیهٔ خود را از خانه وزمین متصل بخوانه [=خانه] و ازاطاق وازدکان‌صباغی و غیرهم از منقول و غیرمنقول کـه منتقل بمرحومـهٔ مزبوره شده بـود منتقل نمـود بعالیجناب مستغنی‌الالقاب ملاعلی‌اکبرجناب پس‌گردید اعیان‌مزبورهٔ مشاع ومشترك فیمابین جناب معزی‌الیه ودوصغیرمیرزا حسین مرحوم وچونکه اشاعهٔ نقص‌املاك و عقار است مفروزیه وقسمت باعث زیادتی‌حسن آنها میشد لهذاجناب وحیدالدهری و مجتهدالعصری سرکارآخوند ملارضا سلمه‌الله تبارك وتعـالی بعداز ملاحظهٔ صرفه و غبطهٔ صغیرین‌مصالحه نمودبولایة شرعیه پنج‌دانگ‌اطاق راکه مال‌وملك‌صغیرین‌بود بعالیجناب جناب سابق‌الذکربآنچه حصه و رسدی‌که ایشان دراعیان مرحومه داشتند بانضمام مبلغ شش‌تومان وجه‌رایج رواجی‌ناصرالدین‌وریالی۲۲نخودی‌که یکتومان آنرا بابت اجرةالمثل یك ساله و پنج تومان ازبابت اخراجات دوسالهٔ صغیرین بآقا محمدتقی‌که شوهر مادرصغیرین است مفوض داشت ومبلغ مزبورتحویل‌وتسلیم‌آقا محمدتقی‌گردیدپس‌گردید ششدانگ اطاق‌ملك‌خاص‌الخاص عالیجناب شامخ‌الالقاب آخوند ملاعلی‌اکبرجناب وبینهما قبض واقباض واقع شد ونظرباحتمال‌بلوغ میرزا محمدعلی از قرارمسطور لزوماً للاحتیاط با او نیز صیغهٔ صلح خوانده شد و اینچند

کلمه برسبیل یادداشت قلمی ومرقوم گردید که عندالحاجه حجت شرعی بوده باشد.

وکان ذلك بتاریخ ... من شهور العربیه
مصطفویة ص علیه و آله فی سنة ۱۲۶۹.

[بربالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قدوقع وصح جمیع مارقم فیه من البدایة الی النهایه لدی الآثم. [جای دومهر][1]

مخفی نماناد که تمام شش دانگ ازاطاق مزبوراز قرارمفصل درمتن بحکم شرعمطاع ملك ومال جناب شامخ الالقاب آخوند ملاعلی اکبر است و قدصدرحکم الشرع علی ذلك حرره الآثم. [جای مهر][2]

وقع مارقم فیه لدی الجانی. [جای مهر][3]

۱٤

مصالحه نامچهٔ مورخ ۱۲۷۵ هـ. ق.

در این سندکربلائی محمدهادی نیم دانگ مشاع از چهاردانگ مشاع ازکل شش دانگ قریهٔ شوکت آباد معروف به حسین آباد و نیم دانگ مشاع ازکل شش دانگ مزرعهٔ میان آباد را به مال المصالحه مبلغ دویست و پنجاه تومان وجه از قرار اشرفی ناصرالدین شاهی به حاجی آقامحمد تاجر صلح کرده است.

منظور ازنگارش این سطور شریعت دستورآنستکه چون تمامی وهمگی نمیدانگ مشاع ازچهاردانگ ازکل ششدانگ قریهٔموسومه به شوکت آباد المعروف بحسین آباد من توابع دارالمؤمنین استراباد که مستغنی ازتحدید وتوصیف است باکافهٔملحقات و

۱ـ دومهر بیضی کوچك با سجع: «محمد رضا». ۲ـ مهری بیضی با سجع: «محمد رضا». ۳ـ مهری بیضی بزرگ با سجع: «عبده الراجی محمد رحیم الحسینی».

منضمات شرعیهٔ آن از اراضی دایره و بایره و خشکه‌کار وشلتوك‌کار و مجری‌المیاه قنوات‌دایره وبایره ومجری‌المیاه رودخانه وآب دنگهاوطاحونه ومحل‌قلعه ودهکده بدون وضع واستثناء شیء ازآن بقدرالحصة‌الشایعه و تمامی نیم‌دانگ مشاع از کل ششدانگ مزرعهٔ موسومهٔ بمزرعهٔ میان‌آباد من‌محال بلوك فخرعمادالدین من‌توابع دارالمؤمنین استراباد باکافهٔ متعلقات ومنضمات شرعیهٔ آن از اراضی دایره وبایره و مجری‌المیاه قنات و مجری‌المیاه رودآب ومحل زراعت شلتوك‌کاری و خشکه‌کاری بدون وضع واستثناء شیء از اشیاء آن و موازی پنجاه خروار بسنگ استراباد شلتوك رزازپسند درنزد عالیشان‌عزت وسعادت‌توأمان کربلائی‌محمدهادی‌خلفمرحوم کربلائی‌محمدابراهیم استرابادی بموجب قبالهٔ معتبره بمبایعهٔ شرعیهٔ شرطیهٔ جاریه بوده و بلزوم شرعی پیوسته‌گردیده بملکیت وحقیت مشارالیه قرار واستقراریافته‌بود در این تاریخ عالیشان‌کربلائی محمدهادی مرقوم ازروی رضا و رغبت تمام‌مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ ملیهٔ اسلامیهٔ لازمه نمود باعالیشان عزت ورفعت‌بنیان سعادت وتوفیق‌همعنان خیرالحاج و المعتمرین حاجی‌آقا محمدتاجر ولد صدق‌افتخار الحاج‌حاجی قاسم استرابادی برتمامی و همگی دو نیم دانگ مرقومهٔ موصوفه ازدوقریهٔمزبوران کماوصف وذکرفی‌الفوق بدون‌وضع واستثناء شیء ازآن سوای پنجاه خروارشالی مذکوربمال‌المصالحه مبلغ دویست‌وپنجاه‌تومان وجه ازقراراشرفی‌ناصرالدین‌شاهی دانهٔ ۱۸ نخود وزن ویکتومان رواج که بعد ازاجرای صیغهٔ شرعیه الی دینارالآخر را از یدعالیشان مصالح‌له مرقوم اخذ ودریافت نموده و طرفین نیز اسقاط‌کافهٔ خیارات متصوره سیما باعتبار غبن ولوکان فاحشاًبل افحش وبالغاً مابلغ وکائناً ماکان‌بای نحوکان را عالماً عامداً عارفاً بالکمیته و الکیفیة را کردند وصیغهٔ مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ ملیهٔ اسلامیه‌کماقررها الشرع الشریف جاری وواقع‌گردید وضامن‌درك‌شرعی تمامی‌مصالح عنه مسطورعالیشان‌مصالح مزبورگردید درصورتیکه ازقبل‌ایشان‌کشف

فسادی بشود از عهدهٔ ماظهر فساده شرعاً برآید .

وکان وقوع ذلك تحریرا فی تاریخ غرهٔ شرعی شهر ربیع الاول من شهور یکهزاردویست و هفتاد و پنج من الهجرة النبویة[1] سنة ۱۲۷۵ .

[جای مهر][2]

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

توضیح آنکه مصالح مرقوم درمتن تمامی منافع ومحصول موجودهٔ هذه السنه رامصالحه نمود باعالیشان مصالح له مزبور درمتن بمال المصالحه مبلغ سه تومان وجه از قرار موصوف مأخوذی واسقاط خیارات دراین مصالحه را هبه نمود التاریخ.

بعدالحمد والصلوة مبایعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ لازمهٔ جازمهٔ جامعه برجمیع شرائط و ارکان وخالیه ازعموم خلل وبطلان نمود عالیمقدار عزت آثار محاسن ومحامداطوار فخرالحاج والعمار حاجی آقا محمد ولد ارجمند اشرف الحاج حاجی محمد قاسم استرابادی تمامت عین مصطلحهٔ مفصله درمتن منتقله از معلی منزلت کربلائی هادی مذکور بحاجی معزی الیه مزبور راکه عبارت از نصف سدس قریهٔ موسومه بحسین‌آباد و نصف سدس از قریهٔ میان آباد بانضمام تمام مضافات مسطوره در متن بحسب لایستثنی منهماشیء بوده بعالیشان رفیعمکان عزت وسعادت نشان زبدة الاماثل والاقران ملك عباس خلف مرحوم خلدمکان ملك محمدعلی بثمن معین مبلغ و مقدار دویست و شصت و سه عدد اشرفی تومانی هیجده نخودی صحیح الوزن خوش عیار وشرط شد درضمن مبایعهٔ مزبوره سقوط جمیع خیارات از طرفین سیماخیارالغبن و این ... مشتری معزی الیه نیزقبول مبایعه بنهج مزبورنمود وروماً للاحتیاط انتقال مزبورحسب صلح صحیح شرعی صورت وقوع یافته وششدانگ قبض واقباض دربدلین مسطورین صورت تحقق پذیرفت فیوقوع العقد و اخذالنقد خرج المبیع من ملکیة البایع ودخل فی ملك المشتری فله التصرف فیه بای وجه شاء واراد و بعدذلك درضمن عقد لازم خارج

---

۱ ـ با سیاق عدد ۱۲۷۵ نوشته شده است. ۲ ـ مهری بیضی ناگرفته وناخوانا.

واقع بین المتبایعین المزبورین شرط شد نقل حق ضمان درکی که بایع مزبور عند خروج الغبن المبیعه مستحقة للغیر از کربلائی هادی مسطور درمتن دارد بسوی مشتری معزی الیه که در صورت استحقاق عینها للغیر حقوق ضمانیهٔ شرعیهٔ خود را مشتری معزی الیه از کربلائی هادی مزبور استیفاء نمایند من دون رجوعه الی الحاج البایع فی کل حال روماً للاحتیاط فی رجوع المشتری الی کربلائی هادی صلحاً وشرطاً بوجوهات اخری نیزجاری شد .

وکان ذلك فی دوازدهم شهر ربیع الاولی.

بسم الله تعالی

وقع الصلح علی نصف سدس قریةحسین آباد و نصف سدس مزرعة میان آباد بتوابعهما و اعترف المصالح باخذ تمام العوض وسقط الخیارمن .... ثم الصلح علی محصول العام مع وصول عوضه الیه فی ثانی شهر ربیع الاول خمس وسبعین بعدالف ومأتین .

[جای مهر][1]

قدوضح وصح جمیع مافیه حسب اقراره الثابت بل حسبما سمعته من الحاج المزبور الحاج آقا محمد حتی قبض تمام العوض مشتملاً علی جملةمن الشروط المرقومه فی صك آخر بعدالعلم بماجری بین کربلائی هادی المزبور والحاج المذکور والعلم باصل و فرع اصل الوقایع المسطوره حرره الراجی فی ربیع الاول ۱۲۷۶.

[جای مهر][2]

هو قدوقع مازبر فی صدر الصك من وقوع البیع من صیغة الصلح مشتمله علی الشروط المسطورة والقبض والاقباض بینهما حسب مازبر فیه وکان ذلك فی اثنی عشر شهر ربیع الاولی سنة ۱۲۷۵ . [جای مهر][3]

[برحاشیهٔ سمت راست شهود دیگری هستند که اغلب مهرهای آنان ناخواناست].

۱ــ مهری بیضی که درست نگرفته و ناخواناست. ۲ــ مهری بیضی کوچك باسجع: « محمدرضا ». ۳ــ مهری بیضی باسجع: «عبده علینقی الدیلمی ».

۱۵

مصالحه‌نامهٔ مورخ ۱۲۷۶ هـ . ق .

در این سند آقا سید ابوالقاسم متولی قریهٔ موقوفهٔ چوپلانی منافع مدت صدسال از دودانگ از کل شش دانگ را به مبلغ پنجاه‌وسه تومان به میرزا محمد وزیر و منافع صدسال از دودانگ دیگر را به مبلغ یکصدوشش تومان‌وشش‌هزار و چهارده شاهی به ملک‌عباس مصالحه کرده است.

بسم الله خیر الاسماء

چون قریهٔ موقوفهٔ موسومهٔ بچوپالانی واقع در سمت غربی قریهٔ میرمحله ومحدود بحدود اربعهٔ مشخصه درخارج که از جملهٔ املاك موقوفه بر اولاد ذکور اجداد مرحمت‌مآبان فردوس آرامگاهان آقامیرموسی و آقا میرمحمدتقی بوده این زمان مخروبه شده و منفعت قلیلی غیرمعتدبها از او عمل می‌آید کالعدم بل معدوم صرف که چیزی عاید موقوف علیهم نمی‌شد مضافاً الی اینکه انتزاع آن از یدغاصبین درغایت اشکال بوده ازبرای موقوف‌علیهم لهذا متولی آن که جناب سلالة السادات مستغنی الالقاب آقا سید ابوالقاسم ابن آقا میرمحمدتقی کـه اکبر اولاد است صلاح موقوفه و بطون آتیه در این دیده و مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیه نموده منافع مدت یکصدسال از دودانگ از کل ششدانگ قریـهٔ مزبوره را با جمیع متعلقات آن را بسرکار عالیجاه رفیع‌جـایگاه عزت وشوکت وحشمت‌دستگاه جناب جلالتمآب مقرب‌الخـاقان آقای میرزا محمد وزیر دارالمؤمنین استراباد دام‌اجلاله‌العالی بمال المصالحهٔ مبلـغ پنجاه‌وسه‌تومان و سه‌هزاروهفت شاهی وجه نیم‌قران ناصرالدین شاهی سیزده‌نخودی و مصالحه نموده منافع صدسال از دو دانگ دیگر همانقریه را باجمیـع متعلقات آن ازآنچه ملکیت‌را

سزد وشاید متولی‌معظم‌الیه بعالیجاه‌معلی‌جایگاه عزت‌وسعادت‌همراه ملك‌عباس[1] ابن مرحوم‌ملك محمدعلی بمال‌المصالحه‌مبلغ‌یکصدوشش تومان ششهزاروچهارده‌شاهی وجه نیمقران ناصرالدین شاهی‌سیزده نخودی و شرط درضمن عقدآنکه این یکصدو شصت تومان را در مرمت وتعمیر ششدانگ قریه ازحفروتنقیهٔ قنوات و حفرخندق و ساختن دروازه‌ها در مدت سه‌سال نمایند و اگر مصالح لهما در اینمدت تعمیر ننمایند معامله منفسخ باشد و شرط دیگر آنکه اگر آبادکردند و بعد بسانحهٔ خراب‌شد در مقام آبادی برآیند و تعمیر بروجه مزبوره نمایند در مدت شش سال و اگر تعمیر ننمایند در این مدت معامله منفسخ باشد و نیز روماً للاحتیاط جناب مستطاب شامخ‌الالقاب‌وحیدالعصری‌وفریدالدهری‌مجتهدالزمانی‌زیب‌الحاج وزینت‌المعتمرین آقائی آقاحاجی شیخ نصرالله دام‌ظله‌العالی بجهة صرفه وغبطه موقوفه وبطون‌آتیه و ولایت شرعیه اجرای صیغهٔ مصالحه بنحوالمرقوم نموده .

و كان ذلك بتاريخ غرهٔ شهر
شعبان‌المعظم‌من‌شهورسنهٔ ۱۲۷۶ .
[جای مهر] [2]

[بربالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

نعم‌قداقر واعترف المعظم‌اليهم حسبما فيه الی‌النهاية‌كماجری ماجری فيه‌بالوكالة عنهم ثانياً احتياطاً مشتملاً علی شرط خيارالفسخ المصالح و لمن قام مقامه بدلاعن شرط‌الانفساخ ونعم ماجری‌انشاءالله تعالی فی ۱۵ شهر ذی‌قعده ۱۲۷۶ .

[جای مهر][3]

۱ـ در زیر کلمهٔ ملك عباس مهری بیضی با سجع : «عبده‌الراجی عباس».

۲ـ مهری بیضی‌وناخوانا. ۳ـ مهری بیضی‌کوچك با سجع : «محمد رضا» .

قداعترف کل من المعظم الیهم بجمیع مارقم فیه مع اقتضاء المصلحة المزبوره لدی الجانی. [جای مهر][1]

بسم الله خیر الاسماء

نعم قدانتقلت ثلثی منافع القریة المسطوره فی المدة المعلومة الیهما کما زبر فی الورقه وکان هذا التصرف من المتولی فی محله اولم یکن عادة احیاء الوقف معه هذا الطریق میسرا کتب هذه الکلمات فی یوم اربع عشر من شوال ۱۲۷۶ وانا العبد الآثم.

[جای مهر][2]

قداعترف کل من المعظم الیهم حسبما زبرورقم لدی: [جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «المتوکل علی الله عبده محمد». ۲ـ مهری چهار گوشه با سجع: «لااله الاالله الملك الحق المبین عبده نصرالله». ۳ـ مهری بیضی با سجع: «عبده علی الموسوی».

۱۶

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۷۷ هـ . ق .

در این سند استاد علی‌محمد که مقرخانه وحیاط خود را که شك داشت ملك طلق است یا زمین قبرستان لذا آخوند ملامحمدباقر این اراضی را واگذار کرد به رضاقلی آقا زیادلوی قاجار و رضاقلی آقا مصالحه نمود شش‌دانگ آن را به استاد علی‌محمد ، بعد محمود آقا ولد محمدحسین‌آقای زیادلوی قاجار مدعی شد که این زمین به ارث به من منتقل شده است لهذا حصه ورسد خود را به غلام‌رضا ولد استاد علی‌محمد به مبلغ دو تومان وجه نیم ریالی سیزده نخودی مصالحه نمود.

غرض از تحریر این کلمات واضح‌الدلالات آنستکه چون مقرخانه وحیاط مرحوم استاد علی‌محمد سلمانی مشتبه بود که ملك طلق‌است یا آنکه قبرستان بوده روماً للاحتیاط جناب مستطاب آقائی مجتهدالزمانی آخوند ملامحمدباقر دام‌عمره‌العالی واگذار نمود بمرحوم مغفور رضاقلی‌آقای زیادلوی قاجار و مرحوم رضاقلی آقا مصالحه نموده بود شش دانگ آن زمین را بمرحوم استاد علی‌محمد سلمانی و بعد عالیشان معلی‌مکان محمود آقا ولد مرحوم کربلائی محمدحسین آقای زیادلوی‌قاجار مدعی گردیده که‌این زمین درتصرف مرحوم باباآقا بوده وملك باباآقا است و ارث او منتقل بمن شده است وفی‌الواقع این است‌که این ملك در تصرف باباآقا بوده‌و ارث مرحوم باباآقا منتقل بمرحوم رضاقلی و محمودآقا شده بود لهذا عالیشان محمودآقا مصالحه نمود جمیع حصه و رسد خود را بعالیقدر غلام‌رضا ولد مرحوم استاد علی‌محمد مشارالیه‌بمال‌المصالحه دوتومان‌وجه‌نیم‌ریالی‌سیزده‌نخودی وحصه و رسدی ... رضاقلی‌آقا را نیز خود مصالحه نموده بود پس‌گردید کل ششدانگ آن

زمین‌مقرخانه وحیاط ملك طلق‌غلام‌رضا ولد مرحوم استاد علی‌محمد تا واضح باشد.

وکان ذلك بتاریخ پانزدهم شهر صفرالمظفر من‌شهور سنة ۱۲۷۷.

[برحاشیهٔ بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

این سند صحیح است. [جای مهر][1]

وقع‌جمیع مازبرفیه من‌البدایة الی‌النهایةلدی. [جای مهر][2]

وقع مارقم فیه‌لدی. [جای مهر][3]

در مجلس حاضر بودم که مراتب مسطوره واقع شد کربلائی کاظم آقا.

[جای مهر][4]

اقربمافیه‌لدی. [جای مهر][5]

ذلك لذلك وقع لدی عباسعلی. [جای مهر][6]

۱۷

مصالحه‌نامهٔ مورخ ۱۲۷۹ ه. ق.

دراین سند آقا محمدصالح همگی‌حصص شرعیهٔ خود را ازکرپان‌ـ فاضل وکرپان‌سادات به مال‌المصالحه مبلـغ بیست‌ودو تومان وجه نیم‌ریالی سیزده نخودی ناصرالدین شاهی به آخوند ملاعلی‌اصغر مصالحه نموده است.

غرض از تحریـر این سطور میمنت دستور آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ جزمیهٔ ملیهٔ اسلامیه نمود درحال صحت‌نفس وثبات عقل‌واختیاربدون شائبهٔ اکراه و

۱ـ مهری بیضی باسجع: «محمد ابرهیم». ۲ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «یا احمد». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «زین‌العابدین». ۴ـ مهری بیضی با سجع: «محمدکاظم». ۵ـ مهری‌بیضی‌با سجع: «پیرودین نبی سبحانعلی». ۶ـ مهری‌بیضی با سجع: «عبده عباسعلی».

اجبار عالیجناب معلی‌القاب سلالةالسادات العظام الکـرام الفخام آقـا محمدصالح الموسوی خلف‌الصدق مرحمت و غفـران‌پناه رضوان‌جایگاه آقا آقـا محمدحسین شیخ‌الاسلام طاب‌ثـراه بعالیجناب قدسی‌انتساب فضایل و کمالات اکتساب آخونـد ملاعلی‌اصغر خلف‌الصدق مرحوم مغفور مبرورجنت‌مکان آخوند ملامهرعلی‌همگی‌و تمامی حصص شرعیهٔ‌متصرفی خود را ازکرپان فاضل وکرپان‌سادات واقعه درخارج دروازهٔ مازندران از بابت ارثی ابی‌ازکرپان‌فاضل سه سهم‌وربع از یکسهم وخمس ازربع ازیکسهم از شصت سهم ازکل‌ششدانگ ازبابت مورثی ابی‌وامی ازکرپان‌ـ سادات هفت سهم و خمس از یکسهم ازبیست سهم از یکدانگ ازکل ششدانگ‌از اراضی عامره وغامره ومراتع‌وکذا از مجراءِ رودخانهٔ مشهورهٔ بتول‌چشمه‌عن‌آنچه ملکیت راسزدوشاید ونفع برآن متصورشود بحیث‌لایستثنی منهاشیء بمال‌المصالحه مبلغ بیست‌ودوتومان وجه نیم‌ریال ۱۳ نخودی ناصرالدین شاهی وقبض و اقباض و تسلیم وتسلم‌دربدلین مزبورین واقع ومصالح تخلیهٔ‌یدازعین مصطلحه‌نمود وبتصرف مصطلح داد واوراست انواع تصرفات مالکانه‌کتصرف الملاك فی‌املاکهم وذوی‌ـ الحقوق فی‌حقوقهم متی‌شاء وکیف‌شاء وشرط شـد اسقاط خیارات از طـرفین‌سیما خیارالغبن و غبن الغبن ولوکان فاحشاً بل‌افحش وضمان درك شـرعی‌عند خروجهما مستحقةللغیر عیناًام منفعة با مصالح است وصیغهٔ مصالحه حسب شرع‌مطاع جاری و واقع‌گردید .

وکان وقوع ذلك دوم شهر رمضان من‌شهورسنة ۱۲۷۹.

[برحاشیهٔ بالاوسمت راست این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

جناب مصالح‌آقا محمدصالح اقرار واعتراف بمراتب مسطوره من‌الصلح مع‌اسقاط الخیار و اخذالبـدل فی‌ثانی شهر ربیـع‌الاول نمودنـد   حرره‌هـا الاقل فی شهر

ربیع‌المولود من‌شهور ۱۲۸۰. [جای مهر][1]

اقرالمصالح علی‌الصلح المرقوم فی‌المتن واخذالبدل بتمامه‌کمارقم‌فیه‌لدی الآثم.

[جای مهر][2]

وقع جمیع مارقم‌فیه واعترف باخذالبدل لدی دوم شهر رمضان ۱۲۷۹.

[جای مهر][3]

اقرار بمراتب مسطوره نمود الجانی. [جای مهر][4]

آقای مصالح اعتراف بمراتب مسطوره نمودلدی الأقل الجانی. [جای مهر][5]

اعترف بمارقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][6]

اقرواعترف بما زبرفیه‌لدی. [جای مهر][7]

وقع مارقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][8]

اعترف مارقم‌فیه‌لدی نمقه‌الراجی. [جای مهر][9]

وقع مارقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][10]

اقرالمصالح بجمیع ماسطرفیه‌لدی الخاطی فی‌ثالث عشرشهرشوال ۱۲۸۲.

[جای مهر][11]

۱ـ مهری بیضی با سجع: «عبده‌الراجی محمد حسن الموسوی». ۲ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده‌الراجی عبدالکریم‌الحسینی». ۳ـ مهـری بیضی باسجع: «عبده عبدالحسین الموسوی». ۴ـ مهری بیضی باسجع: «عبده عبدالجواد الموسوی». ۵ـ مهری بیضی باسجع: «یا اباالقاسم ادرکنی». ۶ـ مهری بیضی با سجع: «الواثق بالله‌الغنی عبده حسنعلی‌الموسوی». ۷ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «محمد رفیع». ۸ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی رحیم الحسینی». ۹ـ مهری بیضی باسجع: «عبده یحیی‌الموسوی». ۱۰ـ مهری بیضی‌باسجع: «داردامید شفاعت زمحمد محسن». ۱۱ـ مهری‌بیضی بزرگ باسجع: «افوض‌امری‌الی‌الله عبده سید محمدالموسوی».

آقای مصالح اقرارواعتراف بمراتب مسطوره نموده لدی الاقل الآثم .

[جای مهر][1]

۱۸

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۷۹ هـ.ق .

دراین سند آقا صادق و آقا بزرگ و آقا میر اسماعیل و سایر آقایان شیرنگی مالکین مرزنکلاته همگی و تمامی ادعای‌خود را از رودخانه وچشمه‌سارقوچانی و کوچک‌رودبارکه از آقایان‌سادات درازگیسو داشتند به میرزا ابوالقاسم و آقا میرمحمدعلی و آقا میرزا اسماعیل وملک‌عباس وملک‌آقاحسین به‌یک‌دینارپول‌سیاه و یک‌من‌گندم سیاه مصالحه کرده‌اند .

مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ لازمهٔ جازمه نمودند عالیجنابان‌سیادت ونجابت‌پناهان سلالةالأطیابان آقا صادق وآقابزرگ وآقا میراسمعیل وسایرآقایان شیرنگی مالکین مزرنکلاته همگی و تمامی ادعائی‌که درآب رودخانه وچشمه‌سار مشهور بقوچانی‌و کوچک‌رودبار بقول بعضی‌آقایان‌که ازآقایان سادات درازگیسو داشتند به‌سیادت و نجابت‌پناهـان آقا میـرزا ابوالقـاسم و آقـامیر محمدعلی و آقـا میرزا اسمعیل و عالیجاهان ملک عباس و ملک‌آقاحسین بمال‌المصالحه یکصد دینار پـول سیاه بیست عدد یکهزاری وعلاوهٔ یکمن‌گندم سیاه بوزن بلدهٔ استراباد و شرط در ضمن‌مصالحه شدکه آنچه‌آبی که‌ازحد رودبار هستند جدا می‌شود واز رودخانه وچشمه‌سارمذکور جاری می‌شود درهیچ‌جائی آقایان شیرنگی بندنگیرند مگر دربندی‌که جاری‌میشود در ملک چوپلانی زارعین چوپلانی‌باید آن آب را درملک‌چوپلانی زرع‌کنندنصف

۱ـ مهری بیضی‌کوچک با سجع : «عبدالرسول الحسینی».

منفعت با آقایان شیرنگی باشد و نصف منفعت با آقایان درازگیسو باشد و بومحصه سهم آقایان شیرنگی‌را ازاین آب آقایان درازگیسو نگیرند وصیغهٔ مصالحهٔ والقبول کماوردفی‌الشرع الرسول بینهما جاری‌گردید سنهٔ ۱۲۷۹.

وکان ذلك بتاریخ هیفدهم شهر ذی‌القعدةالحرام من‌شهورسنة ۱۲۷۹.

[برحواشی این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

قد وقعت الصیغةالمصالحة والقبول‌مع‌الشرط المسطورایجاباً منی... [جای مهر][1]

قد وقعت‌الصیغة المصالحه و القبول مع‌الشرط المسطور واناالعبدالجانی.

[جای مهر][2]

وقعت الصیغة المصالحه والقبول مع‌الشرط المسطور الآثم. [جای مهر][3]

مضمون متن واقع شد کربلائی آقابابا. [جای مهر][4]

ملك محمدعلی چگنی. [جای مهر][5]

آنچه در متن ورقه ضبط است خلافی ندارد. [جای مهر][6]

آنچه درین ورقه ثبت است واقع ولاریب‌فیه [جای مهر][7]

مضمون متن واقع شد. [جای مهر][8]

کربلائی فولاد چگنی. [جای مهر][9]

آنچه مسطور هست درمتن واقع شد نزد من . [جای مهر][10]

۱ـ مهری بیضی بزرگ‌باسجع: «عبده محمد یوسف». ۲ـ مهری بیضی بزرگ با سجع : «عبده حسین‌الحسینی». ۳ـ مهری بیضی با سجع: «عبده محمد شریف» . ۴ـ مهری‌چهارگوشه با خط طغرا: «عبدالمذنب‌آقا بابا». ۵ـمهری‌چهارگوشهٔ بزرگ با سجع : «المتوکل‌علی‌الله عبده محمد علی». ۶ـ مهری بیضی با سجع: «علی‌اصغر». ۷ـ مهری بیضی‌با سجع: «یا عباسعلی». ۸ـ مهر بیضی باسجع: «عبده محمداسمعیل». ۹ـ مهری بیضی با سجع: «عبده فولاد علی». ۱۰ـ مهری چهارگوشه که کلمهٔ «محمد» بر آن‌خوانده می‌شود.

ذلك الکتاب علی نسختین. [جای مهر][1]
وقع مارقم فیه لدی. [جای مهر][2]
[و یکی دو شهادت دیگر ناخوانا].

۱۹

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۰ ه. ق.

در این سند کربلائی محمدحسین ولد شریف بیگ یساقی همگی و تمامی کل سه‌دانگ ازجملهٔ شش‌دانگ یك باب‌خانه وساحهٔ ابتیاعی خودرا به‌مال‌المصالحه‌مبلغ بیست‌وچهار تومان نیم‌ریالی که‌چهارصدو هشتادعدد نیم‌ریال سیزده نخودی است به‌کربلائی صادق مصالحه کرده است.

غرض از تحریر این ورقه و باعث برتنمیق این نمیقه‌آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔشرعیهٔ قطعیهٔ جزمیهٔ ملیهٔاسلامیه‌نمود ستوده‌خصلت کربلایی محمدحسین‌خلفمرحوم‌شریف‌بیگ یساقی ساکن قریهٔمحمدآباد بالطوع والرغبةلابالاکراه واجباربل‌بطیب‌نفس و نهایت رضامندی درحال صحت نفس وثبات عقل به پسندیده فطرت کربلائی صادق خلفمرحوم زین‌العابدین سمیع عطار همگی و تمامی کل سه‌دانگ من‌جمله ششدانگ ازیکباب خانه وساحهٔ ابتیاعی‌خودرا باجمیع‌متعلقات شرعیه وعرفیهٔآن عن‌آنچه اورا [ملکیت] سزد وشاید ونفع‌توان برد من‌القلیل والکثیروالنفیروالقطمیروواقع است‌در گذر چهارشنبه ومحدود است بحدود اربعهٔ ذیل بمال‌المصالحه المقبوض‌فی‌المجلس المصالحه مبلغ‌بیست‌چهارتومان نیمریالی که‌عبارتست‌از چهارصدوهشتادعددنیمریال

۱- مهری بیضی با سجع: «عبده‌الراجی صادق الحسینی». ۲- مهری بیضی با سجع: «مظهرلطف‌الهی کرم».

سیزده نخودی و اسقاط جمیع خیارات از طرفین شد وقبض واقباض و تسلیم‌وتسلم در بدلین مذکورتین واقع گردید و مصالح مذکورتخلیهٔ ید ازعین‌مصطلحهٔ مـزبوره نموده بتصرف مصطلح داد و مصطلـح نیز تصرف مالکانـه در آن نمود و او راست انحاء تصرفات در آن کتصرف‌الملاك فی‌اموالهم وذوی‌الحقوق فی‌حقوقهم‌ومصالح ضامن درك شرعی گردید که عند خروجها مستحقاً للغیر کلاً اوجزءً عیناً اومنفعةً از عهده بر آید وصیغهٔ‌مصالحه‌والقبول کماقررفی‌الشریعة‌الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سمت جریان پذیرفت وکان ذلك فی‌الیوم العاشرمن شهرجمادی‌الاولی فی‌سنة ۱۲۸۰ ثمانین ومائتین بعدالالف من‌الهجرة النبویة صلی‌الله علیه‌وآله وسلم حدودات خانـهٔ مزبوره بدین نهج‌است شرقاًمتصل‌است بدکان‌مرحوم سیدلطیف مقابل معصومه‌زاده شاه‌زاده محسن مشهور بمعصوم‌زاده چهارشنبه غرباً متصل است بخانهٔ کربلائـی غلامرضا خلفمرحوم کربلایی‌علی‌محمد جنوباً متصل‌است‌بشارع‌عام شمالاً متصل است بخانهٔ مرحمت مآب آخوند ملا محمدکاظم روضه‌خوان طاب‌ثراه یك دوروزی بعاریت با ما است.

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قداعترف واقرعلی نفسه کربلائی محمدحسین المزبوربمارقم فی‌الورقه‌لدی الاقل الآثم‌فی ۲ جمادی‌الاخری سنة ۱۲۸۰. [جای مهر][1]

اعترف مصالح المزبور بمارقم فیه‌لدی. [جای مهر][2]

قداقرواعترف کـربلائی محمدحسین المذکـور حسب‌المزبـور الی‌النهـایة لـدی

۱ــ مهری بیضی با سجع: «اللهم‌صل‌علی‌محمد وآل محمد». ۲ــ مهری بیضی که کلمات «عبده الرجی علی» برآن خوانده می‌شود.

۲ جمادی‌الاخری ۱۲۸۰. [جای مهر][1]

وقع جمیع مارقم فیه‌لدی الآثم. [جای مهر][2]

قد اقر واعترف بمارقم فیه‌لدی. [جای مهر][3]

هو قداقر البایع المصالح بجمیع مازبر فیه‌لدی اناالآثم. [جای دومهر][4]

قداقر بمارقم‌فیه العبد. [جای مهر][5]

الشهود اقل‌خلق‌الله حاجی. [جای مهر][6]

قداعترف بمارقم فیه‌لدی. [جای مهر][7]

الشهود محمدکریم آقا. [جای مهر][8]

۱ـ مهری بیضی کوچك با سجع : « محمدرضا ». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی‌علی‌الموسوی ». ۳ـ مهری بیضی کوچك با سجع : « یا امام زین‌العابدین » . ۴ـ مهری بیضی با سجع: «بود نورچشم محمد حسین » و مهر بیضی کوچك با سجع : « عبده نورالله ». ۵ـ مهری بیضی با سجع : «عبده نجفقلی‌قاجار». ۶ـ مهری چهار گوشه با سجع : « محمدعلی ». ۷ـ مهری بیضی باسجع: «یا محمد». ۸ـ مهری چهار گوشه با سجع : « عبده محمد کریم ».

۴۰

مصالحه نامچهٔ مورخ ۱۲۸۰ هـ .ق .

در این سند نصیرخان کردمحله‌ای سه‌دانگ از شش دانگ مجرای یك‌رشته قنات واقع‌درقریهٔ انگرم آقا جعفری ازقرای‌سدن‌رستاق‌را به‌مبلغ دوازده تومان وجه نیم‌ریال ناصرالدین‌شاهی بیست وشش نخودی به‌آقا محمدحسن مفیدی موسوی مصالحه کرده‌است.

غرض از تحریر این سطور میمنت‌الدستور آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ جزمیهٔ ملیهٔ اسلامیه نمود درحال صحت نفس وثبات عقل و جوازتصرف و اختیار بدون شائبهٔ‌اکراه واجبار عالیجاه رفیع‌جایگاه نصیرخان کردمحلهٔ بعالیجناب‌مقدس‌القاب‌سلالةالسادات‌العظام الکرام آقا محمدحسن المفیدی الموسوی‌تمامی سه‌دانگ از کل‌ششدانگ ازمجراءیکرشته قنات واقعهٔ درانگرم آقاجعفری من‌قرای‌سدن‌رستاق من بلوکات دارالمؤمنین استراباد صینت عن‌التفرقه والفساد ازپشته وپیشان و جمیع متعلقات آن بقدرها مشهوراً بقنات مرحوم صادق آقای قاجار به‌مال‌المصالحه مبلغ دوازده‌تومان‌وجه‌نیم‌ریال‌ناصرالدین‌شاهی۲۶نخودی‌مقبوض وشرط شد درضمن‌عقد مصالحه شرایط مقرره‌شرطی‌اینکه‌جناب‌مصطلح‌مسلط باشددرحفرازدم‌فرع‌تامنتهاالیه سامان شرطی اینکه‌درصورتیکه خرابی‌روی دهد تاشش‌تحویل مسلط باشد از جانب غرب‌وازطرف‌شرق‌تامنتهای سامان‌وفاصلهٔ هرتحویل ده‌ذرع‌باشد شرطی‌اینکه هرگاه مصطلح‌مصلحت بداند که پیشان‌قنات مسطوررا پائین‌تر قرار بدهداز پیشان‌سابق مختار باشد شرطی اینکه هرچه اخراجات درقنات مسطور شود نصف باجناب آقا محمد-حسن و نصفی باعالیجاه نصیرخان باشد شرطی اینکه اختیار بسط زراعت با جناب آقا محمدحسن باشد وبهیچوجه عالیجاه‌نصیرخان‌را مدخلیت درامور زراعت نباشد

مگر بعد از عمل آمدن زراعت و موضوعات متعارفهٔ زراعتی نصف مداخل باآقا محمدحسن و نصفی بانصیرخان باشد شرطی اینکه هرگاه سهمی از قنات مستحقة للغیر برآید شرعاً عهدهٔ آن بانصیرخانست که از نصفهٔ او باید کم شود مدخلیت به آقا محمدحسن ندارد صیغهٔ مصالحه حسب شرع مطاع لازم الاتباع جاری و واقع گردید.

وکان وقوع ذلك فی لیلة الاحد ثامن شهر رجب ۱۲۸۰.

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم الله خیر الاسماء

وقع جمیع مارقم فیه لدی الاقل فی التاریخ المزبور . [جای مهر][1]

وقع جمیع مارقم فیه لدی فی التاریخ المزبور. [جای دومهر][2]

۱ ــ مهری بیضی کوچك با سجع : « عبده نصرالله » . ۲ ــ مهری چهار گوشهٔ بزرگ باسجع : «الواثق بالله الغنی عبده علی‌محمدالموسوی » ومهری بیضی کوچك باسجع : « عبده الحسین الموسوی » .

۲۱

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۱ هـ . ق .

در این سند آقامیرموسی به‌وکالت مطلق از قبل همسرش گوهرشاد بیگم همگی و تمامی سهم‌او را از ملیار واقع نزدیك باروی‌شهر و زمین واقع در بیرون دروازهٔ چهل دختر وخانهٔ واقع در محلهٔ میدان ودکان واقع در بازار کهنه‌مسکونهٔ کربلائی موسی‌ودکان‌واقع در بازار کهنه مسکونهٔ کربلائی محمدکاظم‌ودکان واقع در بازار کهنه مسکونهٔ محمدکریم آقا قاجار وحمام‌کاسه‌گران ودکان واقع‌در گذر کاسه‌گران به مال‌المصالحه مبلغ بیست ودو تومان به‌آقا محمدحسن مفیدی موسوی مصالحه‌کرده است.

غرض از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیه نمود عالیجناب سیادت‌انتساب آقامیرموسی خلف مرحمت‌مآب‌خلدآشیان آقامحمدکریم الموسوی‌حسب‌الوکالة‌المطلقه‌الثانیه‌عن‌زوجتها المسماة‌بگوهرشادبیگم‌بنت‌عالیجناب مقدس‌القاب‌سلالة‌السادات‌العظام‌الفخام‌الکرام آقائی آقاعبدالرحمن‌المفیدی‌الموسوی بعالیجناب سلالة‌السادات العظام آقـا محمدحسن المفیدی الموسوی ولـد ارحمند عالیجناب مقدس‌القاب قدوة‌العلماء الاطیاب و سلالة السادات العظام الفخام الکرام آقا آقا محمدتقی‌المفیدی سلمه‌الله همگی‌وتمامی‌سهم زوجهٔ خودرا ازاملاك‌مفصله که سهم او در خارج مشخص است تفصیل املاك بدین موجب است :

بـــــابـت	بـــــابـت	بـــــابـت
ملیار واقعه در نـزدیکی بـاروی شهر یکدانگ از کل ششدانگ	زمـین واقعه در بـیرون دروازهٔ چهل‌دختر نزدیك باروی‌شهر	خانهٔ واقعه در محلهٔ‌میدان که‌مستغنی‌است‌از توصیف وبیان یکدانگ از کل ششدانگ

بابت
دکان واقعه در بازار کهنه
مسکونهٔ کربلائی موسی

ایضاً
دکان واقعه در بازار کهنه
مسکونهٔ کربلائی محمدکاظم

ایضاً
دکان واقعه در بازار کهنه
مسکونهٔ محمدکریم آقا قاجار

بابت
حمام کاسه‌گران واقعه در
محلهٔ میدان

ایضاً
دکان واقعه درگذر کاسه‌گران مسکونهٔ رحیم قنصول

بمال‌المصالحه مبلغ بیست‌دوتومان که یازده‌تومان اشرفی ناصرالدین‌شاهی هیجده نخود ویازده‌تومان وجه نیم‌ریالی ناصرالدین‌شاهی سیزده نخود وصیغهٔ مصالحهٔ مزبوره جاری شد وجناب آقا میرموسی قبض تمام مال‌المصالحه نمود و عالیجناب آقا محمدحسن املاك مذکورهٔ مفصله‌را ازحمام کاسه‌گران‌وملیار ودکاکین‌مسطوره‌و خانه تصرف نمود و بسائر املاك خودملحق ساخته‌له‌التصرف فیها کیف شاء واسقاط خیارات ازطرفین شد لاسیما خیارالغبن وغبن‌الغبن ولوکان فاحشاً بل افحش.

و کان ذلك بتاریخ بیست هشتم
شهرربیع‌الثانی من‌شهورسنة ۱۲۸۱
[جای دومهر][1]

[بربالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اقربمارقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][2]

۱ ــ مهری بیضی باسجع: «موسی‌الموسوی» و مهری بوته‌جقه شکل‌باسجع: «گوهر‌شاد خانم». ۲ــ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده محمدصالح الموسوی».

۲۲

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۱ هـ . ق .

در این سند محمداسماعیل‌خان همگی شش‌سهم از هفت‌سهم از دو سهم از بیست و چهار سهم از یکدانگ از کل ششدانگ قریهٔ میان دره و کلامو و حسن آباد را به مال‌المصالحه مبلغ پنجاه و چهار تومان وجه رایج فضی سلطانی به‌حاجی میرزا هاشم‌خان مصالحه نموده‌است .

نحمدالله قبل کل مقال و نصلی علی‌النبی و آل

و بعد مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ اسلامیهٔ اختیاریهٔ رغبتیهٔ مشتمله برجمیع شرایط و ارکان وعاریه از کافهٔ مفسده و بطلان نمود عالیجاه رفیعجایگاه عمدة‌الاشباه محمد‌اسمعیل‌خان خلف‌الصدق مرحمت و غفران‌پناه محمدصالح‌خان کیاء کردمحلهٔ بعزت و معالی‌پناه تجارت‌دستگاه اشرف‌الحاج والعمار حاجی‌میرزاهاشم ابن مرحمت‌مآب آقا میرزا عبدالوهاب دیلمی استرابادی همگی و تمامی شش‌سهم از هفت سهم از دوسهم از بیست‌وچهار سهم از یکدانگ از کل ششدانگ قریهٔ میاندره و کلامو وحسن‌آباد بانضمام تمام‌منضمات آن و کافهٔ ملحقات آن‌ازمجری‌المیاه ومزارع ومراتع و آبدنگ و آسیا وخانه‌قاهه وملیارستان و توتستان و تلال وجبال وغیرها عن‌آنچه ملکیة را سزد و شاید قابل انتفاع بردن بوده باشد مماذکرام لم‌یذکر بمال المصالحه وبدل‌آن مبلغ پنجاه‌وچهار تومان‌وجه رایج فضی‌سلطانی بیست‌وشش‌نخودی ده‌عددیکتومان وشرط شددرضمن‌عقداسقاط خیارات‌ازطرفین خاصه خیارالغبن ولو کان‌بمعارج‌العالیه‌و پس از وقوع عقد مصالحه تسلیم بدل‌الصلح از قابل‌وتخلیهٔ‌ید از ناقل‌واقع شد پس‌قبض‌و اقباض و تسلیم و تسلم دربدلین مزبورین صورت تحقق پذیرفت وضامن درك عین مصطلحه گردید عالیجاه مصالح که عند خروج عین‌المصطلحه کلاً اوبعضاً عیناً او

منفعةٌ للغیر ازعهده برآید وصیغهٔ مصالحهٔ مزبوره کما قررفی‌شرع الرسول صلی‌الله علیه وآله مشتملة علی‌الایجاب والقبول سمت جریان پذیرفت بالخیروالبرکات.

وکان‌ذلك هشتم شهر شعبان‌المعظم من‌شهورسنة ۱۲۸۱ .

[برحاشیهٔ سمت راست و بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

قداعترف‌عالیجاه مصالح بالصلح‌واخذالبدل وغیرهماحسب‌المسطور لدی قدحرره فی‌شهر رمضان للردها عن‌البیان من‌شهور ۱۲۸۱. [جای مهر][1]

ماهوالمسطور حسب‌المزبور من‌البدوالی‌الختم قدجری نمقه‌الجانی .

[جای‌مهر][2]

قد اعترف واقرالعالیجاه بمازبر ورقم فیه‌لدی واقرباخذالبدل ایضاً حررته‌بیدی.

[جای مهر][3]

قد وقع جمیع مارقم فیه‌لدی واعترف باخذالبدل . [جای مهر][4]

هو

وقعت‌المصالحة المرقومة المسطوره فی‌المتن واخذالبدل‌المزبوربتمامه‌لدی الآثم الفانی. [جای مهر][5]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی محمدحسن‌الموسوی». ۲ـ مهری‌بیضی باسجع: «عبده علینقی الدیلمی». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌محمدصادق‌العقیلی». ۴ ـ مهری بیضی با سجع : « عبده عبدالحسین‌الموسوی » . ۵ـ مهری چهارگوشه با سجع : «عبده‌الراجی عبدالکریم‌الحسینی» .

۲۳

مصالحه نامچهٔ مورخ ۱۲۸۶ ه . ق .

دراین سند آخوند ملاعباسعلی همگی و تمامی کل شش دانگ از یك باب خانه واقع در گذر میخچه گران به بدل صلح مبلغ چهل تومان وجه ریال فضی رواجی ۲۶ نخودی سلطانی به زوجهٔ دائمهٔ خود سکینه خانم مصالحه کرده است.

الحمدلله الذی احل الصلح و البیع والشری
وحرم الغصب والسّرقة والرّبوا
وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله خیر الوری

غرض از تحریر اینکلمات شرعیة الدلالات و تسطیر اینسطور واضحة البیانات آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ صریحهٔ قطعیهٔ لازمهٔ جازمهٔ شرعیهٔ ملیهٔ اسلامیه نمود درحالت تحقق کافهٔ شروط صحت و لزوم عالیجناب فضایل مآب قدسی انتساب زبدة العلماء الاطیاب حقایق و معارف آداب آقائی آخوند ملاعباسعلی خلف الصدق مرحمتمآب غفران نصاب فردوس ایاب آخوند ملاعلی اکبر الملقب بجناب غفر الله ذنوبه[1] بزوجهٔ دائمهٔ خود وهی عفت پناه خدارت دستگاه کربلائیه سکینه خانم بنت مرحوم مبرور مغفور حاجی محمدقلی همگی و تمامی کل ششدانگ از یکباب خانه وساحهٔ سفالپوش معمولی واقعه در گذر میخچه گران راکه مسکونهٔ مشارالیها است ومتصل است جنوبی آن بشارع خاص وشمالی آن بخانهٔ عالیجاه محمد آقا خلف مرحوم هاشم آقا وشرقی آن بخانهٔ ابتیاعی عالیجاه علیخان آقاقاجاردولو وغربی آن بخانهٔ والدهٔ مرحتمآب آخوند ملامحمد جعفر برادر مصالح معظم الیه مع جمیع ما یتعلق بها من البیوت التحتانیه والفوقانیه والابواب

۱ــ بر بالای این کلمه مهری بیضی است باسجع: «عبده الغنی سعد».

والاخشاب والاحجار و الاطواب والاوتاد والاشجار والحیاض والانهار وغیر ذلـك ذکرام لم‌یذکرسمی‌ام‌لم یسم از آنچه ملکیت را سزد وشاید وانتفاع از آن توان‌برد من‌تخوم‌الارض‌الی‌عنان‌السماء ببدل‌الصلح‌المعین‌المشخص‌المقبوض‌مبلغ‌چهل‌تومان وجه ریال فضی رواجی ۲۶ نخودی سلطانی وقبض واقباض وتسلیم‌وتسلم درهریك ازبدلین مزبورین فیمابینهما واقع ومتحقق شد و درضمن عقد مصالحه شرط سقوط خیارات‌باسرها شدازخیارغبن‌وغبن‌الغبن‌ولوکان‌فاحشاً‌بل‌افحش‌پس گردید‌تمامت‌عین مصالح‌علیها ملك طلق شرعی مصطلحهٔ مسطوره واورا است انحاء وانواع‌تصرفات مالکانه در آن کتصرف‌الملاك فی‌املاکهم وذوی‌الحقوق‌فی‌حقوقهم حیث‌شاءت‌ومتی شاءت وکیف‌شاءت وصیغهٔ مصالحه ایجاباً وقبولاً وعربیاً وفـارسیاً فیمابین وکیلی شفاهی طرفین‌سمت جریان پذیرفت بتاریخ بیست‌وششم شهرشوال‌المکرم ۱۲۸۶ و ضمان درك شرعی آن برعهدهٔ جناب مصالح معظم‌الیه است‌که عندخروجها مستحقة للغیرکلاً اوبعضاً عیناً اومنفعة از عهدهٔ بدل و خسارات وغرامات وارده برآیند .

وقد وقــع ذلك فی‌التاریــخ المحــرر
شرطاً فی‌ضمن‌العقدوان‌کان‌مستغنیاً عنه.

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

اعترف بمارقم فیه‌لدی الاقل . [جای‌مهر][2]

قد وقع مارقم‌فیه‌لدی حرره. [جای مهر][3]

اعترف بمارقم وزبرفیه عنداقل‌الطلبه. [جای‌مهر][4]

اقر واعترف المصالح المعظم‌الیهما بمارقم فیه‌لدی الآثم محمدجواد .

۱ــ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الغنی‌سعدالله».
۲ــ مهری‌چهارگوشه وناخوانا.
۳ــ مهری‌بیضی با سجع : « عبده براتعلی بن ....» .
۴ــ مهری‌بیضی‌کوچك با سجع: «عبده محمدعلی».

وقع ماسطرفيه من الصلح البتی و اعترف الجناب المصالح المعظم اليه بقبض تمام البدل و الأمر فی سقوط الخيارات وضمان الدرك كما زبر فی المتن حرره الأقل فی ۱۶ ذيقعدة الحرام ۱۲۸۶ . [جای مهر][1]

۲٤

مصالحه نامچهٔ مورخ ۱۲۶۸ هـ . ق .

در این سند ورثهٔ حاجی مرتضی قلی آقای زیادلوی قاجار همگی و تمامی یك سهم از هفت سهم از کل ششدانگ از یك باب خانهٔ مشاعی محمدخان واقعهٔ در محلهٔ نعل بندان را به مال المصالحه مبلغ بیست تومان وجه نیم ریالی ناصرالدین شاهی به میرزا محمد آقا صلح کرده اند .

غرض از تنمیق این ورقهٔ صدق ترجمه آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیه نمودند مستجمعاً بجمیع شرائط الصلح المقرر فی الشرع جمیع ورثهٔ مرحوم غفران ایاب حاجی مرتضی قلی آقای زیادلوی قاجار که عالیشان عمدة الأعیان علی اکبر و دوهمشیرهٔ او که عفت پناه بدره نساء خانم و مریم خانم بوده باشند بحسب شرع بعالیشان میرزا محمد آقا خلف مرحوم خلد آشیان ملاحسینقلی آقا همگی و تمامی یك سهم از هفت سهم از کل ششدانگ از یکباب خانهٔ مشاعی محمدخان آقائی را که واقعه در محلهٔ نعل بندان در گذر باغشاه است ومحدود بحدود اربعه فی الهامش است مع جمیع مایتعلق بها رامن الممر و المدخل و الانهار و الأشجار و الاحجار و الأخشاب و الحیاض و الجدران و مما احاط بها بجدرانها و از آنچه ملکیت را سزد وشاید و نفع از آن توان برد من القلیل و الکثیر سواءً سمی اولم یسم وذکر اولم یذکر بمال المصالحه مبلغ بیست تومان وجه نیم ریالی ناصرالدین شاهی سیزده نخودی که نصفه بیاناً و توضیحاً ده تومان

۱ـ مهری چهار گوشهٔ کوچك باسجع: «یا صالح المؤمنین».

موصوف بوده باشد وقبض واقباض و تسلیم و تسلم دربدل‌المصالحه واقع گردید و اسقاط جمیع خیارات از طرفین نمودنـد سیماخیارالغبن وغبن‌الغبن آنـرا ولـو کان فاحشاً بل‌افحش و مصالحون مزبورون تخلیهٔ ید ازعین مصطلحه نمودنـد وبتصرف مصطلح مشارالیه بدادند و اوهم نیز تصرف مالکانه درآن نموده و بسایر رقبات‌خود ملحق وملصق‌گردانیده واوراست انواع تصرفات مالکانه در ان‌بای‌نحو شده وضمان درك عین مصطلحه‌گردیدند مصالحون مزبورون‌که عند خروجها کلاً اوبعضاً اوعیناً اومنفعتاً مستحق للغیر برآید از عهده برآیند وصیغهٔ مصالحه بنحو مزبوربالعربیة و الفارسیه واقع و جاری‌گردید.

وکان ذلك فی‌دهم شهرذی‌قعدةالحرام فی‌سنة ۱۲۸۶.

[برحاشیهٔ سمت راست حدود خانه چنین آمده است:]

حـــــــــــــــــدود

شرقیاً متصل است بقبرستان غربیاً متصل است بخانهٔ مشهدی‌عباس زیارتی شمالیاً متصل بعضی‌بخانهٔ نورعلی‌آقا وبعضی بخانهٔ شفیع غلام جنوبیاً متصل‌است بباغچهٔ محمدخان آقائی.

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر است:]

قداعترف واقر .... بمافیه‌کمافیه‌لدی الجانی‌۱۲۸۶. [جای مهر][1]

قد وقع جمیع مارقم فیه من‌المصالحة علی‌الکیفیة المزبوره لدی الجانی.

[جای مهر][2]

اعتر[ف] بمافیه‌کمافیه‌لدی. [جای مهر][3]

---

۱ ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدصادق‌العقیلی». ۲ـ مهری چهار گـوشه باسجع: «صراط‌علی‌الحق نمسکه». ۳ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «یاخلیل».

اقربمارقم فیه‌لدی. [جای مهر][1]

اقربمارقم فیه‌لدی. [جای مهر][2]

۲۵

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۸ هـ . ق .

در این سند کربلائی شیرخان شمس‌آبادی تمامت حقوق و دعاوی محققه و محتملهٔ خود را درباب غرامت قنات محفوره به آقایان آقاسید ابوالقاسم و آقا میرمحمدعلی و آقا میراسمعیل و حاجی آقا‌علی به‌مال‌المصالحه مبلغ چهارده تومان وجه‌نقدفضی رایج مصالحه کرده است.

لایخفی آنکه چون کربلائی شیرخان شمس‌آبادی باذن یکنفر از آقایان سادات عظام مالکین قریهٔ چوپلانی یکرشته قناتی در ملك آنقریه حفر نموده بود بی‌اذن و رضای آقایان دیگر ازمالکین سابقاً ولاحقاً و ..... نقدی مخارج حفر نموده بود تا که در این ازمنه آقایانی که راضی نبودند در مقام اصرار برمنع و مزاحمت بلیغ مشارالیه از تصرفات در آن قنات برآمدند و او خود را ممنوع دانست ولی بقاعدهٔ المغروریرجع علی‌من‌غره خواست درغرامت وارده رجوع کند به‌آقائی که اذن او منشاءغرور شده بود و بعضی از مؤمنین درمقام اصلاح برآمدند لهذا بعدازرضایت مصالحه نمودکربلائی شیرخان مزبورتمامت حقوق ودعاوی‌محققه ومحتملهٔ خودرا درباب غرامت قنات محفوره به آقایان عظام و سادات والامقام آقاسید ابوالقاسم[3] و آقامیر محمدعلی و آقامیراسمعیل وخیرالحاج حاجی‌آقا علی‌بمال‌المصالحه مبلغ

۱ ـ مهری بیضی باسجع : «عبده‌غلام‌رضا ۱۲۸۶». ۲ـ مهری بیضی‌که درست نگرفته وناخواناست.

چهارده‌تومان وجه‌نقدفضی‌رایج که‌شش‌تومان را آقایان بدهند و هشت‌تومان‌راحاجی بدهد و اقباض و قبض تمام مال‌المصالحه صورت وقوع گرفت و دعوای غرامت بر آقای اذن دهنده ساقط گردید .

تحریرا فی‌چهارم ربیع‌الاول ۱۲۸۸.

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع مارقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][1]

قد وقع مازبرفیه‌لدی الآثم. [جای مهر][2]

مصالحهٔ مزبوره واقع شد وبدل‌هم واصل شد فی‌التاریخ. [جای مهر][3]

واقع شد بارعایت غبطه .... وقبض‌بدل صورت تحقق یافت فی‌التاریخ .

[جای دومهر] [4]

۱ـ مهری بیضی‌بزرگ باسجع: «عبده‌الراجی‌حسین». ۲ـ مهری بیضی‌بزرگ باسجع : «عبده الراجی علی اصغر ۱۲۶۴» . ۳ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبده الراجی محمدحسین». ۴ـ مهری بیضی بزرگ باسجع:«عبده‌طاهرالحسینی» و مهری بیضی‌کوچکتر باسجع : «عبده نصرالله ۱۲۸۰» .

۲۶

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۷ هـ . ق .

در این سند برای رفع اختلاف وقفیت و ملکیت قریهٔ چوپلانی سه دانگ و یک‌ربع دانگ از قریهٔ مذکور که در چهاردانگ سادات درازگیسو است به سادات و دودانگ و سه‌ربع از آن قریه ازجانب سادات به حاجی‌علی‌آقا صلح شد.

مخفی‌نماناد که چون قرونی بود که دروقفیت وملکیت قریهٔ چپلانی واقعه‌درجنب میرمحله‌درمیانهٔ‌سادات حسینی‌درازگیسو وحضرات‌خوانین‌اولادعباس‌خان بیگلربیگی وآباء واجدادایشان‌منازعه ومشاجره بود واطراف‌نزاع‌احکام مطاعهٔ شرعیهٔ متضاده‌و متناقضه در دست داشتند وعلما در ترجیح وارد و مورود و ناسخ ومنسوخ واعتبارو عدم‌آنها اختلاف عظیم نموده بودند و اولاد مرحوم بیگلربیگی چهاردانگ از آنقریه را بنواب والا شاهزاده نظام‌العلما عبدالله میرزازیدعزه و خیرالحاج حاجی آقا علی‌استرابادی من‌سکان ساری منتقل نموده بودند حال احداطراف نزاع ایشان نمودند وعلاوه نواب‌والاخط وکالت معتبرازورثهٔ بیگلربیگی برصلح دردست‌داشت لهذا حسب‌الملاحظه غبطه ومصلحت‌دروقف باذن‌موقوف‌علیهم وباذن‌متولی‌واقفین‌و باذن و اجازه من له‌الولایه شرعاً با ملاحظهٔ مصلحت بطون آتیه و بعد ازتوکیل نواب‌والا و خیرالحاج مزبور صلح شد سه‌دانگ و یکربع دانگ از قریهٔ مزبوره که از چهار دانگ حضرات است بسادات و دودانگ و سه‌ربع ذلك از آنقریه از جانب سادات صلح شده بنواب‌والا و خیرالحاج حاجی‌آقا علی و بصیغتین صلح صحیح لازم از هرطرفی باشرط صلح ونقل طرف دیگر وشرط عدم ادعای‌سنوات‌و مطالبهٔ آن و شرط در عهده بودن سنوات وغرامات وارده بسرسادات در اوقات

مطالبهٔ خوانین و ورثه که متحمل سنوات وغرامات مشارالیهما بشوند و ایشان‌دو نفر ازعهده بر آیند و ایضاً خیارات وخیارالغبن ولو کان فاحشاً وتمامت دعاوی‌ازاطراف نزاع اسقاط شد بعدها احدٌ اطراف نزاع را بردیگری حرفی ونزاعی نخواهد بودو دعاوی طرفین از درجهٔ اعتبار ساقط است.

هکذا وقع الصلح للازم فی‌الحادی‌عشر
من شهـر جمـادی‌الاولی سنة ۱۲۸۷ .

[برحاشیهٔ بالای سند مطالب زیر است:]

نواب‌والا عبدالله میرزا وحاجی آقاعلی اصالةً و وکالةً ازقرار مزبور درمتن وهامش مصالحه نمودند و وکالةً خط معتبر که مشتمل برخط ومهر علمای ساری بود نیز در دست داشتند و احتیاطاً ازحاکم و وکالة ازجانب سادات و وکالةً و ولایةً از متولی واقفی وحکومتی صحهٔ شرعیهٔ لازمهٔ صلح جاریه شده .

حررته بیمنای‌القاصره فی رجب ۱۲۸۸.

[جای مهر][1]

۱ـ مهری بیضی باسجع: « عبده محمدصادق العقیلی ».

۲۷

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۸ هـ . ق .

دراین سند آمنه‌خاتون چهارسهم از چهارده سهم از کل شش‌دانگ از هریك از دوباب دکان نمدمالی متصل بیکدیگر و یك‌باب دکان صباغی‌متصل به‌کارخانهٔ آن در راستهٔ بازارکهنه را به‌مبلغ پنجاه‌و پنج تومان وجه نقد فضی رایج بـه آقا محمدحسن مصالحه نموده است .

سبب از ارتسام این ارقام شـرعیت انتظام آنستکه عفت و عصمت‌پناه طهارت و خدارت دستگاه آمنه خاتون دختر مرحوم کربلائی سلطان زوجهٔ بودهٔ مغفور مبرور آقا محمدزکی مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ جامعه‌برجمیع شرایط وارکان وخالیه‌ازعموم خلل‌وبطلان‌نمودبجناب‌مستطاب‌سیادت‌انتساب سلالةالسادات‌الاطیاب آقائی آقامحمد حسن ولد ارجمندجناب آقائی آقای‌بزرگوار آقا محمدتقی‌الموسوی‌المفیدی همگی‌و تمامی چهارسهم از چهارده سهم ازکل ششدانگ از هریك از دوباب دکان نمدمالی متصل‌بیکدیگروازیکباب‌دکان‌صباغی‌متصل‌بکارخانهٔ متصلهٔ به‌آن دوباب‌دکان‌نمدمالی که وقوع دارند تمامت دکاکین ثلثه درراسته‌بازارکهنه درجنب مدرسهٔ مفیدیه‌بمال‌ـ المصالحه مبلغ‌پنجاه وپنج‌تومان وجه‌نقدفضی‌رایج خزانهٔ عامره سلطانی ریال‌بیست شش نخودی و شرط گردید سقوط و اسقاط‌کافهٔ خیارات از طـرفین سیما خیارالغبن والغبن فی‌الغبن ولوکان فاحشاً بل افحش ولو بمدارج‌العالیه وجناب آقای معزی‌الیه قبولمصالحه نمود وبعدذلك مصالحهٔ مزبوره‌تخلیهٔ‌ید از تمامت اعیان مصطلحه‌نموده بقبض‌آقای معظم[الیه] داده وایشان نیزقبض وتصرف نموده بسایر رقبات خود ضم

نمودند و تسلیم و تسلم دربدل مزبور نیز صورت تحقق گرفت وضمانت درك شرعی اعیان ومنافع آنها برعهدهٔ مصالحهٔ مزبوره است که عندخروجهامستحقة للغیر ازعهده بر آید.

و کان ذلـك فـی ششـم شهـر
شعبان المعظم من شهور سنة ۱۲۸۸.

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر است:]
اعترفت بمافیه لدی الاقل فی شهر شعبان ۱۲۸۸. [جای مهر][1]
قد وقع مارقم فیه اجمع واعترف باخذالبدل لدی الجانی. [جای دومهر][2]
قد اقرت واعترفت بما هو المسطور فیه لدی. [جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «عبده نصرالله ۱۲۸۰». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی حسن ۱۲۸۰» و مهری چهارگوشه باسجع: «عبدالرحیم بن محـمدمهدی».
۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی محمدعلی».

۲۸

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۹ ه . ق .

در این سند میرزا علینقی‌خان سرتیپ موسوی فندرسکی سه‌دانگ از کل شش دانگ از محل و مجرای نهرآب چشمهٔ مشهور بـه آب معصومزاده نورالدین‌و سه‌دانگ از محل ومجرای چشمه‌چگل‌را به پسران‌خود وسه‌دانگ‌دیگر از آن‌دورشته‌را به‌زارعین به‌مال‌المصالحه مبلغ یك تومان وجه رایج ناصرالدین‌شاهی مصالحه کرده است .

غرض از تحریر این سطور شرعیه‌المبدء و الاختتام آنستکه حاضر گردیدند در حال صحت‌جسم وثبات عقل ووفور شعور ودرسعدازمنهٔ سرکارعظمت‌مدارعالیجاه‌رفیع‌ـ جایگاه‌عمدة‌الخوانین‌سلالة‌السادات‌والأطیاب‌الکرام مقرب‌الخاقان میرزاعلینقی‌خان سرتیپ‌الموسوی الفندرسکی ومصالحهٔ شرعیهٔ اسلامیه نمودند همگی وتمامی‌محل‌و مجری سه دانگ ازکـل شش دانگ رشته نهر آب چشمهٔ مشهور بـآب معصومزاده نورالدین علیه‌السلام وسه‌دانگ ازمحل‌ومجری آب چشمه‌چگل که مشهوربرودخانهٔ چگل است به ولدان خود عالیجاه میرزا سعدالله خان و میرزا فتح‌الله‌خــان و میرزا علیرضاخان و توفیق آثار کربلائی میرزا غلامرضا و محل ومجری سه‌دانگ از آن دو رشته را نیـز مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیه نمودند بزارعین مفصلهٔ ذیل ازقرار سیاه و تفصیل : امیر وابراهیم ـ عبدالله وصفرـ قاسم وغلام ـ مهدقلی و سلیمان ـ حاجی و حسن‌ـ یوسف وحسینعلی ـ غلام‌رضا و غلامعلی ـغلام و غلامحسین ـ ملاحسین و ملك‌اسمعیل‌ـ ندرسلطان عباس ـ اسمعیل‌الله‌یار ، بمال‌المصالحه مبلـغ یکتومان وجه رایج‌المعامله ناصرالدین‌شاهی و شرط ضمن‌العقد آنکه آنچه اخراجات که درتعمیر این دورشته نهرآب لازم باشدازحال واستقبال‌بطناً بعدبطن ونسلاً بعدنسل‌برعهده و

ذمهٔ زارعین مذکورین باشد وزرع شش‌دانگ‌را نیز زارعین مزبور نمایند وسه‌دانگ ازدورشته نهروآب مزبورین مع‌ملحقات ومنسوبات آنچه ملکیت [را]شاید وسزد و حریم آنها ملك‌طلق عالیجاه میرزا اسعدالله‌خان‌ومیرزا فتح‌الله‌خان ومیرزا علیرضاخان‌و توفیق‌آثار کربلائی میرزا غلامرضابالسویه وبلاتفاوت وسه‌دانگ از دورشتهٔ مزبورهٔ فوق مع‌ملحقات ومنسوبات وحریم آنها ملك طلق زارعین متن [می‌باشد] واحدی‌را غیراینهاحقی ونصیبی‌نیست وعالیجاه مصالح مزبورتخلیهٔ ید خود را نموده بتصرف معظمین مزبورین بداد و ایشان‌نیز متصرف شدند وبسایر املاك خود منضم‌ساخته‌اند کتصرف‌الملاك فی‌املاکهم وذوی الحقوق فی‌حقوقهم و قبض و اقباض وتسلیم و [تسلم] بعمل آمده وصیغهٔ مصالحه‌کماهی‌المقررة فی‌الشریعه سمت جریان‌پذیرفت.

وکان ذلك بتاریخ شهرصفرالمظفر سنة ۱۲۸۹.

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالای این‌سند عبارات زیر نوشته شده است :]

مراتب مسطوره فی‌المتن وهامش آن واقعست و خلافی ندارد العبدالاقل.

[جای مهر][2]

۱ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «علینقی‌الموسوی ۱۲۷۲».

۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی حسین بن... کیا».

۲۹

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۹ هـ . ق.

دراین‌سند محمدولی‌حقوق خودرا از قریهٔ اتراچال به‌مال‌المصالحه مبلغ‌سی تومان ریال ناصرالدین‌شاهی بیست‌وشش نخودی به‌محمد‌باقر آقا صلح کرده است.

هوالمالك

مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیه نمودم[۱] آنچه‌حقوقیکه‌داشتم‌درقریهٔاتراچال‌من‌بلوك‌استراباد‌رستاق از سهم مرحوم مغفور نظرعلیخان ولد مرحوم عالیجاه مصطفی‌خان کیا کرد‌محلهٔ ازدودانگ ازکل ششدانگ من‌الرطب والیابس ازممرومجری و مرتع وازقناة جدیدالحفر خودم که سال سابق در جنب‌قناة قدیمی حفر نمودم وقناة جدیدالحفر عالیجاه‌علیرضاخان که از قرار چهاردانگ دو دانگ باوداده‌ام حفر نموده و سایر منضمات وملحقات شرعیه وعرفیهٔ آنرابعالیشان عزت‌نشان محمدباقر آقا ولد مرحوم حاجی محمدحسن‌آقا قاجار بمال‌المصالحةالمعین المقبوض مبلغ سی‌تومان ریال ناصرالدین‌شاهی ۲۶نخودی باشرط اسقاط‌خیارات از طرفین سیماالغبن‌وغبن‌الغبن‌و لوکان فاحشاً بل‌افحش‌وصیغهٔ مصالحة جاری‌شده وللمصطلح التصرف فیهما کیف‌شاء تفصیل تقسیم این دودانگ دربین ورثهٔ مرحوم مصطفی‌خان اینست که برچهارده‌سهم منقسم میشود

بابت	بابت	بابت
مرحوم‌حاجی‌مصطفی‌خان	آقا حسن مرحوم	رضا قلیخان مرحوم
پنج سهم	دوسهم	سه سهم

۱ـ زیر کلمهٔ نمودم مهری بیضی‌است باسجع: «محمدولی».

بـــــــــــابت بـــــــــــابت

مرحوم نظرعلیخان متعلق به بنده شیرخان شریك

سه سهم یك سهم

یکسهم شیرخان سدس آن مال مرحوم نظرعلیخان و مرحوم رضاقلیخان است بالمناصفه و سه‌سهم رضا قلیخان برهیجده سهم منقسم میشود یکسهم از هیجده سهم مال مرحوم نظرعلیخان است کـه متعلق به‌بنده است این تقسیم بـروفق حق است شبهه در آن نیست.

فی تاریخ هفتم شهر شوال المکرم فیسنة ۱۲۸۹ .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ این سند عبارات زیر است :]

قداقربجمیع مارقم فیه کمارقم لدی الاحقر. [جای مهر][2]

قد وقع مافیه لدی. [جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی کوچك بانام «محمدولی». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی نظرعلی». ۳ مهری چهارگوشهٔ کوچک با سجع : « عبده علیرضا».

۴۰

مصالحهٔ‌نامچه مورخ ۱۲۹۰ ه . ق .

دراین سند ماه‌بی‌بی خانم دختر جعفرقلی‌خان قاجار یك دانگ و خمس دانگ مشاع از کل شش دانگ از یـك باب خانه واقـع در محلهٔ سرپیر استراباد را به مبلغ ده‌تومان ریال فضی رواج‌سلطانی به برادرش کربلائی رحیم‌خان مصالحه‌کرده است.

باعث برترقیم وتسطیر این‌ورقهٔ صدق ترجمه آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ لازمهٔ جازمه نمود بالطوع والرغبة والاختیارلا بـالعنف والکراهة والاجبار عفت و عصمت‌پناه خدارت وطهارت دستگاه ماه‌بی‌بی‌خانم صبیهٔ مرحمت ومغفرت‌پناه‌خلد- آشیان‌جعفرقلی‌خان قاجار ببرادر ارجمند والامقام خود وهوعالیجاه عزت وسعادت- همراه خیرالزائرین کربلائی رحیم‌خان همگی وتمامی یکدانگ وخمس‌دانگ مشاع از کل‌ششدانگ ازیکباب‌خانهٔ موروثی ابی‌خود را با جمیع توابع ولواحق‌شرعیه و عرفیهٔ آن ازبیوتات واشجار وانهارواحجار واخشاب واوتاد وحیاض ودروب وممرو مدخل وکلما مایتعلق‌بها من‌القلیل والکثیر من تخوم‌الارض‌الی‌عنان السماء که واقـع است خانهٔ مرقومه‌درمحلهٔ‌سرپیر من‌محلات‌استراباد محدودبحدوداربعه‌ببدل‌المصالحه مبلغ معین‌مشخص معلوم‌القدر والوصف ده تومان نقد وجه ریال فضی‌رواج سلطانی مع‌شرط‌سقوط‌الخیارات‌من‌الموجبة والقابل‌لاسیما خیارالغبن‌ولوکان بمدارج‌العالیة و قبض واقباض و تسلیم و تسلم در بدلین واقع شد ومصطلح مرقـوم عین مصطلحه را تصرف نموده بسایر رقبات خود ملحق‌گردانید وضمان‌درك عین‌مصطلحه عندخروجها مستحقاً للغیر کلاً او بعضاً عیناً او منفعةً برعهدهٔ مشارالیها است‌که از عهده برآید و

صیغهٔ مصالحـهٔ صحیحهٔ شرعیه بقانون شرع انور بالعربی والفارسی سمت وقوع و تحقق پذیرفت .

وکان ذلك فی‌غرة شهررجب المرجب ۱۲۹۰.

[برحاشیهٔ سمت راست وبالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قداقرت واعترفت علی‌حسب مارقم فیه‌لدی الاحقر. [جای مهر][1]

اقربمافیه‌لدی. [جای مهر][2]

اقربمافیه‌لدی. [جای مهر][3]

۱ــ مهری بیضی باسجع: «عبده نصر الله». ۲ــمهری بیضی بزرگ باسجع: «جعفر علی بن رضا قلی». ۳ــ مهری بیضی باسجع: «عبده علی» . پهلوی این مهر پنج مهر دیگر باین ترتیب است : مهری چهارگوشه با سجع : « یا شاه نجف » ، دو مهر بیضی با سجع : « عبده‌الــراجی خانلر» ، مهری بیضی باسجع : « عبده فتحعلی» ومهری چهارگوشه با نام «کاظم».

۳۱

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۰ هـ. ق.

دراین سند طاووس‌خانم یك دانگ از دو دانگ از کل ششدانگ گرجی‌محلهٔ تیرکار معروف به قاسم‌آباد و تمام پنج سهم و نیم از یازده سهم ازبیست سهم از دو دانگ‌وثمن علاوه ازکل شش‌دانگ از انگرم میرجعفری و انگرم آقاجعفری و انگرم محمدزکی‌رابه مبلغ نود تومان وجه نقدریالی معروف به‌بیست‌وشش نخودی به لطفعلی‌خان سرهنگ یانسری هزارجریبی مصالحه‌کرده است.

سبب از ارتسام این ارقام شرعیت‌انتظام آنستکه صبیهٔ مرضیهٔ عالیجاه عزت همراه خلیل‌خان عفت و عصمت‌پناه علیامخدره طاوس‌خانم زوجهٔ دائمهٔ فعلیهٔ خیرالزائرین عالیجاه کربلائی آقاعلیجان مصالحهٔ صریحهٔ شرعیهٔ مشتمله بجمیع شرایط‌وارکان و خالیه از عموم‌خلل وبطلان نمود بعالیجاه رفیع‌جایگاه نتیجة‌الخوانین مقرب‌الخاقان لطفعلی‌خان سرهنگ یانسری هزارجریبی تمامت یکدانگ‌کامل از دودانگ از کل ششدانگ ازگرجی‌محله تیرکار معروفهٔ بقاسم‌آباد بانضمام تمامی پنج سهم ونیم از یازده‌سهم ازبیست‌سهم‌ازدودانگ وثمنی‌علاوه‌ازکل‌ششدانگ ازانگرم‌میرجعفری و انگرم آقاجعفری وانگرم محمد زکی را با توابع شرعیه ومنضمات عرفیهٔ هریك از مزارع و مراتع و تلال‌و جبال وعیون وانهار وچشمه‌سارها ومجری‌المیاه وحقابه از رودخانه وتوتستان وملیارستان و جنگلستان و محل خانقاهیه وانگرم دره و غیرها بمال‌المصالحه نود تومان وجه نقد ریالی رایج خزانهٔ عامره معروف به بیست وشش نخودی وشرط‌گردید سقوط واسقاط‌کافهٔ خیارات ازطرفین‌سیماخیارالغبن‌وغبن‌الغبن ولوکان فاحشاً بل افحش ولو بمدارج العالیه و عالیجاه مقرب‌الخاقان سرهنگ نیز

قبول صلح برنهج مزبور نمودند غبّ ذلك قبض واقباض در بدلین‌مرقومین صورت تحقق و وقوع گرفت پس‌بوقوع واخذ نقد وتقابض عوضین گردید اعیان مصطلحه و توابع آنها ملك طلق عالیجاه معظم و مراوراست انحاء تصرفات شرعیه و عرفیه متی‌شاء وکیف‌شاء بالخیر والبرکات وحسب شرط لازم در ضمن عقد خارج واقع ضمانت شرعیهٔ اعیان مصطلحه و توابع آنها برعهدهٔ عالیجاه کربلائی آقا علیجان شوهر مصالحهٔ مکرمه است که عند خروجها مستحقة للغیر کلاً اوبعضاً عیناً ام‌منفعةً از عهدهٔ غرامات وارده برآید .

وکان بتاریخ بیست‌وششم ذی‌القعدة ۱۲۹۰.

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

کربلائی علی‌جان اقرار بضمان مسطور نموده است و جناب آخوندملاعلی‌اصغر و آخوند ملاابوالقاسم وسعدالله‌خان اخبار بمراتب مسطوره ازقبل مشارالیها نموده‌اند و ایضاً عالیجاه اسماعیل‌خان اخبار نموده است حررته فی‌اربیع‌الاول ۱۲۹۲ .

[جای مهر] [1]

کربلائی آقاعلی‌جان اقرار و اعتراف بضمان درك نموده وانا الآثم .

[جای مهر] [2]

واضح بوده باشدکه عالیجاه کربلائی آقا علی‌جان اقرار و اعتراف نمود بضمانت شرعیهٔ اعیان مصطلحه و توابع آنها لدی‌الآثم. [جای دومهر] [3]

هو

جناب کربلائی آقاعلیجان اعتراف بضمانت برنهج مسطور در ورقه نمود فی یوم ۱۳ ذیحجه ۱۲۹۰. [جای مهر] [4]

۱ــ مهری‌بیضی با سجع : « عبده محمدصادق العقیلی». ۲ــ مهری بیضی کوچك باسجع: «محمدطاهرالحسینی». ۳ــ مهری‌بیضی کوچك باسجع: «عبدالرسول‌الحسینی» و مهری بیضی بزرگتر با سجع : « غلامعلی۱۲۸۳». ۴ــ مهری بیضی‌بزرگ با سجع : « عبده‌الراجی سید محمد الموسوی ».

وقع الصلح واخذالبدل واسقاط الخيارات والضمان لدی الجانی. [جای مهر][1]
قد وقع جميع مارقم فيه لدی الآثم فی التاريخ. [جای دومهر][2]

۴۲

مصالحه نامچهٔ مورخ ۱۲۹۱ هـ . ق .

در این سند ملك جهان خانم حصهٔ سهمی ارثی ابی خود را ازانگرم۔آقاجعفری وانگرم میرجعفری وانگرم محمدزکی یك ربع از یکدانگ از هریك به مال المصالحه مبلغ پنج تومان وجه نقد ریالی رواجی بیست وشش نخودی به لطفعلی خان سرهنگ یانسری مصالحه نموده است .

محصل این مختصر نمیقه آنست که صبیهٔ مرضیهٔ مرحوم نصیرخان عفت و عصمت پناه ملك جهان خانم زوجهٔ دائمهٔ عالیحضرت آقابزرگ خلف مرحوم میرزا امامقلی ارباب مصالحهٔ صریحهٔ شرعیهٔ مشتملهٔ بجمیع شرایط وارکان وخالیه ازعموم خلل و بطلان نمود به عالیجاه رفیع جایگاه عزت وسعادت همراه مقرب الخاقان لطفعلی خان سرهنگ یانسری هزارجریبی دام عزه تمامت ملك متصرفی ازحصه وسهمی ارثی ابی خود را از انگرم آقاجعفری وانگرم میرجعفری وانگرم محمدزکی اگرچه یك ربع از یکدانگ از هریك بوده باشد باجمیع توابع شرعیه ومنضمات عرفیه ازمزارع و مراتع وتلال وجبال وعیون وانهار واراضی عامره وغامره وقنوات دائره و بائره وحقابه از رودخانه ومجری المیاه ومحل خانقاهیه وانگرم دره وسایرمایتعلق بها ذکرام لم یذکر بحیث لایستثنی من التوابع شیء بمال المصالحه مبلغ پنج تومان وجه نقدریالی رواجی بیست وشش نخودی و شرط گردید سقوط و اسقاط کافهٔ خیارات از طرفین سیماخیار

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده حسینعلی الموسوی». ۲ـ مهری بیضی باسجع : «عبده الراجی علی اصغر» و مهری دیگر باسجع: « یا اباالقاسم ادرکنی».

الغبن والغبن فی‌الغبن و لو کان فاحشاً بـل افحش ولـو بمدارج العالیه و بعد از قبول عالیجاه مقرب‌الخاقان مرصلح مزبور را برنهج مرقوم تقابض در بدلین مـزبورین صورت تحقق و وقوع گرفت پس بوقوع عقد اخذ نقدگردید عین مصطلحه وتوابع آن ملك طلق عالیجاه معظم ومرایشان‌راست انحاء تصرفات شرعیه وعرفیه متی‌شاءو کیف‌شاء بالخیروالبرکات وحسب‌شرط لازم درضمن عقد خارج واقع ضمانت‌نمود عالیحضرت آقا بزرگ شوهرمصالحهٔ مکرمه بردرکشرعی عین‌مصطلحه وتوابع آنرا که عندخروجها مستحقة للغیرکلاً اوبعضاً عیناً ام منفعةً ازعهدهٔ غرامات و خسارات وارده برآید.

وکان ذلك بتاریخ هیجدهم شهر محرم‌الحرام من‌سنة ۱۲۹۱.

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع جمیع مارقم فیه‌لدی الآثم فی‌التاریخ . [جای‌مهر][۱]

ضامن درك‌گردید عالیحضرت آقابزرگ عیناً و منفعتاً و اعتراف نمود نزد احقر.

[جای سه مهر][۲]

۱ــ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی علی اصغر». ۲ــ مهری بیضی باسجع: «یا علی ادرکنی» و مهر بیضی دیگر باسجع: «عبده محمد تقی» و مهر بیضی دیگر باسجع: «عبده محمد کاظم».

۳۴

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۱ هـ . ق .

در این سند آقا سیدحسین تمامی کل شش‌دانگ از یک‌باب‌خانهٔ واقع درمحلهٔ میدان استراباد معروف به‌خانهٔ ابراهیم کربلائی نصیر را به مبلغ یک‌صدوسی تومان وجه نقد ریال فضی ناصرالدین شاهی به آقا سید محمدطاهر مصالحه کرده است.

هو المالك بالاستحقاق

نحمدالله قبل کل مقال

و نصلی علی النبی و آل

و بعد

غرض از تحریر این کلمات شرعیة‌الدلالات وباعث برتسطیر این سطور واضحة‌البیانات آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ جزمیهٔ ملیهٔ اسلامیه نمود درحالتیکه صحیح ونافذ بود ازاوجمیع عقود ومعاملات شرعیه جناب‌سلالة الانجاب‌والاطیاب آقا سیدحسین خلف مرحمت‌پناه حاجی‌سید احمدخالو بجناب مستطاب عمدةالعلماء الاطیاب وزبدةالفقهاء الاقطاب آقا و مولی‌آقائی آقا سید محمدطاهر دام‌ظله‌العالی همگی وتمامی کل‌شش دانگ از یکباب‌خانهٔ واقعه درمحلهٔ میدان راکه‌جدیدالابتیاع مصالح است ازعفت‌پناهان بی‌بی‌زینب وربابه‌خانم‌صبیتان مرحومان محمدابراهیم و عبدالله‌ابنان مرحوم کربلائی‌نصیر که در خارج مشخص و معین است ومشهوره‌هست بخانهٔ ابراهیم کربلائی نصیر و اطراف اربعهٔ آن اتصال دارد باین اطراف اربعه‌که شرقاً متصله است بخانهٔ ورثهٔ مبرور مرحوم حاجی محمدمهدی ابن مرحوم کربلائی

محمد حسین وغرباً پیوسته است بخانهٔ مرحوم مغفور آقا اسدالله الموسوی المفیدی وجنوباً اتصال دارد بشارع خاص محاذی و مقابل خانه و اطاق مرحمت‌مآب حاجی میرموسی ابن‌مرحوم‌خلدآشیان آقا ابوجعفر الموسوی المفیدی وشمالاً وصل است بباغچهٔ ورثهٔ مرحوم مبرور حاجی محمدمهدی مزبور مع‌جمیع مایتعلق بها من الممر والمدخل والحیاض و الانهار و الاشجار والبیوت و مما اغلق علیها بابها و احاط بها جدرانها من تخوم‌الارض الی عنان‌السماء ببدل الصلح معین مشخص مبلغ یکصدوسی تومان وجه نقد ریال فضی ناصرالدین‌شاهی بیست‌شش‌نخودی که نصفه بیاناً له و توضیحاً ایاه مبلغ شصت‌پنج‌تومان موصوف است وجناب آقای معظم‌الیه مدظله قبول مصالحه بنهج مزبور فرمودند ثم له ذلك قبض واقباض وتسلیم وتسلم دربدلین مسطورین واقع گردید و مصالح مومی‌الیه تخلیهٔ ید از عین مصالح‌علیها نمود و جناب مصطلح معزی‌الیه تصرف مالکانه ومنضم بسایر رقبات‌خود فرمود له التصرف فیها کتصرف الملاك فی املاکهم وذوی الحقوق فی حقوقهم متی‌شاء و کیف‌شاء واسقاط کافهٔ خیارات از طرفین نمودند سیما خیار الغبن وغبن الغبن وان‌علاوه مصالح مزبور ضامن درك گردید که‌عندظهور عین‌مصطلحه کلاً اوبعضاً عیناً ام‌منفعتاً مستحقة للغیر از عهده برآید و صیغهٔ مصالحهٔ جامعه برجمیع شرائط وارکان و خالیه ازعموم خلل و بطلان بقانون شرع‌مطاع سمت جریان پذیرفت و این‌چندسطر برسبیل قباله‌نامچه قلمی گردید که تا عندالحاجة حجة شود.

وکان وقوع ذلك فی‌خامس شهر جمادی‌الثانیه من شهور العربیة سنة هزارودویست‌ونودویك‌سنة ۱۲۹۱.

[برحاشیهٔ بالاوسمت‌راست‌وسمت چپ این‌سند مطالب زیرنوشته شده‌است:]

تمام آنچه در این ورقــه است در پیش من واقع شده ۵ جمادی‌الثانیه ۱۲۹۱ .

[جای مهر][1]

مراتب مسطوره درپیش من واقع شده در پنجم جمادی‌الثانیه ۱۲۹۱ .

[جای مهر][2]

آنچه در ورقه است در پیش من واقع شده است پنجم جمادی الاخری ۱۲۹۱.

وقع مارقم فیه‌لدی فی‌خامس جمادی‌الاخری ۱۲۹۱ . [جای مهر][3]

هوالمستعان اقرواعترف المصالح لدی الآثم فی‌التاریخ المذکورفیه .

[جای مهر][4]

قد وقع‌جمیع مارقم فیه‌من‌البدایةعلی‌النهایةلدی الآثم‌فی‌خامس‌شهرجمادی‌الاخری ۱۲۹۱ . [جای مهر][5]

قد اقر واعترف المصالح حسب‌المرقوم فی‌المتن والهامش لــدی الاحقــرفی ۶ جمادی‌الثانی ۱۲۹۱. [جای مهر][6]

اقرواعترف المصالح بمازبرفیه‌کمافیه‌لدی الاقل فی۶ شهرجمادی‌الاخری ۱۲۹۱.

[جای مهر][7]

اقرالمصالح المعظم‌الیه بجمیع بمافیه‌لدی الفقیرالی‌ربــه‌الغنی‌فی ۱ جمادی‌الثانیه ۱۲۹۱. [جای مهر][8]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اعترف‌المصالح‌بمازبرفیه‌لدی فی۱جمادی‌الاخری۱۲۹۱.

[جای مهر][9]

۱ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «محمدرفیع». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده کاظم بن مهدی ۱۲۸۹ ». ۳ـ مهــری چهــارگوشه با سجــع : « محمــد یوسف » . ۴ـ مهری‌بیضی‌باسجع: «عبده‌تقی‌الحسینی». ۵ـ مهری‌چهارگوشه‌باسجع: «محمدحسین ابن عباسعلی». ۶ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمد نبی». ۷ـ مهری بیضی با سجع: «عبده الراجی‌محمد بن محمدرضا». ۸ـ مهری چهار گوشه باسجع: «عبده‌محمد علی». ۹ـ مهری بیضی باسجع: «محمد علی ابن موسی».

قد وقع جمیع ماز بروسطرورقم فیه الی آخر الهامش بمحضری حرره فی الجمادی‌ـ
الاخری من شهور سنة ۱۲۹۱. [جای مهر][1]
قد اعترف المصالـح بجمیع مافیه من وقوع الصلـح و قبض البدل و اسقاط الخیار و
ضمان الدرک لدی الاقل فی ۱۰ شهر جمادی الثانیه ۱۲۹۱. [جای مهر][2]
جناب مصالح آقا سیدحسین اعتراف بمراتب مسطوره نمود حررها الاقل الراجی
فی ۱۴ شهر جمادی الثانیه من ۱۲۹۱. [جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی باسجع: « عبده محمدصادق العقیلی». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «محمدحسن الموسوی ۱۲۸۷». ۳ ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی محمدحسن الموسوی».

۳٤

مصالحه‌نامهٔ مورخ ۱۲۹۱ هـ . ق .

دراین سند بی‌بی‌زینت ورباب‌خانم همگی و تمامی کل شش‌دانگ از یك باب‌خانه واقع در محلهٔ میدان را به‌بدل‌الصلح مبلغ یك‌صدو چهل تومان وجه نقدریال فضی ناصرالدین‌شاهی به‌آقا سیدحسین خلف‌آقا سیداحمد خالو مصالحه نموده‌اند.

بعدالحمد والصلوة غرض‌ازارتسام‌این ارقام‌شرعیة انتظام‌آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ جزمیهٔ قطعیهٔ ملیهٔ اسلامیه‌نمودند درحال‌صحت نفس‌وثبات عقل‌وجوازتصرف عالمهٌ وعامدهٌ بلاشائبة‌الجبروالکراهة عفت‌وعصمت‌پناهان‌خدارت‌وطهارت‌دستگاهان بی‌بی زینب صبیهٔ مرحوم محمدابراهیم‌ابن مرحوم کربلائی نصیر و ربابه‌خانم‌بنت مرحوم عبدالله کربلائی نصیربعالیجناب زبدة‌الاطیاب سلالة‌السادات العظام آقاسید حسین خلف‌الصدق مرحمت‌مآب آقا سیداحمد خالو همگی وتمامی کل ششدانگ‌از یکباب خانه واقعه درمحلهٔ‌میدان راکه موروثی‌مشارالیهما است ودرخارج‌مشخص و معین است واطراف اربعهٔ آن اتصال دارد باین اطراف اربعه‌که شرقاً اتصال دارد بخانهٔ ورثهٔ مرحوم حاجی‌محمدمهدی وغرباً‌پیوسته است بخانهٔ مرحمت‌وغفران‌پناه آقا اسدالله‌الموسوی المفیدی و خانهٔ تجارت دستگاه ملا محمدیوسف سرکلاتهٔ و جنوباًاتصال دارد به‌شارع‌خاص که محاذی‌ومقابل است باوطاق وخانهٔ مرحوم‌مبرور حاجی میرموسی‌ابن مرحوم جنت‌مکان آقا ابوجعفرالموسوی‌المفیدی وشمالاً وصل است بباغچهٔ ورثهٔ مرحوم حاجی محمدمهدی مزبور بانضمام‌کافهٔ متعلقات شرعیه و منضمات عرفیهٔ آن من‌الممر والمدخل و الحیاض والانهار والاشجار ومما‌اغلق‌علیها

بابها واحاط‌بها جدرانها من تخوم‌الارض‌الی عنان‌السماء کــه تمامت چهار دانگ و الاربع یکدانگ متعلق و ملك بی‌بی‌زینب مشار الیها بوده و تمامی دو دانگ و ربع یکدانگ ازخانهٔ ملك ربابه خانم مزبوره بوده ببدل‌الصلح معین‌مشخص مبلغ یك‌ـ صدوچهل‌تومان وجه نقدریال‌فضی‌ناصر الدین‌شاهی هرریالی وزناً‌بیست شش‌نخودو مصطلح معزی‌الیه قبول مصالحه بنهج مسطور نمود ثم بعـد ذلك قبض و اقبـاض و تسلیم و تسلم دربدلین مسطورین‌واقـع‌گردید و مصالحتان مزبورتان تخلیهٔ ید از عین مصطلح علیها نمودند ومصطلح مرقوم تصرف مالکانه ومنضم بسایر رقبات‌خودنمود له‌التصرف‌فیهاکتصرف الملاك فـی‌املاکهم و ذوی‌الحقوق فـی‌حقوقهم متی‌شاء و کیف‌شاء و اسقاط کافهٔ‌خیارات از طرفین نمودند سیماخیارالغبن وغبن‌الغبن‌ولوکان فاحشاً بل‌افحش بلغ‌مابلغ ولـوبمدارج العالیه و مصالحتان مشارالیهما ضامنهٔ درك گردیدندکه عندظهور عین مصطلحه کلاً اوبعضاً عیناً اممنفعتاً مستحقة للغیر از عهدهٔ جمیع غرامات‌وارده‌برمصطلح برآیند وصیغهٔ مصالحهٔ جامعهٔ جمیع‌شرائط‌وارکان‌و خالیه از عموم خلل و بطلان بقـانون شرع مطاع سمت جریـان پـذیرفت ولایخفی که عفت‌پناهان فاطمه‌خانم صبیهٔ مرحوم حاجی‌حیدر والدهٔ بی‌بی‌زینب مومی‌الیها و طاووس‌خانم صبیهٔ آقاعلی کاشی بنت‌مشارالیها و بی‌بی‌شهربانوصبیهٔ مرحوم محمدـ ابراهیم کربلائی نصیر زوجهٔ دائمهٔ مصطلح مذکور همشیرهٔ بی‌بی‌زینب مزبوره در زمان اجراء صیغهٔ صلح مزبور در مجلس عقد حاضره بودنـد و معاملهٔ مسطوره را روماً‌للاحتیاط امضاء و اجازه نمودند و نیز درضمن عقدصلح مزبور اسقاط توریه و توریهٔ درتوریه بلغ‌مابلغ نمودند یعنی مصالحتان اسقاط توریه بنحومذکورنمودند.

وکان وقوع ذلك فی‌ثانی شهر جمادی‌الثانیه من‌شهور سنة ۱۲۹۱.

[جای مهر][1]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «محمد طاهر الحسینی ۱۲۷۹».

[برحواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

هو المستعان

وقع جمیع مارقم فیه من المتن و الهامش لدی الخاطی فی ۴ جمادی الأخری ۱۲۹۱.
[جای مهر][1]
وقع مارقم فی المتن و الهامش لدی الآثم فی التاریخ المذکور فیه. [جای مهر][2]
اعترفن بالمراتب المسطورة فی الورقة من البدایة الی النهایة لدی فی ۶ جمادی الاخری.
[جای مهر][3]
بی بی زینب و فاطمه خانم و ربابه اعترفن بمافیه الی النهایة فی الثانی من شهر جمادی الآخرة من شهور سنة ۱۲۹۱. [جای مهر][4]

بسم الله الرحمن الرحیم

بی بی زینب و فاطمه خانم و ربابه اعترفن بمافیه الی النهایه فی ۶ من شهر جمادی الآخرة من شهور سنة ۱۲۹۱. [جای مهر][5]
بی بی زینت و فاطمه خانم و ربابه اعتراف بمراتب مسطوره نمودند حرره الاقل الراجی فی ۶ شهر جمادی الثانیه من ۱۲۹۱ . [جای مهر][6]

---

۱ – مهری بیضی با سجع : «محمدطاهر الحسینی ۱۲۷۹ ». ۲– مهری چهار– گوشه باسجع: «محمدحسین ابن عباسعلی» . ۳– مهری کوچك بیضی باسجع: «محمد– زکی ». ۴– مهری بیضی با سجع : «عبده محمدصادق العقیلی». ۵– مهری بیضی باسجع : «محمدعلی ابن موسی». ۶– مهری بیضی باسجع : « محمدحسن الموسوی . »

۳۵

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۱ هـ . ق .

در این سند شرف‌نسا خانم وکالت به‌خلیل‌خان شوهر خود داده است که حصهٔ خود را از گرجی محله سادات و دنگلان میرزینل وحق حفرقنات زمان‌کش وشرف‌باغ واترك‌چال و خانه و اطاق شهر که عبارت از یك سهم از پانزده سهم از دوثلث حصه ورسدی مرحوم حاجی‌مصطفی‌خان است به مال‌المصالحه مبلغ سی وچهار تومان به حاجی آقا محمدحسن مفیدی موسوی مصالحه کند .

غرض از تحریر این صحیفهٔ صحت ترجمه آنکه چون زوجهٔ بودهٔ مرحوم حاجی مصطفی‌خان کیای کردمحلی عصمت‌وعفت‌پناه شرف‌نسا خوانم دخترمرحوم‌مصطفی‌قلی آقای قاجار که بالفعل زوجهٔ دائمهٔ عالیجاه رفیع‌جایگاه خلیل‌خان یانسری است بواسطهٔ فوت یك‌نفر دختری که از آن مرحوم داشت‌گردید از جملهٔ ورثهٔ آن‌مرحوم لهذا عالیجاه خلیل‌خان شوهر فعلیهٔ آن مخدره بوکالت محققه از او مصالحهٔ صریحهٔ شرعیهٔ مشتمله‌بجمیع‌شرایط وارکان‌وخالیه ازعموم خلل‌وبطلان‌نمود بجناب مستطاب سلالةالسادات الأطیاب خیرالحاج حاجی آقا محمدحسن‌المفیدی الموسوی همگی‌و تمامی سهم وحصهٔ زوجهٔ موکلهٔ شرف‌نسا خوانم را ازگرجی‌محلهٔ سادات ودنگلان میرزینل وحق‌الحفری‌قنات زمان‌کش واقعه درقریهٔ دنگلان وشرف‌باغ واترك‌چال و خانه و اوطاق شهر متصلتین بیکدیگر از قرار تشخیص در خارج که عبارت است از یك‌سهم ازپانزده‌سهم از دوثلث ازتمامت حصه‌ورسدی‌مرحوم حاجی‌مصطفی‌خان از املاك خارجهٔ شهر با جمیع توابع شرعیه و منضمات عرفیه از مزارع ومراتع و قنوات دائره وبائره ومجری‌المیاه وجنگلستان وتوتستان وملیارستان ومحل‌خانقاهیة

از قری وحیاض وانهار واشجار و عمارات و بیوتات تحتانی و فوقانی از خانه و اوطاق شهر واقعهٔ درمحلهٔمیدان درگذردوچناران که ازغایت شهرت بی‌نیازازتحدیدو توصیفند بمال‌المصالحه مبلغ سی و چهار تومان وجه نقد ریالی رواجی معروف به بیست وشش‌نخودی و شرط گردید سقوط و اسقاط کافهٔ خیارات از طرفین سیما خیار الغبن‌وغبن‌الغبن و لوکان فاحشاً بل‌افحش ولو بمدارج‌العالیه وجناب حاجی آقای‌معظم نیز قبول صلح مزبور برنهج مرقوم فرمود و بعدذلك عالیجاه‌خان معزی‌الیه‌بـو کالة محققه از آن‌مخدره قبض‌واقباض‌دربدلین‌مرقومین‌را مباشرت‌نمودند وتقابض‌صورت تحقق ووقوع گرفت پس‌بوقوع عقدواخذنقدگردید حصص وسهام مستورهٔ مسطوره از املاك مفصله از قرار تشخیص متن و خارجی ملك طلق حاجی آقای معظم واورا است انحاء تصرفات شرعیة وعرفیة وحسب شرط درضمن عقد خارج واقع ضمانت شرعیهٔ درك‌اعیان مصطلحه وتوابع آنهابرعهدهٔ عالیجاه خلیل‌خان‌است که‌عندخروجها مستحقة للغیر کلاً او بعضاً عیناً امْ‌منفعةً ازعهدهٔ غرامات وارده برآید.

وکان ذلك بتاریخ بیست‌وچهارم شهر ذی‌القعدة من‌سنة ۱۲۹۱.

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

حقیر جمعی ازموثقین را فرستادم نزد شرف‌نساخانم المزبوره فی‌المتن‌صبیهٔ مرحوم مصطفی‌قلی آقای‌قاجار وجویا شدند ازاواعتراف بوکالت عالیجاه خلیل‌خان‌مذکور درفقرهٔ مسطوره نموده لذا شبهه‌وریبی نیست در وقوع مراتب مزبوره و اشکالی در وقوع صلح مذکور از عالیجاه مزبور نیست حرره‌الاقل فی عاشرشهر ذی‌الحجة ۱۲۹۱ . [جای مهر][2]

۱ـ مهری‌چهارگوشه باسجعی‌ناخوانا.

۲ـ مهری‌بیضی کوچك باسجع: «محمد‌طاهر الحسینی».

اقر واعترف مازبر فیه‌لدی. [جای مهر][۱]

اقرار نمود آنچه نوشته شد صحیح است. [جای دومهر][۲]

قد وقع جمیع مارقم فیه‌لدی الآثم فی‌التاریخ. [جای دومهر][۳]

اقر ما زبر فیه لدی. [جای مهر][۴]

اقرواعترف مازبرفیه‌لدی. [جای مهر][۵]

قد وقع مارقم فیه لدی الآثم فی‌التاریخ . [جای مهر][۶]

اقرت و اعترفت بمارقم وزبرفیه لدی الجانی. [جای مهر][۷]

۱ ـ مهری چهارگوشه با خط طغرا که کلمه «العبد اسمعیل» بر آن‌خوانده می‌شود .

۲ـ مهری بیضی‌باخط طغرا باسجع: «نصیر الدین» ومهری بیضی کوچك باسجع: «عبده‌شریف».

۳ـ مهری بیضی با سجع : « عبده‌الراجی علی‌اصغر » و مهری بیضی‌کوچك با سجع: «یاعلی ادرکنی». ۴ـ مهری گرد کوچك باسجع: «عبده‌حسین‌الحسینی». ۵ـ مهری‌بیضی باسجع: «رحیم‌الحسینی ». ۶ـ‌مهری‌بیضی باسجع«یا اباالقاسم ادرکنی». ۷ـ مهری بیضی با سجع : « محمدمؤمن الموسوی » .

۳۶

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۲ هـ . ق .

دراین سندآقابزرگ وآقامحمد از سادات شیرنگی ازجمله‌شرکاء موقوف‌علیهم قریهٔ موقوفهٔ مرزبانکلاته یعنی آقا میرمحمدعلی و آقا سید اسماعیل و آقا سید جـواد وسایـر سادات درازگیسو و بیست‌و چهارقسمت ازاراضی موقوفهٔ چوپلانی را به دوازده‌خروار شالی قبول مصالحه‌کرده‌اند .

قبول مصالحـهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ شرطیه نمودند سلالـةالسادات العظامان آقابـزرگ خلفمرحوم آقا سید احمد الحسینی شیرنگی وآقامحمدا خلفمرحـوم آقاسید محمد شیرنگی که‌ازجملهٔ شرکاءِ موقوف‌علیهم قریهٔ موقوفهٔ مرزبانکلاته هستند از سلالةـ الاطیابان العظامان‌الکرامان جناب‌آقا میرمحمدعلی و آقاسیداسمعیل و آقاسیدجواد و از سایر سادات درازگیسو موقوف علیهم قریهٔ موقوفهٔ چوپلانی منافع مدت یکسنه مساحت بیست‌چهار قسمت زمین از اراضی موقوفهٔ چوپلانی راکه عبارت از یـك محصول‌شالی بوده باشد به‌مال‌المصالحه موازی ومقداردوازده خروار شالی‌سرده‌ـ کردهٔ دهقان‌پسند خوب بوزن بلدهٔ استراباد و شرط درضمن عقدآنکه بدل‌المصالحه را هم تا آخرقوس در قریهٔ موقوفهٔ موصوفهٔ چـوپلانی بـالمناصفه تسلیم نمایند و شرط دیگر آنکه اگر چنانا در اراضی مزبوره زیاد از مساحت مسطوره زرع‌نمایند از قرار قسمت بیست من مالیه بـدهند وهـرگاه‌کمتر از اراضی مسطوره نیز زرع نمایند همان دوازده خروار را بدهند و مبدء اراضی مذکوره هم مرزسفیدداراست و

شرقی آن متصل است بداریکاب و غربی آن اتصال دارد به‌مجرای آب دیوان صیغه جاریشد.

بتاریخ بیستم شهر صفرالمظفر ۱۲۹۲ .

[برحاشیهٔ بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است :]

قد وقعت المصالحة الشرعیه من البدایة الی النهایة لدی الاحقـر الآثم .

[جای مهر][1]

وقـــع جمیع مارقــم فیه من البـدو الـی الختم لـدی الاحقـر الآثم .

[جای‌مهر][2]

۱ــ مهر بیضی بزرگ باسجع : « عبده‌الراجی محمدعلی » . ۲ــ مهری هشت‌ـ گوشه باسجع: «اللهم صل‌علی محمد وآل محمد».

۳۷

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۳ هـ . ق.

دراین سند شاهزاده جهانسوز میرزا امیرتومان جمیع منافع سه سالـهٔ قمری تمامت سه برن یك طسوج الاثلث نیم طسوج آب از مجاری قنوات سه گانه واقعه درشاهرود به نام قنات جلالی و قنات ده وقنات عین‌الحسنی وهمچنین منافع سه سالهٔ تمامت سه طسوج‌و دو سهم از دوازده سهم از نیم برن آب از مجاری قنوات مزبوره را ازساره‌خانم‌وراضیه‌خانم به مال‌المصالحه مبلغ چهارده تومان و چهار هزاروجه ریالی‌فضی وزناً بیست وشش نخودی قبول‌مصالحه کرده است .

جناب مستطاب اشرف امجدارفع‌والا
جهـان‌سوز میـرزا مـدظلـةالعالـی

قبول مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ ملیهٔ اسلامیه فرمودند سرکار نواب مستطاب اشـرف امجدارفع والاشاهزاده امیرتومان دام شوکته ازعالیجنابان مستطابان زبدتاالاعاظم والاشراف آقائی آقا محمدحسن و آقا یحیی خلفان مرحمت مآبان خلدنصابان آقا محمدکریم وآقا سیدعلی‌الموسوی‌المفیدی الاسترابادی طاب‌ثراهما اصالةً ازخودو وکالةً از سایر آقایان شرکاء که‌در خارج معلومند جمیع منافع‌سه‌سالهٔ قمری‌تمامت سه‌برن یکطسوج الاثلث نیمطسوج آب ازمجاری‌قنوات ثلثه واقعه درشاهرود راکه معروف ومسماشد به قنات‌جلالی و قنات ده و قنات‌عین‌الحسنی و نیز قبول‌مصالحه نمودند ازعفت‌پناهان خدارت دستگاهان ساره‌خانم وراضیه‌خانم‌صبیتان مرحوم‌میرزا حسین‌آقا جمیع منافع سه‌سالهٔ‌قمری تمامت سه‌طسوج ودوسهم از دوازده سهم‌ازنیم

برن آب از مجاری قنوات مزبوره به‌مال‌المصالحه مبلغ چهارده‌تومان چهارهزاروجه رایج خزانهٔ عامره فضی هرریالی وزناً بیست‌شش نخود مشروط ومقرر درضمن‌عقد آنکه بدل‌المصالحه سال‌اول رادربدوسنه که اول‌مدت‌است مطابق تاریخ ذیل ورقه و بدل‌المصالحهٔ سال ثانی وثالث را در هرسالی‌ده‌یوم قبل از محرم همان سال بتوسط ملازمان سامی زیداجلاله‌العالی بمصالحین مومی‌الیهم هر که بقدرسهم تسلیم‌فرمایند توضیح آنکه در صورتیکه در ظرف مدت سه‌سال خدا نخواسته نوعی شود که‌عمل بشرط‌نفرمایند ازبرای‌مصالحین‌خیارفسخ‌ثابت‌است و نیزشرط دیگر آنکه صادریات‌و عوارضات دیوانی ومخارج قنوات کائنا ماکان برعهدهٔ حضرت والا دام‌اقباله‌العالی بوده باشد ولایخفی که سهم آقایان معزی‌الیهما باشرکاء ازبدل‌المصالحه مبلغ‌یازده تومان چهار هزار هر سالی سه تومان هشت هزار وسهم عفت‌پناهان مسطورتان مبلغ سه تومان موصوف می‌شود وصیغهٔ مصالحهٔ جامعةللشروط سمت وقوع یافت .

بتاریخ پانزدهم شهر رمضان المبارك من‌شهور العربیة سنهٔ ۱۲۹۳ مطابق سنهٔ سیچقان‌ئیل .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالای‌این‌سند مطالب زیرنوشته شده است:]

قدوقع بمارقم فیه‌لدی. [جای مهر][2]

قدجرت صیغةالصلح المسطور بمحضری حرر.... [جای مهر][3]

۱ــ مهری بیضی با خط طغرا باسجع: «جهانسوز». ۲ــ مهری بیضی باسجع: «یا هادی‌المضلین ». ۳ــ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدصادق العقیلی ».

۳۸

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۴ هـ . ق .

دراین سند راقم حروف حسنعلی موسوی حصه و سهم خود را از قریهٔ گرجی محله و دنگلان میرزائی و میر زینل به مال المصالحه مبلغ پنجاه تومان وجه ریالی ناصرالدین‌شاهی بیست‌وشش نخودی به حاجی محمدحسن موسوی مصالحه کرده است .

غرض از تحریر این الفاظ و عبارات واضحةالمراد و تسطیر این ورقهٔ صدق مفاد آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیه نمود بالطوع والرغبة وبلاکراه والاجبار درحال صحت‌نفس وجوازتصرف راقم حروف‌حسنعلی الموسوی بعالیجناب سلالةالسادات العظام الکرام اشرف الحاج والمعتمرین آقائی حاجی آقا محمدحسن الموسوی المفیدی تمامت حصه وسهمی خودرا ازقریهٔ‌گرجی‌محله ودنگلان میرزائی ومیرزینل باکافهٔ ملحقات وجمیع منضمات‌آن ازمزارع‌ومراتع واراضی‌عامره وغامره وقنوات دائره وبائره وآدش‌روئه وتوتستان و انارستان وآبدنگ وآسیا ومقرخانقاهیه من‌غیر استثناء بحیث ذکرام لم یذکروسطرام لم‌یسطرو بالجمله ازآنچه ملکیت را سزد و شاید ونفع‌توان‌بردببدل‌المصالحهٔ معین‌مبلغ پنجاه‌تومان وجه ریالی‌ناصرالدین‌شاهی ۲۶ نخودی‌قبض واقباض‌تسلیم وتسلم دربدلین مزبورین‌وقوع‌یافته ومصالح تخلیهٔ‌ید ازاعیان‌مصطلحه‌نموده وبتصرف‌جناب‌مصطلح‌معظم‌الیه بداد اوراست‌انحاء تصرفات مالکانه‌متی‌شاء وکیف‌شاءبالخیروالبرکات‌وطرفین‌سقوط واسقاط‌کافهٔ دعاوی‌وخیارات سیماخیارالغبن‌والغبن‌فی‌الغبن‌ولوبمدارج‌العالیه نموده‌اند ومصالح ضامن درك‌شرعی

گردید که عند خروج الغبن مستحقة للغیر کلاً اوبعضاً عیناً امٔمنفعةً از عهده برآید.

وکان وقوع الواقعة المیمونه‌فی بیست‌وپنجم
شهر رجب المرجب من شهور ۱۲۹۴ .
[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]
قدوقع مارقم من‌الصلح والضمان واخذالبدل و اسقاط الخیارات‌لدی الجانی .
[جای مهر][2]

جناب‌آقا اعتراف بمراتب مسطوره نمود. [جای‌مهر][3]
قداعترف جناب المصالح المعظم‌الیه بمارقم‌فیه لدی. [جای‌مهر][4]
وقع مارقم من‌الصلح و اخذالبدل والضمان و اسقاط الخیارات لدی الاقل .
[جای دومهر][5]

اعترف المصالح المعظم‌الیه بمارقم فیه‌لدی. [جای مهر][6]
اقر واعترف بمافیه لدی الآثم. [جای مهر][7]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده حسنعلی الموسوی» . ۲ـ مهری بیضی باسجع : «عبده صدرالدین الموسوی». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده ناصرالدین الموسوی». ۴ـ مهری‌بیضی با سجع: «عبده‌الراجی‌علی‌الموسوی۱۲۹۲». ۵ـ مهری بیضی‌باسجع: « عبده محمد زمان الموسوی » و مهری چهار گوشه با سجع: « نظام‌الدین‌الموسوی ». ۶ـ مهری‌بیضی‌باسجع: «عبده حسن‌الموسوی». ۷ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده‌الراجی علی‌اصغر».

۳۹

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۷ هـ . ق .

در این سند محمدباقر آقا و هادی آقا ورقیه خانم و ربابه خانم اخلاف حاجی محمدحسن آقا قاجار و فاطمه بی‌بی‌خانم صبیهٔ علی‌نقی آقای قاجار تمامی و جملگی چهارسهم از نه‌سهم و نیم از نیمدانگ از یك دانگ از چهاردانگ از قریهٔ اتراچال را با توابع به کربلائی رحیم‌خان خلف جعفرقلی‌خان قاجار به مبلغ سی تومان وجه ریال فضی رواج سلطانی مصالحه کرده‌اند.

بسم‌الله‌خیرالاسماء والصلوة والسلام علی‌محمد و آل‌محمد
خیرالانبیاء و لعنت‌الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم‌الدین

باعث برتحریر این ورقهٔ صدق ترجمه آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ لازمهٔ جازمه نمودند بالطوع والرغبة والاختیار بدون شائبهٔ اکراه و اجبار در حال صحت نفس و ثبات‌عقل لابالخلل والنقصان عالیشانان عزت نشانان محمدباقر آقا وهادی آقاو عفت پناهان رقیه خانم وربابه خانم وهم اخلاف مرحوم مبرور حاجی‌محمدحسن آقا یاغچی قاجار وعفت پناه فاطمه بی‌بی‌خانم صبیهٔ عالیشان علی‌نقی آقا قاجار که خلیفهٔ شوهرش مهدی‌آقا بن‌مرحوم حاجی محمدحسن آقا حسب‌الارث متوفـی شهربانو بود بعالیجاه عزت‌وسعادت همراه خیرالزائرین کربلائی‌رحیم‌خان خلف مرحمتمآب فردوس ایاب جعفرقلی‌خـان قاجار تمامت و جملگی چهـار سهم از نه سهم نیم از نیمدانگـ از یکدانگ از چهـار دانگـ از قریهٔ معـروفهٔ اتراچال من‌قـرای شهر استراباد با جمیع توابع و لواحق‌شرعیه و عرفیهٔ آن از قنوات دائره‌وبائره واراضی عامره وغامره وجبال وتلال و مزارع و مراتع وجناکل ومحل خانقاهه وکلما یتعلق بهامن‌القلیل و الکثیر والنقیر والقطمیر سمی‌ام‌لم‌یسم وذکرام‌لم یذکر کـه این‌چهار

سهم مذکور مابین مشارالیهم که برادر وخواهر ابی‌وامی باشند للذکرمثل‌حظ‌الانثیین است ببدل‌المصالحهٔ معین مشخص معلوم‌القدر والوصف سی‌تومان وجه ریال فضی رواج سلطانی مقبوض مرفوعی فی مجلس المصالحه مع‌شرط سقوط کافهٔ خیارات من‌الموجبین والقابل لاسیماخیارالغبن و عین الغبن ولوکان فاحشاً بل افحش سمت وقوع و تحقق‌پذیرفت و تسلیم و تسلم‌دربدلین‌مزبورین‌نسبت‌به‌سهم‌هریك ازمصالحین‌و مصطلح علی‌قدرسهمهم وحصصهم که در خارج معین و مشخص است واقع شد و مصالحین تخلیهٔ‌ید از عین مصطلحه نمودند بتصرف مصطلح مزبور دادند و او نیز تصرف نموده بسایر املاك ورقبات خود ملحق‌گردانید وله‌التصرف فیها بالخیر والبرکات و ضمانت عین مصطلحه عندخروجها مستحقاً للغیرکلاً او بعضاً عیناً او منفعهً برعهدهٔ مصالحین مرقومین‌است که هریك بقدرسهم خود ازعهده‌برآیند وصیغهٔ مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیه مرقوم بالوکالة الشفاهیه از مصالحین ومصطلح واقع شد .

فی‌هفدهم شهر صفرالمظفر ۱۲۹۷.

[بربالای این سند مطالب زیر است:]

بسم‌الله‌تعالی‌عزاسمه

قد وقعت المصالحة المرقومة المیمونة المشتملة علی‌الشرائط المسطورة مع قبض البدل‌لدی الاحقر فی ۱۷ شهر صفرالمظفر ۱۲۹۷. [جای مهر][1]

مراتب مزبوره واقع شد. [جای مهر][2]

واقع شد. [جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده محمد تقی». ۲ـ مهری بیضی با سجع : «عبده جعفرقلی». ۳ـ مهری کوچك بیضی با نام «آقاخان».

واقع شد. [جای سه مهر][1]

۴۰

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۷ هـ . ق .

دراین سند ملك محمدحسین سید میرانی همگی و تمامی یك ربع از یك مزرعهٔ لتری مجری‌المیاه رود دهنهٔ شصت کلاته از هفت مزرعه‌و نیم حقابهٔ یالو به‌انضمام ملك وقریهٔ یالو را به‌قدریك ربع آب مذکور به‌مال‌المصالحه مبلغ یکصد تومان وجه ریال فضی ناصرالدین‌شاهی به‌آقا محسن موسوی مفیدی مصالحه‌کرده است .

هوالمالك بالاستحقاق

بعدالحمد والتصلیه

غرض از تحریر این کلمات شرعیة‌الدلالات واضحة البیانات بیان این مرام است که مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ جزمیهٔ ملیهٔ اسلامیهٔ جامعه‌برجمیع‌شرائط‌وارکان‌و خالیه از عموم خلل و بطلان نمود عالیشان ملك محمدحسین سیدمیرانی بعالیجناب مستطاب قدوس‌انتساب‌افتخارالاعیان زبدة‌الاکابروالاعاظم‌والارکان‌اشرف‌السادات‌و مجمع السعادات ملجاء الحاج والمعتمرین آقا حاجی آقا علی‌محمد سلمه‌الله تعالی خلف مرحمت‌وغفران‌پناه علیین‌آرامگاه آقا آقامحسن‌الموسوی‌المفیدی طاب‌ثراه و جعل‌الجنة مثواه همگی وتمامی یکربع از یك مزرعهٔ لتری‌ازمجری‌المیاه رود دهنهٔ شصت‌کلاته از هفت مزرعه نیم حقابهٔ یالو با انضمام ملك و قریهٔ یالو که منسوب و متعلق است بآب مزبور بقدر یك ربع مسطور که در خارج مشخص و معلوم و از

۱ ـ مهری چهارگوشه با سجع : « عبده محمدحسن » ومهری چهارگوشه با سجع : « یا شاه‌نجف » و مهری بیضی ناخوانا .

غایت شهرت و تفرد اسم‌مستغنی از تحدید و توصیف است مع‌جمیع توابعهاالشرعیه والعرفیه والعادیه از مراتــع و مزارع رطبه و یابسه و جناکل وصحاری و اراضــی عامره وغیر عامره وتلال وجبال وغیرها از آنچه ملکیت را سزد و شاید ونفع توان برد کائنة ماکانت من‌دون استثناء شیء ببدل‌الصلح معین مشخص مبلغ یکصد تومان وجه ریال فضی ناصرالدین‌شاهی معروف به بیست وشش نخود که نصفه بیاناً لــه و توضیحاً ایاه مبلغ پنجاه تومان وجه موصوف است مصطلح معزی‌الیه دام‌عزه قبول مصالحه بنهج‌مسطور نمود ثم بعدذلك قبض واقباض وتسلیم وتسلم دربدلین‌مسطورین واقع‌گردید مصالح مزبورتخلیهٔ ید نمود مصطلح معظم‌الیه زید عمره تصرف مالکانه و منضم بسایر رقبات خــود ساخت له‌التصرف فیها کتصرف‌الملاك فی املاکهم و ذوی‌الحقوق فی حقوقهم متی شاءها وکیف شاءها وانی شاءها و اسقاط‌کافهٔ خیارات ازطرفین‌نمودند سیما خیارالغبن والغبن فی‌الغبن ولو کان فاحشاً‌بل‌افحش بلغ مابلغ ولو بمدارج العالیه و ضمانة درك شرعــی عند ظهور عین مصطلحه‌کلاً اوبعضاً عیناً اممنفعةً برعهدهٔ مصالح مومی‌الیه است صیغهٔ مصالحهٔ‌صحیحهٔ شرعیه بوکالهٔ شفاهیهٔ حضوریه از طرفین سمت جریــان پذیرفت بالخیر والبرکات این چند سطر برسبیل قباله‌نامچه قلمی‌گردید.

کان وقوع ذلك فی‌ثانی‌عشرین شهر ربیع‌الثانی من شهور سنة ۱۲۹۷.

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع جمیع مارقم‌فیه‌لدی الآثم. [جای مهر][۱]

وقع جمیع مارقم وزبرفیه‌لدی الاحقر فی‌التاریخ المذکور فیه وانا الآثم الخاطی محمدطاهرالحسینی. [جای مهر][۲]

۱ــ مهری بیضی‌باسجع: «محمدحسین ابن عباسعلی». ۲ــ مهری بیضی کوچك باسجع: «محمدطاهر الحسینی».

قد وقع مارقم فیه‌لدی الاقل. [جای مهر][1]

در مجلس وقوع حاضر بودم میرزا عابدین شبیه‌ساز . [جای مهر][2]

۴۱

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۷ هـ . ق .

دراین سند مریم بیگم صبیهٔ آقا محمدمحسن شیخ الاسلام تمامت نصف از سهام ازاملاك داخل شهر و بیرون شهر را به مال‌المصالحه مبلغ یکهزار دینار ریال ناصرالدین شاهی بیست و شش نخودی به دخترش کلثوم بیگم زوجهٔ هدایت‌الله موسوی مفیدی مصالحه کرده است.

غرض از تحریر این الفاظ و عبارات واضحة‌المراد وتسطیر این ورقهٔ صدق‌مفاد آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ صریحهٔ شرعیهٔ منجزه نمود در حال صحت نفس وجواز تصرف علیا جناب خدارت و طهارت‌مآب زبدة‌المخدرات کر بلائیه مریم‌بیگم صبیهٔ مرحمت وغفران‌پناه رضوان جایگاه خلدآشیان آقائی آقا محمدمحسن شیخ‌الاسلام اعلی‌الله مقامه‌العالی بصبیهٔ مرضیه‌اش عفت وعصمت‌پناه کلثوم بیگم زوجهٔ مکرمهٔ عالیجناب سلالة‌السادات العظام الکرام آقا هدایت‌الله الموسوی المفیدی تمامت نصف از سهام از املاك داخل شهر و بیرون شهررا از املاك مفصلهٔ ذیل از دکاکین که واقعات‌اند درراسته‌بازارکهنه ومشترکه است فیمابین مشارالیها وورثهٔ مرحوم حاجی آقا محمدشاه محمد

بـــــــــــــــــا بـــــــــــــــــت

نیمدانگ از یکدانگ ازکل ششدانگ از هریك از دودرب دکان که یکی مسکونهٔ

1 ــ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «عبده عبدالجواد» . 2 ــ مهری بیضی کوچك باسجع : «یا امام زین‌العابدین» .

زین‌العابدین و دیگر مسکونهٔ کربلائی مهدی است و از دکاکین دیگر نصف ازیك سدس ازدودانگ ازکل‌ششدانگ ازسه‌درب دکان‌که ایضاً مشترکه است بینهما ودر خارج معین‌اند

ونیمدانگ ازیکدانگ‌ازکل ششدانگ از ملیار واقعه در جنب‌گذر مقبره کـه ایضاً مشترکه است فیمابین کـربلائیهٔ مزبوره و ورثهٔ حاجی آقا محمد

و یکدانگ‌ونیم از سـه‌دانگ از کـل ششدانگ‌از قطعه‌زمین‌واقعه درخارج دروازهٔ چهل‌دختران کـه شرقیاً اتصال دارد بزمین جناب آقا صدرالـدین و غربیاً متصل‌است بزمین‌حاجی‌محمد‌ صادق

ونصف‌ازسهمی‌حمام بزرگ وکوچك حمام کاسه‌گران

و نیمدانگ از یکدانگ از کل ششدانگ از یکباب خانهٔواقعه درگذر مقبره‌که ایضاً مشترکه است فیمابین مشارالیهما

و نصف از سدس از سه‌دانگ از کل‌شش دانگ‌ازهریك‌ازاملاك واشیاء که‌واقعتان‌اند در خارج دروازهٔ بسطام کـه مشترکه است ایضاًفیمابین‌ورثهٔ‌حاجی آقا محمد وکربلائیهٔ مزبوره کـه مشهورتان‌اند به‌آبدنگ و آسیاء پای چنار و سه دانگ از هریك ازمال ورثهٔ حاجی باباخان قاجار است

و دکان متصلهٔ بحمام بزرگ کـه ازردی سی تومان و دو هزار و پنجشاهی وجـه اجاره میشود

باکافهٔ ملحقات شرعیه ومنضمات عرفیه هریك ازاملاك مفصلهٔ فوق‌کائناًماکانت من‌غیر استثناء شیء من‌المتعلقات ببدل‌المصالحه مبلغ یکهزار دینار ریالی ناصرالدین‌شاهی

۲۶ نخودی قبض و اقباض تسلیم و تسلم در بدلین مزبورین واقع گردید و مصالحهٔ معظم الیها تخلیهٔید از اعیان مصطلحه نمود و بتصرف مصطلحهٔ مزبوره بداد او راست انحاء تصرفات مالکانه متی‌شائت و کیف شائت کتصرف الملاك فی املاکهم وذوی‌الحقوق فی‌حقوقهم وسقوط واسقاط کافهٔ دعاوی وخیارات ازطرفین سیما خیار الغبن والغبن فی الغبن ولو کان بمدارج العالیه گردید وصیغهٔ مصالحه حسب المسطور جاری و صورت تحقق پذیرفت .

وکان وقوع ذلك فی‌عشر آخر ذیقعدة‌الحرام من شهور العربیة سنة ۱۲۹۷ .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالاوسمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

لایخفی که سهام ورثهٔ مرحوم آقا محمدبن مرحوم آقاهدایت‌الله از قطعه زمین واقعه درجنب درب وازچهل دختروقاضی‌باغ وکرپان‌وباکرمحله وآسیا وآبدنگ موروثی آقای مرحوم آقا محمد بالغاًمابلغ نقل شرعی‌شد به جناب آقا محمدتقی‌الشهیر بآقا بزرگ خلف مرحوم حاجی سید مفید طاب‌ثراه ببدل معین مقبوض بتاریخ هجدهم ۱۸ شهر شعبان‌المعظم ۱۳۶۷ . [جای مهر][2]

قد وقع مارقم فیه لدی فی‌التاریخ. [جای دومهر][3]

مصالحهٔ مزبوره تمامت املاك بیرون شهر ودرون شهر یعنی هرقدر را که مالکه بود درتاریخ ذیل نقل‌شرعی‌نمود بولدخود اشرف‌الانجاب‌حاج آقا محمدحسن‌وصبیه‌اش کلثوم المسطوره بطریق‌تنصیف که نصف تمامت آنها ... آقای سابق‌الذکر و نصف دیگر ملك و ... همشیرهٔ آقا ... مصالحه و قبض بدل‌الصلح تحقق یافت حررته

۱ــ مهری بیضی‌باسجع: «امت مریم‌الموسوی ۱۲۶۳». ۲ــ مهری گرد با سجع: «صدرالدین الموسوی ». ۳ــ هردو مهر بیضی بـا سجع : « عبده یحیی الموسوی ».

فی‌شهر صفر من‌شهور ۱۲۹۸. [جای مهر][1]
صحیح لاشبهة فی‌وقوعه حررته فی۳ شهرذی‌القعدةالحرام ۱۳۰۰. [جای مهر][2]
وقع جمیع مازبرورقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی‌الفانی. [جای مهر][3]
وقع مازبر ورقم فیه‌لدی الجانی. [جای دومهر][4]

۴۲

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۹ هـ . ق .

دراین سندآقا محمدباقر خلف‌آقا محمدرضا هزار جریبی تمـامی حقوق ودعاوی محققهٔ دوفرزند صغیرخودرا به‌مال‌المصالحه‌مقدار دو قسمت مزرعهٔ شلتوکی ازبیست‌و پنج قسمت از مزارع کارکنده‌و باغ‌ومصالحه‌کردکه ازآقاسعدالدین کارکندی بگیرد و درآن زرع شلتوك نماید .

غرض ازتسطیراین‌سطورشرعیه آن‌است که عالیجاه آقامحمدباقرولدارجمندعالیجاه عزت همراه‌کربلائی‌آقا محمدرضا کشی هزارجریبی ساکن قریهٔ کارکنده بـوکالة شرعیه ازجانب دو ولد ذکور واناث خودکه فعلاً صغیرند و ازمرحومهٔ زوجـه‌اش صبیهٔ مرحـوم آقا محمدمهدی‌کارکندی مخلف شده‌اند مدعی‌شد برعالیشان‌عزت‌ـ نشان آقا سعدالدین خلفمرحـوم آقا محمدمهدی المزبورکـه حقوق ارثیهٔ مرحومهٔ زوجه‌ام خواهرتو ازترکه ومخلفات مرحومان والد و والدهٔ تو از امـلاك‌کارکنده‌و باغو وتوابع‌آن وسایر مخلفات از اعیان وحقوق واجناس ونقود منقول وغیرمنقول سهم ارثی‌دو ولدمن‌که ازمادر بایشان نقل شرعی‌یافته درنزد تو باقی است و حقوق

۱ـ مهری بیضی باسجع: «محمدطاهرالحسینی». ۲ـ مهری چهارگوشه‌باسجع: «ارزقنی شفاعةالحسین» . ۳ ـ مهری بیضی باسجع : « عبده علی‌محمدالموسوی » .
۴ـ هردو مهربیضی کوچك باسجع : «عبده حسنعلی‌الموسوی» .

ایشانرا از بابت ارث پدر و مادر زوجه‌ام باید بایشان رد کنی و مشار الیه درمقام انکار برآمد قول وقائلهٔ بین ایشان بوقوع پیوست ومنجر بحلف وتحلیف گردید بالآخره از جهة حسن اصلاح بعد از دعوت و اجابت طرفین بین ایشان بصلح التیام یافت باین نهج که مصالحهٔ صریحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ منجزیهٔ ملیهٔ اسلامیهٔ عمدیهٔ اختیاریه نمود عالیجاه آقا محمدباقر المزبور بعد از رعایة صرفه وغبطه حسب الولایة الشرعیه از دو ولد خود که مسمی هستند بسلطانعلی وکوکب خانم بعالیشان آقا سعدالدین المزبور تمامی حقوق ودعاوی محققه ومقدرهٔ دو ولدصغیر خودرا که ذکرشدند ازمتروکات و مخلفات جد وجدهٔ ایشان از اعیان وحقوق واجناس و نقود منقول وغیرمنقول کائنة ما کانت بالغةً مابلغت هریکرا نسبت بسهم ایشان للذکر ضعف الانثی بمال المصالحه مقدار دوقسمت مزرعهٔ شلتوکی از بیست‌وپنج قسمت از مزارع کارکنده وباغو از سهام اربابی ایشان که در خارج معلوم است که در هرسالی از بیست وپنج قسمت مزرعهٔ کارکنده وباغو در هرقریه نسبت بسهم اربابی خود دوقسمت مزرعهٔ شلتوکی ازمزرعهٔ متعارفه زمین مرغوب باآقا محمدباقر المزبور مادام کونهما صغیرین وبخود ایشان بعدالکبر بدهدکه زرع شلتوك نمایند بنحویکه معهود و مصطلح و مرسوم بین ارباب ومالکین کارکنده وباغواست وبقدردوقسمت مزبورازمزارع خشکه ومراتع و سایر منافع کارکنده و باغو بهمین نسبت حق از برای دو صغیر المزبورین للذکر مثل حظ الانثیین مقرر شرعی ومعین شدکه از قرار دوقسمت نسبت به بیست وپنج قسمت باید اخذ واستیفاء سایر منافع کنند و نیز منافع مسبوقاة در سنوات سابقه از زمان فوت جدوجده الی‌حال کائنة ما کانت مصالحه شد بمصطلح المزبور منضماً الی‌سایر الاعیان و الحقوق المزبوره بعقد واحد ببدل المسطور المزبور و شرط در ضمن عقد آنکه درصورتیکه سهام‌اربابی جدوجده که درخارج معلوم‌است ازبیست‌و پنج قسمت کمتر شود بهمین نسبت دوقسمت کسر و تنزیل شود و در صورتیکه زیاد

از بیست‌و پنج‌قسمت‌عمل آمد مازاد مال آقاسعدالدین واخوانش بوده باشدآقامحمد-
باقر و ولدانش زیاد از دوقسمت مطالبه وتصرف نکنند و نیز شرط شد درضمن‌عقد
سقوط و اسقاط تمامی دعاوی آقا سعدالدین واخوانش ازآقا محمدباقر المزبور
من‌جمیع الوجوه کائنة ماکانت وایضاً در ضمن عقد خارج لازم شرط شد اسقاط
دعاوی‌آقا محمدباقر از برادرآقا سعدالدین ازبابت سهام ارثیهٔ مزبوره‌تمامی‌مراتب
مسطوره بقانون شرع‌انورسمت جریان پذیرفت و وقوع یافت .

کان ذلك فی‌سادس شهر جمادی‌الثانیه من‌شهور سنة ۱۲۹۹ هجری.

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

وقع جمیع مازبر ورقم فیه من‌البدایة الی‌النهایة فی‌المتن والهامش لدی الاحقر
فی‌التاریخ‌المزبور وانا الآثم. [جای دومهر][1]

وقع مارقم فیه‌لدی. [جای مهر][2]

قد وقع مارقم فی‌المتن والهامش لدی الآثم . [جای مهر][3]

۱ـ هردو مهر بیضی کوچك باسجع : «محمدطاهرالحسینی» . ۲ـ مهری بیضی
باسجع: «عبده محمد شفیع ». ۳ ـ مهری بیضی باسجع :«محمدحسین ابن عباسعلی».

۴۳

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۰۳ ه . ق .

دراین سند حاجی‌الله‌قلی خلف‌حاجی نورعلی سعدآبادی نیم‌دانگ مشاع از حصهٔ خود از ملك و اراضی جهان نما را به وجه‌المصالحه مبلغ شصت تومان وجه ریال ناصرالدین‌شاهی به‌آقا سیدمحمدطاهر مصالحه کرده‌است.

مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ اسلامیه نمود خیرالحاج والعمار حاجی‌الله‌قلی خلف‌مرحوم حاجی نورعلی سعدآبادی الاصل شهری‌المسکن همگی و تمامی نیم دانگ مشاع از تمامت حصه ورسدی خود از ملك و اراضی موسومه بجهان‌نما باجمیع توابع و لواحق شرعیه از مزارع و مراتع وغیرهما من‌غیراستثناء شیء منها بجناب مستطاب قبلةالانام آقا آقا سید محمدطاهر سلمه‌الله تعالی بمال‌المصالحه مبلغ شصت تومان وجه ریال ناصرالدین شاهی مقبوض فی‌مجلس‌الصلح و شرط شد سقوط و اسقاط کافهٔ خیارات ازطرفین من‌خیارالغبن والغبن‌فی‌الغبن ولو کان فاحشاً بل‌افحش وصیغهٔ صلح بالفارسیة والعربیة علی‌نهج‌الشریعة المطهرة سمت جریان پذیرفت .

وکان ذالك فی ثانی شهر جمادی الاولی

من‌شهور سنة هزاروسیصد وسه ۱۳۰۳ .

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این سند عبارات زیرنوشته شده است :]

در محضرم واقع شده در تاریخ. [جای مهر][1]

وقع مارقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][2]

وقع مارقم فیه‌لدی فی‌التاریخ. [جای مهر][3]

۱ ـ مهری بیضی‌باسجع: «رمضانعلی‌ابن میرزا محمد». ۲ ـ مهری بیضی‌باسجع: «محمدالحسینی». ۳ ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمد الحسینی» .

الامر کما رقم حررته‌فی ۱۳۰۳. [جای مهر][1]

٤٤

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۰۳ ه. ق.

در این سند آقا محمد ساوری حصه و رسد آقا میرزا باباساوری و فرج آقا و آقا حسین و آقا حسن را ازملك‌جهان نما به مبلغ چهار تومان‌و هشت هزار وجه مشین ریالی مصالحه کرده است.

چون عالیجاه آقا محمد ساوری خلف مرحمت‌پناه آقا حسینعلی ساوری حصه ورسد ابنای آقا میرزا بابای ساوری وهم آقا فرج و آقاحسین و آقاحسن ازملك جهان‌نمارا که ارث مادر پدرمشارالیهم بود وحسب‌الارث‌انتقال بمشارالیهم‌یافته‌است خریداری نمود بمبلغ چهارتومان و هشتهزار وجه مشین ریالی معروف به یك مثقال با اسقاط جمیع‌خیارات ازطرفین‌خصوصاً خیارالغبن والغبن‌فی‌الغبن ولو کان فاحشاً بل‌افحش که حصه و رسد مشارالیهم از جهان‌نما در خارج مشخص و معین است مطابق قبالهٔ جداگانه که دردست آقا علی‌محمد مزبوراست وحال را خواسته آقاعلی‌محمد همان حصه ورسدی مشارالیهم را ازملك جهان‌نما بفروشد وجناب‌مستطاب آقائی‌آقا سید طاهرسلمه‌الله تعالی مشتری‌همان حصه ورسد شدند لذا مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ‌لازمهٔ منجزهٔ جامعهٔ برجمیع شرائط وارکان وخالیه از عموم خلل و بطلان نمود عالیجاه آقا علی‌محمد مزبور بجناب مستطاب آقای معظم‌الیه سلمه‌الله تعالی همان حصه و رسد مشارالیهم را از ملك جهان‌نما که ارث مادر پدر مشارالیهم است حسب‌ــ الخارج مشخص و معین است‌با جمیع توابع وحقوق متعلقه بآن من‌غیراستثناءشیء من‌الحقوق والتوابع کائنة ماکانت‌بمال‌المصالحه مبلغ چهارتومان‌و هشت‌هزار وجه

[1] ــ مهری چهارگوشه باسجع: «پیرو دین محمدقلی ۱۲۹۷».

مشین ریالی‌معروف به‌یك‌مثقال وشرط‌گردید ازطرفین سقوط واسقاط‌جمیع‌خیارات خصوصاً خیارالغبن والغبن‌فی‌الغبن‌ولو کان‌فاحشاً‌بل‌افحش وبعدذلك قبض‌واقباض‌و تسلیم و تسلم در بدلین مزبورین صورت وقوع و تحقق پذیرفت و عالیجاه مصالح مزبور تخلیهٔ‌ید ازعین مصطلحهٔ مزبوره نموده و بتصرف جناب آقای معظم‌الیه داده بناءٌ علیهٔ‌گردید تمامت عین مصطلحهٔ مزبوره با جمیع تـوابع وحقوق متعلقه بـآن من‌غیر استثناءشیء من‌الحقوق و التوابع کائنة ماکانت ملك ومـال مصطلح معظم‌الیه سلمه‌الله تعالی فلهم‌التصرف فیها متی‌شآئوا و کیف شآئوا بالخیر و البرکات انشاءالله تعالی وصیغهٔ مصالحهٔ مزبوره حسب‌التفصیل المسطور جاری‌گردید.

وکان ذلك بتاریخ هفتم شهر جمادی الاولی
من شهور سنهٔ هـزار و سیصد وسه ۱۳۰۳ .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

قد اقرواعترف المصالح بتمام فیه‌مماعلیه لدی الاحقر فی‌ثامن شهررجب ۱۳۰۳.

[جای مهر][2]

قد اقر واعترف المصالح بجمیع مارقم فیه لدی. [جای‌مهر][3]

قد وقع مافیه‌لدی. [جای مهر][4]

قد وقع مارقم فیه ... لدی الآثم‌فی‌التاریخ. [جای‌مهر][5]

قد اقر واعترف المصالح لدی الآثم ۱۳۰۳ . [جای مهر][6]

قد اقر واعترف بجمیع مارقم فیه لدی. [جای مهر][7]

۱ـ مهری چهارگوشه‌باسجع: «علی محمدبن حسینقلی». ۲ـ مهری چهارگوشه باسجع: «اللهم ارزقنی‌شفاعة‌الحسین». ۳ـ مهری بیضی با خط طغرا باسجع: «وهاب الحسینی». ۴ـ مهـری بیضـی کوچك باسجع: «آمـن سلیمان». ۵ ـ مهـری بیضی‌باسجع: «عبده الراجی علی‌اصغر». ۶ـ مهری بیضی باخط طغرا باسجع: «یاصالح المؤمنین». ۷ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌احمد الحسینی».

اعترف بمافیه لدی الآثم. [جای مهر][1]

۴۵

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۰۵ ه . ق .

در این سند آقا سید صادق خلف میر بابای نوچمنی همگی و تمامی حصهٔ خود و همشیره‌اش که زوجهٔ حسن ابن ملاجعفر شبیه‌خوان است ازملك جهان نما به‌مال‌المصالحه مبلغ هفت تومان‌وچهارهزارو پانصد دینار وجه مشین‌ریالی به‌حاجی نورعلی سعدآبادی مصالحه کرده است.

غرض از ارتسام این کلمات شرعیة الدلالات آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ لازمهٔ منجزهٔ جامعه برجمیع شرایط و ارکان و خالیه ازعموم خلل و بطلان نمود سیادت و نجابت‌پناه آقا سید صادق خلف‌الصدق مرحمت‌پناه آقا میر بابای نوچمنی به جناب مستطاب آقائی آقا سید محمدطاهر سلمه‌الله تعالی و به خیرالحاج حاجی الهقلی خلف مرحوم حاجی نورعلی سعدآبادی علی‌المناصفة بینهما همگی و تمامی حصه ورسدی خود و همشیره‌اش زوجهٔ دائمهٔ حسن‌بن مرحوم ملا جعفر شبیه خوان نوچمنی را ازملك جهان‌نما از مزارع و مراتع وجنگلستان وغیرهاحسب‌المحدودیة الواقعیة ولواینکه حصه ورسدی مشارالیهما نیم دانگ از یك دانگ ازکل شش دانگ از ملك جهان‌نما بوده باشد با جمیع توابع و حقوق متعلقهٔ بآن من‌غیراستثناء شیء من‌الحقوق والتوابع کائنةً ماکانت بمال المصالحة مبلغ هفت تومان وچهار هزاروپانصد وجه مشین‌ریالی معروف به یك مثقال که حصهٔ همشیره از بدل‌الصلح المزبور یك‌هزارو پانصداست وشرط‌گردید ازطرفین سقوط واسقاط جمیع‌خیارات

---

[1] ــ مهری بیضی باسجع : «یا ابالقاسم ادرکنی».

خصوصاً خیارالغبن والغبن‌فی‌الغبن ولوکان فاحشاً بل‌افحش اگرچه یك‌تومان بیرزدو اگرچه صدتومان بودهٔ موصوف بیرزد وبعدذلـك قبض واقباض و تسلیم و تسلم در بدلین مزبورین‌صورت وتحقق پذیرفت وضمان‌درك درصورتیکه مستحقاً للغیر بر آید کلاً اوبعضاً عیناً اومنفعةً به‌عهدهٔ‌مصالحین مزبورین‌است بناءً علیه‌گردید تمامت‌حصه‌و رسدی مشار الیهما ملك ومال جناب مستطاب آقای‌معظم الیه‌سلمه‌الله تعالی‌وخیر الحاج حاجی الهقلی المزبور علی‌المناصفة بینهما فلهما التصرف فیها[متی] شائاو کیف شائا بالخیر والبرکات انشاءالله تعالی.

وکان فی چهاردهم شهر جمادی‌الاولـی مـن شهور سنة هزارو سیصد وپنج ۱۳۰۵ هجری‌نبوی‌علی‌هاجرها آلاف‌التحیة والثناء .

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد اقرالسید المصالح بمافیه من‌المصالحة وقبض‌تمام بدل‌سهمیه‌لدی الاحقر فی ۱۴ جمیدی‌الاولی ۱۳۰۵. [جای مهر][1]

آقا سیدصادق المزبوراعتراف بمراتب مذکوره نمود واجازهٔ همیشره‌اش‌نیزمعلوم‌و محقق است. [جای مهر][2]

قد اعترف بمارقم فیه لدی الجانی فی‌التاریخ. [جای مهر][3]

وقع مارقم فیه لدی الجانی‌فی‌التاریخ. [جای‌مهر][4]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «اللهم ارزقنی شفاعةالحسین». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «الراجی الی‌الله محمد جعفر». ۳ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «هـدایت‌الله الموسوی». ۴ـ مهری بیضی باسجع «عبده ناصرالدین الموسوی».

۴۶

مصالحه‌نامچه مورخ ۱۳۰۷ هـ . ق .

دراین سند حاجیه خانم صبیهٔ کربلائی علیخان آقای قاجار سپانلو همگی و تمامی حقوق پدری خود راازخانهٔ حاجی کربلائی علیخان واقع دربلدهٔ استراباد نزدیك مدرسهٔ حاجی محمدتقی‌خان و تمامی حقوق پدری خود را ازدوسهم از یك دانگ از کل ششدانگ‌قریهٔ کلاجان قاجار و نیز تمامی حقوق ابی خود را از قریهٔ‌کالـورا و سونه‌ده از دو سهم کربلائی علیخان و نیـز تمامی حقوق پـدری خود را از یك دانگ ازکـل ششدانگ کلاسنگیان وایضاً هـمگی حقوق پدری خود را از دکان قصابی واقع در دارالخلافهٔ طهـران به انضمام حقوق پدری خود را از یك طغری تمسك عباسقلی‌خان سرهنگ برادر مصطلح از یك تومان الی دویست تومان به مال‌المصالحه مبلغ یك عدد ریال مشین جدیدالضرب مضروب بیست و چهـار نخود و مقدار ده سیر بوقـر بلده نمك دامغانی به ابن عم خودآقا محمدجعفر مصالحه کرده است .

غرض از تحریر این کلمات شـرعیة الـدلالات واضحة البینات آنستکه مصالحهٔ صریحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ جزمیهٔ ملیهٔ اسلامیه نمود در حال ادراك وشعور بدون اکراه ونفورعلیاجاه خدارت وطهارت‌دستگاه حاجیه‌خانم صبیهٔ مرضیهٔ مرحمت‌مآب کربلائی علی‌خان‌آقای قاجار سپانلو باین‌عم خود عالیجاه سعادت‌اکتناه آقا محمد‌جعفر خلف‌صدق مرحوم رضوانمکان ملا حیدرقلی‌آقاطاب‌ثراه همگی وتمامی‌حقوق پدری خود را از خانهٔ حاجی کربلائی علیخانی واقعه دربلدهٔ استراباد قریب‌بمدرسهٔ مرحوم حاجی محمدتقیخان که در خارج مشخصه ومعینه است وتمامی حقوق‌پدری خود را از دوسهم از یك دانگ ازکل ششدانگ قریهٔ‌کلاجان قـاجار و نیز تمامـی

حقوق ابی خودرا از قریهٔ کالورا وسو ته ده ازدوسهم حاجی کربلائی علیخان و نیز تمامی و جملگی حقوق پدری خود را از یکدانگ از کل ششدانگ قریهٔ کلاسنگیان و ایضاً همگی و تمامی حقوق پدری خودرا ازدکان قصابی واقع دردارالخلافهٔ طهران باتمامت توابع ومتعلقات شرعیه و کافهٔ منضمات عرفیه وعادیهٔ آنها از آنچه قابل تملیك وتملك و انتفاع است....[1] بیوت وغیرها مماغلق علیه بابها واحاط به جدرانها و من المراتع و المزارع ومجاری المیاه والقنوات الدائره والبائره والشیوارات والعیون والأنهار و الاشجار والجناکل والصحاری والبراری والطواحن والتلال والجبال ومقرالبیوت و غیرهامن کل التوابع التی یتعلق بکل واحدمن القری من القلیل والکثیرذکرفیه ام لم یذکرو سمی ام لم یسم که حقوق پدری مخدرهٔ مسطوره از هریك از اعیان مصطلحهٔ مزبوره در خارج مشخص و معین است با انضمام حقوق پدری مشارالیها از یکطغری تمسك عالیجاه محمدت همراه عباسقلیخان سرهنگ برادرمصطلح ازیك تومان الی دویست تومان وجه مشین بمال المصالحه مبلغ یکعدد ریال مشین جدیدالضرب معروف به بیست وچهار نخود ومقدار ده سیر بوقربلده نمك دامغانی مصوص ومأخوذی مصالحهٔ مسطورهٔ مخدره عقد صلح صحیح شرعی قطعی جزمی حسب الوارد فی الشرع الانور سمت جریان پذیرفت و صارت الاعیان المزبوره والاموال المسطوره ملکاً طلقاً وحقاً خاصاً خالصاً للمصطلح له التصرف فیها کتصرف الملاك فی املاکهم وذوی الحقوق فی حقوقهم متی شاء و کیف شاء این چند سطر بجهة تذکره قلمی گردید لدی الحاجة سند ومستند بوده باشد.

کان وقوع ذلك فی خامس شهرجمادی الأخری من سنة ۱۳۰۷.

[برحاشیهٔ این سند عبارات زیر است:]

این سند صحیح و درکمال احکام واتقان است. [جای مهر][2]

۱ــ در حدود نیم سطرزیر تای کاغذ مانده ودرعکس ظاهر نشده است.

۲ــ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی محمد رحیم».

وقع الصلح علی ماسطر لدی الآثم فی ۵ شهر جمادی الثانیه ۱۳۰۷ . [جای مهر][۱]
صحیح و معتبر ومترتب الاثر است. [جای مهر][۲]
صحیح و معتبر و لازم العمل است تخلف از مضمون این ورقه حرام وخلاف و غیر جایز است فی ۱۴ جمادی الاخری ۱۳۲۱. [جای مهر][۳]
قد وقع و ماوقع کماوقع والخیر فیماوقع بعد معرفتها ورشدها لدی الاقل .
[جای مهر][۴]
وقع جمیع مارقم فیه بالوکالة الشفاهیة لدی الجانی. [جای دومهر][۵]
وقد وقع جمیع مارقم فیه لدی الآثم. [جای مهر][۶]

بسم الله الرحمن الرحیم

صحیح معتبر معتمدعلیه معمول به حرره الاقل خادم اهل العلم والعمل فی جمیدی الاخری ۱۳۲۱. [جای مهر][۷]
قد وقع مارقم فیه لدی. [جای مهر][۸]
صحیح و معتبر و لازم العمل است حررته فی لیلة سابع عشرین جمادی الثانیه ۱۳۲۱.
[جای مهر][۹]
قد وقع جمیع ماذکر وزبر فی الورقة لدی الاقل . [جای مهر][۱۰]

۱ـ مهری بیضی با خط طغرا وسجع : « وهاب الحسینی» و مهری بیضی دیگر باسجع: «محمدمهدی بن محمد طاهر الحسینی». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «اللهم اغفرصفی الله» . ۳ـ مهری بیضی باسجع: « محمدطاهر الحسینی » . ۴ ـ مهری بیضی کوچك باسجع: « محمد زکی » . ۵ـ مهری بیضی باسجع: «الراجی الی الله محمدجعفر» ومهری بیضی کوچك باسجع : «محمدهاشم الموسوی» . ۶ـ مهری بیضی باسجع: «عبده علی اکبر». ۷ ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدطاهر الحسینی». ۸ ـ مهری بیضی باسجع: «میرزا رضا الحسینی» . ۹ـ مهری بیضی باسجع : «الراجی محمدحسین» . ۱۰ـ مهری بیضی کوچك باسجع : «یا محمد ۱۳۲۱» .

۴۷

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۰۷ هـ . ق .

دراین سند آقا میرزا جمال وآقا میرزا وآقا غفور تمامت منفعت هفت‌ماههٔ مساحت بیست‌وچهار قسمت زمین از اراضی مشخصهٔ قریهٔ چوپلانی‌را به‌مال‌المصالحه موازی دوازده خروار شالی گردهٔسرده از آقایان سیداسماعیل و سیدجواد و سیدعلی و سیدصادق قبول مصالحه کرده‌اند.

قبول‌مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔلازمهٔ جازمه نمودند سیادت‌انتسابان آقا میرزا جمال و آقا میـرزا و آقا غفور موقوفةعلیهم مرزنکلاته ازآقایان عظام آقـا سید اسمعیل و آقاسید جواد وآقا سید علی وآقا سیدصادق مالکین قریهٔ چوپلانـی تمامت منفعت هفت ماههٔ مساحت بیست‌وچهار قسمت زمین از اراضی مشخصهٔ ملك قریهٔچوپلانی محدود بحدوداربعهٔ مفصله جنوباً پیوسته‌است‌بمرزسفیددار وشمالاً بخیابان‌شمس‌آباد شرقیاً بداریکاب غربیاً بآب دیوان بمال‌المصالحه موازی دوازده خرواربوزن بلده شالی‌گردهٔ سرده وشرط گردیدکه هرگاه بیست‌و چهارقسمت زیادترهم شد از قرارقسمت بیست‌من وجه اجاره بدهند وصیغهٔ مصالحه واقع شد .

در دهم شعبان‌المعظم ۱۳۰۷.

[بربالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

وقع مافیه لدی علی‌الوجه‌الصحیح لدی فی‌التاریخ حرره‌الاقل فی ۱۲ شوال‌المکرم ۱۳۰۷ [جای‌مهر][1]

قد وقع مارقم فیه لدی . [جای مهر][2]

۱ـ مهری بیضی‌باسجع: «محمدهادی» .

۲ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده محمدـباقر».

۴۸

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۰۹ هـ . ق .

در این سند آقا علی‌محمد همگی و تمامی نیم‌ربع از یك‌ربع‌از یك دانگ از کل شش‌دانگ از قریهٔ جهان‌نما را به‌بدل‌الصلح مبلغ‌شش تومان وجه رایج ناصرالدین‌شاهی جدیدالضرب به‌آقا سید محمد طاهر صلح شرعی نموده است.

صلح صحیح صریح شرعی نمودعالیجاه عزت همراه آقا علیمحمد خلفمرحمت‌پناه آقا حسینقلی ساوری بجناب مستطاب شریعتمآب عمادالعلماء الأعلام قـدوة‌الفقهاء العظام کهف‌الحاج‌واشرف زائرین بیت‌الله‌الحرام الحاج آقا سیدمحمدطاهر سلمه‌الله الملك العلام همگی و تمامی و جملگی نیمربع از یك‌ربع از یکدانگ از کل‌شش دانگ از قریهٔ معروفهٔ موسومهٔ بجهان‌نما با جمیع توابع ولواحق شرعیه وعرفیه‌ان کائنا ماکان ازمزارع ومراتع ومجاری وصحاری وبراری وازاراضی‌عامره وغامره و غیره ... سمی‌ام‌لم یسم ورقم‌ام‌لم یرقم من‌تخوم‌الأرض الی‌عنان‌السماء ببدل‌الصلح مبلغ شش‌تومان وجه‌رایج ریالی ناصرالدین‌شاهی جدیدالضرب‌مقبوض فی‌المجلس الصلح با اسقاط‌کافهٔ خیارات از طرفین حتی خیارالغبن وغبن فی‌الغبن خصوصاً از جانب مصالحمزبور ولـو بلـغ باعلی درجـه و ضمان درك‌عین مصطلحه عندخروجها مستحقة‌للغیر کلاً او بعضاً‌عیناً‌ام منفعةً برعهدهٔ مصالح‌است که ازعهدهٔ بدل وغرامات وارده برمصطلح‌معظم برآیدقبض واقباض‌تسلیم‌وتسلم دربدلین واقع گردیدومصطلح معظم تصرف در آن نموده باملاك خود ملحق‌گردانیدوله‌التصرف فیها کتصرف ملاك فی‌املاکهم‌متی‌شاء کیف‌شاء‌لایخفی آنکه ازقراردانگ دومن روغن‌بوقربلدهٔ‌استراباد از بابت حق‌مراتع ده‌سیر بوقربلده مزبوره روغن میشود و صیغهٔ صلح منجز شرعی

صادر و واقع گردید.

وکان‌التحریرو اجراءالصیغه فی‌یوم‌اربعة عشره من‌شهرذی‌القعدةالحرام‌من شهورسنةتسع‌وثلاث مأته‌بعدالالف من‌الهجرة مطابق سال‌قوی‌ئیل۱۳۰۹.

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع جمیع مازبر ورقم فیه لدی الاقل‌الاحقر. [جای مهر][2]

مراتب مسطوره واقع شد اقل‌الحاج غلام‌حسین... [جای مهر][3]

اقربمارقم فیه لدی الآثم. [جای مهر][4]

وقع تمام مازبرفیه لدی فی‌التاریخ. [جای مهر][5]

قد وقع جمیع مارقم من‌البدایةالی‌النهایةلدی الاقل فی‌التاریخ. [جای مهر][6]

٤٩

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۱۰ ه. ق.

دراین‌سند عروس‌خانم‌زوجهٔ‌ملامحمدصالح‌سیدمیرانی حصه ورسد خودرا از املاك جهان‌نما که ربع دانگ است بـه‌مال‌المصالحه مبلغ دوتومان وجه مشین‌ریالی معروف بـه‌یك مثقال به آقـا حسینقلی ساوری مصالحه‌کرده است.

عرض از نگارش این کلمات شرعیةالدلالات آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ لازمهٔ منجزهٔ جامعهٔ برجمیع شـرایط و ارکان وخـالیه از عموم خلل‌وبطلان نمود عفت و

۱ــ مهری‌کوچك بیضی نزدیك به دایره باسجع: «عبده علی‌محمد». ۲ــمهری بیضی باسجع: «صراط علی حق‌تمسکه». ۳ــ مهری بیضی‌باخط طغراباسجع: «الراجی غلام‌حسین». ۴ــ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی علی اصغر». ۵ــ مهری بیضی‌باسجع: «العبد هدایت‌الله». ۶ــ مهری بیضی باسجع: «محمد رضا».

عصمت‌پناه عروس‌خانم زوجهٔ جناب ملامحمدصالح سید میرانی بعالیجاه آقا علی‌ـ محمد خلف مرحمت‌پناه آقا حسینقلی ساوری همگی وتمامی حصه و رسد خود را از املاك جهان‌نما با جمیع توابع و حقوق متعلقهٔ بآن من غیر استثناء شیء من الحقوق والتوابع کائنة ما کانت اگرچه حصه ورسد مشارالیها ربع دانگ از ملك جهان‌نما بوده باشد بمال‌المصالحه مبلغ دو تومان وجه مشین ریالی معروف بـه یك مثقال و شرط گردید ازطرفین سقوط واسقاط جمیع خیارات خصوصاً خیارالغبن والغبن فی الغبن ولوکان فاحشاً بل افحش چه پنجهزار بوجه موصوف مزبور قیمت عادلـه وارزش آن باشد وچه ده‌تومان ارزش آن باشد وبعد قبض و اقباض وتسلیم وتسلم دربدلین مزبورین علی‌سبیل الحقیقة لارسماً للقبالة وقوع و تحقق پـذیرفت و ضمان درك عین مصطلحهٔ مزبوره در صورتیکه مستحقاً للغیر برآید کـلاً اوبعضاً عیناً اومنفعةً بعهدهٔ آن عفت وعصمت‌پناه است بناءً علیه گردید تمامت عین مصطلحهٔ مزبورهٔ ملك‌ومال عالیجاه آقا علی‌محمد فله‌التصرف فیها متی‌شاء وکیف‌شاء .

وکان ذلك فی‌بیست‌وهشتم جمادی‌الاخری من ۱۳۱۰ .

[بربالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

وقع جمیع مارقم‌وزبرفیه‌لدی الاقل حررته‌فی۲۸ جمادی‌الاخری من‌شهور ۱۳۱۰.

[جای‌مهر][1]

قد وقع مافیه لدی الجانی. [جای مهر][2]

قد وقع مارقم‌فیه .... لدی الآثم فی‌التاریخ . [جای‌مهر][3]

۱ـ مهری بیضی باسجع : «محمدطاهر الحسینی» . ۲ـ مهری بیضی باسجع : « عبده محمدحسن الموسـوی » . ۳ ـ مهری بیضی بـا سجع : « عبده الراجی‌علی‌ـ اصغر» .

۵۰

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۱۲ هـ . ق .

در این سند طهماسب آقا همگی و تمامی یك‌دانگ از کل ششدانگ از یك باب خانه و حیاط خود واقع در گذر سر پیر ازمحلات شهر استراباد را به بدل‌الصلح مبلغ بیست و پنج تومان وجه رایج فضی ریال ۲۴ نخودی به آقا حسن‌خان مصالحه کرده است .

بسمه تعالی خیر الاسماء

مفاد از تحریر وتسطیر این‌عبارات شرعیة‌الدلالات لایحة‌المقالات آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ لازمهٔ جازمهٔ منجزهٔ اسلامیه نمود درحال صحت‌مشاعروادراك‌و ثبوت عقل بالطوع والرغبة دون‌الجبر والکراهة عالیجاه عزت همراه طهماسب آقا خلفمرحوم مبرورنجف آقا بعالیجاه مجدت‌همراه حسنخان زیدعزه خلف مرحمت‌مآب مرتضی‌خان قاجار همگی وتمامت یکدانگ ازکل شش‌دانگ ازیك‌باب‌خانه‌و حیاط متصرفی خود راکه واقع‌است درگذرسرپیر من محلات دارالمؤمنین استراباد که محدود است بحدود ورقهٔ معین و مشخص است در خارج مع توابع ولواحق شرعیه و عرفیهٔ آن ازحیاط‌وحیاض وجدار ومجری و ممرومدخل‌مماتعد من‌توابعهاو تحصی من‌لواحقها دون‌الاستثناء کائنة ماکانت ببدل‌الصلح مبلغ بیست و پنجتومان وجه‌رایج فضی ریال معروف‌در ۲۴ نخودی‌المقبوض فی‌مجلس‌المصالحه مع شرط سقوط و هبوط کافهٔ‌خیارات عن‌الطرفین خصوصاً خیارالغبن و الغبن فی‌الغبن‌ولوبلغ باعلی‌المدارج العالیه قبض واقباض تسلم و تسلیم در بدلین از طرفین‌جاری‌گردید و گردیدیکدانگ‌خانهٔ‌مزبوره ملك‌طلق متصرفی‌مصطلح‌مزبورولەالتصرف‌فیها کتصرف الملاك فی‌املاکهم وذوی‌الحقوق فی‌حقوقهم حیث شاء کیف‌شاء وضامن درك‌شرعی عین مصطلحهٔ مرقومه خواهد بود مصالح معزی‌الیه عند خروجها مستحقة للغیر از

عهدهٔ بدل‌وغرامات وخسارات واردهٔ برمصطلح کلاً وجزءً بر آید و صیغة‌المصالحة الصحیحة الشرعیة بعدالـوکالة‌الشفاهیه کماورد فی‌الشریعة النبویة عربیاً بعدالفارسیه مطابقاً لما ذکر وسطر مراراً وکراراً جاری و واقع گردید.

فی ثمانیة و عشرین مضین من شهر ذی‌العقدة‌الحرام
من‌الشهورسنة۱۳۱۲هزاروسیصدودوازده‌هجری‌ص.

[برحواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

هو التعالی

صدراً . . . و قبض العوض علی ما رقم فی‌الصفحة لدی الأحقـر . . . المصالح المزبور و ... بتاریخ ۲۸ ذیقعدة‌الحرام ۱۳۱۲ . [جای مهر][1]

اقرحررته‌لیومین بمارقم فیه‌کمافیه‌لدی شهرذی‌حجة‌الحرام۱۳۱۲. [جای مهر][2]

حضرالمصالح واقربمافیه‌کمافیه‌لدی فی‌دوم‌ذی‌حجة ۱۳۱۲. [جای مهر][3]

وقع‌الامرکمافیه لدی الأقل. [جای مهر][4]

مراتب مسطورهٔ متن‌مرضی‌الطرفین واقع و جاری‌گردید بمورخهٔ متن۱۳۱۲.
[جای مهر][5]

اقر واعترف بما فیه لدی. [جای مهر][6]

۱ـ مهری‌چهارگوشه باسجع: «عبده الحسن بن عباسعلی». ۲ـ مهری بیضی با سجع: «عبده‌الراجی‌ابراهیم الحسینی». ۳ـ مهری‌چهار گوشه باسجع: «یا امام‌محمد تقی». ۴ـ مهری‌بیضی‌باسجع: «عبده نظرعلی». ۵ـ مهری گلابی شکل باسجع: «یا امام محمدتقی۱۲۸۷». ۶ـ مهری بیضی‌باسجع : «هستم زجان غلام حسین ».

۵۱

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۱۲ هـ . ق .

در این سند کربلائی حسن تمامت یك سهم مشاع از کل شش‌دانگ قریهٔ اتراچال واقعه در شمال شهر استرابادرا به مبلغ سی‌ودو تومان و پنجهزار دینار وجه ریال جدیدالضرب چرخی رواجی ریالی یك مثقال وزن ده‌عدد یك تومان به آقا ملانصرالله مصالحه کرده است.

بعدالحمد والتصلیه

غرض ازتحریر وباعث برتسطیر این‌صحیفهٔ صدق‌ترجمه آنستکه در کمال‌صحتمندی‌و میل ورغبت و باشرط سقوط و هبوط کـافهٔ خیارات وخیالات از طـرفین لاسیما خیارالغبن والغبن فی‌الغبن ولو کان فاحشاً بل‌افحش مصالحهٔ صحیحهٔ صریحهٔ شرعیهٔ لازمهٔ جازمهٔ منجزهٔ ملیهٔ اسلامیه نمود حامداطـوار توفیق‌آثار عالیمقدار خیرالزوار کربلائی حسن‌خلفمرحوم محمدصادق بعالیجناب معارف‌آداب قدسی‌نصاب عمدة‌ـ العلماءالعظام و زبدةالفضلاوالفقهاءالکرام آقاملانصرالله سلمه‌الله تعالی‌تمامت‌یکسهم مشاع از هشت سهم از نیمدانگ مشاع ازچهار دانگ مشاع ازکل ششدانگ قریـهٔ موسومه به اتراچال واقعه درشمال شهر استراباد من‌قراء استراباد رستاق بـا جمیع توابع شرعیه ولواحق عرفیه ومنضمات‌عادیهٔ آن ازحدود وسامان از مجری‌المیاه و قنواة دائـره وآبدنگ وآسیا وخانه‌قاهه ومحل زراعت صیفی‌کاری وشتویکاری و مراتع و مرابض وباغستان وتوتستان وجنگلستان و کلمایتعلق بهاسمی‌ام‌لم‌یسم وذکر ام‌لم‌یذکر من‌ثری الی‌ثریا بمال‌المصالحه مبلغ سی‌ودوتومان و پنجهزاردینار وجـه ریال جدیدالضرب چرخی رواجی ریالی یکمثقال وزن ده‌عدد یکتومـان مقبوض و

مسلم در مجلس مصالحه وقبض و اقباض در هریك از بدلین مزبورین واقع‌وجاری گردید و مصالح مذکور تخلیهٔ‌ید از مقدار یکسهم نموده و بتصرف مصطلح معظم خود داده‌ومصطلح‌معظم‌تصرف مالکانه درمقداریکسهم نموده و بسایر املاك متصرفی خودمنضم کرده کتصرف‌سایر الملاك‌فی املاکهم‌وذوی الحقوق‌فی حقوقهم وله‌التصرف فیهامتی‌شاء وکیف‌شاء واین‌شاء‌وضمانت درك عین مصطلحة عنه عندخروجهامستحقة للغیر کلاً ام بعضاً عیناً اممنفعةً برعهدهٔ مصالح مذکور است ازعهدهٔ ضرر وغرامات واردهٔ برمصطلح معظم خود برآید و صیغهٔ مصالحه‌بینهما ایجاباً و قبولاً وفارسیاً و عربیاً بالوکالة الشفاهیه واقع وجاری‌گردید.

وکان ذلك فی ۲۵ شهرذیقعدة الحرام من‌شهور سنة ۱۳۱۲.

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارت زیر نوشته شده است:]

وقع جمیع مافیه من‌الصیغة و قبض البدل‌لدی الأحقر . [جای مهر][1]

---

۱ ــ مهری بیضی کوچك که کلمات «مولانا و موسی و نجف» . بر آن خوانده می‌شود .

۵۴

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۱۳ هـ . ق .

دراین سند سعادت بیگم صبیهٔ محمد شریف مفیدی همگی و تمامی حصه و رسد خود را ازقریه وملك گرجی‌محله به مبلغ پنجاه‌وچهار تومان و پنجهزار وجه‌نقد رایج فضی ناصرالدین شاهی به‌کربلائی آقا بزرگ مصالحه نموده است .

بسم‌الله تعـالی شأنـه　　هوالمالك بالاستحقاق

نحمدالله قبل کل مقال　　ونصلی علی‌النبی وآل

نحمد ونصلی

غرض از تحریر این سطور شرعیت دستور وغایة ازتقریـر اینمعانـی ملیة منظور آنستکه‌مصالحهٔ صریحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ ملیهٔ اسلامیهٔ ارادیهٔ اختیاریه عالمةً عامدةً در حالة صحت نفس‌وثبات عقل وجواز تصرف مشتمله برجمیع شرایط وارکان وخالیه از کافهٔ عموم‌نواقص وخلل وبطلان بالطوع والرغبة لابالجبروالکراهة نموده عفت‌و عصمت‌پناه خدارت دستگاه سعـادت بیگم صبیهٔ مرضیهٔ مرحمت‌پناه فردوس ایـاب آقا محمد شریف‌المفیدی‌الموسوی‌طاب‌ثراه بعالیجناب معالـی‌القاب سلالة‌السادات العظام‌الکرام آقا محمد باقرالشهیربکربلائی آقا بزرگ خلف الصدق مـرحمت‌پناه فرودس‌ایاب‌خلد نصاب آقا آقاسید محمد المفیدی الموسوی طاب‌ثراه وجعل‌الجنة مثواه همگی‌وتمامی حصه ورسدآن عفت‌پناه ازقریه وملك‌گرجی‌محله که‌واقع است در بلوك سدن رستاق من‌بلوکات بلدهٔ دارلمؤمنین استراباد با جمیع توابـع شرعیه ولواحق‌عادیه و منضمات عرفیه از مزارع و مراتع و جناکل‌وصحاری وحق‌الارض قنوات‌واقعهٔ درآنقریه وملك مزبور وحق‌خانه‌قاهه وحق‌آبدنگ وآسیاب وانارباغ و توت‌باغ و قنوات متعلقه به ششدانگ آنقریـهٔ مزبوره و غیرهـا از سایر حقوقـات

دیگرسمی ام‌لم‌یسم وذکر ام‌لم یذکر عن‌آنچه ملکیت را سزد و شاید وقابل‌تملك و تصرف و انتفاع بوده باشدونفع درآن متصورشود من‌تخوم الارض الی عنان‌السماء کائنة ماکانت من‌دون استثناء شیء من‌التوابع و المنافع و الحقوق کـه در خارج مشخص و معین است ملکی متصرفی‌مصالحهٔ مزبوره است که از مرحمت‌پناه‌پدرش آقامحمد شریف حسب‌الارث انتقال شرعی یافته اگرچه برسد تمامت حصه ورسدی مصالحهٔ مزبوره ازآن ملك وقریهٔ‌مزبوره مساوی نیمدانگ ازکل‌ششدانگ که بصلح منجز شرعی مصالحهٔ شرعیه نمود مصالحهٔ مرقومـه بمصطلح معزی‌الیه تمامت‌عین مصطلحه را بتوابعها‌الشرعیه ببدل المصالحهٔ معین مبلغ پنجاه‌وچهارتومان‌و پنجهزار وجه نقد رایج فضی ناصرالدین‌شاهی جدیدالضرب مشین ریالی معروف به‌یکمثقال نصفه مبلغ بیست‌وهفت تومان‌و دوهزارو پانصد وجه رایج موصوف‌است مقبوض‌و مأخوذی مصالحهٔ مزبوره در مجلس‌وقوع‌الصلح وشرط‌سقوط و اسقاط‌کافهٔ‌خیارات ازطرفین‌لاسیما‌خیارالغبن‌والغبن‌فی‌الغبن‌ولو‌کان‌فاحشاً ولو‌بالمدارج‌العالیه‌بلغ‌ما‌بلغ‌و مصطلح معزی‌الیه نیزقبول مصالحهٔ شرعیه‌علی‌النهج‌المرقوم‌نموده ومصالحهٔ‌مزبوره تخلیهٔ‌ید ازعین مصطلحه نموده و بتصرف مصطلح معظم‌الیه واگذار نموده‌وبعدذلك قبض و اقباض و تسلیم و تسلم دربدلین مرقومین از روی حقیقة‌نه رسماً للقباله سمت تحقق گـرفت وگردید عین مصطلحه ملك طلق جناب مصطلح معزی‌الیه فله‌التصرف فیها‌کتصرف‌الملاك فی‌املاکهم وذوی‌الحقوق فی‌حقوقهم متی‌شاء وکیف‌شاء واین‌شاء بالخیروالبرکات ودر ضمن‌عقدصلح شرط شد ضمانت درکشرعی‌عین‌مصطلحه‌و منافع آن وخسارات وغرامات وارده برمصطلح معزی‌الیه در صورتیکه‌عین‌مصطلحه کلاً او بعضاً عیناً ام‌منفعةً مستحقه للغیر برآید مصالحهٔ مزبوره ازعهده بدل وغرامات وخسارات وارده برمصطلح مومی‌الیه برآید وصیغهٔ مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ بالعربیة والفارسیه و مشتملة علی‌الایجاب والقبول کماورد عن‌الرسول بوکالتهما الحضوریه

علی النهج المرقوم جاری وواقع گردیده .

وکان وقوع ذلك فی چهاردهم شهر رجب المرجب من شهور العربیة سنة هزارو سیصد وسیزده هجری نبوی سنة ۱۳۱۳ .

[بربالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

بعدالمعرفة .... اقرت بمافیه لدی الاقل حررته فی ۱۹ شهر رحب المرجب ۱۳۱۳ .
[جای مهر][۱]

قداقرت و اعترفت معروفـه بمافیه من المصالحة و قبض البدل کما هو المحرر لدی الاحقر فی ۱۷ شهررجب ۱۳۱۳. [جای مهر][۲]

سعادت بیگم اقرار و اعتراف بمراتبه مسطوره نمود. [جای مهر][۳]

قد وقع الصلح المزبـور من المصالحة المسطور وقبض تمام البدل لدی الاقل فی ۱۴ شهر رجب المرجب ۱۳۱۳. [جای مهر][۴]

لقداجریت صیغة الصلح قبولا منی بالوکالة الشفاهیه ووقع اخذالبدل لدی الجانی.
[جای مهر][۵]

وقع مارقم فیه لدی الآثم فی التاریخ. [جای مهر][۶]

قد وقع جمیع مارقموز برفیه من المصالحة الشرعیه بوکالتهما الحضوریه وقبض البدل لدی الآثم فی ۱۴ شهر رجب المرجب ۱۳۱۳. [جای مهر][۷]

۱ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «محمدطاهر الحسینی» . ۲ـ مهری چهار گوشه باسجع: «ارزقنی شفاعة الحسین». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده مهـدی الموسوی». ۴ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی محمدصادق الحسینی». ۵ـ مهری بیضی باسجع: «الراجی الی الله محمدجعفر» . ۶ ـ مهری چهار گوشه باسجع : «اسحق الحسینی».
۷ـ مهری بیضی باسجع: « یا اباالقاسم ادرکنی ».

۵۳

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۱۳ ه . ق .

دراین سند آقا میرزا مقیم وزیر لشکر استراباد شش دانگ قریهٔ آزاد محله واقع دربلوك سدن رستاق استراباد راکه خالصهٔ دیوانی بوده و از دیوان اعلی ابتیاع کرده است بـه اولادزاده‌هـای خود مصالحه کرده است وعبدالله‌خان سردارامجد ملك مزبور را وکالةً به آقا سید نصراله خان سرتیپ فروخته است .

باعث برتحریر آنکه مرحوم مبـرور آقا میرزا مقیم وزیرلشکراستراباد شش‌دانگ قریهٔ‌آزاد محله واقعه دربلوك سدن‌رستاق استراباد راکه‌خالصهٔ دیوانی‌بوده است واز دیوان اعلی ابتیاع کرده در حال حیات خود بعقد صلح منتقل نموده به‌اولادزاده‌های خودش یك‌پسرصغیرمسما بمیرزا محمدخان و بیکدخترهٔ صغیرهٔ‌خود طلاخانم و بیك دختره کبیرهٔ خود خانم‌ننه بوده باشد خانم‌ننه حق خود را منتقل کرده بوالدهٔ‌خودش گوهرتاج‌خانم حضرتمستطاب بندگان اجل افخم آقای سردار امجد آقـای میـرزا عبدالله‌خان حکمران مازندران دام‌اقباله که‌صاحب اختیار صغار و وصی مرحوم‌میرزا مقیم بودند باوکالت صحیحه ازگوهرتاج‌خانم والدهٔ صغار و کبیره با ملاحظه‌صرفه‌و غبطه‌ومرحمت‌باولادزاده‌های‌مرحـوم میرزا مقیم مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ‌لازمهٔ جازمه فرمـوده‌اند تمامت‌کل ششدانگ قریهٔ آزادمحله واقعه دربلوك سـدن‌رستاق من‌بلوکات استراباد را من‌جمیع‌الجهات ازخشکه وآبی ومزرع و مرتع و قنوات‌و خانقاهه مع‌سایر ملحقات و منضمات داخله و خارجـهٔ آن ازصحاری وبراری و معموره ومخروبه واصطلخ وکلما یتعلق بهاوشراشرها ؟ آنچه راکه آزادمحله صدق میکنـد بمقرب‌الخاقان معتمدالسلطان آقا سیدنصرالله‌خـان سرتیپ طهرانـی‌الاصل

استرابادالمسکن بمال‌المصالحه مبلغ شش‌صد تومان وجه قران‌مسکوك ناصرالدین‌ـ شاهی مأخوذ صیغهٔ مصالحه جاری شد و لذا گردید باجرای عقد و اخـذ نقد تمامت شش دانگ قریهٔ آزادمحله بحدودها الواقعه ملك طلق سید نصرالله‌خان سرتیپ کـه بای‌نحوشاء واراد تصرف مالکانه نماید.

کان وقوع ذلك فی‌هشتم ذیقعدةالحرام
من شهور سنة ۱۳۱۳ مطابق پیچی‌ئیل .

[برحواشی این سند مطالب زیرنوشته شده است:]

این معاملهٔ متن صحیح وغبطهٔ صغار هم بوده وهست. [جای چهارمهر][۱]

ملك مزبور را این بنده سیدنصرالله وکیل بودم از جانب جناب مستطاب قبلةالانام خداوندیگاری حاجی سید محمدطاهرمجتهد سلمه‌الله تعالی خریدم بجهت معزی‌الیه هرچند باسم بنده است واحتیاطاً نقل به‌معزی‌الیه نمودم بوجه مأخوذ فی‌شهرذیقعدةـ الحرام ۱۳۱۳. [جای مهر][۲]

مسطور در ورقه صحیح است. [جای مهر][۳]

بمراتب مسطور متن اگـرهم نصرت‌خانم عمهٔ مقرب‌الخاقـان آقا میرزا محمدخـان والدهٔ مشارالیه باین بنده‌گفتند اینمعامله برای صغیر بصرفه مقرون بود حرره .

[جای مهر][۴]

مسطورات در ورقهٔ صحیح است فی‌شهر ذیقعدهالحرام ۱۳۱۳ . [جای مهر][۵]

مسطورات ورقه و انتقال معتمدالسلطان آقاسید نصرالله‌خان سرتیپ صحیح است و

۱ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «محمد یوسف» و دومهر بیضی باسجع: «کنیز فاطمه نصرت» ومهری بیضی دیگر باسجع: «گوهرتاج». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «نصرالله الحسینی». ۳ـ مهری بیضی با سجع: «محمد علی‌ابن علینقی». ۴ ـ مهر بیضی باسجع: «عبدالله الحسینی». ۵ـ مهری بیضی باسجع: «ناظم‌الایاله».

اقرار نمودند فی شهر شعبان‌المعظم پیچی‌ئیل ۱۳۱۴ . [جای مهر][1]

قدوقع الأمر کمارقم و انااجریت‌الصیغة. [جای‌مهر][2]

بسم‌الله‌و له‌الحمد

قد وقع‌الأمر کمارقم بمحضری و اناالجانی‌الحائری‌ابن‌المرحوم الحاج‌ملاابو الحسن المازندرانی اللارجانی فی [التاریخ] [جای مهر][3]

بسم‌الله‌و له‌الحمد

بو کالة حضرت مستطاب اجل آقـای دام اقباله‌العالـی قدوقع مارقم فیه علی‌النحو المقرر‌فیه و اعترف دام‌اجلاله بقبض‌مال‌الصلح‌لدی فـی سیم شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۱۳. [جای مهر][4]

مراتب مسطورهٔ متن و انتقال و اقرار معتمدالخاقان سید نصرالله‌خان سرتیپ صحیح است شهرذیقعده ۱۳۱۳. [جای مهر][5]

هو

قد وقع‌الصلح‌علی‌النحو المسطورفی‌الورقة لدی وانا‌الجانی‌الفانی فی۳ شهرذیقعده ۱۳۱۳. [جای مهر][6]

این سند معامله صحیح است عبدالله ... [جای‌مهر][7]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «یاحبیب‌الله». ۲ ـ مهری چهار گوشه باسجع «لااله‌الاالله الملك الحق‌المبین عبده‌رحیم». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی عبدالحسین». ۴ـ مهری بیضی باسجع: «یا امام زین‌العابدین» ۵ـ مهری‌بیضی باسجع: «عبده‌نصرالله». ۶ـ مهری چهار گوشه باسجع: محمـد نصیر بن نصرالله». ۷ ـ مهری بیضی با سجع : «عبدالله سردارامجد».

۵٤

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۱۶ هـ . ق .

دراین سند نوش‌آفرین خانم بنت محمدبن محمدحسن آقای قاجار همگی و تمامی مدعا بهاء خود را از بابت یك دختر حصهٔ‌سهمی امی خود از تمامت اموال و املاك از ملك اتراچال و خانهٔ واقعه در میان‌قاپی و قطعه زمین واقعه درجنوب دروازهٔ مشهور به بسطام و اثاث البیت وطلاآلات و رخوت زنانه به‌خالوی خود حسینخان‌آقا ابن مرتضی‌قلی‌آقای قاجار مصالحه کرده است.

باعث برارتسام این‌ارقام خجسته‌فرجام آنستکه درکمال میل ورغبة واختیار بلاشائبهٔ عنف واجبار صلح صحیح صریح منجز شرعی مخلد ملی نمود زوجهٔ دائمهٔ مشهدی رجب آهنگر عفت‌پناه نوش‌آفرین خانم بنت مرحوم محمد ابن مرحوم محمدحسن آقای‌قاجاربخالوی‌خودعالیجاه عزت‌همراه حسینخان‌آقاخلف‌مرحتمتمآب مرتضی‌قلی‌آقای قاجار همگی وتمامت مدعاء بهاء خود را از بابت یکدختر حصهٔ‌سهمی‌امی خود از تمامت سهمی اموال و املاك مرحوم مرتضی قلی آقائی و قمربی‌بی کـه در پهلوی حسینخان آقا بوده و میباشد از ملك اتراچال و خانهٔ واقعه در میان قاپی که در خارج معین و مشخص میباشد وقطعه زمین واقعه در جنوب دربوازهٔ مشهورهٔ به بسطام و اثاث البیت از فروش و ظروف مطلقاً و طلا آلات ورخوت زنانه و سایر چیزهائیکه قابل ولایق تملیك وتملك و میراث بوده من‌القلیل والکثیر سمی‌ام‌لم‌یسم محققة کانت‌اومقدرة مظهرتاً کانت‌اومضمرة که برخالوی‌خودعالیجاه مصطلح‌معظم داشت‌بمقداریکه یکدختر حصه از تمامت سهمی ملکی مرتضی‌قلی‌آقائی وقمر بی‌بی که درپهلوی سهمی‌ملکی مصطلح مذکور بوده و میباشد از تمامت چهار دانگهٔ قریهٔ

اتراچال از آبی ودیمی و مجری‌المیاه وقنوات دائره وبائره وآبدنگ و آسیاء و مزارع و مراتع ومرابض و خانقاهه وجنگلستان و باغستان سمی‌ام‌لم‌یسم وذکراولم یذکر من‌القلیل و الکثیر توضیحاً آنکه مقداریکه یکدختر حصه از محصول آبی سهمی مرتضی‌قلی آقائی و قمربی‌بی در پهلوی حسنخان آقای مصطلح در این‌اوان موازی چهاربارشلتوك .... میشود شرط درضمن‌عقد خارج لازم مقررگردید که‌ملتزم شرعی گردیدند هریك از مصالحه و مصطلح که هرگاه از حال تحریر ورقه‌الی‌غایة پنجاه سنهٔ هلالیهٔ‌آتیه در بابت این صلح واقعه مدعی فساد شوند چه توریه بوده‌نقل‌و انتقال ... وجه اجبار وبی‌شعوری بنمایند قبل‌ازثبوت و اثبات هریك از طرفین‌مبلغ پانصد تومان وجه رایج‌الحال بدیگری دادنی بوده باشند و یا اینکه بتوکیل‌الغیر از مال مدعی نقل بخود نماید بعد از زحمت زیاد و تقلا وتلاشی اینمقدار ازشلتوك... بجهة مدد معاش ملك ومال نوش‌گردیده که نوش‌جان فرماید وصیغهٔ مصالحهٔ‌صحیحهٔ صریحه بینهما بالوکالة الشفاهیه ایجاباً و قبولاً عربیاً و فارسیاً بتاریخ بیست وششم شهر جمادی‌الثانیه من مورخهٔ سنهٔ ۱۳۱۶ هجری‌جاری گردیده .

[بربالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قداجریت الصیغةالمصالحة الصخیحةالشرعیةبوکالة شفاهیه‌عن المصطلح والمصالحه علی‌النحو المسطور فی‌الورقة لاربعة ایام بقین من جمیدی‌الثانیه ۱۳۱۶ .

[جای‌مهر][2]

هو المستعان

اقرت واعترفت بعدماکانت معروفة بمافیه‌کمافیه لدی فی‌التاریخ.

[جای مهر][1]

۱ـ مهری بیضی باسجع : «عبده الراجی ابراهیم الحسینی». ۲ ـ مهری بیضی بزرگ باسجع : «عبده‌الراجی‌محمد رحیم».

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

صحیح معتمدفی مداوله‌ومفاده علی‌حده‌واستعداده‌فلیعمل علیه ولایتخلف‌عنه حررته فی ذی‌قعدةالحرام ۱۳۱۶. [جای مهر][1]



مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۱۶ ه. ق.

در این سند نوش‌آفرین خانم دختر محمد بن محمد حسن آقای قاجار تمامت نصفهٔ یك دختر حصهٔ سهمی و موروثی امی خود را از چهار دانگ قریهٔ اتراچال به بدل المصالحه مبلغ چهل تومان وجه ریال جدیدالضرب چرخی رواجی مظفر الدین شاهی ریالی یك مثقال وزن ده عدد یك تومان به‌غلام حسین‌خان پسر کربلائی محمد رحیم‌خان قاجار قراسپانلو مصالحه کرده است.

باعث برتحریر و تسطیر این ارقام خجسته‌فرجام آنستکه درکمال صحت و میل و شعور و ادراك ورغبة و اختیار بلاشائبهٔ عنف و ... واجبار مصالحهٔ صحیحهٔصریحهٔ جازمهٔ منجزهٔ ملیهٔاسلامیهٔ اختیاریه نمود عفت‌پناه نوش‌آفرین‌خانم بنت‌مرحوم‌محمد ابن محمدحسن آقای‌قاجاربعالیجاه عزت‌همراه نتیجةالخوانین العظام‌مقرب‌الخاقان‌و معتمدالسلطان غلام حسینخان خلف مرحمت‌پناه علیین‌آرامگاه کربلائی محمد‌رحیم‌خان قاجار قراسپانلو تمامت نصفهٔ یکدختر حصهٔ سهمی موروثی‌وامی خود را از تمامت سهمی ملکی مرحوم مرتضی‌قلی آقائی وقمربی‌بی که در پهلوی سهمی ملکی‌عالیجاه حسینخان‌آقامیباشد ازتمامت چهار دانگ قریهٔاتراچال من‌قراءاستراباد

۱ ــ مهری بیضی باسجع: «عبده محمد طاهر ابن‌محمد».

از آبی‌ودیمی و مجری‌المیاه وقنوات دائره وبائره و آبدنگ و آسیاء ومحل‌زراعت صیفی‌کاری وشتویکاری ومراتع ومرابض وخانقاهه وباغستان وتوتستان وجنگلستان‌و سایر چیزهائیکه قابل ولایق تملیك و تملك‌است من‌القلیل والکثیر سمی‌ام‌لم‌یسم و ذکر ام‌لم یذکر من ثری الی ثریا با شرط سقوط و هبوط خیارالغبن من‌الطرفین و غبن‌الغبن‌ولو کان فاحشاً بل افحش وباامضاء واجازهٔ زوج خودمشهدی رجب آهنگر خلف مرحوم عباسعلی ببدل‌المصالحه‌مبلغ معین چهل تومان وجه‌ریال جدیدالضرب چرخی رواجی‌مظفرالدین شاهی ریالی یك مثقال‌وزن ده‌عددیکتومان مسلم ومقبوض در مجلس مصالحه و قبض و اقباض و تسلیم و تسلم در هریك از بدلین مزبورین واقع و جاری‌گردیده و مصالحهٔ مزبوره تخلیهٔ‌ید ازمقدار نصفهٔ یکدخترحصهٔ سهمی خود نموده و بتصرف مصالح معظم خود داده و او نیز تصرف مالکانه نموده وبسایر سهام خود ملحق ومنضم کرده کتصرف‌الملاك فی‌املاکهم وذوی‌الحقوق‌فی‌حقوقهم‌و له‌التصرف متی‌شاء و این‌شاء و کیف شاء مع‌شرط ضمانت درك عین مصطلحه عیناً‌ام منفعةً‌مستحقة‌للغیر برعهدهٔ‌مصالحهٔ‌مرقومه‌است‌ازعهدهٔ ضرروغرامات وارده‌برمصطلح خود برآید و صیغهٔ مصالحه بینهما بالعربیة والفارسیه ایجاباً و قبولاً بالوکالة الشفاهیه . بتاریخ غرهٔ شهری ذی‌قعدة‌الحرام من مورخهٔ سنهٔ هزاروسیصد وشانزده ۱۳۱۶هجری‌جاری‌گردید.

[برحاشیهٔ سمت راست و بالای این‌سند مطالب زیر نوشته شده‌است:]

واضح بوده باشد فی‌غرهٔ شهر شعبان‌المعظم سنهٔ ۱۳۱۷ هجری تمامت عین مصطلحهٔ مرقومهٔ متن نقل منجز شرعی‌گردیده باشرف الاخیاروالزوار کربلائی حسن ببدل‌المصالحه مبلغ چهل‌وپنج‌تومان وجه ریال جدیدالضرب چرخی مقبوض در مجلس مصالحه با اسقاط کافهٔ خیارات از طرفین و قبض واقباض و تسلیم و تسلم در هریك

از بدلین مزبورین واقع و جاری گردیدلدی الاقل. [جای سه‌مهر][1]

هو المستعان

قدوقع مافیه من‌الصلح المنجز وقبض‌البدل علی‌مازبرفیه‌لدی فی‌التاریخ.

[جای مهر][2]

قداعترف بالصلح المنجز و قبض‌البدل‌لدی لیومین مضیامن ذیقعدة‌الحرام ۱۳۱۶.

[جای مهر][3]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

صحیح‌فی‌مؤدیه معتمدفی مقتضاه فلیعمل علیه ولاتتخلف‌عنه ولقدحررته فی‌ذی‌قعدة‌ـ الحرام ۱۳۱۶. [جای مهر][4]

وقع بمارقم فیه‌لدی . [جای مهر][5]

۱ـ مهری بیضی کوچك باسجع : « مولای نجف علی» . ومهری بیضی باسجع « محمد یوسف» و مهری بیضی باسجع : « غلام دین محمد ابراهیم» . ۲ـ مهری بیضی بزرگ باسجع «عبده الراجی محمدرحیم» . ۳ـ مهری بیضی بزرگ باسجع : «عبده الراجی عبدالکریم الحسینی» . ۴ ـ مهری بیضی باسجع «عبده محمد طاهر ابن محمد» .

۵ ـ مهری چهارگوشه‌که درست نگرفته است.

۵۹

مصالحه نامچهٔ مورخ ۱۳۱۷ هـ . ق .

دراین سند ملا محمد رحیم همگی و تمامی سه دانگ مشاع ازکل ششدانگ یك باب خانهٔ واقعه در محلهٔ میدان درگذر میرکریمی استراباد راکه ملك تصرفی او وبرادرش محمد مهدی است به مال‌ـ المصالحه مبلغ پنجاه و پنج تومان وجه قران مظفرالدین شاهی جدیدالضرب معروف به مشین یك مثقالی به‌کربلائی محمدمهدی بقال مصالحه‌کرده است .

نحمدالله قبل کل مقال
و نصلی علی النبی و آل

غرض از ارتسام این ارقام خجسته‌فرجام شرعیةالانتظام آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ جزمیهٔ لازمیهٔ ملیهٔ اسلامیه نمود در حال صحةنفس و ثبات عقل بالطوع والرغبة والاختیار لابالعنف والاکراه والاجبار عالماً عامداً عالیحضرت پسندیده فطرت ملامحمدرحیم خلف مرحوم کربلائی محمدکریم بن صفرعلی بخیرالزائرین کربلائی محمدمهدی بقال خلف مرحوم مشهدی جعفر همگی و تمامی سه دانگ مشاع ازکل ششدانگ یکباب خانهٔ ملکی متصرفی مصالح واخوی اومحمدمهدی که مصطلح از جانب مرحوم پدر انتقال شرعی بدوبرادر یافته که واقعه است درمحلهٔ میدان درگذر میرکریمی محدود بحدوداربعهٔ درظهر بانضمام تمامت متعلقات شرعیهٔ آن ازعرصه و بیوتات تحتانی و فوقانی و حیاض و انهار واشجار و سایر از متعلقات مماا غلق علیه بابها و احاط به‌جدرانهامن تخوم‌الارض الی‌عنان‌السماء بمال‌المصالحهٔ معین‌ومشخص

مبلغ پنجاه‌وپنج تومان وجه قران مظفرالدین‌شاهی جدیدالضرب معروف بمشین یك مثقالی و شرط شد سقوط و اسقاط کافۀ خیارات ازطرفین حتـی خیارالغبن والغبن فی‌الغبن‌وان‌کان بالمراتب‌العالیه والمدارج‌المتعالیه ثم‌بعدذلك‌قبض‌واقباض‌وتسلیم‌و تسلم در هریك ازبدلین حقیقة لارسماً للقبالة وقوع یافته عالیمرتبه مصالح تخلیۀید از عین مصالح علیها نمود بتصرف مصطلح داد و او نیز تصرف مالکانـه در آن‌نموده ضم بسایررقبات‌خود نمودله‌التصرف فیها کتصرف‌الملاك فی‌املاکهم وذوی‌الحقوق فی‌حقوقهم متی‌شاء وکیف‌شاء وانی‌شاء و ضمان درك غبن مصطلحه برعهدۀ مصالح است‌که عندظهوره مستحقة للغیر کلاً اوبعضاً عیناً ام‌منفعةً بایدازعهدۀ بدل‌وغرامات وارده برخیرالزائرین مصطلح مرقوم‌اومن‌یقوم مقامه برآید کائناً ماکان وبالغاًمابلغ‌و صیغۀ مصالحۀ شرعیۀقطعیۀ جزمیۀ لازمیۀ ملیۀاسلامیۀ جامعه برجمیع شرائط‌وارکان‌و خالیه ازعموم خلل وبطلان‌بوکالتهما الحضوریه ایجاباً وقبولاً عربیاً وفارسیاً‌جاری‌و واقع گردید .

وکان ذلك فی‌رابع عشر شهرجمیدی الاولی‌سنه
هزاروسیصدوهیفده هجری نبوی صلعم ۱۳۱۷ .

[جای مهر][1]

[بر حواشی بالا و سمت راست عبارات زیر نوشته شده است:]

اعترف بما رقم فیه‌لدی الاقل مع قبض تمام‌البدل فی ۳ شهر جمادی‌الثانیه ۱۳۱۷ .

[جای مهر][2]

قدوقع مافیه من‌المصالحة اللازمیه بوکالة الحضوریه وقبض‌البدل‌کله لدی الاقل و قداقرت اخت‌المصالح مشهدیه لیلا بکون العین‌المصطلحة ملکاً لاخیها بصلح‌ابیهما

۱ــ دو مهر بیضی‌ناخوانا ذیل سند است.

۲ــ مهری‌چهارگوشۀ بزرگ باسجع: «العبدالجانی علینقی الحسینی».

ایاه‌حال حیوته‌لــدی الاحقروکان وقوع ذلك فی ۱۴ جمیدی الاولی ۱۳۱۷ .
[جای‌مهر][1]

اقرواعترف المصالح بالصلح و اخــذ تمام البدل فی ۳ جمادی‌الثانیه ۱۳۱۷ لــدی الاحقر. [جای مهر][2]

یوم دوازدهم شهر ذیحجة‌الحرام هزاروسیصدوهیجده مشهدی مهدی خلف مرحــوم کریم اخولی اقرار واعتراف نمود درنزداحقر که سه دانگ خانهٔ مزبوره درمتن‌ملك ومال‌کربلائی مهدی است و نیزکربلائی مهدی هم اقرار و اعتراف نمود سه دانگ همین خانه ملك و مال مشهدی مهدی است حاصــل شش دانگ خانه بین ما دونفر بالمناصفه است. [جای مهر][3]

بتاریخ ۲۴ شهرذیحجة‌الحرام سنهٔ یکهزاروسیصدوهجده۱۳۱۸ مشهدی مهدی برادر ملا محمد هم اقرارنمود سه دانگ خانهٔ‌که مشهدی رحیم‌به‌کربلائی مهدی فروخته ملك‌ومال‌کربلائــی مهدی میباشد شرعاً‌کسی حقی از آن سه دانگ ندارد .

[جای دومهر][4]

۱ــ مهری‌چهارگوشه‌باسجع: «ارزقنی شفاعة الحسین». ۲ــ مهری بیضی‌باسجع: «عبده‌محمدبن‌غلامعلی». ۳ــ مهری‌بیضی باسجع: «یعقوب الحسینی». ۴ــ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «عبده محمد». و مهری بیضی باسجع: «عبده محمد...».

۵۷

مصالحه نامچهٔ مورخ ۱۳۱۸ هـ . ق .

در این سند محمد طاهر حسینی یك دانگ و ثمن دانگ مشاع حصه ورسدی خود از ملك جهان نما را به پسر خود میرزا محمد هادی واگذار کرده است .

در تاریخ ذیل تمامت حصه ورسدی خود را از ملك جهان‌نما و متعلقات آن من‌دون اشیاء که بوده‌است به یکدانگ وثمن‌دانگ‌مشاع‌ازکل‌ششدانگ به نقل منجزشرعی واگذار نمودم نبورچشمی آقا میرزامحمد هادی ودرین تاریخ‌تمام حصه ورسدی من ملك طلق‌او است فله‌التصرف فیها متی‌شاء .

وکان ذلك بتاریخ هفتم شهر رجب المرجب ۱۳۱۸

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ سمت راست و بالای این‌سند عبارات زیر نوشته شده است .]

لایخفی‌انکه نیم‌دانگ‌از یك‌دانگ متعلق به‌خودم را فروخته بجناب میرزا آقابزرگ مفیدی و نیم‌دانگ دیگر را فروخته بجناب آقای ملاعلی‌اکبر سعدآبـادی محمد هادی . [جای مهر][2]

صحیح است. [جای مهر][3]

وقع مارقم فیه‌لدی الاحقر فی‌التاریخ. [جای مهر][4]

۱ــ مهری بیضی باسجع: «محمد طاهر الحسینی» . ۲ــ مهری بیضی باسجع: «محمد هادی‌الحسینی ۱۳۰۱». ۳ــ مهری بیضی باسجع: «محمد مهدی بن محمدطاهر الحسینی». ۴ــ مهری بیضی بزرگ باسجع: «الراجی محمد حسین ۱۳۱۰».

۵۸

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۱۹ هـ . ق .

دراین سند رقیه بانو تمامت پنج دانگ مشاع از کل ششدانگ از یك باب خانهٔ واقع در گذر سرپیر درمیان‌قاپـی مرحوم جعفرقلیخان درشهر استراباد را بمبلغ چهارده تومان وجه فضی رواجی‌معروف به مشین‌یك مثقالـی به حسینخان آقا بن مرتضی قلـی‌آقای قاجار قراموسی‌لو مصالحه کرده است.

غرض از تحریر و تسطیر این ورقـهٔ صدق ترجمه آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شـرعیهٔ لازمهٔ منجزه نمود درمعرض‌بیع بالطوع والرغبة والاختیار لابالعنف والکراهةوالاجبار عالمهٔ عامدهٔ عفت و عصمت‌پناه رقیه‌بانوصبیهٔ مرحوم نجف‌آقابن مرتضی‌قلی‌آقـا قاجارقرموسی‌لو زوجهٔدائمهٔ عالیشان‌حسین‌آقابن‌قاسم‌خان‌آقای‌دباغ‌تمامت‌نیمدانگ مشاع از کل‌ششدانگ از یك باب‌خانه سهمی موروثی خودراکه واقع است درگذر سرپیـر در میان‌قاپی مرحوم جعفرقلیخانی مسکونهٔ عم مصالحهٔ مسطوره بـا جمیع توابع ولواحق شرعیه و عرفیهٔ آن از آنچه ملکیت را سزد و شاید ونفع‌توان‌بردمن تخوم الارض‌الی‌نجوم‌السماء ومن‌دون استثناء شیء بعم‌کرام خود عالیجاه‌حسینخان آقابن‌مرتضی‌قلی آقای قاجار قرموسی‌لو ببدل‌الصلح مبلغ چهارده تومان وجه‌فضی رواجی معروف بمشین یکمثقالی المقبوض فی‌المجلس بـا اسقاط‌کافـهٔ خیارات از طرفین حتی‌خیارالغبن‌وغبن‌فی‌الغبن‌ولوکان بمدارج‌العالیة وضامن‌درك‌شرعی‌گردید مصالحهٔ مسطوره درصورتیکه عین مصطلحه‌کلاً اوبعضاً عیناً امنفعةً مستحقة للغیر برآید از عهدهٔ بدل وغرامات وارده برمصطلح برآید قبض و اقباض تسلیم و تسلم

در بدلین ازطرفین سمت تحقق یافت‌گردید عین‌مصطلحه ملك طلق مصطلح مرقوم و از برای او است انحاء تصرفات درآن کتصرف الملاك فی املاکهم وذوی‌الحقوق فی‌حقوقهم کیف‌شاء متی‌شاء بالخیر والبرکات وصیغة‌المصالحة علی‌النحو المرقـوم فی‌الورقة و بوکالة الشفاهیة عن‌الطرفین سمت جریان و تحقق پذیرفت .

وکان وقوع‌ذالك‌لصلح فی‌یازدهم ربیع‌المولود
من شهورسنهٔ ۱۳۱۹ هزاروسیصدونوزده‌هجری.

[برحاشیهٔ بالای این سند مطالب زیر است:]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

اعترف بعدالمعرفة الصلح وقبض البدل‌لدی الاقل خادم‌اهل‌العلم والعمل فی‌رابع عشرمن‌شهر ربیع‌الاول ۱۳۱۹. [جای مهر][1]

قدوقع مافیه‌بوکالت‌الشفاهیة من‌الطرفین‌مع‌قبض‌البدل‌لدی فی‌التاریخ واناالجانی.

[جای مهر][2]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدبن محمدطاهر» .
۲ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «یا امام حسن».

۵۹

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۲۰ هـ . ق .

دراین سند نورعلی سعدابادی نیم دانگ از یك دانگ ازکل شش دانگ ملك جهان‌نما را بالواحق شرعیه و عرفیه به مال‌المصالحه مبلغ پنجاه تومان وجه مشین جدیدالضرب به‌آقا محمد ولدآقاسید طاهر مصالحه نموده است.

غرض از ارتسام این کلمات شرعیةالانتظام آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ لازمهٔ منجزهٔ جامعهٔ برجمیع شرایط وارکان وخالیهٔ از عموم خلل‌وبطلان نمود خیرالحاج حاجی نورعلی سعدابادی‌الاصل شهری‌المسکن بجناب سلالةالسادات العظام‌الفخام الکرام‌آقا محمد ولد ارجمند جناب مستطاب آقائی آقاسیدطاهر سلمه‌الله‌تعالی همگی‌و تمامی نیمدانگ از یکدانگ ازکل ششدانگ از ملك جهان‌نما را با جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیه و با جمیع حقوق متعلقهٔ بآن محدودا بحدوده الاربعة المعینة من‌غیراستثناء شیء من‌الحقوق و التوابع المتعلقه از مزارع و مراتع وجنگلستان و غیرها عن‌آنچه ملکیت و حقیت‌را سزد وشاید ونفع توان برد بمال‌المصالحه مبلغ پنجاه تومان وجه مشین جدیدالضرب ریالی معروف به یك مثقال وشرط‌گردید از طرفین سقوط واسقاط جمیع خیارات خصوصاً خیارالغبن والغبن فی‌الغبن ولوکان فاحشاً بل‌افحش و بعدذلك قبض واقباض و تسلیم وتسلم در بدلین مزبورین‌صورت وقوع وتحقق پذیرفت بناءً علیه‌گردید نیمدانگ کامل ازیکدانگ ازکل ششدانگ از ملك جهان‌نما با جمیع توابع و حقوق متعلقهٔ بآن ملك ومال مصطلح معظم‌الیه

۱ــ مهری بیضی باسجع « محمد مهدی بن محمدطاهرالحسینی» .

فله‌التصرف فیهامتی‌شاء و کیف شاءبالخیر و البرکات انشاءالله‌تعالی وضمان درك عین مصطلحهٔمزبورهٔمذکوره‌بعهدهٔ خیر الحاج‌المزبورحاجی نورعلی‌است‌علی‌ماهو المقرر فی‌الشرع وصیغهٔ مصالحهٔمزبوره‌حسب‌المفصل‌بوکالهٔ شفاهیه از طرفین واقع‌وجاری گردید.

وکان ذلك بتاریخ بیست‌وچهارم شهر شعبان من‌شهور ۱۳۲۰.

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قدوقع مارقم فیه بحذافیره‌لدی الآثم فی‌التاریخ. [جای مهر][1]

اعترف الحاج بتمامت هذا الکتاب فی۲۵ شهرشعبان هزاروسیصدوبیست ۱۳۲۰.

[جای‌مهر][2]

شرف الحاج حاجی نورعلی سعدابادی اقرار بمصالحهٔ مزبوره بمبلغ مسطور و اخذ و تسلم بدل‌المصالحه نمود . [جای مهر][3]

حضرلی المصالح الحاج نورعلی و وکلنی بصوت‌جلی فی‌ایقاع کل مافیه فاوقعت عقده‌کمافیه فیمافیه واناالراقم. [جای مهر][4]

۱ــ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی علی اصغر۱۲۶۴». ۲ ــ مهری بیضی بـا خط طغرا و سجع: « وهاب الحسینی » . ۳ــ مهری بیضی با سجع «عبده‌الراجی محمدحسین ». ۴ــ مهری بیضی باسجع : «عبده مصطفی العقیلی ».

۶۰

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۲۳ هـ . ق .

در این سند نجفقلی آقا و همشیره‌اش ام‌لیلی همگی و تمامی یك سهم از سه سهم از نه سهم از هفت سهم از نیمدانگ مشاع از کل ششدانگ ملك وقریهٔ کلاجان واقع در بلوك سدن‌رستاق استراباد را و یك سهم ازسه سهم از یك دانگ و یك ثلث چهار دانگ مشاع از کل ششدانگ از مجری المیاه قنات گلخند و یك سهم مشاع از سه سهم از هفت سهم از یك سهم از دو دانگ از کل ششدانگ ملك کچزی و حق آبهٔ رودخانهٔ دهنهٔ شصت‌کلاته را بمال‌المصالحه مبلغ نودو پنج تومان‌قران‌مشین مظفرالدین‌شاهی به‌بیوك‌خان‌خلف مرحوم یوسف‌علی‌سپانلو مصالحه‌کرده‌اند .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

باعث برارتسام این [ارقام] خجسته فرجام آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ لازمهٔ شرعیهٔ جازمهٔ منجزه نمود عالیقدر نجفقلی آقای .... و همشیره‌اش عفت‌مآب ام‌لیلی خلفان مرحوم کربلائی محمدزمان بعالیجاه رفیع‌جایگاه بیوك‌خان خلف مرحوم یوسف‌علی‌آقا سپانلو همگی وتمامت یکسهم از سه‌سهم از نه‌سهم ازهفت سهم ازنیمدانگ مشاع‌ازکل‌ششدانگ‌ملك وقریهٔ کلاجان‌واقعه‌دربلوك‌سدن‌رستاق من‌قراء دارالمؤمنین استراباد با جمیع توابع ولواحق شرعیه وعرفیهٔ آن من‌المزارع والمراتع والتلال والجبال‌والعیون والأنهار والأشجارازممرومدخل واراضی عامره وغامره وازقنوات دائره وبائره‌وازمزارع صیفیه وشتویه‌وازمجری‌المیاه‌رودوحق‌آبه ازآبادی وخرابه‌و کل مایتعلق‌بها سواء سمی ام‌لم‌یسم وزبرام‌لم‌زبر بحیث لاشیء منهاشیء‌وبانضمام‌یك

سهم از سه‌سهم از یك دانگ و یك‌ثلث چهاردانگ مشاع از کل ششدانگ‌ازمجری المیاه قنات گلخند و بانضمام یك سهم مشاع از سه‌سهم از هفت سهم از یك سهم از دو دانگ از کل‌ششدانگ ملك کچزی وحق‌آبهٔ رودخانهٔ دهنهٔشصت کلاته که واقع‌و کائن است در ملك کلاجان مع مایتعلق‌بها بمال‌المصالحه مبلغ نودوپنج تومان قران مشین مظفرالدین شاهی المقبوض فی‌المجلس‌الصلح باسقاط کافهٔ خیارات ازطرفین سیماخیارالغبن‌ولو بلغ مدارج‌العالیة ومراتب‌المتعالیه وصیغهٔ صلح‌علی‌النحو المقرره فی‌الشریعة بوکالة‌الشفاهیة‌عن‌طرف‌المصالحین‌المسطورین‌والمصالح‌المسطور جاری‌و واقع شد پس گردید بمقتضای عقد صلـح و اخذ مال المصالحه اعیان مصطلحهٔ ملك طلق مصطلح مزبور ومراوراست انواع‌تصرفات مالکانه کتصرف‌الملاك فی‌املاکهم‌و ذوی‌الحقوق فی حقوقهم متی‌شاء حیث شاء وضمان درك‌شرعی عند خروجها مستحقاً للغیر کلاً او بعضاً عیناً او منفعةً درعهدهٔ مصالحین‌المسطورین است که ازعهدهٔ‌بدل‌و غرامات وارده برآن برایند واضح بوده باشد که اعیان‌مصطلحه که دریـن‌ورقه‌مسطور است نقل شده است از محمدکریم‌آقا بمرحوم کربلائی محمدزمان و از کـربلائی محمدزمان ارث رسیده بخلفان او المسما بنجف‌قلی آقا و همشیرهٔ او ام‌لیلی.

وکان‌ذلك فی‌یوم الجمعه فی‌بیست‌ودویم شهر رجب‌المرجب ۱۳۲۳.

[جای مهر][۱]

[بربالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

قد جرت صیغة‌المصالحة‌بوکالة‌شفاهیة عن‌المصالحین‌المسطورین‌علی‌النحو المسطور و عن‌المصطلح المزبور و وقع قبض‌تمام البدل لدی الاحقر فی‌التاریخ المحرر .

[جای مهر][۲]

۱ـ مهری چهارگوشه با سجع : « جلال‌الدین ابراهیم الحسینی ». ۲ـ مهری چهارگوشه با سجع : « عبده علی‌الحسینی ».

اقرا بمافیه‌لدی فی‌الرابع والعشرین من‌رجب ۱۳۲۳ . [جای مهر][1]

۶۱

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۳۳ هـ . ق .

دراین سند حاجی سید محمدطاهر یـک باب خانهٔ مسکونی خود را به پسرش آقا میرزا مهدی و خانهٔ دیگر خود معروف به‌کتابخانه را به آقا میرزا هادی وخانهٔ دیگرخود را به آقا میرزا عبدالله وخانهٔ فرزند شهیدش آقاصادق را به دو نوهٔ خودمیرزاکاظم ومیرزا تقی‌و سایـر اموال خود را به ترتیب معینی میان فرزندان خود تقسیم کرده و بدیشان مصالحه نموده است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

غرض ازتحریرآنکه حال تحریرحضرت‌مستطاب حجةالاسلام نائب‌الامام مروج‌-الاحکام حضرت حاجی‌آقا سید محمدطاهر مجتهد دامت برکاته‌العالیه بـرای تعیین وظیفهٔ اولاد امجاد والانـژاد خود بالطوع والرغبه درحال صحت معامـلات ونفوذ اقاریر بدین رویت اقدام فرمودندکه صورت آن از این‌قرار است مصالحهٔ صحیحهٔ قطعیهٔ اسلامیه فرمودندکل ششدانگ یك باب‌خانهٔ مسکونةالحال‌حضرت شریعتمدار نجل‌بزرگوارخودحضرت آقامیرزامحمدمهدی مجتهدرا واثاث موجوده درآن را از فروش‌وظروف‌ومسینه آلات‌وغیرها کائنة‌ٌ ماکانت‌را بحضرت آقای‌مرقوم‌دام‌ظله‌العالی بعوض مأخوذی‌با اسقاط‌خیارات وصیغه‌جاری‌شد ومصالحهٔ قطعیه نمودکل‌ششدانگ یکباب خانهٔ مسکونةالحال خود معروف به‌کتابخانه را باجمیع و تمامت تـوابع و لواحق آن واثاث البیت موجود در آن را بلااستثناءشیء را بفرزند محترم دیگرش

[1] ۱ـ مهری بیضی که کلمات«اللهم‌اغفر» برآن خوانده می‌شود.

جناب شرافت و جلالت نصاب آقا میرزا هادی زیداجلاله‌العالی بعوض مأخوذی و صیغه جاری شد ومصالحهٔ صحیحهٔ قطعیه نمودکل ششدانگ یکباب خانهٔ مسکونه‌ـ الحال فرزند دیگرش جناب‌مستطاب نجل‌العلماء الاطیاب آقامیرزا عبدالله‌را بجناب آقا میرزا عبدالله مذکوربعوض مأخوذی وصیغه جاری شد ومصالحهٔ صحیحهٔ قطعیه فرمودندکل ششدانگ‌یکباب‌خانهٔ معروفه بخانهٔ فرزند شهیدش آقا صادق‌راکه رقبهٔ آن بشرحی که در خارج معلوم است ملك حضرت حاجی آقا دام‌ظله‌العالـی است بدو فرزندزادهٔ محترم‌خودآقا میرزاکاظم وآقامیرزاتقی‌خلفان شهید مذکورطاب‌ثراه بعوض مأخوذی وصیغه بالاصالة والولایة من‌الجدالمذکـور دام‌ظله‌العالـی ایجاباً و قبولاً جاری شد توضیح‌تمامت سهمی‌حضرت‌حاجی‌آقا دام‌ظله‌العالی‌ازقریهٔ جهان‌نما المعلومة فی‌الخارج حسب‌نقلی‌که‌سابقاً بفرزندش آقا میرزاهادی نموده بودند ملك شرعی‌او بلادخالت احدی است وهمچنین‌دودانگ‌مشاع ازکل ششدانگ‌حق‌الارضی یکباب آبدنگ معموره درقریهٔ هاشم‌آبادرا بفرزند محترمش‌آقا میرزا هادی‌نحله و عطیه‌وهبه بلکه مصالحهٔ قطعیه بعوض مأخوذی فرمودند وهبه‌فـرمودنـد عین‌اشیاء و اسباب منقوله راکه‌خود ایشان‌خریداری فرموده بودند وملك ایشان است بآقاکاظم‌و آقا تقی‌المذکوران بعوض مأخوذی وبعد ذلك وصیت صحیحهٔ شرعیه فرمودندکـه بـاقی‌الملاك و مستغلات او ازقری و قنوات محفوره در آن و مطالبات و تمـامت تحولات ومملوکات حضرت بزرگوارایشان‌کائنةً ماکانت‌که در خارج موجود است بعد از اداء دیون محققهٔ‌ایشان‌برنه‌سهم منقسم‌شودکه دوسهم‌مال حضرت‌حجة‌الاسلام نجل بزرگوار او آقا میرزا محمد مهدی مجتهددامت‌افاداته و دوسهم مال آقا میرزا هادی ودوسهم مال آقا میرزا عبدالله و دوسهم مال‌آقاکاظم وآقا تقی بطور مناصفه‌و یك سهم‌مال صبیهٔ مرضیهٔ ایشان زوجهٔ‌دائمهٔ عالیجناب عمدة‌الارکان‌الاطیاب کربلائی آقا بزرگ باشدکه از قرار مذکور بعد ازارتحال ایشان باید معمول دارند و وصی‌و

خلیفه و قائم‌مقام شرعی خود قرار دادند فرزند ارشد بزرگوار خود حضرت‌سید‌ـ المتجهدین آقامیرزا محمدمهدی مجتهد مدظله‌العالی‌راکه متولی امور راجعه بصغار مرحوم فرزند شهیدش آقا صادق طاب‌ثراه واقدام بامور راجعه بحضرت ایشان را بعد از انتقال ایشان فرمایند مراتب بروجه صحیح شرعی در محضر جمعی از اجله علمای اعلام والامقام بمباشرت شخصیهٔ خود کمازبر واقع وعمل بمؤدی آن کماسطر لازم شرعی گردید برای تذکره که حجت شرعیه باشد قلمی شد.

وکان ذلك ثامن عشر شهر شعبان‌المعظم من شهور
سنة ثلث و ثلثین وثلثمائه بعدالالف من‌الهجرةعلی
هاجرها سلام مطابق توشقان ئیل ترکی ۱۳۳۳ .

[برحاشیهٔ سمت راست و بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

ایضاً حصه وسهمی موروثی‌خود راکه سدس‌کامل‌است ازمخلفات ومتروکات‌واموال فرزند شهیدش مرحوم آقاصادق طاب‌ثراه را کائنةً ماکانت مصالحهٔ قطعیه فرمودند بفرزند بزرگوارش حضرت آقا میرزا محمدمهدی مجتهد دام‌ظله‌العالی بعوض مأخوذی وصیغه جاری شد فی ۱۸ شهر شعبان‌المعظم ۱۳۳۳. [جای مهر][1]

بلی امر بنحوی است‌که مرقوم شده حررته فی‌التاریخ. [جای مهر][2]

واضح شد صحیح است. [جای مهر][3]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

وقع مافیه‌کمافیه بحضرةالحضرة دامت برکاته لدی الاقل خادم اهل‌العلم و العمل فی‌التاریخ. [جای مهر][4]

---

۱ مهری بیضی با سجع : « محمد طاهرالحسینی ». ۲ـ مهری بیضی با سجع : « محمد مهدی الحسینی». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «سالار اشرف ». ۴ـ مهری بیضی با سجع : «عبده محمدبن محمدطاهر» .

هو

قد وقع جمیع ماز بر وحرر فیه کمافیه من البدایة الی النهایة متناً وهامشاً بحذافیرا لورقه بمحضری فی ۱۸ شهر شعبان المعظم من شهور ۱۳۳۳. [جای سه مهر][1]

۶۲

مصالحه نامچهٔ مورخ شعبان ۱۳۳۵ هـ . ق .

در این مصالحه نامچه کربلائی علی اصغر خان یك دانگ مشاع از کل شش دانگ قنات معروف به قنات حاجی حسن را در دو دانگهٔ اتراچال به مبلغ یکصد تومان به کربلائی غلامحسین خان قاجار قراماسانلوی قاجار مصالحه کرده است.

المصـــــــالح الشـــــــارط

عالیجاه مقرب الحضرة کربلائی علی اصغرخان خلمفرحوم علیرضاخان قاجار طاب ثراه

المصـــــــطلح المشـــــــترط

مقرب الخاقان کربلائی غلامحسین خان قاجار قراماسانلوی

العیـــــــن المصـــــــطلحه

تمامت یکدانگ مشاع از کل ششدانگ قنات واقعه دراتراچال معروفه بقنات حاجی حسنی در دو دانگهٔ اتراچال بتوابعها

البـــــــدل المصالحـــــــه

مبلغ یکصد تومان وجه فضی رواجی المقبوض فی المجلس که نصفه پنجاه تومان است

۱ـ مهری بیضی باسجع «محمدباقر» و مهری بیضی دیگر باسجع: «یعقوب الحسینی» و مهری دیگر باسجع: «عبده الراجی ابوتراب العقیلی».

المـــدة الخيـــار		
ششماه کامل از تاریخ ورقه	ششماه کامل بعدالمدةالمقرره	
الشـــرط		

.... ردتمام معادل البدل الی‌المصطلح اومن بحکمه فی‌زمن‌الخیار والالزام لصلح و سقط‌الخیارثم بعدذلك قبول‌صلح منفعتی نمود در مورد استیجار مصالح از مصطلح منافع یکدانگ مزبوره را دراوقات مدت وخیار بدل پانزده تومان که درآخر خیار بدهد ودرصورت فسخ عینی قادربرفسخ‌منفعتی نسبت ببقیه دراوقات خیارتواندبود.

وکان ذلك چهارم شهر شعبان‌المعظم ۱۲۲۵ .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

عالیجاه مجدت همراه‌خان مصالح‌الشارط مزبور اقرار برصلح شرطی وصلح‌منفعتی نمود فی ۱۵ شهر شعبان‌المعظم ۱۳۳۵. [جای مهر][2]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

وقع مافیه کمافیه‌لدی الاقل خادم اهل‌العلم والعمل لاربعة خلون من شعبان ۱۳۳۵.

[جای مهر][3]

لایخفی این یکدانگ ازجمله چهاردانگ حق‌الحفری است توضیحاً قلمی‌شد فی التاریخ. [مهری نظیر مهربالا]

بسم‌الله‌تعالی‌شأنه

لزوم‌البیع وسقط الخیار حررها الاحقرالجانی فی ۸ محرم‌الحرام ۱۳۳۷.

[جای مهر][4]

۱ــ مهری بیضی با نام: «علی اصغر» . ۲ ــ مهری بیضی باسجع: «نجم‌الدین‌ــ محمد الحسینی». ۳ــ مهری بیضی با سجع : «عبده محمدبن محمدطاهر» .

۴ــ مهری بیضی‌ناخوانا.

۶۴

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۴۰ هـ . ق .

در این سند سادات درازگیسو موقوف‌علیهم قریهٔ میر محله با متولی ایشان آقای سیدابراهیم دو دانگ‌و نیم مشاع از پنج‌دانگ موقوفهٔ سادات ازکل شش دانگ قریهٔ میر محله را اجاره به آقا میرزا جعفر به بدل‌المنافع مبلغ پنج تومان وجه قران چرخی مصالحه نمودند.

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم چون مطابق‌احکام صحیحهٔ صریحهٔ صادره ازبنان‌شرع "بیان حجج اسلام و آیات‌الله‌فی‌الانام مانند حضرت‌حجة‌الاسلام آقامحمدمهدی ابن مرحوم مبرور حضرت آیة‌الله آقا حاجی محمدابراهیم کلباسی وجمع کثیری از آقایان علماء اعلام وتصدیقات صحیحهٔ مجتهدین عظام خصوص تصدیق حضرت آیة‌الله آقاحاجی محمدابراهیم کلباسی وحضرت آیة‌الله آقا حاجی سید محمدباقراصفهانی‌طاب‌ثراهما بروجوب‌اطاعت وحرمت تخلف‌از آنحکم‌محکم وحکم‌صریح جمعی‌از آقایان‌علماء اعلام طهران و جمعی از علماء اعلام استراباد ومازندران قدست اسرارهم براینکه پنج دانگ مشاع ازکل ششدانگ قریهٔ میرمحله واقعه در استراباد معمول بوقفیت بوده و هست و موقوف علیه در زمان صدور حکم سلالة السادات آقامیر موسی و آقا میرمحمدتقی استرابادی میباشند وید و تصرف عباسخان حکومت استراباد درین ملك موقوفه غصب وعدوان وخلاف شرع است و بعد از صدور احکام ... از زمان آقایان سادات موقوف‌علیهم که معروفندبسادات درازگیسوی استراباد تصرف‌درعین موقوفهٔ خود نموده واسیفاءمنافع از آن مینمودند تاآنکه بمرور دهور و ایام‌ومتصل شهور واعوام و خلاف درمبانی قواعد شرع و اسلام وقوت ایادی ظلم‌و عدوان باز

ثانیاً ملك موقوفه از ید آقایان سادات بیدغصب وعدوان مبتلا گردید و دربین آقایان سادات هم اشخاصی که قدرت برانتزاع ازغصبیت داشته باشند نبوده تا آنکه درین ایام که امیدواری اجرای احکام شرع و ترتیب اثر برمؤدای آن احکام حاصل گردید لذا آقایان سادات موقوف‌علیهم عموماً حاضر گردیده بامتولی فعلی ایشان شرف‌السادات آقا سید ابراهیم درازگیسو واسامی آقایان ازاین قراراست جناب آقا میر روح‌الله و جناب آقا میرکاظم وجناب آقا سید جعفر وآقا علی و آقا موسی وآقا حسن که عدهٔ موقوف‌علیهم منحصر بهمین اشخاص وتمام کبیراند حاضر درمجلس گردیده وباکمال ملاحظهٔ صرفه و غبطهٔ نسبة بموجودین و نسبة به‌بطون آتیه مصالحهٔ صحیحهٔ صریحهٔ شرعیهٔ منفعتیه نمودند در مورد اجاره بعمدة‌الأعزه آقا میرزا جعفر ولد اعز ارجمند عمدة‌الأعیان قدوة الأرکان آقای آقا رمضانعلی وکیل‌التجار استراباد دام‌عزه همگی و تمامی دو دانگ‌ونیم مشاع ازپنج‌دانگ موقوفهٔ سادات ازکل ششدانگ قریهٔ‌میرمحله واقعه‌دربلوك استرابادرستاق رابتوابعها الشرعیه ولواحقها العرفیه‌ازمجاری‌المیاه‌رود و شیوارات ومجاری‌المیاه قنوات‌دائره وبائره ومزارع رطبه ویابسه ومحل‌خانقاهه و آسیا و آبدنگ و توتستان و ملیارستان و جنگل‌استان وتلال ووهاد کل مایتعلق‌بها سمی‌ام‌لم‌یسم از تاریخ ورقه‌الی‌غایة یکصدوده سنهٔ‌هلالی‌قمریهٔ متوالیه به‌بدل‌المنافع مبلغ‌پنج تومان وجه قران چرخی‌مشروط باینکه مصطلح‌المنافع خود بنفسه اوبولیه بالمباشره اوبالتسبیب‌درظرف‌مدت‌دوازده‌سنهٔ‌هلالیهٔ متوالیه‌قیام واقدام‌نمایددرانتزاع نمودن پنج‌دانگ موقوفه را ازید غاصب ودادن دودانگ‌ونیم آنرا بید متولی وسایر موقوف‌علیهم و مخارج انتزاع ازشرعی و عرفی ودیوانی از یك تومان الی‌ده‌هزار تومان بعهدهٔ آقا میرزا جعفر ومن بحکمه بوده باشد و در صورتیکه مدة دوازده‌سال منقضی شود وآقا میرزا جعفر اومن بحکمه از عهدهٔ انتزاع بیرون نیاید چه تسامحاً چه‌لعذرمتولی اومن بحکمه خیارفسخ داشته باشد وهکذا هرگاه ثانیاً یا ثالثاً الی‌پنج

مرتبه انتزاع شود وبغصبیت رود در هر دورهٔ غصبیت ازبدوغصبیت الی‌دوازده‌سال آقا میرزا جعفر اومن بحکمه اولی بانتزاع خواهد بود وبعد ازانقضاء دوازده‌سال و عدم انتزاع متولی خیارفسخ خواهد داشت ومصارف انتزاعات تمام بعهدهٔ آقامیرزا جعفرومن بحکمه خواهد بود لایخفی هرگاه غصبیتی غیر از عنوانی‌که راجع‌برشتهٔ عباسخان است حادث شود مثل غصبیت‌اقتراحی مصارف و مخارج آن بعهدهٔ‌طرفین است وربطی بشرط مزبور در ورقه ندارد واین مصارف انتزاع در ورقهٔ مخصوص است برشتهٔ عباس‌خانـی من‌الصدر الی‌الساقـه و سایر مخارج و مصارف ملکی و موضوعات اربابی بهراسم و هررسم کیف ماتفق بعهدهٔ طرفین است و تصرفات دو دانگ‌ونیم وقفـی بعدالانتزاع باخود متولی وآقایـان موقوف‌علیهم است مـراتب مزبوره مطابق قوانین‌مقرره درشریعت مطهره سمت‌جریان پذیرفت ومقررات در دو نسخه ترقیم وتنسیق یافت.

وکان وقوع ذلك بتاریخ بیستم شهر ربیع‌الثانی
من شهور سنة یکهزاروسیصدوچهل‌هجری نبوی
علی هاجرهـا آلاف‌الصلوة والتحیه سنة ۱۳۴۰.

[جای دومهر][1]

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

قدصح وقوع‌ذلك عن‌الطرفین کمافیه بحذافیره وشراشره واقرمن‌المصالحین الآقـا سید ابـراهیم والآقا میرکاظم مع‌المصطلـح بـذلك‌کذلك لدی الأحقـر فی ۲۱ جمیدی‌الاولی سنة هزارو سیصدو چهل ۱۳۴۰. [جای دو مهر][2]

۱ـ مهری بیضی کوچك بانام: «محمدجعفر». ومهری‌بیضی‌وناخوانا. ۲ـ مهری بیضی باسجع: «محمدمهدی الحسینی» و مهری بیضی دیگر باسجع: «وما رسول‌الامحمد».

قدوقعت المصالحة المرقومة کمارقم وزبر فیه لدی الاقل فی ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۴۰.
[جای مهر][1]

بسم الله الرحمن الرحیم

اجریت الصیغة کما فیه مع مراعات الغبطه للبطون اللاحقه وکونها اعود وارّد شری ربیع الثانی ۱۳۴۰ وانا الاقل خادم اهل العلم والعمل. [جای مهر][2]

هو المستعان

وقع الصلح والاصطلاح بمرئی ومسمع من الاقل حسبما زبر فیه فیمافیه.
[جای مهر][3]

وقع الصلح والاصطلاح حسبما رقم فیه لدی الاقل فی التاریخ.

[مهری بیضی ناخوانا]

وقع مارقم فیه لدی. [جای مهر][4]

اجریت الصیغة حسبما زبر فی الوریقة بالتماس الطرفین فی کتابة الوقوع للشهادت به عندالحاجه فی ۲۶ فی ۱۳۴۱. [مهری بیضی و ناخوانا]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «محمد ابن محمدجعفر ۱۳۳۱». ۲ ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدبن محمدطاهر». ۳ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «محمداسمعیل».
۴ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «محمدابراهیم ابن کمال».

۶۴

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۴۰ هـ . ق .

دراین سند پس از اینکه آقایان سادات درازگیسو پنج دانگ از کل ششدانگ قریهٔ میرمحلهٔ موقوف‌علیهم را به رمضانعلی وکیل‌التجار مصالحه کردند باز منافع مستوفات و فائته تحت‌الید خود را از ابتدای تصرف و دخالت حاجی حسین امین‌الضرب طهرانی الی‌تاریخ الیوم به بدل‌الصلح مبلغ یك تومان و ده من گندم سرخ ولایتی به وکیل‌التجار سابق مصالحه کرده‌اند .

لایخفی آنکه بعد ازصلح صحیح شرعی فی‌مابین آقایان سادات ذی‌سعادات درازگیسوی استرابادو عمدة‌الاعاظم و الاعیان آقای آقارمضانعلی وکیل‌التجاردام‌مجده نسبت‌به نصف منافع تمامت پنج دانگ از کل ششدانگ قریهٔ میرمحلهٔ موقوفه برسادات درازگیسو نسبت باتیه حسب قرارنامهٔ معتبره که نسختین در ید طرفین است و از حیث متن و شرایط مشروح ومفصل است نیز محالحهٔ صحیحهٔ شرعیه نمودندآقایان اعنی جناب آقای آقا سیدابراهیم متولی وسایر آقایان موقوف‌علیهم که اسامی ایشان از این‌قرار است جناب آقای آقا میر روح‌الله جناب آقای آقامیرکاظم جناب آقـا سیدجعفر و آقـاموسی و آقا علی بعمدة‌الاعیان والاعـاظم و عمدة‌التجـار والافاخم آقای آقا رمضانعلی‌وکیل‌التجاردام‌عزه تمام منافع مستوفات‌وفائة تحت‌الید ازابتدای‌تصرف و دخالت جناب جلالتمآب آقای حـاجی حسین آقای امین‌الضرب طهرانی دام اقباله الی‌تاریخ الیوم از یك تومان الی صدهزار تومان و از یك خروار شلتوك الی‌بیست هزار خروار به‌بدل الصلح مبلغ یك تومان وجه نقد و ده‌من‌گندم سرخ ولایتی ثم‌بعد ذلك در متن عقد خارج لازم ملزم شرعی‌گردید و بصیغهٔ نذر نیز برخود واجب‌نمود

جناب آقای وکیل التجار زجراً وشکراً بر اینکه هرمقدار منافع مستوفات را که استنقاذ و استرداد نمود بعداز وضع مخارج ومصارف استنقاذ واسترداد نصف از بقیهٔ مستنقذرا بآقایان مزبورین علی قدرحصصهم تملیک مجانی نماید بمعادل یك تومان وده من گندم ودر صورت تخلف بموجب وکالت لازم فعلیه بتوکیل الغیر مسلطند آقایان که بعدازوضع مخارج استنقاذ نصف بقیهٔ مستنقذه را از مال جناب آقای وکیل التجار نقل بخود نمایند به‌بدل مبلغ یك تومان و موازی ده‌من گندم سرخ وذمهٔ اورا برای خود مسئول نمایند وصیغهٔ مصالحه مطابق قوانین مقرره بوکالت حضوریهٔ طرفین است.

وقوع و جریان پذیرفت بتاریخ چهارم شهر جمیدی‌الاولی من شهور سنهٔ یکهزاروسیصدوچهل هجری نبوی علی هاجرها آلاف التحیه ۱۳۴۰.
[جای دو مهر][1]

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

هو المستعان

اجریت صیغة الصلح و وقع الالزام فی متن العقد الخارج اللازم والتوکیل والنذر حسبما زبرفیه بالتماس من الطرفین منی کتابة الوقوع للشهادة به عند الحاجة فی ۲۶ جمیدی‌الاولی ۱۳۴۰. [جای دو مهر][2]

بسم الله الرحمن الرحیم

قدصح ذلك عنهم واعترف الآقا سیدابراهیم والآقا میرکاظم منهم حضوراً بکل ذلك کذلك لدی الاحقر تحریراً فی ۲۱ جمیدی‌الاولی ۱۳۴۰. [جای دو مهر][3]

بسم الله الرحمن الرحیم

وقع مافیه کمافیه لدی خادم اهل العلم والعمل فی التاریخ. [جای مهر][4]

۱ـ مهری بیضی با سجع « محمدجعفر » ومهری بیضی دیگر ناخوانا. ۲ـ مهری بیضی باسجع «علی اکبر» ومهری بیضی دیگر باسجع «محمد اسمعیل». ۳ـ مهری بیضی با سجع : « ومارسول الا محمد » و مهری بیضی دیگر با سجع : « محمدمهدی الحسینی »
۴ـ مهری بیضی با سجع : «عبده محمد بن محمدطاهر».

وقع جمیع مارقم فیه‌لدی فی‌التاریخ. [جای مهر][1]
وقع مارقم فیه‌لدی. [جای مهر][2]

۶۵

مصالحهٔ نامچه مورخ ۱۳۴۰ هـ . ق .

در این سند نجفقلی‌خان سرتیپ دو دانگ کامل از کل ششدانگ قریهٔ گرجی‌محلهٔ سیرکار و تمامی حصه ورسد خود را از سه قریهٔ انگرم و تمامی حصهٔ خود را ازگرجی‌محلهٔ میرزائی ومیرزینلی و دنگلان میرزینلی به بدل‌الصلح مبلغ هفتاد تومان به حاجی آقا محمدحسن مفیدی مصالحه کرده است.

الحمدلله مالك‌الاملاك و جاعل‌الافلاك التی فی تحت تصرفه‌من‌السمك [الی‌السماك] والصلوة والسلام علی‌محمد وآله‌المخاطب بخطاب‌لولاك لماخلقت‌الافلاك وبعد

غرض ازارتسام این‌ارقام شرعیهٔ‌انتظام میمنت‌نظام آنستکه مصالحهٔ صریحهٔ‌صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ جزمیهٔ ملیهٔ‌اسلامیهٔ جامعه برجمیع شرائط وارکان وخالیه ازعموم‌خلل و بطلان نمود سرکار مقرب‌الخاقان معتمدالسلطان فخرالخوانین العظام نجفقلی‌خان [3] سرتیپ حافد مرحمت‌مآب غفران‌ایاب حاجی محمدتقی‌خان هزارجریبی طاب‌ثراه بجناب مستطاب سلالة‌الاعاظم‌والاشراف حاج‌الحرمین‌الشریفین آقاحاجی آقامحمد‌حسن‌المفیدی زید عمره‌همگی‌وتمامی‌دودانگ‌کامل ازکل ششدانگ از قریهٔ‌گرجی‌محلهٔ سیرکار وتمامی حصه ورسدمصالح معزی‌الیه ازسه‌قریهٔ انگرم ارثی‌ابی‌بانضمام

۱ ـ مهری‌چهار گوشه باسجع: «محمدابراهیم‌الحسینی». ۲ ـ مهری بیضی باسجع: «محمدابراهیم‌ابن‌کمال». ۳ ـ مهری‌بیضی کوچك‌باسجع: «نجفقلی» زیر نام‌نجفقلی‌خان سرتیپ زده شده است .

مجری‌المیاه حقابهٔ انگرم ازرودخانه بقدرالحصه که درخارج سهم مصالح مشخص و معین است و نیز تمامی‌سهم مصالح از قریهٔ گرجی‌محلهٔ میرزائی و میرزینلی و دنگلان میرزینلی که حسب‌الخارج معلوم و معین است بـا تمامت متعلقات شرعیه و کافهٔمنضمات عرفیه وعادیهٔ آن ازمراتع ومزارع رطبه ویابسه وجناکل وصحاری و براری وقنوات دائره و بائره و اراضی عامره وغامره وتلال وجبال‌وانهارواشجارو غیرها ازآنچه ملکیه‌را سزد وشاید ونفع درآن متصور شود من‌تخوم‌الارض‌الی‌عنان السماء ببدل‌الصلح معین مشخصه مبلغ هفتاد تومان وجه ریال مشین جدیدالضرب بیست‌وچهارنخودی مصطلح معظم‌الیه قبول‌مصالحه بنهج مسطورفرمود ثم بعدذلك قبض و اقباض وتسلیم وتسلم در بدلین مسطورین واقع‌گردید واسقاط‌کافهٔ خیارات ازطرفین‌نمودندلاسیما خیارالغبن‌والغبن‌فی‌الغبن‌ولوکان فاحشاً بل‌افحش‌وضمان‌درك شرعی‌برعهدهٔ مصالح است‌که درهرصورت ظهوراستحقاق غیرکلاً اوبعضاً عیناًام منفعةً از عهدهٔ بدل و تمامی غرامات وارده برمصطلح . . . . خود بـرآیند عقد صلح صحیح شرعی بوکالات حضوریه از طرفین بقانون شرع سمت وقوع یافت بالخیر والبرکات‌این‌چند سطر برسبیل‌قباله نامچه‌قلمی‌گردید‌که لدی الحاجة سند و مستند بوده باشد.

کان ذلك فی‌ثامن عشر شهر جمادی‌الاخری من‌شهورسنة ۱۳۴۰ .

[جای مهر][1]

[برحواشی این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

وقع مارقم وزبرفیه‌لدی الاقل حررته فی‌التاریخ المذکور فیه وانا الآثم الخاطی.

[جای مهر][2]

۱ ـ مهری بیضی باسجع : «نجفقلی» .

۲ ـ مهری بیضی باسجع: «محمدطاهر الحسینی».

قد اقر و اعترف بمارقم فیه‌لدی الاحقر. [جای مهر][1]
وقع بمارقم فیه‌لدی الجانی. [جای دومهر][2]
قد وقع مارقم فیه‌لدی الآثم. [جای مهر][3]
قد وقع مارقم فیه بحذافیره‌لدی الآثم فی‌التاریخ. [جای مهر][4]
واقع شد. [جای دومهر][5]
واقع شد. [جای مهر][6]
قد وقع مارقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][7]

۱ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده‌غلامعلی». ۲ـ مهری‌بیضی باسجع: «محمد نصیر الموسوی» و مهربیضی دیگر باسجع: «محمد ولی». ۳ـ مهری بیضی‌باسجع: «محمدحسین ابن عباسعلی». ۴ـ مهری بیضی باسجع «عبده‌الراجی علی‌اصغر». ۵ـ مهری بیضی باسجع: «حسین‌ابن جعفر قلی» ومهری بیضی‌کوچك باسجع: «یاحبیب‌الله». ۶ـمهری بیضی باسجع: «رمضانعلی بن امیر...». ۷ـ مهری بیضی با سجع: «عبده الراجی حمید الموسوی».

٦٦

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۴۱ هـ . ق .

در این سند آقا محمدرضا یك دانگ حق‌الحفری از یك رشته قنات واقعهٔ در قریهٔ مؤمن‌آباد معروف به قنات جدید کربلائی علی را به بدل المصالحه مبلغ سی تومان وجه رایج فضی مصالحه کرده است.

غرض از تحریر و باعث برتسطیر این ورقهٔ صدق ترجمه آنستکه مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ لازمهٔ منجزه نمود سیدالعلماء والسادات آقا محمدرضا به شرف‌السادات آقا ولی‌الله درازگیسو یك دانگ حق‌الحفری از یك رشته قنات واقعه در مؤمن‌آباد معروفه به قنات جدید کربلائی‌علی را بتوابعها به بدل مبلغ سی‌تومان وجه فضی رواجی مشروط که این سی‌تومان راآقا ولی‌الله در مصرف تعمیر آن یك دانگ‌دیگر که راجع به‌آقای مصالح است صرف بنماید و درصورتی که دوسال بگذرد واقدام نکند برای آقای مصالح ومن‌بحکمه خیار است و درعقد خارج لازم شرط‌شدهرگاه بعد از خرج‌کردن این سی تومان بازقنات محتاج به خرج وتعمیر باشد ولوالی‌صد تومان در صورتی‌که سایر شرکاء به‌قدر حصه خرج بدهند آقا ولی‌الله هم برای آن یك دانگهٔ جناب آقا خرج بدهد و در سرمحصول به‌قیمت عادلهٔ قومی از عمل یك دانگ قنات برداشت‌کند ولوالی چهارسال یا ده‌سال‌بکشد وصیغه بوکالت‌حضوریه از طرفین جاری‌گردید .

هجدهم جمادی‌الثانیه هزاروسیصد وچهل‌ویك قمری ۱۴ دلوایت‌ایل .

[مهری بیضی با سجع : «عبده رضاالحسینی»]

[برحاشیهٔ بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

وقع مافیه کمافیه لدی الاقل خادم اهل‌العلم والعمل العبد فی‌التاریخ.

[جای مهر][1]

۶۷

مصالحه نامچهٔ مورخ ۱۳۴۶ هـ . ق .

دراین سند صغـرا خانم و سارا خانم باذن و اجازهٔ من‌له‌الولایـة الشرعیه و با حضور قیم‌شرعی همگی سه‌ربع‌مشاع ازیکدانگ‌ونیم ازکل ششدانگ از دورشته قنات موسومه به‌پاتوت و عباس کردی واقع درقریهٔ چوپلانی‌را به آقا ولی‌الله درازگیسو به‌مال‌المصالحه مبلغ شصت و پنج تـومان وجـه فضی چرخی دوقرانـی مصالحه کرده‌اند .

غرض ازتحریر اینکلمات‌صحیحة‌الدلالات واضحة‌البیانات آنستکه مصالحهٔ‌صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ لازمهٔ جازمهٔ منجزه نمودند عفت وعصمت‌پناهـان خدارت مآبان صغرا خانم صبیهٔ مرضیهٔ مرحوم آقا محمدعلی زوجهٔ دائمهٔ مرحوم مبرور آقـاسید صادق درازگیسو و ساراخانم زوجهٔ مرحوم آقا سیدجعفر ابن مرحوم‌آقا سید صادق باذن‌و اجازهٔ من‌له‌الولایة الشرعیه و با حضور قیم شرعی و با ملاحظهٔ صرفه و غبطه صلح شرعی نمودند بالاشاعة همگی سه‌ربـع مشاع از یکدانگ‌ونیم ازکـل ششدانگ از

۱ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبده محمد بن محمدطاهر».

دو رشته‌قنات موسومه‌بقنات پاتوت وعباس کردی واقع‌درطرف شرق قریهٔچوپلانی واقع در بلوك استرابادرستاق که از سهمی‌صغارخودشان که مسمی بخدیجه وآقاسید رضا است من بـاب حق‌الحفری این دوصغیر متصرف وذی‌الید می‌بـاشند ازپشته و پیشان و پالانهای منصوبه وردیهای متعلقهٔ بهریك از دو رشته و حق‌اولویت و هریك از دو رشته من دون‌استثناء شیء من‌الحقوق المتصرفه بهریك از دورشته را بجناب مستطاب سلالةالسادات آقا ولی‌الله ولد ارجمند جناب آقا سید ابـراهیم درازگیسو بمال‌المصالحه مبلغ شصت پنج تومان وجه فضی رواجی‌چرخی دوقرانی‌سلطانی با شرط سقوط واسقاط کافهٔ خیارات و خیالات متصورهٔ شرعیه خصوصاً خیارالغبن فی الغبن‌ولو بلغ بمدارج العالیه بل‌متعالیه من طرف‌المصالحات بهزارتومان ومن طرف جناب‌المصطلح بیك‌تومان که‌شرعاً هیچ طرف حق‌فسخ ندارند وضمانت درك‌شرعی گردیدند هر یك از مصالحات نسبت بهر یك از دورشته و نسبت به‌حصه و رسـدی صغارخودشان که هرگاه عیناً یامنفعتاً جزءً یاکلاً یاطراً مستحقاً للغیر برآید ازعهدهٔ غرامات وخسارات وارده برجناب‌آقای‌آقا ولی‌الله مصطلح برآیند وجواب‌بدهند و قبض و اقباض در بدلین درمحضر مبـارك من‌له الولایة الشرعیه وقیم شرعی هـردو صغیر جناب مستطاب حاجی‌الحرمین الشرفین حاجی آقا شیخ محمدعلی بالاجادی واقع گردید و هر یك تصرف در بدل خود بااذن و اجازهٔ حکومت شرعیه نمودنـد پس‌گردید سه ربـع مشاء از دو رشته یکربع نصف ربع مـی‌شود ملك طلق جناب آقای آقاولی‌الله مصطلح وتصرف درملك‌خود درحضورحکام شرع شریف‌نمودند و صیغهٔ شرعیهٔ صلح مذکور واقع و جاری گردید.

وکان فی‌التاریخ یوم چهاردهم شهر شوال ۱۳۴۶.

[بر حاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقعت المصالحة المرقومه مع القبض البدل المسطور لدی الأقل فی التاریخ.

[جای مهر][1]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «محمدابن محمدجعفر».

بخش هفتم

استشهادنامچه

۱

استشهادنامچهٔ بدون تاریخ (ظاهراً در حدود سنهٔ ۱۰۰۰ هـ. ق.)
در این ورقـهٔ استشهاد از جماعت حـاجیلر ومیان‌بلوك و اکـراد خواسته‌اندکه نظرشان را دربارهٔ زراعت شالی درقریهٔ سوخته‌سرا پیش از ایام نادر، ذیل ورقه بنویسند.

استشهاد و استفهام [و] استعلام [و] استخبار می‌رود از زبان جماعة حـاجیلر ومیان‌ـبلوك واکراد وغیره‌برآنکه هرکسی برچگونگی‌زراعت شالی‌قریهٔ سوخت‌سرا پیش از ایام نادرکرده [و] پرداخته علم و اطلاع داشته باشد شهادت‌خود را درین‌صحیفه ثبت نموده‌که بردیوانیان عظام ظاهرومبرهن‌بوده باشد ان‌الله‌لایضیع اجرالمحسنین.

[برحاشیهٔ پایین و سمت راست این استشهادنامچه عبارات زیـر نوشته شده است :]

بنحوی‌که در متن قلمی شد بیان واقعست و خلاف نـدارد جمشید وطنی.

[جای مهری چهارگوشه و ناخوانا]

بنحوی‌که در متن قلمی شده بیان واقعست و خلاف ندارد محمد قانچی.

[جای مهر][۱]

۱ـ مهری بیضی که کلمات «عبده محمد» برآن‌خوانده می‌شود.

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقعست و خلاف ندارد امیررستم قانچی.
[جای مهر][1]

محمدرضا قانچی. [جای مهر][2]
اروج قلی قانچی. [جای مهر][3]
حسن ابن‌قاسم قانچی. [جای مهر][4]
خداقلی قانچی ، میرزا جمال قانچی ، محمد باقر قانچی. [5]
از زبان جمعی کدخدایان قانچی استماع نمودم بیان واقع است و خلاف ندارد
حاجی محمدهادی قانچی. [جای مهری چهارگوشه و ناخوانا]
از زبان جمعی کدخدایان قانچی استماع نمودم بیان واقعست العبدنیازقلی‌قانچی.
[جای مهر][6]
بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلاف ندارد محمدهادی قانچی .
[مهری بیضی و ناخوانا]

علی‌نقی قانچی. [جای مهر][7]
محمدعلی قانچی ، محمدخان قانچی.
شهادت به‌اقامت می‌رساند حسین ناتلی بر آنکه قبل از ایام نادر کمترین در سن

۱ـ مهری چهارگوشه که کلمات « عبده میر رستم » بر آن خوانده می‌شود . ۲ـمهری‌چهارگوشه که کلمات «عبده محمد رضا» بر آن‌خوانده می‌شود. ۳ـ مهری شش ضلعی که کلمات «اروج قلی» بر آن خوانده می‌شود . ۴ـ مهری چهارگوشه با سجع : « پیرو دین نبی حسنعلی». ۵ـ ازتکرار جملهٔ « به نحوی که در متن قلمی شده بیان واقعست » خودداری شد . ۶ـ مهری چهارگوشه با سجع: « افوض امری الی‌الله عبده نیازقلی » . ۷ـ مهری چهارگوشه با سجع : « یا امام علی بن موسی‌الرضا ».

ده دوازده بودم که پدرم در زیر پرسمیان زراعت شالی نموده بود. [جای مهر][1]
بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقعست و خلاف ندارد محمد قلی زردی.
[جای مهر][2]

حسینعلی میان‌بلوکی. [جای مهر][3]
محمدقلی باطنی. [جای مهر][4]
حسن‌بن‌حسن کلائی ، سید محمد کلائی، محمد وطنی.
شهادت به اقامت می‌رساند سعادت‌پناه کربلائی میرمحمدتقی درودی که قبل از ایام نادر درآدش سوخت‌سرا زراعت شالی نموده منافع آنرا مالکان‌سوخت‌سرا بازیافت نموده‌اند. [جای مهر][5]
بنحوی که درمتن قلمی شده بیان واقعست وخلافی‌ندارد محمدعلی‌سوخته‌سرائی.
[جای مهر][6]
سمعت من الشاهدین المعتبرین انذلك‌كذلك اقل طلبه میرزا علی ساکن‌قانچی.
[جای مهری بیضی وناخوانا]
بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقعست وخلافی‌ندارد گنجعلی جهانبگلو.
شهادت به اقامت میرساند ملامحمدشفیع که قبل از ایام نادر درآدش سوخته‌سرا زراعت شالی نموده ومنافع آنرا مالکان سوخته‌سرا بازیافت نموده‌اند خلافی‌ندارد.
[جای مهر][7]

۱ ــ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده حسین بن محمد ناتل». ۲ــ مهری بیضی باسجع: «دارد امید شفاعت زمحمد قلی». ۳ــ مهری‌چهارگوشه‌باسجع: «عبده حسینعلی میان‌بلوکی». ۴ــ مهری بیضی با سجع: «عبده محمدقلی باطنی» . ۵ ــ مهری چهارگوشه‌باسجع: «داردامید شفاعت‌زمحمدتقی». ۶ــ مهری‌چهارگوشه باسجع: «عبده محمدعلی‌سوخته‌سرا». ۷ــ مهری چهارگوشه باسجع: «دارد امیدشفاعت زمحمد شفیع».

۲

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۰۰۵ ﻫ . ق .

در این استشهادنامچه از سادات وموالـی و ارباب و کدخـدایان و ریش‌سفیدان بلده و بلوکات دارالمؤمنین استراباد خواسته‌اند کـه اطلاع و آگاهـی خود را دربارهٔ حقابهٔ قریهٔ چـوپلانی و دربارهٔ اینکه احدی را دراین‌حقابه با ایشان شرکتی‌نبوده است بنویسند.

استشهاد و استعلام و استخبار میرود از جماعت سادات وموالی و ارباب واهالـی‌و کدخدایان وریش‌سفیدان وجمهور سکنه وبلده‌وبلوکات ولایت دارالمؤمنین‌استراباد صانها[الله] عن‌التفرقة والشروالجور والفساد برآنکه‌آگاهی واطلاع داشته باشندکه حقابهٔ قریهٔ معروفـهٔ چوپلانی من‌بلوك استرابادرستاق راکه درینوقت رعایای قریـهٔ اشتامهین آنرا دزدیده‌گاهی‌شب وگاهی بروزمیکشند ونقصان بزراعت قریهٔ مذکوره بخلافحساب میرسانند و از قدیم‌الایام تاحال مالك و رعایاءقریهٔ اشتامهین‌رادرحقابهٔ چوپلانی‌دخلی وشرکتی‌نبوده و همه‌ساله رعایا و مالکان قریهٔ چوپلانی آب‌مذکور بعنوان حقابهٔ خود متصرف بوده بقریـهٔ مذکوره میبرده زراعت می‌نمودند و احدی را درآب مذکوره باایشان دخلی‌وشرکتی نبوده هرکسی‌که بمضمون واقف‌ومطلع بوده‌باشداسم‌شریف‌خودرا درحواشی‌این‌صحیفهٔ میمونه مرقوم سازدکه عندالله وعند رسول ضایع نخواهد شد

کسی نیك بیند بهردوسرای　　　که نیکی رساند بخلق‌خدای.

تحریراشهر صفر ختم بالخیر والظفر سنة ۱۰۰۵

[عبارات زیر برپایین و سمت راست این‌استشهاد نامچه نوشته شده است:]
مضمون مذکور بیان واقعست وخلاف‌ندارد العبد الأقل عبدالکریم‌بن محمد شاه .
[جای مهر][1]
مضمون مسطور بیان واقعست و خلاف ندارد العبد الأقل شاه‌محمد کربلائـی .
[جای مهر][2]
مضمون مسطور بیان‌واقعست خلاف ندارد حرره‌العبدالأقل میرعلی‌ولد میرمرتضی تلو کلای .
مضمون مذکـور متن بیان واقعست و خلاف ندارد گـدا علی‌ترنگ .
[جای مهر][3]
مضمون مسطور متن بیان واقعست و خلاف ندارد محمدصالح کـرم‌دار.
[جای‌مهر][4]
مضمون مسطور بیان واقعست العبدملک‌حسن اوقدی تلو کلای .
مضمون مسطور بیان واقعست العبد حسن‌علی شانه‌بند شمرودی . [جای مهر][5]
مضمون مسطور بیان واقعست العبد سلطان کربلائی‌تلو کلای.
آنچه پـرسیده معلومست و چنان است در زمـان اجارهٔ سیادت‌پناه میرمحمد حسین گفته شدمردم چوپلانی تصرف نمودند حق‌بجانب‌مردم چوپلانی‌بود ومتصرف‌شدن العبد سلطانعلی تات.
مضمون مسطور بیان واقعست خلاف ندارد العبدالأقل میرزا محمد تجری‌ساکـن تلو کلاته.

۱ـ مهری بیضی باسجعی ناخوانا . ۲ـ مهری بیضی باسجع : «عبده محمد» .
۳ـ مهری بیضی کوچك با سجع: «عبده گداعلی». ۴ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «دارد امید شفاعت دمحمد مؤمن». ۵ـ مهری بیضی‌با سجع: «عبده‌الراجی‌حسن علی».

مضمون مسطور بیان واقعست وخلاف ندارد العبد ملك محمد میرحاج ساکن...
[جای مهری ناخوانا]

مضمون .سطور بیان واقعست ملك رستم شعبان ساکن ترنگ.

مضمون مسطور بیان واقعست و خلاف ندارد سیادت پناه میرمحمد باقر کیقبادی .

مضمون مسطور بیان واقعست خلاف ندارد العبد الاقل میرمحمد ابن میرمحمد جعفر .

بمضمون مسطور اداء شهادت نمود ملا ابراهیم عماد ساکن مرزبانکلاته .

سمعت هکذا مافی الصحیفة و انا العبد الاقل کمال الدین. [جای مهر] [1]

هو

شاهدم پیش خدا و رسول خدابندهٔ کمترین علی بن حسین دعوای رعایای قریهٔ اشتامهین در بارهٔ حق آب قریهٔ چوپلانی در آن خلاف نیست ؛

۱ـ مهری کوچك بیضی باسجع: «عبده کمال الدین».

۴

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۰۰۵ هـ . ق .

در این استشهادنامچه از سادات و موالی و اربابان و اهالی و کدخدایان که اطلاع دارند قریهٔ علوی کلاته و قریهٔ چوپالانی وقف بر اولاد است و خرید آن با تعدی علیار بیگ خلاف شرع انور است خواسته‌اند که علم و اطلاع خود را در زیر این ورقه بنویسند .

استشهاد و استعلام میرود از سادات و موالی و ارباب و اهالی و کدخدایان دارالمؤمنین استراباد حفظها الله تعالی عن التفرقة و الفساد که شاهدند بر آنکه سیادت‌پناه مغفرت ـ دستگاه میرابراهیم چوپالانی در حال صحت نفس و ثبات عقل قریهٔ معروفهٔ علوی ـ کلاته و قریهٔ چوپالانی را که واقعند در بلوك استرابادرستاق من اعمال دارالمؤمنین استراباد و ملك مومی‌الیه بوده وقف کرده بر اولاد خود و اولاد اولاد خود بطناً بعد بطن و قرناً بعدقرن و وقف‌نامچه رابمهرشریف سادات رفیع‌الدرجات و صدور عظام و قضاة اسلام اردوی معلی مزین و محلی گردانیده و بعد از فوت واقف مشارالیه بیع و شرای که واقع شده بعنف و تعدی بوده و خریدن حکومت‌پناه علیار بیگ آنرا موافق شرع انور نبوده هرکس برین مضمون مطلع باشد اسم شریف خود را درین وثیقه ثبت نماید

وکان ذلك فی شهر ذی‌قعدة‌الحرام سنة خمس و الف.

[برحواشی این استشهادنامچه مطالب زیر نوشته شده است:]

هو ثبت مضمون الوقفیه من اوله الی آخره کماهو المکتوب لدی العبد کمال‌الدین بن عبدالرحیم الحسینی عفی عنهما. [جای مهر][1]

۱ـ مهری گرد که کلمات « وعصمتی ..... العبد کمال‌الدین حسین الحسینی» بر آن خوانده می‌شود .

صورت حال بیان‌واقع است العبد عبدالله‌ابن کمال‌الدین حسین‌الحسینی‌عفی‌عنه .
[جای مهر][۱]
ثبت مضمون الوقفیة‌المذکوره لدی باعتراف‌الواقف المشار الیه فعلی هذا عدم‌جواز المبایعة المذکوره مستغن عن‌البیان بموانع محمدباقر الحسینی‌عفی‌عنه.
[جای مهر][۲]
صح‌مضمون المسطور من‌اوله‌الی‌آخره کما هـو المکتوب عندی کتبه العبدالاقـل صدرالدین محمدبن محمدباقر الحسینی عفی‌عنهما. [جای مهر][۳]
ثبت مضمون الوقفیة‌المزبوره لدی‌باخبار جمع من‌الثقاه و مع‌هذالاشك فی‌عدم‌صحة البیع المذکور حرره العبد عزالدین‌محمد الانصاری عفی‌عنه وعن‌والدیه .
[جای مهر][۴]
لاشك فی‌بطلان بیع‌المذکور العبد علاءالدین بن‌محمد العقیلی. [جای مهر][۵]
مضمون مسطور بیان واقع است العبد محمدبن ابوالمحسن‌نور.
صح‌مضمون المسطور من‌اوله‌الی‌آخـره کماهوعندی العبد جمال‌الدیـن حسن‌بن کمال‌الدین حسین عفی‌عنهما. [جای مهری‌گرد وناخوانا]
صح مضمونه‌لدی حرره العبد غیاث‌الدین علی بن کمال‌الدین‌حسین‌بهرام‌عفی‌عنهما.
[جای مهری‌گرد ناگرفته و ناخوانا]

۱ـ مهری گرد باسجع : «الله محمد علی الفقیر عبدالله الحسینی» . ۲ـ مهری گرد که‌کلمات « محمدباقر الحسینی ابن» بر آن خوانده می‌شود. ۳ـ مهری‌گرد کـه کلمات «لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی‌ولی‌الله صدرالدین‌محمدالحسینی» برآن‌خوانده‌می‌شود.
۴ـ مهری بیضی‌کوچك‌باسجع: «لااله الاالله عبده عزالدین‌محمد انصاری». ۵ـ مهری گرد که دروسط‌آن‌چهارگوشه‌ای است باسجع: «عبده‌الفقیرابن‌محمد عقیلی» و در چهار ضلع خارجی مربع دو به دو «محمد حسن علی» و « محمد حسین علی » نقر شده‌است.

من الشاهدین مولانا مظفر انصاری.
شهد بمضمونه العبدالاقل شاه‌علی اللهم سترعیوبهما. [جای مهری بیضی و ناخوانا]
حرره العبدالاقل عزالدین حسین بهرام غفر ذنوبه. [جای مهری بیضی و ناخوانا]
و ماشهدنا الا بمـا علمنا و انا العبدالاقـل عبـدالله بن محمود کفشگر عفی عنهما.
صورت حال بیان واقع است العبد معین الدین محمد الحسینی. [جای مهری ناخوانا]



استشهادنامچهٔ مورخ ۱۰۹۵ هـ. ق.

در بارهٔ وقفیت قریهٔ چوپالانی و بطلان اجارهٔ امیر کمال‌الدین محمود این قریه را به مدت پانزده سال که خلاف شرط وقف است در این وقت که امیر کمال‌الـدین محمود فوت شده، اجاره کـردن ملك از مستأجر او خلاف شرع است زیـرا پس از مرگ او طبق وقفنامه ملك وقف به فرزندان او می‌رسد.

استشهاد و استعلام و استخبار می‌شود از جماعهٔ سادات و موالی و ارباب و اهالی و کدخدایان بلده و بلوکات دارالمؤمنین استراباد صانها الله عن التفرقه و الفساد بر آنکه مطلع باشند که سیادت و مرحمت دستگاه میر روح الله الحسینی قریهٔ چوپلانی مذکور را سیادت پناه میرغیاث الدین محمد باولاد وقف نموده و شرط کرده بود که زیاده ازسه سال باجاره ندهند و تبدیل نکنند و به صداق ندهند و والدهٔ امیر کمال‌الدین محمود همشیرهٔ سیادت دستگاه میرغیاث الدین محمد مومی الیه است و قریـهٔ مذکوره را به عنوان وقفیت متصرف بود و امیر کمال‌الدین محمد مذکوره بوکالهٔ والدهٔ خود قریهٔ وقفی مذکور را بمدت پانزده سال بجمعی باجاره داده بود ودرینولا امیر کمال‌الدین ـ محمود مذکور فوت شده و وارث او منحصر است در دوپسر صغیر ویکی کبیرو یك

صبیهٔ صغیره و زوجهٔ دائم و متروکات اوسوی قریهٔ مذکوره که وقف است به چهل سهم بین‌الورثه منقسم شود حسب‌الدیل وهرکس خواهدکه قریهٔ وقفی مذکور رااز مستأجر امیرکمال‌الدین محمود مذکور اجاره کند خلاف‌شریعت مقدس‌است ومستند باجاره دادن امیرکمال‌الدین محمود مذکور نمی‌تواند شود الحال قریهٔ مذکوره تعلق باولاد امیرکمال‌الدین محمود مذکور دارد هرکسی برمضمون وقفیت قریهٔ مذکور واقف بوده باشد و دانندکه مستأجران امیرکمال‌الدین مذکور قریهٔ مذکوره را باحدی اجاره نمی‌توانند داد اسم شریف خود را درحوالی و حواشی این مکتوب مثبت و مرقوم‌گردانندکه عندالله وعند رسول‌الله ضایع نخواهد بود.

تحریرا فی‌شهر رجب‌المرجب سنة ۱۰۹۵ .

ملـــــــــــک

امیرکمالـــــــدین محمـود

وارث

ابــن	ابــن	بنــت
۱۴ سهم	۱۴ سهم	۷ سهم

زوجـــــــــــه

۵ سهـــــــم

[برحاشیهٔ سمت راست و بالای این استشهادنامچه مطالب زیر نوشته شده است :]

داعی دولت قاهرهٔ باهره محمدصالح معلم ازجمع کثیرشنیدم که قریهٔ مذکوره وقف است العبد. [جای مهر][1]

مضمون مسطور بیان واقع است العبد ... الحسینی. [جای مهر][2]

۱ـ مهری گرد و ناخوانا.

۲ـ مهری بیضی کوچك که کلمهٔ « الحسینی » برآن خوانده می‌شود .

من الشاهدین علی‌ذلك حاجی‌الحرمین حاجی محمد یوسف. [جای مهر][1]
مضمون مسطور واقع است العبد محمدرضاء الموسوی . [جای مهر][2]
ذرهٔ بیمقدار سلطانمحمدالحسینی از میرکمال‌الدین محمود مغفور شنیدم‌که قریهٔ چوپالانی وقف خال منست علی‌طریق وقف نامچهٔ مزبور . [جای مهر][3]
شاهدم وگواهم کمینه العبد حافظ محمد معرف و در این‌خلاف نیست .
از سیادت‌پناه مرحومی میرکمال‌الدین محمود و جمعی کثیر شنیده‌ام قریهٔ چوپلانی وقف‌است وخلاف ندارد .
آنچه بربنده ظاهرست این‌که والدهٔ میرکمال‌الدین محمود وقفیت قریهٔ مذکور بعنوان وقفیت متصرف بود حرره العبد محمد امین‌الحسینی‌سماکی.
کذااسمعت‌من‌الکثیرین حرره‌العبدالاقل‌الداعی‌ابن‌ابراهیم...محمدشریف‌الحسینی.
راقم این حروف وقفیت قریهٔ مذکوره را از حضار عظام‌کرام سیما سیادت و نقابت پناهین عم مرحوم مغفور معه‌شیخ‌الاسلام مرحوم وحضرت سیدرضوی میرزا باقر و دیگر اعزهٔ‌کرام بکرات شنیده و بنده برمضمون شاهداست حرره العبدالراجی الی الله عفی عنه غیاث‌الدین محمدنیازالحسینی. [جای مهر][4]
بندهٔ‌کمترین بهرام‌بن جمال‌الدین حسن بهرام چنین استماع نموده‌ام ازجمعی‌کثیر مردم چوپالانی وقف است و سیادت پناه مرحوم بعنوان وقفیت متصرف بود ...
[جای مهر][5]
بندهٔ‌کمترین رکن‌الدین محمدالحسینی از جمع کثیر شنیده‌ام‌که قریهٔ مذکوره وقفست وخلاف نیست . [جای مهری‌گرد و ناخوانا]

۱ـ مهری بیضی با سجع : «عبده محمد یوسف». ۲ـ مهری بیضی با سجع : «عبده محمدرضا الموسوی» . ۳ـ مهری بیضی با سجع: «عبده سلطان‌محمدالحسینی».
۴ ـ مهری بیضی که کلمات «غیاث‌الدین محمدالحسینی» برآن خوانده می‌شود .
۵ـ مهری‌گرد وناخوانا.

قریهٔ چوپالانی وقف است و بهر کس که میر کمال‌الدین محمود اجارهٔ قدیمی داده است باطل است و اجاره دادن میر کمال‌الدین محمود مستند نمی‌توان‌شود الداعی لدولةالقاهره... الحسینی‌عفی‌عنهما. [جای مهر][1]

۵

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۱۴۳ هـ . ق .

در بارهٔ اینکه مقبرهٔ پیر حدوسامان اراضی سوخته‌سرا و مزرعهٔ سمیان است و مافوق مقبرهٔ مذکور اراضی‌سوخته‌سرا وما تحت آن مزرعهٔ سمیان است اما در این وقت وزیر محال حاجیلر از سامان قدیم که مقبرهٔ پیر است تجاوز نموده است.

استشهاد و استخبار و استعلام میرود از جمهور سکنه و متوطنین محال کبود جامه و میان بلوك ورامیان وغیره که از قدیم‌الایام الی‌الآن قریهٔ سوخته‌سرا ملك مورثی‌ملاك قریهٔ مذکوره بوده از مقبرهٔ پیرمشهور [به‌پیر بالا] ... قدیم او بوده و مافوق مقبرهٔ مذکورهٔ سوخته‌سرا وماتحت‌آن مزرعهٔ سمیان بوده و درین وقت‌وزیرمحال‌حاجیلر از سامان قدیم که مقبرهٔ پیر است تجاوزنموده خیلی از اراضی سوخته‌سرا را دعوی می‌نماید که داخل مزرعهٔ سمیان است هر کس از مؤمنین خیراندیش علم واطلاع داشته باشد که سامان فیمابین سوخته‌سرا وسمیان مقبرهٔ مذکوره است و مافوق مقبره الی الآن در تحت تصرف ملاك سوخته‌سرا بوده و کسی تا حال با ایشان در آن خصوص حرفی و دعوی‌نداشته باید که شهادت خود را درذیل وحواشی این‌صحیفه قلمی‌نماید که عندالحاجت حجت بوده باشد.

تحریرا فی‌شهر شعبان‌المعظم سنة ۱۱۴۳.

۱ــ مهری گرد و ناخوانا.

[برحواشی این استشهادنامچه عبارات زیر نوشته شده است :]

بنحوی که درمتن[قلمی‌شده] ازمقبرهٔ پیربالا ملك موروثی [مالکان] قریهٔ سوخته‌سرا است و از قدیم‌الایام درتصرف [مالکان] قریهٔمذکور است بیان واقع استوخلافی ندارد قربان. [جای‌مهری بیضی و ناخوانا]

مضمون مسطور بیان واقعه است و خلافی نداردکه ازمقبرهٔ پیربالا ملك مالکان قریهٔ سوخته‌سراست و بتصرف ایشان دیده‌ایم محمدولی سوخته‌سرائی.

[جای مهری بیضی و ناخوانا]

بموجبی که نوشته شده بیان واقع است و خلافی نداردکه ملك موروثی مالکان قریهٔ مذکور است و بتصرف مالکان قریهٔ [مذکور] دیده‌ایم...

بنحوی که درمتن [قلمی شده] مقبرهٔ پیربالا را ... قریهٔ سوخته‌سرا دیده‌ایم... است بیان واقع است و خلافی ندارد... [جای مهری چهارگوشه و ناخوانا]

بمضمونی که نوشته بیان واقعست و خلافی ندارد که ملك موروثی مالکان قریهٔ مذکور است و بتصرف ایشان دیده‌ام محمد ناطلی .

[جای مهری چهارگوشه و ناخوانا]

بموجبی که[نوشته شده] بیان واقع‌است که قریهٔ [سوخته‌سرا]تیول کمترینان‌بوداز... نگذشته‌ایم وملك موروثی مالکان قریهٔ سوخته‌سراست محمدعلی ابدالو.

[جای مهر][1]

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلافی نداردکمترین علم قطعی‌دارم که ملك موروثی‌مالکان قریهٔ سوخته‌سرا است ملا خلف جهان‌بگلو.

[جای مهری بیضی و ناخوانا]

مضمون مسطور متن بیان واقع است و خلافی نداردکه از مقبرهٔ پیربالا را بتصرف مالکان قریهٔ سوخته‌سر دیده‌ام کربلائی امامقلی ابدالو.

۱ــ مهری چهارگوشه که کلمهٔ «محمد» برآن خوانده می‌شود.

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلافی ندارد کـه کمترین از مقبرهٔ پیربالا را بتصرف مالکان قریهٔمذکور دیده‌ام و ملك موروثی‌ایشان است کربلائی شیرخان جهان‌بگلو. [جای مهری چهارگوشه و ناخوانا]

بمضمونی که در متن قلمی‌شده بیان واقع است وخلافی ندارد که ملك مورثی‌مالکان قریهٔ مذکورست کمترین اطلاع دارم عاشورعلی اسمعیل حاجلو.

[جای مهر][1]

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع‌است و خلافی ندارد که بتصرف مالکان‌قریهٔ مذکور دیده‌ام وملك موروثی ایشان است ولیقلی حاجلو.

[جای مهری بیضی و ناخوانا]

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلافی ندارد که کمترین مدت سی‌و هفت‌سال ملازم‌بوده‌ام ومزرعهٔ سمیان‌بتحویل کمترینان‌بوده‌ازمقبرهٔ پیربالانگذشته‌ام‌و ملك موروثی مالکان قریهٔ سوخته‌سراست کربلائی محمدزمان ابدالو.

[جای مهر][2]

بموجبی که در متن نوشته شده بیان واقع است و خلافی ندارد کمتریـن علم قطعی دارد که ملك موروثی مالکان قریهٔ مذکور است آصف جهان‌بگلو.

[جای مهری بیضی و ناخوانا]

مضمون مسطور متن بیان واقــع است و خلافــی ندارد و کمترین علم قطعی دارم ملا رستم وطنی. [جای مهری چهارگوشه وناخوانا]

مضمون مسطور متن بیان واقع است و خلافی ندارد حق‌ویردی حاجیلر.

[جای مهر][3]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده عاشورعلی محمد». ۲ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده محمد زمان». ۳ـ مهری چهارگوشه‌باسجع: «خاك قدم علی‌حقویردی ۱۱۳۴».

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلافی ندارد العبد میر ابراهیم میان بلوکی.

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است وخلافی ندارد کربلائی میراشرف میان بلوکی. [جای مهری بیضی و ناخوانا]

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلافی ندارد کربلائی شاه‌محمد میان‌بلوکی. [جای مهری گرد و ناخوانا]

بنحوی که در متن قلمی شده حسب‌الفرمودهٔ نواب حاکم کمترین در سامان قریهٔ مذکوران رفته بتحقیق و تشخیص از حوالی و حواشی کدخدایان نموده که سامان قریهٔ سوخته‌سرا ازمقبرهٔ پیربالا در تحت تصرف مالکان قریهٔ سوخته‌سراست بیان واقع است و خلافی ندارد العبد دوست‌محمد عاملی. [جای مهر][1]

بنحوی که درمتن قلمی‌شده اززبان جمعی استماع نمودم که ملك موروثی ملاك قریهٔ سوخته‌سراست امام‌ویردی ترکمن حاجیلر. [جای مهر][2]

از زبان جمعی استماع نمودم که ملك موروثی ملاك قریهٔ سوخته‌سراست العبد الاقل...

[با شهادت چندتن دیگر ازشهود برحاشیهٔ سمت راست وبالاکه دراثرپارگی سند ناخواناست].

۱ ــ مهری بیضی که کلمات «عبده محمد» برآن خوانده می‌شود. ۲ــ مهری بیضی که کلمهٔ «عبده وردی» برآن خوانده می‌شود.

۶

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۱۵۶ هـ . ق .

در بارهٔ اینکه ده‌سهم از جمله بیست‌و پنج سهم قریهٔ چوپلانی ملك طلق ولدان میر روح‌الله استرابادی است که هفت سهم‌ونیم آن در اجارهٔ قاسم‌خان‌عزالدین‌لو بوده و در این وقت مدت اجارهٔ او سرآمده و دوسهم‌ونیم باقی در دست مالکان اصلی بوده است ودراین باره کسی راگفتگوئی نیست.

استشهاد و استعلام واستخبارمیرود از جمهور سادات عظام وعلماءکرام‌وکدخدایان ذوی‌الاحترام برآنکه ده‌سهم از جمله بیست‌و پنج سهم کل قریهٔ چوپلانی حق وملك طلق ولدان مرحمت‌پناه میرروح‌الله استرابادی میباشدکه هفت سهم‌ونیم آن دراجارهٔ مرحمت‌پناه قاسم‌خان عزالدینلو بمدت پانزده سال بوده‌که حال مدت مزبوره‌منقضی شده و دوسهم‌ونیم آن در تصرف مالکان و وارثان مرحمت‌پناه مزبور است‌که خود در تصرف داشته ومی‌پرداخته‌اند واحدی رادرینخصوص گفتگوئی نبوده هرکراعلم برکیفیت مراتب مزبوره بوده باشد امهارگرامی خود را درینورقه ثبت و درج‌نماید که عندالحاجه شواهد بود

کسی نیك بیند بهـردوسـرا که نیکی رسانـد بخلق خدا

وکان ذلك فی‌شهر شعبان‌المعظم سنة ۱۱۵۶.

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این استشهادنامچه مطالب‌زیر نوشته شده است:]

هو

اقل‌عباد را از مدار تقسیم و تملك مالکان در قریهٔ چوپالانـی علم حاصل است کـه

چوپلانی بر بیست وپنج سهم تقسیم میشود که دوازده سهم باصبیهٔ مرحوم ملامحمد-
علی‌حافظ میبود که به سعایت وشقاوت‌مرحوم آقاحسین‌حاجی‌هادی که فرعون مالکان
چوپلانی شده بود و درایامی که‌مرحوم قاسم‌خان وارد استراباد شده از صبیهٔ‌مرحوم
باطلاع فقیر بموجب قبالچه بده تومان .... بانقصان ابتیاع و سه‌سهم ازصبایای آقا
حسین بود که اصل‌آن‌هم ازملامحمدعلی بود که به نوادهای‌خودبخشیده بودآنرانیز
قاسم خان از آقا حسین خریده و ده‌سهم آن از ورثهٔ مرحوم میرروح‌الله که آن‌نیز
بسعایت آقا حسین قاسم‌خان ازسادات خواسته هفت سهم‌ونیم آنرا باجارهٔ‌قاسم‌خان
دادند با شیوارات وقنوات واقعات درچوپلانی‌و مرزبانکلاته وغیرها و دوسهم‌ونیم
دیگر را خودمتصرف وقاسم‌خان سادات رادرحین‌حیات خود مراعات زبانی‌مینمود
غرض پانزده سهم از چوپلانی ملك خریدهٔ ورثهٔ قاسم‌خان عزالدینلو است وده‌سهم
دیگر ملك طلق حق‌ثابت محکوم‌به ورثهٔ مرحوم میرزا روح‌الله‌است اگر در تصرف
ورثهٔ قاسم‌خان بوده باجاره بوده و اگر اجاره منقضی گـردیده بغیر حق در تصرف
ایشان است باید رد نمـایند سه سال قبلزین بمقتول مظلوم مرحوم سیدرضا درعرض
راه برخورد نمودم عمو نزدیك است اجارهٔ شما منقضی شود نمود یك سال دیگر
باقی‌است‌خدا کنداین‌قدربسرآید ومااز‌ذلت‌برآئیم واین‌ملك‌دویست‌سالهٔ میرروح‌الله
است و ما شهدنا الا بماعلمنا کتبه‌الجانی الخاطی ابن سید مفید رفیع الموسوی .

[جای مهر][1]

اقل عباد راعلم قطعی حاصلست که پانزده سهم از بیست‌و پنج‌سهم قریهٔ چوپلانـی
تعلق بورثهٔ قاسم‌خان دارد و ده‌سهم ازبیست‌وپنج سهم ازکل تعلق بورثهٔ‌میرروح‌الله
دارد وهرکس تصرف داشته‌باشدبدون‌حق خواهد بود العبدالاقل‌حاجی‌سیدجلال.

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدرفیع الموسوی».

هو

اقل عباد را علم قطعی حاصل است که دوسهم از بیست‌وپنج سهم قریهٔ چوبلانی ملك طلق نجابت و معالی‌پناه میرزا محمدعلی است که بمحمدقلی‌آقای قایخلو به اجاره داده بود و اجرای صیغهٔ اجاره را اقل عباد با عالیجناب مقدس‌القاب عموی مخدومی حاجی عبدالله نموده بودیم العبد الجانی .

[جای مهری چهارگوشه وناخوانا]

هو

اقل داعیان را علم حاصلست که دوسهم‌و نیم از قریهٔ مزبوره ملك خاص . . . آثار میرزا محمدعلی است که در تصرف داشته و باجاره بمرحوم میرزا محمدقلی آقای قیاخلو داده بود که اجاره‌نامه بخط و مهرداعی است و بیان واقعست‌وماشهدنا الا بماعلمنا العبدالجانی. [جای مهری ناگرفته وناخوانا]

هو

اقل عباد علم دارم که ده‌سهم از قریهٔ چوبلانی بامرحوم سیدرضا وصبیهٔ عمهٔ مرحوم سید میباشد وسیدرسد خود رابمرحوم قاسم‌خان باجاره داده‌بود وماشهدناالابماعلمنا العبدالجانی. [جای مهری چهارگوشه وناخوانا]

۷

استشهادنامچهٔ بدون تاریخ .

در این ورقه از سادات و موالی وارباباں وکدخدایان خواسته‌اند علم و اطلاع خود را دربارهٔ قنات‌سرواز درکنار جنگل سفیددار که مشهور به شواردباغ است و متعلق به قریهٔ چوپلانی است بنویسند.

استشهاد و استخبار واستعلام میرود ازسادات و موالی و ارباب و اهالی‌وکدخدایان حوالی و حواشی برآنکه عالم‌وخبیرو مطلع باشند که یکرشته قناة سرواز که سمت شرقی قریهٔ چوپلانی است درکنار جنگل سفیددار و مشهور است بشواردباغ از قدیم‌الایام الی‌الآن داخل قریهٔ چوپلانی بوده ومتعلق به قریهٔ مذکور است اسم نامی خود را در ذیل و حواشی این صحیفه ثبت نمایند که باعث اجردارین خواهد بود

کسی نیك‌بیند به هردوسرا   که نیکی رساند بخلق خدا .

[برحاشیهٔ سمت راست این استشهادنامچه مطالب زیرنوشته شده است:]

بنحوی که قلمی شده شوار مذکور حق و ملك قریهٔ چوپلانی است العبد ملك جمال‌الدین. [جای مهر][1]

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد العبد محمدیار فیروزی.

[جای مهر][2]

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی نیست العبد ملك باقر سرخانکلائی.

[جای مهر][3]

۱ــ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده جمال‌الدین». ۲ــ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدیار». ۳ــ مهری چهارگوشه با سجع : «عبده محمدباقر».

شوار مذکور متن در حومهٔ چوپلانی است و خلافی نـدارد العبد ملك حسنعلی سرخانکلائی. [جای مهر][1]

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی نیست شاهمحمد دباغ گیوابادی.

[جای مهر][2]

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی نیست محمدباقر کمانگر سرخانکلائی.

[جای مهر][3]

هو ذلك الکتاب لاریب فیه نمقه‌العبد میرزامحمد. [جای مهر][4]

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد العبد محمد ساکن دودانگه.

[جای مهر][5]

بندهٔ کمترین از عموی خود مکرر شنیده‌ام کـه شوار کنار جنگل سفیددار داخـل چوپلانی است و خلافی ندارد العبد کربلائی میرمحمدرضا کشته‌ئی.

[جای مهر][6]

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد ملك شیرعلی مرزبانکلائی.

[جای مهر][7]

بنحوی که در متن نوشته شده آب‌شوار داخل قریهٔ چوپلانی است وخلاف نـدارد العبد میرزا محمد تلوکلائی. [جای مهر][8]

هـو لاشك ولاریب فیمااستشهدت نمقه‌اقل‌الطلبه محمد قاسم بن‌عیسی‌الحسینی

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده حسنعلی». ۲ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده محمد». ۳ـ مهری‌بیضی که کلمات «آل محمد» بر آن‌خوانده می‌شود. ۴ـ مهری بیضی که کلمات «مدد کارنیك‌میرزا محمد» بر آن خوانده می‌شود. ۵ ـ مهری بیضی باسجع: «محمد مظهر لطف‌الهی» دردوسطر وارونه. ۶ـ مهری‌چهارگوشه باسجع: «عبده میرمحمدرضا». ۷ـمهری بیضی باسجع. «عبده شیرعلی». ۸ـ مهری چهارگوشه و ناخوانا.

اوتی کتابهما بیمینهما. [جای مهر][1]

۸

استشهادنامچهٔ بدون تاریخ.

در این ورقه از سادات وفضلا و جمهور سکنهٔ استراباد خواسته‌اند که علم و خبر خود را در بارهٔخانه و باغچهٔ متصل به آن در محلهٔ پاسرو در ذیل ورقه بنویسند که ملکی است موقوفه و فروختن آن به دست میرزا محمدعلی هروی خلاف شرع است و موقوف‌علیهم در حال حاضر آقا میرموسی و برادرش می‌باشند.

استشهاد واستطلاع واستعلام واستخبار میرود ازسادات رفیع درجات‌عظام وفضلای کرام‌وجمهور سکنهٔ دارالمؤمنین استراباد صانهاالله عن‌التفرقه والفسادکه‌علیم وخبیر بوده‌باشند که یك‌باب‌اوطاق که‌حال‌خانهٔ مسکونهٔ ورثهٔ محمدعلی‌خیاط‌است ویك‌باب باغچهٔ‌بزرگ که‌متصل بخانهٔ موقوفهٔ‌مسکونهٔ عالیحضرت رفیع‌مرتبت سلالة‌السادات آقا میرموسی واقع در محلهٔ پای‌سرو مشهور باوطاق‌وباغچه بوده متصرفهٔ‌مرحمت‌و غفران‌پناهان آقا سید رضا و آقا میرعماد خلفان مرحمت وغفران‌پناه رضوان جایگاه آقامیرروح‌الله‌الحسینی‌وقف‌اولاداست که الحال درتصرف‌محمدعلی خیاط وباباخان آقا می‌باشد وتصرف غیر دراملاك وقفی خلاف شرع شریف است و فروختن‌میرزا محمدعلی هروی خلاف شرع می‌باشد وازخوف محصل رضوان‌جایگاه جنت‌ـ آرامگاه محمدرضا خان بوده و الحال اینکه هرکس علم بروقفیت اوطاق و باغچهٔ مزبوره داشته باشد و یا اینکه ازعفت و عصمت‌پناه مرحومهٔ مغفورهٔ بیجه‌شرف که از جملهٔ‌اولاد واقف است استماع نموده باشند که اوطاق وباغچهٔ مزبوره وقف‌اولاد

---

[1] ـ مهری بیضی باسجع: «محمدقاسم الحسینی».

است و الحال علم داشته باشندکه موقوف علیهم عالیحضرت رفیع مرتبت سلالة السادات آقا میرموسی با برادرش می‌باشند اسامی سامی و امهار گرامی خود را مزین فرمایندکه عندالحاجة حجت تواند شد و حق بمن‌له‌الحق عاید وداخل شود که عندالله و عندالرسول ضایع نخواهد شد

کسی نیك بیند بهردو سرا   که نیکی رساند بخلق خدا.

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این استشهادنامچه مطالب زیرنوشته شده‌است:]

برداعی علم قطعی حاصل اینست که مضمون مسطوربیان واقع است وازبنی اعمام و والد مرحوم خود استماع نموده که خانه و اوطاق و باغچهٔ بزرگ و کوچك وقف اولاد می‌باشد وموقوف‌علیهم عالیجنابان آقا میر موسی و برادرش می‌باشند نمقه الجانی. [جای مهر][1]

مضمون مسطور بیان واقع و مراتب مزبوره را از والد مرحوم و بنی‌اعمام خود رضوان‌الله علیهم استماع نمودم نمقه‌الجانی. [جای مهر][2]

بسم‌الله‌خیر الأسماء

از زوجهٔ مرحوم میرزامحمدعلی‌هروی که مسماة به‌بیجه شرف بوده استماع‌نموده‌ام که همهٔ املاك ماکلا* وقف اولاداست که‌اجداد ماوقف نموده که موقوف‌علیهم حال عالیحضرت سلالة‌السادات العظام آقا میرموسی‌الحسینی و برادر او می‌باشند وما شهدناالابماعلمنا نمقه‌الخاطی. [جای مهر][3]

هو

برداعی دوام دولت قاهره علم قطعی حاصل‌است که خانه وباغچه واوطاق مزبوره‌و کل املاك مرحمت‌پناهان آقا سید رضا و آقا میر عماد وقف اولاد است ومرحومه

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدصادق‌الموسوی». ۲ـمهری بیضی باسجع: «عبده محمدرحیم الموسوی». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمد الموسوی».

بیجه شرف اقرار نمود که املاك ماکلاً وقف اولاد است که مــوقــوف‌علیهم الحال عالیحضرت سلالةالسادات آقا میرموسی با برادرش مــی‌باشند و مبایعهٔ رضــوان‌جایگاه میرزا محمدعلی درخصوص یك باب اوطاق و باغچه که نموده است خلاف شرع است. [جای دومهر][1]

نظر بملاحظهٔ مضمون وقف‌نامچهٔ معتبری که درید عــالیجناب سیادت و نجابت‌پناه سلالة السادات العظام الکرام آقا میرموسی است وامهار کرام سادات وعلماء ذوی‌العز والاحترام درین ورقه و بشهادت جماعتی از ثقات اهل‌علم وغیره براقل عبادالله ظاهر و منکشف شده که باغچه و اوطاق مزبورین درمتن وقف براولاد واقف‌مزبور است و موقوف‌علیهم الآن عالیجناب معظم‌الیه و برادرش می‌باشند کتب‌الجانی .
[جای مهر][2]

بسم‌الله تعالی علم بمراتب مزبوره داعی را حــاصل چنانکه سادات و علما حکم نموده‌اند حرره الداعی محمدرضاالحسینی . [جای دومهر][3]

از شهادت جمع کثیری از معتمدین بعد از ملاحظهٔ وقف‌نامچهٔ معتبره کــه در دست عالیجنابان سلالةالسادات آقا میرموسی و آقا میرتقی می‌باشد معلوم گردید که املاك مرقومه وقف است و الآن موقوف‌علیهم عالیجنابان سابق‌الذکر می‌باشند والله‌العلام عالم بحقایق الاحکام. [جای مهر][4]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده زین‌العابدین الموسوی» ومهری بیضی باسجع : عبده محمدکاظم الموسوی ». ۲ـ مهری بیضی باسجع : « المتوکل علی‌الله عبده عیسی ۱۲۲۲» . ۳ـ مهری‌چهارگوشه که درمستطیل وسط «عبده محمدرضاالحسینی» ودربالا وپایین آن «لااله‌الاالله الملك‌الحق‌المبین » خوانده می‌شود ومهری بیضی با سجع : «عبده حسین الحسینی » . ۴ ـ مهری بیضی باسجع : «عبده الراجی عباسعلی» .

نظر بشهادت جناب صاحبی مخدومی حاجی ملامحمدرضا وملاعیسی و آقامیرمحمد-صادق موسوی و آقا محمدرحیم موسوی و آقا میرزین‌العابدین و جمعی دیگر املاك مسطوره وقف است و الآن جناب آقا میرموسی و آقا میرمحمدتقی موقوف‌علیهم می‌باشند والله هوالعالم بالحقایق. [جای مهر][1]

نظر باحکام علمای اعلام و وقف‌نامچهٔ آقا میرموسی و آقا میرتقی موقوف‌علیهم می‌باشند. [جای‌مهر][2]

براقل سادات علم قطعی حاصل است که مضمون مسطور بیان واقع است و ازاعمام خود و صاحبی‌ام عالیجناب مقدس‌القاب کهف‌الحاج و المعتمرین حاجی سیدحسین نیز استماع نمودیم که خانه وباغچهٔ مسکونه و اطاق و باغچهٔ مزبوره درمتن وقف اولاد می‌باشد و موقوف‌علیهم عالیجنابان مقدس‌القابان آقا میر موسی و آقا میرتقی الحسینی می‌باشند نمقه‌الجانی الفانی محمدالحسینی. [جای مهر][3]

این خط و این مهر از مرحوم مغفوروالدماجدم طاب‌ثراه میباشد و درنوشته‌وفرمودهٔ ایشان خلافی نیست وگویا احدی از مخالف وموالف در این معنی خلافی نداشته باشد و از مرحوم مغفور عموئی الحاج میرزین‌العابدین چیزی شنیده بودم و همان وقت آن را نوشته بودم والحال بدست عالیجناب آقا میرموسی می‌باشد وکتب الجانی. [جای دومهر][4]

زوجهٔ کریم مسگر که صبیهٔ خالو باقر است از جمله شهود وقف است و مخلص هم فی‌الحواشی ازوشنیدم که باغچه را میرزا محمدعلی بجبر وظلم فروخته است.

[جای مهر][5]

۱– مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی محمدحسین». ۲– مهری بیضی‌باسجع: «عبده محمدحسین‌الرضوی». ۳– مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی محمدالحسینی».
۴– مهری‌بیضی کوچك باسجع: «عبده مفیدالموسوی» ومهری بیضی بزرگتر باسجع: «عبده محمدهادی الموسوی». ۵–مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی محمدهادی».

هذاخطی سمعت‌عن ... کربلائی‌شاه محمد وحررت. [جای مهر][1]

اقل عباد درخصوص یك باب باغچهٔ متصله بخانهٔ موقوفهٔ سلالةالسادات آقا میرموسی که حال در تصرف عالیشان باباخان آقای قوانلو است در اوان حکومت عالیجاه مرحمت‌پناه رضوان‌جایگاه رضاخان میرزا محمدعلی هروی را جریمه نموده بود و باغچهٔ مزبوره را میرزا محمدعلی می‌خواست بفروشد و مرحوم میرزا علی‌عرب پدرزن خودم مرا واسطه کرد که باغچهٔ مزبوره متصل بخانهٔ من است از میرزا محمدعلی بخر به‌میرزا محمدعلی درخصوص بیع بجهة میرزا علی گفتم در جواب بمن گفته است که اوطاق و باغچهٔ مزبوره وقف اولاد است نظر باینکه شما دوست هستید ازین جهة حقیقت را عرض کردم و ماشهدناالا بماعلمنا. [جای مهر][2]

مضمون مسطور بیان واقع و خلافی ندارد نمقه‌الجانی. [جای مهر][3]

براقل عبادالله حاجی محمدجعفر علم حاصل است که یك باب اطاق که حال خانهٔ مسکونهٔ ورثهٔ مرحوم‌محمدعلی‌خیاط است ویك‌باب باغچه که متصلند بخانهٔ موقوفهٔ سلالةالسادات آقا میر موسی که حال در تصرف عالیشان باباخان آقای قوانلو است هردو وقف‌اولاد می‌باشند وحال موقوف‌علیهم سلالةالسادات آقا میرموسی‌و برادرش می‌باشند و در اوان حکومت عالیجاه مرحمت وغفران‌پناه رضوان‌جایگاه رضاخان میرزا محمدعلی هروی را جریمه نموده بود نظر باینکه دوستی فیمابین بود که من خدمت عالیجاه رضوان جایگاه خان رفته وضامن مشارالیه شده‌ام تا اینکه عالیشان باباخان آقا می‌خواست اوطاق وباغچهٔ مزبور را بخرد وقبل‌از مبایعه میرزا محمد-

---

۱ــ مهری بیضی که کلمات «داردسر میر محمد» بر آن‌خوانده‌می‌شود. ۲ــ مهری بیضی باسجع: «منتظر لطف الهی شاه‌محمد». ۳ــ مهری بیضی باسجع: «الواثق‌بالله الغنی عبده محمدعلی».

علی در حضور کمترین اقرار و اعتراف نموده که اطاق و باغچه وقف اولاداست و من از خوف محصل بی‌دینی و خلاف شرع می‌نمایم و ابتداء کربلائی شفیع غلام می‌خواست بخرد وقفیت را مطلع شد موقوف کرد و ماشهدنا الابما علمنا.

[جای مهر][1]

اقل عبادالله در حال طفولیت که بمکتب می‌رفتم مرحمت و غفران‌پناه ملا ابـوعلی فرمودند که مرحمت و غفران پناه کربلائی شاه‌محمد می‌خواست که زمین باغچه که اتصال دارد بخانهٔ سلالة‌السادات آقا میرموسی درمعرض بیع درآورد آخوند مرحوم مانع شده فرمودند که عیب‌دارد وقف‌است بیع نمی‌توان کرد ملاصفرعلی خلف مرحوم کربلائی شاه‌محمد.

براقل عبادکربلائی محمدطاهر علم قطعی است که خانه واوطاق و باغچهٔ بزرگ و کوچك که متصلندبهم وقف‌اولادمی‌باشند وعمل‌بوقفیت می‌نمودندوالحال موقوف‌علیهم عالیجنابان آقا میرموسی وآقا میرمحمدتقی می‌باشند و خلافی دریـن نیست و ماشهدنا الابماعلمنا. [جای مهر][2]

و بهمین نوع مسطور اقل طلبه ازکربلائی محمدطاهر شنیده‌ام بدون‌کم و زیاده.

[جای مهر][3]

ازکربلا محمدطاهر شنیده‌ام و همین نوع مسطور بدون کم وزیاد نمقه‌الجانی.

[جای مهر][4]

و بعد از ملاحظهٔ امهارکرام جمعی از مؤمنین علم بهمرسیدکـه آنچه در این ورقـه

۱ـ مهری بیضی باسجع: «لاحول ولاقوة الابالله‌العلی‌العظیم». این مهر دو دفعه‌خلاف جهت یکدیگر زده شده است. ۲ـ مهری بیضی باسجع: «محمد بن آل طاهر».

۳ـ مهری‌بیضی‌باسجع: «عبده الراجی محمدطاهر». ۴ـ مهری بیضی‌باسجع: «الواثق بالله‌الغنی عبده محمدعلی».

هست علاوه بفرمودهٔ مجتهدالعصری ملا حاجی رضا خلاف ندارد.

[جای مهر][1]

علم بمراتب مزبوره داعی را حاصل چنانکه سادات و علما حکم نموده‌اند حرره الداعی محمدرضاالحسینی ... [جای دومهر][2]

۹

استشهاد نامچه‌ای بدون تاریخ.

دراین ورقه از علما و سکنهٔ دارالمؤمنین استراباد خواسته‌اند که علم و اطلاع خود را دربارهٔ حدو سامان دو دهکدهٔ میرومحله و چوپلانی که دوچنار است وآب داریکاب وآب قوچانی جزء ملک چوپلانی‌است دراین ورقه بنویسند.

استشهاد واستخبار می‌رود ازعلماء اعلام وسکنهٔ دارالمؤمنین استراباد براینکه‌علیم‌و خبیر باشند که در باب حدود و مزارع چوپلانی جمع کثیری در یوم ضبط قریهٔ چوپلانی از فضلاء و بزرگان وعالیشانان رفیع‌مکانان ملك محمدحسین وملك کاظم‌و کدخدایان وملاهای میرومحله و چوپلانی وجمعی از زارعین میرومحله وچوپلانی بودند و شهادت دادندکه یك حدچوپلانی بدوچنار وخودکمشی‌خل داخل‌چوپلانی است و آب داریکاب و آب قوچانی که درسرهمان آب و ممر ایستاده همه بلاشك‌و ریب شهادت دادند که ملك چوپلانی است و در تصرف زارعین چوپلانی بوده

۱ــمهری بیضی باسجع: «عبده الراجی علی‌رضا». ۲ ــ مهری بیضی باسجع: «عبده حسین‌الحسینی » و مهری‌دیگر چهارگوشه باسجع: «لااله الاالله الملك الحق المبین محمدرضا الحسینی».

بلانزاع هرکه بوده در آن مکان وعلم دارد و یا خود زراعت نموده اسامی سامی‌و امهارگرامی خود را مزین‌سازند کسی نیك‌بیند بهردوسرا که نیکی رساند بخلق‌خدا

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این استشهادنامچه مطالب زیرنوشته شده‌است:]

مراعلم قطعی حاصل‌است‌که آب قوچانی‌و آب داریکاب و دوچنار زیرحدقوچانی‌و کمش خل داخل قریهٔ چوپلانی است و آنچه نوشته شده است خلافی ندارد نمقه‌الجانی . [جای مهر][1]

اقل‌الطلبه در خدمت سرکار آقائی‌ام در آن مکان بودم‌که حضرات مزبور در متن شهادت دادند بنهج مسطور و از برای‌کمترین علم حاصل شدکه آب قوچانی‌و آب داریکاب مال چوپلانی است حرره العبدالجانی. [جای مهر][2]

مراعلم قطعی حاصل که آب قوچانی و آب داریکاب و دوچنار زیرحد قوچانی و کمشی‌خل داخل‌قریهٔ چوپلانی وآنچه نوشته شده‌است خلافی ندارد نمقه‌الجانی [جای مهر][3]

مراعلم قطعی حاصل است‌که آب قوچانی وآب داریکاب و دوچنار زیرحدقوچانی است وکمشی‌خل داخل قریهٔ چوپلانی‌است وآنچه نوشته شده است خلافی‌ندارد.

[جای مهر][4]

از قراری‌که معلوم این حقیر شد آب‌قوچانی است و ملك عام است داخل چوپلانی است برکمترین اضح است و بودیم در آن مکان و این حدود بی‌شك است.

[جای مهر][5]

۱ـ مهری بیضی بسیار کوچك باسجع : «عبدالله الحسینی» . ۲ـ مهری بیضی باسجع : «بندهٔ آل محمد احمد» . ۳ ـ مهری بیضی باسجع: «عبده قاسم الحسینی» . ۴ـ مهری بیضی باسجع»: پیرو دین نبی‌علی». ۵ ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده‌الرجی محمدمهدی ۱۲۲۱» .

در یوم ضبط احقر حضور داشتم که حضرات کدخدایان و پیرمردان جمع کثیری شهادت دادند که آب‌قوچانی و آب داریکاب و دوچنارزیرحد قوچانی‌وکمشی‌خیل در قریهٔ چوپلانی است وعلم برحقیقت آن حاصل شد نمقه الجانی .

[جای مهر][1]

مراعلم قطعی حاصل است که آب قوچانی و آب داریکاب و دوچنار حد قوچانی داخل قریهٔ چوپلانی است و آنچه نوشته شده خلافی ندارد .

[جای دومهر][2]

محمد الوستانی از پیرمردان قدیم شنیدم وعلم دارم که مرزنکلائی شصت‌تاازدرواز بزیر بیشترملك ندارد و آنچه در این‌ورقه مسطوراست صحیح است وآب‌قوچانی‌و داریکاب مال چوپلانی‌است الجانی محمدرضا .

بیان رقم خلافی ندارد. [جای مهر][3]

آقا سید حسین و خداداد شهادت دادند که درچوپلانی نشسته بودند همین آب و سامان که ذکر شده است بقرق چوپلانی بود خلافی ندارد. [جای مهر][4]

سیدحسین خود درچوبلانی‌نشسته بودم همین‌سامان‌را زرع کردم خلافی ندارد وآب قوچانی ودریکاب وزرع میکردیم آب‌چوپلانی‌همان‌آب بود بنده درنوبت‌سیم بودم.

[جای‌مهر][5]

۱ـ مهری هشت ضلعی باسجع: «دارد امید شفاعت زمحمد طاهر» . ۲ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده‌الراجی محمد مهدی» و مهری بیضی دیگر باسجع: «عبده محمد صالح».
۳ـ مهرکوچك بیضی باسجع: «عبده ابوالقاسم الحسینی». ۴ـ مهری بیضی باسجع : «عبده مرتضی بن علی‌اصغر» . ۵ ـ مهری چهارگوشهٔ کوچك با سجع : «سید حسین‌الحسینی» .

خداداد خود در چوپلانی نشسته بودم همین سامان راکه نوشته شده استزرع کردم خلافی‌ندارد آب قوچانی وداریکیاب بقرق چوپلانی‌بود هردومرتب‌زرع می‌کردیم بنده درنوبت دوم بودم.
شهادت دادند چندنفر از مؤمنین که درچوپلانی نشسته بودیم آنچه درین ورقه ذکر شده است تصرف چوپلانی بود خود ما زرع کردیم خلافی ندارد وآب قوچانی‌و داریکیاب تصرف بود زرع میشود. [جای مهر][1]

۱۰

استشهادنامچه‌ای بدون تاریخ.

دراین‌ورقه ازکسانی که‌دیده‌اند وشنیده‌اند وخبردارندخواسته‌اند که علم واطلاع خود را دربارهٔ وقفیت پنج دانگ میرمحله وشش دانگ چوپلانی وحکم‌حاجی‌ملارضا دائربه‌ردااملاك موقوفهٔسادات به ایشان در این ورقه بنویسند.

مخفی نماناد که صورت حکم‌جناب مجتهدالزمانـی حاجی ملارضای استرابادی در باب پنج دانگ قریهٔ میرمحله و شش‌دانگ مزرعهٔ چوبلانی و موقوف علیهم بودن مرحوم آقا میرموسی و برادرش مرحوم آقا میرتقی و اولاد ایشان این است جمعی از موثقین شهادت بمراتب مزبوره داده‌اند وحکم شرعمطاع لازم الاتباع برلزوم‌رد املاك مرقومه‌است بحضرات‌مرقومین نمقه‌العبدالجانی هرکه‌ازحاجی‌مجتهدمزبور حکم را دیده و مطلع است و شاهد برحکم ایشان بوده یـا از ایشان استماع نموده باشند و یا خود ایشان حاجی را مجتهد نافذالحکم و خود عالیجاه عباس‌خان احکام

۱ــ مهری بیضی باسجع: «عبده علی‌اصغر» .

آنرا در استراباد نفوذ میدادند متوقع آنکه صفحهٔ این صحیفه را بمهر مهر آثارخود مزین فرمایندکه در نزد متکیان وسادهٔ شریعة غری حجة بوده بـاشد

کسی نیك بیند بهردو سرای که نیکی رساند بخلق خدای

[برحاشیهٔ بالاّ و سمت راست این ورقه عبارات زیر نوشته شده است :]

آنچه در متن محرراست و مطابق با اصل‌صورت حکم که بخط ومهر مرحوم‌مغفور مجتهدالزمان حاجی ملارضاء استرابادی و عباس‌خـان ایشانـرا مجتهد نافذالحکم میدانستن شکی‌و شبههٔ نیست انا‌العبدالعاصی. [جای‌مهر][1] خط و مهر جناب سیادت و فضیلت‌مآب آقا سید جعفر[الحسینی].

نوشتهٔ ممهوربمهروخط‌حاجی ملارضاغفرله‌این‌است جمعی‌ازموثقین شهادت‌بمراتب مزبوره دادند و حکم شرع مطاع لازم الاتباع بـرلزوم رد املاك مرقومه است بـه حضرات مرقومین نمقه العبد الجانی. [جای مهر][2] خـط و مهر جناب عـلام حاجی سید نصرالله معروف باجتهاد دام عزه .

این صورت حکم خط ومهر مرحوم حاجی ملارضا مطابق بااصل‌است واصل‌خط و مهر ایشان است واقل از ایشان شنیدم که من حکم کردم و مثل آفتاب روشن‌استو حاجی مجتهد نافذالحکم در استرابـاد بود و عباس خان حکم ایشان را نفوذ میداد اقل ذاکرین ملا عباسعلی.

این صورت حکم خط ومهر مرحوم حاجی ملارضا مطابق بااصل‌است واصل‌خط و مهر ایشانست واز حاجی مرحوم استماع شد که حکم فرمودند وحاجی ملا رضادر استراباد مجتهد نافذالحکم بود و عباس خـان حکم ایشانرا نفوذ میداد و در اصل استشهاد ازحاجی‌مرحوم‌شنیدم مهر کردم الجانی ملارضاعلی‌چیاکندی‌استرابادی.

۱ــ مهری بیضی باسجع: «عبده جعفرالحسینی» . ۲ ــ مهری بیضی باسجع : «نصرالله الحسینی».

صورت شهادت‌جناب‌سلمان‌عصری ملارضاعلی‌چپاکندی استرابادی مدتی دراصفهان تحصیل نمودند.

نوشتجات متعدده فردوس تکیه‌گاه حاجی ملا رضای مجتهد را دیدم و مضمون حکم ایشان مطابق است با نوشته در متن وعلاوه آنکه از سرکارآقائی مجتهدالعصر والزمانی جناب مستطاب شریعتمدار حاجی سیدنصرالله وسرکار علامی‌فهامی ملا محمدصالح و جناب فضایل‌مآب عزت وکمالات اکتساب آخوند ملا رضا علی مشهور بمقدس شنیدم که هرسه بزرگوارفرمودند که ماازحاجی ملا رضای مجتهد شنیدیم که من حکم بررد املاك مرقومه بموقوف علیهم مرقومین نمودند وعالیجاه امیرالأمراء العظام عباس‌خان حاجی را مجتهد نافذالحکم میدانست و احکام ایشان بلکه‌احکام پست‌ترازایشان رانفوذمیداد حرره العبدالخاسر. [جای مهر][1] خطو مهر جناب علام ملا احمد معروف .

این صورت حکم خط ومهر مرحوم حاجی ملا رضا مطابق اصل است و اصل خط مهر ایشان است واقل ازایشان ومرحوم ملاعیسی استماع نمودم که من حکم کردمو مثل آفتاب روشن است که مرحوم حاجی مجتهد و نافذالحکم در استراباد بود و عالیجاه عباسخان حکم ایشان را نفوذ میداد نمقه‌الجانی . [جای مهر][2] خط و مهر سیادت و فضیلت‌مآب آقا سید محمد میرکریمی من‌الأجله والثقاة .

رحمت و غفران‌پناه خیرالحاج حاجی ملا رضا مجتهد و نافذالحکم بوده

[جای مهر][3]

جناب آقا سید تقی میرکریمی .

این نوشته مطابق با اصل است که آن ممهور است بخط شریف و مهرشریف‌جناب

۱ـ مهری بیضی‌باسجع: «بندهٔ آل محمد احمد». ۲ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده الراجی محمد الحسینی». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدتقی الحسینی» .

حاجی ملارضا اعلی‌الله مقامه و بودن آنجناب نافذالحکم درین ولایت و سایر بلدان بلاریب‌وشك‌است. [جای مهر][1] خط ومهرجناب علام‌ملاعباس‌علی مدت زمانی دراصفهان خدمت سرکارحجةالاسلام بودند .

حقیر صورت نوشتهٔ مرحوم علیین آشیانگاه حاجی ملا رضای استرابادی را ملاحظه نمودم‌که دارا بود برلزوم رد املاك مرقومه بحضرات و ایشانرا مجتهد نافذالحکم می‌دانستم اعلی‌الله مقامه و نیز نوشتهٔ دیگران را ازمرحومان حاجی آقا- بابا و ملاعیسی و غیرهما ملاحظه نمودم‌که دارا بود بثبوت استحقاق حضرات را و انا اقل الطلبه. [جای مهر][2] جناب علام ملا اسحق.

بسم‌الله تعالی‌شأنه

صورت نوشته است‌که مطابق است با اصل خط و مهر حاجی ملارضا اعلی‌الله مقامه حرره. [جای مهر][3]

بسم‌الله خیرالاسماء

صورت نوشتهٔ منسوبهٔ بغفران‌پناه حاجی ملا رضا آنکه جمعی از موثقین شهادت برمراتب مزبوره‌داده‌اند وحکم شرعمطاع لازم‌الاتباع برلزوم رد املاك مرقومه‌است بحضرات مرقومین و جناب ایشان در این ولایت نافذالحکم بودند وآن نوشته ممهور بمهریست که‌منسوبند آن نوشته ومهربایشان وانا اقل‌الطلبه وخادم‌الشریعه. [جای مهر][4] جناب علام آخوند ملا محمدعلی اشرفی امام جمعهٔ استراباد واعنهٔ اجتهاد و متصدی مرافعات استراباد .

۱ــ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده عباس‌علی ۱۲۴۱» . ۲ــ مهری بیضی با سجع: «عبده‌الراجی‌اسحق». ۳ــ مهری بیضی باسجع : «عبده‌الراجی ملارضا».

۴ــمهری بیضی باسجع : «المتوکل‌علی‌الله محمدعلی ۱۲۴۶» .

صورت نوشتهٔعلیین‌آرامگاه حاجی ملارضا آنکه جمعی ازموثقین شهادت‌برمراتب مزبوره داده‌اند وحکم‌شرعمطاع لازم‌الاتباع برلزوم رداملاك‌مرقومه است‌بحضرات مرقومین وآنچه درنظراست آن است‌که‌کسی را ندیدم درحال حیات ایشان کلامی در اجتهاد ایشان داشته باشد بلکه ایشان ... نافذالحکم... [جای مهر][1]

بسمه‌العزیز

احقر عبادالله واقل‌الطلبه مرحمت و غفران‌پناه رضوان جایگاه علیین‌آرامگاه حاجی ملارضای استرابادی را مجتهد جامع‌الشرایط و نافذالحکم میدانستم وحکم شریف ایشان را لازم الامتثال وحکم او را برخود وغیره جاری مینمودم وصورت حکم در متن موافق باصورت‌حکم‌ایشان است‌که‌بخط ومهرشریف ایشان دراستشهادمسطورو ممهور است . [جای مهر][2] خط و مهر جناب علام ملا علی‌اکبر...

۱ـ مهری چهار گوشهٔ کوچك باسجع : «محمدتقی» . ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی علی‌اکبر» .

۱۱

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۲۵۶ ه . ق .

در این استشهادنامچه از سادات و علما و جمهور سکنهٔ بلوك و بلد استراباد خواسته‌اند که اطلاع و علم خود یا اقرار آقا سیدمحمدرا دایر براینکه بیست‌سال‌است که‌حضرات‌اربابان قریهٔ مذکورهرسالی بقدربیست قسمت زراعت شلتوك در بوم چوپلانی می‌کرده‌اند ازاو شنیده باشند برحواشی این ورقه بنویسند.

استشهاد و استعلام واستخبار واستطلاع میرود در نزد سادات‌کرام و علمای‌ذوی‌العز والاحترام وجمهور سکنهٔ بلوك وبلد دارالمؤمنین‌استرابادکه هرکه علیم وخبیر بوده باشد ویا اقرار شنیده باشد از آقا سید محمد ولد مرحوم آقا سیدرضا وسایرشرکای قریهٔ مرزنکلاته‌که علاوه‌بربیست سال است‌که حضرات اربابان قریهٔ مزبورهرسالی بقدر بیست قسمت یاعلاوه زراعت شلتوك در بوم چوپلانی‌نموده و منافع آن را بازیافت خودکرده‌اند هرکه را برمراتب مزبوره بهرمرتبهٔ که علم حاصل شده باشد اسامی سامی وامهارگرامی خود را درین ورقه ثبت و درج فرمایندکه درنزد متکیان وسادهٔ شریعت بکارآید واین چندکلمه برسبیل استشهادنامچه قلمی‌گردید

کسی نیك بیند بهر دوسرا   که نیکی رساند بخلق خدا

وذلك فی‌چهاردهم شهر... ۱۲۵۶ .

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست‌این‌استشهادنامچه عبارات زیرنوشته شده‌است:]

اقرآقا سید محمد بمافیه‌لدی الجانی. [جای مهر][۱]

۱ـ مهری بیضی‌گل و بوته دارکه برحاشیهٔ‌آن بسمله و سورهٔ اخلاص باخط ریز و در وسط‌آن سجع : «من‌آل‌محمد کاظم» خوانده می‌شود.

آقا سید محمد اقرار نمود که من درچوبلانی زراعت کرده‌ام بیست سال بقدر بیست قسمت. [جای مهر][1]

آقا سید محمد اقر واعترف بمافیه‌لدی. [جای مهر][2]

آقا سید محمد اقرار [نمود] بچیزی که درین است. [جای مهر][3]

هو اعترف آقا سید محمد بمارقم فیه‌لدی . [جای مهر][4]

بسم‌الله تعالی

در نزد اقل السادة وخادم الشریعت جناب سیادت مآب آقا سید محمد ولد مرحوم آقا سیدرضا الحسینی اقرار و اعتراف بـرمراتب مسطوره و نزد جمعی هـم همین اعتراف نمود ولهذا بحسب شرع انور وبوم حصه واجرةالمثل در این مدت رابايد بحضرات سادات شرکاء تسلیم نماید.

۱ــ مهری بیضی باسجع : « عبده‌الراجی مراد علی». ۲ــ مهری بیضی باسجع: «عبده جعفر الحسینی». ۳ــ مهری بیضی باسجع: «عبده قاسم الحسینی». ۴ــ مهری بیضی کوچك باسجع: «عبدالله الحسینی».

۱۲

استشهادنامچهٔ غیرمورخ (ظاهراً اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه) .

دراین‌ورقه خواسته‌اند که‌درباب‌وقفیت قریهٔ‌میرمحله وزورگوئی‌و بیحسابی عباس‌خـان بیگلربیگی و چوب‌زدن اوحسن‌خـان ـ برادر ملامحمدعلی‌اشرفی‌امام‌جمعهٔ استراباد ـ راوموقوفه بودن این‌ملك در زمان خان خانان و امیرموسی‌خـان هـرگونه اطـلاعی دارند بنویسند.

استشهاد میرود ازعلماءاعلام وسادات‌ذوی‌العز والاحترام واهل‌بلد استراباد واشرف و مازندران که چون درباب وقفیت قـریهٔ میرمحاه و مزرعهٔ ... و موقوف‌علیهم بودن اخوان واطفال‌صغاراخوان وچندنفرازبنی‌عم صغیروکبیرجناب قدوةالعلماء مجتهد ـ الزمانی آقاسید فضل‌الله استرابادی ده‌حکم صریح ازاعیان وعلماء ایران ازمجتهدین استرابادوطهران‌واصفهان دردست‌دارندودوامضای حکم‌ازدوثقةالاسلام‌وحجةالاسلام مرحوم حاجی سید محمدباقر اعلی‌الله درجته و مرحوم جنت‌آرامگاه حاجی محمد ـ ابراهیم کرباسی که در دست دارند وفرامین‌سلاطین سلف‌وخلف خاصه چندین‌فرمان از شاهنشاه سمی پیغمبرآخرالزمان محمد شاه فـردوس مکان علیین‌آشیان در زمـان حکومت‌عالیجاه‌محمدناصرخان درتصرف‌سادات بوده‌بنای‌زوروبی‌حسابی‌عباس‌خان بیگلربیگی نموده در ثانی دردو سه عریضه بخاکپای شاه جنت‌مکان عرض و استدعا نمودکه در باب میرمحله طرفین‌رجوع بعالیجناب‌عمدةالعلماء مجتهدالعصروالزمان سرکار شریعت‌آداب آخوند ملا محمدعلی اشرفـی امام جمعهٔ استراباد نموده‌آنچه آنجناب حکم بفرمایند طرفین عمل‌کنند و بمقتضای آن عرایض حکم شفاهی صادر شد و وکلای آن عالیجاه التزام بدیوانخانهٔ مبارکه سپردندکه تخلف جایز ندارنـد چون عالیجاه عباس‌خان در آن زمان با سرکرده‌های مازندران مأموربه‌گرگان وباهم

هم عنان بودند و بخیال اینکه جناب آخوند ملا محمدعلی‌هم از لشکرگران و از اتفاق اهل مازندران خائف و ترسان خواهد شد و بخان بیگلربیگی برخلاف اعیان مجتهدین استراباد و اصفهان حکم‌خواهد داد وسرکار مجتهدالزمان آخوند معظم‌الیه ازخداوند منان ترسان‌شده بسادات وبفدوی دعاگویان ذات اقدس‌همایون‌حکم‌داده و مسئله برساله‌نوشت که وقف بودن املاك و عمل باحکامات اعیان مجتهدین اصفهان لازم است ولهذا عباس خان بعداز ورود باشرف و مازندران برادر مجتهدالزمان حسن‌خان را چوب زیادی زده وجریمه نموده‌که چرا برادرت حکم بسادات فدویان اقدس‌شهریاری داده و بهمین تفصیل که مقرب‌الخاقان دولت‌خواه وخیرخواه مروج دین‌پیغمبر آخرالزمان‌روحنافداه سرکارخان‌خانان وامیرموسی‌خان‌هم مطلع‌اند هریك از مؤمنین جرجان و مازندران دیده وعلمی قطعی‌دارند کتمان شهادت ننموده‌شهادت خود را درج و بمهر خود مزین فرمایند که عندالله وعندالرسول ضایع نخواهد شد.

[برحاشیهٔ سمت راست این استشهادنامچه عبارات زیرنوشته شده است:]

داعی در استراباد بودم که شنیدم که اخوی‌جناب فضایل‌مآب مجتهدالزمانی آخوند ملامحمدعلی رابواسطهٔ حکمی که درباب‌میرمحله نموده بودند عباس‌خان‌بیگلربیگی برادر جناب‌آخوند را گرفته وچوب زد وجرم نمود وبعداً که داعی وارد اشرف که سکنای برادر آخوند بود وارد شدم یقین برچوب وجرم حاصل شد و السلام.

[جای مهر][1]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی محمدحسین».

۱۳

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۲۵۸ ه . ق .

در این ورقه ازعلماوسادات وسکنهٔ بلد وبلوك استراباد خواسته‌اند که شهادت یا علم و اطلاع خود را دربارهٔ موقوفات مدرسهٔ شفائیه که متولی آن سکنهٔ مدرسهٔ مزبور هستند و همچنین به‌اجاره‌دادن موقوفات مسجدجامع راکه امام‌راتب آنجا به اجاره می‌دهد من‌باب راتبیت است نه از باب ولایت عامه ، برحواشی این‌استشهادنامچه بنویسند.

استشهاد و استطلاع و استعلام و استخبار میرود از علمای اعلام و سادات ذوی‌العز والاحترام و سکنهٔ‌بلد و بلوك استراباد صانهاالله عن‌التفرقه و الفساد که علیم و خبیر بوده و یا استماع نموده که موقوفات مدرسهٔ شفائیه از فاضل‌آب وعراقی‌ودکاکین و غیره‌از پنجاه‌سال‌وشصت‌سال قبل‌ازین الی‌حال سکنهٔ مدرسهٔ مزبوره املاك مرقومه‌را خود باجاره میدادند وخود را متولی دانسته جمیع امورات آن را مرتکب شده و حکام شرع را در آن دخل نبوده ودیگر اینکه موقوفات مسجد جامع را امام راتب مسجد مزبور باجاره واستجاره میدادند وتصرف امام من‌باب راتبیت بود نه ازبابت ولایت عامه مراتب‌مزبور راهرکس علم و یا اطلاع داشته باشد اسامی سامی‌وامهار گرامی خود را در این ورقهٔ صدق ترجمه مندرج فرمایند که تاعندمتکیان وسادهٔ شریعت النبوی حجت قاطع تواند بود

کسی نیك بیند بهردوسرا		که نیکی‌رساند بخلق‌خدا

والسلام علی‌من‌اتبع‌الهدی.

وکان ذلك بتاریخ بیست‌وششم شهر ربیع‌الثانی من‌شهور سنة ۱۲۵۸.

[برحاشیهٔ بالاوسمت راست این‌استشهادنامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

ذلك الکتاب لاریب فیه ملا محمدعلی ولد کربلائی ابراهیم . [جای مهر][1]

ذلك الکتاب لاریب‌فیه کربلائی حاجی محمد . [جای مهر][2]

ذلك الکتاب لاریب‌فیه آقا رحیم خلف مرحوم‌کربلائی محمد حاجی‌حسین.

[جای مهر][3]

ذلك الکتاب لاریب‌فیه استاد علی‌محمدبنا ولدکربلائی رستم.

[جای مهر][4]

مادامیکه این جانبان خود را دیدائیم موقوفات مـدرسهٔ شفائیه در تصرف سکنهٔ آن دیدائیم و همچنین موقوفات مسجد جامع را درتصرف امام راتب دیـدائیم تصرف دیگران خلاف شرع است حاجی ملاحسین توکل‌کربلائی‌علی‌عطا خلف مرحوم کربلائی محمدعلی ، کـربلائی سیدحسین ، محمد حسین خلف باقر . . . عزیزالله کربلائی رجبعلی. [جای شش مهر][5]

ذلك الکتاب لاریب فیه ملاحسین حاجی ملارضا. [جای مهر][6]

ذلك الکتاب لاریب فیه کربلائی ابراهیم صاغردوز . [جای مهر][7]

ذلك الکتاب لاریب فیه نمقه الجانی ملا مهدی ولد ملاکاظم... [جای مهر][8]

۱ـ مهری چهارگوشه که کلمات « مهرعلی» برآن خوانده می‌شود . ۲ـ مهری بیضی با سجع: « محب شاه دین حاجی محمد» . ۳ـ مهری بیضی با سجع : «الراجی عبدالرحیم». ۴ـ مهری بیضی با سجع: « عبده‌الراجی علی‌محمد». ۵ـ یك مهر چهارگوشه با سجع : «عبده علی » و مهری هشت ضلعی ناخوانا و دومهر بیضی ناخوانا ویك مهر بادامی‌کوچك با سجع : « عبده حسین » و مهر آخر بیضی با سجع : « عبده‌الـراجی عزیـزالله » . ۶ـ مهـری بیضی بـا سجع : « عبـده الـراجـی محمد حسین » . ۷ـ مهری بیضی با سجع : « سلام علی ابراهیم». ۸ـ مهری چهارگوشه با سجع: «یا امام محمدمهدی » .

مضمون‌مسطور بیان‌واقع است‌وخلافی‌ندارد. العبدالجانی‌آقا میرزا رضاجعفری.
[جای مهر][1]

هو الله تعالی شأنه‌العزیز

شکی وشبههٔ نیست‌که موقوفات مدرسهٔ شفائیه همیشه در دست اهل سکنهٔ آنجا بوده است اجاره میدادند و بتصرف ایشان بوده است و در خصوص نقل موقوفات‌مسجد جامع آنها شکی وشبههٔ نیست‌که حق امام راتب مـی‌باشد و تصرف در آن از این بابت بوده است انا‌العبدالجانی الفافی شیخ ملا حسین‌کاو . [جای دومهر][2]

بسم‌الله تعالی‌شأنه

کمترین خدام اهل علم را چنان رسید است‌که سکنهٔ مدرسهٔ مزبوره دخل و تصرف در اعمال موصوفه می‌نموده‌اند و بعضی از مستأجرین را بخواطر دارم که از حکام شرع نیز اجاره نمی‌کردند در این باب شکی ندارم حرره‌الجانی.
ونیز رتاب مسجد جامع تصرف در املاك موقوفهٔ متعلقه بآن می‌کردند و ذلك اظهر من‌الشمس حرره . [جای مهر][3]

بسم‌الله خیر‌الاسماء

مراتب مسطوره خلافی ندارد نمقه‌الجانی آقاسید محمد آقا میراسمعیل .
[جای مهر][4]
مضمون مرقوم بیان واقع است و خلافی ندارد حرره‌الجانی سیدعلی‌الموسوی .
احقرعباد در مدرسهٔ مزبوره تحصیل می‌کردم و مدتی را بیتوته کـردم اهـل مدرسه

۱ــ مهری‌چهارگوشه باسجع: «المتوکل‌علی‌الله عبده رضاالحسینی». ۲ــ مهری بیضی باسجع: «یا امام حسین» و مهری بیضی دیگر باسجع: «عبده‌الراجی میرمحمدبن‌محمد کله». ۳ــ مهری چهارگوشه وناخوانا. ۴ــ مهری‌بیضی باسجع: «عبده‌الراجی سید محمد الموسوی».

خود در موقوفات دخل وتصرف میکردند ونه‌واقف را دیدم و نه وقف‌نامه راولکن عمل از قـرار مرقوم می‌شد والسلام علی من اتبـع الهدی وخالف الهوی و مسجد مزبور را هم امام راتب میرسید نمقه الجانی الخاطی‌میرزا بابای پرناك.

[جای مهر][1]

ذلك الكتاب لاریب فیه نمقه‌الجانی سیدنصرالله میرکریمی. [جای مهر][2]

ذلك الكتاب لاریب‌فیه محمد خان آقا ولد گل‌آقا ابن حاجی محمد زکی.

[جای دومهر][3]

مادامیکه خود رادیده‌ایم موقوفات دارالشفاءرا درتصرف سکنهٔ آن‌دیده‌ایم‌وهمچنین موقوفات مسجد جامع راکلاً درتصرف امـام راتب و تصرف دیگران بـی‌سبب و بی‌جهة خلاف شرع نبوی است. [جای دومهر][4]

آنچه حقیر را در نظراست موقوفات مدرسهٔ دارالشفاء را دخل‌و تصرف‌سکنهٔ‌مدرسه از طلبه وغیره و از اجاره وغیره می کردند و موقوفات مسجد جامع را امام راتب مسجد جامع خود دخل‌تصرف میکرد کسی‌را تعیین می کرد ازجانب خودکه متوجه موقوفات شود اناالعبد الخاطی الجانی آقا سید محمدحسین آقا میرهاشم .

[جای مهر][5]

بسم‌الله خیرالاسماء

آنچه احقر عباد و داعی دوام دولت قوی بنیاد دیـدم موقوفات مدرسهٔ مـزبوره را

۱ــ مهری چهارگوشه‌باسجع : «الهی بحق‌علی نگهدار محمدعلی». ۲ــ مهری بیضی با سجع : «عبده الراجی نصرالله الحسینی ». ۳ــ مهری بیضی با سجع : « عبده الـراجی محمد زکی » ومهری بیضی دیگر بـا سجـع : « عبده الراجی محمدهـادی » . ۴ــ مهری بیضی بـا سجع : « اللهم‌صل علی محمد و آل محمد » و مهری کوچك بیضی با سجع : «یا امام محمد باقر». ۵ــ مهری‌بیضی‌با سجع: «عبده‌الراجی محمدالموسوی».

موقوف‌علیهم اجـاره می‌دادند وموقوفات مسجد جامع را امام راتب اجـاره میداد کتب العبد الآثم. [جای مهر][1]

شکی وریبی در این نیست که مـوقوفات مدرسهٔ شفائیه از فاضل‌آب و عـراقی و دکاکین وغیره متولی آن اهل مدرسهٔ مزبوره‌می‌باشند و در همه سال جمیع‌موقوفات آن را سکنهٔ مدرسهٔ مزبوره باجاره میدادند الی‌الآن ومـلاعلی‌اکبر امسال را بعد از اجاره داخل در مدرسهٔ مذکوره شد و همچنین جمیع موقوفات مسجد جامع باامام راتب مسجد جامع می‌باشد و این معنی واضح است. [جای مهر][2]

مضمون مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد آقا محمدشفیع ولـد مرحوم‌آقا سید رضا. [جای مهر][3]

بسم‌الله جل شأنه

مدت شصت سال می‌شود که داعی اطلاع دارم که‌املاك موقوفهٔ مدرسهٔدارالشفارا از قبیل فاضل‌آب ومزرعهٔ عراقی وغیرهما را حضرات موقوف‌علیهم باجاره‌می‌دادند و خود موقوف‌علیهم انواع تصرفات می‌نمودنـد وموقوفات مسجد جـامع را همان امام راتب متوجه می‌شد وحال هم بهمان منوال سابق باید عمل شود کتبه‌الداعی لابودالدولة البهیةالقاهره . [جای دومهر][4]

۱ـ مهری‌چهار گوشه که‌کلمات«یاقائم‌آل‌محمد» بر آن‌خوانده می‌شود. ۲ـمهری بیضی کوچك‌ناخوانا . ۳ ـ مهری چهارگوشه باسجع : «عبـده محمدشفیع الموسوی ۱۲۲۲» . ۴ـ مهری بیضی باسجع : «عبده الراجی محمدرحیم الموسوی» و مهـری چهارگوشه‌باسجع: «عبده‌الراجی یحیی الموسوی».

۱٤

سواد استشهادنامچه‌ای بدون تاریخ.

دراین ورقه از سادات وفضلا وسکنهٔ استراباد خواسته‌اند که علم و خبر و اطلاع خود را دربارهٔ پنج‌دانگ‌قریهٔ میرمحله وشش‌دانگ قریهٔ چوپلانی که وقف برای‌لاداست و فروش آنها به محمدرضاخان بتوسط میرزا محمدعلی هروی خلاف شرع است مرقوم دارند.

استشهاد و استطلاع و استخبار میرود از سادات عظام و فضلاء عـالیمقام و جمهور سکنهٔ دارالمؤمنین استراباد صانهاالله عن‌التفرقة و الفساد که عالم وخبیر بوده‌باشند که پنج دانگ قریهٔ میرمحله و همگی وتمامی کل قریهٔ موقوفهٔ چوبلانی واقع است دربلوك استرابادرستاق که املاك بوده مرحمت وغفران‌پناهان آقا سید رضا و آقا میر-عماد خلفان مرحمت‌پناه رضوانجایگاه آقا میر روح‌الله الحسینی وقف اولاد ذکور است و الحال هر که علم بروقفیت املاك مزبوره داشته باشند و یا اینکه از عفت و عصمت‌پناه مرحومهٔ مغفوره بیجه شرف که صبیهٔ مرحمت و غفران‌پناه آقا میرعمادی که‌ازجملهٔ اولاد واقف است شنیده باشند که املاك مزبوره وقف ذکوراولاد است و دیگر علم داشته باشند که الحال موقوف علیهم عالیحضرت گرامی‌مرتبت سلالـة-السادات آقامیرموسی وبرادرش آقا میرتقی می‌باشند وتصرف غیردر املاك موقوفه خلاف شرع‌شریف‌می‌باشد وفروختن‌میرزامحمدعلی هروی وغیره‌برضوانجایگاه و جنت‌آرامگاه محمدرضا خان خلاف شرع است صفحهٔ این‌صحیفه را باسامی‌سامی‌و امهارگرامی خود را دراین ورقهٔ صدق رقمیه درج و خرج فرمایند تاحق‌بمن‌له‌الحق عاید و داخل شود و عندالحاجة حجة تواند شد که هرآئینه باعث مـزید درجـات [اخروی است] .... و السلام علی من اتبع الهدی.

[برحاشیهٔ بالاوسمت راست این‌استشهادنامچه مطالب زیر نوشته شده است:]
برداعی‌دوام دولت‌بهیه علم‌قطعی حاصل‌است که پنج‌دانگهٔ قریهٔ میرمحله‌وچوپلانی‌ـ کلش و کل‌املاك مرحمت‌پناهان آقا سیدرضا و آقا میرعماد وقف اولاد ذکور است‌و از مرحومه بیجه شرف صبیهٔ آقا میرعمادی که از جمله اولاد واقف است استماع نموده‌ام که همهٔ املاک ماکلاً وقف اولاد ذکور است که‌اجداد ما وقف نموده است که موقوف‌علیهم‌الحال‌عالیحضرت سلالةالسادات آقا میرموسی‌با برادرش‌می‌باشندو مبایعهٔ مرحوم میرزا محمدعلی هروی برضوان‌جایگاه محمدرضا خان خلاف شرع انور می‌باشد وماشهدنا الابما علمنا نمقه‌الجانی. [محل‌مهر آقاکاظم موسوی]، [محل مهر آقا میرزین‌العابدین موسوی]
السواد مطابق لاصله حرره العبدالجانی. [جای مهر][1]
براحقر سادات علم قطعی حاصل گردیدکه‌مراتب مسطور در متن بیان واقع‌وخلافی ندارد نمقه‌الجانی حاجی محمدابراهیم موسوی.

بسم‌الله‌تعالی حل‌شأنه

برداعی علم حاصل گردید که مقدار پنج دانگ قریهٔ میرمحله و شش دانگ قریهٔ چوپلانی متعلق به‌حضرات مرقومین است وخلافی نداردالعبد المذنب. [محل مهر آقا میر زین‌العابدین الحسینی].
ذامع اصله سیان اناالعبدالجانی. [جای مهر][2]
قوبل مع‌اصله و وحدته مطابقاً. [جای دومهر][3]
مضمون مسطوررا استماع نموده که آنچه درین ورقه درج‌شده است ازوالدمرحوم‌و بنی‌اعمام شنیده‌ام. [محل مهر آقا رحیم موسوی]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدهادی الموسوی». ۲ـ مهری بیضی با سجع: «عبده الراحی عباسعلی». ۳ـ مهری بیضی‌باسجع: «جمال‌الدین علی الرضوی» و مهری بیضی دیگر باسجع: «عبده نجم‌الدین محمد الحسینی».

السواد واصله الاصیل سیان وکتب الخاسر الجاسر. [جای دومهر][1]

بسم‌الله عزشأنه

محقق وهویدا گردید که مرحوم خلدآشیان رضوان‌جایگاه حاجی ملا رضا اعلاءالله مقامه حکم برداملاك مرقومه بحضرات موقومین کرده‌اند و در این سه سطر جنب نوشته‌اند و حکم ایشان لازم الاتباع است . [جای مهر حاجی ملا محمدتقی]

بسم‌الله تعالی‌شأنه‌العزیز

مراتب مسطوره نظر باحکام علمای معلومه و شهادت جمعی موثقین و نوشتجات معتبره اظهر من‌الشمس است حرره‌الداعی محمدرضا الحسینی .

مراتب مزبوره بطرقی است که در اصل مسوده شده است و با اصل سواد مطابق است . [جای مهر][2]

نظر بمقتضی شهادت جمعی از ثقات و مضمون وقف‌نامچهٔ معتبره و امهار گرامی سادات و علماء کرام درین ورقه براقل عبادالله ظاهر و منکشف که پنج‌دانگ قریهٔ میرمحله و جوبلابی کلش وقف اولاد ذکور مرقومین می‌باشند و موقوف‌علیهم الآن آقا میرموسی و آقا میرتقی می‌باشند هوالله‌العالم. [جای مهر ملا عیسی]

نظر بشهادت عالیجناب‌مقدس‌القاب مخدومی مطاعی کهف‌الحاج والمعتمرین‌حاجی ملارضا و آخوند ملا عیسی و آقا میر محمدصادق موسوی وآقا میرزین‌العابدین و جمعی دیگر املاك مسطوره وقف است و موقوف‌علیهم الآن مستشهدان مسطوران می‌باشند والله هوالعالم . [جای مهرحاجی آقابابا] ، [جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی باسجع : « عبده محمدصادق‌الموسوی » و مهر دیگر بیضی کوچك با سجع: «عبده مفیدالموسوی». ۲ـ مهری‌چهار گوشه‌باسجع: «لااله‌الاالله الملك‌الحق‌المبین محمدرضا الحسینی ». ۳ـ مهری چهار گوشه باسجع : « حسین منی وانا من‌حسین».

از شهادت جمع کثیری از معتمدین بعد از ملاحظهٔ وقف‌نامهٔ معتبره کـه عالیجناب سلالةالسادات آقامیرموسی و آقا میرتقی‌دردست دارندمعلوم گردیدکه املاك مسطوره وقف است و موقوف‌علیهم عالیجنابان سابق‌الذکر می‌بـاشند برهر یـك از متکیان لوسادةشریعة غراء لازم که کوتاهی درانتزاع نفرمایند والله‌العلام‌عالم بحقائق‌الاحکام.

[محل مهر حاجی ملا عباسعلی]

بسم‌الله خیرالاسماء

از زوجهٔ مرحوم میرزا محمدعلی هروی که مسماة به بیجه شرف نساء بوده استماع نموده‌ام که همهٔ املاك ماکلاً وقف اولاداست که اجداد ما وقف‌نموده‌اند که موقوف‌ـ علیهم حال عالیحضرت سلالةالسادات العظام آقا میـر موسی الحسینی و بـرادر او می‌باشند و ماشهدنا الابماعلمنا. [محل مهر آقا احمد الموسوی]

السواد مطابق‌للاصل الاصیل نمقه‌الجانی. [جای مهر][1]

بعدماکتبته و قابلته مع‌الاصل السواد مطابق‌لاصله نمقه‌الخاطی محمدهادی.

[جای مهر][2]

السواد مطابق لاصل الاصیل نمقه‌الجانی. [جای مهر][3]

بسم‌الله‌تعالی العزیز السواد مطابق للاصل الاصیل نمقه العبد المذنب.

[جای مهر][4]

هـذا السواد بعد ماقابلت وجـدته مطابقاً للاصل‌الاصیل نمقه‌الجانـی.

[جای مهر][5]

السواد مطابق لاصله نمقه الخاطی. [جای مهر][6]

۱ـ مهری چهارگوشه وناخوانا. ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی‌محمدـ هادی» ۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمد مؤمن». ۴ـ مهـری چهارگوشه با خط طغرا «العبدالمذنب محمدباقر». ۵ـ مهری‌بیضی‌باسجع: «پیرودین‌نبی‌رجبعلی». ۶ـ مهری‌بیضی باسجع : «عبده الراجی محمدمهدی».

بواسطهٔ صادقه از مرحوم ابوی‌ام‌مضمون مسطور فی‌الهامش استماع شد واناالعبد آقا میرزین‌العابدین.

قد علمت بعدماسمعت من‌جماعة من‌العدول والموثقین بان مازبرفیه مطابق للصدق والصواب وماشهدناالابماعلمنا حاجی‌سیدحسین‌الحسینی، حاجی‌سیدمحمدالحسینی.

[جای مهر][1]

برداعی دوام [کذا] علم قطعی حاصل است که پنج دانگ قریهٔ میرمحله و کل شش دانگ چوپلانی ازجمله املاك مرحمت‌پناهان آقا سید رضا وآقامیرعماد وقف اولاد ذکور است و از مرحومه بیجه شرف صبیهٔ آقا میرعمادی که از جملهٔ اولاد واقف است استماع نمودم که همهٔ املاك ماکلاً وقف اولاد ذکور است که اجداد ما وقف نموده است که موقوف‌علیهم الآن عالیجناب قدسی‌انتساب سلالة السادات العظام آقا میرموسی بابرادرش آقا میرتقی می‌باشند و مبایعهٔ مرحوم‌میرزا محمدعلی‌هروی بمرحمت‌پناه محمدرضاخان خلاف شرع می‌باشد و ماشهدناالابماعلمنا و عمل بوقفیت شده است. [محل مهر آقا رضا الحسینی]

درحین فروختن میرمحله و قریهٔ چوپلانی بعالیجاه رضاخان قوانلو از والد مرحوم خود استماع‌نمودم که قریتین‌مذکورتین وقف اولاد ذکورسیدرضا ومیرعمادمیباشدو از شهادت اعمام مرحوم خود و موثقین علم قطعی حاصل که قریتین مذکورتین در متن وقف اولاد ذکور واقف می‌باشد وخلافی ندارد والحال موقوف‌علیهم حضرات مرقومین می‌باشند. [محل مهر آقا میرمحمدصادق الموسوی]

براقل سادات علم قطعی حاصل است که ۴ دانگ قریهٔ میرمحله وچوپلانی کلش وقف اولاد ذکور می‌باشد و عمل بوقفیت شده‌است واز مرحومه بیجه شرف مراتب

۱ــ مهری بیضی با سجع: «عبده حسین‌الحسینی».

مزبوره را مکـرر شنیده والحال موقوف‌علیهم می‌باشند   وماشهد ناالابماعلمنا آقا سیدحسین الحسینی.

و بعداز ملاحظهٔ امهارکرام علم بهم رسید خصوصاً بفرمودهٔ جناب حاجی ملارضـا که خلافی در مراتب مزبوره نیست   ملا رضاعلی.

از شهادت و امهارکرام حضرات براقل عباد علم حاصل گردیدکه آنچه دریـن ورقهٔ صدق ترجمه است خلافی ندارد و ماشهدنا الابما علمنا   آقا ابوجعفر الموسوی.

[جای مهر][1]

مراتب مسطوره نظر باحکام علمای معلومه ونوشتجات و وقف‌نامچه اظهرمن‌الشمس است   آقا میر موسی وآقا میـرتقی موقوف‌علیهم می‌باشند .

[جای مهر میرزا حسین]

قداقر جناب حاجی آقاسیدحسین سلمه‌الله بانی‌قدسمعت من‌جمع من‌العدول‌انهم‌قالوا بان‌مارقم فی‌هذه الورقة مطابق للواقع فحصل‌لی‌علم بان‌مارقم فیه‌حق   و انـاالعبد الآثم حـاجی محمد الحسینی .   [جای مهر مـلا مهدی ولد مرحـوم مـلا اسمعیل پیش‌نماز] .

السوادموافق‌لاصله الاصیل   حـرره اولاد الواقف والمستشهد واناالعبـد الجانـی الخاطی.   [جای مهری بیضی و ناخوانا]

از برای داعی‌علم قطعی بمراتب مزبوره حاصل‌است واز مرحومه بیجه شرف‌مکرر استماع شدکه مراتب مزبوره بیان واقع و خلافی ندارد و زوجهٔ داعی نیز در حین ملاقات خدمت بیجه شرف مـراتب مسطوره را نیز شنیده و خلافـی در آن نیست   العبد الجانی کربلایی طاهر آسیاوان.

۱ــ مهری بیضی باسجع: «عبده ابوجعفر الموسوی».

برداعی علم قطعی حاصل است که پنج دانگ قریهٔ میرمحله و کل‌شش دانگ قریهٔ چوپلانی از جمله املاك مرحمت‌پناهان آقا سید رضا و آقا میرعماد وقف اولاد ذکوراست که موقوف‌علیهم الحال عالیجناب آقا میرموسی با برادرش آقا میرتقی می‌باشند و کسی را در این خصوص حقی‌و دخلی نمی‌باشد بااینکه مراتب‌رابکرات از پدر مرحومم استماع نمودم که می گفت ازمرحومه بیجه شرف بطریقی که مخادیم کرام از مرحومه استماع نمودند بی‌زیاده وکم حقیر استماع نمودم و مبایعهٔ مرحوم میرزا محمدعلی بمرحمت‌پناه رضاخان باطل است و عمل بوقفیت همه شده است.

[جای مهر آقا سید احمد الحسینی]

مضمون مسطور بیان واقع است و خلافی‌ندارد ملا محمدعلی.

۱۵

استشهادنامچه‌ای بی‌تاریخ .

دراین ورقه از علما و سادات و پیرمردان خواسته‌اند که اگر از بندپای‌تپه‌که‌ساکنان مرزبانکلاته درسابق‌بندگرفته بودند به‌پایین را جزء مرزعهٔ چوپلانی می‌دانید این ورقه رابه اسامی و مهرهای خود مزین نمایید.

استشهاد واستعلام واستخبارمیرود ازعلماءاعلام وسادات‌ذوالعزوالاحترام وپیرمردان بلوك استرابادرستاق صانهاالله عن‌التفرقة والفساد وآقایان و پیرمردانی که بفرمودهٔ جناب قبلة الانامی وقدوة المحققین والمدققین آقائی‌حاجی شیخ نصرالله رفتید بصوابدید و غور رسی مزارع قریهٔ چوپلانی و مرزبانکلاته نمودید آنچه برشما

معلوم و محقق شد و معلوم بود از قدیم وجدید یا علم حاصل شد مــزرعهٔ قوچانــی بگفتهٔ آقایان مرزبانکلاته ابراهیم‌آباد در سرهمان بند ومزارع ایستادید و دیدیــد و پرسیدید از پیرمردانی که اطلاع داشتند که آن مزرعه متنازع فیها ازبندپای تپه کــه آقایان مرزبانکلاته در سابق بندگرفته بودند وتصرف داشتند از آن بندبپائین‌را اگر مزرعهٔ چوپلانی میدانید این ورقه را باسامی سامی و امهارگرامی خود مزین‌فرمائید که عندالله وعندالرسول ماجور و مصاب خواهد بود

کسی نــیك بیند بهردو سرا   که نیکی رساند بخلق خدا.

[برحاشیهٔ سمت راست‌وبالای‌این‌استشهادنامچه عبارات‌زیر نوشته شده‌است:]

از قرارگفتهٔ خیرالحاج حاجی عباس و سایر ریش‌سفیدان استرابادرستاق مزرعهٔ زیر بندپای تپه ملك طلق آقایان چوپلانی میباشد خلافی ندارد . [جای مهر][1]

مزرعهٔ مرقومه تماماً که ابتدای‌آن ازبندبالا سرتپهٔ قوچانی است داخل‌درملك موقوفهٔ آقایان سادات چوب‌لانی است و تصرف آقایان مرزنکلاته بغصب است.

[جای مهر][2]

آنچه کهف‌الحاج حاج کرم‌علی و عالیشأن محمدبیگ نوشته‌انــد بیان واقع است حرره کربلائی ولی. [جای‌مهر][3]

همین مضمون که حضرات ریش‌سفیدان و غیرهم نوشته‌اند بیان واقع است حرره محمد خلف مرحوم کربلائی غلام.

آنچه در متن‌بیان واقع‌است حق‌است که مال‌آقایان‌میباشد بلاخلاف حرره‌مشهدی خانعلی.

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده یوسف». ۲ـ مهری بیضی که کلمات«حیدرعلی» برآن‌خوانده می‌شود. ۳ـ مهری‌چهارگوشه وناخوانا.

تمام مزرعهٔ مرقومهٔ در متن بیان واقع است وخلافی ندارد که مال سادات چوپلانی است. [جای مهر][1]

تمام مزرعهٔ مرقومهٔ در متن که ابتدای آن از بندبالا سرتپهٔ قوچانی است داخل در ملك موقوفهٔ آقایان سادات چوبلانی است و تصرف آقایان سادات مرزنکلاته محض غصب و غصب محض است حرره محمدبیگ . [جای مهر][2]

تمام مرزعهٔ مرقومهٔ در متن بیان واقع است که ملك طلق آقایان سادات چولانی میباشد و تصرف آقایان مرزنکلاتهٔ بموجب غصب و عدوان است و موقوفه است حرره ولی بك.

تمام مرزعهٔ مرقومهٔ درمتن بیان واقع است که ملك‌طلق آقایان سادات چوپلانی میباشد و تصرف آقایان مرزنکلاتهٔ بموجب غصب وعدوان است و موقوفه است . [جای مهر][3]

تمام مرزعهٔ مرقومهٔ در متن بیان واقع است که ملك طلق آقایان سادات چوپلانی میباشد و تصرف مرزنکلائی بموجب‌غصب وعدوان است وموقوفه‌است کربلائی عاشورچلبنی. [جای مهر][4]

از قراریکه حضرات بلوك‌استرابادرستاق ازقبیل خیرالحاجان حاجی‌عباسی وحاجی کرمعلی دو دانگی و کربلائی عشور چلبنی وکربلائی ولی دودانگی و سایر پیرمردان گفتند از بند پشته‌تپه بزیرآب ملك‌کامل آقایان چوپلانی است.

[جای مهر][5]

۱ــ مهری چهارگوشه‌باسجع: «المتوکل علی‌الله عبده محمدعلی». ۲ ــ مهری بیضی با سجع: «منتظر لطف الهی‌کرم». ۳ــ مهری بیضی با سجع : «عبده‌الراجی عباسعلی». ۴ــ مهری بیضی با سجع :«عبده علی فولادی». ۵ــ مهری بیضی با سجع: «عبده محمداسمعیل».

ازقرارگفتهٔ خیرالحاج حاجی‌عباس وسایرریش‌سفیدان استرابادرستاق مرزعهٔ زیربند ملك طلق آقایان چوپلانی می‌باشد خلافی ندارد الآثم . [جای مهر][1]
نوشتهٔ در متن صحیح و خلافی ندارد. [جای مهر][2]

۱۶

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۲۷۰ هـ . ق .

دراین‌ورقه ازعلما وسادات وکلانتران وکدخدایان وریش‌سفیدان بلد و بلوك استراباد خواسته‌اندکه نظر خود را در بارهٔ تولیت مدرسهٔ مفیدیه‌که به اکبراولاد ذکور مفوض بوده است بنویسند.

استشهادواستعلام‌واستخبارمیرود ازعلمای‌اعلام‌وسادات‌عالی‌درجات‌عظام‌وکلانترانو کدخدایان و ریش‌سفیدان ذوی‌العزوالاحترام از بلد وبلوك دارالمؤمنین استراباد صانهاالله عن التفرقـة والفساد براینکـه داستـان صدق انتظام‌کـه تولیت مـدرسهٔ مفیدیه و املاك موقوفه برآن از قدیم‌الایام الی‌الآن مفوض باکبراولاد ذکورواحفاد مرحمت و غفران‌پناه رضوان‌جایگاه علیین‌آرامگاه آقای آقا سید مفید الموسوی‌که بانی بنای مدرسه میباشد بوده وهست هرکه علم و اطلاع داشته باشد براین‌مضمون اینورقه را مزین بخطو مهرشریف خود فرمایندکه در نزد حکام عرف و شرع معتبر بوده حق را بمن‌له‌الحق‌گذارند و السلام علی‌من اتبع‌الهدی.

[برحاشیهٔ سمت‌راست‌وبالای‌این استشهادنامچه‌عبارات زیرنوشته شده است:]
تولیت مدرسهٔ مزبوره باکبراولادآقایان‌سادات مفیدیها میباشد آنچه حقیر دیده‌است

۱ــ مهری‌بیضی باسجع: «عبده محمدشریف۱۲۶۸». ۲ ــ مهری بیضی باسجع : «عبده کرمعلی».

از زمان آقا سید احمد تازمان آقارحیم که شش پوشت بود چنین روشن شده است عبدالجانی محمد ابراهیم ابن‌محمد ... سنهٔ ۱۲۷۰ .

برحقیر واضع است مثل آفتاب آنچه از قدما شنیدم و خود دیده‌ام مفوض باولاد اکبر بود. [جای مهر][۱]

آنچه احقر از زمان مرحوم آقا محسن تازمان مرحوم آقارحیم دیدم اکبر اولاداین سلسلهٔ علیه متصدی تولیت موقوفه بودند وعمل مینمودند خلافی از هیچیك از این سلسله نشنیدم العبد الآثم ابوالحسن . [جای مهر][۲]

آنچه باقل الحاج یقین وصریح است اززمان آقارضای مرحوم دیدم اکبر اولاد این سلسلهٔ علیه متصدی تولیت موقوفه بودند و هستند. [جای مهر][۳]

بسمه تعالی

تولیت مدرسهٔ مذکور بیان واقع که شنیده‌ام و دیده‌ام ومیدانم باکبراولاد بوده و هست. [جای دومهر][۴]

آنچه در این ورقه ثبت است بیان واقع است خلافی ندارد . [جای دومهر][۵]

آنچه در این ورقه نگارش شده خلافی ندارد. [جای مهر][۶]

تولیت مدرسهٔ مزبوره باکبر اولاد آقایان مفیدیه بوده ومیباشد نمقه الجانی.

[جای دومهر][۷]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «واذکر فی‌الکتاب اسمعیل». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی ابوالحسن۱۲۳۲». ۳ـ مهری چهارگوشه باسجع: «قبلهٔ‌هستی محمدتقی». ۴ـ مهری بیضی باسجع: «یا عباسعلی» ومهری بیضی دیگر باسجع: «یا امام رضا». ۵ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی علی محمد » و مهر بیضی دیگر باسجع: «عبده الراجی محمد شفیع» . ۶ ـ مهری بیضی با سجع : «عبده محمدمهدی الموسوی ۱۲۵۰». ۷ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی زین‌العابدین » و مهری چهارگوشه باسجع: «المتوکل‌علی‌الله عبده آقا بابا».

بسم‌الله‌تعالی‌شأنه بنده از بیست سال قبل را دیدم و شنیدم متولی مدرسه و موقوفهٔ مدرسهٔ مذکور بااکبر اولاد جنت تکیه‌گاه آقائی آقاسیدمفید بوده وهست نمقه‌العبد الجانی الفانی.

بسم‌الله‌تعا[لی] شأنه

متولی مدرسهٔ مرحوم مغفور خلدآشیان آقائی آقا سید مفید طاب‌ثراه بعدازخودش اکبر اولاد خود بوده الی‌زماننا و ماشهدناالاسمعناها حرره الجانی.

[جای مهر][1]

تولیت‌مدرسهٔ مذکوره آنچه‌شنیدم‌ودیدم‌ومیدانم‌بااکبراولادبوده‌وهست نمقه‌جانی.

[جای دومهر][2]

متولی مدرسهٔ مسطوره و املاك موقوفهٔ آن از چهل سال قبل الـی الآن اکبر اولاد ذکور علیین‌آرام‌گاه آقا سید مفید بوده است و درین مدة درین باره‌الی زماننا هذا کلامی نبوده است. [جای مهر][3]

بسم‌الله تعالی‌شأنه

آنچه معلوم و محقق براحقرعباد باستفاضهٔ قطعیه وسیرهٔ قویه بوده ومیباشدآن است از اول‌بنای مدرسهٔ‌مذکوره و قرار تولیت‌آن‌تولیت آن‌با اکبراولاد مرحوم آقا سید مفید طاب‌ثراه بوده‌گمان ندارم‌که الی‌الحال‌بجهة احدی شبهه بوده الاالحال‌چنانچه مفصلاً در ورقهٔ اخری تحریرشد. [جای دومهر][4]

---

۱ ــ مهـری بیضی با سجع : افـوض امـری الی‌الله عبده محمدحسین الحسینی » .

۲ــ مهری‌چهارگوشه که‌کلمات: «لب بارگاه سلطان محمد شه‌است» برآن خوانده می‌شود و مهری بیضی باسجع : «عبده یحیی‌الحسینی » . ۳ ــ مهری بیضی که‌کلمهٔ «علی» برآن خوانده می‌شود . ۴ ــ مهری بیضی باسجع : « عباسقلی ۱۲۶۶ » ومهری چهارگوشه با سجع : «عبده محمد شفیع‌الموسوی ۱۲۲۷» .

تولیت مدرسهٔ جنت تکیه‌گاه آقائی آقاسیدمفیداعلی‌الله مقامه با اکبر اولاد مـرحوم بوده العبدالراجی. [جای دومهر][1]

این قضیه‌باستفاضه‌اظهرمن‌الشمس وابین‌من‌الامس بوده ومیباشد براحقرعباد باستفاضه علم حاصل است کماحررت فی ورقه اخری نمقه . [جای دومهر][2]

بسمه خیرالاسماء

از پنجاه سال قبل از این بعد از آنکه شعوری بهم رسانیدم تولیت مدرسهٔ مرحـوم جدم رضوان‌جایگاه آقا سید مفید طاب‌ثراه بااکبر ذکور اولاد مرحوم جـدم دیدم از مرحوم آقااحمد به‌آقارضای مرحوم منتقل شد بعداز آن مرحوم آقامحسن شیخ‌الاسلام آقا بعداز آن بمرحوم آقا محمدباقربعداز آن بمرحوم حاجی سیدمفیدبعداز آن بمرحوم آقا محمد هادی بعداز آن بمرحوم آقا رحیم شیخ بعد از آن فسادهائی مترتب شده حرره‌الجانی [جای مهر][3]

۱ــ مهری بیضی باسجع: «عبده‌احمد الموسوی» و مهری بیضی دیگر باسجع : « عبده الـراجی محمد ح ی د ر » . ۲ ــ مهـری بیضی باسجع : « عبـده الـراجی محمد اسمعیل ۱۲۲۲ » و مهـری چهارگوشه با سجع : « المتوکل علـی‌الله عبده محمد رضا » .

۳ــ مهری بیضی باسجع:«عبده‌الراجی سید محمد الموسوی».

۱۷

استشهادنامچهٔ غیر مورخ

دراین ورقه از مؤمنین خیراندیش و پیرمردان وریش‌سفیدان و کدخدایـان قراء استراباد رستاق خواسته‌اندکه تأیید کنند قناتی که شیرخان شمس‌آبادی در ملك موقوفهٔ چوپلانی حفر کرده‌است ضرر فاحش به موقوف‌علیهم دارد.

استشهاد و استعلام و استخبار میرود از مؤمنین خیراندیش و مسلمین صداقت‌کیش از پیرمردان و ریش‌سفیدان و کدخدایان قراء دارالمؤمنین استرابـادرستاق صانهاالله عن‌التفرقة والفسادبر آنکه هر که علیم‌وخبیروبصیر بوده‌باشد به این که‌یك رشته قناتی که عالیشان کربلائی‌شیرخان شمس‌آبادی درملك موقوفهٔ مزرعهٔ چوپلانی‌حفر نموده آن قنات ضرر کلی به عین ملك مزروعی موقوف‌علیهم دارد وآب مزروعی کـه در جنب همان قنات است دارد وکندن همان قنات صرفه وغبطهٔ ملك وقف‌نیست ضرر فاحش بموقوفه‌علیهم دارد اسامی سامی و امهار گرامی خود را در این ورقه ثبت و درج نمایند

کسی نیك بیندبه‌هردوسرا   که نیکی رساند بخلق خدا.

[برحاشیهٔ بالای این استشهادنامچه عبارات زیرنوشته شده است:]

آنچه درین ورقه مسطور است علم قطعی حاصل شدکه بیان واقعه است‌که خلافـی ندارد   ملا صفرجاینی.

آنچه درین‌ورقه مسطوراست بیان واقعه خودم رفتم ودیدم خلافی ندارد   کربلائی الله‌داد جاینی.

آنچه درین ورقه‌مسطور است بیان‌واقعه‌است خلافی ندارد رفتم و دیدم   کربلائی حسین جاینی.

آنچه درین ورقه مسطوراست بیان واقع است خلافی ندارد رفتم ودیدم کربلائی محمدخان جاینی. [جای مهری بیضی و ناخوانا]

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقع است خودم رفتم و دیدم خلافی ندارد حاج محمدحسین جاینی. [جای مهر][1]

ازگفتهٔ جمعی از اهل خبره علم قطعی حاصل شد باینچه دراین ورقه مسطور است حاج کرمعلی جاینی. [جای مهر][2]

حقیر خود رفتم باجمعی پس‌ازمشاهده علم‌قطعی بهم رساندم ضررکلی بملك‌موقوفه دارد. [جای مهر][3]

علم قطعی حاصل شدکه ضررکلی به عین موقوفه دارد و خلافی ندارد ملا علی جاینی ملك محمدعلی‌جاینی. [جای مهر][4]

آنچه در این ورقه می‌باشد صدق است و بیان واقع می‌باشد احقر محمد باقر جاینی.

آنچه در این ورقه منظوراست بیان واقع است خلافی ندارد ملك علی‌جاینی. [جای مهر][5]

آنچه درین ورقه منظوراست بیان‌واقعه خلافی ندارد خودم رفتم ودیدم کربلائی عاشور جاینی.

۱ــ مهری گرد باسجع: «عبده محمد حسین». ۲ــ مهری هشت ضلعی باسجع: «عبده کرمعلی». ۳ــ مهری بیضی‌باسجع: «عبده محمود». ۴ــ مهری چهارگوشه باسجع: «المتوکل‌علی‌الله عبده محمدعلی». ۵ــمهری بیضی باسجع: «یا علی‌ادرکنی».

۱۸

استشهادنامچه حدود سنهٔ ۱۲۸۰ هـ . ق .

دراین ورقه از سادات و موالی و اربابان وکدخدایان حوالی قریهٔ میرومحله و قریهٔ ترنگ‌که شاهد و مطلع بوده‌اند خواسته‌اند نظر خود را در بارهٔ بند آب میرومحله و ترنگ از رودخانه‌ای که از تلوکلاته وکشته می‌گذرد بنویسند.

استشهاد واستخبار و استعلام میرود از جمعی سادات و موالی وکدخدایان حوالی‌و حواشی قریهٔ میرومحله وترنگ بر آنکه شاهد و مطلع و عالم وخبیر بوده باشندکه رودخوانهٔ‌که از قریهٔ تلوکلاته وکشته میگذرد چون بقریهٔ اشتامهین میرسد از قدیم‌ـ الایام تا حال قریهٔ میرومحله از رودخوانهٔ مذکور بندی میگرفته‌اند و در تحت بند قریهٔ میرومحله آنچه آبی که بهم‌میرسیده‌قریهٔ‌ترنگ وغیره‌بند میگرفته‌اند و درینمدت سنگ بخش قسمت و یا درك بخش‌میانهٔ قریهٔ میرومحله و ترنگ نبود اسامی‌شریف خود را در حواشی این صحیفه ثبت نمایندکه مأجورومثاب خواهند بود.

[برحواشی این استشهادنامچه عبارات زیر نوشته شده است :]

هو

بشرحی‌که در متن تحریر یافته معمول رودخانهٔ تلوکلاته ازین قرار استمرار یافته العبدالأقل اصیل‌الدین محمدالحسینی استرابادی.

مضمون مسطور متن بیان واقعست و خلافی ندارد کربلائی شریف‌کمانگرمحلهٔ.

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد محمد شریف‌کیقبادی.

[جای مهر][1]

---

۱ ـ بیشتر مهرها خوب نگرفته و در عکسبرداری نیز کوچك شده‌اند . از خواندن آنها صرف‌نظر شد.

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد ملامحمد صالح ساکن کشته.

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد العبد الاقل شاه محمد کیقبادی.

[جای مهر]

مضمون مسطور متن بیان واقع است و خلافی ندارد العبدالاقـل سیادت‌پناه میر محمدتقی کیقبادی.

مضمون مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد میر... [جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد العبد کربلائی محمد کمانگرمحلهٔ .

[جای مهر]

مضمون مسطور متن بیان واقعست وخلافی‌ندارد العبدالاقل ملك‌علی‌رضامیرده‌ئی.

[جای مهر]

مضمون مسطور متن بیان واقع است خلافی ندارد علیخان‌گیل ساکن میرومحله .

مضمون مسطور بیان واقع است خلافی‌ندارد استاد میرمحمد کشته‌ای.

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد محمد مقیم لورگر کمانگرمحله‌ئی .

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد العبد محمدعلی کیای کمانگرمحلهٔ.

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعست خلافی ندارد ملك آقا محمد... [جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعست خلافی ندارد العبد الاقل محمد جی‌بوکهٔ.

مضمون مسطور متن بیان واقعست خلافی ندارد العبدالاقل ملك مراد امیرده‌ئی .

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعست خلافی ندارد ملك حسین کمانگر کشته‌ای.

مضمون مسطور متن بیان واقعست خلافی ندارد العبد الاقل ملا سلطانمحمد.
مضمون مسطور بیان واقعست خلافی ندارد العبد الاقل محمدتقی‌زرگر .
مضمون مسطور بیان واقعست خلافی ندارد شیخ محمدکریم کشته‌ای.
[جای مهر]
مضمون مسطور بیان واقعست خلافی ندارد العبد الاقل مراد زرگر.
مضمون مسطور بیان واقعست فضل‌الله .... کشته‌ای.
مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد کربلائی علی استرابادی .
[جای مهر]
مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد محمد صالح سراج .
[جای مهر]
مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد ملك آقابیگ کناری .
[جای مهر]
مضمون مسطور متن بیان واقعست و خلافی ندارد العبدالاقل محمدتقی میرهاج.
[جای مهر]
هو مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد العبد عوض‌علی.
مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد تلوکلاته‌ئی. [جای مهر]
مضمون مسطور متن بیان واقعست خلافی ندارد الاقل ملك حسین بن عماد .
بنحوی که در متن سمت تحریر یافته بیان واقعست وخلافی ندارد العبد الاقل محمدتقی صباغ. [جای مهر]
مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد العبدالاقل ملا ابراهیم .
[جای مهر]

مضمون مسطورمتن‌بیان واقعست وخلافی ندارد ملك حاجی‌محمد کمانگر کشته‌ئی
[جای مهر]
مضمون مسطور بیان واقعست و خلاف ندارد حاج میرزا علی کیقبادی.
[جای مهر]
مضمون مسطور بیان واقعست خلافی ندارد العبد خانمحمد.
مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد العبـد عزیز تلوعـزی .
[جای مهر]
مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد میرعبدالله کمانگر محله‌ئی.
[جای مهر]
ماسطر وزبربیان للواقع العبدالاقل محمد ... [جای مهر]
مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد ملا عزیز استیکی . [جای مهر]
مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد العبدالاقل ..... استیکی.
[جای مهر]
مضمون مسطور بیان واقعست خلافی ندارد العبد الاقل فتح‌الله کفشگری.
[جای مهر]
مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد العبدالاقل امیرتلوعـزی .
[جای مهر]
بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقعست وخلافی ندارد العبدالاقل جمال‌الدین محمد الحسینی الشیرنکی.
مضمون مسطور متن بیان واقعست و خلافی ندارد میرمحمد شفیع تلوکلاته‌ئی .
[جای مهر]
بنحوی که قلمی شده برینموجب است العبد محمد قاسم. [جای مهر]

بموجبی که در متن قلمی شــده بیان واقعست و خلافــی ندارد   العبد محمدرفیع کفشگری .   [جای مهر]

مضمون مسطور متن بیان واقعست و خلافی ندارد   سرداربیگ رسکتی.

[جای مهر]

مضمون متن بیان واقعست و خلافی ندارد   العبــد محمدصفی کفشگری .

[جای مهر]

هو

آنچه براقل الطلبه ظاهر است اینست که معمول رودخانهٔ مذکوره .... است وقریهٔ میرومحله همیشه‌بندی از رودخانه بجهت زراعت خود برده است   وانا العبدالاقل محمد قاسم‌بن حسین‌الحسینی عفی‌عنهما .   [جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد   میرمحمد قاسم‌الحسینی کشته‌ئــی .

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد   میرمحمدرضــا الحسینی کشته‌ئی .

[جای مهر]

حقیقت بنحوی است که درمتن قلمی شده است   العبد محمدعلی.

۱۹

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۲۸۳ هـ . ق .

از اهالی بلد و بلوك استراباد رستاق و از پیرمردان و صاحبان خبرت و بصیرت خواسته‌اند که علم واطلاع خود را در بارهٔ رشته قناتی که کربلائی شیرخان شمس‌آبادی در ملك موقوفهٔ مزروعی چوپلانی حفر کرده بنویسند که آن خلاف صرفه وغبطهٔ وقف‌است‌و باعث ضرر موقوف‌علیهم است .

استشهاد و استعلام و استخبار و استطلاع میرود ازاهالی بلد و بلوك استرابادرستاق از پیرمردان و اهل وقوف و اطلاع وصاحبان خبرت وبصیرت براینکه هرکه‌علیم‌و خبیر ومطلع باشد وعلم قطعی داشته باشد براینکه یك رشته قناتی که عالیشان کربلائی شیرخان شمس‌آبادی در مزرعه و ملك موقوفهٔ مزروعی چوبلانی حفر نموده‌است ضرر کلی بملك مزروعی ومحل زراعت‌ملك موقوفه دارد وهرگاه‌بهمین حال بماند بموجب خسارت وضررهای‌کلیه بملك موقوفه و بموقوف‌علیهم میباشدو اصل حفر این قنات در آن مکان از ملك که حفر شده است خلاف صرفه و غبطهٔ وقف بوده است بلکه این قرار خلاف مصلحت بوده است بلکه مفسده از حفر این قنات نسبت بملك وقف و بموقوف علیهم متحقق و ثابت است اسامی سامی‌وامهار گرامی خود را در این ورقه ثبت ودرج نمایند که در نزد آقایان عظام و محضر علماء و حکام شرع ذوی‌العز والاحترام سندو حجت شرعیه بوده باشد .

والسلام علی من‌اتبع‌الهدی ونهی‌النفس عن‌الهوی.

[برحاشیهٔ بالاوسمت راست این استشهادنامچه مطالب زیرنوشته شده‌است:]

آنچه درین ورقه مسطور است علم قطعی حاصل شد بیان واقعه است خلاف ندارد

ملاصفر جاینی.

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقع است خودم رفتم و دیـدم خلاف نـدارد

کربلایی حسین جاینی.

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقعه است خودم رفتم و دیـدم خلاف نـدارد

کربلائی عاشور جاینی.

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقعه است خودم رفتم و دیدم خلافی نـدارد .

کربلائی اللهداد جاینی.

مراتب مسطوره صحیح است . [جای مهر][1]

مراتب مسطوره صحیح است. [جای مهر][2]

از قراری که احقر عباد رفتم و حفرقناتی که کربلائی شیرخان شمس‌آبادی در ملك چوپلانی نموده دیدم ضرر کلی بموقوف‌علیهم دارد الله‌یعلم فی ۲۱ شهرشعبان سنهٔ ۱۲۸۳. [جای مهر][3]

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقع خلافی ندارد. [جای‌مهر][4]

حقیر خودم رفتم باجمعی از مؤمنین مشاهده نمودم پس از مشاهده ببنده علم قطعی حاصل شدکه ضرر کلی بملك موقوفه دارد. [جای مهر][5]

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقع است خودم رفتم و دیدم خلافـی نـدارد

حاجی محمدحسین جاینی. [جای مهر][6]

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقعه است خودم رفتم و دیدم خلاف نـدارد

محمدعلی‌جاینی [جای مهر][7]

۱ــ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده میرزاالحسینی». ۲ــ مهری چهارگوشه و ناخوانا. ۳ــ مهری بیضی‌باسجع: «علی‌اکبر». ۴ــ مهری چهارگوشه باسجع: «یاعلی ادرکنی». ۵ــ مهری بیضی باسجع: «عبده محمد». ۶ــ مهری گرد با سجع: «عبده محمدحسین». ۷ــ مهری چهارگوشه باسجع: « المتوکل علـی الله عبده محمد علی».

۲۰

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۲۸۹ هـ . ق .

از سادات و پیرمردان و ریش‌سفیدان و مؤمنین خیراندیش که علیم وخبیرند خواسته‌اند که علم‌واطلاع خود را در بارهٔ سامان‌و حدود قریهٔ موقوفهٔ چوپلانی باسرخنکلاتهٔ خالصه بنویسند.

استشهاد و استعلام و استخبار میرود از جمعی از سادات و پیرمردان و ریش‌سفیدان مؤمنین خیراندیش که علیم و خبیر و آگاهی دارند دربابت حدود و سامان قریهٔ موقوفهٔ چوپلانی‌را باسرخنکلاتهٔ خالصه که اجلاس‌نموده شده‌ازدهات‌حول‌وحوش از قبیل شمس‌آباد ومیرمحله و مرزبانکلاته آمدید وبرأی‌العین ملاحظه نمودید آنچه برشماها معلوم و محقق شده شهادت و اسامی وامهارگرامی خود را درین ورقه ثبت ودرج نموده که حق بمن‌له‌الحق قرارگیرد ورفع تعدی ازمظلومین نموده شود

کسی نیك بیند بهردو سرا　　　که نیکی رساند بخلق خدا

والسلام علی‌من‌اتبع الهدی.

[برحاشیهٔ بالای این استشهادنامچه مطالب زیر نوشته شده‌است:]

لایخفی آنکه درباب سامان اربابان آقایان قریهٔ چوپلانی و سرخنکلاته از قراریکه برکمترین بنده‌که محمد قاسم تمسکنی بوده باشم معلوم و محقق شده ازآن درخت سفیداریکه وارد مرز دارد از آن مرزبه سمت شرقـی‌آن ملك ومال آقایان سادات درازگیسو میباشد خلافی ندارد فی‌الاخرشهرجمادی‌الاولی سنة ۱۲۸۹.

[جای مهر][1]

۱ـ مهری بیضی باسجع : « عبده‌الراجی محمدقاسم تمسکینی ».

وپیرمردان مرزبانکلاته از قبیل آقا میرزا جمال و آقا یوسف علی و محمداسمعیل و رجبعلی و مشهدی حسین و مشهدی قنبر شهادت میدهند که از آفتاب در آمد اسپی‌دار مرزملك چوپلانی است و یك تیره‌چاه تازهٔ ملامحمد درملك چوپلانی واقع شده است . [جای دومهر][1]

از سمت شرقی اسپی‌دار مرز که خط مستقیم میکشد تا آب دیوان ملك موقوفهٔ چوپلانی است و یك تیره‌چاه ملامحمد که جدیدالحفر است در ملك چوپلانی واقع شده است. [جای مهر][2]

سیادت پناه آقامیر عابدین و عباس جعفر آقا و باباخان و صفرعلی و کربلائی‌علی و محمد ابراهیم بیگ و کربلائی شفیع شهادت دادند که از اسپی‌دار مرز شرقی آن مال قریهٔ چوپلانی است دخلی بملك سرخنکلاته ندارد و یك پشته قنات جدید ملا محمد کافردوینی درملك چوپلانی واقع شده تعدی است . [جای سه مهر][3]

اقل السادات که آقامیر حسین شمس‌آبادی میباشم اطلاع دارم و از پیرمردان قدیم هم شنیدم که‌اسپی‌داری مرزبخط‌مستقیم میکشدمیآید به‌بالا که به‌آب دیوان برمیخورد سمت شرقی اسپی‌دارمرز مال قریهٔ چوپلانی‌است بلاشبهه ویك‌پشته ازقنات جدید۔ الحفر که‌ملامحمدکافردوینی‌حفر نموده درملك‌چوپلانی‌است ملك سرخنکلاته‌نیست.

[جای مهر][4]

اقل‌السادات اطلاع دارم و از پیرمردان نیز شنیدم که اسپی‌داری مرز بخط مستقیم

۱ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «عبده رجبعلی» ومهری‌بیضی بزرگتر باسجع : «عبده جمال‌الحسینی۱۲۷۴ ». ۲ ـ مهری بیضی باسجع : «عبده حسن الحسینی ۱۲۸۲» .

۳ـمهری گلابی شکل باسجع : «صح محمد ابراهیم » و مهری هشت ضلعی باسجع : «منتظر لطف‌الهی جعفر » و مهری بیضی که کلمات « عبده الحسینی » . بر آن خوانده می‌شود .

۴ـ مهری گرد باسجع: «میرحسین الحسینی».

میکشد به‌بالا که به‌آب دیوان برمیخورد ودرسمت شرقی‌اسپی‌دار مرز مال چوپلانی است بلاشك وشبهه خلافی ندارد . [جای مهر][1]

معلوم بوده باشد که اقل الناس رفتم وملاحظه نمودم مرز سفیدداری بخط مستقیم برمی‌خورد به آب‌دیوان که‌بالای سرسفیدداری که الآن نهری متصل بقنات محفوری ملامحمد مقصودلو که در سمت غربی نهر واقع است آنچه براحقر معلوم است ملك طلق آقایان سادات مالکین چوپلانی است یعنی سمت شرقی نهر وچاه‌قناتی که ملامحمد مقصودلودرسمت شرقی نهر کنده محض ظلم‌وعدوان به‌آل رسول صلی‌الله علیه وآله است والله‌علم. [جای مهر][2]

مشهدی غلام حسین و قاسم حاجیلر شهادت میدهند که از آفتاب درآمد اسپی‌دار مرز ملك چوپلانی است و یك پشته قنات ملامحمد در ملك چوپلانی واقع شده است.

---

۱ ــ مهری بیضی باسجع : «عبده محمدالحسینی» . ۲ ــ مهری گرد با سجع: «علی‌محمد» .

۲۱

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۳۱۰ ه. ق.

از شهادت زارعین و پیرمردان وریش‌سفیدان آزادمحله و هاشم‌آباد وقلندرمحله ثابت شده است که آب قنات استاد محمدی که محمد ولیخان سردار حفرکرده به هاشم‌آباد ملك خود او می‌رفته امازارعین هاشم‌آباداز اراضی آزادمحله مقداری زرع می‌کرده‌اندو بریجه را به آزادمحله می‌داده‌اند.

بتاریخ بیست‌یکم شهررجب هذه‌السنهٔ لوی‌ئیل سنهٔ ۱۳۱۰ حضـرات مفصله در ذیل تشریف بردند در سرسامان آزادمحلهٔ خالصه و هاشم‌آباد اهالی قلندرمحله ولمسك هرکرا برای غوررسی وتعیین سامان حاضر نمودند اظهار داشتندکـه قنات مشهور باستاد محمدی که مرحوم محمدولیخان سردار حفرکـرده درصورتیکه هم‌خالصه‌را در دست داشت و هم‌هاشم‌آبادکه ملك آنمرحوم بود وآب قنات در ملك هاشم‌آباد میرفت ولی تصرفات زارعین‌که در آزادمحله زرع می‌کردند ازآب شاه تـادرخت اوجا وبریجه را بآزادمحله می‌دادندکشیده برمی‌خورد بمگس‌کرس وپایین انبارتپه

اسامی زارعین و پیرمردان وریش سفیدان

مشهدی رمضـــان	کربلائی قلــــی	کربلایی مـرادقلی	ملك جعفر قلـــــی
کـربلایـی عـلی	کـربلایـی زمان	آقـا سید مهـدی	کـربلایی رضوان

کربلایی‌محمد حسین لمسکی | ملک قلی | آقا سید طاوس | طیب

مشهدی مهدی | کربلایی اسمعیل

اشخاصیکه حاضر درین سامان بودند

سرکارعبدالصمدخان سرتیپ [جای مهر][1]

جناب آقامحمد زمان [جای مهر][2]

آقا میرزا یوسف حکیم‌باشی [جای مهر][3]

جناب آقاحسن سلطان الذاکرین [جای مهر][4]

جناب آقا شیخ رضای کارکنهٔ [جای مهر][5]

آخوند ملا عبدالرحیم [جای مهر][6]

آقا علیشاه [جای مهر][7]

بندهٔ درگاه میرزا هاشم [جای مهر][8]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبدالصمد بن محمد». ۲ـ مهری بیضی با سجع: «عبده محمدنصیرالموسوی». ۳ ـ مهری بیضی با سجع: «عبده محمد یوسف». ۴ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده محمدحسن الحسینی». ۵ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «محمدرضا». ۶ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبدالرحیم‌بن محمدمهدی». ۷ـ مهری بیضی باسجع: «علی‌شاه ابن رضا قلی». ۸ ـ مهری بیضی در وسط «محمد هادی» و گرداگرد مهر به لاتین محمدهادی با تاریخ ۱۳۰۵.

اشخاص مزبورین در ذیل کلاً شهادت دادند که سامان هاشم آباد چشمه است که سمت غربی رویهٔ بزرگ است وحق مرتع و منافع دیگر را جناب آقا حاجی آقا سید طاهر سلمه‌الله میگرفت یقیناً بلا خلاف چنانکه قلندرمحلی که زارع آزادمحله بودند اجاره هم میکردند.

فی ۲۴ رجب‌المرجب ۱۳۱۰.

کربلائی محمدحسین لمسکی　مشهدی موسی　مشهدی محمدصالح　آقاسید احمد

مشهدی محمدعلی

ملك یوسف　اسمعیل　محمدعلی　ابراهیم

جناب آقامحمدزمان　جناب آقاحسن سلطان‌الذاکرین　جناب آقاشیخ رضای کارکنه

[جای مهر][1]　[جای مهر][2]　[جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدنصیرالموسوی».　۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌محمد حسن‌الحسینی».　۳ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «محمدرضا».

۲۲

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۳۱۰ ه . ق .

پس از شهادت پیرمردان و ریش‌سفیدان لمسك وورسن و قلندر-محله حدوسامان ملك لله‌دوین و آزادمحله به حکم حاکم شرع چنین معین شده است : حدهمان وال معروف به میان وال است که به پی‌کله و از آنجا به‌لله‌پیشانی و از آنجا به غربی از دارکله واز آنجا به زال‌تپه و از آنجا به سیاه‌آب‌که طرف شرقی حدود ملك آزادمحله است.

بتاریخ ۱۲ شهر شوال سنهٔ ۱۳۱۰ اشخاص مفصلهٔ در ذیل بجههٔ تعیین حدود ملك لله‌دوین و آزادمحله بخواهش‌واصرار جناب آخوند ملامحمدصادق‌وملاعبدالرحیم‌و قلی‌آقا وقربانعلی آقا و سایرین مالکین لله‌دوین باتفاق ریش‌سفیدان و پیرمردان لمسك و قلندرمحله ومالکین لله‌دوین رفتم سرسامان طرف شرقی تپهٔ قنبران ملاحظه گردید باحضور ملا محمدصادق وملاعبدالرحیم و سایرین مالکین همان میان‌وال که جنب‌تپه برمی‌خورد به‌پی‌کله از آنجا کشیده میرود به‌لله‌پیشانی از آنجا بخط‌مستقیم میرود بر میخورد بغربی دارکله از آنجا کشیده میخورد به خط مستقیم بزال تپه از آنجا بسیاه‌آب همین حدود بود سامان آزادمحله و لله‌دوین میدانید یاخیر آنچه از شهادت حضرات و بصیرت خودتان استحضار بهمرسانید بخط ومهر خود مزین فرمائیدکه حاجت است سنهٔ ۱۳۱۰.

اشخاص شهود از پیرمردان و ریش سفیدان

پیـــــــــرمردان لمسك ورســـــــــــن

کربلائی‌محمد حسین | ملـك اسمعیل | علی‌محمدآقا | کربلائی محمد حسن | کـربـلائـی محمد حسین

پیرمـــــــــــــردان قلنـــــــــدر محله

کربلائی‌قلـــی | ملك جعفرقلـــی | قلی پیر مـــرد | کربلائی رضوان

مشهدی مهـــدی | مشهدی‌رمضـــان | کربلائی مرادقلی | مـؤمــــن

مشهدی جعفـــر | مشهدی عبـــدالله | کربلائی‌قربـــان | کربلائی‌صفی‌خان

ملـك جعفـــر

آقایانیکه از شهر بجهة تعیین حدود سامان تشریف برده بودند

جناب مستطاب آقـای ملا اسمعیل | جناب آقامیر محمدعلـی | جنـاب آقـا سید محمد میر کریمی

جناب ملاعبدالرحیـــم | آقـا علیشـــاه | بندهٔ درگاه میرزاهـادی[1]

۱ـ از نامبردگان بالا چهارده مهر نیز در متن هست کـه چون اهمیتی نداشت نقل نشد.

[برحاشیهٔ سمت راست این استشهادنامچه عبارات زیر است :]

بسم‌الله‌خیرالاسماء تعالی‌شأنه

بتاریخ مسطوراقل انام‌نظر بخواهش و اصرار جناب آخوند ملا محمدصادق وملا عبدالرحیم وقلی آقاوقربانعلی آقا وسایر مالکین قریهٔ‌لله‌دوین وسرکارمقرب‌الخاقانو معتمدالسلطان آقای وزیرلشکر آقا میرزا مقیم دام‌اقباله العالی که مالك قریهٔ آزاد‌محله میباشند در سرحدود و سامان قریهٔ آزاد محله و لله‌دوین رفته آنچه از قواعد تمیز و ممیز و امتیاز وانقسام وانفراز وشهادت حضرات مفصله در متن و تصرفات فعلی زارعین آزادمحله براحقر انام معلوم شده همان وال است که در جنب شرقی تپهٔ قنبران است که مشهوربه‌میان وال است که این وال ممتداست به پی‌کله وازآنجا به لله‌پیشانی و از آنجا به‌خط مستقیم بر می‌خورد بغربی از دارکله و از آنجا بزال‌تپه و از آن‌جا کشیده برمی‌خورد بسیاه‌آب که طرف شرقی‌حدود مسطوره ملك آزادمحله میباشد چنانچه درتصرف زارعین آزادمحله میباشد و طرف غربی حدود مسطوره ملك و مال مالکین اربابان لله‌دوین است و حدود سامان این دو قریه همین حدودست‌که تعیین شده انشاءالله از حدوسامان خود تجاوز نخواهند نمود.

ولقدحررته فی نوزدهم شهرشوال‌المکرم من‌شهورسنة ۱۳۱۰هزارسیصد ده هجری.

[جای شش مهر][1]

۱ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «محمد اسمعیل» ومهری بیضی دیگر باسجع:«محمد حسن» و مهری بیضی حاشیه‌دار که در وسط آن نام «محمدهادی» خوانده می‌شود و مهری بیضی باسجع: «عبدالرحیم بن محمد مهدی». بنده که محمد علی می‌باشم این مهر از جدم می‌باشد بجدم قسم. مهری چهارگوشه باسجع: «محمد علی الحسینی» ومهری بیضی باسجع: «عبده محمد الحسینی».

۲۳

استشهادنامهٔ مورخ ۱۳۱۳ هـ . ق .

دراین ورقه ازکسانی که خبیر وبصیرند خواسته‌اندکه علم واطلاع خودرا دربارهٔ کم‌آبی مزرعهٔ آزادمحله وکسر داشتن منال دیوانی آن بنویسند.

کسانیکه خبیر وبصیرند که مزرعهٔ آزادمحله در ید مرحوم آقا میرزا مقیم‌لشکر‌نویس‌باشی بوده وقناتی حفر کرده بود که خشك شده بود مجدداً قناتی حفر کرده بودکه زمستانها آب زیادی داشت و دارد تا یکماه قدری علاوه که از بهارمیگذرد آبش‌خشك میشود وکمی می‌ماند و سنهٔ گذشته که عالیجاه نظرخان اجاره داشت از منال دیوانی که یکصدوبیست‌شش خروار شلتوك‌است سی‌ودوخروار کسر آمده‌بودو هرسالی باکثرت مخارج برای قنات لابدکسر دارد مگر امسال‌که پنج شش باران فوق‌العاده زمان حاجت آمده که اگرنبود یقیناً پنجاه شصت‌خروار کسرداشت ولی‌از کثرت‌باران‌اشخاصیکه دوقست‌آب‌داشتن ده‌قسمت زراعت عمل‌آوردند مال‌الاجارهٔ امسال ضرر ندارد و اگرچه ده‌خروار نفع دارند ولی دویست‌ویازده تومان مخارج قنات کرده‌اند بازهم یکصدو شصت‌تومان ازاین جهت ضرر دارد و مرحوم‌آقامیرزا مقیم اگرچه منال دیوانی‌را بعمل‌می‌آورد ولی خواهش میکرد ازمیرآب دیوانسدن آب تحنت می‌آورد واملاك مردم را بخواهش وال ونهر میکرد و داخل‌نسق‌آزاد‌محله میکرد و باین وسیله زراعتی بعمل می‌آورد و حالکه این اسباب قطع شدمسلماً ضرر فاحش برای ورثه دارد در هرسالی‌آیا مراتب مزبوره صدق است یانه‌ومعلومی خودتان را صریح مرقوم دارید.

فی‌سابع عشر شهر جمادی‌الاولی هزاروسیصدوسیزده ۱۳۱۳.

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست وچپ این ورقه عبارات زیر نوشته شده‌است:]
مراتب مزبورهٔ در ورقه صدق واقع‌است و جای‌خلاف نیست فی بیست سیم‌شهر جمادی‌الاولی ۱۳۱۳. [جای هفت مهر][1]

آقایان عظام از علماء اعلام و ارباب مناصب دولت ابدفرجام که دراین ورقهٔ صدق ترجمه قلمی فرموده حقیقت مراتب مرقومـه را اظهار داشته‌اند وبامهار کـرام مزین فرموده‌اندباضافه ارباب‌ملکی زراعتی که درآن‌اطراف ونواحی‌دارای سهم‌وحصص مختصه ومشاعه میباشند وباخبریت وبصارت‌تامه وبصیرت فوق‌التمام داشته ودارندو در اینورقه از روی حق‌گوئی ودیانت بدون شائبهٔ غرض وریبهٔ تهمت‌مهرفرموده‌اند بضمیمهٔ اهالی اطلاع تام خارج ازورقه ازخارجه وداخله که دراینورقه ننوشته‌اند و سماعاً و استماعاً بفحص تام تحقیق نموده‌ام حالت آزادمحله از این قرار است کـه در متن قلمی شده دراینصورت دارائی آن بعد از مرحوم لشکرنویسباشی مقتدر بـا وجود صغار مرقومین‌ممهورین میرزا فتح‌اللّه‌خان که دارای آن اقتدار میشد جزضرر چیزی دیگر برای ایشان نیست البته صلاح در اینست که بـالمره قطع علاقهٔ ایشان از آن شود تا این خسارات و مضار از ایشان مرتفع و مندفع شود تکلیف شرعـی همین‌است بزعم‌ناقص‌راقم واللّه‌اعلم بحقایق‌الامور سادس‌ثانیة‌الجمادیین عام۱۳۱۳.

[جای چهار مهر][2]

۱ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده محمدرضا» و مهر بیضی‌کوچك باسجع: «یا علی»یکی بالا و یکی وارونه در زیر و مهری بیضی با سجع : «بندهٔ آل محمدرضا» ومهری بیضی‌دیگر باسجع : « افوض امری الی‌الله عبده محمدجعفر » و مهری بیضی با خط طغرا باسجع : «یا امام حسین» و مهری بیضی دیگر باسجع: «پیرودین محمد مهدی» ومهر بیضی دیگرباسجع: «محمد علی بن حسین».

۲ـ مهری چهارگوشه باسجع: «یا صالح المؤمنین» و مهری بیضی‌کوچك باسجع: «محمد یوسف» و مهری بیضی باسجع: «محمد اسمعیل» و مهری بیضی باسجع: «نصرالله الحسینی» .

جان نثار دولت قاهره درسنهٔ ماضیه از نواب والاشاهزاده عبدالله میرزا آزادمحله را اجاره نموده‌ام مقداریکصدبیست‌شش خروارشلتوك با اینکه آب تنحت‌مکررازدهنهٔ شصت‌کلاته آوردم مقداری سی‌ودوخروارضرر کردم ... واقع... فی‌تاریخ ۱۷شهر جمادی‌الاولی ۱۳۱۳. [جای دو مهر][1]

مراتب مسطوره بیان واقع است. [جای دو مهر][2]

حقیر سالهای سال است که اطلاع از مزرعهٔ مزبوره دارم مراتب مزبورهٔ در ورقهٔ صدق و بیان واقع است فی‌شهر جمادی‌الاولی ۱۳۱۳. [جای سه مهر][3]

اقل سادات در پهلوی‌مزرعهٔ آزادمحله قناتی داریم مشهور به‌سنگ کرمز اکثراوقات فاضل آب اورا اجاره میکردند و می بردند حتی سال‌گذشته و امسال هم بردند اگر آب خارج نباشد نصفی ضرر دارد اگرآب خارج ببرند سالی سی‌چهل‌خروار یقیناً ضرر دارد فی شهر جمادی‌الاول ۱۳۱۳. [جای مهر][4]

مراتب مرقومه صدق‌واگذاردن مزرعهٔ مزبوره بغیرغبطه وصلاح صغیراست‌چه‌اینکه فروخته شود ولوجزئی فی جمادی‌الاولی سنهٔ ۱۳۱۳. [جای چهار مهر][5]

جمیع مراتب مرقومه صدق‌است بی‌شبهه وخلاف‌وگویاکسی مثل احقرانام احاطهٔ تفصیلیه نداشته باشد حررته فی ۱۶ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۱۳ .

[جای مهر][6]

۱ـ مهری بیضی که سجع وسط آن «نظرعلی» و درحاشیهٔ‌اطراف با حروف‌لاتینی‌همین نام نقل‌شده است با تاریخ ۱۳۱۲ ومهری بیضی دیگر باسجع:«محمد تقی ابن حسینعلی» .

۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی احمد الرضوی» و مهری بیضی دیگر باسجع: «علی الموسوی». ۳ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «مفیدالموسوی» و مهری بیضی باسجع : «عبده محمد نصیر الموسوی» و مهری بیضی دیگر با سجع : «الراجی سلیمان» .

۴ـ مهری‌بیضی باسجع: «عبده احمدالحسینی». ۵ـ مهری‌بیضی باسجع: «عبده‌الراجی محمدصادق الحسینی» و مهری بیضی دیگر باسجع: «یعقوب‌الحسینی» و دو مهر بیضی باسجع: «عبده قوام‌الدین محمد الحسینی». ۶ـ مهری بیضی باسجع: «محمدرضا» .

این بندهٔ درگاه یوسف ولد مرحوم میرزا آقای مستوفی درحیات مرحوم خلدآشیان آقا میرزا مقیم لشکر نویس طاب‌ثراه تاکنون اطلاع داشته ودارم بلکه درسنهٔ ماضیه که در اجارهٔ معتمدالحضرةالعلیه کربلائی نظرخان بود بملاحظهٔ احوجی صغاردر جزو رسیدگی نموده که از عمل‌مزرعهٔ مزبوره مطلع شوم بااینکه آب تحنت‌ازدهنهٔ شصت کلاته آوردندمعادل سی‌خرو ارضررمستأجرشد البته‌صلاح حال‌صغاربفروختن همچه ملك است الأضرر و خسارت انتفاعی ندارد فی‌شهرجمادی الاول.

[جای مهر][1]

مراتب مذکوره در ورقه همه‌اش صحیح وصدق است و برطبق واقع است نظربه اطلاع تفصیلی که داریم فی ۱۸ شهر جمادی‌الاول ۱۳۱۳. [جای چهارمهر][2]

مراتب مسطوره در ورقه صـدق و بیان واقع است فـی‌پنجم شهر جمادی‌الثانیه ۱۳۱۳. [جای چهار مهر][3]

۱ــمهری بیضی کوچك باسجع: «محمد یوسف». ۲ــ مهری بیضی با خط طغرا باسجع: «یا امام حسین» و مهر بیضی دیگر باسجع: «دارد امید شفاعت ز محمد محمود» و مهری بیضی دیگرباسجع: «محمد حسین ابن عقیلی» و مهری بیضی دیگر باسجع: «عبده نظرعلی». ۳ــ مهری چهار گوشه باسجع: «غلام حسین» ومهری بیضی باسجع: «عبده فتحعلی» ومهری‌بیضی کوچك باسجع: «محمدحسین» ومهری بیضی کوچك باسجع: «محمدمهدی».

۲٤

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۳۱۳ هـ . ق .

دراین ورقه محمدطاهر الحسینی استرابادی از آقایان مطلعین خواسته‌است که اعترافی آقا شیخعلی تخشی محلی را دربارهٔ سامان لله‌دوین و آزادمحله که تپهٔ قنبران یا وال متصل به آن قرار داده است تأیید کنند.

چون در سنین سابقه بین مباشر قریهٔ آزادمحله ومالکین قریهٔ لله‌دوین درباب سامان سخنی ابراز شد و معروف است که مرحمت مآب آقاحاج آقا سیدصادق طاب‌ثراه جناب افتخار الفضلا آقا شیخعلی تخشی محلی‌الأصل بلدی‌المسکن را فرستاده برای تحقیق این امر وبعد ازمراجعت بجناب آقای معظم‌الیه عرض کرد که سامان را نفهمیدم و چیزی حالی‌ام نشد واگر جناب شما سامان را تپهٔ معروفه به قنبران‌یا وال متصلهٔ با آن قرار دهید عیبی ندارد و جناب آقا عرض ایشان را قبول فرمودند و چیزی دراین باب قلمی داشته‌اند راقم‌حروف محمدطاهر الحسینی‌الأسترابادی مالك فعلی آزادمحله در محضر جمع کثیری از آقایان از اهل علم کثرالله امثالهم در شش هفت روز قبل تقریباً از جناب شیخ مذکور سؤال نمودم فقرهٔ سامان همین‌نحواست که معروف است و شما رفته‌اید وبعد از مراجعت بجناب آقای معظم‌الیه بهمین‌نحو عرض کرده‌اید یانه مکرر اظهار داشت که همین قسم و همین نحو است یعنی‌بقسمی که راقم دراین صفحه تحریر نمودم وحالیه ازآقایان عظام‌آن محضر خواهش‌است که اعترافی‌جناب آقا شیخعلی المزبور را محرر وقلمی دارند.

مورخاً حررته فی ۲۹ شهر ذیقعدةالحرام ۱۳۱۳.

[برحاشیهٔ بالای این استشهادنامچه عبارت زیر نوشته شده است :]

بلی‌مراتب مزبوره‌صدق‌است وجناب آقاشیخعلی‌المزبور اظهار داشت که‌مرحمتمآب حاجی آقاسید صادق طاب‌ثراه از روی اخبارمن‌سامان را تپه‌قنبران یا وال متصلهٔ‌بآن قرار داد فی‌شهر ذی‌قعدة‌الحرام ۱۳۱۳. [جای هفت مهر][1]

۲۵

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۳۱۶ هـ . ق .

راقم حروف از عبدالصمد میرزا خواسته‌است که اطلاع خود را در بارهٔ تعدی امیرخان سردار به‌حدود لله‌دوین و اراضی آزادمحله و حفر قنات به‌وسیلهٔ ملاعبدالرحیم در این ورقه بنویسد .

عرض میشود در زمان حکومت‌حضرت مستطاب اجل‌اشرف والا سرکار امیرخان سردار دام‌اقباله العالی عالیجناب ملاعبدالرحیم خواست ازحد لله‌دوین تعدی نماید سهل است خیلی از اراضی آزادمحله را تخطی و تجاوز نموده بود که آخر آن تعدی خواست حفرقنات نماید حقیر درمقام ممانعت برآمده وحفرقنات را موقوف نموده درزمان معزولی سرکار امیرخان سردار ملاعبدالرحیم مجدداً درمقام‌حفرقنات برآمدبسرکاراطلاع داده‌ام مأموری‌فرستاده‌اید مغنی‌را آورده‌اید والتزام‌گرفته‌اید که

۱ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبده مهدی الموسوی» ومهری بیضی باسجع: «عبده هدایت‌الله» و مهری بیضی دیگر باسجع: «عبده‌الراجی ابوالقاسم» ومهری بیضی‌دیگر باسجع: « شهاب‌الدین حسن الموسوی» و مهری بیضی دیگر باسجع: «یاکریم» و مهری بیضی دیگر باسجع: «عبده‌الراجی محمدیوسف» و مهری بیضی دیگر باسجع: «عبده الراجی علی‌اصغر».

درسر حفرقنات نرود و ملاعبدالرحیم موقوف نموده دفعهٔ دیگرچند مدت‌مغنی‌درسر قنات شب‌کارمیکرد نه‌روزمجدداً مراتب‌را اطلاع داده‌ام‌فرستاده‌ایدمغنی‌را آورده‌اید درمنزل میرزا اسمعیل‌خان لشکرنویس حبس نموده‌اید والتزام گرفته‌اید آیا مراتب مرقومه صدق یاکذب‌آنچه را سرکارعالی مستحضرید واطلاع دارید مرقوم‌نموده‌و تاریخ آن را در تحریر ورقهٔ مرقوم نموده‌که این اوقات لازم است.

فی‌بیستم شهر شعبان‌المعظم ۱۳۱۶.

[در بالای این ورقه با خط خوش شکسته عبارات زیر نوشته شده است :]

جناب مستطاب اجل عالی دام‌اجلاله بفدوی اطلاع داده که جناب ملا عبدالـرحیم میخواهد در ملك آزادمحله حفر قنواتی نماید فدوی مأموری فرستاده ممانعت نمود التزامی هم از مغنی‌گرفته‌که دیگر داخل ملك آزادمحله نشود و حفر قنواة ننمایـد فدوی اطلاع خود را معروض داشت بتاریخ بیستم شهر شعبان‌المعظم ۱۳۱۶ .

[جای مهر][1]

۱ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبدالصمد میرزا ابن محمد ۱۲۹۶».

۲۶

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۳۴۲ هـ . ق .

دراین سند شهادت داده‌اند که دو سهم از بیست‌و سه سهم سو ته‌ده و کلفراء انزان ارثی اولاد کربلائی علیخان و باقی بیست و یك سهم ازسه قریهٔ کلاجان وسو ته‌ده و کلفراء ملك و مال متصرفی ورثهٔ ملا حیدرقلی آقا بوده وهست.

واضح آنکه دو سهم از دوازده سهم کلاجان قاجار و نیز دوسهم از دوازده سهم آقایان سپانلو از سو ته‌ده و کلفراءانزان که مسمی بدو سهم حاجی کلبعلی‌خانی است به بیست‌وسه‌سهم تقسیم میشود و مقدار دوسهم از بیست‌وسه‌سهم از هردوفقره مورد ادعاء ارث اولادکربلائی‌علیخان سمی ... بوده وخودکربلائی‌علیخان درایام‌حیات زائد از مقدار ادعائی خود از کلاجان قاجار فروخته بود از تاریخ بیع اوالی کنون هم در تصرف مالکانهٔ مشتری بوده وهست و فقط مورد ادعاء ارث اولاد کربلائی‌ـ علیخان منحصر است از دوسهم از بیست سه سهم از دوسهم سوته‌ده و کلفراء وباقی بیست‌ویکسهم‌ازسه قریهٔ ملك ومال‌متصرفی ورثهٔ مرحمت‌مآب ملاحیدرقلی آقابوده‌و امروز هم هست وهرگاه اولادکربلائی علیخان زیاده از این ادعائی نمایند غلط و بیحساب است چنانچه عموم مالکین سه‌قریه هرساله همین قسم درطومارها وتقسیم ـ نامه‌ها منظور مینمایند و این مطلب بهیچ قسم قابل اشتباه نبوده و نیست برای ادای

شهادت قلمی گردید .

شهر جمیدی الاولی سنهٔ ۱۳۴۲.

[جای پنج مهر][1]

[برحاشیهٔ سمت راست این استشهادنامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

آنچه درمتن مرقوم‌شده است مطابق واقع‌است واین‌جانبان هم بهمین تفصیل مطلع‌و مستحضر هستیم جای شك و شبهه نیست شهر جمادی‌الاولی ۱۳۴۲ .

[جای چهار مهر][2]

تمام آنچه در این ورقه درج است شك‌وشبهه ندارد و بیان واقع است‌چراکه‌اغلب اوقات این بنده مستأجـر این‌امـلاك بوده‌کاملاً از ملکیت و حقانیت و تقسیم ایشان اطلاع کامل داشته و دارم و خلاف ندارد و مورد ادعای اولادکربلائی علیخان‌فقط دوسهم ازبیست‌وسه‌سهم است‌که درمتن مرقوم شده است زیاده‌غلط است فی‌شهر جمیدی‌الاولی ۱۳۴۲ الاحقر عنایت‌الله هزارجریبی. [جای شش مهر][3]

---

۱ ــ مهر بیضی بزرگ باسجع : « نظرعلی‌قلی‌خان سرداراشرف ۱۳۳۷ » و مهـری بیضی‌که کلمات «آقا خان» برآن خوانده می‌شود و مهری بیضی‌کوچکتر باسجع : «وکیل الدولة » و مهری بیضی کوچک با نام : « علی بن عبدالصمد » و مهـری بیضی ناخوانا .
۲ــمهری بیضی‌کوچك باسجع: «عبده عباس‌بن‌احمد» (عباس حاجی‌احمد) مهری‌بیضی بانام: «محمد ابراهیم» و مهری بیضی دیگر باسجع: «محمدصادق». (محمدصادق‌بن حاجی احمد)و مهری بیضی‌کوچک باسجع: «رضاابن علی» (حاجی رضانوکندی). ۳ ــ مهری بیضی باسجع:«محمدحسین بن اسمعیل» (میرزاحسین‌خان بالاچمنی) ومهری بیضی‌کوچك‌باسجع: «مسعود لشکر» و مهری بیضی بانام« ربیع» ومهری بیضی باسجع : «حسین‌علی» (ارباب) و مهری‌باسجع: «محمدتقی‌بن مفیدالموسوی» ومهری بیضی‌بزرگ باسجع: «سید محمد شیخ‌ــ الاسلام‌الموسوی » .

۲۷

شهادتنامچهٔ مورخ ۱۳۴۲ ﻫ . ق .

دراین‌سند شهادت داده‌اندکه ششدانگ قریهٔ‌کلاسنگیان سدن‌رستاق در تصرف مالکانهٔ ملا حیدرقلی‌آقا بوده و بعد از اوهم مستقلاً و مختصاً درید ورثهٔ آن مرحوم بوده و می‌باشد.

واضح آنکه تمامت ششدانگ‌قریهٔ‌کلاسنگیان واقعه درسدن‌رستاق در زمان حیات مرحمتمآب ملا حیدرقلی‌آقا در تحت یدوتصرفات مالکانهٔ اوبالاستقلال بوده وبعداز او هم تا امروز که بچشم خود مشاهده نموده‌ایم به‌نحو استقلال و اختصاص‌درتحت یدوتصرفات مالکانهٔ ورثهٔ آن‌مرحمتمآب میباشد دراین‌ازمنهٔ مدیده‌نه‌کسی غیرازورثهٔ آن مرحمتمآب درقریهٔ‌کلاسنگیان تصرفی‌داشته ولومقدارحبه ونه‌ادعائی‌داشته‌استو مرحوم‌کربلائی علی‌خان بـرادر مرحمتمآب ملا حیدرقلی‌آقا در ایـام حیات خود هیچ‌وقت اظهار ادعائی در قریهٔ‌کلاسنگیان نداشته ونکرده بود و همچنین اولاد او تا امروز آنچه دیده و مشاهده نموده‌ایم و از پدران خود شنیده‌ایم همین است کـه نوشته شده است.

فی شهر جمادی‌الاولی سنة ۱۳۴۲.

[جای پنج مهر][۱]

۱ــ مهری بیضی ناخواناکه زیرآن نوشته شده است «کربلائی کریم سیاق» و مهری بیضی ناخواناکه زیر آن امضا شده است «اقل‌الاحقر محمد آقای کفشگیری» و مهری بیضی دیگرکه سجع‌آن: «قاضی غلام‌رضابن‌علی‌اکبر» است وزیرآن نوشته شده است «غلام فاضل»و مهری بیضی‌کوچك باسجع : « علی‌اکبر» و مهری بیضی باسجع : «محمدکاظم» که زیرآن نوشته شده‌است « محمدکاظم شهیر به‌آقا بزرگ خلفمرحوم آقا عبدالجواد ارباب».

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این شهادتنامچه عبارات زیر نوشته شده‌است :]
این دعاگویان وپیر مردان قریهٔ اسبومحله چون خودمان تمام وقت اکارهٔ ملك کلا-سنگیان هستیم و مجاورهٔ آنجا می‌باشیم شش دانگ قریهٔ کلاسنگیان درید وتصرف ملاحیدرقلی آقا بوده و نقداً هم تا امروز ورثهٔ آنمرحوم مـالك و متصرف‌اند ابداً الی‌کنون‌دیده یا شنیده نشده است که کسی‌ادعائی یا دعوئی داشته باشد . بتاریخ ۱۱ شهر رجب ۱۳۴۲. [جای ده مهر][1]

این بندگان مالکین قریهٔ کلاآچان و پیرمردان این‌قریه آنچه خودمان به‌چشم‌دیدیم و از پدران خود شنیدیم قریهٔ کلاسنگیان شش‌دانگ ملاحیدرقلی آقا مالك بود و بعداز آنمرحوم‌هم فرزندان مرحمت‌پناه مالك‌ومتصرفند شنیده نشده تاکنون کسی ادعائی‌و یادعوئی داشته باشد . [جای شش‌مهر][2]

این دعاگویان پیرمردان و ریش‌سفیدان قریهٔ‌سدن باکلاسنگیان همسایه و همسامـان میباشیم آنچه ازپدران خود شنیده‌وخود دیده‌ایم‌قریهٔ کلاسنگیان به ملکیت‌درتصرف مرحوم ملاحیدرقلی آقا بوده بعد وارث آن مرحوم مالك و متصرف بوده و میباشند غیراز وارث ملا حیدرقلی آقا کسی درکلاسنگیان مـالك نبوده و نیست بلکه همین

۱ــ مهری بیضی باسجع: «محمد مهدی بن باقر» و مهری چهار گوشه باسجع: «عبده محمود» و مهری بیضی باسجع: «قربان» و مهری بیضی باسجع: «حاجی بن اسمعیل» ومهر بیضی کوچك باسجع: «عبده امام‌قلی» و مهری بیضی باسجع: «یاعلی» ومهری بیضی باسجع: «عبده نظر» و مهری بیضی باسجع : « عبده عبدالله » و مهری بیضی باسجع: «عبده عباس» و مهری بیضی باسجع: «علی‌بن اکبر» . ۲ــ مهری بیضی‌باسجع: « یعقوبعلی » (یعقوب علی‌خان) ومهری بیضی باسجع : «قربان‌علی» (ملاقربان) و مهری بیضی باسجع: «یا محمد ادرکنی» (محمد ولد کربلائی صفر) و مهری بیضی باسجع : «یا حیدر » (مشهدی حیدر)و مهری چهارگوشه باسجع: « صفرعلی » (صفر ولد طهماس) و مهری بیضی باسجع : «عبده الراجی محمد حسن» (حسن‌ولد صفر).

ورثۀ ملا حیدرقلی آقا بوده و میباشند. [جای هشت مهر][1]
مجملاً قریۀ کلاسنگیان واقعه درسدن‌رستاق را در تحت ید و تصرفـات مرحمت‌پناه ملا حیدر قلی آقا و ورثۀ آن مرحمت‌مآب دیده و میدانیم فـی شهر جمادی‌الثانی هزاروسیصد وچهل و دو ۱۳۴۲. [جای نه مهر][2]

۲۸

استشهادنامچۀ مورخ ۱۳۴۳ ه. ق.

دراین‌سند شهادت داده‌اند که سهام آهنگرمحله طبق تقسیم میرزا۔هادی خان سررشته‌دار عموم طایفۀ هــروی دو دانگ وموقوفـۀ جعفرقلی آقا نیم دانگ و ورثۀ محمدرحیم‌خان نیم دانگ بوده و هست.

۲ – ۶۵
نمـــــــــره
۳–۱۳۶

خدمت ذی‌مرحمت عموم‌امراء وارکان واعیان وآقایان‌مالکین ومطلعین قریۀ آهنگر۔محله‌وغیره تصدیع بعرض میدارم بر آنکه قریب‌چهل‌سال‌است که آقامیرزاهادی‌خان سررشته‌دار مقسم تمام سهام قریۀ آهنگرمحله بوده ومیباشد اطلاع دارید که‌معزی‌الیه

۱ــ مهری بیضی‌وناخوانا. مهری‌بیضی‌باسجع: «قربانعلی» ومهری چهار گوشه‌باسجع: «دارد شرف برانبیا محمد» و مهری بیضی باسجع: « یا علی » و مهری بیضی باسجع: «عبده عبدالله» ومهری‌بیضی‌باسجع: «محمداسمعیل» عین‌این‌مهردو باره‌زده شده که‌خوب‌نگرفته‌است‌و مهری بیضی باسجع : « عبده حسین» . ۲ــ مهری بیضی باسجع: «محمد قاسم» ومهری بیضی‌دیگر باسجع: «محمدحسن» وسه مهر بیضی‌ناخوانا ومهری‌بیضی‌باسجع: «عبده‌حسینقلی»و مهری بیضی باخط طغرا و سجع: « عبده الراجی محمد ۱۳۲۸ » و مهری بیضی باسجع : «علی الحسینی».

درستون تقسیم‌نامهٔ عمومی طایفهٔ هروی‌ها را دو دانگ می‌نوشت وموقوفهٔجعفرقلی آقا را نیم دانگ و ورثهٔ محمدرحیم خانرا نیم دانگ و بـاینطریق سهام هـریك از مالکین حسب تقسیم ایشان ملکاً و وقفاً قسمت وتوزیع میشده وبهمین کیفیت حسب تقسیم و تصدیق ایشان هر یك محصول ملکی و وقفی خود را میگرفته‌اند و شخصاً سررشته‌دار که خود مقسم بوده طایفهٔ هروی‌ها را زاید بـردو دانگ تصدیق نمیکرد چون عموم شماها کاملاً از متصدی بودن معزی‌الیه در تقسیم آهنگرمحله استحضار دارید اطلاعی خود را هریك مرقوم و مختوم فرمائید حاجت است .

فی شهر شعبان ۱۳۴۳.

[برحواشی این استشهادنامچه عبارات زیر نوشته شده است :]

از واضحات است که قریب چهل سال است که آقا میرزا هادی‌خان سـررشته‌دار و مقسم و طومارنویس قریهٔ آهنگرمحله بوده است غیراز دو دانگ زیاده برای طایفهٔ هرویها ملکی قایل نبوده چنانچه شنیده‌نشد که هیچیك از بزرگان ایشان دعوی‌زیاده بر دودانگ کرده باشند نیم‌دانگ موقوفهٔ تعزیهٔ جعفرقلی‌آقائی ونیم‌دانگ موقوفهٔ اولادی را خودش تصدیق داشته است وهرساله درپاکر ایشان مینوشت عجب است که چه باعث شد که مدعی زاید بردو دانگ شـده بااقرار و تصدیـق قطعی بوقفیت یکدانگ فوق درهمهٔ سنوات ماضیه بدیهی است که برهمچواوراق قدیمه هیچ‌عقل‌و شرع تجویز نمیکند که ترتیب اثر داده شود . [جای دو مهر][1]

آنچه که بنده اطلاع دارم زیادتراز دودانگ ازقریهٔ آهنگرمحله راجع بطایفهٔ هروی نبوده است موقوفهٔ جعفرقلی آقائی و موقوفهٔ اولادی محمدرحیم‌خانی نیز هـر یك نیم‌دانگ از قریهٔ آهنگر محله را تصرف داشته و دارند. [جای مهر][2]

---

۱ ــ مهری بیضی باسجع : «نظرعلی‌قلی خان سردار اشرف ۱۳۳۸ » و مهری بیضی کوچکتر باسجع: «امیرامجد». ۲ــ مهری بیضی بانام: «رمضانعلی».

حقیرطومار دفتری مرحوم آقاشیخ حسن را ملاحظه کرده‌ام سهم آقایان هروی‌ها دو دانگ نوشته است زیاده ننوشته و یکدانگ موقوفهٔ مرحوم جعفرقلی و محمدرحیم خان هم نوشته است . [جای سه مهر][1]

۲۹

استشهادنامچهٔ بدون تاریخ .

دراین سند استشهادنامچـه از سادات وعدول مؤمنین خـواسته‌اند تا اطلاع خود را دربارهٔ گفتار علی خان که گفته است «من املاك موروثی‌خود را هرچه داشتم با برادر خود حیدرقلی‌خان مصالحه نموده‌ام» دراین ورقه مرقوم و مختوم دارند .

استشهاد و استعلام میرود از جمعی سادات رفیع‌الدرجات عظام وعلمای اعلام و از جمعی عدول مؤمنین و موثقین بلدةالمؤمنین استراباد صانهاالله عن‌التفرقة والفساد که استماع نموده باشند ازعالیشان رفیع‌مکان علی‌خان‌آقاخلف مرحوم‌حاجی کلبعلی‌خان سپانلو قاجار که من املاك موروثی خود را هرچه داشتم با بـرادرخود حیدرقلی‌آقا مصالحه نموده‌ام اسامی سامی وامهار گرامی خود را دراین ورقه درج و ثبت نمایند که تا درنزد متکیان وسادهٔ لازم العبادهٔ شریعة غـرا حجت بوده باشد و السلام علی من‌اتبع‌الهدی ونهی‌النفس علی‌الهوی.

[درحاشیهٔ بالا وسمت راست این ورقه عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله جل‌شأنه

در زمانیکه حیدرقلی آقا سهم قلعهٔ خود را بعالیجاه مقرب‌الخاقان عباسخان فروخته

۱ ــ مهری بیضی‌باسجع: «محمدصادق‌بن محمدباقر» ومهری بیضی که‌کلمهٔ « محمد » برآن خوانده می‌شود و مهری بیضی ناخوانا.

بودند و قبالهٔ آنرا بمهر میرسانیدند سرکارخان فرمودند همین قباله را بعلی‌خان آقا برادر خود داده مهر نماید داعی ازعلی‌خان آقا سؤال نمودم که تومبایعهٔ قلعهٔ راکـه حیدرقلی آقا نموده است امضی نمودی در نزد داعی اقرار کرد مـن‌جمیع مخلفات پدری خود را باحیدرقلی‌آقا مصالحه نمودم ومرا درآن حقی‌نمیباشد کتبه الداعی لابود الدولة البهیه. [جای مهر][1]

بسم‌الله تعالی‌شأنه

کمترین خدم اهل علم در زمان مبایعهٔ حیدرقلی‌آقا سهم قلعهٔ خود را بعالیجاه مقرب الخاقان عباسخان ازعالیشان علی‌خان آقا اقرار و اعتراف شنیده‌ام که مرا ازمخلفات پدری حقی نمی‌باشد نظر بمصالحهٔ که کرده‌ام حقیرالعبد. [جای مهر][2]

مخفی نماند که پنج‌سال قبل علی‌خان آقا اسبی ازبرادرخود حیدرقلی‌آقا گرفت بـه سی‌تومان و آنچه ارثیهٔ پدری که باومتعلق شده بودمصالحه نمود به‌مبلغ سی‌تومان و مکرر اعتراف می‌نمود که مرا از این ملك پدری حقی نمی‌باشد بتاریخ شانزدهم جمادی‌الاول سنهٔ .... [جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی بزرگ که کلمات : « محمدرحیم الموسوی » برآن خوانده می‌شود.

۲ـ مهری چهارگوشه و ناخوانا. ۳ـ مهری بیضی کوچك و ناخوانا.

۳۰

استشهادنامه‌ای بدون تاریخ.
دراین ورقه از سادات و موالی و اهالی و سکنهٔ استراباد که عالم و خبیراند خواسته‌اند که نظر خودرا دربارهٔ وقفیت قریهٔ میرومحله و چوپالانی بنویسند.

استشهاد و استخبار و استعلام میرود از جمع سادات و موالی و ارباب و اهالی و سکنهٔ دارالمؤمنین استراباد برآنکه عالم وخبیر و استماع نموده باشندکه قریهٔ میرومحله و قریهٔ چوپالانی واقعتان در بلوك استرابادرستاق من‌اعمال دارالمؤمنین استراباد وقف اولادست اسامی شریف خود را در ذیل و حواشی این صحیفه ثبت نمایند مثاب و مأجور خواهد بود

کسی نیك بیند بهردو سرا   که نیکی رساند بخلق خدا.

[برحاشیهٔ سمت‌راست و بالای این ورقه عبارات زیر نوشته شده است:]

هو   وقفیت قریتین مذکورتین اظهرمن‌الشمس است   حرره العبدالاقل.

[جای‌مهری چهارگوشه و ناخوانا]

وقفیت قریتین مذکورتین بیان واقعست وخلافی ندارد   العبدالاقل حاجی محمد-بیگ عفی‌عنهما.   [جای مهر][1]

بسم‌الله خیر الاسماء

وقفیت قریتین المذکورتین از شهادت جمعی موثقین و نوشتجات معتبره و ارقام و احکام دیوان اعلی بمنصهٔ ظهور رسید.   [جای مهر][2]

۱ـ مهری بیضی‌کشیده که نام «محمد» برآن‌خوانده می‌شود.   ۲ـ مهری بیضی‌و ناخوانا.

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی نـدارد ابـن‌محمد مقیم ملا عبدالمؤمن چالکیابی عفی عنهما. [جای مهر][1]

مضمون مسطور بیان واقعست وخلافی‌ندارد العبد صالح‌الدین‌تمسکنی‌عفی عنهما.

[جای مهر][2]

بسم‌الله خیر الاسماء

وقفیت قریتین المذکورتین ازشهادت‌جمعی موثقین ونوشتجات معتبره وارقام‌واحکام دیوان اعلی بمنصهٔ ظهور رسید العبدالاقل ... [جای‌مهری بیضی وناخوانا]

کمترین‌خلق‌الله درایام حیات‌مرحوم‌میر کمال‌مکرر ازمشارالیه شنیده‌ام که‌چوپالانی‌و میرومحله وقف است نمقه العبد محمدنصیرالانصاری . [جای مهر][3]

بسم‌الله خیر الاسماء

وقفیت قریتین مذکورتین ازشهادت جمعی موثقین و نوشتجات معتبره وارقام‌واحکام دیوان‌اعلی‌بمنصهٔ ظهور رسید نمقه‌اقل‌الطلبه ابن‌محمدیوسف محمدعلی‌عفی‌عنهما.

[جای مهر][4]

صرت عالماً بوقفیة‌القریتین‌المزبورتین واناافل‌الطلبه محمدقاسم‌بن عیسی‌الحسینی اوتی کتابهمابیمنهما . [جای مهر][5]

هو

وقفیت چوپلانی و میرومحله راکمترین خلق‌الله از جمعی کثیر شنیده است.

[جای مهر][6]

۱ـ مهری‌بیضی‌وناخوانا. ۲ـ مهری‌چهار گوشه باسجع: «عبده‌صالح‌الدین‌تمسکنی».

۳ـ مهری‌چهار گوشه باسجع: «عبده محمدنصیرالانصاری» . ۴ـ مهری بیضی کوچك و ناخوانا. ۵ـ مهری بیضی‌باسجع: «محمدقاسم‌الحسینی». ۶ـ مهری بیضی باسجع: «سید مرتضی‌الموسوی» .

فقیر وقفیت قریهٔ میرومحله و چوپلانی را از جمعی شنیده حـرر العبـد اسدالله الموسوی. [جای مهر][1]

وقفیت قریتین مذکورتین ازشهادت جمعی موثقین ونوشتجات معتبره وارقام‌واحکام دیوان‌اعلی بمنصهٔ ظهور رسید حرره کلب‌عتبه‌روضهٔ رضوی نظام‌الدین‌علی‌المفضل الحسینی. [جای مهر][2]

وقفیت قریتین مزبورتین اظهرمن الشمس است حرره العبد. [جای مهر][3]

۳۱

استشهادنامچهٔ بدون‌تاریخ .

در این استشهادنامچه از سادات و علما و کدخدایان و مؤمنین و متوطنین بلدهٔ استراباد واسترابادرستاق خواسته‌اند کـه اطلاع خود را در بارهٔ رعایائی که در زمان حکومت رضاخان از آهنگر‌محله به قلعه رفته‌اند بنویسند.

استشهاد و استعلام و استخبار و استطلاع میـرود از سادات عظـام وعلمای اعلام و کدخدایان ذوی‌العز والاحترام ومؤمنین خیراندیش وجمهور مؤمنین ومتوطنین‌بلدهٔ دارالمؤمنین استراباد واسترابادرستاق براینکه هرکس علیم وخبیر بوده باشدکه از قرار تفصیل ذیل رعایای آهنگرمحله

ولدان‌کربـلائی صالـح	ولدان حاجی کله	ولد طـالب	ولـد کلبعلـی
۵ نفر	دونفر	نفر	نفر

۱ــ مهری بیضی باسجع: «عبده اسدالله‌الموسوی» . ۲ــ مهری بیضی‌باسجع: «عبده نظام‌الدین‌الحسینی». ۳ــمهری چهارگوشه وناخوانا.

بعداز حکومت مرحمت‌پناه رضاخان از آهنگرمحله بقلعه رفته‌اند اسامی‌سامی‌وامهار گرامی خود را دراین ورقه ثبت و مزین‌فرمایند که عندالحاجت حجت بوده‌باشد که عندالله وعندالرسول ضایع نخواهد شد

کسی نیک‌بیند بهردوسرای   که نیکی رساند بخلق خدای

والسلام علی‌من‌اتبع‌الهدی.

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این‌استشهادنامچه عبارات زیر نوشته شده‌است:]

برماعلم حاصل است که خانه‌وارمفصله بعد ازحکومت مرحوم رضاخان ازآهنگر-محله بقلعه رفته‌اند. [جای سه مهر][1]

برماعلم حاصل است‌که خانوار مفصله بعد ازمرحوم رضاخان قوانلو ازآهنگرمحله بقلعه رفته‌اند . [جای مهر][2]

براقل قاجاریه واضح ومستحضریم‌که خانوارمذکور بعدازحکومت رضوان‌جایگاه رضاخان قوانلو ازآهنگرمحله بقلعه رفته‌اند نمقه‌الجانی . [جای پنج مهر][3]

براقل عبادالله علم حاصل‌است‌که رعایای‌مفصلهٔ مذکور بعد از حکومت مرحمت‌پناه رضاخان قوانلو از آهنگرمحله بقلعه رفته‌اند نمقه‌الجانی. [جای دومهر][4]

بندهٔ‌کمترین مستحضرم‌که خانوار مذکور بعد از حکومت مرحمت‌پناه رضاخان از

۱- مهری بیضی باسجع: «اللهم صل‌علی محمدوآل‌محمد» ومهری بیضی‌ناخواناومهری محرابی باسجع : «الله محمد علی عبده محمدتقی».   ۲- مهری بیضی باسجع: «اللهم صل‌علی‌محمدوآل‌محمد».   ۳- مهری چهار گوشه‌که‌کلمات:«افوض امری الی‌الله محمد» برآن خوانده می‌شود و مهری بیضی‌که کلمهٔ « فضلعلی » برآن خوانده می‌شود و مهری چهارگوشه باسجع : « الواثق بالله تعالی عبده صفرعلی » ودو مهر چهارگوشهٔ ناخوانا.

۴- مهری بیضی‌باسجع: «عبده مطلب» ومهری چهارگوشه‌که‌کلمات «الواثق بالله عبده علی» برآن خوانده می‌شود.

آهنگرمحله بقلعه رفتند نمقه‌الجانی العاصی . [جای چهارمهر][1]

براقل قاجار واضح و علم حاصل است که رعایای مفصلهٔ مذکـور بعد از حکومت مرحمت‌پناه رضاخان از آهنگرمحله بقلعه رفته‌اند. [جای سه مهر][2]

برحقیر معلوم است که ولدان کربلائی صالح و ولدان حاجی کله و ولدطالب و ولد کلبعلی بعد از حکومت مرحمت‌پناه رضاخان از آهنگرمحله رفته‌اند .

[جای سه مهر][3]

براقل طلبهٔ مدرسهٔ شفائیه علم حاصل است که مضمون مسطور متن بعد از حکومت مرحمت‌پناه رضاخان بقلعه رفته‌اند و ماشهدنا الابما علّمنا. [جای مهر][4]

برحقیر علم حاصل است که اسامی مذکور متن بعد از حکومت مـرحوم رضاخـان بقلعه رفته‌اند و ماشهدناالا بماعلمنا. [جای سه مهر][5]

حقیر از جمع کثیر شنیدم از قبیل آخوند ملا عباسعلی وحاجی ابـوذر و ملا محمد فیروزکوهی که رعایای مزبور متن درایام مرحوم امامقلی‌خان بقلعه رفته‌اند وخلافی ندارد . [جای دومهر][6]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «العبد المذنب محمد» و مهری بیضی کوچك باسجع : «اللهم صل‌علی‌محمد وآل محمد» ومهری‌بیضی باسجع: «عبده محمدرحیم...» ومهری چهارـ گوشه که کلمات: «عبده محمدتقی» برآن‌خوانده می‌شود. ۲ـ مهری‌چهارگوشه‌باسجع: «لااله‌الاالله الملك الحق‌المبین نادرعلی» و مهری بیضی ناخوانا و مهری‌چهارگوشه باسجع: «بود نورچشم‌محمد حسین» . ۳ـ مهری چهارگوشهٔ ناخوانا و مهری چهارگوشه که کلمات:«محرم‌ابوذر» برآن خوانده می‌شود ومهری چهارگوشه که کلمات: «سلطان‌بارگاه محمد» برآن‌خوانده می‌شود. ۴ـ مهری بیضی‌باسجع: «المتوکل‌علی‌الله عبده محمد».

۵ـ دو مهر چهارگوشهٔ ناخوانا و مهری چهارگوشه باسجع : « منتظر لطف‌الهی موسی» .

۶ـ مهری بیضی باسجع: «محمد شرف‌دارد برانبیا» و مهری بیضی‌کوچك ناخوانا .

براقل العباد علم حاصل است که مضمون مزبور متن بعد از حکومت مـرحمت‌پناه رضوان‌جایگاه رضاخان بقلعه رفته‌اند و ماشهدنا الأبما علمنا. [جای دومهر][۱]
حقیر را بشهادت جمعی‌از مؤمنین‌علم حاصل شدکه مضمون مسطور بیان‌واقع‌است.
[جای سه مهر][۲]
اقل عباد علم قطعی دارم‌که رعایای‌مفصله‌را یکدفعه مرحمت‌پناه رضاخان از آهنگر-محله بقلعه آورده ویکدفعه امامقلی‌خان بقلعه آورده و کوچهای مزبوره‌از کوچهائی است که امامقلی‌خان آورده است العبد آقا حاجی شهری. [جای مهر][۳]
اقل طلبه‌از جمعی از موثقین بلده و بلوك استراباد استماع نمودم‌که رعایای‌مزبـور در متن بعد از حکومت مرحمت‌پناه رضاخان از آهنگرمحله بعنف‌کوچـانیده بقلعه بردند العلم عندالله نمقه‌الجانی. [جای مهر][۴]
براقل‌سادات‌علم حاصل‌است که‌رعایای مذکور بعداز حکومت مرحمت‌پناه رضاخان از آهنگرمحله بقلعه رفته‌اند نمقه‌الجانی. [جای مهر][۵]

بسم‌الله‌تعالی

از شهادت جمعی از شهود از برای داعی دوام دولت قاهـره علم حاصل است کـه رعایای مزبور در امرحکومت مرحوم امامقلی‌خان بقلعه رفته بودند الجانی.
[جای مهر][۶]

[با ده شهادت ممهور دیگر از سادات که پاره‌ای از آنها دومهردارد].

---

۱ ـ مهری چهارگوشه باسجع: «یامحمدادرکنی» و مهری بیضی باسجع: «المتوکل علی‌الله‌عبده محبعلی». ۲ـ دو مهر بیضی‌ناخوانا ومهری بیضی دیگری که کلمات: «عبده حسین» بر آن‌خوانده‌می‌شود. ۳ـ‌مهری بیضی باسجع: «افوض‌امری‌الی‌الله‌عبده‌حاجعلی». ۴ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی الله‌ویردی». ۵ ـ مهری چهارگوشه که کلمهٔ «طالب» بر آن‌خوانده‌می‌شود. ۶ـ مهری چهارگوشه باسجع: «لااله‌الاالله الملك الحق المبین عبده محمد».

۳۲

استشهادنامهٔ بدون تاریخ.

دراین استشهادنامه از سادات وعلما ومؤمنین بلدهٔ استراباد خواسته‌اند که اطلاع خود را دربارهٔ نارضائی عبدالله‌خان قراموسی‌لو قاجار درموردمبایعه‌نامچه وشرکت‌نامچه‌ای که بامصطفی‌خان کرد‌محله‌ای تنظیم کرده است بنویسند.

استشهاد و استخبار و استطلاع میرود از سادات عالیدرجات عظام وعلمای اعلام و مؤمنین و مقدسین ذوی‌العز والاحترام بلدة المؤمنین استراباد صانهاالله عن‌التفرقة و الفساد که علیم وخبیر وسمیع و بصیر بوده باشند که یك طغراقبالهٔ شراکت‌نامچه و مبایعه‌نامچه کـه عالیجاه رفیع‌جایگاه قدوةالاعاظـم والارکان بندگان عبـدالله‌خـان قراموسی‌لوقاجارباعالیجاه معلی‌جایگاه مصطفی‌خان کردمحله مبایعه وشرکت نموده بودند در خصوص قریهٔاتراچال عالیشان‌رفیع‌مکان جلیل‌الشان عمدةالاعاظم والارکان محمدخان آقای قراموسی‌لـوقاجار قبل از قرارداد مبایعه راضی نبوده ونمی‌باشد و هرگاه مدعی‌علیه گفتگوئی داشته‌باشند که مشارالیه نیز اذن داده واجازه نموده‌است توطئةً وتمهیداً اوالجاءً ومن‌باب‌المصلحة بوده‌است والآن وبالفعل وامروزعالیشان معظم‌الیه سهم ورسد وحصهٔ خود را مالك ومنافع و مداخل آنرا متصرف بـوده و میباشد هرکس از معظم‌الیهم مراتب مزبوره را کماینبغی اطلاعی داشته و آگاهـی بهمرسانیده اسامی‌سامی وامهارگرامی خودرا درین ورقهٔ صدق ترجمه مزین‌فرموده تا نزد متکیان وسادهٔ غرای نبوی صلی‌الله علیه‌وآله وسلم حجة قاطع بـوده وحـق بمن‌له‌الحق عایدگردد وآیهٔ وافی‌هدایهٔ ولاتکتموا الشهادة ومن‌یکتمهافانه‌آثم‌قلبه را عامل و قابل وعندالله وعندالرسول مأجور و مثاب خواهند بود

کسی نیك بیند بهردوسرای   که نیکی رساند بخلق خدای

والسلام علی من اتبع الهدی ونهی النفس عن الهوی .

[درحاشیهٔ سمت راست وبالای این استشهادنامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

احقر عباد واقل طلاب علم دارد که قبل از مبایعهٔ عالیشان محمدخان آقا وسایر مالکین ملك اتراچال راضی بمبایعه نبودند ولیکن توطئه بود .... وماشهدنا الا بماعلمنا .

[جای مهر][1]

حقیر در مسجدجامع در خدمت مجتهدالزمانی حاجی ملا رضا بودم که عالیجاهان عبدالله‌خان با محمدخان آقا آمده کاغذی داده که حاجی مهر کند عرض کردند که این معامله توطئه میباشد. [جای مهر][2]

آنچه در این ورقه ثبت است بیان واقع است خلافی ندارد. [جای دومهر][3]

آنچه درین ورقه ثبت است بیان واقع است وخلافی ندارد . [جای مهر][4]

آنچه درین ورقه ثبت است بیان واقع است حرره الجانی . [جای مهر][5]

آنچه درین ورقه ثبت و درج نموده‌اند بیان واقع است و خلافی ندارد .

[جای مهر][6]

آنچه درین ورقه ثبت ودرج نموده‌اند بیان واقعست وخلافی ندارد نمقه الجانی .

[جای مهر][7]

۱ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «یا اباعبدالله الحسین». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «علی بن صالح» . ۳ـ دو مهر چهارگوشه که سجع اولی : «افوض امری الی الله عبده محمد » و بر دومی کلمات « لااله الاالله الملك الحق المبین اسمعیل » خوانده می‌شود . ۴ ـ مهری چهارگوشه باسجع : «خاك قدم علی مطلب» . ۵ ـ مهری بیضی باسجع : «عبده الراجی محمد الحسینی». ۶ـ مهری بیضی که کلمات: «نقی محمد ولیم» بر آن خوانده می‌شود . ۷ ـ مهری بیضی که کلمات «اللهوردی » بر آن خوانده می‌شود .

آنچـه درین ورقه ثبت است بیـان واقـع است و خلافـی ندارد نمقه الجـانی.
[جای مهر][1] امضای حسینقلی و کربلائی آقا محمد.
آنچه درین ورقـهٔ صدق‌ترجمه مسطور است در بابت عالیشان عمدةالاعیان محمد خان آقای قرمسانلوی قاجارخلافی ندارد . نمقه‌الجانی . [جای مهر][2]
آنچه درین ورقهٔ صدق‌ترجمه مسطور است در بابت محمدخان خلافی ندارد و بیان واقع است نمقه‌الجانی العاصی. [جای مهر][3]
آنچه درین ورقه ثبت است بیان واقع است و خلافی ندارد نمقه‌الجانی حـاجی سید محمدالحسینی . [جای مهر][4]
آنچه کمترین را علم حاصل است از عالیجناب آقا احمد قاضی و حضرات مؤمنین دیدلفظاً و نقلاً که عالیشان معلی‌مکان محمدخان آقای قراموسی‌لو که راضی‌نبودنـد شراکت اتراچال و پیش از وقت بیان نمودند که راضی نیستم که اقرار بکنم من‌باب مصلحة میباشد .... [جای مهر][5]
از شهادت جمع کثیری از مؤمنین .... که از آنجمله است جناب آقا سید محمد و آقارحیم وملامحمدحسین وحاجی سیدحسین وحاجی سیدمحمد و ولد حاجی‌رضاو ولد قربانعلی ظاهر شد برحقیر که مضمون متن بیان واقع است والسلام‌علی‌مـن اتبع‌الهدی. [جای مهر][6]
از شهادت جمع کثیری مثل آقاسید محمد وآقارحیم و ملاحسین وملاحاجی‌رضا و

۱ــ مهری‌بیضی با سجع: «عبده حسینقلی» ومهری بیضی‌کوچك با نام: «عبده محمد».
۲ــ مهری بیضی‌کشیده باسجع : «عبده ابوجعفرالموسوی» . ۳ ــ مهری بیضی کوچك باسجع : « عبده محمدرضا» . ۴ ــ مهری بیضی باسجع : « عبده محمد الحسینی » .
۵ــ مهری چهار گوشه باسجع: «قربانعلی‌بن محمدقلی». ۶ــ مهری چهارگوشه‌باسجع: الحسین منی وانامن‌الحسین» .

آقا ابوجعفر وغیره هم مضمون متن ظاهر گردید والله‌العلام عالم بحقائق‌الاحکام.

[جای مهر][1]

بسم‌الله تعالی‌جل

آنچه در این ورقهٔ صدق‌ترجمه ثبت و درج نموده‌اند لاشك ولاریب فیه خلافی ندارد نمقه‌الجانی. [جای مهر][2]

۳۳

رونوشت استشهادنامچه‌ای بدون تاریخ.

دراین ورقه از اربابان وکدخدایان بلوکت فخرعمادی استراباد و حوالی و حواشی قریهٔ میرومحله و ترنگ خواسته‌اند که علم و اطلاع خود را در بارهٔ رودخانه‌ای که از میان تلوکلاته و کشته می‌گذرد، میرومحله بندی می‌گرفته و این آب به حجرو سهم و قسمت و دانگ ودرك قسمت نمیشده است در این ورقه بنویسند.

استشهاد و استخبار و استعلام میرود از جمعی اربابان وکدخدایان بلوك‌فخرعمادی استراباد و حوالی و حواشی قریهٔ میرومحله وترنگ صینت عن‌التفرقه و الفساد برآنکه شاهد وعالم وخبیر بوده باشندکه رودخانهٔ که‌ازمیان تلوکلا و کشته میگذرد چون بقریهٔ اشتامهین میرسد از قدیم‌الایام تاحال قریهٔ میرومحله‌بندی میکرده‌اند و درینمدت میان قریهٔ میرومحله وترنگ‌آن حجروسهم وقسمت و دانگ یا درك‌قسمت نمیشود و دستور و مستمربند بوده هرگز تحتانی‌مانع فوقانی نبوده آنچه فوقانی‌را

---

۱ ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی‌عباسعلی». ۲ ـ مهری چهارگوشه با سجع: «لااله‌الاالله الملك الحق‌المبین‌عبده احمد».

ضرور ودرکاربوده‌میگرفته‌اند هرکس برمضمون مسطور اطلاع وآگاهی داشته‌باشند اسامی خودرا درذیل وحواشی این صحیفه ثبت ومرقوم نمایندکه‌عندالجزا ماجورو مثاب خواهند بود.

[برحاشیهٔ بالای این رونوشت استشهادنامچه عبارات زیر نوشته شده است:] قبل ازین که قاضی مسیح و جمعی از سلطان محله .... درست این بوده که ازرود ترنگ مشهور به رود تلو کلاته بقدر ... میرومحله است حسب‌الرقم عالی مقررشده بودکه .... میرومحله زیاده برقدر نسق شش قسمت ازرود مزبورآب نبرند ودر... محلهٔ ملصقه و صورت شهادت شهودی را .... میرومحله نزد نایب‌الصداره وقاضی بلده حاضر ساخته بودند بشرح فوق بنظررسانید وچنان‌ظاهرشدکه ادعای‌بندبستن‌و شش قسمت بردن هیچیك موافق واقع و حساب نبوده و نیست و جمعی ازاعزهٔ ولایت و غیرهم تصدیق مینمودند بنابرین بعنوان مصالحه و اسکات اربابان‌ومباشران مالیات دیوانی ومحض دعای خیر جهت ذات‌کامل‌الصفات نواب‌کامیاب سپهررکاب مالك رقاب‌که جانهای‌گرامی فدای نام نامیش‌باد مقرر داشتیم .... ملصقهٔ سدس آب رود مزبورکه عبارت‌ازیکدانگ بوده‌باشد مختص‌میرومحله دانسته بزوایدمزاحمتی نرسانند و مباشرین ضبط و اجارهٔ خالصجات حسب‌المسطور مقررسدس آب ..... میرومحله‌گذارند و مستمسك برقمی که قبل ازین درباب شش قسمت صادر شده نشوند بموجبی‌که حسب‌الامر العالی مقرر شده هرگاه جهت موقوفی زاید باشد رقم عالی درین باب بقیود و شروح مقررهٔ لازمه مسوده و سند را ضبط نمایند.

[برحاشیهٔ پایین وسمت‌راست عبارت«مضمون‌مسطوربیان‌واقع‌است وخلافی ندارد با نام سی وشش‌تن از شهود نوشته شده‌که از تکرار آنها خودداری شد].

اسامی شهودی که شهادت داده‌اند که مالکان قریهٔ میرومحله از رودخانه‌ای که از تلوکلاته و کشته می‌گذرد بند داشته‌اند و هر قدر آب که می‌خواسته‌اند می‌برده‌اند زیرا آب این رودخانه سنگ‌بخش نیست. براساس شهادت شهود سه تن از حکام شرع رأی داده‌اند که به‌دستور معمول سنواة به نهجی که متصرف بوده‌اند زراعت نمایند.

تمـــــــــــــــامـــــــــــــــی

شهودی که در باب آب میرومحله شهادت داده‌اند و کیفیت شهادت ایشان برینموجب است

که شهادت داده‌اند که از تاریخ . . . . . . در قریهٔ امیرده سکنی نموده‌ایم و همیشه دیده‌ایم که مالکان میرومحله از رودخانه که از تلوکلاته و کشته درقریهٔ اشتامهین در پیش‌خانهٔ آقا محمد کوشیر بند دارند و همیشه این بندراگرفته‌اند و آنچه توانسته‌اند از این‌بند آب به قریهٔ میرومحله می‌برند و این رودخانه برطریق رودخانه‌های دیگر سنگ بخش ندارند و آنچه توانند از این بندمی‌برند وحقابهٔ ایشان همین‌بند است که از اشتامهین گرفته می‌شود

مـــلك جمشیـد ساکـن امیـرده	مرتضـــی تیرتراش‌ساکن‌ایضاً	حســـین تیرتراش‌ساکن‌ایضاً	حـــاجـــی محمد تیـرتـراش ساکن ایضاً

که شهادت داده‌اند که مامی‌دانیم که مالکان میرومحله از رورخانه کـه از تلوکلاته و کشته می‌گذرد در پیش‌خانهٔ آقا محمدکوشیر بند دارند وهمیشه‌این بندراگرفته‌اند و

آنچه توانسته‌اند از این‌بندآب به قریهٔ میرومحله برده‌اند و قاعدهٔ این رودخانه سنگ بخش نیست و قانون همین‌بند است

کربلائی   حاجی   میرزا   میر
شریف کمانگر محله‌ای   خان ساکن قریهٔ کشته   محمد حافظ   موسی
ملک   ملک   ملک   ملک
نا رین   علی‌زاق امیردهی   مرتضی زاق امیر دهی   محمدتقی کیقبادی
ملک   ملک   ملک   ملک
شاه‌محمد کیقبادی   مرادمقری ساکن رباطو   سلطان محمد ساکن کشته   حسن رکابدار ساکن کشته
ملک   ملک   علیار   والی
مرادمرزبان کلاته‌ای   محمد مرزبانکلاته‌ای   کشته‌ای   غازی ساکن چلتن
ملک   کربلا   میرشاه   حسین
ولی   بوالحسن   محمد کمانگر محله‌ای   محمدمرزبانکلاته‌ای   علی‌مرزبانکلاته‌ای
ملک   محمد   درویش   آقا محمد
مقیم کمانگر محله‌ای   شریف کیقبادی   عرب آمیردهی   تجری‌تلو کلاته‌ای
تقی   ملاابراهیم   میرزا   علیجان‌گیل
زرگر ساکن‌شهر   بقال ساکن شهر   زرگر ساکن کیقباد   ساکن‌میرومحله
ملک   شمس   بابانوروز   محمد
حاجی کمانگر کشته‌ای   کمانگر کشته‌ای   بسطامی   علی بسطامی
خواجه   درویش   بهرام مازندرانی   ملک
رنگرز کشته‌ای   بابو کشته‌ای   ساکن‌مرزبانکلاته   محمدعلی کمانگر

ملا میرزاعلی استرابادی	مـــــلك	مـــــلك	میـــــــــر
	عزیز تلوغزی	سردارتلوغزی	ابول ولد حاجی میرقاسم کناره‌ای
میـــــــــر	مـــــلك	سیادت ونجابت پناه	مـــــلك
محمدقاسم تلوکلاته‌ای	مصطفی کشته‌ای	میرزا جمال‌الدین محمد ولد میرزا صدرالدین محمد تیرکا	علی کلجوبی

که شهادت داده‌اند که از زمان جمشیدخان تاحال می‌بینیم که مالکان قریهٔ میرومحله‌از این رودخانه بنددارند و از بندی که می‌گیرند آب می‌برند و ندیده‌ایم که سنگ‌بخشه باشد و یادرك بکشند و آنچه از بند بیرون می‌رود هرکس که در پایین است او می‌برده

کـــــــربلائـــــی	خـــــــــدابخش	
شمس علی درخـــــــدی	ساکن قریهٔ تلوکلاتـــــــه	
ملـــــــــــــــــــــــك		

سبزعلی ساکن قریهٔ رباطو گفت که من شنیده‌ام که قاعدهٔ این رودخانه بندگرفتن است و این را می‌دانم که قانون بندگرفتن است و شنیده‌ام که میرومحله هم از این رودخانه بند دارند

که شهادت داده‌اند که ما می‌دانیم که از رودخانهٔ که از تلوکلاته می‌گذرد میرمحمدجعفر و غیره مالکان میرومحله بند می‌گرفته‌اند و هرقدر آبی که می‌خواسته‌اند می‌برده‌اند

آقـــــــــــا آقـــــــــــــاصفی مـــــــلك

رفیـــــــــــع امـــــامـوردی

که شهادت داده‌اند اینکه . . . رودخانهٔ که از تلو کلاته می‌گذرد به سامان اشتامهین که می‌رسد مالکان قریهٔ میرومحله بند می‌گیرند و دانگ و سنگ وقدر معلوم نیست

مـــــــــلك‌محمـــــــد میـــــــرعلیـــــــــــار

که شهادت داده‌اند که ماهمین مطلع‌ایم کــه مالکان میرومحله در رودخانهٔ تلـو کلاته بند دارند و برقدر و مقدار و دانگ وغیره اطلاع ندارند

شـــــــــــاه امیـــــــــــــر صـــالـــــح میـــــــــر

میر محمدشفیـــــــع ... زاهدکشته‌ای سراج کشته‌ای محمـــد رضـــای

مرزبانکلاته‌ای کشته‌ای

شـــــــــــاه میـــــــــــــر شـــــیخ ملاصـــــــالح

بیگ کشته‌ای ... کشته‌ای کریم کشته‌ای مازندرانی‌ساکن

کـــشته

محمـــــــــــــد نوروز...

یوسف مازندرانی ساکن امیردهی

کشته

مـــــــــــــــــوضـــــــــــــــــــح

هو

از شهادت‌گوناگون مذکور فوق ثابت و محکوم‌به شدکه ملاك قریـهٔ میرومحله از رودخانـهٔ مذکوره‌بندی می‌گرفته به قریهٔ میرومحله زراعت می‌نموده‌اند و آنچه از بند ایشان بیرون می‌رفته و زاینده بند . . . تاآنجاکه تحت‌بند ایشان است زراعت

می‌شده بنابراین .... بخلاف شرع شریف مانع و مزاحم نشده گذارند که به‌دستور معمول سنوات به نهجی کـه متصرف بوده‌اند زراعت نمایند و چنانچه دراین باب حرف یاحجت شرعی‌داشته باشند موافق شرع شریف فیصل پذیرگردیده .

[جای دو مهر][1]

هو

به نحوی کـه اقضی‌القضاتی قاضی ابـوالفضل قلمی نموده ازشهود مفصلهٔ فـوق و مواردی که استماع نموده علم قطعی حاصل شدکه به طریق مذکور آب مزبور در تصرف ملاك قریهٔ میرومحله بوده است . [جای مهر][2]

۱ــ مهری گرد وبزرگ باسجع: «وذلك فضل‌الله یؤتیه من‌یشاء والله ذوالفضل‌العظیم» و مهری چهارگوشه باسجع: « الواثق بالحی‌القیوم یحیی بن زین‌الدین علی الانصاری » .

۲ــ مهری بیضی که کلمهٔ «جعفر» برآن خوانده می‌شود.

بخش هفتم

قرارنامچه ـ اذن نامچه ـ وصایت نامچه ـ تقسیم نامچه ـ التزام نامچه ـ شهادت نامچه

۱

قرارنامچهٔ مورخ ۱۱۰۶ هـ . ق.

در این قرارنامچه محمدقاسم هزارجریبی‌از مالکان قریهٔچوپلانی نیمهٔ جنگل قوچانی را می‌گیردکه آبادکند و بعداً مالیهٔ آن را به مالکان قریهٔ مزبور بدهد . اهالی مرزبانکلاته این اراضی را جزء مرزبانکلاته دانسته واز او مطالبهٔ مالیه‌کرده‌اند . پس ازکشمکش قرار براین شدکه اراضی مذکور را اهالی مرزبانکلاته به‌مالکان چوپلانی بدهند به شرطی‌که درآن چاه نکنند وقنات و پشت‌قنات حفر ننمایند .

باعث برتحریر این سطور شرعیه آنکه چون محمدقاسم هزارجریبی ازمالکان قریهٔ چوپلانی مقررگردیده بودکه نیمهٔجنگل قوچانی آبادنماید وبعدازآنکه‌آباد نموده و زراعت کرده ومالیهٔ‌آنراامالکان‌قریهٔمزبوران‌ازاوگرفته بودنیزمالکان قریهٔمرزبانکلاته بعلت اینکه میگفتندکه اراضی مزبوره داخل مرزبانکلاته است از او مطالبهٔ مالیه می‌نمود و مومی‌الیه عریضه بدیوان عالی داده و بعهدهٔ افضل‌القضاتی قاضی مسیح رقمی‌صادرگردیده‌بودکه بحقیقت برسد ومشارالیه تصدیق‌نموده‌که اراضی‌درتصرف مالکان چوپلانی است و قسمی‌متوجه متصرفین‌است اگرخواهند ایشانرا قسم‌بدهندو

اگر رد قسم نمایند مالکان مرزبانکلاته قسم یاد نمایند و متصرف شوند وچون یك دانگ‌ونیم قریهٔ مزبوره ملك عالیحضرت رفیعمنزلت سیادت و نجابت‌پناه فضائل و کمالات دستگاه عمدهٔ اعاظم‌السادات العظام والنقباء الکرام بود وبایست قسم‌بدهند یا قسم‌یادنمایند بنابراین فیمابین عالیحضرت‌مومی‌الیه‌وسیادت ونجابت‌پناه‌میر کمال‌ـ الدین محمود که یکی از مالکان قریهٔ چوپلانی است و باقی مالکان چنین مصالحه شد و قرار یافت که عالیحضرت مومی‌الیه کماکان اراضی متنازع فیها را در تصرف مالکان چوپلانی بگذارد و مالکان چوپلانی در اراضی مزبوره چاه نکنند و قنات و پشت قناة در اراضی مزبوره احداث نکنند و سائر ملاك مرزبانکلاته اگر باین نحو راضی بوده باشند فبها والابدانچه موافق شریعت مقدس بوده باشد عملنمایند صلحاً صحیحاً شرعیاً .

وکان‌ذلك‌غرهٔ‌شهر جمادی‌الثانیه‌من‌شهور
سنة ست‌ومائة بعدالف۱۱۰۶من‌الهجرة
النبویـة المصطفویـه علیه‌الف التحیه.
[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالاوسمت راست این قرارنامچه عبارات زیر نوشته شده است :]
رضیت بحصتی نمقه. [جای دو مهر ناخوانا]

هو

مقررشد که‌چون عالیجناب‌سلالة‌السادات والنجباء العظام والاتباری میرزاخانی‌و سیادت ونجابت‌پناه میرزا جمال هریك بقدرالحصه بشرح مسطور مصالحه‌نموده‌اند سایر شرکای‌ایشان هرگاه بمصالحهٔ کذائی راضی باشند والا با سیادت‌پناه میر کمال بقانون‌شرع‌اقدس رفع دعوی نموده مزاحمت خلافشرع وحساب ننمایند تحریرا

۱ـ مهری بیضی کشیده باسجع : «عبده جمال‌الدین الحسینی».

فی‌شهر جمیدی‌الثانی سنة ۱۱۰۶. [جای مهر][1]
الکتاب علی نسختین.
هو رضیت بحصتی العبدالمذنب. [جای مهر][2]

هو

بنحوی‌که در متن قلمی ومکتوب است راضی هستم العبدالمذنب محمد صالح الحسینی عفی‌عنه. [جای مهر][3]

۲

قرارنامچهٔ تعیین‌حدودقریهٔ مرزنکلاته موقوفهٔآقا میرتقی‌الدین‌ـ محمدکه یکی ازنبیره‌های او درسنهٔ ۱۱۳۶ درمحل رفته‌وتعیین‌و محدودکرده است.

غرض ازاین نوشته آنستکه چون از جملهٔ املاك وقرای موقوفهٔ عالیجناب مقدس‌ـ القاب موفق‌انتساب آقامیرتقی‌الدین‌محمدا طاب‌ثراه وجعل‌الجنة مثواه که‌جدصلبی‌و بطنی این ذرهٔ بیقدرو مقدار است قریهٔ موقوفهٔ مشهورهٔ مرزنکلاته بوده است و این قریه نظر به‌اغتشاش ولایت خراب و ازاینجهت بعضی ازحدود وسامان آن منهدم و مکرر ازجهة تنقیح سامان‌آن زحمتها کشیده که اولاد واولاد اولاد ذکور وهکذا که بزیورعلم وصلاح وسدادآراسته وصرفه وغبطهٔ اعیان موقوفه را ملاحظه‌می‌نماید و متوجه‌نظام ونسق میشودآسایش‌شده‌باشد پس بحسب‌الامرنواب‌مستطاب معلی‌القاب سموالمکانی باتفاق مزارعان آنجا آمدم وبتاریخ روزپنجشنبه ست و ثلثون‌ومائـه

۱ـ مهری بیضی‌باسجع: «افوض امری الی‌الله العبد لطفعلی». ۲ـ مهری بیضی کشیده که‌کلمات «عبده جمال‌الدین‌الحسینی» برآن خوانده می‌شود. ۳ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «عبده میرمحمدصالح».

بعدالالف ۱۱۳۶ سامان و حدود این قریه را بروفق تفصیل ذیل دادیم سمت جنوبی قریهٔ مرزنکلاتهٔ مزبوره پیوسته ومتصل است بجر وخندق قریهٔ امیرآباد مشهوربه آهنگرمحله وازآنجا می کشد بخیابان سنگ‌چین برسیج‌بعضی وبعضی دیگرپیوسته‌و متصل است بقریهٔ موقوفهٔ رباطوکه از جمله املاك موقوفهٔ واقف معظم‌الیه است و سمت شمالی قریهٔ مزبوره پیوسته و متصل است بقریهٔ موقوفهٔ چوپلانی و فاصلهٔ مرز وشیواری است‌که تخمیناً مقدار شصت قصب پنج زرعی از آن شیوارکه منبع شیواری است داخل در قریهٔ مزبوره است و از محاذات آخرین شیوار از سمت غربی شیوارخشکی است‌که پیوستهٔ بخندق آب دیوان‌که می کشد باراضی دالانهٔ سرچنار، بمقدار هفت قسمت و دوازده قصب نیم و فاصله از سمت شمال مرزی است‌که میکشد بـه میدان مرزنکلاته بـا فاصلهٔ شصت قصب ده‌ارشی پیوسته است بقنات‌یوسف‌که این‌اراضی‌دالانه‌سر وقنات یوسف ومیدان وقف مرزنکلاته است و ازسمت شرقی بعضی متصله‌است بچشمهٔ داریکه‌آب زاینده‌که منبع‌این داریکه‌آب نزدیك بجرقریهٔ مرزنکلاته است و این چشمه‌سر متعلق بمرزنکلاتـه است و بعضی میکشد به قریهٔ تلوکلاته و فریچمن و مزرعهٔ ولاش‌باغ وموسی‌یورت‌کـه از جملهٔ املاك و مزارع واقف موفق‌الیه است و از سمت غربی متصل است بدولنگه چشمه که می کشد تا جادهٔ قدیم که‌متصل‌است شرقاًبمزارع مشهوربچهل‌خاك‌که این چهل‌خاك متصل است به قنات اتراچال وغرباً متصل‌است به تپهٔ‌که متصل است‌بدولنگـه چشمه‌کـه لنگهٔ شرقی متعلق بمرزنکلاته است‌کـه میکشد شرقاً تا قنات اتراچال‌و غرباً با قنات دولنگـه چشمه‌که غربی آن مزرعهٔ دو دانگه است بتاریخ فوق نوشته شد تا معلوم باشد وازهرطرف قطع نزاع شد وکسی را من‌بعدحرف نخواهد بـود علوم حاصل من بوده

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این قرارنامچهٔ تعیین‌حدود مطالب زیر نوشته شده است :]

محتجب و پوشیده نماناد که شیوار مذکوریکه متصل‌است بشیوارخشکی که میکشد بخندق آب دیـوان شیوار واقعه در سمت شمال زمین محمدحسین است به شیوار چالکون آسیای واقعه درسراب مرزنکلاته قلمی شد بتاریخ متن نمقه مص .
السواد مطابق لـلاصل قدقابلته ورأیته مطابقاًلـه نمقه واناالعبدالاقـل میرزاحسن الحسینی ولدآقا سیداحمد.
السواد مطابق‌للاصل. [جای مهر][1] (میرصادق الحسینی) .
السواد مطابق للاصل الاصیل حرره العبدالخاسر . [جای مهر][2]
برینموجب بوده است العبدالاقل محمدالحسینی (موضع مهراو).
سواد مطابق للاصل الاصیل حرره‌آقا سید. [جای مهر][3]
السواد مطابق للاصل الاصیل حرره العبدالخاسر. [جای مهر][4]

هوالله‌تعالی‌شأنه

السواد مطابق للاصل الاصیل و اناالجانی شیخ‌المشایخ . [جای مهر][5]
السواد مطابق للاصل الاصیل نمقه‌الجانی. [جای مهر][6]
السواد مطابق للاصل قدقابلته ورأیته مطابقاً نمقه‌العبدالجانی . [جای مهر][7]
السواد مطابق للاصل الاصیل نمقه‌الجانی. [جای مهر][8]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده صادق الحسینی». ۲ـ مهری چهار گوشه باسجع: « محمدعلی الحسینی» . ۳ـ مهری بیضی باسجع : «عبده قاسم الحسینی» . ۴ـ مهری چهارگوشه باسجع: «منتظر لطف‌الهی هاشم الحسینی». ۵ـ مهری بیضی با سجع: «عبده‌الراجی میرزا محمد بن میرزا محمد». ۶ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: « یـا امام حسین » . ۷ـ مهری بیضی با سجع : « عبده الـراجی محمداسمعیل ».
۸ـ مهری چهارگوشه باسجع : «ابراهیم الحسینی».

السواد مطابق للاصل شهد محمدباقر بن‌سیداحمدالحسینی.

السواد مطابق للاصل الاصیل حرره العبدالخاطی. [جای مهر][1]

سواد مطابق للاصل الاصیل حرره العبدالمذنب العاصی . [جای مهر][2]

جری ذلك لدی و وقـع بین‌یدی الـداعی الاقل محمدابـن صادق الموسـوی.

[جای مهری ناخوانا]

بسم‌الله خیر الاسماء

سواد مطابق بااصل ظاهر الاعتبار ممهور بامهر ظاهرة‌الاعتبار است و انااقل الطلبه‌و خادم الشریعه . [جای مهر][3]

۱ــ مهری بیضی گل‌وبوتـه‌دار باسجع : « بنـدهٔ آل‌احمد محمد». ۲ــ مهـری چهارگوشه وناخـوانا . ۳ــ مهری بیضی باسجع : «المتوکل علی‌الله محمدعلی» .

۳

قرارنامچهٔ رفع دعوی مورخ ۱۱۶۴ هـ . ق .

در این سند اولاد مرحومین آقا محمدصالح و آقا محمدنصیر و آقا عبدالکریم و آقا سعیدسهام استرابادی و همچنین آقا محمدعلی و آقا محمد هادی و آقا محمد مؤمن و آقا فضل‌الله و آقا ابراهیم برمیرزا معزالدین محمدکه منحصراً موقوف علیه قریهٔ حیدربیك بود ادعائی کردند و دودانگ‌ونیم از اراضی و یك دانگ از یك رشته قنات به‌عنوان مصالحه معزالدین‌محمد به‌ایشان داده بود بعداً وقفیت ملك مزبور برایشان ثابت شد و ایشان هم خوفاً للعقاب یوم الحساب آنچه‌گرفته بودند به‌موقوف‌علیهم باز دادند .

چون‌تمامی‌قریهٔ معروفهٔ‌نفتخواجه‌موقوفهٔ‌مشهورهٔ‌حیدربك که‌موافق‌وقف‌نامچهٔ‌علیحدهٔ واقف... مرحوم‌مزبوراست وحال‌موافق‌نوشتجات وحجج معتبره موقوف‌علیه‌قریهٔ مزبوره منحصر بعالیحضرت سامی‌رتبت معلی‌منزلت سلالةالسادات العظام الکرام میرزائی میرزا معزالدینمحمد است‌که نوادهٔ مرحوم‌فوق میباشد و دیگران راحقی‌و نصیبی نمیباشد وبا وجوداین ...[1] اولاد مرحومین آقا محمدصالح و آقا محمدنصیرو آقا عبدالکریم و آقا سعید سهام استرابادی و هم آقا محمدعلی و آقا محمدمؤمن و آقا فضل‌الله و آقا ابراهیم برعالیحضرت سابق‌الذکر ادعا نموده بودندکه ما را نیز در قریهٔ مزبورهٔ موقوفه حقی و نصیبی میباشد و حال آنکه موافق شرع شریف ایشانرا مطلقاً حقی نبوده است و ادعای ایشان تصور باطل بوده لهذا عالیحضرت سابق‌الذکر از جهة قطع منازعه وطول دعوی دودانگ ونیم ازاراضی‌عامره وغامرهٔ

۱ـ یکی دوکلمه را تراشیده و محوکرده‌اند.

قریهٔ مزبوره را با یکدانگ از یکرشته قناة دائرهٔ وقفی رابمشارالیهم بعنوان‌مصالحه داده بود و در این اوقات براولادمرحومین کلهم‌محقق و ثابت شدکه ایشان‌رادرقریهٔ موقوفه مطلقاً حقی ونصیبی نبوده وصلح هم صورت شرع نداشته‌است بلکه‌برایشان حرام محض بودلهذاطوعاً ورغبةً لااجباراً واکراهاً تمامی‌حصه ورسد خودکه ازدو دانگ‌ونیم اراضی وازیکدانگ قنات‌داشتند بعالیحضرت سابق‌الذکر رد نموده‌اند و عالیحضرت معزی‌الیه نیز همگی و تمـامی رسدایشان را بتصرف خـود درآورده بسایر املاك و رقبات خود ضم‌گردانید ومن‌بعداحدی ازایشانرا موافق شرع‌حرفی‌و سخنی نمیباشد واگر ادعای نمایند دعوی ایشان باطل‌واز جمله دعوای باطله‌واقاویل کاذبه خواهد بود ایضـاً و آقا محمدمؤمن ولد ارشد آقا محمدنصیر مـزبور ازقبل برادر اکبر خود وهو آقا محمدحسین بقدرحصه‌که او متصرف بود متعهدگردیدکه او را نیز درین باب سخنی نبوده باشد و اگر من‌بعد مشارالیه در خصوص قـریـهٔ مزبوره بقدر حصه‌گفتگوئی نماید باطل خواهد بود و آقا محمد مـؤمن از عهده و غرامت آن برآمده موقوف ندارد واین چندکلمه حسب‌الاقرار مشارالیهم قلمی شد که عندالحاجت حجت بوده باشد.

وکان ذلـك فـی‌غـرة شهر رجب
المرجـب مـن شهور سنة ۱۱۶۴ .
[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ سمت راست و بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است :]

هو نجابت‌پناهان مشارالیهم اعتراف بوقفیت‌قریهٔ موسومهٔ ... حیدربك وموقوف علیه‌آن‌که ... معزی‌الیه است‌خوفاً لیوم‌الجزانمودند حرره‌الجانی‌زین‌العابدین‌بن محمدباقرکتابدار. [جای دومهر][2]

۱ــ مهری بیضی‌کشیده باسجع: «یا امام علی النقی». ۲ــ مهری دراز باسجع: «الاقل زین‌العابدین» و مهری چهارگوشه باسجع: «عبده محمد...».

حضرات مشار الیهم کلهم اقرار بوقفیت عین موقوفهٔ مزبوره وموقوف‌علیه آن که انحصار بعالیحضرب میرزای معظم الیه‌است خوفاً للعقاب یوم الحساب نمودند حرره العبدالخاطی. [جای چهار مهر][1]

مشار الیهم اقرار بوقفیت زمین موقوفه بنحوی که مرقوم است در متن نمودند.

[جای دو مهر][2]

هو

نجابت و هدایت انتسابان مشار الیهم اقرار بوقفیت قریهٔ موقوفهٔ موسومهٔ نفتخواجه مشهوره بحیدر بیگ وحدوث علم باینکه قریهٔ مزبوره ازجمله موقوفات حیدر بیگ و موقوف علیهم الآن عالیحضرت میرزا معزالدین محمد و منحصر دروی و تصرف ایشان بغیر حق است نموده خوفاً لیوم الحساب و امتثالهم لامرالله تعالی و کون الوقف وقفاً آنچه در تصرف داشتند بتصرف عالیحضرت معزی الیه که متولی شرعی و از جمله موقوف‌علیهم است دادند نمقه العبدالوضیع . [جای مهر][3]

هو

حضرات مشار الیهم مشتی اقرار بحقیقت مضمون مسطور متن نمودند وکتب العبدالجانی. [جای مهر][4]

۱ــ مهری چهار گوشه باسجع: «الواثق بالله الغنی عبده جمال الدین» ومهری چهارــ گوشهٔ دیگر باسجع : «بودنام ابوالقاسم محمد» و مهری چهار گوشهٔ دیگر باسجع : «عبده محمدکاظم الموسوی» ومهری بیضی باسجع: «حبیب‌الله....» . ۲ ــ مهری چهار گوشه باسجع: «الواثق بالله‌الغنی...». و مهری بیضی باسجع: «عبده قوام‌الدین محمد موسوی » . ۳ ــ مهری چهار گوشه باسجع: «عبده محمدرفیع الموسوی» . ۴ ــ مهری چهار گوشه باسجع: «افوض امری الی‌الله عبده سیف‌الله».

۴

قرارنامچۀ مورخ ۱۲۰۹ ﻫ . ق .

در این ورقه شاهزاده عبدالله میرزا و آقا سیدابـوالقاسم و آقـا سید محمدعلی وآقا سید اسماعیل وآقا سید جـواد وحاجی آقـا علی باکربلائی علی‌خلف غلامعلی قراردادندکه ششصد ذرع‌از یك رشته قنات واقع درغرب چوپلانی را حفرکند و منافع سه دانگ ازکل ششدانگ متعلق‌به او ومنافع سه‌دانگ دیگر متعلق‌به‌مالکین باشد .

غرض از تحریر و ترقیم اینورقۀ صدق ترجمه آنستکه شرط در ضمن عقد خارج لازم فیمابین خیرالزائرین کربلائی علی‌خلف مرحوم غلامعلی و آقایـان مـالکین‌و موقوفه‌علیهم قریۀ چوپلانی سرکار نواب مستطاب اشـرف والانظام العلماء سـرکار شادزاده عبدالله میرزا وجناب مستطاب فخرالسادات‌العظام الفخام‌الکرام آقا آقاسید ابوالقاسم وجناب آقا آقا سید محمدعلی وآقا سید اسمعیل وآقاسید جواد وجناب خیرالحاج والعمار حاجی آقا علی‌آنکه کربلائی‌علی مذکور درمدت شش‌سال‌کامل مساحت ششصدذرع زمین ازخشکه وآبی از یکرشته قنات واقعه درسمت‌غربی‌قریۀ چوپلانی وسمت‌شرقی‌قنات آخوند ملا محمد کافردوینی که واقعه در ملك‌چوپلانی است حفرنماید وآنچه مخارج‌کل ششدانگ یکرشته قنات موصوفه بشود ازپالانه و غیره تمام بعهدۀ حافر مذکور بوده باشد و شرط دیگر آنکه آب قنات موصوفه را حافر مذکور درسه آدش‌رویه‌کـه مساحت هرآدش‌رویه پانزده قسمت بوده بـاشد تسلط داشته‌باشد زرع نماید وآنچه منافع سه‌دانگ ازکل ششدانگ از یکرشته‌قنات

موصوفه بشود و مال تمام مالکین و موقوفه‌علیهم بوده باشد و منافــع سه دانگ از کل ششدانگ مال حافر مذکور بوده بــاشد و شرط دیگر آنکه در صورتیکه آب قنات موصوفه زیاده ازحاجت زرع خود حافر مذکور بوده باشدکه بخواهد دهقان بگیردکه زرع کند باید دهقان را اززارعین قریهٔ مزبوره بگیردکه زرع نمایندوشرط دیگر آنکه در صورتیکه بخواهد قنات موصوفه را بفروشد یا نقل بدیگری نمایــد باید بمالکین بهریك از مالکین و موقوفه‌علیهم بقدر سهم‌بفروشد و شرط دیگرآنکه بعد از علف مال شدن قنات موصوفه حافر مذکور او من یقوم مقامــه تا مــدت پنج سال اولاً بتعمیر قنات موصوفه بوده بــاشند و شرط دیگر آنکه اختیار زرع قنات موصوفه با حافر مذکور بوده باشد و شرط درضمن عقد خارج لازم دیگر آنکه در صورتیکه قریهٔ مزبوره تامدت یکسال آبادی داشته باشد حافر مذکورکوچ خودش را نیاورد در آنقریه سکنا نماید و در صــورت تخلف از مــدت یکسال مبلغ بیست تومان وجه فضی رواجی بیست‌شش نخودی بهمهٔ مالکین و موقوفه‌علیهم بقدر سهم هریك بایشان بدهد وصیغه درضمن هردوعقد خارجین لازمین واقع وجاری‌گردید .

وکان ذلك سیم شهر جمادی‌الاولی سنة ۱۲۰۹.



قرارنامچهٔ مورخ ۱۲۳۴ هـ . ق .

از یك رشته قنات واقع درقریهٔ بانعمان که میرزامحمدرضا وحاجی محمد حفر کرده‌اند، چهار دانگ و نیم آن حق‌الحفر حافرین و یك ربع آن متعلق به مالکان بوم وارض قنات مذکور و سه ربع از یك دانگ و نیم متعلق به حاجی محمدرضا و سه‌ربع از یك دانگ و نیم حق‌الارض متعلق به حضرات انصاری است.

مخفی‌نماناد که یکرشته قنات واقعه دربوم قریهٔ بانعمان من‌نواحی بلدهٔ دارالمؤمنین استراباد که عالیشان معلی مکان عمدة‌الاعاظم والارکان بندگان میرزا محمدرضا و خیرالحاج حاجی محمد حفرو بحلیهٔ آبادی درآورده‌اند موافق یك طغرا قباله‌نامچهٔ علیحده مقدار چهار دانگ و نیم از قنواة مذکوره حق‌الحفر مال حافرین‌مومی‌الیهاو یك ربع آن که یك دانگ و نیم بوده باشد مال مالکین بوم وارض قنوات مزبوره میباشد بناءً علیه مقدار سه‌ربع ازیك دانگ و نیم از حق‌الارض مال عمدة العلماء العظام وزبدةالفقهاءالعظام حاج بیت‌الله‌الحرام حاجی ملامحمدرضا سلمه‌الله‌وسه‌ربع از یکدانگ‌نیم حق‌الارض مال حضرات انصاری میباشد که منافع آن مادام‌القنواة معموراً وباقیاً خود علی‌الاتصاف تقسیم شود وچند کلمه برسبیل‌یادداشت‌قلمی گردید تا عندالحاجه حجة بوده باشد .

وکان ذلك فی‌شهر جمادی‌الآخر من شهور ۱۲۳۴.

[جای مهر][1]

۱ــ مهری چهارگوشهٔ بزرگ باسجع: «افوض امری الی‌الله عبده حاجی» .

[برحاشیه این قرارنامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

هو

اقرالحافرین االمشارالیهما بحق‌الارض المزبورلدی.　[جای مهر][1]

هو الله تعالی شأنه

قداقر المعمرین المومی‌الیهما بحق‌الارض المذکـور بالطریق المزبور بمافیه لـدی محمدبن عباسعلی آقارحمه‌الله.

و شهود علی ذلك جناب آخوند ملا محمدعلی‌وآقا حاجی محمد ومیرابراهیم خادم و آقا سید دامغانی.

اقرالحافران بمازبرفیه ورضی میرزا ابوطالب بالطریق المزبور من‌الحفروالانتصاف منه ولدیه.

آنچه درینورقه نوشته است خلافی ندارد .　[جای مهری ناگرفته و ناخوانا]

۱ـمهری چهارگوشهٔ بزرگ باسجع: «الواثق‌بالله الغنی‌عبده محمدموسی الحسینی».

۶

قرارنامچهٔ و اعتراف‌نامچهٔ مورخ ۱۲۵۷ ه . ق .

دراین سند حدوسامان دوقریهٔ میرمحله‌وچوپلانی بانظر بزرگان‌و ریش‌سفیدان و زارعان دو قریهٔ مزبور تعیین شده تا اختلاف از میان برود و میرمحمد و سایر شرکاء او اعتراف کرده‌اند که آب قوچانی یك بندمال‌مرزنکلاته است و باقی مال چوپلانی‌وهمچنین ملك‌کاظم و پسرش آقا حسین اعتراف‌کردندکه‌آب قوچانی‌واملاك ابراهیم‌آباد و تقی‌آباد وقف بر آقاسیدفضل‌الله وشرکای‌ایشان‌است.

غرض از تحریر این نوشتهٔ نیکو سرشته آنستکه در روز چهارشنبه هفتم شهر صفر۔ المظفر سنهٔ ۱۲۵۷ باتفاق عالیشانان ملك محمدحسین و ملك‌کاظم و خیرالحاج والعمار حاجی‌میرقاسم وعالیشانان ملك احمد وشیرخان‌بیگ و ملا آدینه‌علی وسایر ریش‌سفیدان وزارعان میرمحله و چوپلانی و مرزنکلاتی و جمعی از اعیان و اهالی شهر از سادات وملا وقاجار و غیرهم آمدند در سرسامان میرمحله و چوپلانی در خصوص امتیاز دادن سامان قریتین‌مزبورتین را از سایر قرای دیگر وسامانی که‌قرار داده‌اند به بازدیدحضرات مزبور بدینوجه‌که درذیل مرقوم میشود تافی‌مابین‌مالکین قریتین مزبورتین و قرای دیگر نزاع و تشاجر مرفوع شود وسامان قریتین‌بدین‌نهج است‌که حدی متصل به تپهٔ رستم وال است‌که وال رستم وال داخل در ملك میرمحله است وحدی خودقریهٔ اشتامهین‌که الآن مسمی بتقی‌آباداست‌که اززیرقریه تمام آن املاك داخل در میرمحله‌است وحدی‌کاریز بالاسر که ناور زیر پهناب‌است و حد چوپلانی متصل است بخندق آب دیوان و میکشد بالاتر تاسرزمین محمدحسین سنجدی‌که آن زمین محمدحسین سنجدی داخل در ملك چوپلانی است و نیز سید

محمد و میرمحمد وسایــر شرکاء ایشان اقرار واعتراف نمودندکه آب قوچانی یك بند مال مرزنکلاته است وباقی دیگرمال چوپلانی است و نیز عالیشانان معلی‌مکانان ملك‌کاظم و ولد او آقا حسین اعتراف نمودندکه آب قوچانی واملاك ابراهیم‌آباد و تقی‌آباد مال سرکارآقــائی وحیدالعصری و فریدالدهری مجتهدالعصر و الزمانــی آقا سید فضل‌الله الحسینی دام مجده وسایرشرکاء ایشان باینمعنی کــه وقف برایشان است وبسید محمد وغیره دخلی وربطی نیست.

وکان ذلك فی‌شهر صفرالمظفر سنهٔ ۱۲۵۷.

[برحاشیهٔ سمت راست و بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

عالیشان خانمحمد بیگ پنجاه باشی شهادت دادکه از جر وخندق . . . آخوند ملا آدینه‌علی شهادت میدهد که از زیر درخت سفیداری کــه سرآب زمین محمدحسین سنجدی است داخل ملك چوپلانی است.

عالیشان ملك‌کاظم شهادت داد وخیرالحاج حاجی‌میرقاسم شهادت دادکه‌نظر باطلاع واقرار و قرارداد آقا سید محمد وسایرشرکاء اوسامان مرزنکلاته وچوپلانی ازسرآب زمین محمدحسین سنجدی بربالاداخل ملك مرزنکلاته است و بزیر داخل ملك چوپلانی است.

آقا میرصادق‌وآقامیراسمعیل شرکاءآقا سید محمداعتراف نمودندکه ازآب‌قوچانی ما یك بند داریم آن بالا که حالا خشك‌است وآب نمیرود وباقی دیگرآن آب مال مانیست و عالیشانان ملك‌کاظم و آقا حسین اعتراف نمودند که ابراهیم‌آبـاد و آب قوچانی‌وتقی‌آباد داخل درچوپلانی ومیرمحله‌است و از جمعی کثیرچون‌خیرالحاج میرقاسم و ملاآدینه‌علی وجانمحمد بیگ پنجاه‌باشی وغیرهم مسموع شد و ازقرائن دیگر خارجه معلوم شدکه سامان چوپلانی و مرزنکلاته را ســرزمین محمد حسین سنجدی قرار داده‌اند ولیکن سامان بالاتر است . [جای مهر][1]

۱ــ مهری بیضی با سجع: « بندهٔ آل محمد احمد ».

۷

قرارنامچهٔ شرعی مورخ ۱۲۵۷ هـ . ق .

این قرارداد میان ملك‌کاظم و پسرش از یك‌طرف و آقاسیدفضل‌الله از طرف دیگر برقرار می‌شود که ملك‌کاظم و پسرش ضابط و امین باشند که مالیهٔ اربابی قریهٔ چوپلانی و میرمحله را از اهالی این قراء و نودهی‌و کناره‌ای و تقی‌آبادی وصول کنند و به آقا سید فضل‌الله برسانند

غرض از تحریر این ورقهٔ صدق ترجمه آنستکه قرارداد شرعی و اقراری درمابین عالیشانان معلی‌مکانان عزت و سعادت‌نشانان ملك‌کاظم و ولد ایشان آقاحسین با سرکار آقائی علامة‌العلمائی وافضل‌الفضلائی سلالهٔ دودمان مصطفوی مجتهدالعصرو الزمانی آقاسید فضل‌الله‌الحسینی دام عمره آنکه کل ششدانگ قریهٔ موقوفهٔ موسومهٔ بچوپلانی و کل ششدانگ قریهٔ موسومهٔ موقوفهٔ میرمحله واقعتان دربلوك استراباد۔ رستاق که وقف خاص برسرکار آقای معظم‌الیه وشرکاء ایشان است و محدودبحدود معین است که عالیشانان مشارالیهما از جانب سرکار آقای معزی‌الیه ضابط و امین باشند که بقدر یك بند آب که عبارت از یکدرك آب رودخوانه که سرکار بندگان امیرالامراء العظام‌بیگلربگی‌بایشان‌مرحمت فرموده‌اند وآبهای‌چوپلانی‌وغیرزاینده‌و غیره آنچه از آب رودخوانهٔ میرمحله وآبهای زانیدهٔ چوپلانی و غیره چه ساکنین میرمحله زراعت نمایند و چه نودهی و کنارهٔ و تقی‌آبادی هرکه زراعت نماید کلاً بطریق عمل‌کرد مالیهٔ اربابی بجناب آقای معظم‌الیه ازآبی وخشکه را ساعی باشند وصول نموده بایشان برسانند و منتهای سعی و اهتمام در بارهٔ زراعت ورعیت داری

نمایند و این چند کلمه برسبیل‌یادداشت قلمی‌گردید که عندالحاجت حجة‌بوده باشد.

وکان ذلك بتاریخ بیست هفتم شهر ربیع‌الاولی‌سنة ۱۲۵۷.

[برحاشیهٔ سمت راست این قرارنامچهٔ شرعی عبارات زیرنوشته شده‌است:]

اقرار و اعتراف نمودند عالیشانان ملك‌کاظم و ولدش آقا حسین‌که از قرار مذکور متن آنچه زراعتی که از آب رودخانهٔ میرمحله و آبهای زایندهٔ چوپلانی بعمل بیاید مال سرکارآقا میباشد دیگر غیر زاینده‌آبی نیست مگر آب باران و سیلاب که معلوم است‌که آنچه از آب باران و شوارشاب (؟) در این دو قریه زراعت بعمل نیاید ایضاً مال آقا است. [جای مهر][1]

۱ــ مهری چهارگوشه باسجع: «الله محمد علی‌عبده ابن‌صالح».

۸

قرارنامچهٔ مورخ ۱۲۶۳ هـ . ق .

قلی‌خان یوزباشی پنج دانگ قریهٔ میرمحله و شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی را از آقا سیدفضل‌الله استرابادی قبول امانت واستیمان کرده است که این دو قریه را زرع و کشت کند وعمل کرد این دو قریه را پس از وضع موضوعات و اخراجات به سیدفضل‌الله یانائب مناسب شرعی او واصل سازد.

هوالحاکم

مخفی نباشد که از قرار وقف‌نامهٔ معتبرهٔ ممهوره بامهار علمای سلف وخلف دارالمؤمنین استراباد واحکام شرع که ازمتقدمین ومتأخرین آنها صادر وصدورحکم شرع مستطاب از جناب قدوةالعلماءوالمجتهدین آقائی آقا محمدمهدی ابن ثقةالاسلام جناب مرحمت مآب حاجی ابراهیم کرباسی الاصفهانی وتصدیق و امضای مرحمت‌مآب حجةالاسلام حاجی سید محمدباقر طاب ثراه و فرمان قضانشان بنده‌گان اقدس شهریاری ادام‌الله تعالی ملکه وتعلیقهٔ رفیعهٔ جناب مستطاب قدوةالحاج حاجی میرزا آقاسی دام‌ظله العالی و رقم امضای نواب مستطاب خان خانان ادام‌الله عمره همگی و تمامی پنجدانگ از قریهٔ میرمحله و مزارع آن و ششدانگ قریهٔ چوپلانی مع متعلقاتها من‌المراتع و المزارع و مجری‌المیاه موقوفه میباشد وتعلق بحسب التولیت بجناب فضایل و کمالات انتساب زبدةالعلماء و عمدةالنجباء والسادات آقا سید فضل‌الله الاسترابادی دارد لهذا عالیجاه‌رفیعجایگاه قلیخان یوزباشی قبول امانت واستیمان نمود از وکیل

جناب آقای معظم الیه قریتین مرقومتین مسطورتین را که درمقام زرع و کشت و صیانت و حفظ رعایا و ساکنین و زارعین و مزارع بوده عاماً فعاماً از قرار عمل کـرد بعد از وضع موضوعات واخراجات زرع حاصل قریتین مرقومتین را واصل متولی موقوفه که جناب آقا یا نائب مناب شرعی ایشان سازد و هرگاه حاصل و محصول را بجائی دیگر بدهد حسب الشرع ضامن خواهد بود و باید از عهدهٔ آن کلاً وبعضاً برآید.

کان ذلك فی ثامن عشر شهر جمادی الاولی سنة ۱۲۶۳.

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالاوسمت راست این قرارنامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم الله عزشأنه

در روزبیست ویکم جمادی الاول سنهٔ ۱۲۶۳ عالیجاه قلی‌خان یوزباشی اقراراعتراف بقبول امانت و امانت‌داری بروجه مسطور درمتن نمود حرره الاقل.

[جای مهر][2]

اقر واعترف بجمیع مارقم فیه لدی. [جای دو مهر][3]

توضیح حدود قریتین میرمحله وچوپلانی میرمحله ازدروازه بزیرنایل آدینه علی حدی بچوپلانی حدی به‌میان .... وحدی ازدروازهٔ بالا تا به‌تقی آباد حدود چوپلانی حدی بمیرمحله حدی از وال دیوان میگذرد تا جنگل سفیدار سمت کودروازهٔ مرزنکلاته میرود تپهٔ قوچانی میخورد به‌اشتامهین وخیابان ولاشاباد حدی خیابان شمس آباد که میرود به سمت میرومحله تاریخ متن سنهٔ ۱۲۶۳.

۱ـ مهری بیضی باسجع: «محمد قلی». ۲ ـ مهری چهار گوشه و ناخوانا.

۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده علی‌اصغر» و مهری چهار گوشه باسجع: «المتوکل علی‌الله عبده علی‌الحسینی».

۹

التزام نامچهٔ مورخ ۱۲۶۳ هـ . ق.

دراین ورقه آقا سید فضل‌الله و عیال حاجی میرزاخانجان‌وکیل عباس‌خان بیگلربیگی ملتزم شده‌اندکه درباب گفتگوی قریهٔ میر-محله وچوپلانی‌خود یا وکیلشان در شهر استراباد به‌خدمت‌آخوند ملامحمدعلی‌اشرفی رفته به مرافعهٔ شرعیه قیام و اقدام نمایند .

ملتزم ومتعهد شدیم وکیل زبدةالسادات آقا سید فضل‌الله وعیال خیرالحاج حاجی میرزا خانجان وکیل مقرب‌الخاقان عباس‌خان بیگلربیگی براینکه درباب گفتگوی قریهٔ میرمحله وچوپلانی که هریك‌ادعای ملکیت وتصرف میکنیم طرفین خودبنفسه‌و یا وکیل تعیین نموده در دارالمؤمنین استراباد در خدمت جناب مجتهدالعصر و الزمان آخوند ملامحمد علی اشرفی بمرافعهٔ شرعیه اقدام وقیام نموده هرآنچه‌حکم از آنجناب در حضور طرفین صادر شود از آن قرار طرفین اطاعت نموده وهمان حکم صادر از ایشانرا حکم‌الله دانسته هیچیك خلاف و انحراف نورزیم و هریك حاضر نشویم چه خودمان وچه‌وکیل‌مورد بازخواست و تنبیه و ترجمان دیوان‌اعلی بوده باشیم این چندکلمه برسبیل الزام نامچه قلمی‌گردید .

تحریرا فی۱۲ شهر شعبان‌المعظم سنة ۱۲۶۳.

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این التزام‌نامچه عبارات زیرنوشته شده است:]

عرض میشود که این التزام را جناب سعادت نساب عمدةالعلماء الاعلام آقا سید فضل‌الله وعیال خیرالحاج حاجی میرزاخان‌جان وکیل عیال مقرب الخاقان عباس خان بیگلربیگی برضای طرفین در دیوانخانهٔ مبارک‌که نوشته‌اند و هردو مهرنموده‌اند

که در خدمت جناب مجتهدالعصر آخوند ملا محمدعلی اشرفی زیدفضله بمرافعهٔ شرعیه‌قیام و اقدام نموده‌شود مدعیان یا وکیل‌ایشان هردو در محضر آنجناب‌حاضر باشندکه بمرافعهٔ شرعیه قطع‌گفتگو و فصل نزاع نمایند باآنچه حکم از آنجناب صادر شد طرفین عرض داشته از آنقرار عمل نمایند لهذا عرض میشودکه نواب‌والا قدغن فرموده‌که بمحصلی عالیشان نقدعلی‌بیگ غلام ترکمان ...... طرفین بنفسه او و یا وکیل نایب‌الوکالة الشافی در محضر جناب معزی‌الیه حاضر شده بمرافعهٔ شرعیه قیام نمایند آنچه حکم شرعی از آنجناب صادر شد معمول دارند وخلاف و انحراف نورزند مقرراست عالیشان نقدعلی‌بیگ غلام از قراریکه در فوق مسطور و محرراست معمول داشته بعد از اتمام و انجام امر صورت ماجرا راکماجری مفصل نوشته بیاورندکه درعرض مجدد حجت بوده باشد.

نسختان متطابقان متناً وحامشاً حرره‌العبدالجانی. [جای مهر][1]

سواد مطابق‌للاصل. [جای مهر][2]

سواد مطابق للاصل. [جای مهر][3]

سواد مطابق للاصل. [جای مهر][4]

سواد مطابق اصل است حرره ابوالقاسم رضوی استرابادی.

سواد مطابق للاصل. [جای مهر][5]

سواد مطابق بااصل است. [جای مهر][6]

۱ـ مهری بیضی با سجع: «عبده نصرت‌الله الحسینی». ۲ـ مهری چهارگوشه‌و ناخوانا. ۳ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «وانا زین‌العابدین». ۴ـ مهری‌بیضی با سجع: « محمدرضا الحسینی ». ۵ـ مهری چهارگوشه با سجع: «محمدالموسوی» .

۶ـ مهری مزین وبیضی باسجع: «محمد مهدی».

النسختان متطابقتان فی‌العبارة حرره اقل الطلبه. [جای مهر][1]

السواد مطابق للاصل. [جای مهر][2]

السواد مطابق للاصل. [جای مهر][3]

۱۰

قرارنامچهٔ مورخ ۱۲۸۱ هـ . ق .

میان آقامیرزا صادق و محمودخان قرار براین‌شد که آب قوچانی را تماماً در ملک‌چوپلانی‌زرع نمایند و بقدر عمل کرد پس‌ازموضوع کردن چندقلم از جمع کل الباقی را بالمناصفه قسمت نمایند.

مخفی نماناد قرار شد فیمابین آقائی آقا میرزا صادق وعالیجاه محمود خان براینکه آب قوچانی را تماماً در ملک‌چوپلانی زرع نمایند بقدر عمل‌آمدن زراعت موازی بیست خروار شالی از بابت قنات و شیوار موضوع شود از جمع کل و دو خروار از بابت آب‌رانی‌ها و سه خروار از بابت تخفیف اعیاد و یکخروارازبابت میرآب ونیاب‌دانی‌و بیست‌من ازبابت حق‌نی‌چی این چند قلم از جمع کل‌موضوع شود الباقی دیگر را بالمناصفه قسمت‌نمایند نصف آن محصول مال آقائی آقامیرزا صادق باورثه‌اش نصفهٔ دیگر مال عالیجاه محمودخان باورثهٔ خودش قسمت‌نمایند و شرط دیگر اینکه آقائی آقا میرزا صادق و آقا میرزا اسمعیل آب مرزنکلاتـه را مختارباشند در مزرعهٔ چوپلانی زرع نمایند در هررویچهٔ که خواهش داشته‌باشند و

۱ــ مهری بیضی وناخوانا . ۲ــ مهری چهارگوشه که کلمات «لااله‌الاالله الملك الحق‌المبین عبده محمد... » برآن خوانده می‌شود. ۳ ــ مهری چهارگوشه باسجع : «عبده عباس علی» .

هر قسمت بیست من شالی بوم‌حصه بدهند و این چند کلمه برسبیل یادداشت قلمی گردید که عندالحاجت حجت شرعی بوده باشد.

کان ذلك تحریراً فی‌چهارم شهر ذی‌القعدة الحرام ۱۲۸۱.

[جای مهر][1]

۱۱

التزام‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۳ ه . ق

دراین ورقه کربلائی شیرخان شمس‌آبادی ملتزم گردیده است که سیصد ذرع قنات برای مالکان چوپلانی دراین قریه حفر کند و در مدت سه سال تحویل دهد و چهار دانگ آن را سهیم گردد.

غرض از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات آنستکه در ضمن عقدی از عقود لازمه ملتزم‌گردید و قبول نمود عالیشان عزت نشان محامداقران کربلائی شیرخان[2] خلف مرحوم مبرور محمدعلی‌بیگ شمس‌آبادی که مقدار سیصد ذرع قنات حفرنماید در قریهٔ چوپلانی درمحل‌مشخص ومکان معلوم ازآن قریه‌که واقع است درسمت غربی شیوار مشهور به باریك‌آب و متصل‌میشود به یوردخراب مشهور به یورد عباس‌آباد خرابه در مدت سه‌سال هلالی و بعد از سه‌سال هرگاه بخواهد زیاده حفرنمایدمأذون است که تاهفتصد ذرع دیگرحفرنماید که‌هزار ذرع‌کامل شود وازقرار چهاردانگ و دو دانگ معمول دارند چهار دانگ با حافر و دو دانگ با مالکین‌آن قریه و مقدار بیست‌قسمت آدش‌رویه‌مالکین بایدبمشار الیه‌بدهند که‌عندالحاجة‌الی‌الزرع‌زرع‌نمایدو

۱ــ مهری بیضی باسجع: «الـراجی محمد صادق الحسینی». بالای ورق قرارنامچه مهری بیضی بزرگ‌باسجع: «جعفرقلی»است.

۲ــ زیرنام شیرخان‌مهری‌است‌چهارگوشهٔ کوچك با سجع: «عبده شیرخان».

اگر بجهة سانحهٔ از سوانـح قنات مذکور مخروبـه شود تا سه سال مشاراليه اولى بتعمیرباشد واگر قنات مرقوم محتاج به تحويل باشد مشاراليه قادر برتحویل‌باشدو سالی‌سی‌من‌شالی کرده‌سرده به‌علاوهٔ‌حق‌الحفر بآقایان‌سادات‌عظام آقا سیدابوالقاسم و آقا سید محمدعلی و آقا میراسمعیل و سایر آقایـان سادات صاحبان سهام از آن قریه از حاصل مزروعی آن قنات مادامت معمرة وباقیه بدهـد لایخفی آنکه در آن قطعه زمین مذکور قنات علف مالی دورشته واقع است مشاراليه مأذون است که هر دورشته را بقسم مذکورعمل نماید واحداث قنات مذکور را درآن دو رشته بطریق مذکور و شرایط مذکوره نماید وشرط سیصد ذرع احداث نمودن در سه‌سال‌نسبت بهر دورشته واقع شده‌است و جمیع مراتب را در ضمن عقدی ازعقود لازمه جناب مستطاب سلالة الاطیاب آقائی‌آقاسیدابوالقاسم برمشاراليه شرط نمود ومشاراليه نیز قبول نمود مستجمعاً لجميع شرايطالصحة .

وکان ذلك بتاريخ بيستم شهر محرم‌الحرام ۱۲۸۳ .

[جای مهر][1]

[بربالای این التزام‌نامچه عبارات زیر نوشته شده است :]

وقع جمیع مارقم فی‌الصفحه من‌السید العظیم‌لدی المعتدالاثیم [جای مهر][2]

جناب آقا سید ابوالقاسم حسب تولیت معاملهٔ مزبوره را با اینکه شیرخان‌بیگ‌واقع ساختند کمافیه درمحضرم صیغه سمت وقوع یافت فی‌التاریخ. [جای مهر][3]

قد اعترف عالیشان کربلائی شیرخان مزبوربجمیع مارقم‌لدی الجانی حرره‌الاقل.

[جای مهر][4]

۱ـ مهری‌چهارگوشه باسجع: «المتوکل‌علی‌الله‌عبده‌شیرخان». ۲ـ مهری کوچك چهارگوشه باسجع: «عبـده عباس‌علی» . ۳ـ مهری بیضی باسجع : « عبده نصرالله» .

۴ـ مهری بیضی باسجع: «المتوکل علی‌الله عبده محمد».

۱۲

قرارنامچهٔ مورخ ۱۲۸۵ هـ . ق .

سعدالله‌خان وجمعی ازدهاقین‌اودرنظر دارند نهرجدیدی‌حفرکنند در این قرارنامچه که سوادی است ازاصل مورخ ۱۲۸۵ سهم هریك از دهقانان نسبت به زمینی که دارند برای حفرنهر معین‌شده‌است.

ز آنجائیکه اجرای میاه‌وعیون وحفرانهار و تعمیر خـراب مرضی وپسند خداونـد متعال بوده علی‌هذا باهتمام‌سلالة‌الأعاظم والأعیان ونتیجة الخاقان میرزا سعدالله‌خان خلف‌الصدق عالیجاه مقرب‌السطان میرزا علیقلی‌خان ادام‌الله عمرهماوعزتهما وجمعی از دهاقین ایشان مشهدی محمدعلی وبرادران او و مهدی و بـرادران واقربای او و جمشید وصفی‌خان و متعلقان ایشان حفر نهرجدیدی بزحمات بیشمار محفور کندکه ابتدای آن نهر از اراضی جنب درختی است‌که معروف به پیراشکار کلاته که‌کشیده می‌شود می‌رسد بنهر بزرگی که مجمع‌المیاه سه‌نهر است‌که سد وبند آن نهر جدید واقع در همان نهر بزرگ است‌که معروف‌است‌آن نهربوال چال‌پل وآن‌سه نهریکه آب آنها در آن نهر بزرگ جمع وریخته می‌شود یکی معروف بوال کله‌باغ است که‌کشیده می‌شود آن‌وال از وسط قریهٔ خمبه‌بن‌می‌رسد بمحلی که بچناربن معروف است ودونهردیگرواقع درجانب‌شرقی قریهٔ‌مزبوره‌می‌باشد که‌یکی‌نامیده بوال‌اوجاـ کله‌ودیگر بوال‌حسن کریه که مالك‌سه‌دانگ‌از کل‌ششدانگ‌مجرای‌عالیجاه ومعظم‌الیه می‌باشد ومالك سه‌دانگ دیگراز کل ششدانگ اشخاص مفصلهٔ فوق‌هستند وشرکت ایشان در آن سه دانگ باین نوع است‌که یکدانگ از سه دانگ ازکـل ششدانگ متصرف مشهدی‌محمدعلی‌است‌که بین‌او ومحمدباقر وخان‌محمد وکلعلی‌ومیرزاعلی علی‌السواء تقسیم میشود باین توضیح کـه یکسهم از یکدانگ از سه‌دانگ از کـل

ششدانگ بتصرف ملکی محمدعلی و یك سهم ملکی‌متصرفی خان محمد و یك سهم ملکی متصرفی محمدباقر و یك سهم ملکی و متصرفی کلعلی و یـك سهم ملکی و متصرفی میرزاعلی که این یکدانگ بین این اشخاص مفصله به‌پنج سهم بقسمی که بیان شد منقسم می‌شود و یکدانگ دیگر از دو دانگ از سه‌دانگ از کل ششدانگ بتصرف ملکی مشهدی مهدی باین تفصیل که منقسم می‌شود بین او و برادران‌او بشش سهم که یکسهم حق مهدی و یك سهم حق‌صغار اللهویردی و یك سهم‌حق‌صغار رجب‌و یکسهم حق ولد مهدی مزبور و دو سهم حق غلام و برادران او و ولـدان امیرخان که سهام اینها به‌شش تقسیم‌علی‌السواء و دانگ دیگر ازسه دانگ از کل ششدانگ‌متعلق بجمشید وصفی‌خان است که بین آنها به شش تقسیم منقسم است کـه یکسهم مـال صفی‌خان و یك سهم‌مال ولداو اللهویردی و یك‌سهم مال‌حسین پسرزن امیرخان و یك سهم مال جمیشد یك سهم مال‌صفر و یك سهم از شش سهم بین جمشیدوصفی‌آقـا تقسیم می‌شود که هریك نیم‌سهم مال ایشان است و مخارج نهر وبند وجو و وال‌ها ازجهة خرابی سیل وغیره با اشخاص مفصله است که دخلی بعالیجاه معظم‌الیه کـه مالك سه‌دانگ است ندارد .

تحریراً فی‌شهر جمادی الاولـی سنة ۱۲۸۵ .

مخفی‌نماناد‌چون بعضی ازانهارواراضی‌چنین‌بنظرمی‌آیدکه داخل دراملاك مجهول‌المالك باشد احتیاطاً این احقر در تحت شرح درآورده و بتصرف مالکین‌ششدانگ علی‌مقدارسهامهم علی‌الوجه‌المرقومه درآورده که همهٔ جهات‌بی‌نقص‌است وحررته بیدی‌العاصی محل‌مهرمحمدرضا.

[برحاشیهٔ سمت‌راست وبالای این قرارنامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

ذلك کذلك یا امام‌حسین.

مضامین متن و حاشیه بیان واقع است علینقی‌الموسوی.

مارقم فی‌المتن والحاشیه‌حق لاخلاف فیه   حرره الاقل یا حضرت عباس.
سواد مطابق است با اصل که ملاحظه شد.   [جای مهر][۱]
هذه السواد مطابق‌لاصله المعتمد   حررته فی‌شهر صفر ۱۳۲۹.   [جای مهر][۲]
بیان واقع است خلافی ندارد   امیربیگ.
السواد مطابق لاصله   حرره‌الاقل.   [جای دومهر][۳]
هذه‌السواد مطابق لاصله المعتبرالمعتمدعلیه لدینا   وقدحررته.   [جای دومهر][۴]
هذه‌السواد مطابق لاصله   حررته فی۱۹ نوزدهم صفرالمظفرهزاروسیصدوبیست‌ونه ۱۳۲۹.   [جای مهر][۵]
نعم‌ان مضمون‌المتن‌والهامش بر... قدکان فی‌محضری   الاحقرولاریب‌فیه(محل‌مهر مبارك مرحمتمآب حاجی ملارضا طاب‌ثراه).
هذه‌السواد مطابق لاصله‌المعتبر   حررته.   [جای مهر][۶]

۱ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «ناصرالشریعه ۱۳۲۶» .   ۲ـ مهری بیضی با سجع: «جمال‌الدین محمد بن صادق العقیلی».   ۳ـ مهری بیضی باسجع: «محمدمهدی الحسینی۱۳۱۹» ومهری بیضی‌دیگرباسجع : «محمدباقر».   ۴ـ مهری بیضی بزرگ با سجع : « محمدباقربن محمد علی» و مهری بیضی‌کوچك باسجع : « عبده محمد حسن» .
۵ـ مهری بیضی باسجع : «محمد طاهر الحسینی» .   ۶ـ مهری بیضی با سجع : «عبده عباسعلی العقیلی».

۱۳

قرارنامچهٔ مورخ ۱۲۸۹ هـ . ق.

آقا جمال وآقا سید محمد اصالةً از طرف خود و وکالةً از طرف حاضرین درمجلس وفضولةً ازطرف سایرموقوف علیهم باآقا سید ابراهیم و حاجی آقاقرارکردندکه قنات معروف بەقزل‌اياغ‌واقعه در ملك یساقی را از پشته و پیشان به مقدار چهارصد ذرع شاه حفر نمایند درظرف مدت پنج سال از قرار اثلاثی به ترتیبی که چهار دانگ آن بابت حق‌الحفر و دودانگ آن بابت حق‌الارض عموم مالکین بوده باشد.

محصل این رقیمهٔ شریفه آنستکه عالیجنابان مستطابان افادت نصابان سلالتی السادات الاطیاب عمدتی العلماء الانجاب النورین النیرین آقائی آقا جمال وآقائی آقاسید محمد سلمهماالله تعالی اصالةً ازخود وبوکالت شفاهیه ازجانب حاضرین‌در مجلس‌ازآقایان‌عظام وسادات والامقام حاجی‌آقا علیمحمد وحاجی‌آقا محمدحسن و آقا صدرالدین وآقا یحیی‌وآقاعبدالرحیم‌وآقاعیسی‌آقا محمود وآقاهدایت‌الله وآقا محمدزمان و آقا نظام‌الدین وآقا ناصرالدین و آقا عبدالرزاق و آقا محمدابراهیم خلف مرحمت‌پناه آقا عباس و حاجی آقا خلف مغفرت انتساب آقا عبدالرحمن و فضولةً از جانب سایر موقوف‌علیهم قریهٔ یساقی درضمن عقد صلح واقع شرط لازم شرعی کردند برسیادت انتسابان آقاسید ابراهیم و حاجی آقا ولدان حاجی‌آقا محمدحسن که یك رشته قنات واقعه در ملك یساقی وقفی راکه معروفه است بقنات غزل‌اياق در صورتیکه کار بدهد از پشته وپیشان ازدم فرع بمقدار چهارصد ذرع‌شاه حفر نمایند در ظرف مدت پنجسال قمری از قرار اثلاثی که چهار دانگ از آن از

بابت حق‌الحفر مال حاجی آقا و آقاسیدابراهیم و دودانگ آن ازباب حق‌الارض ملك عموم مالکین موقوف‌علیهم بوده باشد ودرحفر تا منتهی‌الیه سامان نیز مختارند و موضوعات زراعتی از جمله حق آب‌رانی وصاحب نسقی وبومحصه درصورتیکه در ملك خارج ذرع شود از مال مشاع و مشترك فیمابین حق‌الارض وحق‌الحفرداده شود که خود مشارالیها از جمیع عمل ششدانگ گرفته و بصاحبان حقوق مفصله برسانند و در صورت نرفتن بملك خارج بلکه در همان خود ملك یساقی زرع شود آقایان موقوف‌علیهم مطالبهٔ بومحصه واجرت‌الارض ننمایند واختیار بست نسق و گرفتن آبران و صاحب نسق و قرار حقوق ایشان وایصال آن حقوق مقرره بایشان‌و رفتن بملك خارج بامشارالیهما می‌باشد و حق‌التحویل در هریك ازدوطرف شرق‌و غرب قنات مزبوره بمقدار پنجاه ذرع شاه از برای مشارالیهما ثابت است و در تخطی‌ازنول نقب قدیم نیز مختارند و درصورت خرابی‌ولاینتفع بها شدن آن‌قنات مزبوره اولویت در تعمیر از برای مشارالیهما در ظرف پنجسال قمری مقررگردیدو درثانی روماً للاحتیاط عموم آقایان حضار اصالةً و فضولةً مصالحهٔ صریحهٔ شرعیهٔ مشتملهٔ بشرایط وکیفیات مقررهٔ مفصله نمودند بحاجی آقا وآقا سید ابراهیم منافع ابدیه چهاردانگ ازکل شش دانگ از آن قنات مزبوره واقعه در ملك یساقی‌راکه مادامت معمورةً منافع چهار دانگ مال مشارالیهما و قائم مقام ایشان و منافع دو دانگ مال عموم موقوف‌علیهم میباشد و بعد از خرابی ولاینتفع بهاشدن و انقضاء مدت پنجسال از سنهٔ اولویت درتعمیر دیگر مشارالیهما و قائم مقام را حقی‌نخواهد بود در آن قنات بلکه مال عامهٔ مالکین خواهد بود.

وکان ذلك بتاریخ یازدهم شهر رمضان سنهٔ ۱۲۸۹.

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این قرارنامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

مراتب مرقومه در ورقه از متن وهامش وقوع یافت وحقیر راضی شدم و کذلك

مالکین حاضرین مفصلین حرره سید محمد الموسوی بیده . [جای مهر][1]
مراتب مسطوره بیان واقع واقع وجاری‌گردید انشاءالله تعالی جمیع آقایان‌عظام‌از اناث وذکور راضی بوده وباشد حرره الاقل الراجی فی ۷ شهر ذیعقده من‌شهور ۱۲۸۹. [جای مهر][2]
قد رضیت بحصتی حسبما رقم فیه من‌الشرایط وانا‌الاقل. [جای مهر][3]

رضیت بحصتی. [جای مهر][4]
ماهوالمسطور واقع گردید . [جای دو مهر][5]
رضیت بحصتی نمقه‌الجانی. [جای مهر][6]
مراتب مسطوره بیان واقع و جاری‌گردید خلاف ندارد. [جای مهر][7]
رضیت بحصتی. [جای مهر][8]
مراتب مسطور بیان واقع است و جاری‌گردید حرره‌اقل. [جای مهر][9]
رضیت بحصتی وامضیت بمارقم الجانی. [جای مهر][10]
انا‌امضیت ورضیت بحصتی علی‌النهج المرقوم. [جای سه مهر][11]

۱ـ مهری بیضی‌بزرگ باسجع: «عبده‌الراجی سید محمدالموسوی». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی محمدحسن بن الموسوی». ۳ـ مهری چهارگوشه باسجع: «المتوکل‌علی‌الله‌عبده عبدالکریم الموسوی». ۴ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «هدایت‌ـ الله الموسوی». ۵ـ مهری بیضی باسجع: «عبده یحیی الموسوی» و مهری بیضی دیگر باسجع: «عبده‌الراجی صدرالدین الموسوی». ۶ـ مهری چهار گوشه باسجع: «عبده محمدصالح الموسوی». ۷ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده الراجی محمدابراهیم الموسوی». ۸ـ مهری‌بیضی باسجع: «عبده‌عبدالرحیم‌الموسوی». ۹ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی‌صفی‌الموسوی». ۱۰ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده‌الراجی محمدـ نصیر الموسوی». ۱۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدابراهیم الموسوی» ومهری بیضی دیگر باسجع: «عبده حسنعلی الموسوی» و مهری بیضی‌کوچك باسجع: «عبدالجواد الموسوی».

رضیت بحصتی و امضیت بمارقم محمود الموسوی. [جای مهر][1]

رضیت بحصتی. [جای مهر][2]

مراتب مرقومه بیان واقع خلاف ندارد. [جای سه مهر][3]

اناامضیت ورضیت بحصتی علی‌النهج المرقوم. [جای مهر][4]

۱٤

اذن‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۱ ه. ق.

دراین ورقه مالکان قریهٔ چوپلانی اذن دادند ومسلط کردندحاجی علی شمس‌آبادی را برحفر یك رشته قنات‌که غربی‌آن اتصال دارد به قنات‌کافردوین متصل به‌وال دیوان‌که در مدت چهارسال سیصد ذرع شاهی از پشته و پیشان حفر نماید و از قـرار چهار دانگ دو دانگ سهیم گردد یعنی چهار دانگ سهم حافر و دو دانگ سهم مالك باشد.

غرض از تنمیق این مختصر نمیقه آنستکه مسلط‌گردید خیرالحاج حـاجی‌علی ابـن مرحوم غلامعلی شمس‌آبادی‌حسب شرط در ضمن‌عقدلازم واقع فیمابین اوومالکین قریهٔ چوپلانی سرکار جلالت‌آثار نواب اشرف‌ارفع والا الملقب من‌السلطان‌خلدالله ملکه به‌نظام‌العلماء شاهزاده عبدالله میرزا لازال ظله‌ونظمه و جنابان مستطابان آقائی آقاسید ابوالقاسم وآقامیرمحمدعلی وآقا سید اسمعیل وآقا سیدجوادوخیرالحاج و افتخارالحاج حـاجی‌آقا علی استرابـادی الأصل ساری‌المسکن اطال‌الله بقائهم بـر

۱ـ مهری بیضی باسجع: «حاجی‌آقا الموسوی». ۲ـ مهری‌بیضی‌باسجع: «عبده ناصرالدین‌الموسوی». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده رزاق‌الموسوی» ودو مهر چهار گوشه باسجعی بدخط: «حسین موسوی». ۴ـ مهری چهار گوشهٔ کوچك‌باسجع: «نظام‌ـ الدین الموسوی».

حفر یك رشته قنات در محل مخصوص از ملك و قریهٔ مزبوره که غربی آن اتصال دارد بقنات کافردوین متصله بوال دیوان که در مـدت چهارسال قمری مقدار سیصد ذرع شاهی از پشته و پیشان حفر نماید و در حفر زیاده از مقدار مزبور مسطور تـا هزار ذرع مختار است و قرار قنات از قرار چهار دانگ دو دانگ مقرر شـد کـه چهار دانگ حق‌الحفر و مـال حافـر و دو دانگ حق‌الارض ومال مالکین ارض و مخارج حفر از اجرت چاخو وجیره وپالانه ولو اینکه صدهزار پالانه حاجت داشته باشد و غیرها اگرچه هزار تومان وجـه ریال ۲۶ نخود مخارج شـود بعهدهٔ حافـر مزبور است دخلی بمالکین ارض ندارد چنانچه مخارج بعدالحفر همیشه اوقات از لاروبی و غیره مادامت‌القنات معمرة به عهده حافر ومن‌یقوم مقامه میباشد و دورویه برای زرع قنات که هررویه پنج قسمت است بدون دادن بومحصه برقرار شد و در صورت بودن زرع آب‌قنات محتاج به‌آب‌ران وساخلو اختیارگرفتن آبران وساخلو و تعیین حق ایشان و ایصال حق ایشان بایشان اگرچه ده خروار بلدی شالی سرده شود با حافرمزبوراست چنانچه اختیاربست‌نسق‌وزرع قنات باحافر ومن‌یقوم مقامه‌میباشد ولی با بودن‌کارنده وزارع ازاهل وسکنهٔ‌قریهٔ چوپلانی کسان دیگر را زارع‌وکارنده نگیرد و محصول قنات را بعد از وضع موضوعات مزبوره عندورود الموضوعات از ششدانگ توضیع و قسمت اثلاثی نمایند که دوثلث محصول را حافر و من یقوم مقامه برای خـود برداشت نماید از بابت حق‌الحفر و یك ثلث محصول را از بابت حق‌الارض مالکین ارض ازحافروقائم‌مقام اواخذ و استیفاء نمایند و حق‌التحویل در سمت شرقی تا پنج ذرع‌شاه و در سمت غربی تا ده ذرع شاه برای حافر و قائم مقام او برقرار شد ودرتخطی ازنول‌نقب قدیم بسوی فوق وتحت عندالحاجة حافرمزبور ومن‌یقوم مقامه مختارند و در صورتیکه قنات خربه ولاینتفع بهاشود تا مدت دوسال قمری بعد حق‌اولویت تعمیر برای حافر و من‌یقوم مقامه برقرار شد و در صورتیکه بخواهندحافرومن‌یقوم‌مقامه چهاردانگ حق‌الحفری راکلاً او بعضاً درمقام فروش‌و

نقل بغیر برآیند درظرف مدت پنجاه سال قمری بعد مادامیکه مالکین ارض طالب‌و خریداری می‌نمایند حافر ومن‌یقوم مقامه باید نقل وانتقـال بمالکین ارض نمایند و در صورتیکـه مالکین ارض راغب به خریداری نشدند حافـر و قائم مقام مختارند که بـه غیر ایشان نقل و انتقال‌نمایند وجمیع مراتب مسطوره به تحت شرع شریف بقانون شرع انور درآمده.

وکان ذلك بتـاریخ بیست و یکم‌شهـر
جمـادی‌الثانیـه من‌شهور سنة ۱۲۹۱ .

[بربالای این اذن‌نامچه عبارات زیر است:]

مراتب مسطوره من‌البدوالی الختم متعلق اقرار و اعتراف خیرالحاج والعمارحاجی علی برنزد احقر سمت وقوع یافت ولقد حرربیدی القاصر فی رجب ۱۲۹۱.

[جای مهری چهارگوشه ناخوانا]

الامرکما رقم‌وزبر فیه حررته فی‌بیستم‌شهر ذیحجة‌الحرام من‌شهور هزاروسیصدو هفده ۱۳۱۷. [جای مهری ناگرفته و ناخوانا]

۱۵

اذن‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۲ هـ . ق .

دراین ورقه آقاسید اسماعیل بن‌آقا میر تقی حسینی مسلط نموده است حاجی علی‌شمس‌آبادی را برحفر سه‌دانگ از کل ششدانگ یك رشته قنات واقع در قریهٔ چوپلانی که در ظرف چهار سال هلالـی سیصد ذرع شاهـی از پشته و پیشان حفر نمایـد و چهار دانگ از قنات سهم او گردد یعنی چهار دانگ متعلق بـه‌حافر و دو دانگ متعلق به مالك باشد.

[جای مهر][1]

غرض از تحریروترقیم اینورقه آنستکه مسلط نمودم خیرالحاج علی‌ابن مرحوم

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدباقر» .

غلامعلی شمس آبادی‌جناب مستطاب‌سلالة الاطیاب‌آقا آقا سیداسمعیل ابن‌مرحمتآب آقا میرتقی حسینی را برحفر سه‌دانگ از کل ششدانگ یکرشته قنات واقعه در ملك چوپلانی که غربی آن متصل است بقنات‌کافردوین متصله بوال دیوان که مالکین‌قریهٔ مزبوره حاجی مزبور را مسلط نموده بودند بـرحفر قنات مزبوره از قـرار چهار دانگ دو دانگ معمولی بشروط مقررهٔ مرقومه درقباله‌نامچهٔ جداگانه ومقرر آنکه در مدت چهارسال هلالی مقدارسه‌صد ذرع شاهی از پشته وپیشان حفر نمایند ومختارو مأذون باشند که مقدار هزار ذرع شاهی حفر نمایند ومخارج سه دانگ ازششدانگ آن از اجرة وجیرهٔ مغنی و عمله و قیمت پالانه در صورتیکه محتاج شود وغیرهااز کلی و جزئی تا مبلغ پنج‌صدتومان وجه نقد فضی بیست شش‌نخودی برعهدهٔجناب آقای مزبور اومن یقیم مقامه بوده باشد و درصورتیکه قنات موصوفه خربه شود و محتاج بتحویل شود مختار باشند در سمت غربی مقدار ده ذرع شاهـی و در سمت شـرقی پنج ذرع شاهی تحویل نمایند و مخارج سه‌دانگ آن بعهدهٔ جناب آقـای مشارالیه بوده بـاشد و همچنین درهرزمانیکه قنات موصوفه محتاج بتنقیه‌شود وتنقیه بکند مخـارج سه دانگ آن بعهدهٔ جناب آقـای مزبور بوده باشد وچنانـاً حـاجت بآبر آن وساخلو شود باذن جناب آقا معین نمایند و اختیار زرع سه دانگ با جناب آقای مومی‌الیه بوده باشدکه مقدار پنج قسمت از اراضی متعلقهٔ بآن زرع نمایند و حق‌الارض بمالکین ندهند وزارع مهماامکن از رعای چوپلانی بوده باشد و منفعت یکدانگ از سه دانگ را از بـابت حق‌الارض بعد از وضع موضوعـات بمالکین قریهٔ مزبوره بدهند و منفعت دو دانگ حق‌الحفری مال آقای معظم‌الیه بوده باشد و جمیع مراتب مـزبوره بقانون شـریعت مطهره در ضمن عقد لازم در تحت شـرع درآمد.

بتاریخ غرهٔ شهرمحرم‌الحرام سنهٔ ۱۲۹۲.

[برحاشیهٔ بالای این اذن‌نامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع جمیع مازبر فیه‌لدی فی‌التاریخ. [جای مهر][1]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

صحیح یجب‌العمل بمودیه لانه وقع عندی ..... وانا‌الاقل الجانـی.

[جای مهر][2]

الامر کمارقم وزبرفیه حررته فی‌بیستم ذیحجة‌الحرام من‌شهور هزاروسیصد وهفده ۱۳۱۷. [جای مهر][3]

۱۶

تقسیم‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۷ هـ . ق .

دراین تقسیم‌نامچه سهمی ورثـهٔ آقا علی‌اصغر مفیدی موسوی از املاك قریهٔ گرجی‌محلهٔ میرزائی‌قلی و میرزینلی و قـریهٔ دنگلان میرزینلی و حق‌الارض قنوات دنگلان تقسیم و تعیین شده است .

بسم‌الله تعالی‌شأنه

غرض از تحریر این سطور خالی از قصور آن است که سهمی ورثهٔ مرحمت مآب آقا علی‌اصغر مفیدی الموسوی از املاك قریهٔ‌گرجی‌محلهٔ میرزائی قلی ومیرزینلی و قریهٔ دنگلان میرزینلی و ازحق‌الارض قنوات دنگلان که معمولی‌آن ازروی تقسیم‌ـ نامهٔ مرحوم خلدمکان آقا میرزا طاب‌ثراه در صورتیکه ازکل شش دانگ از امـلاك مزبوره هشتاد خروار شالی منافع حاصل شود دوخروار چهارده من شالی می‌شود چنانکه سهمی آن مرحمت مآب در خارج مبین و مبرهن است و فیمابین ورثـهٔ او

۱ ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی‌محمدحسین». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «غلام حسین». ۳ـ مهری بیضی باسجع : «محمد طاهرالحسینی».

هفت سهم می‌شود سهمی سلالة الاطیاب آقا کوچك ولدآن مرحمت‌مآب دوسهم از هفت سهم است که ازقرارمرقوم بیست‌هفت من‌شالی‌می‌شود که جناب‌سلالةالاطیاب آقاکوچك مزبور دوسهم از هفت سهم از موروثی ابی‌خود را از املاك مزبورهٔ مرقومه را مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ اسلامیه نمود بخالوی خود جناب سلالةالاطیاب آقا فتح‌الله خلف مرحوم آقا میرابراهیم الحسینی مع‌جمیع توابع ولواحق‌شرعیه‌و عرفیهٔ آن از مزارع و مراتع و مجری‌المیاه از قنوات دائره و بائره و غیره و آنچه ملکیت را سزد و شاید من‌القلیل والکثیر کائن کائناً ماکان نفع توان برد بمال‌المصالحه مبلغ بیست تومان وجه ریال رواجی سلطانی معروف بیست شش نخودی مقبوض و جناب مصالح تخلیهٔ یدازغبون مصطلحه نمود و بتصرف‌مصطلح معزی‌الیه داده و اوراست دروانحای تصرفات کتصرف الملاك فی‌املاکهم و ذوی‌الحقوق فی‌حقوقهم و صیغهٔ مصالحه بقانون شرع نبوی ص ۴ با اسقاط کافهٔ خیارات‌لاسیما خیارغبن وغبن‌الغبن ولوکان فاحشاً بل‌افحش سمت جریان‌پذیرفت‌و این چندکلمه برسبیل یادداشت قلمی‌گردید.

وکان ذلك بتاریخ دوازدهم شهر جمادی‌الثانی سنهٔ ۱۲۹۷.

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این تقسیم‌نامچه عبارات زیر است:]

اعترف بمارقم فیه‌لدی نمقه الجانی. [جای دو مهر][1]

وقع مافیه‌کمافیه لدی. [جای مهر][2]

قد اعتراف بما رقم فیه حررته. [جای مهر][3]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده صالح الموسوی» و مهری بیضی‌کوچك باسجع: «محمدحسن‌الموسوی». ۲ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «یا خلیل». ۳ـ مهری بیضی باسجع : «عبده طهماسب الموسوی».

قد اعترف بمارقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][1]

قد اعترف بمارقم فیه‌لدی الجانی. [جای دو مهر][2]

آقا کوچك اعتـرف بمافیـه‌کمافیه فی ۱۳ جمادی‌الثانیـه سنة ۱۲۹۷.

[جای مهر][3]

جوان معممی میان قدی سبز چهرهٔ مجدوری که می‌گفت من آقا کـوچکم اعتراف بمراتب مزبوره درنزد احقرانام نمود حررته بیمنای القاصره فی‌خامس عشرشهر جمادی‌الثانیه ۱۲۹۷. [جای مهر][4]

قد اعترف بمارقم فیه‌لدی الجانی. [جای دومهر][5]

قد اقربمارقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][6]

آقا کوچك اقرار بمراتب مسطوره نمود. [جای مهر][7]

اعترف بمارقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][8]

اقر فی ۱۲ ج ۲ ۱۲۹۷ بمارقم فیه‌لدی. [جای مهر][9]

اقر واعترف بما رقم فیه لدی. [جای مهر][10]

---

۱ ـ مهری بیضی باسجع: «عبده حسینعلی‌الموسوی». ۲ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «هدایت‌الله الموسوی» ومهری‌بیضی باسجع «محمدحسن‌الموسوی». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «اللهم صل علی محمد و آل محمد». ۴ ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «عبده محمدیار». ۵ ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدزمان الموسوی» و مهری بیضی دیگر کوچکتر باسجع: «عبده محمدحسین الموسوی». ۶ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی محمدباقرالموسوی». ۷ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌فضل‌الله‌الحسینی». ۸ـ مهری‌بیضی باسجع: «حبیب‌الموسوی». ۹ـ مهری بیضی باسجع: «انامن حسین و حسین منی». ۱۰ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «محمدرفیع».

آقاکوچك اقرار نمود. [جای مهر][1]

اقرار بمراتب مسطوره نمود. [جای مهر][2]

قداعترف بمارقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][3]

اقربمافیه‌لدی فی‌التاریخ. [جای مهر][4]

۱۷

قرارنامچهٔ مورخ ۱۳۰۵ هـ . ق .

چون قریهٔ مخروبهٔ جهان‌نما از حیث‌سهام زائد برشش‌دانگ‌بوده و اختلاف عظیمی میان مالکین بـر پا شده است صاحبان پنج دانگ از آن قرارگذاشتندکه هریك فوق مازاد از ششدانگ را از سهام خودکسر نمایند.

چون‌درتاریخ ذیل‌قریهٔ مخروبهٔ موسومهٔ‌بجهان‌نما حیث سهام زائدبرششدانگ‌بوده و باین‌لحاظ‌خلف واختلاف عظیمی بین‌مالکین‌واقع شده لذا جناب مستطاب قبلةالانام آقاآقا سیدمحمد طاهر[5] سلمه‌الله‌تعالی وسلالة الاطیاب شرف‌الحاج آقامیرمحمدعلی[6] و ولد ارجمند ایشان عمدة الذاکرین آقا میر فاضل[7] و خیرالحـاج حاج‌الهقلی[8] و

۱ - مهری بیضی باسجع: «عبده کاظم بن مهدی» . ۲ ـ مهری‌چهار گوشه باسجع: «پیـرو دین محمد احمد». ۳ ـ مهـری بیضـی باسجع : «عبـده مفیدالموسوی» . ۴ـ مهری بیضی باسجع: «اللهم‌اغفر صفی». ۵ـ مهری بیضی‌باسجع: «محمدطاهر الحسینی» زیر نام محمد طاهر. ۶ـ مهری بیضی با سجع : «عبده محمدعلی الحسینی» زیر نام محمدعلی . ۷ ـ مهری بیضی با سجع : «عبده فاضل‌الحسینی در زیـر نام میر فاضل ۸ـ مهری بیضی‌که وسط‌آن‌گل‌وبوته ویك طرف‌آن «الله» وطرف دیگر «قلی» حك شده است.

جناب احمد ملاعلی اکبر[۱] که حضرات مزبورین پنج دانگ از کل ششدانگ از ملك مزبور را با بعضی متعلقین خود متصرف بودند بملاحظات و منظورات مشخصهٔ معهودهٔ بین خودشان قرار شرعی براین دادند که مازاد در ششدانگ را در مورخهٔ ذیل خودشان متحمل شوند باین معنی که هریك از مالکین فوق مازاد بر ششدانگ را از سهام خود کسر کرده و مابقی سهام هریك ازمالکین حسب قرارشرعی موافق تفصیل است سهمی جناب مستطاب آقا آقا سید محمدطاهر سلمه‌الله تعالی یکدانگ مشاع در کل ششدانگ از ملك مزبور با جمیع توابع من‌دون اشیاء و سهمی حاجی آقامیر محمدعلی و ولد المزبور سه‌ربع مشاع ازیکدانگ از کل ششدانگ از ملك‌مزبور باجمیع توابع من‌دون استثناء و سهمی‌حاجی الهقلی المزبور یکدانگ‌نیم مشاع از کل ششدانگ ازملك مزبور الا شش‌سیر روغن که هر دانگی از ملك مزبور ازروی دومن و شش‌دانگ از روی دوازده من تقدیم می‌شود با تمامت لواحق آن من دون استثناء ثم‌لایخفی که این یکدانگ‌نیم سوای سهام دیگری است که بعنوان رهن یا طریق شرعی دیگر در ید حاج سابق‌الذکر اعنی حاجی الهقلی میباشد و سهمی ملا علی‌اکبر یکربع مشاع ازیکدانگ درکل‌ششدانگ ازملك مزبور که با جمیع‌توابع آن من‌دون استثناء مخفی نماناد که سهام ورثهٔ مرحوم حاجی‌حبیب از ملك مزبور سه ربع مشاع از یکدانگ از کل ششدانگ با جمیع توابع آن من‌دون استثناء شیء میباشد که سهام مالکین فوق حسب تفصیل فوق چهار دانگ و یکربع الاشش‌سیر روغن در صورت بودن دانگی دومن کماهوالمرسوم من قدیم‌الایام و سهام سایر مالکین دو دانگ والایکربع بعلاوه شش‌سیر روغن بطریق مذکور است که جملتان شش دانگ کامل بدون زیاده ونقیصه است ثم‌لایخفی اگر بعد از تاریخ ذیل سهمی

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «هوالعلی الاکبر» درزیر نام ملاعلی‌اکبر.

یا سهام جزئیه مستحقاً للغیر برآید وبثبوت شرع برسد که کسی ازملك مذکورسهمی دارد سوای مالکین معلومهٔ حالیه باید از کلیهٔ ششدانگ برداشت شود وضرری است وارد برششدانگ ثم‌لایخفی قبالهٔ جاتیکه اشخاص مزبورین و ورثهٔ مرحوم حـاجی حبیب در دست دارند اگر مشتمل بزائد از سهام مزبوره است از درجهٔ اعتبارساقط است و مراتب مسطوره از روی صیغ‌شرعیه سمت جریان و وقوع پذیرفت.

فی ۲۳ شهر شعبان المعظم ۱۳۰۵.

[جای پنج مهر][1]

۱۸

قرارنامچهٔ مورخ ۱۳۱۲ هـ . ق .

میان آقایان سادات درازگیسو از یك طرف و حاجی محمدرضا از طرف دیگر قراری گذاشته می‌شود که حاجی محمدرضا یـك رشته قنات جدید درملك چوپلانی حفر کند و ازده ذرع تا دویست‌ذرع نوکنی کند و پـالانه بنشاند و پالانه را هزاری پنجاه تومـان به حساب آورد . مخارج سه دانگ و یك‌ربع از ششدانگ بـا آقایان سادات و مخارج سه دانگ الا یك ربع با خـود حاجی محمد رضا است .

باعث برارتسام این ارقام خجسته فرجام و قواعد شرعیةالانتظام آنست که در ضمن عقد لازم خارج شرعی اذن ورخصت دادند حضرات آقـایان سادات عالیدرجـات

۱ــ عین مهرهایی که درمتن قرارنامچه بود دراینجا تکرارشده‌است.

درازگیسو که امهار ایشان دراینورقه مرقوم است وهم آقاسیدعلی وآقاسیدصادق و آقا عبدالرحمن وآقا میرابن مرحوم آقا سید جواد و ورثهٔ مرحمت‌مآب آقا سید ـ اسمعیل و غیرهم از موقوف‌علیهم اصالةً از جانب خود و وکالةً از جانب بعضی شرکاء وموقوف‌علیهم که در خارج‌مشخص ومعروفند مرجناب اشرف‌الحاج والعمار حاجی‌محمدرضا خلفمرحمت‌مآب خلدنصاب آقا محمدتقی‌رحمةالله‌علیه‌راکه یکرشته قنات جدید در ملك چوپلانی طرف غربی آن قریه‌که بینهم مقررشده است حفرکند ازده‌ذرع الی دویست ذرع نوکنی‌کند و پالانه بنشاند و پالانه را از قرار هزار عدد پنجاه تومان محسوب دارد و آنچه مصارف و مخارجی‌که مرسوم است از اجرت مقنی وجیره و غیره تمامت آنرا حاج مزبور متحمل شود واز مال خود بپردازد و تا مدت ششماه از تاریخ ورقه مشغول حفر شود آنچه مخارجی‌که بشود هریك از آقایان‌که مخارج سهمی خودکه وجه نقدکارسازی دارنـد فبهاالمطلوب والاجناب حاجی مسلط بوده باشدکه از محصول ملك چوپلانی شلتوك ایشانرا از قرارقیمتی که ازاول‌قوس آتیه‌سنهٔ ۱۳۱۳میباشد الی آخرقوس‌بقیمت عادلهٔ وقت ونرخ معمولی یوم اخذ ودریافت نماید بمقدارسهم ایشان‌وچون‌ششدانگ قریهٔ چوپلانی‌سه‌دانگ و یکربع آن متعلق است به‌آقایان سادات عالیدرجات وسه دانگ الاربع قریهٔ مزبوره متعلق است بشخص جناب حاجی محمدرضا المزبور و آنچه مصارف قنات شوداز ده تومان الی‌دویست تومان از همین قرار میباشد متحمل شوند یعنی مخارج الاربع برعهدهٔ خود حاجی محمدرضا است‌که متعلق است بخود حاج معظم و مصارف سه دانگ ویکربـع از ششدانگ قریهٔ مزبوره متعلق است بحضرات سادات معزی‌الیهم که حالتحریر جناب حاجی‌که اذن درحفر قنات مزبـوره داده‌انـد و صیغهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ اسلامیه مطابق ضبط و قانون شریعت طاهره جاری و واقع‌گردید.

وکان ذلك فی ۸ شهر رجب المرجب سنة ۱۳۱۲ .

[برحاشیهٔ سمت راست عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع مازبر ورقم فیه لدی الاقل الحاج المحتاج الی‌الله تعـالی فی شهر رجب ۱۳۱۲ هزارو سیصدو دوازده هجری است. [جای مهر][1]

۱۹

اذن‌نامچهٔ مورخ ۱۳۱۸ هـ . ق .

در این ورقه مالکین شش دانگ‌قریهٔ چوپلانی به آقا سیدصادق و آقا سیدابراهیم و آقا میرروح‌الله و آقا عبدالرحیم اذن دادندکه دو رشته قنات‌که یك رشته شیوار عباسی‌کردی و یك رشته‌قنات پای‌توت است از ابتدای علف‌مالی تا پانصد ذرع در مدت دوازده سال حفر نمایند و بعد ازاخراج آب سه‌دانگ ازهریك از دورشته قنات ملك حافرین باشد .

هو

مفاد از تحریر این کلمات آنست‌که اذن صحیح صریح شرعی دادند تمام مـالکین ششدانگی قریهٔ چوپلانی وهم اشرف‌الحاج والتجار حاجی محمدرضا وسیدالحاج حاجی سیدحبیب‌الله‌وآقایان سادات‌درازگیسو و همچنین جنابان آقاسید علی‌متولی و آقا کاظم وآقا شفیع به جنابان آقا سید صادق وآقا سید ابراهیم وآقا میرروح‌الله و آقا عبدالرحمن براینکه درقریهٔ مزبوره دورشته قنات که‌یك‌رشته شیوارعباس‌کردی که واقع است در طرف شرقی قریهٔ مذکوره و یك رشته قنات پای‌توت که واقـع

۱ــ مهری بیضی باسجع: «افوض امری الی‌الله عبده محمدجعفر».

است در طرف جنوبی قریهٔ مزبوره بشراکت بینهم بالسویه ارباعاً حفر نمایند باین تفصیل که ازابتداء علف‌مالی ازپشته وپیشان اگرچه بهزار ذرع بوده باشد ولواضافه از هزار ذرع تا بسامان قریهٔ مرزبانکلاته مخارج حفر و تعمیر از تنقیه و لاروبی و پالانه بعهدهٔ آقایان حافرین بوده باشد و مقرر شد از ابتداء علف‌مالی تاپانصد ذرع را از تاریخ ورقه الی مدت دوازده سال حفر نمایند وبعد ازاخراج آب وعلف مالی سه دانگ از هریك از دو رشته قنات ملك ومال آقایان حافرین باشد و سه‌دانگ دیگر مال مالکین ششدانگ باشد و بهریك از دورشته قنات سه‌رویه داده شود که اقلاً هررویه چهار قسمت به‌نی‌پنج ذرع شاه بوده باشد و درصورت زیادتی آب‌از چهار قسمت مالکین ششدانگ حق ممانعت نداشته باشند و در صورتیکه‌آب‌بمیزان چهارقسمت نباشد مالکین ششدانگ خواسته باشند از خارج آب بیاورند بسط نسق در آن اراضی نمایند آقایان حافرین حق ممانعت نداشته باشند و در صورتیکه آقایان حافرین خواسته باشندآب دورشته قنات رادر ملکی غیرچوپلانی زرع‌نمایند برعهدهٔ مالکین ششدانگی بوده باشد و نیز مقرر شدکه اختیار زراعت خشکه‌وآبی با آقایان حافرین بوده باشد و مالیهٔ آبی را از قرار قسمتی پنج خروار و بیست‌من شلتوك بمالکین حق‌الارض‌بدهند و هرگاه‌خواسته باشند محصول سه‌دانگ رامناصفه نمایند مسلط بوده باشند و تمامت مالیهٔ خشکه را بمالکین ششدانگی بدهندونیزمقرر شد در صورت نقل و تحویل‌هریك ازآن‌دورشته قنات آقایان حافرین تامقداربیست ذرع از دوطرف قنوات مسلط برنقل و تحویل بوده باشند و نیز مقرر شد هرچقدر خرابی و علف‌مالی هریك از دورشته قنات تامدت دوازده سال قمری آقایان‌حافرین اولی بتعمیر خواهند بود وصیغهٔ شرعیه مع‌الشروط المزبور بینهم بقانون شریعت

طاهره جاری گردید.

بتاریخ چهاردهم شوال‌المکرم ۱۳۱۸ هزارو سیصدو هیجده.

[جای هفت مهر][1]

[برحاشیهٔ بالای این اذن‌نامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

باذن متولی و تمام موقوف‌علیهم که درورقه مسطور است صیغه بمباشرة احقر جاری شد فی‌شهر شوال المکرم ۱۳۱۸. [جای مهر][2]

۱ ــ زیر این اذن‌نامچه مهرهایی به این شرح از چپ به راست زده شده‌اند: مهری بیضی باسجع: «بندهٔ آل محمد رضا» ومهری بیضی دیگر باسجع: «المتوکل علی‌الله تعالی‌عبده علی‌الحسینی» ومهری بیضی‌دیگر باخط‌طغرا باسجع: «الراجی صادق الحسینی» و مهری‌بیضی کوچك باسجع: «عبده ابراهیم الحسینی» ومهری بیضی دیگر باسجع: «عبده حسن‌الحسینی» و مهری بیضی کوچك باسجع: «عبده شفیع الحسینی» و مهری چهارگوشه با سجع: «عبده روح‌الله الحسینی». ۲ــ مهری بیضی باسجع: «جمال‌الدین محمد بن صادق العقیلی».

۲۰

رونوشت وصایت‌نامچهٔ مورخ ۱۳۱۹ هـ . ق .

در این رونوشت وصایت‌نامچه آقـا میـرزا مقیم لشکر نویسباشی دیوان‌اعلـی وصی و نایب‌مناب شرعی خود قرارداده است امیرـ تومان حکمـران مملکت استراباد و مازندران را کـه حسب‌الشرع بعدالوفات درامور متعلقهٔ به‌ثلث متروکات او قیام و اقدام نماید.

غرض‌ازتحریراین‌کلمات‌شرعیة‌الدلالات‌آنستکه وصی‌ونائب‌مناب‌شرعی‌خودقرارداد مقرب‌الخاقان معتمدالسلطان آقا میرزا مقیم لشکرنویسباشی دیوان‌اعلی‌مر امیرالامراء العظام‌حکمران‌مملکت‌استرابادومازندران امیرتومان‌جناب آقای‌انتظام‌الدوله دام‌اقباله العالی‌را درحالت‌کمال‌استقامت مزاج موصی‌مرقوم‌معظم‌الیه واعتدال قوی‌واجتماع حواس و اقتدار و اختیار و تمامت شرائط صحت توصیه و ایضاً کـه حسب‌الشرع بعدالوفات در امور متعلقهٔ به‌ثلث متروکات آنمقرب‌الخاقان دام‌اجلاله قیام و اقدام فرموده تصرفات جایزهٔ علی‌ماهوالمرسوم بنمایند ومقرر بدارندکه امر تجهیزوحمل نعش بیکی از مشاهد مشرفه وانعقاد مجلس‌ترحیم و مخارج متعارفه تا سال رابانجام برسانند و در سائر امور از بابت مظالم و اعمال خیروعبادت نیابتی‌وغیره کماً‌وکیفاً مختارند و نیز درباب امرصغار خود و هماشهربانو خانم و ربابه‌خانم وصغارمرحوم مبرور میرزا فتح‌الله‌خان و رسیدگی باملاك و اموال وحفظ و حراست ونگاهداری‌و عمل‌آوردن زراعت امـلاك و قنوات و جمع‌آوری و مخارج ایشان و نگاهـداری زائد ازمخارج وغیرآنهاکه صلاح وصرفه وغبطه بدانند نیزمنصب ولایت شرعیه و قیمومت را از جانب خود قرار دادند بـا وصی‌شرعی معظم‌الیه دام اقباله العالی تا

زمان بلوغ ورشد ایشان مراتب مزبور موافق شرع مطاع سمت وقوع و تحقق یافت فمن بدله بعدماسمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه والله سمیع علیم بتاریخ صفرالمظفر هزاروسیصدویازده ثم بعد ذلك قرارداد مقرب الخاقان معتمدالسلطان لشکرنویسباشی معظم الیه دام اجلاله ناظرشرعی دراموارت مرقومیه ۱۳۱۱ متعلقه بوصیت مسطوره را مر مقـرب الخاقان بهاءالاطبـاء آقا میرزا یوسف حکیمباشی دام مجده العالی را کـه من البدایة الی النهایة در امـورات مرقومه بـاطلاع و استحضار ایشان منوط است حسب المقرر من الوصی المعظم الیه دام اجلاله.

تحـریـراً فی التاریـخ المرقوم فی المتن.

[مهرمرحوم لشکرنویسباشی آقا میرزا مقیم]

بهمین نهج که تحریر شده مقرب الخاقان معظم الیـه دام اجلاله اظهار داشته اقـرار فرمودند نزد راقـم وصایت ونظارت را درتاریخ مرقوم حرره مهر مرحوم جناب آقا شیخ صالـح الامر فی الایصاء والنظارة بمقتضی دلالة العبارة وانا المعتدی الآثیم مهر جناب آقا شیخ عبدالکریم هوالمستعان قداقر واعترف بمافیه شفاهاً لدی الاقل من الوصایة والنظارة علی مافیه حرره مهر جناب آقا شیخ حسن اقرار نموده آقای لشکر نویسباشی بوصایت مرقومه الی آخرها نزد راقم درتاریخ مرقوم مهر آقای حاجی آقا بزرگ رضوی و آقا سید یحیی مفیدی بن آقا سید اسماعیل هذا الصك خال عن الشك والریب(؟) وانا العبدالخاطی.

[برپایین این وصایت نامچه عبارات زیر است:]

هذا السواد مطـابق لاصله الاصیل المعتمد المعتبر حـرره الاحقر فی ۵ اول الثلث الشهرمحرم الحرام من شهور ۱۳۱۹ هجری. [جای پنج مهر][1]

۱ــ مهری بیضی باسجع: «جمال الدین بن محمد بن صادق الحسینی» و مهری بیضی با سجع: «عبده الراجی ابوتراب المقیلی» و مهری بیضی با سجع: «الراجـی محمدصادق الحسینی» و مهری بیضی با سجع: «یعقوب الحسینی» و مهری بیضی کوچك باسجع «مفید الموسوی».

این صفحه من‌البدایة الی‌النهایة مطابـق بـا اصل است خطاً و ختماً حرره الاحقر پنجم شهر ذی‌قعده من‌شهور سنة هزاروسیصدو نوزده ۱۳۱۹.

[جای دومهر][1]

۲۱

قرارنامچهٔ مورخ ۱۳۳۳ هـ . ق .

دراین سندآقا محمدجعفـر ارباب بامالکان قریهٔ سیدمیران درباب حفر قناتی‌که پشته‌های آن دراراضی این قریه واقع میشده چنین قرارکرده است‌که بابت‌حق‌الارض یك‌دانگ متعلق به ایشان باشد.

چون عمدة‌الاعیان والاشراف آقا محمدجعفر ارباب کلاسنگیان عزمت داشت که‌در قریهٔ مزبوره قناتی حفر واحداث نماید بقسمیکه جملهٔ کثیره از پشتهای آن قنات در ملك‌قریهٔ سیدمیران واقع میشد ومحتاج باذن واجازهٔ مالکین‌محترمین‌قریهٔ سیدمیران بود لهذا عموم مالکین سیدمیران واولیاء اوقاف عامه و خاصه وصغار بعداز ملاحظهٔ صرفه وغبطه درضمن عقدصلح شرعی مأذون باذن لازم‌گردانیدند عمدة الاعیان آقـا محمدجعفر مرقوم را در احداث قنات مـرقومه و واقع ساختن پشتهای آنرا هـر قدریکه محل احتیاج او است در ملك قریهٔ سیدمیران از اول سامان ملك مزبور الی آخر سامان در ظرف ده‌سنهٔ کامله از تاریخ ورقه بلکه در صورتیکه در ظرف مدت مرقومه متمکن‌نشود که‌تا آخرسامان قریهٔ سیدمیران پشتهای‌آنرا منتهی‌نماید مأذون و

۱ـ مهری بیضی باسجع: «محمد حسن» و مهری‌بیضی بزرگتر باسجع :«عبده‌الراجی علی‌اصغر».

مجاز ستکه از تاریخ ذیل‌الی مدت پنجاه سال بانتها برساند از قرار پنجدانگ یك دانگ که پنجدانگ از منافع کـل ششدانگ قنات مـزبوره کـه جمله از پشتهای خشکام آن و تمام پشتهای آبی‌آن در ملك سیدمیران واقع میشود از بابت حق‌الحفر مال مختص حافرمعزی‌الیه است و منافع‌یکدانگ آن از بابت حق‌الارض ملك‌ومال مالکین وذوی‌الحقوق قریهٔ سیدمیران باشد از قرار مالیه‌کاری قسمت شش خروار و اختیار بستن نسق و تعیین زارع وقرارداد نصفه‌کاری و یاماله‌کاری بطوریکه مرسوم دهـات سدن‌رستاق است بـا خـود حافـر است و در هـر جائیکـه بخواهـد نسق گذارد چه درکلاسنگیان چه‌درملك خارج مختار است و مالکین قریهٔ سیدمیران‌جـز مطالبهٔ منافع یکدانگ حق‌الارض خود از قرار هرقسمتی شش خروار بنی معمولی حق دیگر ندارند و موضوعات مرسوم اربابی بستن نسق بمراسم ورسم کـه بـاشد بعهدهٔ خود حافراست ربطی بمالکین قریهٔ سیدمیران ندارد وحافر مرقوم اجازهٔنقل‌و تحویل وتعدی‌ازنقب‌قدیم ازهرطرفی ببیست‌ذرع دارد ولواینعمل مکررواقع شود و هرگاه این قنات خربه ولاینفع‌بها شود از مبداء خربه شدن الی انقضاء مدت ده سنهٔ کامله حق‌اولویت درحفر وتعمیر بشرایط مقرره از برای حافراومن‌یقوم مقامه‌شرعاً ثابت است مصالحهٔ مشتمله براجازهٔ مرقومه واقع گردید.

فی ربع‌الثانی هزار و سیصد و سی و سه

هجری صلی‌الله علیه‌وآله سنة ۱۳۳۳.

[برحاشیهٔ بالای این قرارنامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

هو المستعان

از طرف مـالکین حسب‌التفصیل فی‌الورقـه در ضمن عقدی ازعقود شرعیه فقرات مرقومه تحت‌شرع درآمده بتاریخ ۲۸ شهررجب المرجب هزاروسیصدوسی‌وسه هجری سنهٔ ۱۳۳۳ .

۲۲

قرارنامچهٔ مورخ ۱۳۳۷ هـ . ق .

دراین سند اهالی آهنگرمحله با حاجی اکبر برای ساختن یك باب آبدنگ قرار چهار دانگ دو دانگ بسته‌انـد و مخارج تعمیر شش دانگ را غیـر از آهـن‌کاری و پیش‌وال برعهدهٔ حـاجی اکبـر گذاشته‌اند.

واضح بوده باشد با اجازهٔ‌مالکین قریهٔ آهنگرمحله قرار شرعی لازم داده شده‌است باخیرالحاج والعمار حاجی اکبر درباب یکباب آبدنگ جدیدالاحداث قریهٔ مزبوره واقعهٔ پشت دروازه که چهار دانگ‌از این یکباب آبدنگ مال‌عموم مالکین‌ششدانگ قریهٔ آهنگرمحله بوده باشد و یکدانگ ملکی مال حاجی اکبـر و یکدانگ هم از بابت استادکاری و شرط‌گردید تمام مخارج تعمیرات ششدانگ غیر از آهن‌کاری و پیش‌وال برعهدهٔ حاجی‌اکبرباشدولو برسدبه‌یکصدتومان چنانچه خرج آهن‌کاری و پیش وال بهم رسد مخارج برعهدهٔ مالکین ششدانگ است وضیغـهٔ مصالحه برنهج مرقومه در ورقه جاری‌گردید.

شهرجمادی‌الثانی سنهٔ ۱۳۳۷.

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این قرارنامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

مراتب مرقومه با حضور آقایان امضاکنندگان ورقه نزد احقر واقع گردیـده است حرره الاقل. [جای مهر][2]

۱ـ مهری بیضی با سجع: «اکبرابن محمد۱۳۲۵». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «محمدبن محمدجعفر۱۳۳۱».

۲۳

اذن‌نامچهٔ مورخ ۱۳۴۱ هـ . ق .

دراین ورقه اربابان قریهٔ چوپلانی به آقایان سید سرالله عقیلی و آقا ولی‌الله اذن داده‌اند که یك رشته قنات مخروبهٔ بارو را تعمیر نمایند و درمدت هشت سال اقلاً پانصد ذرع از پشته و پیشان حفر نمایند و پس از دائر شدن سه دانگ آن متعلق به حافرین باشد .

غرض ازتحریر آنکه درمتن عقدی ازعقود لازمه مأذون باذن لازم نمودند اربابان قریهٔ چوپلانی اقل طلبه راقم الحروف الحاج السیدسرالله العقیلی الاسترابادی الکردمحلهٔ وشرف الذات آقا ولی‌الله ولداعز ارجمند آقا سید ابراهیم درازگیسو درحفریکرشته قنات به این‌معنی که همان قنات مخروبهٔ بارو واقعه درقریهٔ چوپلانی که دولنگه‌است یك لنگه طرف‌شرق امامزاده ویك لنگه طرف‌غرب امامزاده که پیشانش‌رومیافتد دم دروازهٔ قریهٔ چوپلانی هرچه که قابل تعمیر باشد تعمیر نمایند و هرقدر محتاج بنقل و تحویل باشد تحویل‌دهند ازطرف یمین یایسارو‌هکذا هرگاه ده مرتبه محتاج بتحویل شود تحویل دهند ودر حفـر مختارند بالمآثره او بالشریك مع‌المالکین مهما امکن والافمع الغیر ودرمدت هشت سال اقلاً پانصد ذرع از پشته‌وپیشان حفرنمایند ودر مازاد الی‌آخر سامان مختار باشند وهکذا احق‌اولویت در تعمیر برای حافریـن ومن بحکمهم درظرف هشت‌سال‌درصورتیکه علف‌مال‌شود ولوده مرتبه تا دویست‌سال‌در هرمرتبه هشت‌سال واگرهشت‌سال گذشت واقدام‌نکردند برای‌ارباب‌حق‌فسخ‌است و قـرار شد در حفرچون قنات بائـره دولنگه بوده حال هم حافرین مسلط بـاشند از هریك از دو طرف که صلاح دانند رشتهٔ حفر راقرار دهند و مختارند اگر انشاءالله تعالی محتاج به‌دولنگه شد دولنگه‌نمایند وبعد از دائر شدن قنات سه‌دانگ راجع به

ارباب وسه‌دانگ‌راجع به حافرین ومن‌بحکمهم خواهد بود وازبرای قنات مزبوره سه رویه مقرر شد هررویه از یکقسمت ولو انشاءالله تعـالی بده قسمت وزیاده رسد مطالبهٔ بوم ازحافرین نشود و اگر محتاج بخارج شود بوم را ازششدانگ موضوع نمایند واختیار بسط ونسق واولویت در زرع بحافرین است وحق‌الحفر موضوعات ندارد و صیغهٔ شرعیه بوکالت طرفین جاری و واقع گردیده .

در شهر جمادی‌الاولی هزاروسیصد وچهل‌ویك من‌الهجرة

النبویـة علیـه آلاف التحیة جمـادی الاولـی ۱۳۴۱ .

[برحاشیهٔ سمت راست این ورقه عبارات زیر است :]

اینجانب اقل السادات ابراهیم الحسینی متولی موقوفات آقایان درازگیسو امضاء و اجاره نمودم فی‌التاریخ. [جای مهر][۱]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده ابراهیم الحسینی».

۲۴

قرارنامچهٔ مورخ ۱۳۵۱ هـ . ق .

آقایان متولیان ومالکان و اربابان و ذوی‌الحقوق قریـهٔ چوپلانی با مشهدی ابراهیم ساکن قـریهٔ مرزنکلاته بـرای ساختن یك باب آبدنگ و یك مجـرای آب آن و یك باب آسیاب در قطعه زمین معروف بـه عباس‌آباد قرار بر مناصفه گذاشته‌اند .

غرض از تحریر این کلمات و عبارات صحیحة‌الدلالات آنستکه در ضمن‌عقدخارج لازم شرعی‌قرارداد واجاره وامضاء شرعی‌نمودند حضرات‌آقایان متولیان ومالکین‌و اربابین وذوی‌الحقوق قریهٔ چوپلانی واقعه دراسترابادرستاق عالیحضرت پسندیـده فطرت زبدة‌الاماثل والاقران آقا مشهدی محمد ابراهیم ... فـرمانی خلف مـرحوم محمد عمو ساکن قریهٔ مرزنکلاته درآباد نمودن وحفر نمودن وساختن و بناءنمودن یکباب ویك مجرای‌آبدانگ درقریهٔ چوپلانی مزبور در قطعه زمین معروفه بعباس‌آباد از قرار مناصفه که مقدار سه دانگ مشاع از بابت حق‌التعمیری حق‌ومال‌وملك آقا مشهدی محمد ابراهیم فرمانی مزبور و مقدار سه‌دانگ مشاع از کـل ششدانگ حق ومال وملك آقایان مالکین واربابین وذوی‌الحقوق‌قریهٔ چوپلانی مزبورومشروط بشروط مزبوره اولاً آنکه تمام مخارج‌تعمیر ازبناء وابقاء برعهدهٔ جناب‌آقامشهدی محمدابراهیم فرمانی معمـر مزبور بوده باشد و ثانیاً بعد از خربه شـدن آبـدنگ مزبور ازابتداء خربه شدن‌آبدنگ مزبورالی‌مدت هفت سال‌کامل قمری‌حق‌اولویت در تعمیر با شخص‌جناب مشهدی محمدابراهیم فرمانی معمر است الی‌مدت‌پنج‌دوره یا قائم‌مقام شرعی معمر و ثالثاً حق استادی درصورت خراب شدن بعضی از آلات‌و

اسباب وادوات در تمام مدت با شخص‌معمر و قائم‌مقام شرعی معمراست ورابعاً حق اجاره دادن و استجاره بصلاح و باطلاع و استحضار طرفین است یا قائم‌مقام‌شرعی طرفین وخامساً هرگاه اجاره و استجاره بغیر دادند و نمودند آنچه در پیش‌مستأجر سوخت نمود از مال‌الاجاره ازطرفین‌محسوب باشد و آنچه‌از مال‌الاجاره‌عمل‌حق‌و مال طرفین است یعنی معمر وارباببین وذوی‌الحقوق ارباببین قریهٔ مزبورهٔ چوپلانی بوده باشد وسادساً حق و حقوق‌دولتی‌باطرفین است وصیغهٔ صحیحهٔ شرعیه‌بوکالت طرفین واقع و جاری‌گردیده.

وکان التاریخ هشتم شهرشعبان المعظم سنهٔ
یکهزاروسیصد وپنجاه ویك هجری ۱۳۵۱.
[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ سمت راست عبارات زیرنوشته شده است:]

هو

واضح بوده باشد آنکه اجازه و امضاء دادن ومسلط نمودند و دادند درضمن‌عقدلازم آقایان مالکین وارباببین و متولیان و جمیع ذوالحقوق قریهٔ چوپلانی مرقوم مزبور درمتن ورقه آقا مشهدی محمدابراهیم مزبور راکه در قریهٔ‌مرقومه احداث وبنانماید یکباب‌آسیاب درمجری‌آبدنگ مزبور وغیره ازهمان قرارمناصفه که مقدارسه‌دانگ ازبابت حق‌التعمیری حق‌ومال وملك مشهدی محمدابراهیم مزبور مرقوم بوده‌باشدو مقدار سه دانگ مشاع ازآسیاب‌حق ومال‌آقایان مالکین ارض بوده باشد و مشروط بهمان شروط ششگانهٔ مرقومهٔ مزبورهٔ در متن ورقه وصیغهٔ شرعیه بوکالت طرفین واقع‌وجاری‌گردید وکان التاریخ یوم‌بیست‌هشتم شهرشوال‌المکرم سنهٔ یکهزارو

۱ـ مهری چهارگوشهٔ بسیاربد خط‌باسجع: «ابراهیم فرمانی».

سیصدپنجاه‌و یك هجری ۱۳۵۱. [جای مهر][1]

[بربالای این قرارنامچه عبارت زیر نوشته شده است:]

هو

قدوقع مارقم و اجریت الصیغة کمازبر فی ثامن شهر شعبان المعظم ۱۳۵۱:

[جای مهر][2]

۱ــ مهری بیضی باسجع: «محمد باقرحسنون۱۳۳۴». ۲ــ مهری بیضی با سجع: «محمدباقرحسنون ۱۳۳۴ ».

بخش نهم

قبالهٔ مناکحه

۱

قبالهٔ مناکحهٔ مورخ ۱۲۰۸ هـ . ق .

از این قباله معلوم می‌شود که سلیمان خان قوانلوی قاجار با صداق مبلغ سیصد تومان و سیصد مثقال طلای احمر بیگم جانی خانم صبیهٔ محمدخان‌دولوی‌قاجاررا به عقدازدواج دائم درآورده است.

هو المؤلف بینهما

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و به نستعین

الحمدلله‌الذی احل‌النکاح‌وندب‌الیه وحرم‌الزنا والسفاح

وتوعد علیه والصلوة‌وسلم علی‌خیر خلقه محمد و آله

مصابیح الدجی و سلم تسلیماً کثیراً کثیرا اما بعد

زیباترین‌عروسی که مشاطگان بتماشاگاه‌فصاحت برمنصهٔ‌ظهور درآوردند حمدوثنای یگانهٔ است که سراپردهٔ‌رفعت‌وجلالش ازوصمت زن و فرزند منزه‌ومبراست وصفحهٔ جمال باکمالش‌ازنسبت خویش وپیوند مقدس‌ومعراست تعالی‌جدربناماتخذصاحبة ولاولدا و شایسته‌ترین عقدی که خاطبان بفال همایون کامثال اللوءلوء المکنون و پیرایهٔ‌گردن وگوش وزیور ساعد دوشیزگان پردهٔ بلاغت سازند جوهر فردستایش

یکتای بیهمتای‌است که‌شادروان رفعت‌لایزالش‌ازشرکت کفر وانباز وصلت‌همصحبت راز پاك و بی‌نیازاست لم‌یلد ولم یولد ولم‌یکن‌له کفوأاحد مبدعی که ازماده ازدواج اناخلقنا الانسان من‌نطفةٍ امشاج نوع‌انسان رابزیورظهورآراسته خلعت‌تعظیم‌وتکریم لقدخلقنا الانسان فی‌احسن تقویم پوشانید منعمی که در انجمن قدس عرایس نفایس بشری را برسریرثم عرضهم علی‌الملائکة بجلوه درآورده مسجود فاسجد والآدم گردانیدالاله‌الخلق والامرتبارك‌الله رب‌العالمین‌وخجسته‌ترین‌سرودی که مغنیان‌خوش ادا درمحفل عالی قل‌بفضل‌الله ورحمته فبذلك فلیفرحوا بقول آن غزل سرایند درود عالیحضرت فرزانه‌است که تاپیکرآب وگل‌را بزیورجان ودل‌محلی‌ساخته‌اند جنس انس‌راکسوت زیبای‌فصورکم پوشانید چون‌اوئی برسریرعزت وجلال‌ومسنددولت و اقبال ننشته ای قبای‌قامت‌لولاك برقد توراست چون توسرو ازجویبار قم فانذر برنخواست و برآل و اولادکه هریك بربساط امامت فردند و بی‌زوج وآفتاب‌اند درغایت اوج صلوات‌الله علیهم اجمعین اما بعد سبب ازتحریراین‌خطاب مستطاب که مشام‌جان از فوایح آن معطر بود آنستکه بنابرآیهٔ وافی هدایه فانکحواماطاب من‌النساء ومضمون بلاغت‌مشحون‌حدیث‌صحیح‌نبوی‌علیه‌افضل‌الصلوات‌النکاح‌سنتی بخواست وبحبالهٔ نکاح دائمی‌خود درآورد عالیجاه رفیع‌جایگاه عظمت‌وحشمت و شوکت و جلالت و شهامت و مناعت دستگاه امیرالامـراء العظام نتیجةالخوانین و السلاطین مقرب‌الخاقان سلیمان‌خان قوانلوی قاجار دام‌عزه ومجده‌العالی‌علیا جناب فاطمه احترام بلقیس‌مکان قمراحتجاب عصمت وخدارت‌پناه زبدةالمخدرات‌ناموس العالمین بیگم‌جانی خانم صبیهٔ عالیجاه معلی‌جایگاه نتیجةالخوانین‌العظام محمدخان دولوی قاجار دام‌عزه‌را بصداق معین و مهرمبین مشخص مبلغ سیصد تومـان رایج المعامله و سیصد مثقال طلای احمرودونفرغلام که یکنفر آن‌گرجیه ودیگر حبشیه و

دو نفر جاریه که یکنفر آن هم گرجیه و دیگری حبشیه بوده باشد مناکحهٔ دائمهٔ مبارکهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ ملیهٔ اسلامیه کماهو قانون فی الشریعة المطهرة المقدسه درزمان مبارك میمون واقع گردیده صداق مزبور برذمهٔ ورقبهٔ عالیجاه معظم الیه استقراریافت که عندالمطالبه کارسازی عصمت وخدارت پناه معظمهٔ مکرمهٔ مزبوره نمایند اللهم الف بینهما وطیب نسلهما بحرمة محمدوآله الطیبین الطاهرین المعصومین.

وکان ذلك فی شهررجب المرجب من شهور سنة ۱۲۰۸ .

[بربالای این قبالهٔ مناکحه عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم الله خیر الاسماء

وقع عقدالنکاح الدائم المبارك المیمون کماهو قانون فی الشریعة المطهر المقدسه و کنت موجهاً من قبلهما نمقه الخاطی. [جای مهر][1]

۲

قبالهٔ مناکحهٔ مورخ ۱۲۷۳ هـ.ق .

در این قباله استادعبدالله زرگر باصداق یکصدتومان رایج سلطانی ناصرالدین شاهی بیست وهشت نخودی کربلائی سکینه صبیهٔ مرحوم حاجی محمدقلی را به عقد دائم در آورده است .

الحمدلله الذی احل النکاح وندب الیه وحرم الزنا
والسفاح وتوعدعلیه وصلی الله علی محمد وآله

الناکح العاقل البالغ الرشید	المنکوحه البالغة الباکرة الرشیدة
استاد عبدالله زرگر گرجی	عفت پناه کربلائی سکینه صبیهٔ مرحوم

۱ــ مهری بیضی باسجع: «عبده احمد الموسوی».

کهف‌الحاج حاجی محمدقلی

الصداق برضاء الطرفین مبلغ یکصد تومان رایج سلطانـی ناصرالدین شاهی بیست هشت نخودی نصفه مقبوضا للزوجه ونصفه الاخر علی‌ذمـةالزوج بدین تفصیل است در نصف مقبوض‌خوانهٔ مسکونهٔ زوج که واقع‌است درمحلهٔ‌نعلبندان سه‌دانگ[1] از کل شش دانگ مع جمیـع مایتعلق بها من‌الممر والمداخل و مما احاط علیها جدرانها وبیست پنج مثقال طلاء ساخته مقبوض بدین تفصیل است

بابت	بابت	بابت	بابت
گوشواره زوج	سارمه	گل مرصع	طوی چتری
قیمت	قیمت	عدد قیمت	زوج قیمت
۶ تومان	۶ تومان	۳ تومان	۲ تومان

بابت	بابت	بابت
انگشترشکوفه	سلیمانی زوج بادوزوج کی	انگشتر گل گلی مع چشم چمن طلاگرفته
عدد قیمت	قیمت	قیمت
یك تومان	۶ تومان	یك تومان

بابت

بر ذمه زوج باقی

۵۰ تومان

وصیغهٔ مناکحهٔ میمونه جاری‌گردید وشرط درضمن عقد لازم خارج فیمابین زوج و جناب شامخ‌الالقاب آخوند ملا زین‌العابدین برادر زوجهٔ مسطوره چنین گردید کـه

۱ـ بر بالای کلمهٔ سه‌دانگ «قیمت ۲۰ تومان وپنج هزاردینار» به‌سیاق نوشته‌شده‌است.

هرگاه زوجهٔ مسطوره زیاد از مقدار ده تومان صداق خود را انتقال نماید بـر زوج مبلغ یکصدتومان بجناب شامخ‌الالقاب آخوند ملا زین‌العابدین حفظه‌الله‌وحرسه‌تسلیم نماید و بهیچ عذری خود را معذور ندارد.

وکان ذلك فی لیلة ثامن‌شهر ربیع‌الاولی۱۲۷۳.

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این قباله عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله جل‌شأنه

قدوقع مافیه علی‌النحو المحررفی‌الورقة لدی نمقه . [جای مهر][۱]

بسم‌الله‌تعالی قد وقع ما رقم فیه لدی. [جای دومهر][۲]

قد وقع ما رقم فیه لدی. [جای مهر][۳]

اعترف بمارقم فیه لدی. [جای مهر][۴]

۴

قبالهٔ مناکحهٔ مورخ ۱۳۲۲ هـ . ق .

در این قباله سکینه‌بیگم صبیهٔ میرمحمدخان سرتیپ به‌صداق مبلغ یکصد و پنجاه تومان سکهٔ مظفرالدین شاهـی که موازی پنجاه مثقال صیرفـی است بـه مناکحهٔ شرعیه و مزاوجهٔ ابدیهٔ میرعلی اکبر خان سرتیپ در آمده است.

هوالمؤلف بین قلوب عباده

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

الحمدلله الذی شرع لعباده الاحکام ومیزالحلال عن‌الحرام و جعل عقدة النکاح بینهم

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «مهدی بن محمداسمعیل» . ۲ ـ دو مهر چهار گوشهٔ ناخوانا . ۳ ـ مهری بیضی با سجع : « المتوکل علی‌الله عبده محمدحسن » .
۴ـ مهری بیضی باسجع: «محمدیوسف» .

وسیلةالی الالتیام و تفضل تعالی شأنه علی الانام ان اغنیهم بالحلال عن الحرام والصلوة والسلام علی سیدنا محمد المبعوث علی الخاص و العام سید المرسلین و خاتم انبیاء الکرام و علی اخیه و وصیه الامام الهمام البحر القمقام وعلی آله وذریته ائمة الانام

آرایش چهرهٔ عرایس ابکار معانی حمدوثنای حضرت ذوالجلال جمیلی است که طبقات سماوات گرد ... بدعش را شاهد هرهفت گردون است و بدر تابان درحجله‌خانهٔ اختراعش درقمرطلعتی پرده داراست مشک بیزی [که] طرهٔ لیلای لیل ازعنبر افشانی صفت بی مثال اواست سرخابی شفق در هرصبح با سفیداب در عذار عذرای نهار از غالیه سازی حکمت لایزال او است مشاطهٔ صنعش در هرصبح عروس صبیح الوجه نهار رامهره برطشت افق می‌نشاند وحلیه‌گر قدرتش درهرشام از سیاهی شب سرمه برچشم ثواهر ایام می‌کشاند گوهرگران بهای تزویج را برروی بساط جوهر اول که عقل کل است چیده تا آبای علوی به‌سودای مزاوجت امهات سفلی سرگرم گردیده و رشتهٔ توالد و تناسل موالید ثلاثه انتظام یافته وعقد ازدواج اخلاط اربعه را با یکدیگر بسته تابنای قصر وجود انسانی که عالم صغیر است استحکام پذیرد فسبحان الذی خلق الازواج کلها مماثبت الارض ومن انفسهم ومما لایعلمون و پیرایش جبههٔ نفایس افکارمبانی نعت ذوالجمال ملیحی است که عروس بی‌وفای دنیارا هرگز به عقد دوام درنیاورده و عجوزهٔ دهر فانی را از اول دهرسه طلاق بیزاری داده اعنی سید ولدآدم و انگشت نبوت را بهترین خاتم علیه من التحیات الزاکیة اسناها و من تحائف الصلوات السنیة انماها رسولی که گرمی محفل دعوت ورونق مجمع شریعتش از تزویج ازواج امت عالمیان را بسور و جهانیان را به شور و سرور افکنده تاهواجس مفلدات نفسانی را ازسفاح وفجور دور وسلسلهٔ تکاثر وتزایدبنی‌نوع انسانی راکه نخبهٔ دودمان عالمیان است از انقطاع و استیصال محفوظ و مستور نماید و مدایح مناقب آل اطهار وخلفاء اخیار او که دوشیزگان استار قرآنی را جز

انامل معجزات شوامل ایشان احدی نقاب حجاب ازرخسارهٔ استار عصمت و عفت نگشاید علیهم سلام‌الله ماهبت الریاح اللواقح واهتزت الرواح الفوایح اما بعد غرض از تبیین صحیفهٔ رنگین و تزیین صفیحهٔ سیمین وصورت‌نگاری عرایس این سطور بر چهرهٔ سودای شواهد این زبور آن است که چون احدیت مختص ذات‌الله الصمد وفردانیت خاصهٔ الذی لم‌یلدولم‌یولداست هرفردی را زوجی‌وهرحضیضی‌را اوجی باید تا قطرهٔ باران نیسان در صدف رحم نچکد تولید دری غلطان کجا صورت گیرد وکودك ناتوان ازپستان رحمت شیر ننوشدکجا نشوونما پذیرد فلهذا در اسعد ساعات وازمان و اشرف اوقات‌واحیان اعنی‌شهر ذی‌قعدةالحرام بنابرامتثال فرمان واجب‌الاذعان وانکحوا الایامی‌منکم‌والصالحین من‌عبادکم‌وامائکم‌ان‌یکونوا فقراء یغنیهم‌الله من فضله والله واسع علیم واطاعت امر هدایت انتظام تناکحوا تناسلوافانی اباهی بکم‌الامم یوم‌القیمة ولوبالسقط واحتراز ازمضمون‌توعید مقرون شرموتاکم الغراب و اجتناب از مدلول نوید شمول النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی و مطاوعت کلام بلاغت انجام رکعتان یصلیهما متزوج خیرمن سبعین رکعة یصلیها العزب مناکحهٔ مبارکهٔ صحیحهٔ دائمهٔ صریحهٔ شرعیهٔ ومزاوجهٔ ابدیهٔ میمونهٔ‌دینیهٔ اسلامیه واقع‌وسانح‌گردید فیمابین علیا جناب عفت و عصمت‌مآب خورشید احتجاب ناهید انتقاب خدارت انتساب خلاصة المستورات والعفایف علویهٔ جلیلهٔ نبیلهٔ رشیدهٔ مختاره سکینه بیگم صبیهٔ مرضیهٔ مقرب الخاقان و معتمد-السلطان میرمحمدخان سرتیپ و مقرب الخاقان مؤتمن السلطان میرعلی اکبرخان سرتیپ ولد امیرالامراء العظام جناب جلالتمآب اجل امجد آقای میرسعدالله خان اکرم‌الملك ایل‌خانی کل یموت و فندرسك وکوکلان مدظله‌العالی برصداق معین و مهرمبین قدراً و وصفاً به‌مبلغ یك‌صد وپنجاه تومان که عبارت است ازیك هزار و

پنج‌صد قران بیست‌چهار نخودی مسکوك به‌سکهٔ خاقان العصر مظفرالدین شاهی و موازی پنجاه مثقال صیرفی طلای خالص صراف پسند ثابت و لازم برعهده و رقبهٔ ناکح معظم‌الیه‌که عندمطالبة المنکوحة المومی الیها ویسار الزوج الموصوف‌عایدو کارسازی نماید وصیغهٔ مناکحت ابدیه و مزاوجت دائمیه بین‌وکیلیهما ایجاباًوقبولاً فارسیاً وعربیاً علی‌النهج المقرر فی‌الشریعة النبویة المصطفویة سمت‌جریان ووقوع پذیرفت.

وکان ذلك وقوعاً فی‌التاسع شهر ذی قعدة‌الحرام اثنا
عشرین ثلث‌مأة‌بعدالف‌من‌الهجرة‌النبویةص۴ ۱۳۲۲.

[بربالای این قبالهٔ ازدواج مطالب زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

لقد وقعت عقدالمناکحة بینهما وکالةً علی‌الصداق المرقوم فی‌الورقة وهوخمسین و مأة تومانا وخمسین مثقالا ذهباخالصاً فی‌التاریخ وانا‌الاحقر. [جای مهر][1]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قدوقع النکاح قبولاً منی واناالاقل الحقیر.

[جای مهر][2]

۱ـ مهری بیضی‌باسجع: «العاصی الراجی عبدالله‌الحسینی». ۲ـ مهری بیضی با سجع: «محمد الموسوی ۱۳۱۱».

بخش دهم

نامه‌های رسمی و دوستانه

۱

نامه‌ایست که از دربارفتحعلی‌شاه برای آقاسید احمد نوشته شده‌است که مبلغ پنجاه تومان حوالهٔ محمدصادق سلطان کرده‌اند که تسلیم‌او گردد که پس از دریافت به‌ارباب استحقاق استراباد برساند.

عالیجناب مقدس‌القاب حقایــق و معارف‌اکتساب فضایل و کمالات انتساب عزت و سعادت‌مآب سلالةالساداة العظام آقا سید احمد بتوفیقات سبحانی موفق بـاشد بعد مکشوف میداردکه درینوقت مبلغ پنجاه تومان وجـه حلال حـوالهٔ عالیجاه معلی جایگاه محمدصادق سلطان فرموده‌ایم که تسلیم آنعالیجناب‌نمایدکه بارباب‌استحقاق استراباد رسانیده دعای خیربجههٔ ذات اقدس و وجود مقدس حاصل سازد و میبایـد آنعالیجناب مبلـغ مزبور را از مشارالیه بازیافت و فیمابین فقرا و محتاجین تقسیم و سویت نموده قبض‌آن را مهمسازی عالیجاه مشارالیه‌ساخته‌که ارسال‌دربار گیتی‌مدار سلطانی نماید و همواره مطالب ومدعیات‌خود را عرض ومقرون بانحاج‌داند.

باقی ایام عزت بکام‌باد

[امضایی ناخوانا]

۲

نامه‌ایست که همراه سیصد تومان با محمدصادق سلطان وکیل برای آقا میرزین‌العابدین و آقاسیداحمد از دربار فرستاده شده است تا میان ارباب استحقاق از سید وغیرسید تقسیم نمایند.

بسم‌الله تعالی شأنه

عالیجنابان مقدس‌القابان حقایق و معارف‌اکتسابان فضایل و کمالات‌انتسابان عزت و سعادت‌مآبان خلاصة‌السادات‌العظام و زبدة‌العلماء الکرام آقا میرزین‌العابدین و آقا سیداحمد بسلامت‌بوده‌برمسندافاده متمکن‌باشدبعدازطی‌دعوات وافیات‌مکشوف میداردکه درینوقت مبلغ سیصد تومان مصحوب عالیجاه معلی‌جایگاه اخلاص و ارادت‌آگاه محمدصادق سلطان وکیل ارسال گردیدکه آنعالیجنابان در میان ارباب استحقاق دارالمؤمنین‌استراباد ازسید وغیرسید تقسیم نمایند میباید آنعالیجنابان بعد از ورودمشارالیه وتحویل تنخواه مبلغ مزبور را بطریقی‌که مرقوم‌گردیدبمتسحقین برساند تا سبب حصول ثواب بجهة ذات سعادت انتساب گردد و پیوسته مطالب و مدعیاتی‌که بوده باشد تمنی دارندکه بانجاح مقرون‌گردد.

باقی ایام افادت و سعادت بکام ومستدام‌باشد

[امضایی ناخوانا]

۳

سواد نامهٔ حاجی سید محمدباقر به یکی از خوانین که با آقا سید فضل‌الله اختلاف ملکی داشته است و از او وآقـا سیدفضل‌الله یـا وکلای ایشان خواسته است که در مجلس مرافعه حاضر گردند.

عالیجاه رفعت‌جایگاه عمدةالخوانین العظام موفق باطاعت خلاق‌انام جل‌شأنه بوده باشند از این زمان که بیست‌وچهارم شهر رجب‌است اقدام بتحریر این کلمات‌نموده که در خصوص املاك کـه محل‌اختلاف فیمابین شما وعالیجناب مقدس‌القاب‌محامد صفات سلالة السادات العظام آقا سید فضل‌الله شده است چارهٔ آن این است که شما یا وکیل‌شما بمصاحبت جناب‌سید مکرم و وکیل‌ایشان طرفین حاضر شوید درمجلس مرافعهٔ عالیجاه هرکس که چندی قبل از این شرحی قلمی نموده بودند در خصوص حقیقت شما چنین قلمی نموده بودند شصت‌وهفتاد خاطر دارم این املاك در تصرف شما وآباء شما تصرف مالکانه در این می‌نموده‌اند وهکذا ازکل‌آنها نـوشته‌گـرفته بمضمون آنچه اعتقاد آنها است قلمی‌نموده این نوشتها را خودتان یا وکیل‌خودتان با جناب سید مکرم یا وکیل ایشان در مجلس مرافعه حاضر شوید و آنچه شـریعت مطهره اقتضاء عمل‌خواهد شد علاوه براین مجال ندارم.

والسلام علیکم ورحمته وبرکاته

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این نامه عبارات زیر نوشته شده است:]

نوشته و مهرجناب آقا حاجی سید محمدباقر سلمه‌الله تعالی مشاهده شد همین سواد مطابق آن است بدون زیاده ونقصان واناالاقل. [اثر مهر محو شده است]

مشاهده شد سواد مطابق اصل است بدون زیاده ونقصان بعد از شناختن خط و مهر فخرالعلماء سلالةالسادات جناب مجتهدالعصر والزمان جناب حاجی سید محمدباقر سلمه‌الله تعالی میباشد وانا الاقل. [جای مهر][1]

نوشته و مهرجناب آقا حاجی سید محمدباقر سلمه‌الله تعالی مشاهده شد همین سواد مطابق آن‌است وبدون زیاده ونقصان وانا الاقل. [اثر مهر محو شده است]

نوشته ومهرجناب‌حاجی سید محمدباقرسلمه‌الله تعالی مشاهده شد همین سواد مطابق آن است و بدون زیادهٔ و نقصان. [جای مهر][2]

نوشته و مهر جناب‌سید سلمه‌الله تعالی مشاهده شد همین سواد مطابق آن است بدون زیاده و نقصان. [جای مهر][3]

نوشته ومهرمبارك جناب حجةالاسلام وفلاالانام الحاج سید محمدباقرسلمه‌الله تعالی ملاحظه شد و سواد مزبور مطابق بآن‌است حرره‌الاقل. [جای مهر][4]

نوشته و مهر جناب سیدالانام و حجةالاسلام را زیارت نمودم و این سواد مطابق با آن است وانا الجانی. [جای مهر][5]

۱– مهری‌بیضی باسجع: «پیرودین نبی‌عبدالرحیم». ۲– مهری بیضی که‌کلمات «از خدا توفیق میخاهد حسن» بر آن خوانده می‌شود. ۳– مهری چهارگوشهٔ بزرگ باسجع: «عبده الراجی احمد». ۴– مهری بیضی با سجع: «عبده میرزا محمد». ۵– مهری چهارگوشه‌باسجع: «عبده‌الراجی محمد تقی».

۴

نامهٔ عباس قاجار به دربار تا سلطان وقت حکم محکمی صادر کند که با آن جلودعوی باطل سید را نسبت به‌میرمحله بتوان گرفت‌و اگر بااین احکام باز سید حرفی دارد در محضر حاکم شرع حاضر شود و مرافعه نماید.

قربان خاکپای جواهرآسای مبارکت شوم چون این چاکرقدیمی‌وغلام غلام جان‌نثار عباس قاجار

فدوی را لازم است که هرگونه مستدعیاتی که دارد در ذیل فدویانه بعرض اقدس شاهنشاه جمجاه روحنافداه رساند لهذا جسارت مینماید که در سال سابق درباب میرمحلهٔ استرابادکه در اول این دولت جاوید عدت تا حال‌که موروثی ومتصرفی این فدوی بود سیداسترابادی دعوی باطله کرده این غلام حسب‌الامر همایون اعلی اروا‌حنافداه آنچه احکام‌که از حکام شرع استراباد وساری و بارفروش و تمام مازندران داشت‌بنظرمبارك جهانمطاع رسانیده حکم‌فرمودندکه سید را حقی وسخن حسابی نیست او هم ترك دعوی باطله نمود و حال سیدباز در مقام بیحسابی برآمده مزاحم رعایای میرمحلهٔ مزبوره میشود بنابرین خیرالحاج حاجی‌میرزا خانجان‌کس خودرا روانهٔ دربار معدلت‌آثاراقدس شاهنشاهی روحنافداه و استدعا مینمایدکه در اینخصوص‌حکم محکم مرحمت فرمائیدکه سید ازبی‌حسابی و تعدی‌دست برداشته هرگاه باآنهمه احکام‌که بنظر مبارك رسید بازحرف دارد درمحضرحکام شرع حاضر شده مرافعه نماید و آنچه حکم شرع صادر شود عمل والا ترك دعوی باطله نموده مزاحم اهالی میرمحله نشود ودرملك چندین‌ساله بیجهة دخل و تصرف ننماید چون این مراتب بارها بعرض سرکار همایون اعلی روحنافداه رسید عرض استدعای

خود را اختصاراً عرض کـرد مستدعی است از قراریکـه عرض شد حکم و مقـرر فرمایند که باعث ازدیاد امیدواری فدوی شده باشد زیـاده جسارت نمیرود همواره مترصد است کـه بخدمتی سرافراز شود و افتخار نماید.

الباقی امرالاشرف الاعلی مطاع مطاع مطاع .

۞

نامه‌ایست که از دربار فتحعلی‌شاه برای سیداحمد نوشته‌اندکه‌مبلغ پنجاه‌تومان‌تبریزی‌همراه ابوالحمدبیگ فرستاده شده تامصروف تعزیهٔ جناب سیدالشهدا گردد.

عالیجناب مقدس‌القاب فضایـل و معـارف‌اکتساب حقایـق و دقایق‌انتساب جـامع الفروع والاصول حاوی‌المعقول والمنقول خلاصة‌الساداة العظام و اعلم‌علماءالاعلام آقا سیداحمد پیوسته مؤیدبتأئیدات ربانی‌وموفق بتوفیقات سبحانی‌بوده زینت‌افزای وسادهٔ افادت وافاضت باد بعد مکشوف میداردکه چون مبلغ پنجاه تـومان‌تبریزی رایج از وجه حلال‌که از درگاه‌آسمان‌جاه خسروانی‌کـه بجهة صرف تعزیهٔ جناب سیدالشهدا علیه وعلی آبائه آلاف تحیة وثناء ایفادآمد مصحوب عالیشان رفیع مکان دیوان المحاسب ارسال داشتیم‌کـه در دارالمؤمنین استراباد مصروف اخـراجات عزاداری‌گردد لهذا آنعالیجناب فضیلت‌انتساب تامهٔ همت مصروف داشته تکیه بنام مبارك قبلهٔ عالم و عالمیان درکمال دقت بسته مبلغ مزبور را صرف عزای خامس آل‌عبا داشته در هرمواردکه اهم‌واولی بوده باشد باستصواب و اجازهٔ آنعالیجناب قدس انتساب مصروف آید همواره الی‌زمان ادراك صحبت‌گزارش احوال‌ومهمات اتفاقیه را اعلان داشته‌که در انجام آن اهتمام معمول خواهد آمد درمظان استجابت دعوات یادآور باشد. باقی‌ایام افادت مستدام‌باد.

۹

نامه‌ایست که از استراباد به مرکز نوشته شده است که قرار بود سید فضل‌الله و حاجی میرزاخانجان کارگزار عباس‌خان درمحضر آخوند ملامحمدعلی یا حاجی محمدتقی اقدام به‌مرافعه نمایند و هیچکدام درمحکمهٔ شرع حاضر نشده‌اند ملامحمد اسماعیل ـ وکیل فضل‌الله ـ نوشته‌ای دراین باره گرفته که به‌نظر اقدس شهریاری می‌رسد تاچه فرمان دهند .

قربان اسم مبارکت شوم

ازامرای عظام دیوانخانهٔ مبارکه رقم‌قضاشیم مطاعی عزصدور یافته بودکه ملتزم‌شدند در نزد امراء و اولیای دولت قاهره جناب مستطاب آقا سید فضل‌الله و حاجی میرزا خانجان کارگذار عالیجاه عباس‌خان که‌درباب‌قریتین میرمحله و چوپلانی‌وکیل‌طرفین در استراباد بمحکهٔ شرعمطاع لازم‌الاتباع بمحضر جناب شریعتمدار آخـوند ملا محمدعلی یاجناب عمدة‌الحاج حاجی ملامحمدتقی‌اقدام بمرافعه نمایند تاحق ظهور یابد و ابراهیم بیگ غلام ترکمان رابااین خدمت مأمورفرموده بودند مشارالیه‌حکم جهانمطاع و رقم دیوانخانهٔ مبارکـه را بعالیجاه عباس‌خان رسانید نه خودش و نـه وکیلش‌بمرافعه حاضر نشدند وملامحمد اسمعیل که از جانب جناب آقا سیدفضل‌الله وکیل‌است نوشتهٔ دراین باب ازجناب شریعتمدارگرفته بنظر مبارك اقدس شهریاری روحی فداه میرسد تارأی جهان‌آرای قبلهٔ عالم هرچه اقتضا فرماید فرمان قدرتوأمان عزصدورخواهد یافت چون واجب بود جسارت نمود.

امرالأعلی مطاع

۷

نامه‌ایست که یکی ازمراجع شرع به‌حجةالاسلام وقت دربارهٔ وقفیت پنجدانگ میرمحله و شش‌دانگ چوپلانی نوشته است.

بسم‌الله وله‌الحمد

خداوندگارا امیدگاها مـلاذا توقیع شریف کـه در فقرهٔ نـزاع سادات و ورثـهٔ بیگلربیگی بافتخار اقل‌تلامذه صادرشده بزیارت آن فائز حق مقام اینستکه در وقف بودن پنجدانگ میرمحله وششدانگ چوپلانی‌اشتباهی‌نیست اگرادراك حضورمیسر بودی هرآینه داعی‌شهادت جازمه باینمطلب دادمی درعصرهای‌گذشته فیمابین علماء استراباد اینمطلب ازمسلمات بوده است وازاول دولت جاویدآیت قاجاریه تاکنون بروجه‌جزم‌وتعیین‌اجمالاتی‌که بندگان‌عالی درعدم نفوذحکم بوقفیت داده‌اندصورت تحقق نیافته زیراکه این حضرات مردمانی بوده‌اند درکمال‌بسط ید و قرب سلطانی داشته‌اندکه هیچکس نداشت بلی‌فی‌الجمله ابتذالی در زمان مرحوم امیربرای ایشان حاصل شد البته قباله‌جات‌حضرات بنظرمبارك‌رسیده رودخانهٔ میرمحله خود به‌تنهائی درهیچ زمانی نمیتواند شدکه بکمترازده‌هزارتومان فروخته شود علاوه برمیرمحله‌و چوپلانی‌بااتساع کذائی‌چطورشدکه همهٔ این‌املاك راحضرات‌بزیاده‌ازدویست‌تومان یافی‌الجمله بیشترنخریده‌اند وانگهی‌همهٔ‌علماءاستراباد نوشته‌اندکه مرحوم رضاخان از ورثهٔ میـرزا محمدعلی هروی خـریده است چنانکه قباله‌جات حضرات اشعار به این مطلب دارد اگر ورثهٔ میرزا محمدعلی صاحب ملك میشدند بیست هـزار تومان ملك رابدویست‌یاسیصدنمی‌فروخته‌اند غرض‌داعی‌اینستکه شمابرسبیل اطلاق‌احتمال تحقیق بیع‌وقف بواسطهٔ وجود مجوز باصدور حکم از حاکم اوثق برخلاف حکم

بوقف از زمان مرحمت‌پناه حاجی ملا محمدرضای استرابادی طاب‌ثراه تازمان ما ندهید بلکه از بدواین دولت تا بحال مستند داعیان مجوز نوشتهٔ مرحوم آقا محمد مهدی نبوده‌است‌تاباعدم جواز استناد بآن اثری برقول و نوشتهٔ داعیان مترتب‌نشودو علم عادی بصدور حکم از مرحوم حاجی ملا محمدرضا داریم بلکه جمیع علماء آن عصر مثل مرحوم حاجی ملا آقابابا و حاجی ملا عباسعلی و آخوند ملا عیسی کندابی و دیگران اصراری دراین باب داشته‌اند و حضرات مردمانی بودند باشأن تمکین‌نمیدادند چنانکه الآن‌مردمان‌ظاهرالتشرع اگرحکمی برایشان‌صادرشود بالوجه بنان والبیان مشاهده میکنیم که بقدر امکان سعی میکنند که از اطاعت شرع خود را بیرون کنند چه جای امراء وحکام داعی دراین اوقات در چهارباغ شاهکو بدعاگوئی اشتغال دارد آقامیرزا محمدعلی تعلیقهٔ که بجناب حاجی سیدصادق سلمه‌الله نوشته بودید زیارت شد و ظاهر شدکه از داعی نیز نقاری بهمرسیده است آنقدر را بدانید که اگر حالت علماء دیگری‌نسبت بسرکارمثل‌حالت علام استراباد بود هرآینه برکات آسمان و زمین برخلق توفیرمیرساند حمد خدا راکه بکوچکی و بندگی شما فخرمیکنیم وشما را واسطه‌درفیوض میدانیم آثار ترقیات همه را از لطف‌سرکار میدانیم خدا شاهد است راضی هستیم که از عمرما برعمرشما افزوده شود چه‌جای آنکه بعضی از احتمالات و خیالات در بارهٔ داعیان بدهید حالت داعی اینست باری سیدخدمت شما میرسدهرچه بفرمائید مطاع است اگربا اینحال میخواهیدحکم‌بفساد ادعای نادرست‌صادرکنید مختارید خداشاهداست حاجی‌آقاعلی که اکنون‌چوپلانی را خریداری‌کرده است یعنی مقداری از چوپلانی خریده است از اصحاب خاص داعی است مبلغ‌های کلی بواسطهٔ او رعایت سادات وفقرا می‌نمایم و خدمتهابداعی میکند سادات کسانی هستند بقدر پوست‌پیاز از ایشان‌کاری ساخته نمیشود با وجود

این داعی نمی‌تواند ازحق بگذرد بعد از آنکه از سرکار امری بـرخلاف اعتقاد و نوشتهٔ داعیان صادر شود البته مطاع خواهد بود کی میتواند ازفرمایش شما سرپیچ شود زیاده عرضی‌ندارد درکمال اختلال حواس‌عریضه‌نگار شده خواهید بخشید که حالتی نداشته‌ام.

والسلام علیکم

[برحاشیهٔ بالای نامه با خطی وارونه عبارت زیرنوشته شده است:]

بحضور مهرظهوراعلم المجتهدین‌حجةالاسلام والمسلمین خداونـدگاراعظم‌سلمه‌الله تعالی مشرف باد.

۸

سوادنامه‌ایست که‌ازمرکز برای‌حاکم‌استراباد نوشته‌شده‌است که‌مقدار شصت خروار شلتوك وظیفهٔ آقا سیدفضل‌الله و سی‌خروار وظیفهٔ آقا سیدمهدی و آقاسیدعلی و آقاسیدابراهیم را به‌ایشان‌نداده‌اندو در بارهٔ املاك چوپلانی و میرمحلـهٔ وقفی منافع املاك وقفی را گرفته به موقوف‌علیهم برسانند.

هوالله‌تعالی‌شأنه

مقرب‌الخاقانا فرزندا جناب فضایل مآب زبدةالفضلاء قـدوةالعلما وحیدالعصری آقاسید فضل‌الله که همواره موردالطاف غیرمتناهی حضرت‌شاهنشاهی بوده ومیباشند برحسب فرمان جهانمطاع بمقدار شصت خروار شلتوك از بابت مالیات قریهٔ اوزینه بصیغهٔ وظیفه درحق ایشان برقراراست ازقراریکه مسموع شد الی‌حال بعهدهٔ تعویق است وظیفهٔ جناب سابق‌القاب و همچنین مقدار سی‌خروار وظیفهٔ عالیجاهان‌فضایل‌مآبان آقا سید مهدی و آقا سید محمدعلی و آقا سید ابراهیم کـه ازمنسوبان جناب

سابق‌القاب میباشند در تعویق مانده نداده‌اند

بـــــابت	بـــــابت	بـــــابت
آقـا سید مهـــــدی	آقا سید محمدعلـــی	آقـا سید ابراهیـــم
۱۰خروار	۱۰خروار	۱۰خروار

اینمعنی خلاف رأی معدلت‌آرای اقدس ظل‌اللهی است لهذا بجهت وصول وایصال وظایف جناب سابق‌القاب عالیجنابان مشارالیهما عالیشان ... محصل‌روانه که بزودی بحیطهٔ وصول درآورده تسلیم ایشان نماید درباب املاك وقفی کـه در تصرف جناب وحیدالعصری میباشد و اسامی آنها از قرار تفصیل است مسموع شدکه منافع

مزرعـــــــــــهٔ	قـریـــــــــــهٔ	
جوپلانـــــــــــی	میـــــــــــرمحلـهٔ	وقفـــــــــــی

بهرهٔ ملکی آنجا را آنفرزند تصرف‌کرده بوده‌اند درمال غیر تصرف خلاف است بخصوص باوجود اطلاع آنفرزند البته قدغن نموده که هرچه ازقریه ومزرعهٔمزبوره بوده‌اندگرفته و بجناب سابق‌القاب برسانند برعالیشان . . . محصل است که منافع املاك وقفی راگرفته بموقوف‌علیه عاید سازد .

[برحاشیهٔ سمت راست این‌نامه عبارات زیر است:]

مطاعاً

درباب وظیفهٔ جناب سید و منسوبان جناب معزی‌الیه که در استراباد دارند وهمواره بخرج دیوان آمده است مقرر فرمایند بدهند و معطل ندارند باری برای یوم‌لاینفع مال ولابنون والداطفال ونسوان ذخیره لازم‌است اینگونه امور ذخیره می‌شود غافل نشوید و رعایت این امور را هم بنمائید و وظیفهٔ جناب معزی الیه را خوب و زود برسانید وظیفهٔ خود ومنسوبان را ازحاکم استراباد باید بگیرید .

زیادة ندارم زحمتی والسلام

مقرب‌الخاقانا فرزندا

البته البته از قراریکه قبله‌گاهی مستوفی‌الممالك نوشته‌اند معمول دارند جناب‌سیدرا خشنود نمایند و معطل ندارید.

سواد مطابق اصل است. [جای مهر][۱]

سواد تعلیقه مطابق اصل است و اصل مهرسرکار آقائی حاجی دستخط شریف‌سرکار مستوفی‌الممالك است. [جای مهر][۲]

سواد مطابق‌اصل‌است واصل بمهرسرکارحاجی‌است وتحریرشریف مستوفی‌الممالك میباشد. [جای مهر][۳]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبدالرحیم الحسینی». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «یا اباعبدالله». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمدرحیم».

۹

سواد نامه‌ایست که از مرکز برای حاکم استراباد نوشته شده است که مقدار صد و پانزده خروار شلتوک مستمری آقا سید مهدی و آقا سید محمدعلی و آقا سید ابراهیم و آقا سید فضل‌الله بدیشان نرسیده است هرچه زودتر به ایشان برسانند.

مقرب‌الخاقانا فرزندا جناب فضائل‌مآب قدوة‌العلماء والمجتهدین آقا سید فضل‌الله استرابادی که همواره مورد الطاف غیرمتناهی حضرت شاهنشاهی روحنافداه بوده و میباشد از قرار فرمان جهانمطاع مقدار یکصدو پانزده خروار شلتوک بصیغهٔ مستمری در

دروجه عالیجناب معزی‌الیه	در وجه سایر وراث متوفی میر محمدرضا
۸۵ خروار و ۶ من	فی ده خروار سی خروار

حق ایشان و عالیجنابان آقا سید مهدی و آقا سید محمدعلی و آقاسید ابراهیم برقرار است که در جزو وظایف استراباد بخرج شما آمده است از قراریکه مسموع شد خان خانان حال دو سال است که نداده‌اند و بعهدهٔ تعویق گذارده‌اند ظهور اینگونه اعمال خلاف رأی معدلت آرای اقدس شهریاری‌است لهذا عالیشان غلام چاپار را برای وصول وایصال مبلغ مزبور روانه‌داشت‌باید بعداز ورود مشارالیه بدون‌معطلی مقدار مزبور راکارسازی نموده که مقضی‌المرام معاودت کند و بایشان برساند و همچنین در باب بعضی از املاك وقفی نظر باحکام علمای عصر و حکم همایون پادشاهی چند سال‌است که درتصرف معزی‌الیه می‌باشد نیز می‌باید کماکان درتصرف ایشان باشد این املاك که قریهٔ چوپلانی و میرومحله است هرگاه احدی راحرف

حسابی باشد قدغن نموده در خدمت سرکار حاجی ملامحمد جعفر و یا یکی از اهالی شرع مطاع طی گفتگو نمایند با وجود آن فرزند چرا بایست در امورات معزی الیه اختلال رخ دهد بقراریکه اظهار رفت معمول دارند والسلام.

[درمیان سطر اول و دوم این نامه عبارات زیر بطور مورب نوشته شده است:]

ازقرارتصدیق عالیجنابان حاجی میرزا مقیم که محاسب شما است مستمری جناب سید بخرج شما و ایشان آمده است خیردنیا و آخرت در این است که جناب سید عالم فاضل مقدس را معطل نفرمائید.

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این نامه عبارات زیر نوشته شده است:]

السواد مطابق للاصل الاصیل الممهور بخاتم جناب آقائی سلمه الله تعالی حرره العبد الجانی. [جای مهر][1]

سواد مطابق اصل است و خلافی ندارد تعلیقه بمهر جناب جلالتمآب آقائی حاجی سلمه الله است حقیر زیارت نمودم بهمین مضمون است بدون کم وزیاد حرفی.

[جای مهر][2]

السواد مطابق للاصل والاصل ممهور بمهر جناب حاجی سلمه الله تعالی.

[جای مهر][3]

السوادمطابق للاصل حرره ممهور بمهر جناب حاجی سلمه الله تعالی حرره اقل الطلبه.

[جای مهر][4]

۱ـ مهری بیضی گل و بوته دار باسجع: «نصرالله الحسینی ۱۲۷۰». ۲ـ مهری چهارگوشه باسجع: «یامن ارفع کل رفیع». ۳ـ مهری بیضی گل و بوته دار باسجع: «یامحمد».
۴ـ مهری باسجع: «حسن ظنی بالله».

۱۰

نامهٔ محمد شاه به‌پسرش که آقا سید محمدتقی ولد مرحوم آقاسید مفید که‌درعتبات عالیات‌مجاور ومشغول تحصیل بوده عازم‌استراباد شده مبلغ پانزده تومان از قرار فرمان خاقان مغفور درحق والد ایشان برقرار بود به‌او مهمسازی شود و مقدار سی‌وچهار خروار شلتوك عمهٔ مرحومهٔ شاه شهید درکردمحله که وقف تعزیه‌داری است به‌اوداده شود وکاری کنندکه امر ایشان درکمال‌انظباط باشد.

هو الله تعالی‌شأنه

عالیجاها عزیزا نورچشما عالیجناب مقدس‌القاب فضائل‌ومعارف‌اکتساب سلالة‌ـ السادات والاطیاب والورع آقا سیدمحمدتقی ولدمرحوم آقا سید مفید اعلی‌الله مقامه که درعتبات عالیات عرش درجات مجاور ومشغول تحصیل علوم و مبشر ودعاگوی دولت قاهره بوده عازم استراباد شده مبلغ‌پانزده تومان از قرار فرمان خاقان مغفور مبرور نورالله مضجعه درجزو مستمریات آنجا درحق والد مرحوم ایشان برقرار بودکه حال باید دروجه عالیجناب‌معزی‌الیه مهمسازی شود ومقدارسی‌وچهارخروار شلتوك از بابت حق‌ملك عمهٔ مرحومهٔ شاه شهید انارالله برهانه‌که درکردمحله‌دارد و وقف تعزیه‌داری جناب اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام نموده وتولیت مفوض بمرحوم سید بوده وبعدخود باولادان اوکه درحال باید عالیجناب معزی‌الیه دریافت‌کند آن عزیزبعدازورودجناب سید وجه مستمری‌هذه‌السنه رامع سی‌وچهارخروارشلتوك‌حق ملك عمهٔ مرحومه راکه درکردمحله باید دریافت‌کند جابجا نموده کارسازی دارد و لازمهٔ مراقبت و مواظبت در امورات اونموده‌که درکمال عزت واحترام در آنجا

بگذرانند و سه‌ساله حق ملك عمهٔ مرحومه که ازحشوجمع آنجا موضوع است‌وحکام در آنجا مدخلیت دارند او را هم مذکور داشته که ضباط کردمحله نداده‌اند شرحی بمقرب‌الخاقان شاهرخ‌خان اظهار کرد شما هم‌لازمهٔ اعانت نمائید که ازضباط وصول بجناب سید و امر ایشان در کمال انضباط بوده آسوده و مرفه‌الحال بدعاگوئی دولت قاهره مشغول باشد. والسلام

[برحاشیهٔ سمت راست این نامه عبارات زیر است:]

عالیجاها عزیزا چنانچه مستمری سه‌سالهٔ جناب سید نرسیده باشد اورا هم ازبابت باقی محلی جابجا نموده و محصلی کرده که هم تنخواه‌مستمری او برسدو هم سایر کارهای او بقراریکه اظهار رفت منتظم شود البته کوتاهی ننماید.

۱۱

نامه‌ایست که محمدنصیرهزارجریبی در جواب نامهٔ یکی از سادات نوشته و درآن نام‌کتب راگنجانده است و درآخرعرض اخلاص‌به آقا سید مفید وآقا سید هادی کرده است.

زآسمان فیض چون‌سوی زمین‌آید خطاب
خاکیان را جز دعاگویی چه‌یارای جواب

بذروهٔ عرض مقدس عالی جنابان که در هنگامیکه مدارك حواس این سالك
اقل‌الطلبه محمدنصیر هزارجریبی

مسالك طراط‌المستقیم عقیدت و اخلاص و ناهج مناهج مجمع‌اللطایف خلوصیت و اختصاص‌باستبصار لمعات مصابیح‌القلوب خلاصة‌الأذکار صحایف آن مؤسس اساس ملاطفت و مرحمت وبانی‌قواعد شفقت و مؤالفت از مرصاد عیون نمکین ومقاصد این واقف مواقف اطوار مخالصت کیش و مطالب این عارف معارف شوقمندی

منحصر در مشاهدهٔ تلویحات جامع‌الاسرار طوایف عبارات رنگین وملاحظهٔ نوادر اشارات مشارق الانوار دلنشین میشود خلاصة الحقایق تعلیقه حقیقت‌طراز وحقایق‌ـ الدقایق رقیمهٔ ملاطفت‌انباز که‌مخزن‌الاسرار مؤالفت منشی و جامع‌الاذکارمصادقت اندیشی است قوةالقلوب ونزهةالصدور مورخان‌گردیده که فی‌قلوب‌الناظرین‌قبول و منه غموم الحاضرین یزول باکمال موجزی در شفابخشای امراض قلوب مهجوران قانونی‌است کامل الصناعه بحق مفتاح النجاتی بود در فتح‌ابواب‌التفات خرسندی و کشف رموزات خوشوقتی‌کافـی و مصباح الهدایتی بـود روشنی‌بخش عیون و از کدورات مصفی وصافی حیوةالقلوبی بود امراض دوری ومجهوری راشافی‌مختصر آنکه از وصول‌بهجت‌موصولش‌بمقصداقصی‌وغایة قصوی امانی رسیده‌روح‌الارواح جاودانی‌نمود روحی لدیك مقیم فاسئل‌الخبر فقرته عینی وقبلته فمی فزاد بـه‌انسی و آنس وحشتی چون شرح‌مختصرازمرحلهٔشوق واشتیاق‌فیض‌صحبت مستلزم‌المسرت عالی با وجود انعکاس‌صورعقیدت واخلاص برمرآت‌الحقایق ضمیرمنیرفیض مناص از قبیل تحصیل حاصل‌وارتکاب‌فعل‌لاطائل بود زیاده براین جسارت ننموده‌مستدعی میگردد که پیوسته این‌شیوهٔ مرضیه را مرعی ومسلوك باصدار مغنی‌اللبیب رقیمه‌جات معزه بر صرفات انفاضه خاطر مخالصت آیات را کرد مستغنی وازملاحظه کنزاللغه مفاوضات ضمیرارادت تخمیررا مستفیض فرموده مژده‌رسان ذات معلی صفات باشد فی‌حلیةالمتقین ذات خجسته‌صفات قامت‌عرایس‌هدایت وارشاد را پیرایه ودرمکنون وجود میمنت نمود معرفت و رشاد را در گرانمایه بـوده در مدارس عزت وتمکین صدرمکین و در عالی محکمهٔ شرع مبین بالانشین‌باشند بالنبی و آله‌الطاهـرین. عرض اخلاصمندی‌بخدمت‌عالیجنابان‌مقدس‌القابان‌حقایق‌ومعارف اکتسابان‌مخدومان مطاعان آقا سید مفید وآقا سیدهادی دام‌عزهما الولی رسانیده مجدد عریضه علیحده طلب نمایند.

۱۲

نامه‌ایست که فتحعلی‌شاه برای سیداحمد نوشته و در آن اشاره کرده است که ملاعباس را از دربار نزد فرزند خود محمدقلی میرزا به استراباد فرستاده که مبلغ هزار و پانصد تومان از فرزند ارجمند بگیرد و به شما بسپارد تا به‌استصواب آقامحسن شیخ‌الاسلام به کسانی بدهند که استطاعت استرداد اسرای خود را نداشته باشند.

عالیجناب قدسی‌انتساب فضایل و فواضل اکتساب حقایق و معارف‌آداب دقایق و معانی نصاب‌عمدة‌الفضلاء‌العظام‌زبدة‌العلماء‌الفخام آقاسیداحمد پیوسته‌از آفات‌گردون دون مصون و محفوظ و از نعم سابقهٔ کاملهٔ الهی بهره و رومحظوظ بوده مشهود رأی افادت پیرایش‌باد که‌چون درین وقت‌نظر بوفور مراحم‌کاملهٔ پادشاهی‌وعواطف فاضلهٔ خاطر اقدس‌ظل‌اللهی بعالیجناب قدسی‌القاب‌سعادت ومعرفت اکتساب خلاصة الاتقیاء والأطیاب ملاعباس را از دربار جهان‌مدار اشرف روانه نزد فروزان‌کوکب سپهر خلافت و تاجداری فرزند ارجمند کامکار محمدقلی میرزا داشته وباو امر فرموده‌ایم که مبلغ یکهزاروپانصد تومان وجه از قرار فرامین مطاعه علیحده‌ازکار-گزاران فرزند معزی‌الیه باز یافت دارد و باستصواب آنعالیجناب وعالیجناب علامی آقامحسن‌شیخ‌الاسلام تمام‌وکمال بصاحبان... که مؤونت‌واستطاعت استرداد اسرای خود نداشته باشند داده قبض حاصل وآورده بنظر اولیای دولت قاهره رساند لهذا بآنعالیجناب ... مآب ... میباید که بعد از ورود عالیجناب مشارالیه نهایت دقت و اهتمام درین‌باب نموده که‌وجه‌مزبور‌تمام وکمال بصاحبان اسرای بی‌بضاعت‌مستحق رسیده دعای خیر بجهة ذات اقدس پادشاهی حاصل شود هموارهٔ اوقات‌کیفیت

امورات ومجاری مهمات را رقمزد خامهٔ اظهاروقرین‌عزحصول واسعاف دانند.
باقی ایام افادت و افاضت مستدام باد

۱۴

نامه‌ایست که ملك‌آرا بـرای آقا سید مفیدو آقا محمدهادی پسران مرحوم سیداحمد نوشته وجریان حرکت نعش پدرشان را ازساری شرح داده و دراین‌نامه تعزیت و تسلیت به ایشان گفته است.

عالیجنابان مقدس‌القابان فضایل وکمالات‌اکتسابان حقایق ومعارف‌انتسابان اصالت‌و سیادت‌مآبان سلالتی‌الاطیاب آقا سید مفید وآقا محمدهادی همواره موفق بتوفیقات سبحانی و مؤید بتأییدات یزدانی باشند بعدها مشهود میداردکه در این اوقات نعش مرحوم مبرور آقا سید احمد والدآنعالیجنابان را حامل نعش وارد شهرساری ساخته نواب مابعدازمراسم‌استماع تأسف بسیار وتلهف بیشمار خورده کارگزاران سرکاری حسب‌الامر نعش آن مرحوم را در روز حرکت بعزت و احترام تمام و بتفصیلی که بعالیجناب مقدس‌القاب فضایل وکمالات اکتساب حقایق و معارف انتساب علامـی فهامـی سلالةالسادات العظام آقا محمد محسن شیخ‌الاسلام قلمی شـد ازشهرساری روانه‌نمودندو آنعالیجنابان‌بمصداق کریمهٔ کل‌نفس‌ذائقه‌الموت‌از اینمعنی‌مکدر نباشندو بحکم تریدوارید ومایکون‌الامایرید راضی‌وشاکرباشند انشاءالله‌الرحمن‌جناب‌باری ابواب‌رحمت ومغفرت را بروجوه ارواح اوبازنماید و برعمرایشان بقای طولا[نی] بخشاید چنانچه پدرایشان داعی‌حق‌را لبیك اجابت‌گفته برحمت‌ایزدی پیوست نواب ماخود بر .... پدر ایشان و توجـه وعطوفت والا متوجـه ومراقب‌احوال سعادت‌ـ اشتمال ایشان خواهد بود وباید صبرو شکیبایی راشعار وشکر وحمدالهی‌راشیمه و

دثار خود سازند و بعد از رسوم تعزیت متوجه امور خود باشند.

باقی‌ایام از عمروعزت برخوردار باشند

[بربالای این‌نامه مطالب زیر وارونوشته شده است:]

عالیجنابان مقدس‌القابان فضائل وکمالات‌اکتسابان حقایق ومعارف‌انتسابان سلالتی السادات و الاقطاب آقا سید مفید و آقا سید محمدهادی .....

۱٤

نامهٔ فتحعلی‌شاه که در جواب نامهٔ سید احمد نوشته و همراه آقا محسن روانهٔ استراباد کرده است.

عالیجناب مقدس‌القاب عزت وسعادت‌مآب فضایل وکمالات‌اکتساب حقایق‌ومعارف انتساب سلالةالساداة العظام وخلاصة العلماء الکرام جامع‌الفروع والاصول حاوی‌ـ المعقول والمنقول‌علامی فهامی‌آقاسیداحمد همواره بروسادهٔ افادت وافاضت‌متمکن بوده موفق بتوفیقات سبحانی‌باد بعد مکشوف‌میدارد که نوشتهٔ‌آنعالیجناب فضایل‌ـ مآب در زمانی سعد بنظر رسید و مضمون صداقت مشحون آن من‌البدایةالی‌النهایه مشهود ضمیر مهر تخمیر آمده موجب فزونی وثوق و اعتماد گردید درینوقت که عالیشان رفیع‌مکان عزت و سعادت‌نشان آقا محسن را از رکاب روانه مینمودیم مراتب شفقت مقتضی آن آمد که بترقیم و ترسیل رسالهٔ مستفسرحال سعادت منوال گردد طریقهٔ انیقهٔ دولتخواهی آنستکه همواره همین شیوهٔ مرضیه را مرعی ومسلوك داشته هرروزه‌گذارش حالات ومهمات و مطالبات را در معرض اظهار درآورده که قرین انجام و اختتام خواهد بود و در مظان استجابت دعوات از خاطرمحو ننمایند وابود شوکت بهیهٔ سلطانی را مدام مدعی وحامی باشند.

باقی‌ایام افادت و افاضت مستدام‌باد

۱۵

نامهٔ مورخ ۱۲۷۶ هـ. ق.

نامه‌ایست که سادات درازگیسوی استراباد درباب پنج‌دانگ میرمحله وشش‌دانگ چوپلانی املاک وقفی خود به دربار نوشته‌وخواسته‌اند در باب معیشت ایشان و زنان و فرزندانشان ترتیبی بدهند.

عرض پس از سلام و اظهار مراتب دعاگوئی ذات محمدت صفات عالی آنکه سادات عالیدرجات درازگیسوی استراباد که از جملهٔ اجلاء این دیار بودند وهمیشه بزیورصلاح وسداد آراسته بودند حال بعضی از آقایان ایشان که موصوف بصفة تقوی و از همگنان سبق بردیگران دارند عالیجنابان قدسی انتسابان سلالة‌السادات الاطیابان آقاسید ابوالقاسم و آقا سید محمدعلی و آقاسید احمد و آقاسیداسمعیل و آقا سید جواد که اعبدزمانند واقف موقفی بجهة تسهیل امرمعیشت آنسلسلهٔ جلیله پنج دانگ از میرمحله و ششدانگ چوپلانی راکه حال مخروبه است وقف نموده و در باب وقفیهٔ آن دو قریه از جناب مرحمت و غفران پناه حاجی ملارضا استرابادی اعلی‌الله مقامه که درمیان علماء اعلام علمی بلکه اعلم بوده و نیز از جناب مستطاب قدوة‌العلماء العالمین وزبدة‌الفقهاء والمجتهدین جناب آقا محمدمهدی کلباسی دام فضله‌العالی که جناب مرحمت‌پناه آقای حجة‌الاسلام آقا سید محمدباقر اعلی‌الله‌مقامه حکمی برامضاءحکم آنجناب‌فرمودند دردست دارندتابحال مرحمت‌مآب بیگلربیگی عباسخان مدعی ایشان بود امر ایشان درباب موقوفه بروجه انتظام منظم نبود حال مشارالیهم وارد برسرکار میشوند البته بمقتضای فتوت و مرحمت مرحمت خود را

از آن سادات رفیع‌درجات که‌حقیقةً رعایة‌ایشان رعایة وحرمة اجدادطاهرهٔ‌ایشانست دریغ نخواهند فرمود قراری درخدمت اولیاء دولت ابدمدت بجهة امرمعیشت‌ایشان خواهند داد اگرچه خاقان‌مغفور علیین‌آشیان قراری بمقتضای فرمانیکه در دست ایشانست داده‌اند ولی مستدعی از مرحمت عالیم که افزوده بر آنقرار قراری بدهید زیراکه جمعی از رجال ونساء وکبار وصغار ایشان باید درپهلوی این موقوفه‌گذران کنند و بدعاگوئی ذات اقدس اعلیحضرت شهریاری روح [العالمین] فداه قیام و اقدام نمایند آنقدر از قرار وفا بامرمعیشت ایشان نمیکند .

باقی‌ظلکم العالی‌عال علی‌الدانی والعالی‌فی‌الخیر

[برحاشیهٔ بالای این نامه عبارات زیر است:]

عرض دعایگوئی جناب جلالتمآب دام‌عمره وامره‌اینکه اگر اهتمامی در این امرخیر محض و محض خیرمحض رضای‌الهی و خوشنودی حضرت رسالت‌پناهی‌درصدور امضاء ازمصدرحضرت اقدس شهریاری دام‌اظلاله العالی برطبق فرمان قضا جریان که چون برهان قاطع برصدق مدعی در دست و نیز در انشاء فرمان دیگر مجدد قدرقدر برتفویض جزئی‌مزرعهٔ مخروبهٔ چبلانی‌بفرمایند احیاء جمله ازنفوس‌محترمه از سلسلهٔ علیهٔ علویه فرموده‌اند وان‌شاءالله تعالی اگرچه این نحواز تمشیات بزرگ فوق مقام وبضاعة داعی است ولکن چون‌للهالحمد رایت حضرت ظل‌اللهی بزرگتر از همه‌است حل‌این مشکل خواهد شد زیاده جای جسارت نیست دام‌العمروالأمر ثم‌السلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.

فی ۱۹ جمادی‌الاولی ۱۲۷۶

۱۷

نامه‌ایست دوستانه که نویسنده و مخاطب آن معلوم نیست.

هرچند مراتب اخلاص خود را چنانچه بخواهم بیان نمایم هزاریك آن دراین رساله گنجایش ندارد لیکن بمضمون الحب و البغض یتوارثان اخلاص مخلص قدیمی است ضرور بعرض نیست واین روزهاچندین مجلس خاص بخاکپای مبارك شهریاری صحبت‌ها از آن مطاع ومخدومی آقاحسین شد بعضی عرض‌ها بخاکپای مبارك نموده‌ام که بسیار بسیار شوق ملاقات آن صاحب رانموده‌اند که فرموده‌اند خیلی دلم میخواهد ایشان هردورا ببینم و قباحتی دارد که آدم بفرستم ایشان‌را بطلبم بقسم خوشی آقایان اظهار می کردی که به‌اردو تشریف میآورند بسیار خوب بود عرض کرده‌ام که حال حرکت نزدیك شد آقایان تشریف نیاورند درست جمال مبارك شاه را نخواهند دید باری آنچه لازمهٔ اخلاص کیشی‌است بعمل خواهم آورد وشیشهٔ گلابی هم که ارسال فرموده بوده‌اند باعث خجالت مخلص شد خانه‌آبادان و در آنوقت جناب اخوی آقا سیدمحمد را فرستاده‌ام که آقارا زحمت بدهد دربان غلام عالیجناب آقارحیم که بقسم‌خوشی لطف آنصاحب شامل‌شود بعد از... آقا سید محمد بهرقسمی که آقاسید محمد صلاح داند قسمت آن را تمام بفرمائید و چنانچه کم زیادی درتنخواه آقا سید محمد داشته باشد چهار پنج روزه ضمانت فرموده که بفرستم زیاده عرض شد والسلام.

۱۸

نامه‌ایست دوستانه.

بعرض‌میرساند که‌چون‌نظر بطریقهٔ مراودت‌قدیم‌وعهد مصادقت‌قدیم‌همواره مکنون درون‌خاطرمخالصت تصمیم‌این ومنظورنظرخلوصیت منظر چنین‌است که‌گاه وبیگاه بنگارش ذریعه‌جات واظهار بقای حیات عاریت سمات مصدع اوقات خجسته آیات ملازمان مطاع ملاطفت صفات‌گردیده بآئین تقریب ازوصول مفاوضات وحصول‌بر مژدهٔصحت‌وعافیت ذات‌بابرکات‌قرین‌امتنان‌ومسرات آید بناءً علیه درینوقت که‌حامل مرحله‌پیمای صوب‌خدمت ذیمسرت میبود اینمعنی‌را نعم‌الوسایل‌شمرده بتحریرعهد مصادقت قدیم پرداخت ودرطی این زمان که‌از کلك ارادت‌نگار ساخت که چنانچه جویای مجاری احوال باشندالله‌الحمد حیات‌عاریت بقدرصرف دعای خیر آن‌مخدوم باقی والی‌غیرالنهایه شایق ادراك تلافی و ملالی جـزحرمان فیض حضور ظاهـر و ملاقی نیست انشاالله این دیدهٔ رمد رسیده علی اسرع الحال بغبار مقـدم اکلیل توام منور و مجلی‌باد.

باقی ایام عزت وسعادت بکام باد برب‌العباد

۱۹

نامه‌ایست دوستانه که کسی برای یك‌تن ازمالکان چوپلانی نوشته و از او خواسته است که میرزا صمد را به چوپلانی بفرستند و قراری در تقسیم شالی و گندم‌وجو وماش و سایر محصولات زراعی آنجا بدهد و نسبت به کربلائی‌قاسم و آقایان سادات خوش رفتاری کند.

جناب مکرم‌محترم‌سلمه[الله]تعالی‌را زحمت آنکه‌درباب‌موضوعات‌چوپلانی‌چون گمان اختلاف بود و شخص‌ثالث امینی باوقوف وصاحب سررشته برای‌آسودگی‌و دفع تهمت و بدنامی لازم‌لازم‌اندکه جناب‌کرام ارجمند موتمن آقا میرزا صمد را زحمت دهم‌که امروز یا فردا آنجا بیاید تا بقاعده قرار موضوعات را از همه جهت بدهد وباقیمانده را ازشالی وگندم‌وجو وکنجد وماش‌وغیرها بعد ازوضع موضوعات زراعتی و موضوعات دیگر بقاعدهٔ بی‌ملاحظه‌ایکه بذل و بخشش و مخارج دیگر خوانین عظام داخل در موضوعات باشدقسمت نمایدکه هرکه زیاد برده دست‌بدهد یعنی از قرار مثالثه و چهاردانگ دودانگ و انشاءالله بعد ازآمدن آن کرام از این قرارعمل نموده که غیراین‌جای ندارد ودرباب حساب کربلائی قاسم وسلوك باعموم مردم آنجا نیز زحمت میدهم که منتهاء خوش‌رفتاریرا درهمه بابت با همه خصوصاً باکربلائی قاسم واحباء و اخلاص‌کیشان آقایان سادات منظور داشته که دلگرمی آن مردم و رفتار بطور دلخواه ایشان باعث‌آبادی آنجا ورغبت دیگران میشودوالا بزودی اگر پاره‌ای تکالیف برایشان داده‌اید خراب میشود .

زیاده زیاداست ۷ رجب‌المرجب ۱۲۰۸ والسلام

نتیجة الارکان والارکان‌خان را عرض سلام میرسد والسلام.

۲۰

نامه‌ایست دوستانه که کسی برای حاجی سید مفید نوشته است.

بعرض میرساند که درزمانی‌بخرمی‌مشحون واوانی بسعادت مقرون بفیض مطالعهٔ ملاطفهٔ التفات‌نمونی که‌درمقام یادآوری‌وتفرس‌احوال‌المخلص‌مصادقت مرهون‌نگاشتهٔ کلك رأفت‌مسلك ملازمان مطاع عطوفت‌خصال وسمت ابلاغ وارسال پذیرفته بودو فایض ومستسعد و بدستیاری قاید استحضار براستقامت و اعتدال ذات سعادت‌آثـار قرین مسرت وشادمانی لم‌تحصی ولاتعدگردیده موجب‌ازدیاد رسوم عقیدت فطری و ارادت قلبی آمد درینوقت کـه دافع راجع و مرحله پیمای مقصدالاقصای صـوب حضورسعادت‌دستور بود ادای ارادتمندی تقاضانمودکه‌بنگارش این ذریعةالمصادقه مصدع اوقات خجسته علامات‌گرددکه اینکه در مقام پرسش احـوال ایـن مخالص خصال برآمده بودند الحمدالله‌المتعال نعمت حیات‌که اعظم آلای حضرت‌ذوالجلال است باقی و برقرار و ملالی جز مهاجرت و حرمان فیض صحبت ذیسعادت ظاهر و آشکار نیست متمنی از طریقهٔ رأفت والتفات کـه مقتضای محاسن اخـلاق و صفات ملازمان است چنان است که‌درمظان استجابت‌دعوات این مصادقت ایاب رااز‌حاشیهٔ خاطرعاطرخودمحونفرموده بدعای خیریاد وهمه اوقات برترقیم مفاوضات وارجاع مرجوعات مسرور وشاد فرمایند.

باقی ایام افادت بردوام باد

[بربالای‌نامه‌باخطی‌درجهت‌عکس‌خطوط‌متن‌است‌این‌عبارات‌نوشته‌شده‌است:]

یاخیرالحافظین ذریعـة المصادقه خدمت عـالیجناب مقدس‌القاب فضایل وکمالات اکتساب قدوة السادات الأطیاب مطاعی حاجی سیدمفید زیـد مجده افتتاح پـذیرد

۸۶۴۲ ·

۴۱

نامه‌ایست دوستانه که در آن نویسنده سعی کرده است نام کتب را بیاورد.

همواره ابواب الجنان عزت و کامکاری بمفتاح الفلاح سعادت و رستگاری به چهرهٔ احوال فرخنده مآل عالیجناب مقدس القاب فضایل و خصایل مآب محامد و محاسن آداب خلاصة السادات الأطیاب زید مجده مفتوح و مختصر عمر شریفش بروجه مطول مشروح باد بعد از تألیف اوراق فصول مؤالات و پس از ترکیب مفردات تحفة المؤمنین خلّت و مصافات عنوان طراز روضة الصفای ضمیر منیر ودیباچه بود از حبیب السیر خاطر سعادت مظاهر خیریت تخمیر میگردد که تحفة الاحرار مرسوله و سبحة الابرار مؤالفت مدلوله درساعتی مسعود نقاش شهود ازچهرهٔ حسنای ورودگشود و ازمطالعهٔ مباحث و سطور مودت دستورش که حاکی حکایت صحت و عافیت وجود محمود بود ابواب مسرت وشادمانی رخنمود درینوقت که رافع راجع وروانه و راه ورسم مؤالفت معهود مقتضی بهانه بود لازم نمود که برسبیل ایراد جواب صحیفة الاستجاب برحاشیهٔ قدیم دوستی قویم نکارد که اینکه در مقام تفرس مجاری احوال و امور برآمده بودند بحمدالله تعالی نعمت صحت و عافیت که عمدهٔ مواهب حضرت واهب العطایا است حاصل و مکروه و آلام جسمانی مرفوع وزایل و اوقات بروفق تقدیرات الهی مصروف است ان شاءالله بمقتضای عهد یگانگی و مؤالات همهٔ اوقات طریقهٔ دوستی و مصافات را منوی ومنظور وحقایق سلامتی ذات محامد صفات را در طی مکاتبات مرسول فرموده و درمظان استجابت دعوات این مودت ایاب را از خاطر خیریت سرایر محو ومنسی نداشته یادآوری خواهند نمود.

باقی ایام عزت و سعادت بردوام باد

۴۲

نامه‌ایست دوستانه.

همواره ابواب‌الجنان عــزت و کامکاری بمفتاح الفلاح سعادت ورستگاری برچهرهٔ امانی و آمال‌عالیجنابان‌مقدس‌القابان تقدس‌و ورع‌انتسابان فضایل و کمالات‌اکتسابان سلالتی الأطیابان زادالله تعالی توفیقاتهما مفتوح و مختصراحوال خیرمآلشان بروجــه مطول مشروح باد بعدازشرح رسوم دوستی ومصافات برحاشیهٔقدیم محبت‌ومؤالات مینگارد کــه مکاتبــات مؤالفت ایــاب مرسوله و مراسلات یگانگی نــکات جودت مدلوله هریك در ساعتی سعــادت موصوله مــرغوله گشای عذار عذرای درود و از مطالعه‌اش که حاکی حکایت صحت و عافیت وجود مسعود واعتدال احوال خیریت منوال آنعالیجنابان‌بود انحای‌مسرت وانبساط رخ‌نمود وبرمواد مؤالفت باطنی‌افزود درینوقت‌که عالی‌شان عزت‌نشان میرزا اسماعیل‌درمقام مراجعت میبود طریقهٔدوستی و دوستداری‌مقتضی‌گردید که‌بنگارش‌این‌صحیفةالاستجاب‌برسم ایراد جواب‌مکاتبات یگانگی‌نکات ارتکاب ورزیده ضمناً اظهارسازدکه‌چنانچه نظر بطریقهٔ دوستی‌جویای مجاری‌حالات‌باشندبحمدالله سلامتی‌که اعظم‌نعمات‌الهی‌است باقی و برقرار واوقات بخیر وعافیت مصروف و درگذار وملالی ظاهر وآشکار نیست طریق دوستی مستلزم آنست‌که همین اوقات بنگارش مراسلات مختومه برحقایق حالات و ارجاع مهمات اتفاقیه فاتح‌ابواب مؤالات باشند .

باقی‌ایام بکام باد برب‌العباد

[برحاشیهٔ سمت راست این‌نامه عبارات زیرنوشته شده است :]

مجدداً مرفوم‌کلك ابراز میشودکه در خصوص عمل‌کرد ملك قریهٔ یالوابتیاعــی‌از عالیجاه نوروزخان‌خواهش‌نموده‌بودند کیفیت آن‌بقراری‌است‌که بعالیجاه‌نظرعلیخان و عالیشان عباسقلی بیگــ القا شد و شرح مفصلی بشما نوشته‌اند کــه هنگام وصول مستحضر خواهندشد.

۲۳

نامه‌ایست دوستانه.

حریق شعلهٔ فراق وغریق لجهٔ اشتیاق کز درون سوزناك و چشم‌تر نیمه درآتشم نیمی در آب تجلی بارقات خیال جمال عدیم‌المثال را فروغ‌بخش طور دل دردمند ساخته برلوحهٔ عرض مینگارد که‌دیرگاهی است که لوح یادآوری مخلصان‌را بالمره برطاق نسیان‌گذاشته ابواب نگارش‌رسائل را مسدود وبه مژده‌رسانی‌حقایق‌حالات خیریت‌آیات دوستدار را مسرور وخشنود نداشته بودند وبمقتضای تشوق و مصافات دیرین همواره مکنون درون این بود که بواسطهٔ عبور عازمین در مقام استعلام کماهی احوال سعادت مآل برآمده باشد بناءً‌علیه درینوقت که حامل روانهٔ آنصوب میبود بتحریراین‌ذریعه مبادرت ورزیده ضمناً باظهاربقای‌حیات میپردازد که‌چنانچه مجاری حالات‌راجویا باشند الحمدلله‌المتعال نعمت‌صحت که اعظم‌آلای حضرت ذوالجلال است بقدرصرف دعای خیر دوستان باقی والی غیرالنهایه شایق ادراك تلاقی وملالی جزحرمان لقای فرح‌فزا ظاهر وملاقی‌نیست طریقهٔ یگانگی و مؤالات مقتضی‌آنست که بعد ازاین رابخلاف‌قبل‌معمول وحقایق‌حالات‌را با حدثات‌اتفاقیه مرسول‌فرمایند.

باقی ایام عزت بکام باد

۲٤

نامهٔ مورخ ۱۲۸۵ هـ . ق .

در این نامه که ظاهراً به شکل متحدالمآل و بخشنامه است ازآقایان عظام واشیاخ علماء خواسته‌اند تا به دوقریهٔ موقوفهٔ چوپلانـی و مرزبانکلاته که در دست سادات درازگیسو وشیرنگی است بیایندو سامان و حدود این دوقریه را تعیین کنند.

عرض میشود بخدمت آقایان عظام و اشیاخ از علمای فخام آنکه حدود دوقریـهٔ موقوفهٔ چوپلانی ومرزبانکلاته درین زمان بواسطهٔ تصرفات زارعین و مالکین آن‌دو قریه‌که دوطائفهٔ جلیله از سادات عالیدرجاتند احدهما درازگیسو و دیگری شیرنگی اشتباهی درآنحدود و سامان راه یافته‌لهذا در مقام زحمت برآمدم که درسرسامان و حدود آن دوقریه‌تشریف برده آقایان‌عظام‌شیرنگی را خواسته پس از تدقیق‌وتحقیق تام‌مالاکلام تشخیص سامان نمائید البته تمامیت اینمرحله موقوف است بـر احضار نیکان و خوبان و میر... و معمرین ازاصحاب سن‌که ازایشان تحقیق شود وتشخیص اینمرحله شودالبته در اقاویل شهود و حالات ایشان و علامت‌گذاشتن محال شهادت کمال اهتمام را خواهند فرمودو اسامی شهود را ثبت برداشته انشاءالله بعدازوقوف واستحضارداعی ومعلومیت امربرشما داعی شرحی درتحدید حدود بنویسدکه بعدها ازآنقرار معمول دارند ازباب قریتین وکسبه و زارعین درینخصوص با هم جدال و بیحسابی ننمـایند و از روی شریعت مستطاب حضرت رسالتمآب صلی‌الله علیه‌وآله معمول دارند.

فی ۱۳ شهر ذی‌حجه ۱۲۸۵.

۲۵

نامه‌ایست که در آن تأکید شده که وظیفهٔ آقا سیدفضل‌الله و آقاسید مهدی و آقا سیدمحمدعلی و آقا سیدابراهیم دوسال است که نرسیده اگر نزد خان خانان است بفرمائید تـا از او مطالبه کنیم و امـلاك موقوفهٔ ایشان را نیز کماکان در اختیار ایشان بگذارند.

عرض میشود که ازقرارفرمان جهانمطاع همایون ... آقائی‌حاجی دام‌مجده‌العالی مقدار یکصدویازده خروارشلتوك درحق‌جناب‌فضائل‌مآب فواضل‌اکتساب استرابادی وعالیجاهان آقا سیدمهدی و آقاسید محمدعلی‌و آقا سیدابراهیم ازقرارتفصیل برقرار است که در جزو وظایف استراباد بخرج مسطور شده و حال دوسال است که‌وظیفهٔ مزبور نرسیده و بعهدهٔ تعویق مانده از آنجایکه جناب معزی‌الیه از دعاگویان خاص سرکار اقدس همایون شاهی روحنا فداه و ازنجباء و اشراف دارالمؤمنین استراباد است رعایت جانب او واجب ولازم است لهذا خواهش دارد که پس از ورود کسان جناب آقا سیدفضل‌الله وظیفهٔ هذه‌السنهٔ ایشان راکه .... است در وجه اوتسلیم‌دارید که موجب رضای خواطرمن‌است و آن‌دوسالهٔ گذشته‌را هم غوررسی مینمائیدچنانچه در محل یا درنزد مؤدی‌است گرفته تسلیم‌دارند والا صریح بنویسند که در نـزد خان خانان مانده تا در اینجا از ایشان‌مطالبه شود و هم‌چنین درباب بعضی از املاك‌وقفی نظر حکام علمای عصروحکم سرکار اقدس‌همایون پادشاهی روحنافداه چندسال‌است که درتصرف جناب مشارالیه میباشد حال هم باید کماکان دو قریهٔ چوپلانی‌ومیرمحلهٔ وقفی‌درتصرف‌ایشان باشد چنانچه احدی[را]درمتقابل‌حرف شرعی‌باشد قدغن‌نمایند که در خدمت جناب مجهتدالعصری حاجی ملا محمدجعفر استرابادی یا حکام شرع

دیگر مرافعه کنند والا املاک مزبور باید در تصرف ایشان باشد جناب آقای حاجی دام‌مجده‌العالی همین تفصیل را به شاه نگارش داشته‌ام البته‌البته رفتار نمایند.

[برحواشی این نامه مطالب زیر است:]

السواد مطابق للاصل الممهور بمهر ایلخانی دام‌عزه حرره اقل الطلبه.

[جای مهر][1]

السواد مطابق‌للاصل‌الأصیل ممهور بمهرجناب جلالت‌مآبی ایلخانی العبدالجانی.

[جای مهر][2]

سواد مطابق‌اصل است بدون زیاده ونقصان حرفی‌تعلیقه نواب والا ایلخانی را حقیر ملاحظه نمودم‌کانه هو. [جای مهر][3]

السواد مطابق للاصل الممهور بخاتم عالیجاه مقرب‌الخاقان‌ایلخانی دام‌عزه حرره العبدالجانی. [جای مهر][4]

---

۱ ــ مهری بیضی و ناخوانا.

۲ ـ مهری بیضی باسجع «یا محمد».

۳ــ مهری‌چهارگوشه باسجعی‌ناخوانا.

۴ــ مهری‌بیضی باسجع «نصرالله‌الحسینی».

۲۶

نامه‌ایست که یکی از مراجع شرع به آقاسیدمفید نوشته است . از این نامه اختلاف نظر مراجع شرع وضد و نقیض احکامی که صادر می کردند روشن می‌شود.

عرض میشود که پارهٔ سخنان مسموع داعی گردیده که اگرمطابق واقع باشد بسیار بسیار مایهٔ ملال است میفرمائید که فلان آقا را فلانــی مجتهد نمیداند مــاها مجتهد میدانیم یامردهٔاستراباد دراستراباد میشویندداینمضامین از جنابعالی یا جناب مستطاب آقای حاجی‌شیخ‌نصرالله نسبت بداعی درافواه والسن انداختنند نه‌صلاح دنیا است و نه صلاح دین داعی علاوه برجههٔ دوستی حقوق دیگری بشما دارم کــه اظهارش را مناسب نمیدانم واگر داعی دلتنگ نشوم‌خداوند جهان وامام زمان‌راضی‌نمی‌شوند و میترسم درمقام عقوبت برآیند زیراکه اگرحالتم در هرجا وبهرکس مشتبه‌باشد شما که حالتم را میدانیــدکه قیدی بدنیا ندارم و از روی هــوای نفس چیزی نخواهــم نوشت درخصوص اینواقعه وصدورحکم‌از مرحوم‌آقا محمدمهدی تفصیلاتی مطلعم که آن حکم پیش داعی اعتباری ندارد اگــرآن تفصیل را مطلع بــاشند البته حکم بوقفیت نخواهیدکرد اگر از نوشته صورت حکم مرحوم خلدآشیان حاجی ملارضا اعلی‌الله مقامه اطمینان حاصل‌کرده باشید باهمان نوشته مرحــوم خلد آشیان شریعت مدار یاآقای حاجی ملا محمدتقی و یاآقای رئیس نورالله مضجعهم حکم فرمودنــد بملکیت بی‌ریب‌وتردد چگونه با اینهمه اسناد میشود حکم بوقفیت کــرد سوءظن از مثل شماکــه از سایر احوالم تفصیلاً اطلاع دارید ظلمی است عظیم اینهمه مداهنه که داعی در اینمدت مراودهٔ حضرات‌کردم مراد حفظ احترام از شما و سایرآقایان بوده هیچ وقت زمام احترام را ازدست ندادم چگونه میشود نسبت بموضوعیکه‌اسم

وقف در میان باشد پای جماعتی از سادات درمیان باشد آدمی بی‌احتیاطی کند اگر حضرات خوانین تمکین‌باصلاح تنصیفی میکردند هیچ درقید رضایت آقایان‌سادات نبودم و اجباراً صلح میکردم ورضای امام عصر عجل‌الله فرجه را در ایـن میدانستم حال که حضرات از داعی مأیوس شدندالبته باصلاح نصفی تمکین خواهندکردالبته شما خود اوقات صرف فرموده بهمین قـرار نصف اصلاح بکنیـد چنانچه از شما نشنوند و بهمان‌حال‌خود باقی باشندلابداً آنچه بینی‌و بین‌الله تکلیف دارم‌بایدبنویسم بااینهمه نوشتجات قدیمه و جدیده وقتیکه اولاد مرحوم بیگلربیگی بدرخانه ودیوان رجوع نمایند البته نخواهندگذاشت بهمین احوال بمانند بلکه محتمل است آقـایان سادات محروم بمانند ومورث خلاف‌شان جمعی شود حتی‌الامکان باین‌قسمها راضی نیستم طالبم که کلیهٔ اموربنحوی‌بگذرد که‌جمع بین‌الحقوق شده باشد وقتیکه‌دیگران اینمطلب را منظور نداشته باشند لابداً هرچه‌آدمی‌میان‌خود و خدامیداند بایدبنویسد ملاحظهٔ دلتنگی احدی را در مقابل رضای الهی نمی‌کند .

زیاده تصدیع نمی‌رسانم ادام‌الله بقائکم

[برحاشیهٔ سمت راست این نامه عبارات زیرنوشته شده است:]

آقاجان این‌مراسله عین تقریر بنده است من بشما یك مطلب هم‌ازباب‌لابدیت‌عرض میکنم که مرا وکارمرا منحصر در قواعد ظواهر ندانید بخدا قسم وجود ضعیف مرا بسیار غنیمت بدانید و قلب مرا بسیار آزرده نسازید . والسلام

[بربالای نامه باخطی کـه عکس جهت سطور متن است عبارت زیـر نوشته شده‌است:]

جناب مستطاب سیدالفقها الراشدین علام فهام مفیدی‌الاسترابادی ایده‌الله تعالی.

۲۷

نامه‌ایست رسمی و دیوانی.

ازاین نامه برمی‌آید که آقا سیدفضل‌الله توقع کرده است که وظیفهٔ او را از بابت مالیات قریهٔ اوزینه بدهند و فرمانی هم در دست داشته که مقدار هشتاد و پنج خروار همه ساله برسبیل استمرار از قریهٔ مزبور عاید او بشود ولی چیزی به‌او نرسیده است نویسنده که ازخیراندیشان بوده تقاضا کرده‌است که‌این وظیفه‌را به‌او برسانند تا از این بعد درمحافل ومجالس ذکر خیر نماید. تعلیقه‌ای برحاشیهٔ نامه نیز هست.

صاحبا مشفقا

جناب فضایل‌مـآب حقایق و دقایق‌انتساب شرایع و محامـداکتساب قـدوة العلماء الاعلام زبـدةالفضلاء العظام سلالةالسادات الفخام مجتهدالزمانی آقـا سید فضل‌الله استرابادی درباب وظیفهٔ خود اوقاتی که‌مورد تلتفات وتفقدات ومراحم‌بیکران‌حضور شاهنشاه عالم پناه روحی‌فداه گردید توقـع نمود که از بابت مالیات قریهٔ اوزینه مـن بلوك استرابادرستاق برقرارشود فرمان مهرلمعان شرف‌صدور یافت که مقدارهشتاد و پنج خروار همه سالـه علی‌سبیل‌الاستمرار از بابت قریهٔ مزبوره عـایدایشان شـود فرمان مبارك را زیارت خواهد نمود از قراریکه مذکور افتاد جناب معظم‌الیه سواد فرمانرا فرستاده بودآدم او آورد جـواب درستی نشنید و وظیفه در عهـدهٔ تعویق و عایدایشان نشده است باآنکه شمارانسبت به‌طبقهٔ سادات عالیدرجات کمال‌مهربانی و محبت است و معظم‌الیه از اجلهٔ ساداة آنولایت مقام حیرت است که چـرا بـا این احوال وآن‌حکم مؤکد وظیفهٔ‌ایشان را التفات‌نفرمودید توقـع آنست که موافق‌حکم

همایون وظیفهٔ ایشان را قدغن بلیغ بفرمائید بزودی ازبابت قریهٔ مزبوره عاید فرستادهٔ ایشان نمائید که مخلص راکمال امتنان حاصل خواهد شد ضرری بـرای شمامتصور نیست بلکه منفعت دعاگوئی بسیار است و جناب معظم الیه هـم مخلص متعهـد است که ازین بعد درمجالس ومحافل ذکرخیر نماید خاصه درخدمت همایون شاهنشاهی روحی فداه و این اوقات هـم مقتضی بسیاری دوستان است هنگام دل‌آزاری نیست چون مخلص از دوستان و مخلصان‌است‌برین تکلیف جزئی زحمت داده دیگرزیاده [از] حد زحمت ندهد مجاری‌حالات سعادت‌آیات ومرجوعات را مترصداقدام است والسلام.

[برحاشیهٔ سمت راست این نامه تعلیقهٔ زیر نوشته شده است:]

صاحبامشفقا

این ایام‌ که مذکور شد مستمری جناب مطاعی درعهدهٔ تعویق است خواستند مجدداً عرض نمایند بنده نگذاشتم وتعهدکردم‌ که انشاءالله سرکار برسر مهربـانی و محبت باشید و مستمری ایشان برسد انشاءالله‌مخلص را شرمسار درخدمت ایشان نخواهند گذاشت وانگهی پسر شما از ایشان در بارهٔ سرکار سخن‌ که مشعربرشکایت باشددر خدمت شاه وجناب‌حاجی‌متعهد شد وانشاءالله من‌بعد.... حفظ‌الغیب راهم درهرحال منظور میفرمائید باقی والسلام.

برادر مهربـان از قـراری‌ که در فرمان همایـون مـرقوم و مقـرر است از جمله هشتادوپنج خروارکه الباقی‌است ازبابت قریهٔ اوزینه بدهید که شرح دیوان مجری‌و میرمحله دیگر دخل ندارد واز اوزینه بدهید چون از میرمحله .... باز بدهید بخرج آنجا بیاورید و از اوزینه ندهید آنچه از مالیات است و بخرج مالیات همه سالـه می‌آیدآنمقدار را از بابت اوزینه بدهید آنچه دخل بمالیات ندارد و همه‌ساله‌ که از محل بحساب سند داده می‌شد باز از محل بدهید وخلاف حکم همایون ننمائید.

۲۸

نامه‌ایست که ظاهراً یکی از وکلای سادات ملک‌چو پلانی نوشته است و اشاره به بی‌حسابیهـای بیگلربیگی نسبت به‌برادر شـریعتمدار در ساری و چوب زدن او و گرفتن هشتاد تومان از یکی از منسوبـان شریعتمدار و ترس این وکیل از اظهار وکالت خود درمحضر شرع و نکات دیگر شده است.

هو

جعلت فداك

بعد از ابلاغ دعا معروض میدارد که بعداز آنکه درباب جواز مرافعهٔ درموقوفه بودن املاك استفتاء نوشتم و جناب آقای شریعتمدار جواب مسئله را بآن کیفیت کـه ملاحظه فرمودید نوشتند خبر بعالیجاه بیگلربگی رسید که جناب شریعتمدار نـوشته داده‌اند در اشرف برادر جناب شریعتمدار احضار فرمودند و مؤاخذهٔ زیادی کردند که برادرتو ده‌هزار تومان بمن‌ضرر زده است مبلغ‌دویست تومان اورا جریمه‌نمودند در حضور خود او را بستند چون اهالی اشرف مطلع شدند خواستند که بهجوم عام بروند وبرادرجناب‌شریعتمدار را بیاورند سه‌چهار تومانی که درجیب داشت گرفتندو او را رهاکردند و در بلدهٔ ساری از یکی ازمنسوبان جناب شریعتمدار ببهانهٔ مبلـغ هشتاد تومان محصل گماشته‌گرفتند و در دهم‌و دوازدهم شهر شعبان میرزا خانجان با دوسه‌نفر ملا ازساری باسترا باد آمدندکه‌وکیل سرکار بیگلربگی میباشیم که خدمت جناب حاجی ملا محمدتقی مرافعه‌نمائیم بنده چون دیدم‌که بدورگرفته است وشاهد تراشی میکنند وباآنکه حاجی بخط خودنوشته بودندکه حکم بروقفیت‌ورداملاك‌را

بـه موقوف‌علیهم جناب مرحمت‌مآب حاجی ملا رضا نموده‌اند و لازم‌الاتباع است مع‌هذا آماده و مهیا شده‌اید و حال آنکه باتفاق کل علماء شیعهٔ فـوق حکم حاکم شرع در همان قضیهٔ مرافعه نشاید بنده چون ملاحظهٔ این‌اوضاع نمودم جرأت‌ننمودم که اظهار وکالت ازجانب شما نمایم از جهات‌چندی اولاً آنکه عرض شدکه‌برسر برادر ومنسوب جناب شریعتمدارچه‌آوردند بنده‌هم درمازندران وابسته‌هادارم‌علاوه آنکه بنده وبنده‌زادها گاه‌گاهی بمازندران آمدوشد داریم برما هم همان میرود.برسر برادر جناب شریعتمدار و منسوب ایشان رفته و ثانیاً آنکه چنانکه استفتاء شده‌اعادهٔ اینمرافعه فوق حکم و امضای علماء حرام و غیرجایز است و ثالثاً آنکه اوضاعـرا چنان دیدم و فهمیدم حقیقت شما ضایع میشود و رابعاً آنکه شما نوشته بـودیـد در دستورالعمل دروکالت خودکه عالیجاه بیگلربگی درچهار مجلس چهارقسم‌نفی‌العلم بخورد اولاً آنکه‌کو بیگلربگی و ثانیاً آنکه‌کجا امتثال خواهد کرد در زمانیکه در اردوی سیاه‌بالا بودند محصل شاهی با آقا میر ابوالقاسم رفتند و بایشان‌گفتندکه بیا خدمت شریعتمدار جواب بدرشتی شنیدند خداوند عالم بندگان اقـدس شهریـاری روحنافداه را وجناب ملجاءالانام حاجی سلمه‌الله از عموم بلیات محافظت نمایدکـه شمارا مطمئن میفرمایند و حکم میکنند اثری نمیکند و درانجام انفاذ حکم و فرمان خودشان نیستندکه مؤاخذه ازکسی نمایند تاعبرت دیگران شودآخر این‌چه‌حکایت استکه همچه عالم‌ربانی که دائما مراقب دین‌و آئین شریعت وهمیشه اوقات درفکر خیرخواهی دولت‌علیه میباشدکه برهیچیك ازاین‌حکامیکه دراینولایت آمده ورفته و هستند پوشیده نیست درباب جواب مسئلهٔ که بحق نوشته‌اند باین نوع هتك حرمت شود هیچکس در این باب درمقام مؤاخذه برنیاید دیگر جرأت میشودکه حق‌گوئی شود یاوکالت برحق اقدام شود العاقل یکفیه الاشاره زیاده از این چه‌نویسم‌خداوند

عالم بسلامت بدارد سرکار امیرموسی‌خان را که بعقل وادراك خود همهٔ امور را رسیده و فهمیده‌اند و از رموز کار مطلع گشته‌اند هرگاه جناب ملجاءالانام از ایشان بپرسند وبنویسند حقایق امور را بایشان عرض خواهند کرد .

باقی ایام عزت مستدام باد

۲۹

نامه‌ایست‌دوستانه که‌در آن اشاره‌ای‌دارد به‌شورش‌والی‌زادهٔ کردستان وپیوستن میرزا محمدحسین نام استرابادی از استراباد بدوورفتن مادرش به‌کرمانشاهان بسراغ پسر و رفتن پسرش به آذربایجان بر اثرعقب‌نشینی .

بعرض مقدس میرساند که در زمانیکه طایرخیال در فضای جناح‌حال و پرسش احوال آنصاحب بیهمال درطیران بوده رقیمهٔ کریمهٔ ملاطفت تمیمه که ازفرط محبت و مهربانی بیادآوری این مهجور قلمی و ارسال داشته بودند واصل چون سلامتی وجود مسعود را حکایت داشت سرور غیر محصور حاصل وبخصوص میرزا محمد-حسین نام استرابادی که بآنروش مرقوم فرموده که والدهٔ بیچاره‌اش بسراغ‌او الی دارالدولهٔ کرمانشاهان آمده و از جانب مخلصان اهتمامی شده که اورا پیدا نمودند بهمراهی والده روانهٔ موطن نماید حسب‌الفرموده سعی‌مالاکلام بعمل‌آورده درزمان شورش والی‌زادهٔ کردستان او من‌جملهٔ آنها بوده است بعد از اتمام امر او میرزا محمدحسین مزبور خود را به آذربایجان کشانیده این روزهاگویا در تبریز باشد هرگاه اینولابود هرآینه مخلص او را بهرنهجی بوده است روانه میساختم از جانب مخلص اهمال واغفالی واقع نشده است الی درین اوان عالیشان رفیعمکان‌حبیب‌الله-بیک غلام پیشخدمت خدمت‌هری‌باره‌خدمت میشد بتحریرذریعه‌پرداخت‌مترصداست

که الی اوان دریافت... دیوانی مجاری احوال‌خیریت اشتمال‌را باهرگونه خدمات لایقهٔ مسرت بخشای خاطرمخالصت نمای باشد.

ایام افاضت و اقبال‌بکام باد.

۳۰

نامه‌ای رسمی ودیوانی مورخ ۱۲۶۴ هـ . ق .

این نامه از دیوان اعلی‌به ابراهیم بیگ تفنگدار نوشته شده که‌در باب قریهٔ میرمحله وچوپلانی سیدفضل‌الله و حاجی میرزا خانجان درمحضر آقا محمدعلی اشرفی حاضر شوند و بمرافعه امر را تمام کنند و اگرهریك از طرفین به‌تعلل‌وتسامح برگزارکنند جریان امر به دیوان‌اعلی نوشته شود.

عالیشان معلی‌مکان ابراهیم‌بیگ‌تفنگدار‌را منهی‌میدارد که چندی قبل‌عالیجاه‌مقرب الخاقان عباس‌خان بیگلربیگی‌بعریضه بخاکپای مبارك‌اقدس همایون شهریاری‌روحنا فداه عرض‌کرده بود که درباب قریهٔ میرمحله وچوپلانی که عالیجناب سلالةالسادات العظام آقا سیدفضل‌الله و عالیجاه حاجی میرزا خانجان در دیوانخانهٔ مبارکه التزام داده بودند که درمحضرجناب عمدةالفضلاء العظام مجتهدالزمان ملامحمدعلی‌اشرفی مرافعه تمام شود وکیل‌سید بمرافعه حاضرنشده امر را درعهدهٔ تعطیل‌گذاشته است و بناش باختلال و تضییع حق است و حسب‌الامر درحاشیهٔ التزامی که عالیجناب سید بدیوانخانه منحصر بود نوشته شده بود که در صورت صدق ملك مزبـوررا مقرب الخاقان عباس‌خان متصرف شود و هروقت‌که وکیل سیدحاضر شود مـرافعه راتمام نمایند وکردم عالیجاه بفورنوشتهٔ مزبور را ناتمام برد و عالیجناب سیدمعزی‌الیه از کیفیت مطلع و در دیوانخانهٔ مبارکه اظهار وخود شـرفیاب حضور مبارك همایون روحنافداه شده معروض داشت‌که مقرب‌الخاقان عباس‌خان خلاف‌عرض کرده‌است

من در اینخصوص مدتهااست از جناب عظمت و جلالت‌مآب اجل اعظم ملجأالامم تعلیقه صادر وضمیمهٔ حکم دیوانخانه که درالتزام ممهورحاجی میرزا خانجان نوشته شده‌بوده کرده بودم وو کیل‌فرستادم که درخدمت جناب ملامحمدعلی‌مجتهدبمرافعه امر را تمام نمایند مقرب‌الخاقان بیگلربیگی‌تمکین بمرافعه نکرده جواب کردندسهل است‌بفرستاده‌هم اذیت‌نمودند وبرصدق‌اینمطلب استشهاد بمهر جمعی‌ازعلماواعاظم‌و اعیان آنحدود که ازگزارش مطلع بودند دردست دارم واستشهاد را هم ابراز نموده حکم همایون بالمشافهةالعلیه شرف صدور یافت که آنعالیشان حکماً وکیل طرفی‌را خدمت‌جناب مجتهدالزمان‌آخوند ملا محمدعلی‌برده یکماهه مرافعه‌را باتمام‌رساندو اگر تعلل ورزد مورد سیاست شدیده گردد لهذا بآنعالیشان بـرحسب حکـم محکم قلمی و تأکید میشود که بوصول نوشته بااطلاع حـاکم ولایت حکماً وکیل جناب آقاسید فضل‌الله را با وکیل مقرب‌الخاقان عباس‌خان خدمت جناب معزی‌الیه بـرده که بترافع طی دعوی شده حکم شرعی برحقیقت هریك از طرفین صادرگردد و از آنقرار معمول و حق را بمن‌له‌الحق موصول دا[ر]د و مقصود از حکمی که چندروز قبل درحاشیهٔ التزام که بمهرجناب سیدممهوربود اقدام بمرافعه واتمام امربوده‌است‌و آنحکم منسوخ است حال کـه جناب سید عالیجنابان آخونـد مـلا اسمعیل و سید ابوالقاسم را از جانب خود وکیل کردند و در آنجا حـاضر میباشند دیگر راه‌طفره مسدوداست اگراهمال وتغافلی شودالبته ازتکاهل‌آنعالیشان‌است‌البته بطریقی که... شدوکیل‌هریك‌ازطرفین که بخواهند مماطله وتعلل نموده بمرافعه‌حاضرنشوند نوشته ازجناب مجتهد معظم‌الیـه‌گرفته وخود عالیشان شرحی بنویسدکه وکیل‌کدام طرف قدام‌کرد وکدام طرف تعلل کرد و روانهٔ دربارمعدلت‌مدارنموده که بخاکپای مبارك عرض و بدانچه حکم همایون شرف صدور یابد بعالیشان ابلاغ شود.

بتاریخ غرهٔ شهر ربیع الثانـی سنهٔ ۱۲۶۴ قلمی شد

۴۱

نامه‌ایست که یك تن از طرفداران سادات به‌عباس‌خان‌حاکم‌استراباد که املاك موقوفهٔ ایشان را تصاحب کرده نوشته و در آن شرحی‌دربارهٔ اهمیت سادات طبق احادیث نبوی قلمی کرده است .

انشاءالله تعالی عالیجاه رفعت‌جایگاه عزت و جلالت اکتناه عمدةالامثال والاشباه زبدةالخوانین‌العظام‌مقرب‌الخاقان موفق باطاعت خالق جهان ومؤید باحسان بندگان خداوند زمین‌وآسمان بوده تصاریف ایام ومروراعوام بر آن عالیجاه مقرون بارتکاب مرضیات الهیه باشد اولاً ازمحض خیرخواهی مرقوم می‌داردکه عمدهٔ ثمرات‌حیوة دنیا اینست‌که انسان مادام‌که‌جان درتن و روح در بدن دارد مرتکب اعمالی‌شودکه بواسطهٔ آن اعمال فائزگردد بمثوبات اخرویه‌ومتنعم شود بنعم باقیهٔ ابدیه نه‌اینکه العیاذبالله صرف نماید عمر عزیز را در اموریکه موجب طرد از ساحت رحمت‌الهیه گردد و تکالیف عباد مختلف است و مراتب قدرت براقدام بامور مطلوبهٔ محبوبهٔ مستحسنه متفاوت است مثلاً یکی‌را قدرت همین قدراست‌که خود را بنفسه برامتثال اوامر واقدام بعبادات بدارد مطلوب‌درحق اوهمین‌قدراست و دیگری‌را علاوه‌براین قدرت این هست که دیگرانرا نیز هدایت نموده نحوی نمایدکه دیگران نیز سالك مسلك اطاعت وعبودیت شوند مطلوب درحق او اقدام براین امر است و همچنین شخصی را قدرت احسان بیك نفراست مطلوب درحق او همان است وشخصی‌فرضاً قادر براحسان برصدنفر یاهزار نفر یاخلق ولایتی مطلوب درحق او آن است‌پس آن خداوندی که بقدرت کامله ومرحمت شاملهٔ خود شما را مسلط برخلقی و حاکم بر ولایتی‌گردانیده و قدرت اینمعنی دارید که احسان برخلقی‌کثیر کرده باشید مطلوب از شما همان است و هرگاه خلاف آن العیاذبالله از شما صادر شود

ندامت و پشیمانی خواهید کشید و معلوم است مراتب اشخاص که احسان بآنها لازم است نیز مختلف و متفاوت است و مـراتب احسان نیز باین واسطه متفاوت میشود مثلاً احسان بسادات عالیدرجات واعانت ذریهٔ طیبهٔ فخر کاینات علیه‌وعلی آلـه آلاف التحیات اعلی مراتب‌احسان واقصی مدارج اعانت است خصوصاً هرگاه این سلسلهٔ علیه بمراتب فضل‌و تقوی بمدارج دیانت وهدی‌مزین و محلی بوده باشند چنانچه‌از حضرت امام‌المغارب والمشارق مولانا جعفرالصادق صلوات‌الله علیه مرویست کـه فرمود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چهار طایفه‌رامن‌شفاعت میکنم اگرچه‌گناه‌هریك بقدرگناهان اهل دنیا باشد کسی که‌گرامی دارد ذریهٔ مرا وکسی که حاجت ایشانرا برآورد وکسی که سعی درحوایج ایشان نماید وکسی که ایشانرا دوست دارد بدل‌و زبان و نیز از رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله مرویست که‌آن حضرت فرمودند کسی که اعانت کند ذریهٔ مرا در دنیا بقیراطی مکافات میدهم او را درآخرت بقنطاری مخفی نماندکه بیست‌ودو قیراط یکمثقال است و یکی از تفاسیر قنطار اینست که پـوست گاوی که مملو از زر بوده باشد پس خوشا براحوال بندهٔ کـه در احسان بذریهٔ فخر کاینات ساعی وداعی بوده‌باشد و چنانچه احسان بذریهٔ آنجناب احصای ثواب‌آن و ثمرات مترتبه برآنرا نمی‌توان نمود همچنین در مقـابل در خصوص ایذای ذریهٔ آن جناب‌العیاذبالله عقوبات مترتب است که تعقل آن نمی‌توان نمود چنانچه از مـولای امم وهادی طریق یقین حضرت امیرالمؤمنین‌علیه‌التحیه من‌رب‌العالمین مرویست که فرمودند حرام‌است بهشت بر کسی که ظلم کند اهل‌بیت‌مرا واذیت کند مرا دراعقاب من و هر کس که بکندنیکوئی باحدی از اولاد عبدالمطلب و او جزانداده باشداورا برآن‌نیکی پس من جزای اورا میدهم فردای قیامت درهنگامی که ملاقات کندمرا و مرویست که فرمود رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه وآله وسلم بخدااقسم شفاعت نمی کنم در

حق کسیکه آزاررسانیده باشد ذریهٔ مرا ونیز مرویست که دختر ابی لهب ازمکهٔ معظمه هجرت کرد و وارد مدینهٔطیبه شدروزی شخصی باو گفت که دفع نمی کند از تو هجرت توعذاب و ننگ را تو دختر حطب النار ی پس عرض کـرد سخن آنشخص را بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله پس شدید شد غضب آنحضرت پس برمنبر بر آمد وفرمود چه میرسد بخاطر جمعی که آزارمی کنند مرا درآزار نمودن خویشان من آگاه باشید کسی که آزار کند خویشان مرا پس بتحقیق آزار کرده است مرا و کسی که آزار کند مرا آزار کرده است خدارا بعداز التفات بمراتب مرقومه برصفحهٔ خیرخواهی می نگارد که عالیجناب قدسی القاب فضایل ومعارف اکتساب محامد ومحاسن آداب زبدة النجباء الاطیاب محبوب مکرم آقاسیدفضل الله زیدفضله وتقویه از جملهٔ اخیار علما واتقیا و صلحا واجلهٔ سادات و منسوب بفخر کاینات علیه وعلی آله آلاف التحیات میباشـند و مدتی دراصفهان تشریف داشتند جزخیرو نیکی از ایشان و محاسن اخلاق مطلع نشدیم انصاف اینست که سیدی است جلیل القدر احترام ایشان ازجهات عدیده لازم وسزاوار است اهل بلدی که ایشان ازآن بلد درآن بلدبوده باشند فخر کنند بوجودمثل ایشانو ازجان و دل خدمت بایشان کنندنه اینکه سلوك بایشان نحوی نمایند که موجب تألمو آزار ایشان العیاذبالله بشود ملاحظه فرمائید درحدیث سابق الذکر که جناب رسالتـ مـآب فرمودند هر کـه اذیت کند ذریـهٔ مرا اذیت کـرده باشد مرا و هر کـه اذیت کند مرا اذیت کرده باشد خدا راحیف نباشد از مثل بلدی که مثل عالیجاه عباس خان که باین خوبی و نجابت وهمت ومکنت وعزت و اخلاص بخاندان سیادت وفضیلت حاکم بوده باشد و امور مثل عالیجناب مومی الیه مختل و غیرمنتظم بوده باشد مگر شما حکایت حاکم اهواز راکه ازشیعیان حضرت ابی عبدالله جعفر الصادق صلوات الله علیه بود نشنیده ایدبا آنکه ازحیثیت عزت ودولت و اخلاص بخانوادهٔ رسالت کمتر

میباشید جماعتی از اصحاب مارضوان‌الله علیهم روایت نمود مردی از اهل دهاقین مسمی بود بنجاشی و آن شخص عامل اهواز بود واهواز بنابرآنچه صاحب‌قاموس ذکر نموده چند قریه‌است مابین بصره وفارس پس شخصی از عمال آن عامل شرفیاب خدمت حضرت‌ابی‌عبدالله علیه‌السلام‌شد وعرض‌نمود که من بدیوان نجاشی خراجی باید بدهم ونجاشی ازجملهٔ شیعیان شما میباشد هرگاه مصلحت میدانید اورا سرافراز[کنید]بتوقیع رفیع خود مبتنی‌برسفارش من پس آنحضرت‌نوشتند‌بسوی‌او کتابی‌باین مضمون بسم‌الله‌الرحمن الرحیم سرّ اخاك یسرّك‌الله مسرورگردان‌برادر دینی‌خودرامسرورمی‌گرداند خداوند عالم تورا پس‌آن‌شخص فرمان حضرت را برد و وارد شد برنجاشی درحالتی‌که درمجلس حکومت جالس بود بعد از آنکه‌خلوت شد نزدیك بردفرمان حضرت را وگفت‌که این کتاب مستطاب ابی‌عبدالله علیه‌السلام است پس بوسید آنرا وگذارد بردوچشم خود وگفت چه چیزاست حاجت تو آن شخص‌گفت برمن‌خراجی است دردیوان تو گفت چه‌قدر است گفت ده هزار درهم پس طلبید نویسندهٔ خود را وامرکرد اورا بادای آن ومعادل همین مبلغ قرارداد‌که در سال آینده ایصال باونمایند پس‌گفت آیا مسرورگردانیدم تو را پس‌گفت بلی پس امرکرد بده هزار درهم دیگر بجههٔ اوپس‌گفت آیا مسرورکردم تو راپس‌گفت بلی فدای توگردم پس امرکرد ازبرای او بمرکبی پس امرکرد ازبرای اوبجاریهٔ و غلامی وبقچه لباسی درهرمرتبه می‌گفت آیا مسرورکردم تورا واومی‌گفت بلی واو زیاده می‌کرد عطایا را تا آنکه فراغت حاصل شد بعدازآن‌گفت برچین فروش این خانه راکه درآن مراشرف‌کتاب ابی‌عبدالله علیه‌السلام مشرف ساختی و تصرف‌نماو بدون مساهله هرحاجتی‌که از برای تو باشد مرا بآن مطلع بساز تابرآورم بعد از آن

آن شخص مسرورالخاطر بیرون آمد پس بخدمت حضرت ابی‌عبدالله مشرف شد بعداز آن پس عرض کرد واقعه را بخدمت آن حضرت بنحویکه وقوع یافته بود پس ملاحظه نمود بشاشت وبشارت در روی مبارك آن حضرت بجهة محاسنی که از آنشخص صدور یافته بود پس آن مرد خدمت حضرت عرض نمود یابن رسول‌الله گویا این سلوك نجاشی بامن شما را مسرور نمود حضرت فرمودند آری قسم بخدا بتحقیق مسرور گردانید خدا را ورسول خدارا تأمل کنید در صورتیکه نجاشی بالنسبه بغیرذریهٔ حضرت رسالت این احسانرا نمود و احسان او موجب سرور امام‌زمان و موجب سرور پیغمبر جهانیان و موجب سرور خداوند جهان بوده باشد هرگاه‌چنین احسانی بالنسبه بذریهٔ حضرت رسالت شود ثمرات آن چه خواهد بود و حال آنکه ارادت و اخلاص آن عالیجاه بائمهٔ اطهار از نجاشی کمتر نباید بوده باشد وبالقطع استحقاق وقابلیت جناب سید زیاده از آنشخص است بناءً‌علیه باعث‌چه شده فرامین ایشانرا در خصوص تیول‌قری ومزارع ووظایف و مستمری جاری ننموده‌اید فرض می کنیم این احسانها از بندگان ظل‌الله بایشان نشده بود مطلوب و مستحسن در حق شما این بود که خود جمیع حوایج و مطالب ایشان را بانجاح مقرون نموده باشید که مطلقاً احدی‌برآن غیرازخداوند جهان مطلع نشده باشد آخرشما تأمل کنید پیش خودهرگاه‌مسرت‌ایشان بتصرف‌درملك یاقریهٔ که بتصرف شمااست حاصل‌میشود چه قابلیت‌دارد شخص ملك خراب دنیا را نگاه دارد ونددهد هزار مقابل آن ازشهرهای معمورآبادان بهشت عنبرسرشت که نعم آن ابدی ولذت آن دائمی است بستاند البته دراین‌معامله‌کوتاهی‌نفرمائید که‌هرگاه مسامحه‌کنید غبن‌عظیم‌وحسرت بسیارخواهید داشت مجملاً صلاح دین ودنیای شما اینست که در مقام تحصیل سرور جناب‌سید مکرم برآمده نحوی نمائید که جمیع امور ایشان ازوظایف ومستمری‌وتیول موافق خاطرخواه جناب سید شده باشد مشعوف‌القلب ومسرورالخاطر روانهٔ عتبات عالیات

عرش درجات شده در آن‌جا مشغول دعاگوئی ونیابت زیارت بوده باشند.

والسلام‌علی‌من‌اتبع‌الهدی

۴۲

سواد نامه‌ایست که ظاهراً یکی از طرفداران سادات به دیوان اعلی نوشته‌و پس‌ازمقدمه‌ای طولانی‌دراهمیت سادات‌ازدستگاه خواسته است که وظیفه و مقرری سادات رابه‌ایشان برسانند و املاك وقفی ایشان که در تصرف و تیول عباس‌خان حاکم استراباد است وراضی به‌اجرای فرامین و احکام‌نشده قسمی‌نمایند که این امرمطابق‌رضای الهی جاری ومستمر گردد.

هو المعز

بعرض میرساند که چون مقصود از ترقیم این مکتوب ترغیب برصلهٔ ارحام‌رسول انام و تشویق برایتاء اجر رسالت برگزیدهٔ ملك علام علیه و علی‌آله آلاف‌التحیة والسلام است و منظور ایراد حکایت معتبری است مناسب اینمقام لهذا اعراض از تعارفات رسمیه نموده باصل مقصد پرداخت وعرض میشود که علامه‌اعلی‌الله مقامه در کشف‌الیقین از کتاب ابن جوزی و او از جدش ابی‌الفرج که باستاد خود رسانیده بابن‌خصیب که گفت بودم نویسندهٔ مادرمتوکل‌خلیفه پس روزی خادم صغیری‌ازمادر متوکل نزدمن آمد باکیسهٔزری که هزار اشرفی در آن بود وگفت مادرخلیفه میگوید این مبلغ را بمستحقین‌بده‌که از حلال‌ترین مال من است و بنویس اسم جمعی‌راکه بایشان میدهی تا آنکه هرگاه بعد ازین نزد من آیند چیزی بایشان بدهم ابن‌خصیب گفت بخانه رفتم و مردم خود را جمع کردم و از ایشان سئوال مستحقین را کردم جمعی را نشان دادند بایشان سیصد اشرفی دادم باقیش نزد من‌ماند تانصف شب که

ناگاه شخصی درخانه را میزد پرسیدم کیستی گفت فلان مرد علویم و او همسایهٔ من بود رخصت داخل شدن باو دادم و گفتم مقصود از آمـدن در این وقت چیست گفت گرسنه‌ام پس یکعدد اشرفی ازوجه مذکور باودادم پس نزد زوجهٔ خود رفتم پرسید چه کس بود که تورا دراین‌وقت میخواست گفتم‌شخصی از اولاد پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌و آله و نبود نزد من چیزیکه باواطعام کنم پس دادم باویك اشرفی گرفت ودعا کرد و رفت زوجهٔ من از خانه بیرون آمد گریه کنان و میگفت حیانداری که اولاد پیغمبررا یك اشرفی می‌دهی وحال آنکه استحقاق اورا میدانی آنچه مانده است‌باوبده سخن او در دل من اثر کرد ازعقب آن سیدرفتم و کیسهٔ اشرفی را باو دادم چون بـرگشتم بخانهٔ خود پشیمان شدم و باخودگفتم این خبر بمتوکل میرسد و مرا میکشد چونکه باعلویین دشمن است وزوجهٔ من گفت مترس وتوکل‌نما برخدا و جدّ علویین دراین سخن بودیم که درخانه را زدند و مشعلها در دست خادمان ظاهر شد و میگفتند تورا می‌طلبد مادرمتوکل برخواستم بترس واندیشه و اندك راهی که‌میرفتم رسولی‌متواتر میرسید درطلب من پس درپس پردهٔ سیدهٔ خود ایستادم شنیدم که میگفت‌ای‌احمد و ظاهر این است که احمد اسم ابن‌خصیب بوده جزا دهد تو را خدا به‌خیرونیکوئی‌و جزا دهد زوجهٔ تو راکه بودم در این ساعت‌خوابیده و درخواب من‌آمد رسول‌خدا صلی‌الله علیه وآله وگفت جزادهد تورا خدا خیروجزا دهد زوجهٔ ابن‌خصیب‌راخیر چیست معنی این کلام و چه‌نیکی از شما بفعل آمده پس حکایت‌را تمام باوگفتم واو گریه میکرد پس بیرون فرستاداشرفی بسیار و جامه‌وگفت این از علوی‌واین اززوجهٔ تو واین ازتو وآنچه فرستاد مساوی صدهزار درهم بود پس آن مال‌راگرفتم وآمدم براه خانهٔ علوی پس زدم درخانهٔ او را از اندرون خانه‌گفت یا احمد بیاور آنچه بـا

توهست و بیرون آمد وحال آنکه گریه میکرد سبب گریه را پرسیدم گفت چون داخل منزل خودشدم بمن گفت زوجهٔ من چیست باتو باوگفتم واقعه را بامن گفت برخیز تا آنکه نماز کنیم ودعا درحق مادر متوکل واحمد وزوجهٔ او کنیم بعد ازاین خوابیدیم پس درخواب دیدم رسول خداصلی‌الله علیه‌وآله راکه میفرمود بتحقیق که شما شکر کردید بآنچه از احسان بتو کردند در این ساعت می‌آورند از برای توچیزی قبول کن و نیز عرض میشودکه قال‌رسول‌الله صلی‌الله علیه‌وآله اربعة اناشفیع لهم‌یوم‌القیمة ولوجآوءبذنوب‌اهل‌الدنیا المکرم لذریتی و القاضی لهم‌حوائجهم والمحب لهم‌بقلبه ولسانه والساعی فی‌امورهم بعداز تمهید این‌مقدمه زحمت میدهدکه عالیجناب‌قدسی القاب فضایل ومعارف اکتساب زبدةالعلماءالانجاب عمدةالسادات الاطیاب محبوب مکرم معظم آقاسیدفضل‌الله استرابادی‌زیدفضله‌ازجملهٔ اجلهٔ نجبای سادات‌عالیدرجات واعزهٔطلاب علوم‌دینیه وعلما میباشند مطلع‌ازاحوال و اوضاع ایشان شده‌ایم‌بجهات عدیده واجب الرعایة ولازم‌الاحترام میباشند مطالبی چند دارندکه هرگاه فی‌الجمله التفاتی بفرمائید امرایشان منتظم خواهدشد بجهة آنکه احداث امرجدید وقرار تازهٔ در نظر ندارند الاآنکه بندگان شاهنشاه اسلام‌پناه مدالله‌ظله علی‌الـرؤس والجباه از راه مرحمت فرامینی بایشان عنایت فرموده‌اند درخصوص حق‌الارض پنجدانگ‌قریهٔ میرو محله و مزرعهٔ چوپلانی‌که بایشان برسانند نظربفرامین سلاطین سلف‌وخلف و حکم بعض علماء عصر که این خادم شریعت مطهره برلزوم متابعت‌آن‌حکمی مرقوم داشته مفاد آنها وقفیت پنجدانگ قریه و مزرعه است و همچنین درخصوص‌بیست‌و پنج خروار شلتوك‌که بعنوان وظیفه‌ومستمری‌بمعزی‌الیه مرحمت فرموده‌اندوانضباط امر وظیفه ومستمری سابق ایشان‌چون‌قریهٔ مزبوره ازقراریکه مذکورشد درتصرف‌و تیول مقرب‌الخاقان عباس‌خان حاکم‌استراباد است مومی‌الیه راضی‌باجرای فرامین‌و

احکام نشده لهذا قسمی فرمائید که این‌امر مطابق رضای‌الهی جاری و مستمر گردد و همچنین توقع دیگر آنکه مستدعی میباشند که بیست و پنج خروار شلتوك مستمری ایشان بازاءِ مالیات قریهٔ فوجرد یادودانگ علویکلاته‌محسوب شود واز قریهٔمزبوره معادل‌آن‌تیول فرموده‌باشندالبته ملتفت اینمعنی میباشند که‌ضعیفه باضعف عقل‌وقصور فهم چگونه حسنهٔ از اوصدور یافت که در دنیا مستحق چه نحو عنایات شد علاوه بر آنچه‌مثوبات‌اخرویه بمقتضای‌حدیث‌نبوی‌بجهة آنهامهیااست هرگز راضی‌نخواهیم شد ما بادعای مردانگی وعقل و فهم و تمکن ازآن نسوان‌کمتر باشیم وقسمی‌ننمائیم که رسول خدا و باعث ایجاد ارض و سماء را از خود راضی نمائیم وفائز گردیم بمثوبات غیرمتناهیه زیاده زحمت نمی‌دهد وحاجت هم نیست وهمین قدرهم‌کافیست.
والسلام علیکم و رحمةالله

۴۳

نامه‌ایست‌که یکی ازمراجع شرع به‌دیگری نوشته و جواب‌ایراداتی راکه ظاهراً در نامه‌ای‌که بدونوشته بوده ، داده است . این‌نامه‌از نظر نافذ نبودن احکام در مقابل زور حکام واختلاف نظرمحاضرو محاکم قابل مطالعه است .

غرض آن‌که از اقل اذل‌که سخنان غیر مناسب صادر نشد الااینکه گفتم که معاملات استراباد راعلمای آن بلدبهتر وقوف دارند چون خطوط وامهاروا‌حوالات علما واخیار و امور واقعه وشواهد متضمنه وقرائن وافیه را چون اهل‌البیتندادری‌اند با اینکه شما نوشتجات بداعی درباب سرطاق نوشتید که هرکه می‌شنید دماغش می‌سوخت در فقاهت وجملهٔ مراتب شبهه گردید حتی اینکه داعی از شما هرگز گویا خواهش نکرده بودم عرض‌کرده بودم از روی‌وقفنامه و نوشتهٔ سابقه چیزی

مرقوم دارید که تولیت با اورع واتقی است در جواب چیزی نوشتید که هیچ بکاری نمی‌خورد خلاصه اجابت نفرمودید سهل است مرقوم داشتید که فلانی سابق اجاره داده است تو مداخله مکن وحال اینکه عنوان اورع واتقی بود نه مطلق حاکم اسبق لحوق ملاحظه شود تا اینکه همهٔ آقایان به‌ارض‌اقدس در یوم سیم رئیس رفته بودیم بعد از سه چهار ماه با شاه و اعتضادالدوله به استراباد آمدند در این مرحله گفتگوی ایشان شده بود ادعا نمودند در روزی که نعش مرحوم رئیس را آوردند ما اجاره دادیم در این سال داعی استحضار نداشت تصرفات کرده بود و حال اینکه محض اجاره علی‌الظاهر تصرف در موقوفه می‌شود خاصه با عدم ملاحظه غبطه چون اجارهٔ ایشان درشصت خروار واجارهٔ داعی در هشتاد بود و اسم آقازاده در اجاره محض حرف بود و اجاره به دماوندیها نیز یك خلاف مصلحت وقف بوده چنانکه مرحوم رئیس ابداً اجاره به ایشان نمی‌داد چنانکه حال ازحکم سرکار تخلف وانحراف ورزیده ازشاهزاده اجاره کردند این هم عمده دلیل براعتبار ایشان است با این همه دست برداشتم مؤمن هم نتوانست بگیرد آن شاهزاده شلتوك آنرا بدستیاری دماوندیها سوخت سیاه کرد گذشتم که دیگر چیزی خواهش‌ازغیرامام (ع) نخواهم کرد اگرازخودکاری پیش بردم فبهاالمطلوب والاّ بجائی نمی‌نویسم واما در واقعهٔ سادات و خوانین درواقعهٔ‌چوپلانی‌درسابق حسب‌التاریخ‌المزبورنوشتند داعی رسیدگی کرده بودم هنگامی که خوانین در استراباد بودند نوشتجات ایشان را در آن وقت دیدم و حال حسب‌الفرمایش نوشتجات طرفین را نیز ملاحظه نمودم خلاصه آنچه من یافتم حق با سادات است قصه‌کونهم علی‌الحق آنکه درباب حکم مرحوم حاجی ملارضااعلی‌الله مقامه بقدربیست‌نفر... معمرین وغیرهم از اصل‌وفرع در محضراقل‌تأیید کرده‌بودند براینکه حاجی‌اجبار بحکم نمود در آن واقعه وجمعی از علما و سادات نیز در اشتهاد اخبار بحکم را از حاجی مرحوم حکایت نموده

بودبه اصل ضدو رد وداعی اخبار را در صورت بقاء دوام حکومت و متنفذان نافذ می‌دانم‌از آن جمله جناب ملارضاعلی که سلمان زمان بود دراین‌خصوص به‌خط خود نوشته بود وعبارت‌خودحاجی نیزدال براین‌است‌به‌تصریح حکمی برموضوع‌فتوائی چنانکه مرحوم حاجی ملامحمدتقی‌فهمیده وآخوند رئیس رحمة‌الله‌آن‌را پسندیده و گفته‌که باقلت بضاعت این واقعه‌راخوب فهمیده وایضاً درآن طبقه همهٔ علماء‌حکایت وقف را نوشتندواجلاء سادات نیز بروقف شهادت نوشتن حاجی‌ملاآقابابا... کندی آخوند ملاعلی کندابی‌که در آن زمان عالم موثق بودند درباب وقف نوشتن‌مرحوم حاجی ملاعباسعلی ومرحوم حاجی سیدنصرالله استرابادی‌که در طهران بود همه در مضمون وقف‌عریضه نوشته . . . . خلاصه طبقهٔ قبل‌از شریعت‌مدار همهٔ علما بر- وقفیت نوشتن و مرحوم شریعت‌مدار نیز برامضای احکام نوشتجات عدیده نوشت در اول نوشتجات عدیده حسب‌الآثارالتصرف از مرحومان رضاخان و امامقلی خان در قلم آورد و بعد از ملاحظهٔ احکام سادات امضای احکام ایشان نمود و بعدها بر همین مصر بودتا اینکه عباسخان بیگلربیگی با او بد افتاد بجهة همین درآخرحاجی حسنخان را در اشرف چوب زد و به‌اندك التفاتی معلوم می‌شودکه این نوشتجات تاریخاً مؤخرند بااینکه‌قباله‌وبنچاقات‌واسترشادات خوب بروقفیت دارندونوشتجات معتبرهٔ بسیار در این باب دارند و ایضاً امام‌جمعهٔ طهران نوشته نظر بنوشتهٔ حاجی ملارضاکه مشروحاً قلمی داشته معلوم می‌شودکه حاجی نوشتهٔ دیگر ابسطی نوشته بودکه حال دربین نیست خلاصه شواهد وضمائم وقرائن همه را نمی‌شود درتحریر آورد واما توهین‌اینکه حکم مرحوم حاجی چرا عمل نشد واضح است باحکومت رضا خان و امامقلی‌خان و بودن ایشان مقرب‌الخاقان البته حکم پیش نمی‌رفت ازسادات ضعیف چه‌کارساخته می‌شد، واحتمال اینکه حاجی مرحوم مراجعه‌نمود و

یا حکم اوثق برخـلاف صادر شده کـه حکم معمول نشده پس حال نمی‌شود بـه مقتضای آن حکم کـرد بی‌وجه است زیرا کـه این مثمر است در صورت تجدید و تعدد آن یادرصورت احتمال این و امادرصورتی که ید واحد باشد همان ید رضاخان وارث از او مستمر باشد پس درصورتی که‌حکم برغصبیت‌صادر شده‌البته‌مستصحب است و احتمال مجوز بیع وقف نیز راه ندارد زیرا کـه قـریهٔ میرومحلـه از زمان رضاخان تاحال معموره و از دهات معظمهٔ استراباد است مجوز بیع در دست نیست وانگهی ابتیاع ایشان از طوایف دیگرشده و از زمان حکم مرحوم حاجی الی حال قطعاً مجوز بیع نباشد واما نوشتجات‌قاجار وخوانین ازقباله وبنچاق‌که مهرمعروفی درآنها نیست منتهی اینکه سوادمطابق اصل است مهر بسیاردارد از معتبرین‌وغیرهم وافی دلیل نمی‌شود وانگهی کسی درست ملاحظه کند در آن قباله و خطوط اجاره ملکیت ایشان ظاهر می‌شود زیرا که اجارهٔ میرمحله هزار خـروار استرابادی و آب آن قریـه رودخانهٔ عظیمهٔ ترنگ است و حال مرحوم آن قریه را از فلان و فـلان خریده به مبلغ کمی که هردوقریه به‌یك‌صدوپنجاه تومـان نمی‌رسد و علمای بعد از مرحوم حاجی‌ملارضا بعداز استحضارهمهٔ امضای حکم ایشان در نوشتن‌حتی‌مرحوم آخوند رئیس شهید و مرحوم حاجی ملا محمد تقی الا آنکه در آخر بجهة ...... اینکه این حکم برموضوع فتوائی است نه حاصل خصومت بحسب آثـار تصرف چیزی نوشتن وانگهی‌دربسیارجاها دیدم که‌شمابرحکم بعض که لفظ قضیت‌والزمیت نداشت و لفظ حکم محقق ارجاع نشده امضا نوشتید این نیز مثل آن وقـایع است باری وثوق و اطمینان به‌اجبارمرحوم حاجی به‌صدورحکم کردم‌حال شمامی‌خواهید قاجار را حسب آثارالتصرف صورت حکم مـرحمت کنید اختیار داریـد و سادات بصلح راضی نمیشوند ....

۳٤

نامهٔ مورخ ۱۲۶۰ هـ . ق .

نامه‌ایست که به‌شاهرخ‌خان‌صاحب‌اختیار استراباددر بارهٔ سیدفضل‌الله استرابادی نوشته‌اند تاوظایف‌ایشان‌راتحویل دهند وقراء موقوفهٔ ایشان را به تصرف خود ایشان واگذارند.

هو

عرض می‌شود چون جناب قدوة العلما آقا سید فضل‌الله استرابادی از جمله دعاگویان خاص‌اقدس‌همایون شاهی‌روحنا فداه وازاشراف علمای استراباد است و رعایت جانب ایشان را از هرجهة طالبم سابقاً از شما خواهش نمودم و نوشته هم فرستادم و جناب آقائی حاجی دام مجده‌العالی هم شرحی دراینخصوص مرقوم فرمودند که مزرعه و قریهٔ چوپلانی و میرمحلهٔ وقفی هر[دو] در تصرف خود جناب معزی‌الیه باشد و از جمیع علماء احکام شرعی در دست دارد و امضای حکم مرحوم مغفور حجةالاسلام حاج سید محمدباقر اعلی‌الله مقامه را در دست دارد و شما هم تعهد نمودید که‌باجناب سید کمال رفتار راکرده قراء مزبور را بتصرف‌ایشان‌واگذار داشته و احدی را نگذارید که دخل وتصرف کند و مستمری جناب مشارالیه و کسان او راکه بخرج دستورالعمل شما منظور شده است برسانید از قراریکه مذکورافتاد با آن همه تعهدات رعایت جناب‌معظم‌الیه را منظور نداشته‌اید و بکسان ایشان‌محبت نکرده‌اید و وظایف ایشان را با آنکه بخرج شما آمده است نداده‌اید جمیع ارباب وظایف را از خود راضی نموده‌اید جز کسان او راکه از خود دل‌شکسته داشته‌اید

باری مجدداً نگارش می‌شود و بخصوص از شما خواهش دارم که کمال محبت را نموده رعایت جناب سید را منظور داشته دهات مزبور را قدغن نمائید که احدی مداخله نکند و بتصرف خود ایشان واگذار باشد و وظایف کسان ایشان را برسانید که کمال رضامندی را حاصل خواهم نموده و اینمعنی موجب رضامندی‌وخوشنودی من است البته البته ازین قرار رفتار کرده کوتاهی ننمائید.

تحریرا فی‌غرة شهرذی‌الحجةالحرام سنة ۱۲۶۰

[برbالای این‌نامه باخطی که خلاف جهت سطور متن نوشته شده عبارت زیراست :]

نواب شاهرخ‌خان صاحب اختیار استراباد مفتوح شده ۸۶۴۲.

۳۵

نامه‌ایست رسمی و دیوانی مورخ ۱۲۷۴ هـ . ق .

دراین نامه پس از سفرقاری‌قلعه رضابیگ پیشخدمت خاصه را به استراباد فرستاده‌اندنامراحم‌خسروانه رابه‌هریك‌ازهمراهان ابلاغ نماید وبرای ایلخانی‌هم یك ثوب جبهٔ ترمهٔ‌کرمانی فرستاده‌اند.

عالیجاها مجدت ونجدت همراها نورچشما اینمعنی‌اظهر من‌الشمس‌است واحتیاج به بیان ندارد که اهالی استراباد خاصه آن عالیجاه از پدر واجداد نسبت باین دولت ابدبنیاد از همهٔ اهل ایران بقدمت خدمت و سبقت فدویت سمت برتری دارند و در حقیقت‌آنولایت ام‌البلدان واهالی آنجا فطرتاً مولود برخدمتگزاری وارادت‌شعاری این دولت جاویدبنیان میباشد واعلیحضرت قدرقدرت شاهشاهی روحنافداه همواره بذل عنایات مخصوصه را در بارهٔ هریك از اهل‌آنولا منظورنظر مرحمت انتماء

دارند لهذا دراین اوقات که زحمت سفر قاری‌قلعــه وخدمت اهل آنولایت مسموع باریافتگان‌حضور مهرظهور گردید محض‌اظهارعنایت شاهانه عالیجاه‌اعزی‌محمدرضا بیگ‌پیشخدمت خودم‌ازرکاب مستطاب مأمور آنولا شدکه مراتب‌مراحم‌خسروی‌را بهریك ابلاغ نموده بعواطف خاطــر بیضا مظاهر امیدوارشان سازد و نظر بآنکه از خدمات آنعالیجاه مقرب‌الخاقان برادر مهربان ایلخانی بخصوصه اظهـار رضامندی نموده بودند ازجانب‌سنی‌الجوانب همایون یك ثوب جبهٔ ترمهٔ‌کرمانی برسم خلعت دربارهٔ عالیجاه مرحمت‌گردید مصحوب‌مشارالیه‌ایفادشد باید ازظهور اینگونه‌عنایت برمراتب صداقت‌شعاری وخدمتگزاری افزوده یوماً فیوماً حسن‌خدمت خودرا ظاهر سازد ومورد‌مزیدعنایات‌شاهانه آیدیقین‌است‌که استرابادی‌بغیرت‌خودنخواهدپسندند که ترکمان‌یموت باینطورجری‌شده بی‌اعتدالی‌نماید وانشاءالله تعالی‌بامقرب‌الخاقان برادرمهربان یکدل‌و یك‌زبان وهمدست و همداستان شده بزودی تلافی آن خسارت طایفهٔ ضالهٔ مزبوره را بخوبی بکنید و مردانگی وجلادت خــود را وقطعاً دراظهار خدمت وفدویت‌نسبت بدولت قوی‌شوکت خودداری‌نخواهند نمود و هرگونه‌مهمی که داشته باشد نیزقلمی واظهاردارد‌که بانجام خواهدرسید زیاده‌ضرورتأکیدنیست.

تحریرا فی‌شهر رمضان المبارك سنهٔ ۱۲۷۴

۴۵

نامه‌ای شکایت‌آمیز بامهر هفده‌تن ازسکنهٔ محلهٔ باغشاه استراباد به شاهزاده امیرخان سردار که حمام شاه از ابنیهٔ شاه عباس است که پس‌ازخرابی، اهل گذر آن‌راآبادکرده‌اند واجارهٔ‌آن وقف‌برفقراو ضعفاست وکسانی که دستشان تنگ است مجاناً به حمام می‌روند اکنون آقاشیخعلی‌طمع دراین‌حمام‌کرده‌ومی‌خواهدصیغه‌بخواند و هرشب با برادر وپسرش چوب وچماق مـی‌کشد و قصدآن دارد، نوعی فرمایندکه اسباب آسودگی ساکنان این محله فراهم آید.

فدای وجودمبارکت شویم عرض‌واستدعای‌اقل دعاگویان‌آقایان سادات‌وحضرات قاجاریه وسایر سکنهٔ محلهٔ‌باغشاه بذروهٔ آستان ملایك پاسبان حضرت مستطاب‌ارفع امجد والا شاهزاده امیرخان سردار روحنافداه آنست‌که درخصوص حمام شاه‌که‌از ابنیهٔ خلدآشیان علیین‌مکان شاه‌عباس طاب‌ثراه میباشد سالهای قدیم خراب شده بود همین اهل‌گذرآباء واجداد دعاگویان درمقام مرمت آن‌برآمدند وهمواره وجه‌اجارهٔ آن وقف برفقرا وضعفای این محله بوده است و فقرا مجاناً بحمام میرفته‌اند و ملای این محله بصلاح و صواب‌دید اهل محله صیغه میخواند من‌جمله از آن ملاها یکی آقا شیخعلی است‌چون آقای مزبور شخصی است پرطمع و بـی‌دیانت مقصود او این است‌که تمام وجه اجارهٔ‌حمام را خودش بتنها بلع نماید و علاوه قصدتملیك‌هم دورنیست اگر پیشرفت‌کند داشته باشد و این علامت وآثاری‌که از آن پادشاه‌کامکار یادگار مانده‌که اسباب خدابیامرزی است میخواهد از صفحهٔ روزگار براندازد لهذا دعاگویان محض مراعات حال فقرا و ابقاء نام نیك از برای‌آن پادشاه راضی‌نیستیم که آقا شیخعلی حمام را صیغه بخواند و پای او دخیل باشد حسب‌الفرمان حضرت والا جناب آقا شیخ عبدالکریم برضایت اهل‌گذر حمام را صیغه خوانده دادند به

محمدجعفر نام بمواظبت و رسیدگی برادرش استاد اسمعیل سالی مبلغ شصت پنج تومان که بیست پنج تومان قبض از برای فقرا از قرار تفصیل درخارج موضوع شد بیست تومان هم قرارشد که مرحوم حاجی محمدحسن یك جای نمازخانه در حمام بسازد و مابقی وجه اجاره نزد شخص معتبری بـاشد هر وقت خرابی بحمام وارد آمـد در مصارف آن مصروف دارند وحال این محمدجعفر نام مستأجر شخصی است بی اعتبار و بی کفایت از عهدهٔ نگاه‌داری حمام بر نمی‌آید میخواهد استاد اسمعیل برود سر حمام شیخعلی بابرادر و پسرش هرشب چوب وچماق می کشند خیال افساد دارند میخواهند دعاگویان را متهم سازند و استاد اسمعیل بهمه‌جهت آراسته است از عهدهٔ نگاه‌داشتن حمام وپرداختن وجه اجاره برمی‌آید مستدعی آنکه مقرر فرمائید اوسرحمام بنشیند بجلال قدرالهی وبولای حضرت رسالت‌پناهی وبسرمبارك حضرت والا قسم است که دعاگویان بجز احیای حمام و مراعات حال فقرا دیگر غرضی نداریم حمام مال شاه است و حضرت والا هم شاه وارث می‌بـاشند نوعی فرمائید که اسباب آسودگی از بـرای سادات ذریـهٔ رسول‌الله بشود از روی امیدواری بدعای دوام دولت قاهره و حضرت والا اشتغال داشته باشیم خداوند انشاءالله ظل مرحمت حضرت ظل‌اللهی و سایهٔ عنایت حضرت والا را از سر دعاگویان کم نفرماید .

بمحمد وآله امرکم‌العالی مطاع

۳۶

نامه‌ای مورخ ۱۲۶۱ هـ . ق.

در این نامه تأکید شده است که وظایف استمراری آقا سیدفضل‌الله استرابادی را به او برسانند و املاك موقوفهٔ خاندان او را کمافی‌السابق به دست او بسپارند.

عرض می‌شود که چندی قبل هنگام رفتن به بروجرد شرحی بخصوص نظم کار و رسیدن وظیفهٔ جناب قدوة‌العلما آقا سیدفضل‌الله استرابادی اظهار شده بود که از قرار احکام مجتهدین و حکم مرحوم مغفور حاجی سید محمدباقر اعلی‌الله مقامه وحکم مرحوم مغفور حاجی محمدابراهیم قریهٔ میرمحله وچوپلانی وقفی باید کمافی‌السابق در دست خود جناب معزی‌الیه باشد و وظایف استمراری خود معزی‌الیه و کسان او را برسانند از قراریکه معلوم شد در اوایل نوشتهٔ مرا مجری داشتند و پس از استماع خبرحرکت بروجرد کوتاه‌انداخته بازهمراهی نکردید با آنکه می‌دانید که جناب سید مرد بزرگ نجیب محترمی است باری باز مجدداً خواهش میکنم که در قرار همان نوشتهٔ سابق بهمان قسمی که همراهی کرده بودید بازنهایت رعایت را منظور داشته معمول دارید عیبی ندارد یك کار هم بجهة آخرت بکنید و خواهش مرا معمول دارید و رضای خاطر مرا منظور دارید.

تحریرا فی ۱۲ شهر جمادی‌الأول سنة ۱۲۶۱

۳۷

نامه‌ای به اعتضادالدوله.

این نامه در بارهٔ قریهٔ چوپلانی است که درهنگام خرابی، سادات سه‌دانگ آن را به میرزا محمد مستوفی که مأمور خدمت استراباد بوده واگذار کردند که آن قریه را آباد کند و او طبق قراردادعمل کرد و سهم خود را تصرف نمود. ازسال گذشته ورثهٔ عباس‌خان مدعی آنجاشده‌اند، ازآن مخدوم می‌خواهیم که طرفین‌را به‌مرافعه بفرستند.

مخدوما اوقاتیکه مرحوم میرزا محمد مستوفی مأمور خدمت استراباد شده بود سادات چوپلانی بواسطهٔ خرابی قریهٔ چوپلان سه‌دانگ از قریهٔ مزبوره را بمرحوم مشارالیه بانتقال شرعیه منتقل‌ساخته بودند که درمقام آبادی آنجا برآید و آن قریه‌را آبادان نماید و مرحوم میرزا محمد بشرط مقرر قیام کرده آنجارا آباد نمود و حق خود را متصرف شد وبرطبق‌قبالهٔ ممهور بمهر علماء فرمان جهان مطاع نیزدراینباب صادر کرد و خودآن مرحوم حین‌الحیات وپس از او وارث وسادات هر کس بقدر الحصه آن قریه را تصرف داشتند ومنافع آنجا را برمیداشتند تا آنکه در سنهٔماضیه از قرار مذکور ورثهٔ مرحوم عباس‌خان مدعی آنجا شده بودند و نوشته از مرحوم رئیس‌العلماءملامحمدرضاگرفته و بآن‌وسیله‌قریهٔ مزبوره‌را بتصرف خوددرآورده‌اند و اکنون سخن ساداة و مالکین براین است‌که این فقره در نزد مرحوم رئیس‌العلماء باشتباه گذشته بود و بجهة اغتشاش آن ولایت فرصت رفع شهبه نبود حال ورثهٔ

عباس‌خان خواه دربلدهٔ استراباد یا دارالخلافهٔ طهران هرجاکه راضی باشند مرافعه میکنیم و رفع این اشتباه را در خدمت علماء مـی‌نمائیم علی‌هـذا در مقام زحمت بر آمدم که آن مخدوم طرفین را احضار کرده هرجا راکه خـود آنها اختیار کنند و مرضی‌الطرفین باشد مدعی و مدعی‌علیه را بمرافعه بفرستند که قطع وفصل گفتگوی آنها بشود و احقاق حق بعمل آید ولی از بابت اینکه ساداة قدری ضعیف وپریشان هستند وقوهٔ مسافرت ولایات بعیده را ندارند هرگاه محلاً مرافعه در محضر علمای همان ولایت بشود البته اولی واسهل است والابهرطور که مختار طرفین است انشاء مرافعه ... خود آنها معلوم است که در آنباب مهیا خواهد شد.

[دربالای‌نامه باخطی که وارونه وخلاف جهت متن است عبارت زیراست:]

جناب فخامت‌نصاب امیرالأمراء العظام مخدومی اعتضادالدوله مفتوح نمایند.

۳۸

سوادنامۀ ریاست‌وزرا مورخ ۸ عقرب ۱۳۰۱ .

این نامه از ریاست‌وزرا به‌وزارت جلیلۀ مالیه نوشته شده‌که دربارۀ مالیات قریۀآزادمحله چون مبنی براعطای تخفیف است وسندیت دارد، لازم است قرارصحیحی بگذارید.

شیروخورشید

ریاست‌وزراء

سواد مرقومۀ صادره از مقام ریاست وزراء

مورخۀ ۸ عقرب ۱۳۰۱

به نمرۀ ۹۳۶۹

وزارت جلیلۀ مالیه

سابقاً شرحی‌نمرۀ ۸۷۱۴ درخصوص مالیات قریۀآزادمحله زحمت‌داده بودم اگرچه تاکنون جواب آن نرسیده ولی از قرار مذکور دوسیۀ این کار در حریق تشخیص عایدات سوخته وسوابق موجود نیست تا معلوم‌شود مالک سابقۀ شکایت داشته وباید مشمول تصویب‌نامه راجع بخالصجات‌انتقالی واقع شود یا خیر مالک قریۀمزبوره باستناد تلگراف وزارت مالیه‌که در ۱۹ حمل (۱۳۲۹) صادر شد و سواد آن لفاً ارسال میگردد اظهارمیدارد که‌از کسرعمل وگزافی مالیات قبل ازصدور تصویب‌نامه شکایت کرده‌است قدغن فرمائید باندیکاتور آن‌سنه رجوع کرده سابقه‌رابدست بیاورند و بهرحال چون این تلگراف مبنی براعطای تخفیف و سندیت دارد لازم است مطابق

تصویب‌نامه قرار صحیحی بگذارید کـه رفع شکایت شده مـالیات دولت بواسطهٔ بی‌تکلیفی لاوصول نماند .

محل امضاء احمد ریاست‌وزراء

سواد مطابق اصل است [جای مهر ریاست‌کابینهٔ وزرا] ۱۳۳۵

۳۹

سواد مرقومهٔ ریاست‌وزرا به وزارت جلیلهٔ مالیه مورخ ۲۲ میزان ۱۳۰۱ .

این نامه دربارهٔ مالیات آزادمحله است که دستور داده شده نصف عایدات خالص را مطابق تصویب‌نامه دریافت نمایند .

شیروخورشید

ریاست‌وزراء

سواد مرقومهٔ ریاست‌وزراء بوزارت مالیه

مورخهٔ ۲۲ میزان ۱۳۰۱

به‌نمرهٔ ۸۷۱۴

وزارت جلیلهٔ مالیه

موضوع مالیات قریهٔ آزاد محله که چندی است به مکاتبه میگذرد و بالاخره تصمیم قطعی‌برای رفع شکایت مالك آنجا اتخاذ نشده است موجب‌تکرارشکایت‌گردیده و اینك شرح مبسوطی از طرف‌آقای آقا میرزا محمدمهدی اظهار شده است‌که سواد آن برای ملاحظه و اطلاع آن وزارت جلیله ارسال‌گردیـد در صورتـی که نسبت بزیادی مالیات قبل از صدور تصویب‌نامه راجع بخالصجات انتقالـی سابقهٔ شکایت

داشته‌اند هر نوع باسایر مالکین‌خالصجات انتقالی معامله شده‌است نسبت بآزادمحله هم معمول و نصف عایدات خالص را مطابق تصویب‌نامه دریافت نمائید.

محل‌امضاء احمد ریاست‌وزراء

سواد مطابق اصل‌است [جای مهر کابینهٔ ریاست وزرا]۱۳۳۵

اسنادی که در پاییز ۱۳۵۳

به دست آمد

فرمان ـ حکم

۱

فرمان شاه طهماسب دوم (۱۱۴۴ ـ ۱۱۳۵) مورخ ۱۱۳۶ هـ . ق .

در این فرمان به میر محمدزمان کلانتر و کدخدایان چهاردانگهٔ هزارجریب دستور داده شده است تا تفنگچیان قدرانداز خود را برای مقابله باقشون افغان به عراق روانه سازند.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

[جای مهر شاه‌طهماسب دوم] [۱]

حکم جهانمطاع شد آنکه سیادت و نجابت و رفعت ومعالی‌پناه شمساً للسیادة میر محمدزمان کلانتر و کدخدایان چهاردانگهٔ هزارجریب بشفقت شاهانه سرافراز گشته‌بدانند که دراینوقت‌مقرر فرموده‌ایم که عالیجاه‌بیگلربیگی‌دار المؤمنین‌استراباد و حاکم گرایلی و حاجیلر درموکب همایون ما بوده روانهٔ عراق شوند و بمدافعهٔ مخاذیل افغان قیام نمایند چون آن سیادت ونجابت‌پناه وکدخدایان بفرموده همیشه اباًعن‌جد درجارویساق پادشاهی حاضر شده خدمات شایسته نموده‌اند میباید بعد از

۱ـ مهر چهارگوشهٔ شاه طهماسب دوم باسجع: «بندهٔ شاه ولایت طهماسب» ودر کلاهك بالای آن « بسم‌الله ».

اطلاع برمضمون رقم مطاع تفنگچیان قدرانداز ازالکای خود فراهم آورده بزودی باتفاق سپاه منصور روانهٔ عراق شوند وبمدافعهٔ معاندین دین ودولت ابدقرین قیام نمایندکه ان‌شاءالله هریك فراخور حسن خدمت و جانفشانی مورد اشفاق بیکران خاقانی خواهندگردید و از فرموده تخلف نورزند و در عهده شناسند.

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الثانیه سنة ۱۱۳۶.

۲

فرمان شاه‌طهماسب دوم (۱۱۴۴ ـ ۱۱۳۵) مورخ ۱۱۳۸ هـ. ق.

در این فرمان شاه‌طهماسب مزرعهٔ روشن‌آباد واقع در استراباد را که‌ازموقوفات‌مرحوم‌سیدفضل‌الله ـ جداعلای‌میرسیدمفیدموسوی استرابادی ـ بوده مالاً منالاً ازحشوخالصجات دیوانی وضع ودر وجه میرسید مفید و باقی اولاد ذکور واقف مقرر داشته است.

[جای مهر شاه‌طهماسب دوم][1]

حکم‌جهانمطاع شد آنکه چون ار روزی‌که مالك ملك وملکوت وشهنشاه کشور عالم جبروت‌نواب مارامالك رقبات‌انام وصاحب اختیارکافهٔ خاص و عام نموده ما نیز برذمت همت والا لازم فرموده‌ایم‌که بشکرانهٔ این عطیهٔ عظمی هریك از سادات عالی‌نسب و دانشوران فرخنده حسب‌که ساحت خاطر اخلاص ذخایر را ازفروغ انوار فضل وصلاح روشن و حدایق ضمیر مخالصت تخمیررا از آبیاری جویبار عقیدت این‌خانوادهٔ شوکت وعزت‌گلشن و ازینابیع ارشاد مفید مزارع دلهای‌طالبان بندگی‌این‌آستان امامت‌نشان‌را شاداب ودردارالمؤمنین ایقان ودینداری عموم‌ناس‌را

---

۱ ـ مهری چهارگوشه باسجع: «بندهٔ شاه ولایت طهماسب ۱۱۳۷» و درکلاهك‌بالای آن «بسم‌الله». دودمهر و حاشیهٔ بالا و سمت راست فرمان گل‌وبوته است.

از فوایـد افادات وافیه طریقهٔ انیقهٔ اخلاصمندی این درگاه خلافت مـکان مستفید و فایده‌یاب میساخته‌باشند کشت‌زار تمنای‌ایشانرا از چشمه‌سار الطاف خسروی‌برومند و آن گـروه دانش‌پژوه را باصطناعات خاقانی ممتاز و سربلند فرمائیم مصداق ایـن مقال حال نیکومآل سیادت و فضیلت وافادت‌پناه افاضت وکمالات دستگاه سلالـة السادات‌العظام نظاماً للسیادةو الفضیلة والافادة والأفاضة میرسید مفیدموسوی‌استرابادی است که همواره اجداد او وظیفه‌خوار خوان احسان وراتبه‌یاب اشفاق بی‌پایان عظام علیین‌مقام نواب ما بوده در هنگام ورود مـوکب مسعود خواقین جنت‌مکین بـاین ارض میمنت قرین مورد عواطف خسروانه‌گردیده‌اند و دراین اوان سعادت نشان‌که فضای این مرزوبوم از قدوم فرخنده رسوم اقدس رشك‌گلشن و دیدهٔ مرمود سکنه و اهالی این دیار ازکحل‌الجواهر سلیمانی غبار تراب اقدام روشن‌گـردیده سیادت و نجابت‌پناه مشارالیه بعرض اقدس رسانیدکه مزرعهٔ روشن‌آباد واقعه در استراباد از موقوفات مرحوم سیدفضل‌الله جد اعلی مشارالیه و وقف اولاد ذکور واقف مـزبور است وبرطبق‌مدعاوقفنامچهٔ معتبره که‌علامی‌فهامی مجتهدالعصر والزمانی آقاحسنعلی خوانساری ملاحظه‌وتصدیق‌وقفیت آن‌نموده ابرازنمود مانیزتأسی‌بسنت سنیهٔ اسلاف کرام واقفتابشیم مرضیهٔ آباءعظام رعایت حال سیادت‌پناه مشارالیه راکه خاطر خطیر خسروانه معطوف برآن میباشد منظور نظراکسیراثر و از ابتداء ششماهـهٔ ئیلان‌ئیل مزرعهٔ مزبوره‌رامالاً ‌منالاً ازحشوخالصجات دیوانی وضع ودروجه سیدمشارالیه و باقی اولاد ذکور مرحوم مرحمت و عنایت و مقـرر فرمودیم که بدستوری کـه قبل ازین بوقف مقرربوده تصرف مالکانه درآن میکرده باشند عالیجاه بیگلربیگی‌وعمال دارالمؤمنین مزبورحسب‌المسطور مقرردانسته بهیچوجه من‌الوجوه بعلت‌مال‌ومنال‌و چریك و بیگارو شکار وعلفه و علوفه وطرح و دست‌انداز وقنلغا وآلام والاغ وسایر عوارضات‌وصادریات دیوانی ومملکتی واخراجات مسدودةالابواب حوالـه‌واطلاقی

بمزرعهٔ مزبوره ننموده قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و مزرعهٔ مذکوره را ازحشو مداخل موضوع ومستثنی دانند مستوفیان عظام کرام رقم این عطیه را در دفاترخلود ثبت و ازشائبهٔ تغییر مصون و محروس شناسند و در عهده دانند.

تحریرا فی‌شهرصفرالمظفر ۱۱۳۸.

۳

فرمان کریم‌خان‌زند (۱۱۹۳ ـ ۱۱۶۳) مورخ ۱۱۸۳ هـ . ق .

در این فرمان کریم‌خان‌زند منصب قضای دارالمؤمنین استراباد را به آقا کاظم قاضی و منصب ایالت وحکومت این شهر را به حاجی سیدفضل‌الله داده است.

فرمان‌عالی شد آنکه عالیحضرت‌رفیع‌منزلت حقایق‌مرتبت علامی آقاکاظم قاضی دارالمؤمنین استراباد بتوجهات خاطر خطیراقدس والا امیدوار بوده بداندکه‌دراین وقت بجهت تنظیم وتنسیق امور شرعیهٔ دارالمؤمنین مـزبور منصب قضای آنجا را کماکان بآن عالیحضرت تفویض و رجوع دادیم که چنانچه اسباب وطریقی که باید در ترویج امورشرعیه ودفع‌و رفع منهیات وفجره‌لوازم سعی بعمل‌آورده درهرباب آثار دین‌داری وحق‌شناسی‌خودرا برپیشگاه‌ضمیرمنیر والا ظاهرساخته درحل‌وعقد و قبض و بسط مهام انام بروفق شریعت حضرت خیرالانام عمل نموده از جـادهٔ شرع مطاع انحراف نورزند و از آنجا که ترفیه حال عبادالله منظور نظرحق شناس است عالیجاه سیادت و نجابت‌پناه حقایق و معارف‌آگاه حـاجی سید فضل‌الله را بخدمت ایالت و حکومت دارالمؤمنین مزبور سرافراز فرمودیم میبایدکـه آن عالیحضرت علامی عالیجاه مشارالیه را حاکم بالاستقلال‌خود دانسته از سخن وصلاح حسابـی او بیرون نروند واعزاز و احترام او را ازلوازم شمارند کدخدایان واعزه واعیان و

رعایا عالیحضرت مشارالیه را قاضی دارالمؤمنین مزبور دانسته خطومهراو را در نوشتجات وسجلات مناط دانسته تخلف جائز ندارند مستوفیان فرمان عالی را در [دفاترخلود] ثبت نمایند و در عهده شناسند.

تحریراً فی‌شهر صفرالمظفر ۱۱۸۳.

[جای مهر کریم‌خان زند][1]

۴

حکم محمدقلی میرزا مورخ ۱۲۲۵ هـ. ق.

در این حکم محمدقلی میرزا ـ حاکم استراباد ـ تولیت نصف‌قریهٔ توشن راکه وقف‌برابن‌السبیل زوارامام هشتم بوده است‌به‌آقاسید رضا صدر استرابادی مفوض و موکول‌کرده است.

هوالله تعالی‌شأنه

[جای مهر محمدقلی‌میرزا][2]

حکم‌والاشد آنکه چون‌رونق‌ورواج امورموقوفات باعث ذخیرهٔ حسنات‌اخروی‌و موجب رفع درجات دنیوی بجهت فرمان‌دهان و کشورخدایان روی زمین خواهد بود لهذا در ابتدای مستدرك هذه‌السنهٔ یونت‌ئیل خیریت‌دلیل میمنت تحویل نظر بظهور مرحمت در بارهٔ عالیجناب مقدس‌القاب حقایق و معارف‌اکتساب فضایل و کمالات انتساب مخزن اسرار سعادت و مرکز دائرهٔ نجابت سلالـةالسادات العظام آقای آقاسیدرضا صدراسترابادی و ظهور دعاگوئی عالیجناب مشارالیه باین دولت ابدمبانی بطریقی‌که تولیت نصف قریهٔ توشن من قراء بلوك استراباد رستاق وغیرها

۱ ـ مهر کریم‌خان‌زند باسجع : «یامن‌هو بمن‌رجاه کریم». ۲ ـ مهرمحمدقلی‌میرزا باسجع: «سرور سلالهٔ علی‌اعلی محمدقلی خلف فتحعلی‌شاه».

واقف وقف ابن‌السبیل زوار جناب امام ثامن ضامن علی بن موسی‌الـرضا علیه‌الف تحیةوالثناه نموده بعالیجناب‌مشارالیه متعلق است نواب مستطاب مالك‌رقاب‌والاسیر کماکان تولیت املاك موقوفهٔمقرره‌را بعالیجناب مشارالیه مفوض وموکول‌فرمودیم که بنوعی که صلاح‌وقف وصرفهٔ موقوف‌علیهم‌دانسته معمول داشته مداخل‌ومنافع‌را سال بسال بعد از وضـع حق‌التولیه بمصارف مـوقوف علیهم رسانـد مقرر آنکـه عالیجنابان‌کلانتران و مباشرین بلوکین مقرره املاك موقوفه را باعالیجناب‌مشارالیه دانسته او را متولی بـالاستقلال دانسته دست بیحساب وشلتاق از آب و ملك آنجا کوتاه داشته بدون استجاره واستیذان ازعالیجناب مشارالیه پیرامون تصرف آب و ملك آن نگردند و تجاوز و انحراف از حکم محکم رفیع منیع نواب مالك‌رقاب والارا مورد مؤاخذه و بازخواست عظیم دانسته بهیچ‌وجه تخلف نورزند و درعهده شناسند.

تحریرا فی‌شهرصفرالمظفر سنهٔ ۱۲۲۵.

۵

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) مورخ ۱۲۲۵ هـ . ق .

در این فرمان فتحعلی‌شاه قرای لرخیل ودودانگه ازاعمال استراباد- رستاق ملك موروثی آقا محمدمحسن شیخ‌الاسلام استراباد را از همهٔ عوارضات و صادریات دیـوانی و ولایتی معاف و مسلم و من جمیع‌الجهات مرفوع‌القلم نموده است.

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله‌تعالی حکم‌همایون شد آنکه‌چون‌قریهٔ لرخیل‌ودودانگه من‌اعمال‌استراباد- رستاق ملك موروثی عالیجناب مقدس‌القاب عزت و سعادت‌مآب فضایل و کمالات اکتساب حقایق و معارف انتساب سلالةالأطیاب قدیمی دعاگوی شوکت قوی‌بنیـاد آقا محمد محسن شیخ‌الاسلام دارالمؤمنین استراباد از قرار فرمان همیون مرحمت دستور که سابقاً شرف صدوریافته ازعوارضات و صادریات تکالیف دیوانی معاف و مسلم‌بودند ودرین زمان استدعای امضای فرمان مبارك نمود وبنا برمرحمت وعنایت شاهانـه دربـارهٔ عالیجناب مشارالیه قریـهٔ مزبوره را بطریق سنوات سابقه از همهٔ عوارضات وصادریات دیوانی وولایتی معاف ومسلم ومن‌جمیع‌الجهات مرفوع‌القلم

---

۱ ـ مهرچهار گوشهٔ فتحعلی‌شاه باسجع:

« گرفت خاتم شاهی ز قـدرت ازلی قـرار در کف شاه زمـانـه فتحعلی »

و درکلاهك بالای آن « العزةلله ».

فرموده‌ایم که رعایا واهالی‌وساکنین آنجا باحصول فراغت ورفاهیت بتقدیم امورات عالیجناب مشارالیه قیام واقدام نمایند مقرر آنکه فروزان اختر آسمان خلافت و شهریاری و درخشان گوهر بحرسلطنت و تاجداری فرزند ارجمند نامدار محمدقلی میرزای صاحب اختیار دارالمؤمنین‌استراباد ومازندران بایدبعمال ومباشرین مهمات دیوانی‌استراباد قدغن کرده‌که از قرارحکم قریهٔ مذکوره را ازحواله‌جات‌صوادرو عوارض معاف و مسلم ومن جمیع‌الجهات مرفوع القلم دانسته بهیچوجه حواله و اطلاق از صوادر دیوانی‌و ولایتی ننمایندکه مرفه‌الحال بدعای شوکت‌ابد اتصال و امور متعلقهٔ عالیجناب مشارالیه اشتغال نمایند و درعهده شناسند .

تحریرا شهرذی‌قعدةالحرام سنة ۱۲۲۵.

۹

حکم محمدقلی میرزا ـ پسر فتحعلی‌شاه ـ مورخ ۱۲۲۵ ﻫ . ق .

در این حکم محمدقلی‌میرزا به محمدزمان خان قاجار نایب دارالمؤمنین استراباد دستور داده است که دو تن از رعایای قریهٔ دودانگه موروثی آقا سید محسن شیخ‌الاسلام به نامهای نظر و نوروزعلی پسران کربلائی یوسف که ازاین قریه فراری شده و به کتول رفته‌اند بازگرداند و درمسکن مألوف سکنی دهد.

هو الله تعالی شأنه

[جای مهر محمدقلی میرزا][1] حکم‌والاشد آنکه عالیجاه رفیع‌جایگاه‌عزت و اقبال پناه شهامت و بسالت‌انتباه فخامت و مناعت اکتناه اخلاص وارادت‌آگاه مخلص دولتخواه محمدزمان‌خان قاجار نایب دارالمؤمنین استراباد بمزید توجهات فزون از حصروعنایات نواب مستطاب گردون‌جناب والامستوثق ومستظهربوده بداند که درین اوقات بتوسط کارگذاران سرکارمعدلت‌مدار والابعرض رسید که دونفر نظر نام ونوروزعلی‌نام ولدان کربلائی یوسفا ازرعایای قریهٔ دودانگه موروثی عالیجناب معلی‌القاب فضایل و معارف اکتساب حقایق و دقایق انتساب عزت و سعادت مآب خلاصة‌السادة‌العظام وزبدة‌العلماء الکرام نقاوهٔ داعیان دیرین صداقت‌قرین آقا سید محسن شیخ‌الاسلام دارالمؤمنین در سال سابق از وطن اصلی فراری و رفته‌درکتول متواری شده‌اند چون رعایت جانب عالیجناب مشارالیه منظور نظر مهراثر ومرکوز خاطر مرحمت‌گستر میباشد لهذا باید آنعالیجاه ارادت آگاه بعد از حصول اطلاع

---

۱ ـ مهرچهارگوشهٔ بزرگ محمدقلی میرزا باسجع :

« خلف فتحعلی شاه محمدقلی است درجهان سروراز آن‌شد که غلام علی‌است»

برمضمون رقم قدرشیم مطاع کس تعیین کـه رفته دونفر رعیت مقرره را از کتول کوچانده آورده‌بدست‌کسان عالیجناب مشارالیه داده که برده‌درمسکن مألوف‌ساکن ساخته‌که بامرزراعت و کاسبی اشتغال ورزیده بانجام مهمات ومرجوعات‌عالیجناب مشارالیه قیام و اقدام نماید دراینخصوص‌قدغن بلیغ وتأکید اکید معمولداشته‌اشفاق مهراشراق نواب مارا دربارهٔ خودبسرحدکمال ودرجهٔ اقصی دانسته همواره‌مطالب‌و مدعیات خود را بـا نهایت امیدواری واستظهار بمعرض عرض درآورده بعزاجابت مقرون وموصول دانسته درعهده شناسند .

تحریرا فی شهرذی‌حجةالحرام سنة ۱۲۲۵.

۷

حکم محمدقلی‌میرزا مورخ ۱۲۳۷ هـ . ق .

در این حکم محمدقلی‌میرزا ـ پسر فتحعلی‌شاه ـ طبق فرمان پدر خود ازلوی‌ئیل و مابعد آن مقدار بیست‌وهشت خـروار و هیجده من به وزن بلدهٔ استراباد در وجه آقا ابوتراب و میرزا هدایت‌الله ـ پسران آقا محمدمحسن شیخ‌الاسلام ـ مستمر وبرقرار ودرعوض بیست‌وهشت خروارو هیجده‌من مذکور قریهٔ رستم‌کلاته من‌بلوك استرابادرستاق راکه جمع دیوانی آن همین مقدار است بـه تیول ابدی و سیورغال سرمدی ایشان مقرر داشته است.

هوالله تعالی شأنه

[جای مهرمحمدقلی میرزا][1] حکم‌والاشد که چون فرمان قضانشان شاهانه و

---

۱ ـ مهرچهارگوشهٔ محمدقلی میرزا با سجع:

« خلف فتحعلی شاه محمد قلـی است درجهان‌سروراز‌آن‌شدکه غلام علی است».

منشور جلی‌الظهور خسروانه از مصدر سلطنت عظمی ومکمن خلافت کبری شرف اصدار پذیرفت که از آنجاکه رعایت جانب هریك از دعاگویان قدیم منظور نظر مهر ترسیم میباشد و عالیجنابان قدسی‌انتسابان سیادت و سعادت‌مآبان فضایل و کمالات اکتسابان سلالتی السادات والأفاخم آقاابوتراب و میرزا هدایت‌الله که اباًعنجد از دعاگویان و دعاگوزادگان دولت ابدآیت و از خاندان سعادت و نجابت بمزید صداقت و کمال دولتخواهی معروف ونهایت مرحمت وعنایت در بارهٔ ایشان منظور نظر معدلت موصوف است لهذا پرتوی از آفتاب جهانتاب توجهات والطاف‌شاهانه ساحت‌افروز احوال مشارالیهما گردیده درمعاملهٔ هذه‌السنهٔ‌لوی‌ئیل خیریت دلیل و مابعدها مقدار بیست وهشت‌خروار و هیجده‌من بوزن بلدهٔ استراباد بدینموجب در وجه عالیجنابان مشارالیهما مستمر و برقرار ودرعوض بیست‌وهشت خروارو هیجده من مذکور قریهٔ رستم‌کلاته من بلوك استراباد رستاق را

بیست وهشت خروار وهژده من

______	بـــــــابت
از بابت مستمری عالیجناب مستغنی الألقاب عمدةالعلماء آقا محمد محسن شیخ‌الاسلام والد ایشان	برقراری هذه‌السنهٔ لوی‌ئیل هشت خروار و هژده من
بیست خروار	

که جمع‌دیوانی آن بیست‌وهشت خروارو هیجده‌من میباشد بتیول ابدی وسیورغال سرمدی ایشان مرحمت و مقرر داشتیم که متوجه معموری و آبادانی آنجاگردیده هرساله مقدار مزبور را بامنافع و مداخلی که از آن حاصل آید صرف‌اخراجات و معیشت خود سازند بنابرامتثال امرقدرقدرشهریاری و امضای‌فرمان قضانشان‌حضرت جهانداری مقرر میگردد که عالیجاهان رفیع جایگاهان فخامت ومناعت اکتناهان

مقربو الحضرة الو الا مستوفیان سرکاری ازتاریخ صدور فرمان مبارک مطاع ومابعدها مقدار مذکور را مستمر دانسته و درعوض آن قریهٔ مزبوره بتیول وسیورغال ایشان برقراردارند عالیشانان سعادت نشانان کتاب خیریت اکتساب دفترخانهٔ مبارکهٔ سرکاری شرح فرمان همایون و رقم مبارك را در دفاتر خلود وابود ضبط و مندرج سازند واز شوایت تغییر و تبدیل مصون ومحروس دارند و در عهده شناسند.

تحریرا فی‌شهر صفر المظفر سنة ۱۲۳۷.

۸

حکم محمدقلی‌میرزا ـ پسر فتحعلی‌شاه ـ مورخ ۱۲۳۸ هـ . ق.

در این حکم محمد قلی‌میرزا بنابردستور فتحعلی‌شاه سی خروار شلتوك قریهٔ کلیکای بلوك جلال ازرك مازندران رسد آقا محمدـ محسن شیخ‌الاسلام را به تخفیف به او مرحمت کرده و محمدقلی میرزا نیز سه‌خرواروده‌پیمانه تخفیف قریهٔ‌مزبوره‌را دروجه‌مشارالیه مقررداشته‌است که‌هرساله‌مقدارمزبوربه‌خرج‌قریهٔ مذکورمحسوب‌و مجری گردد.

بسم‌الله‌تعالی‌شأنه

[جای مهرمحمدقلی میرزا][1] حکم والاشد که فرمان قضانشان شاهانه‌ومنشور حلی‌النور خسروانه از مصدر خلافت کبری شرف اصدار یافت که درینوقت‌بنابر رعایت جانب عالیجناب مقدس‌القاب عزت و سعادت انتساب فضایل و کمالات اکتساب علامی‌فهامی مقتدی‌الانامی‌سلالة‌السادات العظام آقا محمدمحسن‌شیخ‌الاسلام

۱ ـ مهرچهارگوشهٔ بزرگ محمدقلی‌میرزا باسجعی که درفرمان شمارهٔ ۶ آمده‌است.

دارالمؤمنین استراباد و ظهور دعاگوئی او درمعاملهٔ هذه‌السنهٔ قوی‌ئیل‌خیریت‌دلیل‌و مابعدها مقدار سی‌خروار شلتوك بوقر مازندران از بابت قریهٔ کلیکای بلوك جلال ـ ازرك مازندران رسد عالیجناب مشارالیه را به‌تخفیف عالیجناب مرحمت و عنایت فرمودیم که درنهایت فراغت و آسودگی بدعاگوئی ذات خجسته صفات اقدس‌اعلی اشتغال ورزد و بکارکنان قدغن نمایدکه مطالبهٔ مقدار مزبور شلتوك را از بابت قریهٔ مذکوره موقوف داشته به‌تخفیف عالیجناب مشارالیه منظور دارندکه هرساله مقدار مزبور شلتوك بخرج ابوابجمعی محسوب ومجری خواهد شد امتثالاً لامره اشرف والا نیز مقدارمزبوررا بعلاوهٔسه‌خرواروده پیمانه بصیغهٔ تخفیف قریهٔمزبوره دروجه عالیجناب مشارالیه ممضی و مقرر داشتیم که هرساله مقدار مزبور را بخرج قریهٔ مذکوره محسوب ومجری‌گردد مقررآنکه عالیجاهان رفیعجایگاهان عزت وسعادت همراهان مقربوالحضرت‌الوالامستوفیان‌عظام مقدارمزبوررا به تخفیف قریهٔمذکوره هرساله محسوب و مجری دارند و شرح رقم قضاشیم را در دفاتر خلود ثبت ودرج نموده از شایبهٔ ریا و تغییر مصون و محروس دارند تخلف جایز نداشته و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر شعبان‌المعظم سنة ۱۲۳۸.

۹

حکم حکمران استراباد مورخ ۱۲۴۸ هـ. ق.

دراین حکم حکمران استراباد ازقرارفرمان فتحعلی‌شاه مبلغ یازده تومان و پنجهزار وجه رایجی تبریزی نقد و مقدارشانزاده‌خروار و پنجاه من به‌وزن تبریزجنس منال‌دیوانی‌مزرعهٔ یونس آبادولایت بسطام را وقفی مدرسهٔ جدیدالبنای استراباد به‌تخفیف مقرر داشته است که منافع آن‌را آقامحمدحسین‌شیخ‌الاسلام صرف و خرج‌مدرسهٔ جدیدالبنای مذکور نماید.

بسمه‌تعالی

[جای مهر حکمران][1] حکم والا شد آنکه چون از قرار فرمان قضاجریان سرکار خلافت‌مدارخسروصاحبقرانی روحی وروحنافداه مبلغ یازده تومان‌پنجهزار وجه رایجی تبریزی ومقدارشانزده خرواروپنجاه‌من بوزن تبریز جنس منال‌دیوانی مزرعهٔ یونس‌آباد وقفی مدرسهٔ جدیدالبنای استراباد بتخفیف مقرراست

نقـــد		جنـــس	
یازده تومان و پنجهزار دینار		شانزده خروار وپنجاه من	
مزرعـــه		مزرعـــه	
یـونس آبـــاد		شاهـــرود	
نقـــد	جنـــس	نقـــد	جـــنس
سه‌تومان	سه خروارو پنجاه من	هشت تومان و پنجهزار دینار	سیزده خروار

۱ ـ مهرچهارگوشهٔ بزرگ که مقداری از آن درست نگرفته و فقط کلمهٔ «اسمعیل» بر آن خوانده می‌شود.

لهذا نواب‌ما امتثالاً لامرالاشرف‌الاعلی ازمعاملهٔ هذه‌السنهٔ لوی‌ئیل خیریت دلیل و مابعدهامبلغ‌ومقدارمذکورراحسب‌الفرمان‌مهر لمعان‌سرکاراقدس‌شهریاری‌روحنافداه بتخفیف ابدی مقررداشتیم که کمافی‌السابق مباشرین وعمال‌ولایت بسطام‌معمولداشته مطالبهٔ‌مالوجهات‌ازملک‌مزبور ننموده که‌همه‌ساله‌منافع‌ومداخل آنرا جناب مقدس القاب فضایل و کمالات اکتساب حقایق و معارف‌آداب افادت و افاضت‌مآب زبدةالساداة العظام شیخ‌المشایخ الکرام آقا محمدحسین شیخ‌الاسلام که متولی مدرسهٔ مزبور است صرف و خرج مدرسهٔ جدیدالبنای مذکور سازد مقرر آنکه مباشرین وعمال ولایت بسطام نحومقرر مرتب ومعمولداشته از این پس مطالبهٔ مالیات ازملک‌مزبور ننموده بخرج ابوابجمعی‌خود مجری دانند عالیجاهان مستوفیان شرح رقم مبارک را دفتری ساخته از شائبهٔ تغییر مصون دانسته و درعهده شناسند.

تحریرا فی‌شهرشعبان سنة ۱۲۳۸.

۱۰

حکم محمدناصرخان مورخ ۱۲۵۷ هـ . ق .

دراین حکم محمدناصرخان ازابتدای اودئیل میرمحمدعلی‌خان‌را به منصب ضابطی میرمحله نصب کرده است.

حکم عالی شد که بنابرظهور قابلیت و شایستگی‌عالیجاه رفیع‌جایگاه میرمحمد-علیخان در ابتدای معاملهٔ اودئیل خجسته‌دلیل ومابعدها او را برتبه‌ومنصب‌جلیل‌القدر ضابطی قریهٔ میرمحله سرافراز فرمودیم که از روی اطمینان و خاطـرجمعی بلوازم سرپرستی وجمع‌آوری متفرقهٔ‌آنجا نهایت اهتمام را بعمل آورده ودرامرزراعت و فلاحت کمال رسیده‌گی و دقت را بمرحلهٔ صداقت معمول داشته و بهیچوجه من-الوجوه تعلل وتسامح جایز نداشته مقرر آنکه مباشرین و عموم اهالی قریهٔ مذکور

جسب‌المقررمعمول داشته عالیجاه مشارالیه راضابط بالاستقلال خود دانسته اوامر و نواهی او را مطیع ومنقاد بوده از سخن وصلاح او تجاوز نکرده درعهده‌شناسند.

تحریرا فی‌شهرربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۵۷.

[جای مهر محمدناصرخان][1]

۱۱

تعلیقهٔ شاهرخ‌بن ابراهیم‌بن مهدیقلی‌خان مورخ ۱۲۶۰ ه. ق.

دراین تعلیقه به‌ملک کاظم دستورداده شده است که باضابط بودن اسدالله بیگ در میرمحله به‌میرمحله رود وحاصل آنجا را انبارکند زیرا عباس‌خان بیگلربیگی نسبت به‌مزروعی‌این‌ملك سخنانی‌دارد.

حکم عالی شد آنکه عالیشان رفیع‌مکان اخلاص وارادت بنیان ملك‌کاظم معزز و مباهی بوده بداندکه ازقرار فرمان خسروگیتی‌مدار روحنا فداه وتعلیقه‌جات جناب آقائی سلمه‌الله‌تعالی ونواب ایلخانی مقرر است وعالیشان عمدةالاعیان اسدالله بیگ محصل است که‌مزروعی‌میرمحله راضبط نماید وحاصل آن‌را دروجه‌کسان عالیجناب فضیلت‌مآب آقا سیدفضل‌الله مهمسازی نماید چون برادرمهربان عباس‌خان‌بیگلربیگی حرفی‌درینخصوص دارد لهذا امرومقرر می‌شود از تاریخ صدور تعلیقه تامدت‌یکماه مهلت‌آنعالیشان باشد تا خبری برسد علی‌الحساب ضبط نموده و حاصل آن‌را انبار کرده و عالیشان اسدالله‌بیگ درآنجا باشد تا درثانی حکمی ازسرکار صادر شود از قراریکه مقرر داشته‌ایم حسب‌المقرر معمولدارد در عهده شناسد.

تحریرا شهر ذی‌القعدة الحرام سنهٔ ۱۲۶۰.

[جای مهر][2]

---

۱ ــ مهری چهارگوشهٔ بزرگ‌که در مربع وسط آن «عبده محمدناصر ۱۲۲۹» و در حاشیهٔ دور «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل‌هوالله احد ... الخ».

۲ــ مهری چهارگوشه با سجع: «الواثق‌بالله‌الغنی شاهرخ‌بن‌ابراهیم‌بن مهدی‌قلی».

۱۲

فرمان ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) مورخ ۱۲۶۷ هـ . ق.

در این فرمان ناصرالدین‌شاه اهالی دو قریهٔ دودانگه و کلاجان از قرای استراباد را از تکالیف وصادریات دیوانی معاف و مسلم کرده است.

بسم‌الله‌تعالی‌شأنه العزیز

[جای مهر ناصرالدین‌شاه][1]

الملک‌لله تعالی حکم همیون شد که چون از قرار فرامین خاقان مغفور و شاهنشاه مبرور نورالله‌مضجعهماو ثبت‌سررشتهٔ دفترخانهٔ مبارک‌ که اهالی‌قریتین‌دودانگه[2] و کلاجان من‌قراءِ استراباد ازتکالیف وصادریات دیوانی معاف بوده دیوانیان عظام سوای‌نوکر دیوانی از آنجا چیزی مطالبه نمینموده لهذا محض امضای فرامین و شمول‌مرحمت شاهانه دربارهٔ رعایای‌قریتین مزبورتین‌ازهذه‌السنهٔ مسعودهٔ تنگوزئیل‌فرخنده تحویل ومابعدها آنها را کمافی‌السابق از تحمیلات و تکالیف صادرهٔ دیوانی مسلم فرمودیم که درنهایت آسایش بدعاگوئی دولت روزافزون قیام‌نمایند مقرر آنکه حکام وعمال حال و استقبال استراباد حسب‌المقرر مرتب داشته سوای نوکردیوانی از اهالی آن دوقریه مطالبه ننمایند وازعموم صادریات وتکالیف معاف دانند المقرر کتاب‌خیریت اکتساب دفترخانه شرح‌فرمان همیون را ثبت‌دفاترخلود نموده‌ازشوائب‌تبدیل‌مصون دارند ودر عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهرجمیدی‌الثانیه ۱۲۶۷.

---

۱ ــ مهر چهارگوشهٔ ناصرالدین‌شاه باسجع :
« تا که دست ناصرالدین خاتم‌شاهی گرفت   صیت داد و معدلت از ماه تاماهی گرفت »
ودرکلاهك‌آن «الملك‌لله تعالی».   ۲ــ جای صحهٔ ناصرالدین‌شاه .

۱۴

حکم ساعدالدوله برای حاجی حسین‌خان مورخ ۱۳۰۱ هـ . ق .

در این حکم به‌حاجی حسین‌خان دستور داده‌شده است که حق محمد-حسن- ولد مرحوم محمد کاظم- را از ملك محمد - عمویش- گرفته و بدو بدهند و اگر حرفی دارند در محضر یکی از آقایان مرضی‌الطرفین حاضر شده مرافعه نمایند.

عالیجاه حاجی حسین‌خان‌را مرقوم میشود از قراری که محمدحسن ولد مرحوم ملك کاظم مذکور نموده است بعد از فوت پدرش با ملك‌محمد عموی خود جمع-المال بود درمدت یازده‌سال باهم کاسبی کردند وشریك بودندحالا ملك‌محمدمیخواهد که او را شریك وسهیم قرارندهد درصورت صدق خلاف‌است رسیدگی نموده‌البته این مطلب را اهالی آنجا مطلع هستند و میدانند بطوریکه حقانیت است انجام‌عمل داده هرقدر حق محمدحسن است گرفته بدهید هرگاه حرفی درمقابل دارد طرفین‌را در محضر یکی از آقایان مرضی‌الطرفین‌حاضر نموده مرافعه نمایند و از آنقرارحتم عمل شود.

غرهٔ شهر شعبان ۱۳۰۱.

[جای مهر ساعدالدوله][1]

۱- مهری باسجع : «ساعدالدوله».

۱٤

حکم ساعدالدوله مورخ ۱۳۰۲ه . ق .

دراین حکم به آقا میرزا حسین پیشکار دستور داده شده است تا در مورد ادعای آقا میرمحمدعلی و شیخ عبدالرحیم در مـورد ملك مامائی و بانعمان وانکار سیدحسین خالو وآقا سید قاسم طرفین را به محضر شرع مرضی‌الطرفین ببرند و مرافعه کنند ودرباب آبدنگ احداثی علیخان آقا درملك چالکی نیز رسیدگی کنند و قـراری بدهند که موجب اسکات طرفین شود.

عالیجاه ارجمنـدی آقـا میـرزا حسین پیش‌کار را مـرقـوم میشود در خصوص ادعائی که جنابان آقامیرمحمدعلی و شیخ عبدالرحیم و سایر مالکین بانعمان دارندو میگویند قدری از ملك مامائی را داخل درملك بانعمان کرده‌اند جناب آقا سیدحسین خالو و عالیجناب آقا سیدقاسم در مقابل انکار دارند ومیگویند هرگاه کسی باما حرفی موافق شرع دارد بمرافعه حاضر شود لهذا مرقوم میداردکه طرفین را حاضر کنند و ارجاع امر بمرافعه نموده مرضی‌الطرفین بمرافعه بروند هریك از طرفین برحقانیت خود حکم شرعی گرفته‌اند همان را اجراء دارید و نیز مذکور نمودند کـه مرحوم علیخان آقا در ملك چالکی آبدنگی احداث کرده و برضایت مـاهـا مالکین نبوده است ازبابت چهاردانگ چالکی که ادعای ملکیت دارند ازبابت آبدنگ هم حرف‌و ادعا دارند در این فقـره هم رسیدگی نموده هرگاه ورثهٔ مرحوم علیخان آقا حرفی مقرون به حساب دارند حضرات را اسکات دهند والا لازم است قراری که موجب اسکات آنها شود بدهند وراضی نمایند.

حرر ششم شهرمحرم‌الحرام سنهٔ ۱۳۰۲.

[جای مهر ساعدالدوله][1]

---

۱ ــ مهری باسجع : «ساعدالدوله».

[برحاشیهٔ این حکم عبارات زیر نوشته شده است:]

محصول محل نزاع رابدست زارعین بسپارید نوشته بگیرید که بعداز مرافعه هریك از مالکین بانعمان یا ماماتی ذی‌حق شوند بدهند بتاریخ المرقوم.

۱۵

حکم سهام‌الدوله مورخ ۱۳۰۴ هـ . ق .

دراین حکم برحسب اسناد شرعیهٔ علمای استراباد، تولیت رقبات وقفی مذکور در متن به‌آقا سیداحمد صدر واگذار شده است.

چون برحسب اسناد شرعیهٔ معتبره بمهرعلمای استراباد وجناب مستطاب سیدالسند و مقتدی‌المعتمد آقای حاجی حجةاسلام سلمه‌الله حمام کفش‌دوزان موقوفه بر دوازده خانوادهٔ سادات‌فقرا قریهٔتوشن سه‌دانگ شهرآشوب ششدانگ قریهٔ آلوکلاته یکدانگ‌ونیم قریهٔ ولاشکی‌ششدانگ ملیاروافعه درشهراستراباد‌سه‌دانگ قریهٔ بلادنصری ششدانگ املاك مفصلهٔفوق وقف‌برزوار وابن‌السبیل‌امام‌ثامن‌علیه‌آلاف التحیة والثنااست وتولیت‌آن واگذار بجناب سلالةالسادات‌آقاسیداحمدصدراست‌و احکام‌عرفیه سید برطبق احکام شرع دردست دارد وتاکنون متصرف بوده‌اند لهذا به احکام شرع وعرف املاك موقوفه کمافی‌السابق باید درتصرف جناب سلالةالسادات آقاسید احمد صدربوده که منافع‌آنرا دریافت و بمصارف مقررهٔ وقف برسانند لهذا بعموم مباشرین و مستأجرین املاك موقوفه مقرر میشود کماکان جناب آقا سیداحمد صدر را متولی دانسته منافع ملکی‌را باوکارسازی دارند.

تحریرا فی‌شهرجمادی‌الاول ۱۳۰۴.

[جای مهرسهام‌الدوله][1]

۱ ـ مهری باسجع : «سهام‌الدوله» .

۱۶

فرمان ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) مورخ ۱۳۰۷ ه . ق .

دراین فرمان ناصرالدین شاه به‌نصرالسلطنه ــ حکمران استراباد ــ دستور داده است که محمدصالح‌خان ــ ولد ارشد حاجی محمدتقی خان ــ را متولی مستقل مدرسهٔ وقفی پدرش بدانند و او را به سرپرستی موقوفات مدرسهٔ مزبور بگمارند.

بسمه تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر ناصرالدین‌شاه قاجار][1]

امیرالامراء العظام نصرالسلطنه حکمران‌استراباد بمراحم‌والطاف شاهنشاهی مفتخرو مباهی بوده بداند موافق وقفنامهٔ معتبرهٔ شرعیه که ملحوظ افتاد مرحوم محمدتقی‌خان اوقات توقف‌سرحداستراباد دودانگ کاروانسرای شهر ودومزرعه‌آب وقف‌برمدرسهٔ خود نموده وتولیت به‌اولاد ارشدواگذارنموده است و عالیجاه‌مجدت‌همراه مقرب‌ــ الحضرةالعلیة محمدصالح‌خان که اولاد ارشدآن مرحوم‌است موافق‌قراردادوقفنامه‌و احکام مشددهٔ شرعیــه دراینمدت بسیار خوب و بقاعــده از عهده برآمده بشرایــط وقفنامه عمل‌نموده‌است لهذا بموجب صدوراین‌ملفوفه‌قضاماًاوفه امرومقررمیفرمائیم که مشارالیه درسرتولیت مزبور مستقل و برقرار دانسته واگر کسی ازجانب‌خود در سرپرستی‌موقوفهٔ‌مزبوره بگمارد کمال‌همراهی‌درحق‌اوم‌رعی دارید البته‌حسب‌المقرر معمول و مرتب داشته درعهده شناسد.

شهر ذی‌قعدهٔ ۱۳۰۷.[2]

---

۱ ــ مهرچهارگوشهٔ بزرگ ناصرالدین‌شاه باسجع :

«تاکه دست ناصرالدین‌خاتم‌شاهی گرفت صیت‌داد و معدلت ازماه تا ماهی گرفت»

و درکلاهك آن «الملك‌لله تعالی». ۲ ــ درپشت‌ورقه مهری بیضی‌بانام: «امین‌السلطان» است .

۱۷

حکم ساعدالدوله مورخ ۱۳۱۰ هـ . ق .

در این حکم به محمدبیگ فراش‌دستور داده شده است که آب قریهٔ ولاشکی راکه سپردهٔ به مشهدی محمدحسین فراش‌است وازرعایای قریهٔ حیدرآباد دست تعدی و بیحسابی به‌آن درازکرده‌اند از دست ایشان‌گرفته‌و به‌سیداحمد صدرمتولی ومشهدی محمدحسین نامبرده بسپارد .

عالیشان محمدبیگ فراش را قلمی‌و مرقوم میشود ازقراریکه جناب مستطاب آقاسید احمد صدر اظهار داشت آب ملك ولاشکی موقوفـه راکه متولی‌آن جناب آقـای معـزی‌الیه میباشند و سپرده بمشهدی محمدحسین فراش است کـه زارع اهل قریهٔ حیدرآباد بمزارع جناب آقا دست‌تعدی و بیحسابی را گذاشته لهذا بموجب ایـن حکم مأموری در قریهٔ حیدرآباد رفته از عالیشانان کدخدا و پیرمردان و رعایای آن قریه التزامی بگیرند هرگاه بخواهند بعد از این در بـاب آب ملك قریـهٔ ولاشکی موقوفه‌که تعلق بجناب‌مستطاب آقاسید احمدصدر دارد وسپرده‌بمشهدی محمدحسین فراش است‌گفتگوئی بکنند و یـا درصدد اذیت اوبرآیند مورد مؤاخذه خواهند بود البته از قراری‌که مرقوم شده هرچه در قریهٔ مزبور التزامی سخت‌گـرفته معاضدت نمائید وتخلف جائز ندانسته .

۱۸ شهر جمادی‌الثانی هزار وسیصدو ده.

[جای مهر ساعدالدوله] [1]

---

۱ ـ مهری باسجع : «ساعدالدوله».

۱۸

فرمان شاهی بهوالی مازندران و استراباد در بارهٔ یکصد و پانزده خروارشالی مستمری آقاسیدفضل‌الله و آقاسیدمهدی و آقاسیدمحمد-علی و آقا سید ابراهیم که مدت دوسال است بهایشان نرسیده‌است از اینرو حاجی آقابیگ یوزباشی فراشخانهٔ مبارکه را برای وصول و ایصال مقدارمزبور روانه داشته‌اند تا مقدارمزبور را بهایشان کارسازی نمایند و در بارهٔ دوقریهٔ موقوفهٔ چوپلانی و میرومحله اگرکسی حرفی حسابی دارد در محضر یکی از اهالی شرع گفتگو نماید.

مقرب‌الخاقانا فرزندا جناب فضائل‌مآب قدوة‌العلماء والمجتهدین آقا سید فضل‌الله استرابادی که همواره مورد الطاف غیرمتناهی حضرت شاهنشاهی روحنافداه بوده و میباشد ازقرارفرمان جهانمطاع مقداریکصدوپانزده خروارشلتوك ...مستمری درحق ایشان و عالیجنابان آقا سید مهدی و آقا سید محمدعلی و آقاسید ابـراهیم نیزمخلد است که

در وجـه عـالـیجنـاب معـــزی‌الیه . . . .

هشتاد وپنج خروار سی خروار

در جزو وظایف استراباد بجمع شما آمده است از قراریکه مسموع شـد و مکرر نوشته شد حال دو سال است که نداده‌اند و بعهدهٔ تعویق گذارده‌اند ظهور اینگونـه اعمال‌خلاف رأی معدلت‌آرای اقدس شهریاری‌است لهـذا عالیشان حاجی آقابیگ یوزباشی‌فراشخانهٔ مبارکه‌رابرای وصول وایصال مبلغ مزبور روانه داشت باید بعد از ورود مشارالیه بدون‌معطلی‌مقدارمزبور راکارسازی نموده که مقضی‌المرام‌معاودت کند و بایشان برساند و همچنین در باب بعضی از املاك وقفی نظـر باحکام علمای عصروحکم همایون پادشاهی چندسالست که درتصرف جناب معزی‌الیه میباشد ونیز

میباید کماکان در تصرف ایشان باشد این امــلاك دوقریهٔ چوپلانی و میرومحله است هرگاه احدی را حرف‌حسابی‌باشد قدغن‌نموده درخدمت سرکارحاجی‌ملامحمدتقی‌و یایکی از اهالی شرع مطاع طی‌گفتگو نمایند با وجود اطلاع آن فرزند چرا بایست درامورات معزی‌الیه اختلال رخ دهد البته بقرار اظهار رفت معمول دارد.

مقرب‌الخاقان فرزندی سلیمانخان حاکم استراباد ۴۲
ازقراری تصدیق عالیشان حاجی میرزا مقیم که محاسب شماست مستمری جناب سید بخرج شما آمده‌است خیردنیاوآخرت شما این‌است که جناب سیدعالم فاضل‌کامل‌را معطل نفرمائید .

۱۹

ظاهراً حکم‌علیقلی میرزابه فرزندش- بدیع‌الزمان میرزا - است. در این‌حکم به‌بدیع‌الزمان میرزا دستور داده شده است کـه مالیهٔ رسدی قریهٔ آهنگرمحله را از بابت سنهٔ ماضیه وسنهٔ صـدور حکم که نزد جعفرقلی آقای دولو است از او بازیافت و تسلیم صاحبان ملك نماید.

حکم والاشد که فرزندارجمند نامدارقرةالعین سعادتمند کامکار بدیع‌الزمان میرزا بمزیدالطافت خاطرخطیر مرحمت تخمیرنواب مستطاب والا سرافراز ومباهی بوده بداندکه درباب وجه مالیهٔ قریهٔ آهنگرمحله که از صاحبان قریهٔ مزبوره از بابت سنهٔ ماضیه وهذه‌السنه در نزدعالیجاه رفیع جایگاه جعفرقلی‌آقای دولو است احکام‌پی‌در پی صادرگشت که مالیهٔ رسدی ایشانرا از مشارالیه مهم‌سازی نماید وبآن فرزند مقرر فرمودیم که اگر مشارالیه در دادن مالیهٔ رسدی ایشان اهمال ورزد قدغن نموده که کارسازی‌کرده باشد اکنون ازقراری‌که بعرض‌اشرف رسید مشارالیه وجه مزبوررا

مهمسازی نداشته است وظهور این معنی منافی رأی معدلت‌آرای والاست لهذا مقررمیشود که احدی از کسان خود را مقرر که هرقرارداد مزبور ازبابت سنهٔماضیه‌و هذه‌السنه باقی است از مشارالیه حکماً دریافت و تسلیم صاحبان ملك نمایند و اگر این‌بارهم نیز تعلل ورزیده بجناب سعادت‌مآب زبدةالسادات والأطیاب آقا محمد ـ محسن شرحی خواهم نوشت که‌رسدی ایشانرا از جانب‌سرکار از ایشان اجاره‌نموده که رفع این‌گونه‌امورات بالکلیه شده باشد باید آن فرزند حکماً وحتماً نموده مالیهٔ سابق را تمام وکمال دریافت و تسلیم نموده تخلف نورزد ودرعهده شناسند...

۲۰

ظاهراً رقم علیقلی میرزا ملك‌آراست که در آن به فرزندش بدیع‌الزمان میرزا دستور داده است که به شکایت میرزا جعفر و میرزا مهدی ـ ورثهٔ میرزا حسین‌هروی ـ از آقایان قاجار شرکای آهنگرمحله رسیدگی کند واملاك رسدی ایشان‌را به‌تصرف داده و منافع رسدی ایشان را عاید ایشان‌گرداند.

حکم والاشد که فرزند ارجمندکامکار وقرةالعین سعادتمند نامداربدیع‌الزمان‌میرزا بتوجهات خاطر مرحمت‌اثر والا مفتخر ومباهی بوده بداندکه موکب والا درجناح حرکت بصوب دارالخلافه بود که عالیشان اخلاص وارادت پاسبان میرزا جعفر و میرزا مهدی ورثهٔ میرزاحسین هروی وارد دربارگردیده مجدداً ازسوء سلوك آقایان قاجار شرکای آهنگرمحله شکایت کردند خواستیم که محصلی شدید وغلیظ تعیین کنیم تایکباره حکم بضبط آهنگرمحله نمائیم باستدعای‌بعضی‌ازمقربان‌حضورموقوف واین بار نیز ایشانرا روانه نزد آن فرزند نمودیم و مقرر میفرمائیم که این فقره پربطول

انجامیده و فرامین مطاعه ازسرکار اقدس آورده‌اند و ازسرکار والانیزاحکام جاری‌و کرات گفتگوها دراین باب شده و حکم قطعی صادرگردیده که املاك رسدی ایشانرا بتصرف داده و منافع رسدی ایشان عاید ایشان‌گردیده باشد دیگر زیاده ازاین ابرام ایشان در بی‌حسابی و ایذاء نسبت باین فقرا را تحمل جایز نیست مقرر میشود که در ساعت ورود ایشان محصلی شدید روانه وبتأکید تمام قدغن داشته که حصه ورسدی ایشان را تاحبهٔ آخر بحیطهٔ وصول آورده تحویل کند وقبض رسیدگی حاصل کند و بهیچ‌وجه من‌الوجوه عذری از آنها مسموع ندارد که نواب عذری از آن فرزند مسموع نخواهیم داشت که‌از تاریخ صدور رقم و بعدها امر ایشان منتظم نشده باشد باید حسب‌المقررعمل‌نموده بدون مراعات ازحمایت‌از آقایان‌قاجارمال ایشانرا اگرفته عاید سازد که این نحواذیت کردن موجب بد دعائی ذات اقدس میباشد حسب‌المقرر عمل نموده در عهده شناسند.

جمادی‌الاخری ...

۲۱

دستور رئیس عدلیهٔ استراباد مورخ ۱۳۲۸ ه . ق .

دراین سند به عبدالله بیگ فراش دستور داده شده است که آب انگران را از قرار معمول سنوات سابقه تقسیم نماید.

عالیجاه عبدالله‌بیگ فراش عدلیه را قلمی میشود شما مأموریدآب‌انگران را ازقرار معمولی سنوات سابقه چهارتقسیم نموده وازحضرات ساداة چغری و کربلائی‌شعبان

بابت	بابت	بابت
میان دره	الوار	حقابه
دوقسمت	یك قسمت	یك قسمت

التزام بگیرید که تخلف ننمایند چنانچه برخلاف این قرارداد معمولـی رفتار نمایند مورد مؤاخذه خواهند بود هرگاه ساداة چغری و کربلائی شعبان حرفی‌دارند بیایند در شهر گفتگو نمایند البته از قرار دستورالعمل رفتار نمائید.

نمـــره $\frac{۲۰۴}{۲۰۷}$ نمـــره $\frac{۵۸}{۱۳۲۸}$

۲۰ جمادی‌الاولی

[درحاشیهٔ این سند عبارت زیر نوشته شده است :]

و بمسعودالسلطان نوشته شد که اگر لازم باشد در اجرای این‌حکم از شما تقویت نماید.

[مهر ریاست عدلیهٔ استراباد ۱۳۲۸]

۲۲

فرمان احمدشاه قاجار (۱۳۴۲ ـ ۱۳۲۷) مورخ ۱۳۳۰ هـ . ق .

در این فرمان احمدشاه قاجار نصف‌بلاکسر حقوق دیوانی علی‌خان یاور قزاق که مبلغ چهل‌وهشت تومان می‌شود ازسال ۱۳۳۰ هـ. ق. الی پانزده سال‌دیگر برطبق‌قانون وظایف در حق وراث او برقرار داشته است.

[جای مهر احمدشاه قاجار][1]

چون علی‌خان یاور قزاق این اوقات وفات یافته رعایت و آسایش بازماندگـان آن

---

۱ ـ مهری چهارگوشهٔ بزرگ باسجع :

«خواست تایزدان شودآباد ملك ازعدل‌و داد خاتم شاهی به سلطان احمد قاجار داد»

و درکلاهك بالای آن: «الملك‌لله‌تعالی».

مرحوم منظور نظر آفتاب‌اثـر اقدس همایون ملوکانه است لهذا بموجب این فـرمان قضاجریان مبارك نصف بلاکسر حقوق دیوانی آن مرحوم راکه مبلغ چهل وهشت تومان میشود بتفصیل ذیل از هذه‌السنه سیچقان‌ئیل ۱۳۳۰ الی پانزده سال دیگر کـه سال آخرآن بارس‌ئیل ۱۳۴۴ میباشد برطبق قانون

حقوق دیوانی مرحوم علی‌خان یاورقزاق	از محل مازندان ضبط دولت میشود
نودوشش تومان	چهل‌و هشت تومان

درحق ورثه

بـــــــــــــابت	بـــــــــــــابت
غـلام رضاخـان ولـد آنمـرحـوم	غـلام‌حسینخان ایضـاً
سیزده تومـان و هفت هزار و صد و چهل‌و دو دینار	سیـزده تـومـان‌وهفت‌هـزاروصدو چهل و دو دینار
بـــــــــــــابت	بـــــــــــــابت
غـلام‌معلـی‌خـان ایضـاً	طوبی‌خانم‌عیال آنمـرحـوم
سیزده تومان و هفت هـزار و صد و چهل‌و دو دینار	شش تومان وهشت هزار و پانصد و هفتاد و چهار دینار

وظایف درحق وراث‌آن مرحوم مرحمت و برقرار فرمودیم مقرر آنکه بعدازانقضاء مدت معین حقوق مزبور ضبط دیوان‌اعلی‌خواهد بود المقررجنابان مستوفیان‌عظام‌و کتبهٔ کرام شرح فرمان مبارك راثبت وضبط نموده درعهده شناسند بتاریخ فوق .

[برحاشیهٔ سمت راست این فرمان عبارت زیر نوشته شده است :]

مبلغ چهل‌وهشت تومان مستمری‌ورثهٔ مرحوم علیخان یاورقزاق‌که از قراراین‌فرمان مبارك ازمحل آنمرحوم برقرار شده دردفتر وظایف تحت‌نمرهٔ (۴۷۴۲۳/۴۷۴۲۴/ ۴۷۴۲۵/۴۷۴۲۶) ثبت است.

وقفنـامـه

۱

وقفنامۀ حاجی میرزا معزالدین‌محمد مورخ ۱۱۶۹ هـ . ق .

دراین‌سند حاجی میرزا معزالدین‌محمد چهار دانگ‌و نیم ازجمله ششدانگ یک‌محوطه باغچهٔ مشجره وششدانگ ایوان‌جنوبی‌ارسی‌دار مع درون خانهٔ غربی متصل به آن وششدانگ دروخانهٔ کوچک شرقی متصل به ایوان مذکور و ششدانگ تالار حوض با بیوتات آن و ششدانگ ایوان شمالی مع‌ایوان شرقی متصلهٔ بـه آن و دو دانگ ازکل ششدانگ ایوان و درون‌خانهٔ میرزا حسابی وسه‌دانگ بالاخانهٔ کاغذلوق در سردرخانـه و سه‌دانگ از شش دانگ مطبخ سمت جنوبی و یک دانگ‌و نیم‌انبارمتصل به مطبخ را برولدصغیر موجود خود ـ میر تقی‌الدین محمدـ وبرسایر اولاد ذکور واقف که بعداً به وجود آیند وقف کرده وشرایط انتفاع ازمنافع آن را در متن آورده است .

هوالواقف علی الضمائر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله‌الواقف‌علی‌السرائروالمطلع‌علی‌الضمائروالصلوةوالسلام‌علی‌محمدالمبعوث

من خیر العشائر المذخر شفاعته للصغائر و الکبائر و آله المصطفین المکارم المفاخر و اصحابه المقتفین للاخبار و المآثر و بر واقفان مواقف عقل و هوش و عارفان معارف موعظت نیوش ظاهر و باهر که بآدمی بعد از انتقال از این سرای غرور بدارالسرور آنچه از اعمال زودتر باو ایصال میبابد صدقهٔ جاریه و از آن جمله وقف اوقافست که منافع آنها بر مصارف جمعی حبس شود که ایشانرا انتفاعی از آن حاصل و ثواب مرتب بر آن بواقف واصل شود بناءً علیه توفیق رفیق حال و کفیل آمال عالیحضرت معلی سریرت نجیب فطرت مستغنی المنقبت سلالة السادات الکرام و زایر بیت‌الله الحرام حاجی میرزا معزالدین محمدا خلف غفران ورضوان مآبی میرزا حسابی الحسینی الاسترابادی گردید درحالت ثبات شعور و نفاذ تصرف او درامور وقف مؤبد و حبس مخلد صحیح صریح شرعی نمود همگی وتمامی حصص معینهٔ مفصله ازخانهٔ محل سکنای خودرا مع متعلقات آن از بیوتات و غیره که موافق تفصیل ذیل است مع همگی وتمامی چهاردانگ ونیم از جملهٔ شش دانگ یك محوطه باغچهٔ مشجرهٔ موصوفهٔ محدودهٔ مذکورهٔ بعد را شرقیاً متصل است بانارباغچه که به صبیهٔ کبری خود بی‌بی مریم هبه نموده‌ام جنوبیاً بخانه سرای واقف معزی‌الیه اتصال دارد غربیاً بخانه سرای ملامحمد خراسانی متصل است شمالیاً بمقبرهٔ مسلمانان اتصال دارد ایوان جنوبی ارسی‌دار مع درون خانهٔ غربی متصلهٔ بآن تمام ششدانگ درو خانهٔ کوچك شرقی متصل به ایوان مزبور کل ششدانگ تالارحوض با بیوتات آن قاطبه ششدانگ ایوان شمالی مع ایوان شرقی متصلهٔ بآن که یك در آن به انارباغچه گشوده میشود و دیگری بایوان مزبور مفتوح است جملگی ششدانگ ایوان و درون خانهٔ میرزا حسابی مع تحتانی و فوقانی آن که میرزا ابومحمد در آن سکنی دارد و مشاع است فیمابین میرزا جمال وسید محمد سوای یکدانگی که به صبیهٔ کبری بی‌بی مریم هبه نموده موازی دو دانگ از کل ششدانگ بالاخانهٔ کاغذلوق در سردخانه مع متعلقات

آن ۳ دانگ مطبخ که درسمت جنوبی واقعست و ساحة بیوتات بآن منتهی‌میشود نصف از کل که بعبارة آخری ۳ دانگ بوده باشد انبار متصله بمطبخ مزبور که تحت آن مطبخ علیحده است و حسب‌الارث مشاع‌است فیمابین میرزا سید محمد و میرزا جمال موازی یکدانگ‌ونیم بریکنفر ولد صغیر موجود خود وهوجناب‌نتیجة‌ـ السادات والنجبا میرتقی‌الـدین محمد طول‌الله عمره و بر آنچه از واقف معزی‌الیه ذکوراً موجود شود وبعداز او براولاداو ذکوراً کانوا ام اناثاً برسبیل‌تسویه وبعداز ایشان براولاد ایشان نسلاً بعدنسل‌الاقرب فالاقرب کماذکر و بعد از انقراض ایشان العیاذبالله تعالی بـرصبیهٔ کبری خود وهی علیاحضرت خـدارت و طهارت دستگاه بی‌بی‌مریم که حلیلهٔ جلیلهٔ عالیحضرت میرزا جمال الحسینی است وقف نموده وبعد از او برذکور نوادەهای موجود خود که از صبیهٔ‌کبری مسماة مذکوره وهما نتیجة النجبائی‌میرزا محمدجعفـر ومیرزا حسابی دارد و بـر آنچه بعد از مخدرهٔ مسطوره بهم رسد از ذکور اولاد او بطریق مساوات بعد از ایشان براولاد ذکور واناث‌کماـ فرض‌الله تعالی‌للذکر مثل حظ‌الانثیین و بعد از استیصال اولاد ایشان خـدا نخواسته وقف ساخت‌براولادسایرصبایای‌دیگری واقف معزی‌الیه بطریقهٔ مذکوره یعنی‌للذکر مثل حظ‌الانثیین و بعداز انقطاع ایشان خدا نکرده وقف نموده بـرمصارف تعزیـهٔ حضرت ابی‌عبدالله الحسین صلوات‌الله وسلامه علیه وتولیة اوقاف مزبوره را واقف معزی‌الیه‌حال حیاته بنفس‌نفیس‌خود تفویض ونه‌عشرحاصل آنها درعوض‌حق‌التولیه بجهت خود مقرر ساخت و بعد از اومتولی موقوفات مزبوره موقوف‌علیهم‌اند بـر سبیل اشتراك درصورت عدم خلاف میان ایشان و در آن صـورت اصلح وارشد از ایشان متولـی وحق‌التولیه در آن وقت عشر حاصل را قرار داد و در هنگامی کـه موقوفات‌تعلق‌بمصرف تعزیهٔ‌مذکوره رابهمرساند اعلم واصلح بلدة‌المؤمنین‌استراباد صانهاالله تعالی عن‌التفرقه‌والفساد خواهد بود وصیغهٔ وقف مزبوره بالعربیه‌والفارسیه

از عالیحضرت واقف معزی‌الیه بقانون شریعة مطهره جاری شد و موقوفات مزبوره را بوقفیت در آنها معمول داشت وقفاً مؤبداً و حبساً مخلداً صحیحاً صریحاً شرعیاً قطعیاً بحیث لایباع ولایرهن ولایتصرف فیها مابنا فی‌الوقفه.

فی تاریخ رابع عشر شهر ذی‌القعدة‌الحرام
من‌شهور سنة ۱۱۶۹ من‌الهجرة النبویة
المصطفویةعلی‌من‌هاجرهاالف‌الثناءوالتحیه.

[برحواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

هو

اعیان مسطورهٔ متن را این خاکسار برنهج مسطور برطبقات مفصلهٔ مذکورهٔ ضمن وقف و حبس نموده و خود صیغه را جاری ساخته فمن بدله بعدما سمعه فانما اثمه علیه حرره‌المذنب الجانی معزالدین محمدالموسوی الحسینی. [جای دومهر][1]
جری مارقم من‌المبدأ الی المقطع لدی نمقه. [جای مهر][2]

بسم‌الله العلی‌الأعلی

در حضور اقل طلبه عالیحضرت معظم‌الیه‌تحبیس اعیان مسطورهٔ متن نموده وبرنهج محررصیغهٔ وقف ازو بالأصالة والاحقر بالوکالة جاری‌گردیده وانا‌العبد .

[جای مهر][3]

بسم‌الله وله‌الاسماء‌الحسنی عالیحضرت معظم‌الیه درحضور کمترین اعیان مفصله‌را وقف وصیغه را جاری ساخته‌اند . [جای مهر زین‌العابدین الموسوی الحسینی] [4]

۱ـ مهری بزرگ باسجع: «افوض امری‌الی‌الله‌الغنی عبده معزالدین‌الحسینی» ومهری کوچك‌باسجع: «عبده معزالدین‌محمدالحسینی». ۲ ـ مهری باسجع: «محمدالحسینی».
۳ ـ مهری با سجع : «محب شه‌دین محمدعلی». ۴ ـ مهری باسجع : «سیدالسادات زین‌العابدین».

بسم‌الله‌خیر الاسماء

اقرالواقف المعظم‌الیه کما رقم و زبر فیه لدی نمقه‌الجانی . [جای دومهر][۱]

هو اقرالواقف وفقه‌الله‌تعالی کما زبرفیه لدی العبدالاقل محمدصفی بیگ .

هو الله تعالی

قداعترف عالیرتبه الواقف وفقه‌الله تعالی بما زبروسطر فیه نمقه‌الجانی.

[جای مهر][۲]

قداعترف الواقف المعظم‌الیه بحذافیر مازبرفیه لدی. [جای مهر][۳]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

اعترف الواقف المزبور دام عزه بمازبرلدی. [جای مهری ناخوانا]

بسم‌الله‌خیر الاسماء

غرض از ارتسام این سطور اینست که چون بالاخانهٔ کاغذلوق واقع در سردرخانهٔ موقوفه که سه‌دانگ نظربوقفنامچهٔ معتبره وقف اولاد واقف موفق مرحوم است از اینکه بالاخانهٔ مزبوره مشرف بانهدام و موقوف‌علیهم از تعمیر ومرمت آن عاجز نظر بفتوای مجتهدالعصروالزمانی علامةالدورانی آقاسیدعلی دام‌ظله‌العالی موقوف‌علیهم با اطلاع سادات عظام وعلمای کرام دارالمؤمنین استراباد و تعیین قیمت دو نفرمقوم صاحب وقوف سه‌دانگ بالاخانهٔ مسطوره را بمبلغ چهار تومان و پنجهزار دینار رایج الوقف بعالیحضرت معلی‌مرتبت فضیلت منقبت ملا محمدزکی بمبایعهٔ صحیحهٔ شرعیه فروخته و عوض عین موقوفهٔ مبیعه دودانگ از ایوان ودرون خانهٔ

---

۱ ـ مهری باسجع : «اللهم صل‌علی‌محمدوآل محمد» و مهری دیگر باسجع : «عبده محمدکاظم الموسوی». ۲ ـ مهری باسجع : «عبده محمدرفیع الموسوی» .

۳ ـ مهری با سجع : «قال‌انی عبدالله» .

مشترکهٔ مرحومان میرزا جمال ومیرزا سید محمد را باسایرمتعلقات درحضور عدول مؤمنین بضوابطی که در وقفنامچه مسطور است وقف مؤبد و حبس مخلد نمودند وصیغ مبایعه و وقف کما قررفی‌الشریعةالمطهرة واقع وجاری‌گردید وکان ذلك نهم شهر شوال‌المکرم من شهورسنة ۱۲۱۲. [جای شش مهر][1]

۲

وقفنامهٔ آقامحمدخان قاجار (۱۲۱۱ - ۱۱۹۳) مورخ ۱۲۰۶ ه. ق.

در این وقفنامه آقا محمدخان قاجار تمامی عمارات واقع در دارالمؤمنین استراباد را با جمیع لواحق و مضافات و منضمات و شوارع وقف برائمهٔ اثنی‌عشر کرده و تولیت آنهارا به صادق‌سلطان کردمحله‌ای و اصلح وارشد اولاد او نسلا بعد نسل مفوض داشته است.

هوالواقف

آقامحمدخان قاجار بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

حمدوثنا شایستهٔ ذات‌سلطان لامکانی‌است که عمارت دلگشای وسیع‌الفضای گردون‌را بنای قدرتش بی‌آب و گل بنانهاده و فلك قمر را مهتابی آن قرار داده آفتاب را شمسه‌الطاق نموده وپرتو مهر وخطوط شعاعی‌را شادروان وطنابهای آن ایوان‌عالی رواق فرموده از ماءوطین منظرخوش منظر انسانی ساخته و قلوب مؤمنین را برای

۱ - مهری باسجع: «یاخلیل‌الله» و مهردیگری باسجع: «عبده محمدرفیع الموسوی» و مهری دیگرباسجع: «الراجی عبده محمدمحسن الموسوی» و مهری دیگر باسجع «عبده محمدهادی» ومهری دیگر باسجع «عبده‌الراجی احمدالرضوی» ومهری دیگرباسجع «زین‌العابدین الموسوی».

خلوت خاص‌خویش ازغیر پرداخته الحمدلله‌الذی خلق‌السموات والارض‌فی‌ستةایام ثم‌استوی علی‌العرش یغشی‌اللیل‌النهار یطلبه حثیثاً والشمس والقمروالنجوم‌مسخرات بامره‌الاله‌الخلق والامر تبارك‌الله رب‌العالمین ودرود غیرمحدود بـررسول محمودی باد که محرم خلوتسرای حضرت‌اله و برجانشینش کـه مولد شریفش بیت‌الله است صلی‌الله‌علیه‌وسلم و بعد پوشیده‌نماندکه چون در این عالم خاك وآب تاکسی‌برای خیرخشتی پای کار نیارد در قصور جنان منـزل نگزیند و در اینجهان پرانقلاب تـا احدی بجهت تعمیر اساس نیکوکاری برنخیزد در غرفات‌آمنین ننشیند هرکه حلقه‌ـ کوب در سعادت نشد ابواب‌ثمان هشت بهشت بـررویش مفتوح نگردیـد و آنکه زال‌گران مهربی‌بهردهررا طلاق نداد شاهدگشاده‌روی حورعین‌را تنگ دربرنکشید بناءًعلیه خالصاًلوجه‌الله و طلباً لمرضاتـه وقف صحیح مؤبد وحبس صـریح مخلد فرمود بانی‌بنای قربات و واضع اوضاع خیرات سریرآرای مسند عدالت‌گستری و زینت‌فزای دیوان داد دهی ورعیت‌پروری نوشیروان‌وشی کـه دربازار سنجیدگـی میزان عدالتش صعوهٔ سبك‌قدر با شاهین‌گران‌سنگ هم‌ترازواست وسپهکشی که در عهد مردانگی و شجاعتش زال ضعیف با رستم‌دستان قوی‌چنگ هـم‌باز واز گلهای بوستان‌دولتش رایحهٔ باغ‌ارم می‌آید واز رزمگاه صولتش بوی خون سیاوش‌ورستم بمشابهت شمشیر عالم‌گیرش ماه‌نوشهرهٔ هرشهر وانگشت‌نمای آفاق است واز رای عالم‌آرای وفاق اقتضایش آب و آتش چون تیغ تیزش بیك‌جـا در مقام اجتماع و اتفاق کامکار نامدارجمشیدقدرسکندراعتبار صاعد مصاعد عزت و بزرگواری‌وعارج معارج شوکت و شهریاری متخلق باخلاق ربانی متحقق باوصاف اشراف انسانـی مالك ممالك‌الاحسان والبسالة وسالك مسالك الایمان والعدالـة سلطان السلاطین و رأس‌الخواقین المؤید بتأئیدات الملك الغفار ابوالمظفر المؤید المنصور ∴ قـاجار ادام‌الله ظلال رأفته علی‌مفارق العباد وخلدالله دولته‌فی‌جمیع‌الامصار والبلاد تمامـی

عمارات جنت‌بنیاد واقعه در دارالمؤمنین استراباد را با جمیع لواحق و مضافات و منضمات و شوارع را که بانی آنها بندگان ظل‌الهی و واضع آنها اعلیحضرت سلطنت‌پناهی‌اند برائمهٔ اثنی‌عشر صلوات‌الله الملك الاکبر تاثواب وقفیت عاید روزگارفرخنده‌آثارنواب خاقانی و واصل ایام سعادت فرجام قاآنی گردد وتولیت آنرا بعالیشان معلی‌مکان‌سموالمنزلة والشان‌عمدةالاعاظم والاعیان صادق‌سلطان کرد-محله وبعدباصلح‌وارشداولاد اوبطناً بعدبطن و نسلاً بعدنسل‌مفوض فرمودند وخراب کننده وتغییردهندهٔ آن بلعنت خداوائمهٔ هدی‌گرفتار باد فمن‌بدله بعدماسمعه فانمااثمه علی‌الذین یبدلونه.

وکان ذلك فی‌سادس‌شهرجمادی-
الثانیه من شهور سنة ۱۲۰۶.

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وفق و وقف دامت‌ایام دولته‌العلیةالعالیه جمیع مارقم فی‌الورقة کما رقم لدی.

[جای مهر][1]

هوالواقف علی‌الضمایر والسرایر

قد وفق‌الواقف الموفق المؤید بتأییدالله الملك‌المنان للائمه‌الاثنی‌عشرعلیهم‌السلام جمیع مارقم فیه وفوض‌التولیه الی‌صادق سلطان لدی.

وکیل‌الداعی لابودالدوله.

[جای مهر][2]

۱ - مهری چهارگوشه باسجع: «افوض امری الی‌الله عبده محمدحسین».
۲ - مهری بیضی باسجع: «وان‌الله حکیم کریم».

۴

وقفنامهٔ مدرسهٔ صالحیه در شهر استراباد مورخ ۱۲۳۲ ه . ق .

در این وقفنامه حاجی محمدصالح استرابادی از مال و رجال خود مدرسه‌ای در شهر استراباد ساخته و وقف بر طلاب کرده و شرایط استفادهٔ طلاب را از این مدرسه یاد کرده است و تولیت آن را پس از خود به حاجی محمدجعفر و بعد به آقا محمدحسین و پس از او به ارشد اولاد ذکور تفویض نموده است. سپس همگی و تمامی نیم‌دانگ از کل ششدانگ قریهٔ کردچمن و یازده باب دکان واقع در بازار کهنه و سه باب دکان واقع در بازار نو را وقف بر این مدرسه کرده و شرایط استفاده از منافع آنها را در متن وقفنامه آورده است.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الواقف علی السرائر والمطلع علی الضمائر والصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد و آله اشرف القبائل والعشائر بعدالحمدوالصلوة برواقفان مواقف توفیق که استقرای امور توفیقه کرده‌اند مخفی نخواهد بود که بمضمون صدق مشحون کل شیء هالك الاوجهه ازلیت وابدیت مختص جناب احدیت و دوام و استمرار مخصوص حضرت کردگار و ماسوای ذات مقدس تمامی درمعرض فناو زوال ومحل هلاکت و وبالند و بنی نوع آدم که اشرف طوایف عالم و منشأ خطاب وعتاب و موردثواب و عقابند بمصداق موتوا قبل ان تموتوا لازمست که پیش از آنکه جام ناگوار مرگ را نوش نمایند درسرزمین زندگانی درنشاندن درخت نیکوکاری و در زراعتگاه دنیا که مزرعهٔ آخرت است در افشاندن تخم رستگاری ساعی بوده کـه از ثمر آن در یوم لاینفع مال ولابنون محظوظ گردند مصداق این مقال شامل حال فرخنده‌فال عالیحضرت

رفیع منزلت متعالی مرتبت نجابت منقبت سرحلقهٔ اهل‌سداد و سردستهٔ ارباب رشاد زین‌الحاج والعمار حاجی محمدصالح استرابادی زید توفیقاته گردیده که بجهت نشرشریعت غراوملة بیضا ازمال‌ورجال‌خود مدرسهٔ دربلدةالمؤمنین استراباد فیض‌آباد جنات‌بنیاد بحلیهٔ آبادی برآورده و وقف مؤبد شرعی وحبس مخلد اسلامی نموده واقف موفق دامت توفیقاته مدرسهٔ مزبوره را برطلبهٔ علوم دینیهٔ اثنی‌عشریه که درآنجا منزل نموده بتحصیل علوم دینیه ومعارف یقینیه اشتغال نمایند وتخایهٔ ید نموده بتصرف موقوف‌علیهم مفوض نموده وشروط شایع ضمن‌العقد آنستکه‌مشغول باشند طلاب مدرسهٔ مزبوره بقرائت کتب مدونه بلغت‌عرب یعنی ملای مکتبی‌خارج از موقوف‌علیهم است و اطفال فارسی‌خوان هم در مدرسهٔ مزبوره منزل نداشته باشند مگر اولاد واحفاد عالیحضرت رفیع‌منزلت پسندیده‌فطرت کهف‌الحاج‌حاجی محمدجعفر همشیره‌زادهٔ واقف که ایشان مرخصند در تعلیم قرآن و کتب مدونه بلغت عرب و غیرعرب و یك حجره ازحجرات را اطفال واحفاد حاجی مزبور بجهةتعلیم کتب فارسی‌منزل‌نمایند ومرخص‌میباشند وشرط دیگر آنستکه معطل‌نکنندحجرات‌را طلاب از ید غیر شهر محرم‌الحرام و شهر صیام و اینکه منزل ندهند خارج را در شب از جهت بیتوته مگر مهمان متعلقین بطلاب تا سه شب و همچنین از شروط شائعه آنست‌که نگذارند در حجرات زغال وهیزم وچراغ نفت در حجرات روشن نکنند وهیمه نسوزانند و میخ دردرو دیوارحجرات نزنند واهل حرفه ازقبیل کفن‌نویس وصحاف وکاتب درمدرسه منزل نکنند مگر کاتبی‌که عرفاً در زمرهٔ طلبه بوده باشد و مشغول نباشند احدی از ایشان و غیره بموافقت و قرارداد منزل معین را واقف موفق مدرسه از برای مدرس هرگاه بوده باشد مدرس .... و زیاده از سه‌نفر درحجرات منزل نکنند مگر بمصلحت متولی وکسانیکه مفسد ومخرب مدرسه‌باشند اخراج نمایند و مرخصند جمیع شیعهٔاثنی‌عشریه نماز درآن مکان را ونشستن بجهت

تعزیهٔ حضرت‌سیدالشهدا وسایرشهدای دیگرمن‌صارشهیداً فی‌نصرتهم‌وشرب‌وتطهیر از آب آن نمایند وخارج مدرسه آنرا بیرون نبرند مگر به‌ندرت وتولیت مدرسه‌را واقف معظم‌الیه مادام‌الحیات بنفس‌نفیس خود قرار داده وبعد بعالیحضرت پسندیده فطرت نجابت منقبت‌کهف الحاج والعمار حاجی محمدجعفر و بعد بعالیحضرت رفیع منزلت آقا محمدحسین ولد مشارالیه و بعده باصلح و ارشد اولاد ذکور او و بعد از انقراض اولاد ذکور آقا محمدحسین اولاد ذکور اناث آقا محمدحسین کذلك و بعد از انقراض اولاد ذکور اناث آقا محمدحسین مفوض نمود تولیت را به اولاد ذکور خیرالحاج حاج محمدجعفر کذلك و بعد از انقراض اولاد ذکور حاجی محمدجعفر اولاد ذکور اناث حاجی محمدجعفر و بعد انقراضهم العیاذبالله تولیت به اعلم واتقی اهل مدرسه بوده باشد و صیغهٔ وقف علی‌نهج المرقوم‌کماورد فی‌الشریعة المقدسه من‌الواقف‌الموفق دام توفیقاته بالعربیة والفارسیه جاری‌گردید و عمل بوقفیت مدرسه نمود و بعد ذلك موفق بتوفیقات حضرت باری گردید واقف معظم‌الیه بضمون اینکه

برگ عیشی بگور خویش فرست　　　کس نیارد زپس توپیش فرست

و بمصداق حدیث صحیح نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله اذامات ابن‌آدم انقطع علیه‌الاعن ثلاث ولدصالح یدعوله وعلم‌ینتفع‌به وصدقة جاریه عمل‌بهترین صدقهٔ جاریهٔ وقف املاك است برطلبهٔ علوم دینیه که ایشان مروج شریعت غرای مصطفویه‌اند در حال حیات وصحت‌نفس‌وثبات عقل وقف مؤبدشرعی‌وحبس مخلداسلامی‌نمودمحضاًلله‌و خالصاً لوجه‌الله همگی و تمامی‌نیم دانگ ازکل ششدانگ از قریهٔ کردچمن مشهور بمیان‌دره واقعه دربلوك سدن‌رستاق من‌اعمال دارالمؤمنین‌استراباد که‌ازغایت‌شهرت‌و تفرد اسم مستغنی‌از تعریف وتوصیف است با جمیع متعلقات ازحسن‌آباد و کلامو و

منضمات آن ازحقابهٔ رودخانــه و اراضی عامــره و غامره وآوشات و شیوارات و تلال وجبال وملیارستان وتوتستان عن‌آنچه ملکیت را سزد وشایـد و انتفاع در آن متصور شود من‌القلیل والکثیر مماذکرام‌لم‌یذکر و سمی‌ام‌لم‌یسم برمدرسهٔ مـزبوره که ازبناهای معمار همت واقف معظم‌الیه میباشد و همچنین واقف دام‌توفیقاته وقف مؤبد وحبس مخلدنموده یازده باب دکاکین‌واقعه در بازارکهنه که از جمله‌دکاکین مزبوره دوباب عصاری و صابون‌پزی است که محدود بحدود اربعهٔ ظهر و سه‌بـاب دکاکین واقعات در بازارنو بلدةالمؤمنین‌استراباد که محدوداست بحدود اربعهٔ‌ظهر برابر مدرسهٔ مزبوره بشروط سالفه که بعداز اخراجات ملکی اولاً تعمیر و مـرمت مدرسهٔ مزبوره نموده مداخل آنرا متولی علی‌رأیه وعلی‌تفاوت مراتب فهم‌الطلاب میانهٔ موقوف‌علیهم تقسیم نماید و از مداخل موقوفه چراغی در سرضروری روشن نماید وتولیت‌اعیان موقوفه‌بنهجی‌است که درفوق قلمی شد وحق‌التولیه‌مادام‌الحیوة ثلث آن تعلق بواقف مشارالیه دارد وبعد ازوفات واقف سدس مداخل اعیان‌موقوفه تعلق بمتولی داشته وسبع‌مداخل موقوفه متعلق بمدرس مزبوره باشد وبعداز انهدام مدرسهٔ مزبوره اعیان موقوفه وقف است برتعزیـهٔ جناب سیدالشهداء علیه‌السلام و یکعدد غلیان نقره باسرش وقف نموده برمدرس مدرسهٔ مزبوره که مدرس وطـلابی که درپیش‌مدرس درس میخوانندبکشند اعیان موقوفه را واقف معظم‌الیه‌دام‌توفیقاته ازیدتصرف خـود تخلیه نمود و بتصرف موقوف‌علیهم داده بطریق مرقـوم متولـی مسطور مداخل اعیان موقوفـه را فیمابین مـوقوف‌علیهم تقسیم نمود و صیغهٔ وقف کما هوفی قانون‌الشریعة المقدسه من‌الواقف الموفق دام‌توفیقاته بالعربیه و الفارسیه جاری‌گردید فمن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه وقفاً صحیحاً شرعیاً اسلامیاً تغییر دهنده بسخط الهی‌ونفرین حضرت رسالت‌پناهی‌گرفتار گردد.

وکان ذلك فی ثامن عشر شهر ذیحجةالحرام من شهور سنة اثنی و ثلاثین ومائتان بعدالالف من الهجرة النبویة المصطفویة هزارو دویست و سی و دو ۱۲۳۲ .

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله تعالی شأنه

قداقرواقف الموفق بجمیع مارقم فیه لدی وانا العبدالآثم . [جای مهر][1]

قدصح و وضح مافیه لدی الجانی. [جای مهر][2]

قدصح و وضح مافیه لدی الجانی. [جای مهر][3]

قد وقف الواقف الموفق جمیع مارقم فیه علی ماسطر اناعبدالاقل. [جای مهر][4]

قد وقع الوقف علی النهج المسطور لدی نمقه الآثم. [جای دو مهر][5]

بسم‌الله جل شأنه

قداقر و وضح جمیع مارقم فیه لدی نمقه الجانی. [جای مهر][6]

بسم‌الله تعالی جل شأنه

وقع و وضح بمازبر ورقم لدی الجانی. [جای مهر][7]

بسم‌الله تعالی وقع جمیع من اوله الی آخره لدی محمدرضا الحسینی .

[جای مهر][8]

۱ـ مهری با سجع: «محمدکاظم». ۲ ـ مهری باسجع: «عبده محمدحسن» .

۳ـ مهری باسجع: «عبده محمدحسین». ۴ـ مهری باسجع: «اسمعیل بن ابوالقاسم» .

۵ـ مهری باسجع: «عبده الراجی حیدرعلی» ومهری با سجع: «المتوکل علی‌الله محمدباقر».

۶ـ مهری باسجع: «عبده محمدهادی الموسوی» . ۷ـ مهری باسجع : « لااله‌الاالله اسحق بن احمد». ۸ـ مهری باسجع: «لااله‌الاالله الملك الحق المبین محمدرضا الحسینی».

وقع فیه ماوقع والخیر فیماوقع وکتب الفانی الجانی. [جای مهر][1]

هو الله تعالی شأنه العزیز

قداقر الواقف الموفق دام توفیقاته بمارقم فیه لـدی نمقه الآثم الجانـی.

[جای مهر][2]

قدوقع الوقف حسبما زبر فیه لدی نمقه الجانی. [جای دومهر][3]

بسم الله خیر الاسماء

قداقر الواقف الموفق دام توفیقاته بجمیع مارقم فیه لدی نمقه العبد الخاطی الجانی الفانی. [جای دومهر][4]

۱ـ مهری باسجع: «عبده مفید الموسوی». ۲ـ مهری باسجع: «المتوکل علی الله محمدحسین الاسترابادی». ۳ ـ مهری باسجع: «عبده الراجی محمدحسین» و مهری ناخوانا. ۴ـ مهری باسجع: «محمد شفیع الموسوی» و مهری دیگر باسجع: «عبده الراجی رحیم الموسوی».

۴

سواد وقفنامهٔ حاجی رحیم دولوی قاجار مورخ ۱۲۴۵ هـ . ق .

در این وقفنامه حاجی رحیم پنج‌سهم از بیست سهم از یك دانگ قریهٔ آهنگرمحله و یك دانگ از دو دانگ از سه دانگ از کل ششدانگ قریهٔ نرس‌آباد علیا و دودانگ از چهاردانگ از کل شش دانگ از یك رشته قنات واقع در نرس‌آباد سفلی و کل ششدانگ از یك باب‌خانهٔ مسکونهٔ واقف واقع در گذر شیرکش از مضافات محلهٔ نعلبندان شهر استراباد را بر تعزیه‌داری جناب سیدالشهدا وقف کرده و شرایط وقف را در متن آورده است .

بسم‌الله تعالی‌شأنه

الحمدلله الواقف علی الضمائر والمطلع علی السرائر والصلوة والسلام علی اشرف‌خلقه محمد وآله خیرالقبائل والعشائر شکروسپاس فزون از قیاس وقف مزرعهٔ نعماء و آلای جناب رب‌الاربابی است که دهکدهٔ عالم جبروت را بلامشارکت غیرمالك و شهرستان‌ملك‌ملکوتش منزه‌ازسهیم ومشارك کرهٔ خاك‌ازاراضی شوکتش قطعه زمینی است که‌ازجویبار بهارمشروب گردیده وچرخ‌پیردرمزرعهٔ فیضش‌دهقانیست که‌باداس هلال‌قامتش بخوشه چینی خمیده الحمدلله الذی‌خلق السموات والارض فی‌ستة‌ایام ثم‌استوی‌علی العرش‌یغشی‌اللیل‌النهارویطلبه حثیثاً والشمس والقمر والنجوم‌مسخرات بامره‌تبارك‌الله‌رب‌العالمین مراورارسدکبریاءومنی که ملکش‌قدیم‌است‌وذاتش‌غنی ودرود نامعدود بررسول محمودی بادکه مقصد اصلی از بنای مزرعهٔ جهان حصول ذات پاك او وعلت‌غائی از احیاء اراضی موات عدم نمو دانهٔ یکتاگوهروجود تابناك

او وصلوات طیبات بر آل واصحاب او کــه ملت بیضای احمـدی را بهین سالار و حدیقهٔ دین مصطفوی را نازل منزلهٔ ابر بهارند و بعد بر واقفان مواقف توفیق ظاهر و روشن و بر پیشگاه باطن اهل تحقیق ثابت و مبرهن است که این دنیای ناپایدار غدار جای اقامت و محل استقامت نیست وانتقال از دارغرور دنیا بمقام سرورعقبی لابد و ضروریست انما الــدنیا فناء لیس للدنیا ثبوت انما الدنیا کبیت نسجةالعنکبوت وبمفاد الدنیا مزرعــة الآخرة و بمضمون برگ عیشی بگور خویش فرست کس نیارد ز پس تو پیش فرست کما قال الله تبارك وتعالی وماتقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عندالله درسرزمین زندگی نشانیدن درخت نیکوکاری مثمر اثمار برخورداری ازاملها است و در زراعتگاه دنیا افشاندن تخم راستکاری سبب ادراك ریع رستگاری دروقت حصاد عملهاست کما قال عزمن قائل ارض القیمة نارماخلاظل المؤمن فانه فی ظل صدقاته یوم القیامه بناءً علی هذا وقف صحیح مؤبد وحبس صریح مخلد فرمودند بانی بنای قربات و واضع اوضاع خیرات عالیجاه رفیع جایگاه نتیجةالامراء والخوانین العظام علیمحمد آقا دام ظله ابن مرحمت وغفران پناه خلد آرامگاه محمودخان ابن مرحمت پناه جنت ـ تکیه گاه حاجی رحیم خان دولوی قاجار طاب ثراهما قربةً الی الله وطلباً لمرضاته همگی و تمامی املاك مفصله که بعضی بالابتیاع وبعضی بالارث منتقل بایشان شده برتعزیه داری جناب اباعبدالله الحسین علیه التحیه والثناء پنج سهم از بیست سهم ازیکدانگ ازکل ششدانگ از قریهٔ مشهورهٔ موسومه بآهنگرمحله که ششدانگ منسهم میشود بیکصدو بیست سهم بعبارة اخری ملك موقوفه یکربع ازیکدانگ است باجمیع تـوابع آن یکدانگ از دو دانگ از سه دانگ ازکل ششدانگ از قریهٔ نرس آباد علیامع جمیع توابع ولواحق ازآنچه منتفع توان شد ودو دانگ ازچهاردانگ ازکل ششدانگ از یکرشته قنات واقعه درارض قریهٔ نرس آباد سفلی وکل ششدانگ ازیکباب خانهٔ مسکونهٔ

واقف که واقع درگذر شیرکش‌میباشد که ازمضافات محلهٔ نعلبندان است من‌محلات دارالمؤمنین استراباد که‌محدود بحدود اربعه که منافع املاك وقنات موقوفه رابعداز تعمیر ولاروب عین‌موقوفه صرف تعزیت‌داری جناب سیدالشهدا ازآش‌وطعام‌وآب‌و اخراجات روضه‌خوان و شمع و چراغ و روغن‌چراغ واسباب وآلات طبخ واکل نمایند و بایدکه در دههٔ عاشورا درخانهٔ موقوفهٔ مسطوره آثار وعلامات تعزیت‌داری برپانموده واقف موفق را بدعای خیروطلب مغفرت ایشان و والـدین‌ایشان را یـاد نمایند و تولیت اعیان موقوفه را مادام‌الحیوة بنفس نفیس خود واگذاشتند و بعد از ارتحال خود از دارغرور دنیا بمقام سرورعقبی باکبراولاد ذکورخودنسلاً بعدنسل‌و بطناً بعد بطن هکذا ماتوالدواوتناسلوا الی یـوم ینفخ فـی‌الصور مفوض داشتند و هرگاه العیاذبالله اولاد ذکور منقرض شوند باکبر اولاد ذکور از اولاد اناث والابـه کبرای اولاد اناث و هرگاه بالکلیه منقرض‌شوند تولیت باعلم عادل نافذالحکم‌بوده باشد و هرگاه متولی متابعت شیطان و نفس اماره نموده در استیفای منافع و صرف در مصارف آن خیانت نماید حاکم شرع او را از تولیت عزل نموده وباولاد دیگر که شایسته باشد واگذارد وحق‌التولیه را عشراز منافع املاك موقوفه قرار دادند که اول عشرخود را برداشته وبعد از آن هرگاه اعیان موقوفه محتاج به‌تعمیر بوده‌باشد نموده آنچه باقی بماند صرف تعزیت‌داری در خانهٔ مـوقوفهٔ معینه نمایند و صیغهٔ صحیحهٔ‌وقفیت بنهج‌مسطوررجاری ساخته وتخلیهٔ‌ید ازملکیت نموده علی‌حسب‌الوقف عمل بوقفیت نمودند وقفاً صحیحاً شرعیاً اسلامیاً فمن بدله بعد مـاسمعه فـانمااثمه علی‌الذین یبدلونه.

تحریراً فی‌غرة شهرربیع‌الثانی من‌شهور سنة ۱۲۴۵.

[برحواشی این‌سند عبارات زیر نوشته شده است:]

لایخفی آنکه بخصوص تعزیت‌داری که در متن مسطور شده که در ایام دهۀ عاشورا شود بعدازجریان صیغۀ وقف درزمان ایام عاشورا عمل نشد بلکه در شهرصفرالمطفر عمل بتعزیت‌داری شد لهذا ایام تعزیت‌داری موقوف برأی متولی شرعی میباشد که درهرشهری از اشهر که خواسته باشد ده روزه تعزیه‌داری نماید مختارمیباشد ودیگر آنکه برخانۀ موقوفۀمسطورهخانۀدیگر ابتیاع فرموده‌اند که وقف نشده‌است‌واضافه‌و ملحق بخانۀ موقوفه شده است که در خارج متعین میباشد و خانۀ موقوفۀ مفروضه و مملوکۀ که از عالیشان مخمدزمان ابتیاع شده است نیز مفروزه میباشد و تحریر شد تا دانسته شود تحریراً فی‌شهر محرم‌الحرام سنة۱۲۵۱ .

حدود خانۀ مملوکۀ ابتیاعی از محمد زمان آقا باین نهج است شرقیاً متصل است بخانۀ مرحوم آقا سید حسن عطار غربیاً متصل است بکوچه که شارع عام است شمالیاً متصل بدرون خانۀ موقوفه جنوبیاً متصل است بخانۀ عالیشان قاسم‌خان که جرز درون خانۀ موقوفه ممتد است بسمت انبار موقوفه .

[مهر امامقلی ولد آقا رحیم ارباب شهری استرابادی و جای چهار مهر] [۱]

اعترف الواقف الموفق کمارقم فیه‌لدی نمقه‌الجانیان الخاطیان .

[جای سه مهر][۲]

اعترف الواقف الموفق کمارقم فیه‌لدی ذامع اصله‌سیان . [جای مهر][۳]

۱ـ مهری‌باسجع: «افوض‌امری‌الی‌الله عبده‌عبدالله» ومهردیگری باسجع: «عبده‌الراجی محمداسمعیل » و مهری دیگر باسجع: «عبده الراجی محمدهادی » ومهری دیگر باسجع: «عبده محمدمؤمن‌الحسینی»،ومهری‌دیگرباسجع «لااله‌الاالله الملک‌الحق‌المبین عبده امامقلی».

۲ـ مهری باسجع: «عبده آقا بابا بن محمدطاهر » و مهری دیگر باسجع: «عبده الراجی یوسف‌علی» ومهری دیگر باسجع : «عبده میرزا علی». ۳ـ مهری‌باسجع: عبده‌الراجی محمداسمعیل» .

اعترف الواقف الموفق کمارقم فیه‌لدی ذامع اصله‌سیان . [جای مهر][1]

این سند معتمد و درنهایت اعتبار است فلیزم العمل به‌وصح مافیه‌لدی حررته ۲۸ جمادی‌الاولی ۱۳۲۱ . [جای دومهر][2]

قد قوبل مع اصله‌الصحیح المعتبر وهماسیان . [جای مهر][3]

بسم‌الله تعالی‌شأنه

اعترف الواقف الموفق کمارقم فی‌المتن والهامش‌لدی ذامع اصله سیان.

[جای مهر][4]

قد وقع مازبر وذامع اصله‌سیان. [جای مهر][5]

---

۱ ـ مهری با سجع : «عبده محمدتقی‌الحسینی» . ۲ ـ مهری‌باسجع: «جمال‌ـالدین محمدصادق العقیلی» و مهری دیگر با سجع : «یعقوب الحسینی» . ۳ ـ مهری باسجع: «عبده محمدمؤمن‌الحسینی». ۴ـ مهری باسجع: «المتوکل‌علی‌الله عبده محمد باقر». ۵ـ مهری باسجع: «افوض امری الی‌الله عبدالله».

۵

سواد وقفنامهٔ محمدقلی میرزا ملک‌آرا مورخ ۱۲۴۹ هـ . ق .

در این وقفنامه ملک‌آرا یك دانگ و نیم از کل ششدانگ قریهٔ سلطان‌آباد بلوك استرابادرستاق را وقف بر اطعام فقرا و مؤمنین مسجدجامع در ایام صیام و تعزیه‌داری جناب سیدالشهدا نموده و شرایط و طرز تقسیم محصول ومنافع را در متن یاد کرده است .

هو الله الواقف علی السرائر

بسم‌الله الواقف علی خبایاد الانام والمطلع علی ضمائر الخاص والعام الذی دعالعباده الی‌دارالاقامة و السلام وجعل الطاعات من‌اسباب‌القرب‌الیه فجعل منهاالوقوف والصدقات‌الجاریه فی‌الدهور والأیام حمد وسپاس‌فزون ازقیاس‌وقف مزرعهٔ نعماء و آلاءِ منعمی‌است بدیـع‌البدایع عزاسمه‌که ساحت فسیح‌الفضای عـالم جبروت را بی‌مشارکت غیرمالك‌است وفضای وسیع‌البناء ملك ملکوتش منزه ازاشتراك سهیم و مشارك مزرعهٔ عرصهٔ غبرا از ابربهاری حکمت بالغهٔ او بآبیاری‌کهن دهقان روزگار همواره مخضرداماناست در هرفصلی از فصول‌اربعه حاصدچرخ پیر پس از درودن زرعهای‌گوناگون اوسالهای سال داس‌هلال بدامان صانعی‌که قالب خاکی انسانی‌را بشکر جـان شیرین آراسته فراش قضا بامرنافذش خیام نیلگون سپهر را بـی‌ستون افراشته سطح زمین را از ترشح سحاب مراحم بی‌پایان رشك‌فرمای روضـهٔ جنان ساخته بفرش زمردفام سبزه پیراسته بمفاد آیهٔ وافی هدایه ولقد مکناکم فی‌الأرض و جعلنالکم فیها معایش قلیلاً ماتشکرون روزی خواران مجموعـهٔ احسان خویش را

در مجمع وسیع جهان و محفل فسیح عالم امکان مجتمع فرموده و مشعل ماه را برافراخت که همه شب تا روز انجمن‌افروز است و مهرروشن چهر را از بام تا شام به‌خدمتکاری عاکفان مساجد اکرام و معتکفان تکایای انعامش گماشته خوان زمین را برای ترتیب کافهٔ عبادمشحون ازهرماحضر برصفحهٔ روزگار گشوده زمام اختیار اکل‌و شرب انواع مأکول واقسام مشروب را بقدر مقدر بر کف باکفایت ایشان گذاشته مقسمی که از طعام‌گوناگون وادام ازحد فزونش قسمت هریك بنوعی مقرراست که همدوریان سفرهٔانعامش را یارای‌آن نه‌که ماش ازآش یکدیگر ربایند و قدرت آن نی‌که از روی هوی‌و هوس بقدر نیم عدس برکاسهٔ دیگر دست درازی نمایند الرزق مقسوم قدقسمه عادل‌بینکم مکرمی که میزبان‌مرحمت‌انعامش دقیقهٔ ازدقایق‌مهمانداری را در حق غنی‌وفقیر وبرناوپیر فرونگذاشت اگر شربت‌دارکارخانهٔ روزگار درعالی محفل مکرمتش بیگانه را از آشنا جداکند و قاشق بالای افشره‌نهد فی‌الحال خوان‌سالار عدالتش‌ازکفگیر مقدرت کف‌مغزیش دهد ویاطباخ‌مطبخ دنیا خواهدبرخلاف تقدیرگوشتی از حصهٔ محتاجی‌کم نماید در دم‌ناظر معدلتش باگزلك قسمت پوست از سرش برکند و چنانچه یکی از مجلسیان‌کرامتش خواهد که باستیلای حرص دو روزه امروز دهن بطعمهٔ آن دیگرگشاید فردا مرغ دلش به آتش حسرت و ندامت کباب آید و هو السلطان لاشریك‌له فی ملکه واحسانه ولارادلقضائه وسائله صلوات نامعدود و درودغیرمحدود برصدرگزین محفل‌اصطفی ومربع‌نشین تکیه قاب‌قوسین اوادنی عارج منبر ثم‌دنی‌فتدلی مخاطب خطاب لولاك مهین فرزند مادر خاك درج رسالت را گوهر پاك و برج نبوت را اختر تابناك تشریف فرمای ساخت عالم‌بالا شرافت‌افزای ساکنان‌ملأ اعلی‌قائم‌محراب مسجد اقصی علت‌غائی عالم‌وشرف‌اولاد آدم آنك نبوت را شریفترین خاتم سندالاصفیاء و سیدالانبیاء محمدکه ازل تاابد هرچه هست به‌آرایش‌نام اونقش‌بست وبرآل اطهار وخلفای نامدارش‌اولهم‌علی‌و

آخرهم مهدی که راهنمایان طریق هدایند وشفیعان روز جزا شمع جمع ولایتند و چراغ انجمن هدایت هر که در شهرستان دنیا جزتخم تولای ایشان در سلطان‌آباد سینه کاشت غیرخسران ابدی بر نداشت اللهم العن اول ظالم ظلم بحق محمدو آل محمد و آخرتابع له علی ذلك فبعد چون طریقهٔ رضیهٔ پیروان شریعت نبوی ورویهٔ مرضیهٔ محبان خاندان مرتضوی آنست که بمقتضای صداقت اقتضاء فقداستمسك بالعروة الوثقی دست توسل برعروة الوثقای محبت اولیای کرام علیهم صلوات الله الملك العلام محکم وپایدار وبمصداق سعادت انتمای فاعتصموا بحبل الله چنگ توکل به حبل المتین شفاعت اوصیاء عظام علیهم آلاف التحیه والسلام استوار نموده تا بمضمون کلام معجز نظام حضرت خیرالانام مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکب فیها نجی ومن تخلف عنها غرق خود را از غرقاب هلاك بساحل نجات رسانند لهذا در عهد دولت شهریار جم اقتدار پادشاه اکلیل کلاه خسرو فیروز بخت آسمان تخت فریدون فر سکندر درکاووس کوس کیخسرو فر شهنشاه عادل باذل اعدل السلاطین الاکرم افخر الخواقین الاعظم مالك الرقاب العرب والعجم ملك الملوك العالم السلطان ابن السلطان والخاقان ابن الخاقان فتحعلی شاه قاجار اعلی الله لوای معدلته علی مفارق الامم فرزند رشید و سلیل سعید سنای سیناء خلافت کبری و ضیای صفای سلطنت عظمی مهر تابان آسمان دولت وگوهر رخشان جهان شوکت حضرت سپهرمنزلت اشرف والا الملقب به ملك آرا محمدقلی میرزا دامت ایام شوکته نوباوهٔ ریاض شاهی و تازه گل گلزار پادشاهی نورحدقهٔ شاهنشاهی ونورحدیقهٔ اعلیحضرت ظل اللهی صاحب اختیار ولایت استراباد جنت بنیاد وسرحدات دشت قبچاق نواب کامیاب سپهر جناب هلال رکاب... ادام الله تعالی عمره و دولته وقف مؤبد نمود همگی و تمامی یکدانگ و نیم از کل ششدانگ قریهٔ سلطان آباد من بلوك استرابادرستاق را که برحسب آبادانی وابتیاع بسرکار شوکت مدار انتقال پذیرفت از اراضی رطبه ویابسه ومیاه ومجری المیاه و

اصطلخ الامقر دولتخانه وحمام ابتغاء لوجه‌الله وطلباً لمرضاته واکتساباً لمزیدالوثقی لدیه ویرید الاقتناء مثوباته به‌تشدید تسدید عنایت ازلی وتأیید تأیید مرحمت لم‌یزلی که همواره شامل حال و کافل احوال اعالی وادانی کافه عباداست بـراطعام فقرا و مؤمنین مسجد جامع عادلاً کانوا ام‌لافی‌ایام الصیام افطاراً ومسحوراً و تعزیهٔ جناب شهادت‌مآب انتسابی که

ترسم جزای قاتل اوچون رقم زنند یکباره برجریدهٔ رحمت قلم زنند

و هـو ثمرشجر نبوت و ولایت و شجر ثمـر خلافت و امامت پیشوای راه هدی و ذبیح کوی وفا گوشوار عرش‌خدا المقتول بسیوف الاعداء والمدفون بارض کربـلا خامس آل‌عبا المجاهد فی‌سبیل‌الله والغازی لدین‌الله سیدالشهدا ابـاعبدالله علیه‌وعلی آبائه واولاده آلاف التحیه والثناء و خلاصهٔ ناس وقتیل سپاه حـق ناشناس حضرت عباس ۴ که محصول و منافع املاك مسطوره بعداز وضع حق‌التولیه که ثلث ازکل منافع است به روشی که در ذیل تفصیل یافت مصروف آید تانقد ثواب آن در روز بازار قیامت عاید روزگار فرخنده‌آثار سرکار شود یك‌ثلث از محصول ومنافـع یکدانگ ونیم املاك رطبه و یابسه را بعداز استیفاء کامله کما هوحقه و وضـع حق‌التولیه که درفوق مسطوراست درشبهای‌ماه مبارك رمضان فی‌اوله‌الی آخره درمسجد جامع‌قدیم محلهٔ نعلبندان من‌محلات‌دارالمؤمنین استراباد جنت‌بنیاد برفقرا و ارباب استحقاق افطاراً اطعام وانفاق نمایند و درلیالی قدردرقیدوبند تفرقهٔ فقیروغنی‌نبوده کسانیکه در مسجد اعتکاف ورزیده بعبادت وتلاوت و نماز ودعا واوراد مشغولند و شب بروز میرسانندبی‌نصیب نگذارند واغنیاء معتکفین‌را از افطار ومسحورمحظوظ دارند یك‌ثلث ازکل‌محصول ومنافع املاك موقوفه را در ایام عاشورا درسقاخانهٔ جدیدالبناء محلهٔ نعلبندان که از ابنیهٔ سرکار شوکت‌مدار واقف وفقه‌الله تعالی است صرف شربت و طعام وادام نمایند و اگر بناء مذکور محتاج به تعمیر یا العیاذبـالله

بمرور دهور از تصاریف ایام روبه‌انهدام نهد تعمیراز اواولی شمارند واگرمنافع و مداخل یکساله یك ثلث مزبور کفایت نکند منافع دوسال یا بیشتر آنرا متولی نگاه داشته به تعمیر بپردازند وپس ازعمارت آن سال‌به‌سال صرف طعام وغیره نمایند و در هرحالــی مرمت را اولی دانند و مصارف ضروریهٔ جزئیه را نیز از قبیل نفط و شمع وغیره کارسازی کرده مضایقه نکنند وتولیت آنرا به‌جناب مقدس‌القاب حقایق‌و معارف‌اکتساب دقایق و عــوارف انتساب افاضل و افادت‌مآب اعلم العلماءالعظـام افضل الفضلاء الکرام زبدة المجتهدین ملاعبدالله زیدایام فضله وپس از او به‌اولاد او نسلاً بعدنسل کــه بزیورصلاح آراسته وقــامت استعداد و قابلیت ایشان بخلاع عدالت وفقاهت وامامت پیراسته باشد مفوض داشتند تابشرایط وقف معمول‌دارند و اگر العیاذبالله ازجناب معزی‌الیه نسلی باقی نماند افقه واعلم واعدل‌ائمهٔ مسجدثم بلد مختارند و اگــر آن نیز ممکن نشود یکی از مؤمنین صلاحیت‌پیشه عــدالت اندیشهٔ ولایت مزبور بنهج مسطور معمول داشته شرایط وقف و ضوابط مــوقوفه را مهمل نگذارند و هرگاه آنجا ازاشخاص متصف بصفات مذکوره خالی ماند مجتهد عادل مسلمی که در بلاد بعیده اوقریبه باشد از قبل خود نایب و امین تعیین‌کند تا مشروط بعمل آید اگرچه سرکار واقف سلمه‌الله تعالی در زمان دارائی وفرمانروائی‌بمصداق الملك یبقی‌مع‌الکفر ولایبقی مــع‌الظلم بشیوهٔ ستودهٔ عــدل وشیمهٔ حمیدهٔ انصاف می‌پرداختند ولیکن از آنجائیکه در عنفوان شباب وجوانی بمرزبانی وحکمرانــی مشغول بودند و اوقات خجسته صرف تنظیم مهمات ملکی ودولت مینمودند ولوازم امور فرمانروائی اشتغال بمظالم است حضرت سپهرمنزلت شاهزادهٔ آزادهٔ نامــدار بفحوای حاسبوا قبل ان‌تحاسبوا متاع اعمال خود را بمیزان خرد خرده‌بین سنجیده ذمهٔ سرکارخویش را مشغول بمظالم واشتغال بعبادت‌جناب پروردگار دانسته حبس مخلد شرعی فرمودند تمامــی نیم‌دانگ ازکــل‌چهار دانگ ونیم غیریکدانگ ونیم

موقوفه از ششدانگ قریهٔ مسطوره را ونایب و وصی خود قرار دادند جناب متولی مذکور وپس‌ازاو هرکس بمراسم تولیت قیام‌مینماید که مدت حیات سرکارمنافع‌و محصول آنرا برسبیل ردمظالم بارباب استحقاق رسانند و بعد از انقضای ایام‌حیات که جناب رب‌الارباب طولانی فرماید از زمان دخول به تکلیف تا خروج از آن هر قدر از عمر شریف گذشت مشخص کنند و ازمداخل نیم دانگ محبوسه برداشته به صوم وصلوة پنجگانه و نماز آیات و سایر نمازهای واجبی داده باشند وپس از آن مادامی که از قریهٔ مذکوره نام است و مداخل اگر کم و اگر زیاده حاصل میشود منافع نیم‌دانگ بعنوان رد مظالم بفقراء ومساکین داده احدی از آحادناس راحتی‌الورثه دراملاك محبوسه تسلط شرعی درتصرف نیست واگرملك یا قنواةواصطلاخ‌را تعمیری بهمرسد اول ازکل محصول دو دانگ موقوفه و محبوسه که در تصرف متولی‌است ازعهدهٔ اخراجات تعمیراملاك وتنقیهٔ انهار وقنوات بقدرالحصه‌برآیند و سایر مخارجی که رو دهد متکفل شوند و مقر مسجد هم مثل مقر حمام و دولتخانه از وقف و حبس بیرون است وقفاً صحیحاً شرعیاً قطعیاً ملیاً دائمیاً بحیث‌لایباع و لایوهب ولایرهن فمن‌بدله بعد ماسمعه فانما‌اثمه علی‌الذین یبدلونه ان‌الله سمیع‌علیم.

وکان ذلك فی‌عشراوسط شهر رمضان‌المبارك من‌شهور سنة تسع و اربعین ومأتین‌بعدالف‌من‌الهجرة‌النبویة علیه‌وعلی‌آله الاف‌الصلوات والتحیه مطابق سال فرخنده‌مآل ئیلان‌ئیل خیریت دلیل ۱۲۴۹ .

[برحواشی این‌سند عبارات زیر نوشته شده است:]

سمعت اقرارالواقف مدظله بمارقم فیه‌لدی . [جای مهر][1]

قدجرت الصیغة کمازبرلدی وتصرف المتولی دام‌ظله . [جای دومهر][2]

۱ــ مهری باسجع: «المتوکل‌علی‌الله عبده نصرالله‌الحسینی». ۲ــ مهری باسجع: «المتوکل‌علی‌الله عبده محمدصالح» ومهری دیگر باسجع: «المتوکل‌علی‌الله عبده محمدباقر».

قد وقع مافیه لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][1]

لیس‌لوقعتها کاذبه. [جای مهری ناخوانا]

وقع لدی بلاشبهة وشك. [جای مهر][2]

از اول کلمهٔ هوالله‌الی کلمهٔ اکبر مطابق بـا اصل اصیل معتمد مطاع واجب الاتباع آن‌که موشح است بمهر علماء عظام سلف استراباد و غیرهم قدس اسرارهم وانا الاحقر ...

سواد مطابق با اصل است الآثم حسن امامی ۱۳۳۷ . [جای مهر][3]

سواد مطابق بااصل معتمد است واناالاقل عبدالرحیم ذبیحی.

۱ــ مهری‌باسجع: «عبده‌نصرالله». ۲ــ مهری باسجع: «عبده الراجی‌علی‌اکبر».

۳ــ مهری باسجع: «محمد اسمعیل».

۶

وقفنامهٔ محمدتقی‌خان هزارجریبی مورخ ۱۲۵۶ هـ . ق .

در این وقفنامه محمدتقی‌خان همگی و تمامی دودانگ از چهار دانگ از اعیانی کاروانسرایی راکه خودبناکرده است وقف برقاری قرآن و برطلاب و علمای ساکن در مدرسه‌ای که خود ساخته است کرده و تولیت آن را پس از خود به‌اکبروارشد اولاد ذکور نسلاً بعد نسل داده و شرایط وقف را در متن ذکر کرده است.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدلله الواقف‌علی‌الضمائروالمطلع‌علی‌السرائر والصلوة علی‌اشرف‌الانبیاء محمد وآله الامجاد خیرالقبائل والعشائر زیب وزینت‌انجمن بلاغت‌گستری وحلی‌وحلل دوشیزهٔ فصاحت‌پروری وقف چهرهٔ زیبای‌شاهد حمدوثنای‌شاهنشاه جهان سرائیست که منظر رفیع نه‌فلك پست‌ترین غرفهٔ از ایوان ابداع او است و کشور هفت‌اقلیم کمترین دکه ازچهارسوق اختراع‌او واقف‌السرایری که‌گوهر مکنون رازی دردرج سینهٔ‌هیچ‌آفریدهٔ‌مخزون نگشته که‌بمهرخازن‌حکمت‌لم‌یزلیش‌نرسیده وعالم‌الضمایری که‌ریشهٔ نخل‌اندیشه درقعر ضمیر هیچ مخلوقی ندویده‌که مهر جهانتاب علم ازلیش برآن‌نتابیده تعالی ذاته‌ان یبلغ بکنهه‌العارفون‌وان یحفظ بوصفه‌الواصفون‌وله‌الملك وله‌الحمد والیه ترجعون وزین وزیورپری چهرگان مجلس نکته‌پردازی و گلگونهٔ سرابستان معنی طرازی نامزد چهره و دوش زیبا جمیله نعت عالم‌آرائیست که بجز از بلبل دستان‌سرای وحی کسی را یارای‌آن نه‌که‌برشاخسار مدیحش سراید وبغیراز

طوطی‌شکرخای‌الهام دیگری راحد آن‌نیست که به‌شرح‌وتوصیفش‌کام وزبان بیاراید فاتحهٔ دیوان شفاعت وخاتمهٔ رسالهٔ رسالت وهدایت وسیلهٔ فتوح مثل اهل‌بیتی کمثل سفینة نوح قدرت نامتناهی الهی درکارخانهٔ مشیت خویش‌قبای عصمت‌بجهت قامت دلارای اووآل بی‌همالش مهیاساخته وبدست‌ارادهٔ خود ردای طهارت بردوش‌فلک‌سای او واهل‌بیت کرامش انداخته و تا قیام قیامت سرابستان امامت وقف اوصیای اطهار اواست و شهرستان ولایت ملك موروثی‌عترت اخیارا وعلیه صلوات‌الله‌الملك الرؤف مادامت‌السور مختمة بالوقوف وللآیات منقطعة بالحروف اما بعد کامل‌نصابان‌گنجینهٔ بینش‌و دانش وسرمایه‌داران متاع دکاکین بازار آفرینش‌که برهنمونی هل‌ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب‌الیم به‌نیك‌وبد معاملات دارین پی‌برده‌اند و بنفع و ضررتجارات نشئتین وقوف تمام پیداکرده‌اند وچندانکه به‌کاروانسرای بندر وجود برآمده‌اند وطواف چهارسوق‌کشور هستی نموده‌اند برهیچگونه تجارتی‌ظفر نیافته‌اند و سررشتهٔ هیچ معاملهٔ بدست نیاورده‌اندکه در بازار رستخیز که محل‌ظهور ربح و خسران معاملات و هنگام پدید آمدن فایده و نفصان تجاراتست به نص فماربحت تجارتهم وما کانوا مهتدین مقرون و بغبن ذلك هوالخسران المبین مغبون نگردند بغیراز اینکه دکاکین انفاق درچهارسوق خیرات وقیصریهٔ مبرات بازنمایندو بقسطاس مستقیم‌عدالت وصفای طویت بسنجند تا بوقت سنجیدن بمیزان یوم‌نشور و موسم وزیدن صرصرنفحه صورکه هنگام وزن اعمال و محل برداشتن ربح‌امانی و آمال‌است بامنافع بوده باشند بنابراین فقرات وقف مؤبد شرعی وحبس‌مخلد ملی اسلامی نمود عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌دستگاه مقرب‌الخاقان عالیشاه محمدتقی خان هزارجریبی بالارستاقی قربة الی‌الله و طلباً لمرضاته همگی و تمامی دودانگ از چهار دانگ ازاعیانی‌کاروانسرای مبنیه خود راکه از غایت اشتهاروتفرد اسم مستغنی از تحدید وتوصیف است الاچهاردر ارسی واعیانی چهاراطاق که در

مقابل یکدیگرند دواطاق روبجنوب ودواطاق روبشمال که در دالان وسطی درپشت دکان جناب خیرالحاج حاجی سیدمفیدالموسوی واقع شده‌اند با جمیع تـوابع و لواحق شرعیهٔ آن من‌حق‌المفر والممر والمدخل که سابق بروقف حق و ملك واقف بوده‌برقاری قرآن‌وبرطلاب‌وعلمای‌ساکنین درمدرسهٔ‌مبنیه‌واقف‌واقعه دردارالمؤمنین استراباد صانهاالله تعالی‌عن‌التفرقه والفساد طریقهٔ وقفیت آنست که وجه موقوفه بعد از صرف تعمیر عین موقوفه هرگاه محتاج به تعمیر باشد تقسیط بچهار قسط نموده هر یك از قسط اول و دویم وسیم و چهارم را بقدر حاجت طلاب که زمان قسط در مدرسهٔ مرقومه میباشند روغن‌چراغ خریده وصرف روشنائی نمایند وعلاوهٔ برقیمت روغن چراغ را ناظـر با متولی فیمابین موقوف‌علیهم قسمت نمایند وطریقهٔ قسمت در زیادوکمی موقوف به‌نظرناظر و یا متولی‌است و تولیت آن به‌نفس نفیس واقف موفق وبعد باکبروارشد اولاد ذکور و اولاد ذکور از اولاد ذکور واقف و هکذا و در صورت انقراض اولاد العیاذبالله متولی مجتهداعلم عادل است که در بلدهٔ مزبور ساکن باشد ونظارت‌موقوفهٔ مسطوره‌بجناب فضایل‌مآب آخوند ملامحسن‌سعدآبادی است وحق‌التولیت وحق‌النظارت‌هریك مقدار عشراز منافع موقوفه میباشد که‌حسب [نظر] ناظر ویا متولی میباید اعیان موقوفه را اجاره داده وجه اجاره را قسطاًفقسطاً بازیافت نموده اولاً وجه قرائت قاری راکه هرقسطی مبلغ پنجهزار دینار که ربع دوتومان میشود بازیافت نموده بقاری کلام‌الله بدهند که هرماهی یـك ختم‌قـرآن در مسجدی که واقف درمدرسه‌بنانموده‌اند بنماید وثواب تلاوت و ختم قرآنرا مفوض بسرکارسعادت‌آثارواقف نمایند ومادامیکه‌این بنای موقوفه ومنافع‌موقوفه موجودو مستمرهست هرسالی دوازده ختم قرآن درمسجد مدرسه تلاوت نموده شود ومفوض بسرکار واقف موفق نماید و بعد از اخراج وجه قرائت مابقی را بخرج سوخت و تقسیم بین طلاب مصروف‌دارند فصار وقفاً صحیحاً شرعیاً ملیاً اسلامیاً فمن‌بدله بعد

ماسمعه فانمااثمه علی الذین یبدلو نه.

تحریراً فی شهرربیع الثانی من شهورسنة ست وخمسین و
مأتین بعدالالف من الهجرة النبویة المصطفویه علی من
هاجرها آلاف الثنا و التحیة نمقه اسمعیل ابن ابی القاسم
الاسترابادی بعدوقوع الوقف والعمل به فی سنة ۱۲۵۶.

[برحواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اقرالواقف علی مازبر ورقم فیه لدی. [جای مهر][۱]

بسم الله تعالی شأنه العزیز

صیغهٔ وقف مزبور با سائرشرائط بوکالت ثانیه از واقف موفق روماً للاحتیاط در محضر احقرواقع وجاری گردیده وعین مسطورهٔ وقف برنهج مسطوراست وانااقل الطلبه وخادم الشریعه. [جای مهر][۲]

الامرکمارقم وسطر فیه جداً واناالآثم. [جای مهر][۳]

وضح وصح مافیه لدی. [جای چهار مهر][۴]

ذلك الکتاب لاریب فیه لدی. [جای مهر][۵]

۱ـ مهری باسجع: «محمدابراهیم بن محمدتقی». ۲ـ مهری باسجع: «المتوکل علی الله محمدعلی». ۳ـ مهری باسجع: «محمدرضا». ۴ـ مهری باسجع: «عبده محمدتقی الحسینی» ومهری دیگر باسجع: «عبده محمدمهدی الحسینی» و مهری دیگر باسجع: «المتوکل علی الله حسین الحسینی» ومهری دیگر باسجع: «عبده الراجی محمداسمعیل».
۵ـ مهری باسجع: «اللهم صل علی محمد و آل محمد».

۷

سواد وقفنامهٔ محمدقلی میرزا ملقب به‌ملك‌آرا مورخ ۱۲۶۱ هـ . ق.

در این وقفنامه ملك‌آرا همگی و تمامی املاك و قراء و حمام و دکاکین واقع در بلدهٔ ساری از بلاد دارالمرز مازندران و استراباد راکه وقف برمدرسهٔ خسرویه و مدرسهٔ والدهٔ ملك‌آرا به تفصیل متن بوده‌است وقف مجدد نموده زیرا وقفنامهٔ سابق که سی‌سال پیش از این تاریخ نوشته شده بوده از میان رفته است.

بسم‌الله رب‌الارض‌والسماء

الحمدلله مالك الاملاك ورافع‌الافلاك الذی بیده من‌السمك الی السماك وصل‌علی محمد و آل‌محمد بعدالحمدوالصلوة برسالك مسالك بندگی مخفی نماناد که خلاصهٔ مفاد این کتاب صواب و خطاب مستطاب که مرقوم صدق رقم ومسطور مداد خامهٔ بلاغت شیم‌میگردد آنست که‌سرکارنواب‌مستطاب کامیاب اشرف ارفع والا شاهزادهٔ باعزوجاه الملقب به ملك‌آرا نواب محمدقلی‌میرزا طول‌الله عمره وادام‌الله‌بقائه وقف صحیح شرعی ملی نمودند همگی وتمامی املاك وقراء وحمام ودکاکین که واقعه‌اند در بلدهٔ ساری من‌بلاد دارالمرز مازندران و استراباد و حومهٔ آن وازآنچه متعلق است بهریك از املاك مفصلهٔ‌ذیل‌الکتاب من‌الاراضی والصحاری والبراری‌والمراتع والمزارع والمجری المیاه والممروالمدخل والابنیه والابواب والاشجار والاخشاب والآلات مع کل‌منضماتهاالشرعیه‌وملحقاتهاالاسلامیه قدیماً جدیداً شرعیاً اواصطلاحیاً ذکرام‌لم یذکر وصف ام‌لم یوصف سمی‌ام لم یسم بدون وضع و اخراج واستثناء چیزی از هریك بنحو مرقوم

موقوفات مدرسهٔ موسومه بخسرویه

بابت	بابت
قریهٔ مینه‌بیج‌لوحومهٔ بلدهٔ مزبوره فی ذلك	حمام صرف اخراجات مدرسهٔ مزبوره و طلاب علوم‌دینیه از قرار ذیل فی‌ذلك

صرف تعزیه داری فی‌ذلك	صرف مدرسه فی‌ذلك

موقوفات مدرسهٔ نواب علیه والدهٔ نواب ملك‌آرا

دکاکین مختصهٔ مدرسه ... باب تمام	قریهٔ شرف‌الدین‌محله ایضاً له ذلك

موقوفات متفرقه که باید صرف هریك‌از آنها ازقرارتفصیل ذیل‌الکتاب بدون زیاده‌و نقصان نمایند از آنچه ذکر میشود بالتمام

بابت	بابت
قریهٔ مشهورهٔ موسومه بمیلیك دو دانگ	دکاکین‌جنب‌آب‌انباردرب مسجد جامع که صرف تعمیرات آب انبار شود ۳ باب

صرف تعزیه‌داری یکدانگ	کتب احادیث عربی ابتیاع‌شود یکدانگ

بابت

قریهٔ مشهوره به‌سرطاق واقعه دربلوك انزان استراباد صرف روشنائی‌حضرت‌عباس۴ دودانگ مشاع از ششدانگ

وصیغهٔ مبارکه وقف مشتمله علی الشرائط والارکان خالیةً عن المفاسد والبطلان عن قبل الواقف الاعظم المعظم وعلی قانون الشرع المکرم سمت وقوع یافته و تولیت املاك موقوفهٔ مذکوره مادام الحیوة به خود سرکار ذوالاقتدار واقف ادام الله تعالی بقائه میباشد وبعد ازعمرطبیعی نواب واقف تولیت مفوض است بهاکبر اولاد ذکور واقف و بعده الی اولاده طبقاً عن طبق الی قائم آل محمد علیهم الاف تحیه شرط اینکه آنچه بعد از وضع اخراجات و تعمیرات لازمه به هریك از آنچه صرف تعزیهٔ جناب سیدالشهداء علیه السلام و متعلقان آن جناب باید بشود وعشر آن موضوع و باقی بنحو مرقوم صرف بشود و باقی املاك موقوفه دو مدرسه وغیرهما ازقرارفوق اولاً دوعشر از هریك موضوع نموده منافع واجارات باقیه بنحو مزبور صرف هر یك نموده باشند و آنچه کتب احادیث وفقه و اصول و تفاسیر ابتیاع میشود تمام آنرا متولی موقوفات وقف بدو مدرسه و غیرها نموده که طلاب علوم دینیه از آنها بهره‌مند شده که ثواب آن فی یوم لاینفع مال ولابنون عاید روزگارسرکار والاگردد و تمام مراحل مزبوره بنحوشرعی واقع‌شده توضیح این مقال آنکه چون املاك موقوفهٔ فوق رانواب واقف تقریباًسی‌سال متجاوز است که بنحو مسطور وقف شرعی نموده بودند و عمل وقف و تصرفات وقفیه در هریك شده بود و وقف‌نامچهٔ شرعیه مرقوم داشته وقف‌نامچه مفقودگردد بناءً علی هذا بتاریخ شهر جمادی‌الاولی سنهٔ هزار و دویست و شصت و یك هجری تحریر کردند بشرط انلایباع ولایوهب ولایرهن فمن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه صلی‌الله علی من ختم به‌الرساله و علی عترته الطاهرین.

وکان ذلك فی شهر مزبور من شهور سنة ۱۲۶۱ .

ملك‌آراء

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

بندهٔ فدوی ازسرکار والا ملك‌آرا بنحو مسطور وقفیت و تولیت را شنیدم .

[جای مهر][1]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اذاوقعت الواقعه‌لیس‌لوقعتهاکاذبه حرره العبدالجانی.

[جای مهر][2]

ذلك‌کذلك واناشاهد بذلك الاقرارعن الواقف ذلك فضل‌الله . [جای مهر][3]

اناشاهد بذلك العبد. [جای پانزده مهر][4]

انامن الشاهدین الاحقر. [جای مهر][5]

اقرواعترف الواقف‌المعظم ماز برفی‌المتن‌عندی اقل‌العباد میرزا محمدنوری‌ساکن رشت. [جای مهر][6]

محل تمبر پنج قران معارف . بتاریخ ۱۷ ثوراودئیل ۱۳۳۱ در تحت شمارهٔ ۱۸ در دفتر شرعیات ادارهٔ جلیلهٔ کل اوقاف ثبت شد و مقابله شد.

قدصدق المسطورفی‌المتن. [جای شش مهر][7]

قداقرالواقف الموفق المعظم بتمام ماسطورورقم فیه بخطی حرره . [جای مهر][8]

۱ـ مهری باسجع: «افوض‌امری‌الی‌الله عبده محمد». ۲ـ مهری باسجع: «افوض امری‌الی‌الله عبده علی‌اصغر». ۳ـ مهری باسجع: «نصیرالملك». ۴ ـ مهری با سجع: «مصطفی» ومهری کوچك‌ناخوانا‌ومهرهای‌دیگر که دارای‌سجعهای زیراند: «کیومرث»، «مظفر»، «المتوکل‌علی‌الله‌عبده‌تیمور»، «نایب‌الایالة»، «مهری ناخوانا، «سلطانحسین»، «داراب»، «اختر برج شهی نصرالله»، دومهر ناخوانا، «...ملك‌آرا»، مهری‌ناخوانا، «زیورالدهر بنت‌ملك آرا». ۵ـ مهری باسجع: «محمدهادی». ۶ـ مهری‌باسجع: «فخرهمه‌انبیا محمد».
۷ـ مهری باسجع: «یاموسی لاتخف» ومهری با سجع: «محمدرضا» و مهری باسجع: « لااله الاالله الملك‌الحق‌المبین عبده احمد» و مهری‌باسجع: «عبدالله» ومهری باسجع: «کیومرث»و مهری باسجع: «عبده‌الراجی قنبرعلی» . ۸ـ مهری باسجع: «عبده محمدصادق» .

قد صح مارقم فیه‌لدی. [جای دومهر][1]

الیس‌الله بکاف. [جای هفت مهر][2]

الامر کما رقم فیه وتقبل‌الله منه‌دام عمره‌العالی . [جای مهر][3]

امروز که دوازدهم شهرصفر المظفر سنهٔ ۱۲۶۲ است وقفیت اشیاء مـذکورهٔ درمتن مشهودومستفیض باستفاضهٔ قطعیه میباشد بلکه اکثر ازآنها چند سال قبل‌هم باستفاضهٔ قطعیه محکوم بوقف بودند حرره‌العبد. [جای سه مهر][4]

قد وقع مازبر ورقم‌فیه العبدالجانی. [جای مهر][5]

وضح وصح تمام مارقم فیه‌لدی . [جای مهر][6]

قد صح مافیه‌لدی حرره. [جای مهر][7]

مذکـوره‌ای راکه سرکارملك‌آرا وقف کـرده‌اند بوقفیت عمـل میکنند.

[جای مهر][8]

قدوضح وصح المسطورلدی الفانی. [جای مهر][9]

قدوضح وصح مارقم فیه‌بتمامه وکماله وثبت‌بالاستفاضه‌القطعیه من‌الوقفیة والتولیة و

۱ـ مهری باسجع: «عبده‌الراجی ابوتراب» ومهر دیگری باسجع: « لااله‌الاالله الملك الحق المبین عبده محمد ». ۲ـ مهری باسجع: «عبده محمدحسین» ومهرهای دیگر با سجعهای: «عبده‌الراجی آقابابا » و «عبده الراجی میرزا آقا» و«فخر میکند بنوکری حسین عباس» و «محمد مقیم» و «عبده‌الراجی مسیح الحسینی» و «عبده محمدجعفربن عبدالکریم».
۳ـ مهری باسجع: «عبده محمدحسین». ۴ـ مهری باسجع: «افوض امری‌الی‌الله عبده عبدالله» و مهری باسجع : «العبدصمدالموسوی» ومهردیگری باسجع: «عبده‌الراجی محمدحسین». ۵ـ مهری باسجع: «هوالصمد». ۶ ـ مهری باسجع: «عبده ابوالقاسم محسن الحسنی الحسینی » . ۷ ـ مهـری با سجع: «عبده الـراجی محمـدحسین» .
۸ـ مهری باسجع: «یا رسول‌الله». ۹ـ مهری باسجع : «عبده الراجی میرزا محمد».

سایر مافیهالدی الاقل الاحقر. [جای مهر][1]

بسمه‌تعالی طوبق السوادالحاکی عن‌الوقفیةالاملاك المسطوره فی‌المتن مع اصله المحفوف . . . الکثیره حرره الجانی الطهرانی المدنی فی‌السادس من شهرذی‌حجةالحرام ۱۳۴۷. [جای مهر][2]

مخفی نماندکه درحضور سرکار عظمت‌مدار شاهزادهٔ اعظم افخم ملك‌آرا دو دانگ قریهٔ سرطاق را احقر بوکالت معظم‌الیه وقف برسوخت حرم محترم حضرت‌عباس۴ نمودم و تولیت را مادام نفسه‌الشریف بایشان و بعد عمرالطبیعی به ارشد اولاد ثم الارشد وهکذا مع‌بقاء هم والا فلاولادالاولادماتعاقبوا وبعد انقراضهم جمیعاً به اعلم علمای استراباد مقرر نمودم وعشرمنافع راحق متولی‌قرار دادم وکان تاریخ وقوع ذلك فی‌ربیع سنه ۱۲۵۰. [جای مهر][3]

ماگواه بروقف بکیفیت مسطوره میباشیم ونوشته درکمال اعتبار است .

[جای مهرسرکار شاهزاده اردشیر میرزا سلمه‌الله]

براین نوشته و اعتبارش احتیاج به نوشتن نیست واکثرماها اطلاع داریم از اصل این وقفیت و عمل‌کردن به‌آن. [جای مهر][4]

بسم‌الله‌تعالی‌شأنه

حکمه‌برد مضجعه بحسب‌العمل به ولایجوزرده حرره و حکمه بخطه‌وخاتمه وانا الجانی. [جای مهرجناب آقا شیخ علی پیشنماز][5]

این نوشته مزین شده است بمهرمرحوم جنت‌مکان حاجی محمدعلی اعلی‌الله مقامه و

۱ـ مهری‌باسجع: «عبده‌الراجی محمدتقی». ۲ـمهری‌باسجع: «افوض‌امری‌الی‌الله عبده محمدعلی». ۳ـمهری‌باسجع: «عبده‌الراجی محمدعلی». ۴ـمهری باسجع: «افوض‌امری‌الی‌الله عبده عبدالله». ۵ـ مهری باسجع: «الحق مع‌علی وعلی مع‌الحق».

حکمه‌نافذ فالعمل به‌واجب و لازم حرره‌الاقل. [جای مهر][1]
قد وقع مازبر فیه‌لدی وکتب. [جای مهر][2]
این نوشته بخط و مهر محمدعلی طاب‌ثراه می‌باشد و درغایت اعتبار است حرره الاقل. [جای مهری ناخوانا]
از قراین داخله و خارجه وتصدیق آقای شیخ‌الاسلام وقوع وقف بنهج مسطور در ورقهٔ دیوان ختم (؟) از مرحوم مغفور حاجی محمدعلی سلمه‌الله بی‌اشکال‌است پس بنابراین عمل به مضمون آن لازم میباشد.
[مهرجناب حاج میرزا محمد پیشنمازسلمه‌الله‌تعالی]

۱ـ مهری باسجع: «عبده‌الراجی ابوتراب» کنار مهر نوشته‌اند: جناب ملاابوتراب پیشنماز ساری. ۲ـ مهری باسجع: «هوالصمد».

۸

سواد وقفنامهٔ سلیمان‌خان ملقب به خان‌خانان مورخ ۱۲۶۳ ه . ق .

دراین وقفنامه اراضی بائرهٔ مخروبهٔ غیرمعمورهٔ سمت‌جنوب‌حرم‌سرای عمارات شاهی راکه‌سلیمان‌خان آبادکرده ، ازاشجارمثمره‌و غیرمثمره و بناها ، وقف بر تعزیه‌داری سیدالشهد کرده است که منافع آنجا را به‌سه تقسیم درسه تکیهٔ محلهٔ شهر استراباد صرف نمایند. و تولیت آنجا را به آقابابای کلانتر استرابادی و بعد از او به ارشد واصلح اولاد او نسلاً بعدنسل داده است.

الحمدلله الواقف‌علی‌السرائر والمطلع علی‌الضمائر والصلوة
والسلام علی خیر خلقه محمد وآله خیر القبائل و العشائر

و بعد زواهر جواهر حمد و سپاس فزون از قیاس وقف بارگاه خلایق‌پناه رب‌الاربابیست که طائر تیز پروازعقل‌وخیال هرچند به پروبال تفکراوج‌گیرد جزبهشت ایوان ازل‌نشان صفات جمال و هفت شادروان ابدتوأمان صفات جلالش بسر منزلی ننشیند واشهب‌تیزتك ادراك هرچند دربیدای‌بلاانتهای معرفت ذاتش در مرورسنین‌و مشهور اسرع از پرتو نور در چهارباغ عناصر تکاپو نماید جز بمقام ماعرفناك حق معرفتك راهی‌نبیند مبدعی که‌ازحسن ابداعش در آن واحد عقل کل‌را نخست‌بخلعت خلقت پیراسته وبزیب تأثیر ازکارخانهٔ تقدیر پروردگار قدیر حسب‌التجرد والتکثیر آراسته مجملی که جمال‌جمیل خلعت بی‌عدیل انسان رابه تشریف ولقدکرمنابنی‌آدم نواخته محسنیکه‌به‌احسان‌ایجاد صورت زیبای بشررا به‌غازه فتبارك‌الله‌احسن‌الخالقین مزین خواسته و درچهارخیابان گلستان و بوستان تولید گلهای رنگارنگ و مرکبات باشهد و شرنگ قرین خرمی‌ساخته رازقی‌که شموس نفوس قدوس از انوار عالم

جبروت به‌گلزار ملکوت در مطبح‌یبسط‌الرزق لمن‌یشاء ویقدر مرزوق وسرافراز و انبیاء و مرسلین وسلاطین صاحب تمکین رابشرف علودرجات اخرویه ونموظفرات دنیویه از بین ممکنات مخلوق ممتاز خواسته و رقبات عموم عباد را در ربقات انقیاد و احکام ایشان درآورده تاشجرهٔ طیبهٔ بندگی و اطاعت در بوستان سینهٔ ایشان کاشته وبذر سعادت درگلزار ضمیرشان انباشته باشد

هست منت کردگاری راکه جان‌آرد پدید
نورخورشید هرسحر از آسمان‌آرد پدید
زامهات پیرو از آبـاء وتـدویـر اثیر
هم ز قدرت این موالید جوان آرد پدید
نقش‌بند قـدرتش در صفحهٔ روی زمین
از قلم تصویر نقش انس‌وجان آرد پدید
ابر نیسان گـر کند تنکیس از تقطیر آن
گوهر رخشنده در فصل خزان آرد پدید
از برای نظم عـالم پس رواج نقد دیـن
از وجود شاه در نظم جهان آرد پـدیـد
از بـرای دفـع یأجوج فتن سـدی متین
از مـوالید سکندرحشمتان آرد پـدیـد

جل‌جلاله وعم‌نواله وعظم‌شانه وکثرت الائه و درود نامعدود غیرمحدود بـررسول محمودی بادکه اصل آفرینش بوستان این جهان را سبب وارتقاء مدارج گلستان آن جهان را مسبب ورحمت ربوبیت رامهب وانوارابرار را مصب و به‌آداب‌رسالت مؤدب وبه‌اسراء قضاوقدرموظب وبه‌اکتساب سعادات بلانهایات بشریت‌مکتسب و بختام ختم‌نبوت مزین ومنتسب محمد مصطفی‌اشرف انبیا علیه‌الاف التحیه والثناء

نخستین وجـودی کـه موجـود گشت
بـدآن نـور احمد کـه محمود گشت
جهان آفـریـن چـون جهان آفریـد
جهان را از آن نـور جان‌آفـریـد
کـه جان جهان نـور احمد بـود
سبب ز آفـریـنش محمـد بـود
جهان را اگـر او نبـودی سبب
نشان کـس نـدادی ز ایجـاد رب

بر برادر و پسرعم و دامادش اعنی مطلع انوار هدایت عظمی و سـرچشمهٔ جویبار امامت کبری شاه‌اولیا وسیداوصیا که داعیان معابد قدس را مرآت ضمیر منیرشان بـه صیقل اطاعتش روشن و دانش معالم‌انس را حدیث ایمان به ترجمهٔ محبتش مبین

تـا کـه شـده کنیت او بـوتـراب
نـه فلك از جـوی زمین خـورده آب
راه حـق و هـادی هـر گمـرهست
در ظلمـات هـمه نـور الله است
آنکه گـذشت از وی‌و غیری گـزیـد
نـور بـداد ابلـه و ظلمت خـریـد

نفس نفیس پیغمبر حیدرصفدر علی‌عالی‌اعلی صلوات‌الله و سلامـه علیه و بـراولاد کرام واحفاد عظام ذوی‌العزة والاحترامش که هر یك قافله‌سالار هادیان و راهنمایان گم‌گشتگان بوادی ظلمت‌خیزجهل و عصیان میباشند وبعد برواقفان مواقف توفیق مخفی و مستور و پوشیده ومغمور نماناد که در عهد دولت جاوید مدت اعلیحضرت

شاهنشاه دین‌پناه زمان وخـدیـو سکندرشأن دوران زیبندهٔ اورنگ حضرت سلیمان المسمی باسم خاتم پیغمبران مؤید بتأیید حضرت پروردگار محمدشاه قاجار خلدالله ملکه نواب مستطاب فلك جناب سپهررکاب امیرالامـراء العظام زبـدهٔ احفاد و اولاد خوانین‌والامقام‌سلیمان‌خان الملقب به‌خان‌خانان‌حفظه‌الله‌الملك‌المنان دردارالمؤمنین استراباد و جرجان بحکومت و فرمانفرمائی حکمران گردیدند از مال و رجال خود اراضی بائرهٔ مخروبهٔ غیر معمورهٔ سمت جنوب حرم‌سرای عمارات شاهی را بحلیهٔ تعمیر و آبادی درآوردند واشجارمثمره از مرکبات وغیره در آن غرس فرمودند و بگلهای رنگارنگ و خیابان از آجر وسنگ و به بناهای خوش و بعمارات دلکش آن اراضی را نزهتگاه ارباب عزت نمودنـد پس از آن محضاًلله و طلباً لمرضاتـه ذخیرةً لیوم‌النشور وسبباً لدخول بدارالسرور وقف مؤبد شرعی وحبس مخلد ملی فرمودند همگی‌وتمامی ابنیه‌واشجار واحجار وحیاض وانهار وغیرها ذکرام‌لم‌یذکر را برتعزیهٔ جناب سیدالشهداء خامس آل‌عبا خورشید آسمان و زمین نـور مشرقین پروردهٔ کنار رسول خدا حسین و سایر شهدای دشت کربلا علیهم‌التحیة والثناء کـه همه‌ساله الی‌ان‌یرث‌الله الارض وجه منافع آن را متولی استیفاء و بازیافت نموده در دههٔ عاشورا درسه‌محلهٔ شهر استراباد سه‌تقسیم و هرقسمتی درتکایای آن محله قسمت نماید که صرف تعزیه‌داری از آب وآش و سوخت و روشنائی و غیرها نمایند تـا ثواب آن بروزگارفرخنده آثارنواب‌مستطاب واقف ووالدین‌ایشان‌عایدگردد وواقف موفق را بذکردعای خیریاد وشاد نمایند وتولیت را مفوض فرمودند به‌نقاوهٔ دودمان عزت و رفعت غلام حلقه بگوش حیدر صفدر عالیجاه معلی‌جایگاه آقابابای کلانتر استرابادی میدانی دام عزته وبعدازاو بارشد واصلح اولاد ذکورش واولاد ذکور از اولاد ذکورماتوالدوا وتناسلوا صیغهٔ وقفیه جاری وعین‌موقوفه را واقف‌موفق اجاره

نمودند فصار وقفاً صحیحاً شرعیاً فمن بدله بعد ماسمعه فانمااثمه علی‌الذین یبدلونه.

وکان ذلک‌فی‌عشرین شهرجمادی‌الاولی سنة ۱۲۶۳.

[جای مهر][1]

[برحواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله‌تعالی

قد وقع‌الوقف الصحیح الشرعی من‌الواقف الموفق‌ادام‌الله عمره ودولته وشوکته .

[جای دومهر][2]

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

قدوقع‌مافیه‌من‌الوقف‌والتولیة علی‌الوجه‌المزبوروالقبض کماوردفی‌شرع‌الرسول‌ص الی‌یوم‌النشور اقل‌الطلبه وخادم الشریعة‌المطهره. [جای مهر][3]

سواد مطابق بااصل‌است. [اسدالله اسفندیاری]

۱ــ مهری باسجع: «من سلیمان». ۲ــ مهری‌باسجع: «عبده الراجی عباسعلی»و مهر دیگری با سجع: «عبده الراجــی محمداسمعیل». ۳ــ مهری باسجع : «المتوکل علی‌الله محمدعلی».

۹

وقفنامهٔ سلیمان‌خان قوانلوی قاجار ملقب به‌خان‌خانان‌مورخ ۱۲۶۴ هـ . ق .

در این وقفنامه سلیمان‌خان ششدانگ باغ معمرهٔ خود را درخارج سوربست شهر استراباد که نزدیك دروازهٔ بسطام است وقف بر تعزیه‌داری حضرت عباس‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام نموده است.

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

الحمدلله الواقف علی‌الضمائر المطلع علی‌السرائر والسلام

علی اشرف الانبیاء محمد و آلـه خیـرالقبائل و العشائـر

زیب و زینت انجمن بـلاغت‌گستری وحلی وحلل دوشیزهٔ فصاحت پـروری وقف چهرهٔ زیبای شاهد حمدوثنای شاهنشاه جهان پیرائیست که منظرهٔ نه‌فلك رفیع‌البنیان پست‌ترین غرفه‌ای از ایوان ابداع او است وکشور هفت‌اقلیم زمین کمترین باغچهٔ از چهارخیابان اختراع او واقف‌السرائری که‌گوهر مکنون رازی در درج سینهٔ هیچ آفریده‌ای مخزون نگشته‌که بمهرخازن حکمت لم‌یزلیش نرسیده عالم‌الضمائری‌که ریشهٔ نخل اندیشهٔ در قعر ضمیر هیچ مخلوقی ندویده‌که مهر جهانتاب علم ازلیش‌بر آن نتابیده تعالی ذاته ان یبلغ بکنهه العارفون وان یحفظ وصفه‌الواصفون وله‌الملك وله‌الحمد والیه ترجعون وزین‌و زیور پری چهرگان مجلس نکته‌پردازی و گلگونهٔ سرابستان معنی‌طرازی نامزدچهره‌و دوش زیبا جمیلهٔ نعت عالم‌آرائی است که بجز از بلبل دستانسرای وحی‌کسی را یارای‌آن نه‌که برشاخسار مدیحش سراید وبغیراز طوطی شکرخای الهام دیگری راحدآن نیست‌که بشکرتوصیفش‌کام و زبان بیاراید

فاتحهٔ دیوان شفاعت و خاتمهٔ رسالهٔ رسالت و هدایت وسیلهٔ فتوح مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح قدرت نامتناهی الهی درکارخانهٔ مشیت خویش قبای عصمت بجهت قامت دلارای او وآل بیهمتایش مهیا ساخته و بدست ارادهٔ خود ردای طهارت بـر دوش فلک‌سای او واهل بیت کرامش انداخته تاقیام قیامت سرابستان امامت وقف اوصیای اطهار اوست وچهارباغ شهرستان‌ولایت ملک موروثی عترت‌اخیار اوعلیه صلوات‌الله الملك الرؤف مادامت السور مختمة بالوقوف وآلایات منقطعة بالحروف اما بعد کامل نصابان گنجینهٔ بینش‌ودانش وسرمایه‌داران‌متاع باغ‌وبوستان آفرینش که برهنمونی هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم بـه نیک‌وبد معاملات تجارت و زراعت پی‌برده‌اند و به‌نفع وضرر مزارع وقوف تمام پیدا کرده‌اند و چندانکه در چهارباغ وجود راه پیموده وطواف مزرعهٔ هستی نموده‌اند برهیچگونه کشت و زرعـی‌ظفر نیافته‌اند که مفیدافتد فماربحت تجارتهم وماکانوا مهتدین‌ذلك هوالخسران المبین‌بغیر از آنکه در چهارباغ خیرات و مزرعهٔ مبرات تخم گلهای راستکاری که سبب ریـع و رستگاریست افشانند تازمان رسیدن بعرصهٔ نشور و موسم وزیدن صرصرنفخهٔ صور که هنگام تصرم نخل اعمال و تصادم ارباح امانی وآمال است با منافع بوده باشند بناءً علی‌هذا وقف مؤبد شرعی وحبس مخلد ملی‌اسلامی نمودند قربةً الی‌الله‌تعالی‌و طلباً لمرضاته خلاصهٔ دودمان عزت وابهت وسلالهٔ خاندان شوکت وعظمت وشمسهٔ ایوان جلالت ورفعت و مهرسپهرآسمان سلطنت زمان و ماه‌برج فتوت دوران‌نواب مستطاب خان‌خانان والامنزلت سلیمان خان حافد مرحمت‌مآب سلیمان‌خان قوانلوی قاجار حفظه‌الله الملك‌الجبار همگی وتمامی ششدانگ باغ مملوکهٔ معمرهٔ خوددرادر خارج سوربست شهراستراباد دارالمؤمنین‌استراباد و قریب بدروازهٔ بسطام است و اراضی آنرا بمبایعهٔ صحیحهٔ شرعیه از ملاك آن ابتیاع و تعمیر فرموده‌اند با جمیع توابع و لواحق آن از اشجارو احجار و ممرو مدخل برسرکارفیض‌آثـار حضرت

عباس‌بن ابیطالب امیرالمؤمنین و امام‌المتقین علیهماافضل الصلوات المترادفات المتواصلات الی‌یوم الدین که منافع آنرا عاماً فعاماً الی‌ان‌یرث‌الله الارض متولی شرعی اخذ واستیفاء نموده همه‌ساله مصروف بخرج تعزیهٔ آن حضرت علیه‌السلام‌و زوارایشان ودرسقاخانهٔ موقوفه برآن حضرت وسایر اخراجاتی‌که در روضهٔ مقدسهٔ ایشان از موم وشمع و غیرها که تعلق به‌آن حضرت دارد نماید و صرف آن‌موقوف برأی متولی‌است و تولیت آنرا مفوض فرمودند بجناب مستطاب فضایل و کمالات اکتساب قدوةالمحققین وزبدةالفقهاء العاملین مجتهدالعصروالزمان آخوندملارضای استرابادی حفظه‌الله‌الملك‌الهادی وبعده‌بمن‌کان‌متصفاً بصفاته‌من‌العلم‌والورع‌والتقدس والتقوی من‌علماءالمقیمین فی‌البلد وحق‌التولیت من‌المنافع عشرمعین شده قدجرت صیغةالوقف و عمل‌به بالاقباض فصار وقفاً صحیحاً شرعیاً فمن بدله بعدماسمعه فانما اثمه‌علی‌الذین یبدلونه.

کان ذلك فی عشر ثالث من‌الشهر السادس من‌السنة الرابعة فی عشرالسابع من‌الماته الثالثه فی الف الثانی من الهجرة النبویة المصطفویة علی‌من هاجر فیها آلاف الثناء والتحیه سنة ۱۲۶۴.

۱۰

وقفنامهٔ ملا حسین بن محمدصادق کلانتر مشهور به‌قراباى رامیانی مورخ ۱۲۹۴ هـ . ق .

در این سند ملاحسین یك دانگ و یك ربع ازچهار ربع از یك دانگ از کل ششدانگ قریهٔ پای‌قلعه و یك دانگ و یك ربع ازچهار ربع از یك دانگ از کل ششدانگ قریهٔ پل‌روم و سه ربع ازسه‌دانگ از کل ششدانگ قریهٔ سید کلاته و ششدانگ مزرعهٔ سالطو و سه‌دانگ از کل ششدانگ از قنات ابتیاعی خود را در ملك تازیکهٔ قریهٔ سرخون کلاته و کل ششدانگ قریهٔ حسین‌آباد معروف به قوری‌چای و ششدانگ مزرعهٔ جامه شوران را وقف بر اولاد ذکور خود نسلاً بعد نسل کرده است و پس از انقراض ایشان وقف بر تعزیه‌داری حضرت اباعبدالله‌الحسین نموده و شرایط وقف را در آخر وقفنامه آورده است .

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الواقف علی الضمائر والمطلع علی السرائر ستایش فزون از وهم وقیاس وقف مزرعه آلای جناب رب الاربابی است که دهکدهٔ عالم جبروت را بلامساهمت غیری مالك است وملك ملکوتش منزه از اشتراك سهم ومشارکت است وکونین برای راهروان طریق اطاعت او... توشهٔ کره خاك ازاراضی شوکتش قطعه زمینی است ازجوی بار... مشروب گردیداست ورقبات انام از خاص وعام درید ملکیت واقتدار اوست واملاك ششدانگ جهات ستهٔ عالم امکان در تحت تصرف و اختیار اوست و احداث قنوات علوم بی‌پایان دراراضی صدورانبیاء واولیاء وهادیان سبل فرموده مراورارسد کبریاء

ومنی که ملکش قدیم است وذاتش غنی ودرودی که خوشه‌چین ناطقه بامرصد قلم از کشت‌زار بنان درووده باشد لایق‌شأن خواجهٔ کائنات وخلاصهٔ موجودات اعنی‌محمد مصطفی‌صلی‌الله علیه و آله که‌مقصداصلی‌از بنای‌مزرعهٔ جهان حصول ذات‌پاك‌اوست‌و صلوات زاکیات بر آل‌واصحاب او باد وبعد برواقفان مواقف توفیق مخفی نماندکه در سرزمین زندگی نشاندن درخت نیکوکاری مشمر اثمار برخورداری از املهاست و زراعتگاه دنیاکه مزرعهٔ آخرت‌است افشاندن تخم رستگاری سبب ادراك زیادتی در وقف‌حصاد عملهاست بناءً علی‌هذا وقف مؤبد وحبس‌مخلد نمود عالیجناب‌مقدس‌ـ القاب ملاحسین خلف‌الصدق مرحمت وغفران‌پناه آقا محمدصادق کلانترالشهیر به قرابای رامیانی‌تمامت‌املاك مفصلهٔ خودرا قریهٔ پای‌قلعه یك دانگ بعلاوهٔ یك‌ربع از چهار ربع‌از یك‌دانگ از کل ششدانگ که مشترك است باعالیجاه عمدةالخوانین میرزافتح‌الله‌خان ومیرزا امین‌الله‌خان وبرادرزادگان واقف معزی‌الیه باجمیع‌توابع‌و لواحق شرعیه وعرفیهٔ آن از اراضی مزروعی رطبه ویابسه وآنچه ملکیت را سزد و شایدمن‌غیراستثناء شیئ‌ء منهاومحدوداست‌بحدوداربعهٔ مفصلهٔ ذیل قریهٔ‌پل‌روم یك دانگ بعلاوهٔ یك ربع از چهار ربع از یکدانگ از کل ششدانگ باجمیع‌توابع و لواحق شرعیه وعرفیهٔ‌آن من‌غیراستثناء‌شیئ‌ء منهاکه اشتراك داردباشرکاءِ مذکورین‌و محدوداست بحدوداربعهٔ ذیل قریهٔ سیدکلاته سه‌ربع ازسه دانگ ازکل‌ششدانگ باجمیع‌توابع‌ولواحق شرعیه وعرفیهٔ‌آن من‌غیراستثناء شیئ‌ءمنهاکه مشترك‌است نیز باشرکاء مذکورین ومحدوداست به‌حدود اربعهٔ ذیل مزرعهٔ سالطو کل‌ششدانگ با جمیع‌توابع ولواحق شرعیه و عرفیهٔ آن که محدوداست بحدود اربعهٔ ذیل قنات ابتیاعی واقف معزی‌الیه‌که واقع‌است در ملك تازیکهٔ قریهٔ سرخونکلاته سه‌دانگ‌از کل‌ششدانگ‌که شراکت دارد باخیرالزائرین کربلائی محمدحسین‌بیگ مقصودلو با

جمیع توابع ولواحق شرعیه و عرفیهٔ آن محدود است بحدود اربعهٔ ذیل قریهٔ حسین آباد که معروف است به قوری‌چای کل ششدانگ با جمیع توابع و لواحق شرعیه وعرفیهٔ آن من‌غیر استثناءشیی‌ءمنها که محدوداست بحدوداربعهٔ ذیل مزرعهٔ جامه‌شوران کل ششدانگ باجمیع توابع ولواحق شرعیه وعرفیهٔ آن که محدود است بحدوداربعهٔ ذیل که واقع هستند این قراء واین مزارع در دهنهٔ قریهٔ رامیان براولاد ذکور موجودین خود ومن سیوجد ازبطن زوجهٔ دائمه‌خود که مسماة است به علیا- جاه سعادت ونجابت‌پناه زهرا بیگم بنت مرحمت و غفران ایاب سلالة السادات العظام آقاسید میرعبدالله ساکن قریهٔ سرخونکلاته من قراءِ دارالمؤمنین استراباد صانهاالله عن‌التفرقه والفساد بطناً بعدبطن ونسلاً بعدنسل علی‌الترتیب فی کل‌طبقة من طبقاتهم علی‌سبیل‌التشریك ودرصورت فوت‌احد موقوف‌علیهم حصه‌ورسدی‌او علی سبیل‌الارث فیمابین‌اولاد ذکوراو منسهم‌گردد هکذاماتعاقبوا وتناسلوا وبعدانقراضهم العیاذبالله وقف است برتعزیه‌داری گلگون قبای صحرای کربلا ویکه‌تاز عرصهٔ نینوا نورچشم رسول خدا و علی‌مرتضی و سرورسینهٔ فاطمهٔ زهرا مولانا و مولی‌الکونین حضرت ابی‌عبدالله الحسین روحنا وروح العالمین له‌الفداه که متولی شرعی آن همه ساله منافع اعیان‌موقوفه‌را استیفاء نموده بعد از وضع مخارج‌لازمهٔ‌ملکی درمصارف موقوف‌علیهم صرف نماید یعنی تسلیم موقوف‌علیهم نماید وصورت اخیره که وقف بر تعزیه‌داری‌است متولی شرعی آن باید منافع آنرا در ماه‌محرم وصفر درهرسالی صرف تعزیه‌داری بنحو متعارف نماید و درمکان تعزیه‌داری وکیفیت آن مختار است از روضه‌خوان و اطعام و چای وسوخت وشمع و ابتیاع ظروف و فروش لازمه و سائراسباب وآلات و ادوات که در زمان تعزیه‌داری متعارف است وقرارداد تولیت آنرا مادام‌الحیوة بانفس نفیس خود و بعد به‌اصلح واتقی از اولاد ذکور و ذکور

اولاد ذکـور خـود الاصلح فالاصلح والاتقـی فالاتقی منهم ماتعاقبوا وتناسلوا و بعدالانقراض اولاد ذکوروااستقراروقف در مصرف تعزیه‌داری تولیت آن مقرراست به اولاد ذکوراناث واقف واولاد ذکور اولاد اناث الاصلح فالاصلح والاتقی‌فالاتقی منهم و بعدالانقراض تولیت اعیان موقوفه مفوض است به‌چهارنفر از طایفهٔ بای‌که در رامیان میباشدکه واقف مزبور از آن طایفه میباشد و در صورت استقرار تولیت باطایفهٔبای تولیت‌قنات‌سرخونکلاته محدودهٔ مفصلهٔ مسطوره مفوض‌است به‌اصلح و ارشد واتقی‌ازاهالی‌قریهٔ سرخونکلاته که درمصرف تعزیه‌داری درقریهٔ سرخونکلاته صرف وخرج نمایند بنهج مزبور وحق‌التولیه درجمیع طبقات عشر از منافع‌موقوفهٔ مزبوره از وضع‌مخارج لازمهٔ ملکی‌میباشد وصیغهٔ وقف عقداً وایقاعاً ایجاباً وقبولاً علی‌ماورث‌فی‌الشریعةالغراء جاری‌گردید وقبض واقباض بعمل‌آمد فکان‌وقفاًصحیحاً شرعیاً فمن‌بدله بعدماسمعه فانمااثمه علی‌الذین یبدلونه والله سمیع علیم حدود اربعه

قـــــریهٔ پاقلعـــــه

شـــــرقیـــــاً	غـــــربیـــــاً
متصل است بسامان پل روم	متصل‌است بسامـان جامـه‌شوران
شمـــــالیـــــاً	جنـــــوبیـــــاً
پیوسته است بسامان‌سید کلاته‌وسالطو	پیوسته است بسامان قریهٔ ابر

قـــــریهٔ پل‌روم

شـــــرقیـــــاً	غـــــربیـــــاً
پیوسته است به رودخانهٔ کر	پیوسته است بسامان پای‌قلعه
شمـــــالیـــــاً	جنـــــوبیـــــاً
متصل است بسامان سالطو	مـتصل است بسامـان محمـدآبـاد

قـــــریهٔ سید کلاته

شرقیاً
متصل‌است بسامان حسین‌آباد ورامیان

جنوبیاً
متصل است بسامان جامه‌شوران و پای‌قلعه وسالطو

غربیاً
متصل است بسامان شفیع‌آباد

شمالیاً
متصل است بسامان رامیان

مزرعهٔ سالطو

شرقیاً
متصل است برودخانه کر

جنوبیاً
متصل است بسامان پل‌روم و پای‌قلعه

غربیاً
متصل‌است بسامان‌پای‌قلعه وسید کلاته

شمالیاً
متصل است بسامان سید کلاته

مزرعهٔ جامه‌شوران

شرقیاً
متصل است بسامان پای‌قلعه

جنوبیاً
متصل است بسامان قریهٔ ملك‌سلیمان و سیاه‌رودبار

غربیاً
متصل است بسامان زرین‌کول

شمالاً
متصل‌است بسامان سید کلاه

قریهٔ حسین آباد

شرقیاً
متصل است بسامان قریهٔ وطن

جنوبیاً
متصل‌است بسامان قریهٔ ویرو

غربیاً
متصل‌است برودخانه کر

شمالیاً
متصل‌است بسامان سید کلاه و رامیان

قنـــــــــــــــــــــــــــاة واقعه در تازیکهٔسرخونکلاته

شـــــــــرقیـــــــــاً
متصل است بقناةمرحوم حق‌ویردی بیگ
جنـــــــــوبیـــــــــاً
پیوسته است بسامـــان قریـــهٔ دو دانگه

غـــــــــربیـــــــــاً
متصل است به رویــه و قناة والقج
شمـــــــــالیـــــــــاً
پیوسته‌است به رویهٔ قنات کربلائـــی آقا بابا تازیکه والقج وحق‌ویردی ـ بیگ و نهر چشمه‌تازیکه .

و کان ذلك بتاریخ دوازدهم شهرصفر ـ المظفرسنة هزارودویست‌ونودو چهار.
[جای مهر][1]

[برحواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

هوالمستعان

قدصح مافیه من‌الوقف والعمل به لازم فلیعمل به حرره الاقل. [جای مهر][2]
اقرالواقف المزبورالمسطورلدی فی‌السادس والعشرون من‌ربیع‌الاول ۱۲۹۸ .
[جای دومهر][3]

لاشك فی‌وقوعه حرره‌الاقل فی۱۵ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸. [جای مهر][4]

بسم‌الله‌العزیز

دریوم دوشنبه ۲۴ شهر ذیعقدهٔ ۱۲۹۶ واقف موفـق مزبور اقرار و اعتراف بمراتب

۱ـ مهری باسجع : «یا امام حسین» . ۲ ـ مهری باسجع : «عبده محمدحسن ۱۳۲۸» . ۳ ـ مهری باسجع: « اللهم‌اغفرلصفی‌الله » و مهری دیگر باسجع : « عبده فتح‌الله‌الموسوی». ۴ـ مهری باسجع: «حمزه» .

مسطوره‌من‌البداية‌الى‌النهاية‌نزداحقر انام نموده حررته‌فى‌التاريخ‌المزبورو انا‌الاقل.
[جاى مهر][1]

هو المستعان

لاشك فى‌وقوعه وصحته فانه‌وقع عمل‌له وانا‌الاقل‌الجانى‌الفانى. [جاى مهر][2]
قدجرت صيغة الوقف منى الاقل. [جاى مهر][3]

بسم‌الله‌تعالى‌شأنه

حضر الواقف الحسين واعترف اعترافاً لاريب فيه ولاريـن بتمامها فيمابين‌الطرفين فى‌اول الربيعين فى‌السنة ۱۲۹۸ لدى الاقل حافظ‌الشريعة الطاهره. [جاى مهر][4]
قداعترف الواقف الموفق‌المزبور والقبض من‌البداء الى‌المقطع لدى حرره‌الاقل فى ذى‌قعدة ۱۲۹۶. [جاى مهر][5]

هو المستعان

اقر الواقف‌المزبور بالمسطور لدى فى‌السادس والعشرن من ربيع‌المولود ۱۲۹۸.
[جاى مهر][6]

قداعترف‌الواقف‌بوقف والقبض‌لدى حررته سبعة‌ايام بقين من ذيقعده ۱۲۹۶.
[جاى مهر][7]

قدجرت الوقف من‌وكيل الواقف الموفق .....

ماسطر فى‌هذالوقفنامج و.....الوقف ولزم بالقبض والعمل‌به تحريرافى‌ثالث عشر ذيقعدة‌الحرام ۱۲۹۶. [جاى دومهر][8]

۱- مهرى باسجع: «محمدطاهرالحسينى». ۲- مهرى باسجع: «غلام حسين».
۳- مهرى باسجع: «لاتخف ياموسى». ۴- مهرى باسجع: «عبده محمد مصطفى العقيلى». ۵- مهرى‌باسجع: «يا امام‌محمدتقى». ۶- مهرى باسجع: «محمدعلى ابن‌موسى». ۷- مهرى با سجع: «محمدهادى». ۸- مهرى باسجع: «ياصالح المؤمنين» و مهر ديگرى باسجع: «عبده‌الراجى كريم».

۱۱

سواد وقفنامهٔ مدرسهٔ آقامحسن واقع درمحلهٔ میدان استراباد مورخ ۱۲۹۶ ه . ق .

در این وقفنامه آقا محسن پس از ساختن مدرسه‌ای برای طالبان علوم دینیه و محصلان معارف یقینیه مقداری ازضیاع و عقار و املاك ومستغلات خودرا برطلاب‌ومحصلین ساکن دراین مدرسه و تعزیه‌داری جناب سیدالشهدا واولاد خود وقف نموده وشرایط و طرز تقسیم آنها را در متن ذکر کرده است.

باعث برترقیم این‌ارقام صدق ارتسام آنست که چون سلسلهٔ ازلیت وبقاء مربوط به ذات مقدس بی‌همتا ورشتهٔ ابدیت منوط به‌وجود اقدس واجب‌الوجود خالق ارض‌و سماء وباقی‌کائنات درشرف فنا وزوالند لهذا این بندهٔ عاصی وغریق معاصی‌محمد- محسن الموسوی الاسترابادی بجهت تخفیف خطیآت و تقلیل‌سیآت بمفادالغریق تیشبث بکل‌حشیش‌قربةً الی‌الله وطلباً لمرضاته ازاخص مال و مباحترین اموال خود احداث مدرسه نمود که طالبان علوم دینیه و محصلان معارف یقینیه در آن متمکن گردیده بتحصیل اشتغال نمایند و همچنین نظر به احادیث مأثوره صدقه براولاد و اعقاب ازاقرب قربات‌واحسن مثوبات‌است بناءً‌علی‌هذا وقف صحیح شرعی‌مؤبدو حبس صریح اسلامی مخلد نمودم شرذمه‌ای از ضیاع وعقار و املاك و مستغلات خود راکه عمرعزیزرا صرف تحصیل آنها کرده و درمدت زندگانی بنهج شرعی و طریقهٔ اسلامی‌بتصرف‌وتملك درآورده‌برطلاب ومحصلین ساکنین مدرسهٔ مزبوره و تعزیهٔ جناب سیدالشهدا واولاد موجودی وسیوجد خود بطناً‌بعدبطن و نسلاً بعدنسل که از جمله آنها فرزندی علی‌محمد ولد مرحوم مبرور فرزند مسعودم ابوتراب سقی‌الله‌ثراه وجعل‌الجنة مثواه است چون بعضی ازموقوفات مختص بفرزندمذکور

مشاراليه و بعضی مشترك بين فرزندی وساير اولاد وبرخی مختص به‌طلاب وتعزيه و بعضی مشترك بين‌اولاد وطلاب و تعزيه و بعضی مختص بتعزيه و در ضمن عقد وقف مدرسه قيودات و شروطات چندی بوده‌است که اظهار آنها لازم مينمود ازاين‌جهت به جهت هريك ازموقوفات تفصيلی عليحده مرقوم وحقيقت هريك را مفصلامسطور نمودم که هنگام رجوع بسهولت استفاده نمايند و توليت اعيان موقوفه کـه در اين چند صباح خود بقيد حيات‌است بااقل عباد است وحق‌التولية را بمقتضای رأی‌خود مقرر داشته وبعد از وفات بافرزندی علی‌محمد و اولاد ذکوری اگر خدا خواهد از اين موجود بوجودآيد سدس از منافع موقوفات کلاً وطراً از مدرسه وغيره حق‌التوليه خواهد بود وبعد از انقراض‌العياذبالله اولاد ذکوری‌که از اولاد اناث حاصل شود و درزمان فقد ذکور حسب‌التجاء واضطرار بعاريت اناث مباشرخواهند بود و بعد از مشاراليها براولاد ذکور ايشان و با تعدد ذکور اکبر و ارشد واصلح متولـی خواهد بود و در مرتبهٔ توليت ذکور اولاد اناث اگر ذکور مذکور ازبرادر بـاشد اولی واحق خواهد بود و هريك از موقوف عليهم‌که در قيدی از قيود يا درحکمی از احکام تغيير وتحريف نمايند ازجناب رب‌الارباب مستدعی چنانم‌که ازعمرومال و مرحمت خدای متعال برخورداری نيابند و موقوفـات مسطوره برپنج قسم به‌نهجی است‌که اينجا اجمالاً ايمائی شده ومفصل‌آنرا انشاءالله تعالی مشروح خواهدداشت يکی‌ازاقسام خمسه موقوفاتی‌است‌که مختص بفرزندی علی‌محمد واولاد ذکوری‌که احياناً ازاين موجودبوجودآيد وبراولاد ايشان نسلاً بعدنسل وبطناً بعدبطن وبعداز انقراض العياذبالله‌بر طلاب مدرسهٔ مزبوره و آن خانه و اطاق و طويله ومايتعلق‌بهم است از اينکه درحيات فرزند مرحوم مسعودم ابوتراب طاب‌الله‌ثراه درظاهروباطن‌و پنهان و آشکارا ميگفتم‌که هبه باو نموده‌ام و در واقع بعقدی از عقود شرعـی منتقل ننموده بودم اما مقصود اختصاص بمرحوم مزبور بود آن سعادتمند فرزندکه از همهٔ

لذات دنیوی محروم و درغربت به اجل محتوم طومار عمرش مختوم شد نخواستم که بعد ازوفات جزاومدخلیتی در آن بهم رسانند لهذا وقف نمودم خانه‌واطاق‌مسکونهٔ خود راباطویله وسایر ملحقات و منضمات آنها برفرزند مرحوم مبرور علی محمد طول‌الله تعالی‌عمره وبراولاد ذکوری که احیاناً از این روسیاه بعد از این ازتفضلات سبحانی بوجود آید و براولاد اولاد ایشان ماتعاقبوا وتناسلوا بطناً بعدبطن و نسلاً بعد نسل الی‌ان‌یرث‌الله الارض ومن‌علیها و پس‌از انقراض العیاذبالله برطلاب ومحصلین مدرسهٔ مزبوره که بطریق‌سایر موقوفات مدرسه خرج و صرف نمایند مخفی‌نماناد که خانهٔ آقائی علاقه‌بندکه خارج ازخانهٔ مزبوره بوده اقل‌عباد ازورثهٔ آقائی خریده و داخل خانه نموده و از خانهٔ موروثی خمس رسد همشیره‌هاست که انتقال بوالدهٔ فرزند مرحومم گردیده که باخانهٔ موروثی بارفروش با همشیره‌ها بیع‌وشری کرده اعیانی عمارات سوای عمارت سردر تمامی را اقل عباد از مال‌ورجال خود ساخته تا واضح بوده باشد یکی از اقسام خمسه موقوفاتی است که مختص به طلاب مدرسه‌و تعزیهٔ جناب سیدالشهدا و جزئیاب دیگر که قرائت وکتابت باشد دارد از آن جمله یازده باب دکانی‌است که‌بشراکت نواب مستطاب‌سپهر جناب‌گردون‌آفتاب شاهزادهٔ اعظم محمدقلی میرزا ادام‌الله تعالی بقائه از قرار چهاردانگ دو دانگ ساخته‌ام به این معنی که چهار دانگ باکمترین و دودانگ باسرکار ایشان در چشمه‌علی بنواب معظم‌الیه عرض واستدعاشدبجهت وقفیت دکاکین مزبوره‌به‌طیب‌نفس قبول‌فرمودند که وقف نمایم کمترین ششدانگ‌را تمام وکمال وقف نمودم ومتولی فرزندی علی‌محمد وبعد از اواولادش ذکوراً کان امااناثاً وبعدازانقراض العیاذبالله‌براولادذکوری که از اولاد اناث حاصل شود وسدس از منافع حق‌التولیه‌است ودکاکین مزبوره دکانهائی‌است که اول ساخته شده روی‌به‌مغرب مقابل‌تیمچه ودکانهای‌تیمچه است و منتهی میشود به دکانهای موقوفهٔ مرحوم مغفور جدی‌المبرور طاب‌ثراه و جعل‌الجنة

مثواه ایضاً از اقسام خمسه موقوفاتی است که مختص بطلاب مدرسه و تعزیهٔ جناب سیدالشهدا و کتابت و قرائت باشد از آن جمله ده‌باب دکان سمت شرقی که متصل است بدکاکین مزبورهٔ فوق که مختص به‌اقل عباد است چون با مالکان حمام کاسه‌ـ گران مصالحهٔ شرعیه کرده بودم که مجرای منجلاب حمام مزبوره تعمیر نموده در فوق آن دکان بنا نمایم از قراری که چهاردانگ به‌اقل عباد و دودانگ باما لکان‌چون بعد از ساختن منجلاب و تعمیر مجرای آن که مبلغهای کلی اخراجات کرده بودم و طورها دیدم وحرفها شنیدم که باآنها وعدم احتیاج زمین‌فوق مجرای منجلاب‌مزبور قطع‌نظر از آن نموده منتظر بودم که احدی از مالکان‌کاسه‌گران طمعش بحرکت‌آید بروفق شریعت او را مجاب نماید ودکاکین خود را در شارع متسعهٔ قراردادم وزمین مزبور را از مجتهدین کربلای معلی‌اجارهٔ شرعیه نموده‌ام دکاکین مزبور تمام‌وکمال متعلق به‌اقل‌عباد که همه‌را بشروط مفصلهٔفوق وقف مدرسه نمودم که سایرورثه‌راحقی نیست تا واضح‌بوده باشد ایضاً ازجمله‌اقسام خمسهٔ مختص‌بمدرسه چهارباب‌دکاکینی است که درجنب خلای‌مدرسه احداث کرده که هنوز بانجام‌نرسیده واکثری ازآلات و اسباب آن سرانجام و بعضی تعمیر نیافته لکن‌انشاءالله در شرف تعمیر است که در جوف هریك چاهی قرار داده که بجهت خلای مدرسه حفر شود تا واضح باشد چون در ضمن عقد وقف مدرسه بعضی قیودات وشروطات شده بود لازم مینمود که ایمائی بآنهانموده شود لهذا بعضی ازآنها را اجمالاً بمعرض شرح وبیان درمیاورد اولاً اینکه سوای طلبه که شغل‌وشیوهٔ اومنحصر به تحصیل باشد تمکن او درمدرسه ممنوع‌است و بطالین چندی راکه کتاب زیر بغل‌آلت‌کار و واسطهٔ خوش گذرانی قرارداده‌اند آنها را درآنجا راهی‌نیست وازآن طلبه موصوف هرحجره سه‌نفرمنزل نمایند زیاده را مختارطلبه خواهند بود نه‌متولی وطلابی که بیتوته می‌نمایند روغن‌ـ چراغ و پیه‌آنرا متولی از موقوفات بایدکارسازی نماید و فقرای طلبه‌که طلاب و

مدرس تصدیق برفقرش کنند مساوی سهم دونفر بیك نفر متولی کارسازی نماید وطلبهٔ درس‌خوان مادامی که شرح جامی را شروع نکرده و ماتحت را نگذرانیده مستحق اخذ وظیفه نخواهد بود وسایرطلاب جزآن کسانیکه فقیرند ازاشارات خوان وشرح جامی‌خوان دراخذ وظیفه مساوی‌میباشند تفاوتی به‌جهت ایشان لازم‌نیست ومحصول منافع موقوفات رامتولی اولاً اخراجات تعمیرضروریهٔ عمارت مدرسه نموده هرگاه خدا نخواسته اخراجات کلیه باشد سال بسال جمع کرده خرابی محل را به عمارت آورده بطریق اول عمارت نماید و مادام که خرابی تمام نشود وبوجهی از وجـوه مداخل موقوفه‌را بمصرف دیگر نرسانند تا انشاءالله‌تعالی بسرحدآبادی اول‌برسد و سایر موقوفات را نیز مرمت نمـاید و املاك موقوفه را اگر اخراجـاتی حادث شود نموده باشد چون هرمدرسه‌را لازم‌است ازخادمی برمتولی است که خادم متین‌خوبی تحصیل نموده قرار بدهدکه هرروزه مدرسه را از درون و بیرون وراهروهای‌مدرسه را جاروب کرده خاك‌روبهٔ آنرا خارج نماید و هرروز سه مرتبه صبح و ظهر وشب نهرمدرسه راکه از سامان خانهٔ آقا حاجی شله جاری‌است پاك نموده کثافات آنـرا بیرون نماید وحضرات طلاب بجهت طبخ‌وغیره درحجرات مدرسه هیزم‌نسوزانند و بجهت طبخ در مطبخ متعلق بمدرسه رفته طبخ نمـایند و طلاب حجرات را زیـاده از یکماه‌وچهل روز بیشتر معطل نکنند اگر زیاده باشد متولی‌را میرسدکه تغییرداده باشد قاری که بصفت‌تقوی وورع موصوف باشد وقرائتش صحیح باشد اجیر نموده قراربدهندکه روز سه جزو درسه وقت صبح و ظهرو شب در سرقبراین غـریق‌بحر عصیان تلاوت نموده و در شبهای جمعه سورهٔ مبارکهٔیس‌والرحمن وسورهٔ جمعه را بعد از تعشی درهرجاکه منزل ومکان اوست‌زیاده برسه‌جزو تلاوت نموده روح‌حقیر را بفاتحه یاد وشاد نماید وهرشب از اول مغرب تا دوساعت بعد از آن روشنائی‌در مزار مزبور استمراراً برقرار باید بوده باشد و قاری مذکور بازاءِ شغل مسطور یك

تومان بجهت روغن چراغ‌روشنائی و چهارتومان رایج که چهل ریال یك مثقال‌ونیم صاحبقرانی جدیدی فتحعلی‌شاهی [باشد] از متولی از مداخل موقوفات بازیافت نماید و متولی باید اول وجهی که بوصول برساند وبمصرف اخراجات مقرره‌رساند باید این وجه‌رابداند وقاری‌را معطل نکند که خلاف آن ظلمی‌است که به‌این روسیاه کرده خواهد بود چون در فوق ایمائی شده بود که بجهت هریك از موقوفات و مصارف منافع آنها تفصیلی که دستورالعمل بوده باشد مرقوم شود بناءً علی‌هذا اهم مطالب با متولی‌امرمدرسه وطلاب‌است چون‌امرتولیت مفوض بفرزندی‌علی‌محمدو براولاد اولاد اولاد او بطناً بعد بطن و نسلاً بعدنسل و پس از انقراض العیاذبالله بر اولاد ذکوری که ازاناث حاصل شود به طریقی که در فوق نگارش شده است و بعد انقراضهم نعوذبالله تولیت با اولاد اخوی محمدحسین بوده باشد و بعد انقراضهم العیاذبالله تولیت بااولادهمشیرهٔ اقل‌عباد بوده وبعدانقراضهم العیاذبالله بااعلم مدرسهٔ مزبوره بوده بطریق مسطور عمل نماید وسدس منافع موقوفات از بابت حق‌التولیه متعلق بمتولی میباشد چون در این جزء از زمان فرزندی علی‌محمد در صغرسن‌بوده امرتولیت مفوض باخوی محمدحسین میباشد که حق‌التولیه را بفرزندی علی‌محمد بالاشتراك بمصرف خودشان برسانند و بعد عمرالطبیعی انشاءالله‌تعالی بعلی‌محمد بالاختصاص بوده بطریقی که مرقوم شده معمول‌گردد و واقف موفق دام‌توفیقاته بعد ازاخذ وجه‌تعزیه وحق‌قاری وحق‌التولیه عشرمنافع حق‌التدریس بوده که اگرمدرس متعدد بوده باشد بالمساوات فیمابین‌خود تقسیم نمایند اگریکنفر هم بوده باشد عشر تعلق بهمان یکنفر دارد واز سهم طلاب مدرس را سهمی نیست وصیغ‌وقف کماقرر فی‌الشریعةالمقدسة بالعربیة والفارسیه سمت وقوع‌وجریان پذیرفت بندگان‌خدایگان آقائی اخویم درکمال سدادرای وشعور املاك را بطریق مسطور وقف عمل‌نموده و وقف‌نامچه در دوصفحه‌ونیم اول بخط مبارك نوشته انواع اقسام اسقام بجناب‌واقف

معظم‌الیه روی داده که از نوشتن آن عاجز مقرر فرمودند به‌اقل خلیفه وراقم نمیقه که در اتمام آن پرداخته به تفصیل املاك موقوفه نگارش نمایم تفصیل بموجب تفصیل است تفصیل املاك موقوفات مشترك که فیمابین اولاد واعقاب واقف معظم‌الیه باطلاب مدرسه است از آن جمله قریهٔ کلاجان‌قاضی هفده سهم از بیست سهم از نودسهم‌از کل‌ششدانگ مفروزشده ودرخارج مشخص ومعین است با انضمام یکباب آبدنگ و ملیارستان و توتستان عن آنچه ملکیت راسزد و شاید بامجری‌المیاه متعلقهٔ بـآن که ازرودخانهٔ شصت‌کلاته منشعب میشود وهمگی و تمامی پنجدانگ کامل‌حق‌الحفری یکرشته قنات موسومة بفیض‌آباد که واقع‌است در قریهٔ مزبوره که خود واقف‌معظم حفر وتعمیر نموده با انضمام هفـده سهم از نود سهم‌از یکدانگ حق‌الارض قنات کیاب واقعه در قریهٔ‌کلاجان‌قاضی که یکدانگ ازآقا رحیم ارباب از بابت حق‌حفر واقف معظم‌الیه دام توفیقاته ابتیاع نموده بودباانضمام نیم‌دانگ‌حق‌الحفر که ازمهر-علیخان دولو واقف معزی‌الیه مدظله ابتیاع نموده‌بود بموافق قباله‌نامچهٔ معتبره که در دست است کلاً وطراً یك دانگ‌ونیم ازحق‌الحفر است و هفده سهم از نـودسهم از دودانگ حق‌الارض قنات‌سنگ کاریز که ازملك مختص بخود حفر کرده واقع‌است در مزرعهٔ سنگ دیك کلاجان جدید شش دانگ بالتمام وهمچنین هفده سهم از نود سهم از دو مزرعه ونیم آب شصت کلاته که حقابهٔ قریهٔ‌کلاجان است که در فوق هم اشاره شده بود ایضاً قنات افرابن که سه‌دانگ آنرا از آخوند ملاکاظم ویك‌دانگ آنرا ازصبیهٔ مرحوم آقا عبدالله قاضی‌خریده‌ام وحق‌الارض تعلق بحقیرداشته مجدداً تعمیر وحفر نموده‌ام باتمام قنات مشهور بقنات عوضعلی کـه واقع است در قریـهٔ سرکلاته که بمبایعهٔ شرعیه خریده‌ام و باراقم حروف محمدحسین و آقارحیم‌شریك میباشند که قنات مزبور مشتمل است برشعب وپیشان چندیکه مجرای آنها یکی ودر معنی یکرشته می‌شمارند دو دانگ‌ونیم از شش دانگ کـه مبالغ کلی خریـده‌ام و

اخراجات کلی نموده‌ام‌قنات واقعه‌در بانعمان که از میرزا محمدرضا وحاجی‌مهر احمد خریده‌ام بمبلغ یك‌صدتومان می‌باید درقریهٔ مزبوره زرع شده ربع محصول‌ازبابت حق‌الارض‌را حضرات انصاری که موقوف‌علیهم میباشند بطریقی که حال معمول و متعارف است بگیرند یا اینکه یك دانگ‌ونیم حق‌الارض را به چهار خروارو بیست من‌شالی بوزن بلده که اجاره به حقیر داده‌اند بدهندکه در قریهٔ لرخیل برده زراعت نمایند چون که‌رعایای لرخیل ازقدیم‌الأیام اکارهٔ ما وپدران ما بوده‌اند وقنات‌لرخیل کلاً که حق‌الحفر آنها متعلق به‌ایشان بوده رعایای مزبور زراعت می‌نمودند در این ایام بالمره خراب شده رعایای مزبور معطل مانده بودند قنات مزبور را حقیر بجهت آنها خریداری کرده‌ام که زراعت نمایند چهار دانگ ونیم از شش دانگ حق‌الحفر قنات چشمه واقعه در بهلول‌آباد که وقف مدرسهٔ دربنو است که نیم‌دانگ حصهٔ مرحومهٔ والدهٔ واقف معظم‌الیه است دوخمس از نیم‌دانگ و یك دانگ که‌از اولاد مرحوم آقا رضا واقف معظم‌الیه خریده‌است هفت سهم تقسیم میشد پنج سهم تعلق بواقف معظم‌الیه داردکه از جملهٔ موقوفات مشترکه‌است و دوسهم مال والدهٔ مرحوم جنت‌آرامگاه ابوتراب میباشدکه‌خارج از وقف تعلق بمشارالیها داردوقنات پای‌چنار ومیان ده ایضاً واقعه دربهلول‌آباد که حسب‌الارث‌ازوالد مرحوم منتقل‌شده دوخمس ازدودانگ ازچهار دانگ حق‌الحفراست مزرعهٔ علی کرد با قنات مخروبهٔ آن که دوسهم ازپنج سهم‌ازسه دانگ‌از کل ششدانگ تعلق‌بواقف معظم‌الیه دارد واز قنات مخروبه دوسهم از پنج سهم از دودانگ متعلق بواقف معظم‌الیه میباشد بطریق سایر موقوفات مشترکه است از جمله موقوفات مشترکه بین اولاد و طلاب و تعزیه کرپان قاضی واقعه در نواحی دوخمس از یك دانگ و سه‌ربع از دودانگ از کل ششدانگ که از والدهٔ مرحومه انتقال شرعی بواقف معظم‌الیه یافته باحقابهٔ رودخانهٔ قدمگاه خضر علیه‌السلام بامزرعهٔ متعلق به آن که در خارج مشخص است بطریق

سایر موقوفات بین اولاد وطلاب و تعزیه مشترك است کرپان‌سادات واقعه درنواحی یك خمس از یك خمس‌ونیم ازکل ششدانگ بعد از وضع ثمن که از والد مرحوم انتقال شرعی بواقف معظم‌الیه یافته باانضمام حصهٔ مرحومهٔ والده‌اش که آن نیز یك سهم از ده‌سهم از یك خمس ازکل ششدانگ است قریهٔ تاریکی باحقابهٔ رودخانه خمس از یك دانگ ازکل ششدانگ با جمیع ملحقات ومنضمات مزرعهٔ باکرمحله که ثلث از یك دانگ ازکل ششدانگ و یك سهم از ده‌سهم از یك دانگ از کل ششدانگ که از مرحومهٔ والدهٔ واقف‌معظم‌الیه منتقل شده‌بود خمس آن بطریق‌مزبور وقف است وهمچنین یك‌سهم ازنه‌سهم‌از دودانگ مزرعهٔ باکرمحله که ازنورچشمی ابوطالب موافق قباله خریده است بطریق سایر موقوفات بین طلاب و تعزیه واولاد مشترك است قریهٔ دودانگه واقع در استرابادرستاق دو خمس از سه دانگ و یك ربع ازکل‌ششدانگ قریهٔ‌مزبوره باانضمام حقابهٔ رودخانه ومجری‌المیاه آن‌باجمیع متعلقات و منضمات قریهٔ مزبوره ذکرام‌لم یذکرسمی‌ام‌لم‌یسم بطریق سایر موقوفات است قریهٔ تیمورمحله دوخمس از دو دانگ ازسه دانگ ازکل باانضمام حقابهٔ قریهٔ مزبوره که از قدیم‌الایام در دودانگه زرع میشود باجمیع متعلقات و منضمات آن‌نیز مثل سایر موقوفات بین اولاد وطلاب و تعزیه بالاشتراك است و همچنین‌چهاردانگ ازکل ششدانگ قریهٔ معروفه به‌کلنگان واقعه در بلوك جلال‌ازرك مازندران باجمیع ملحقات و منضمات از اراضی عامره وغامره وشیوارات واصطلخ و حقابهٔ رودخانه عن‌آنچه ملکیت را سزد و شاید وانتقاع درآن متصور شود مثل سایر موقوفات بین اولاد و طلاب و تعزیه بالاشتراك است و همچنین قریهٔ یونس‌آباد واقعه در ولایت بسطام‌که واقف بموجب یك طغرا قبالهٔ معتبره بمبلغ یك هزارو پنجاه تومان وجه رایج سلطانی‌خریداری نموده بود باانضمام سه شبانه‌روز ازبیست‌شبانه‌روز از حقابهٔ قریهٔ مزبوره قنات یونس‌آباد بامزارع آن که در قباله نوشته شده است که عبارت

از هشتاد خروار بذرافشان زمین است این نیز مثل سایرموقوفات بین اولاد وطلاب و تعزیـه بالاشتراك است و ایضاً دوازده بزن آب از رودخانهٔ جلالـی و عین الحسنی بامجری المیاه متعلقهٔ بآن که در یدتملك وتصرف واقف معظم الیه بوده بطریق مزبور وقف براولاد وطلاب وتعزیه بالاشتراك است وضیغ وقف کماقررفی الشریعة المقدسهٔ من الواقف الموفق دام توفیقاته بالعربیة و الفارسیه سمت وقوع و جریان پذیرفت.

وکان ذلك فی شهر رجب المرجب من شهور سنة ۱۲۴۲ .

[برحواشی این سواد عبارات زیر نوشته شده است:]

و ایضاً واقف موفق دام توفیقاته مجموع کتب عربیهٔ خود راکه در ید تملك وتصرف از نحو وصرف ومنطق وکلام وحدیث وفقه واصول وهیئت وحساب را محضاًلله و خالصاً لوجه‌الله برطلاب علوم دینیهٔ اثنی‌عشریهٔ مدرسهٔ خود که از بنای معمار همت اوست وتولیت رامفوض نمود به‌نورچشمی‌علی‌محمد طول‌الله عمره و بعده‌العیاذبالله امر تولیت بطریق مسطور درفوق است وکتب فارسی کـلاً وطراً واقف موفق‌دام‌ـ توفیقاته به‌هبهٔ معوضه و عطیهٔ منجزه منتقل‌بفرزندزادهٔ خود علی‌محمد طول‌الله عمره ساخته و ولایةً از جانب فرزندزاده تصرف می‌نماید وضیغتان وقف وهبه کماقررفی الشریعة المقدسة سمت وقوع وجریان پذیرفت تحریراً فی‌دوازدهم شهر رجب‌ـ المرجب من‌شهور سنة ۱۲۴۲.

ایضاً از جمله اقسام‌خمسه مختص بطلاب مدرسه و ورثه وتعزیه است همگی‌وتمامی مجری‌المیاه یك مزرعهٔ لتری ازهفت مزرعه ونیم ازحقابهٔ یالوتوابع که منشعب‌است از نودوپنج مزرعه ازرود شصت‌کلاته با انضمام آنچه از ملکیهٔ یالوتوابع که تعلق شرعی باین یك مزرعه دارد باتمامی توابع و لواحق شرعیه و عرفیه من‌دون استثناء شیءمنها که متولی‌شرعی‌املاك موقوفه مصلحةً للوقف والموقوف‌علیهم‌وغبطةله‌ولهم بعدتصدیق جماعت کثیره من‌علماءالبلدبل‌جلهم‌وجـم‌غفیر من‌البصیرة و الخبره قبول

نقل شرعی آن نموده بجهت موقوف‌علیهم از عموم ورثهٔ مرحوم یعقوبعلی‌خان بعوض ملك موقوفهٔ قریهٔ‌یونس‌آباد وقنوات موقوفهٔ آن بعد از مبایعه و مصالحهٔ آن مصلحةً وغبطةً للوقف وروماً للاحتیاط بوکالت صحیحهٔ صریحهٔ‌جناب‌آقای متولی معظم‌الیه اجراءِ صیغهٔ وقف‌آن‌برطبق وقف سایر املاك موقوفه مشترکه‌گردید وکان ذلك فی ۲۰ رجب ۱۲۹۶. [محل خاتم مرحوم مغفور جنت‌مکان آقای آقامیرزا حسین مجتهد طاب ثراه][1] و [محل خاتم شریف مرحوم مبرور فردوس‌آرامگاه آقا آقا میرعلینقی‌بنی‌کریمی مجتهد طاب‌ثراه][2] و [محل خاتم شریف مرحوم مبرور مغفورجنت‌مکان آقا آقا حاجی سید محمد طاهر طاب ثراه][3]

مخفی نماناد که یك خمس از خانهٔ مسکونهٔ جناب آقا علی‌محمد که منتقل بجدهٔ ایشان شده بود وازمرحومهٔ مبرورهٔ جده حسب‌ارث انتقال‌بآن جناب یافته نیز ایشان وقت نمودند و به نهجی‌که چهار خمس دیگر وقف و تفصیل درمتن میباشد وصیغهٔ وقف و شرایط لزوم بعمل آمد بناءً‌علیه تمام ششدانگ خانهٔ مزبوره و متعلقات آن وقف میباشد فمن بدله بعدماسمعه‌فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه وکان‌ذلك‌فی‌بیست‌و دوم‌شهر شعبان‌سنة‌۱۲۹۸. [محل‌مهر مرحوم‌حاجی‌آقامحمدحسن‌مفیدی‌الموسوی][4]و [محل مهر مرحوم مبرور آقا سید محمدنور المفیدی الموسوی][5] و [محل مهر جنت مکان مرحوم حاجی سید محمدطاهر][6]

این چند سطر باید در ورقهٔ بعد نوشته شود اشتباهاً اینجا نوشته شد آنچه در ذیل نوشته میشود راجع بقبل دوازده سطر است . [محل خاتم شریف مرحوم ملا

---

۱ ــ مهری با سجع : « اللهم ارزقنی شفاعةالحسین ». ۲ ــ مهری بـا سجع : « العبدالمـذنب علینقی‌الحسینی » . ۳ ــ مهری بـا سجع : « محمدطاهرالحسینی ». ۴ــ مهری با سجع : عبده‌الراجی‌حسن‌الموسوی ». ۵ــ مهری با سجع: « عبده‌الراجی سید محمدالموسوی ». ۶ــ مهری با سجع : « محمدطاهرالحسینی».

محمدمهدی جزی اعلی‌الله مقامه][1]

قد وقع جمیع‌مازبرورقم فیه‌لدی الجانی. [محل‌خاتم‌شریف مرحوم‌ملاعباسعلی کلانتر][2]

قد وقع الوقف علی‌نهج مازبرو رقم فیه‌لدی نمقه ....

هو الله تعالی‌شأنه

قد وقع‌الوقف من‌الواقف الموفق دام توفیقاته کمارقم فیه‌لدی الجانی . [محل خاتـم شریف مرحوم آقاحسین اخوی واقف][3]

قد وقع‌الوقف من‌الواقف الموفق زید عمره حسب مافیه لدی الخاطـی. [محل مهر مرحوم حاج شیخ حسین‌واعظ][4]

هو الله تعالی شأنه العزیز

قد وقع‌الوقف من‌الوقف المعظم‌الیه جمیع مارقم فیه علی طریق الکتاب‌المستطاب لاشك فیه ولاارتیاب‌لدی. [محل‌خاتم مرحوم ملاآقا بابا][5]و [محل‌خاتم مرحوم آقا محمد قجر][6]

قدصدرالوقف عن‌الواقف الموفق‌علی‌نهج المسطورلدی الجانی‌الخاطی [محل مهرمرحوم آقا سید رضا][7]

قدوقع‌الواقف من‌الواقف الموفق‌بتوفیقات ربانی‌رحمه‌الله تعالی‌لدی نمقه‌الجانی. [محل مهر آقا سید محمدصادق المفیدی الموسوی][8]

قدوقع الوقف من‌الواقف کمازبر ورقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی. [محل مهر آقامیر

۱ـ مهری باسجع : «عبده محمدمهدی». ۲ـ مهری با سجع : «عبده‌الراجی عباسعلی». ۳ـ مهری با سجع: «عبده‌الراجی حسین‌الموسوی». ۴ ـ مهری با سجع: «عبده‌الراجی‌حسین». ۵ـ مهری با سجع: «المتوکل‌علی‌الله عبده آقابابای». ۶ـ مهری با سجع: «اللهم صل علی‌محمد وآل‌محمد». ۷ـ مهری با سجع: «المتوکل علی‌الله عبده رضاالحسینی». ۸ـ مهری با سجع: «عبده محمدصادق الموسوی».

عیسی المفیدی][1]

قد وقع الوقف من حضرة الواقف علی النهج المسطور لدی الجانی الآثم. [محل مهر خاتم شریف مرحوم مبرور آقا ملامحمداسمعیل اعلی الله مقامه][2]

قد وقع الوقف من حضرت الواقف علی النهج المسطور لدی العبدالجانی. [محل مهر شریف مرحوم آقا ابراهیم توئی][3] و[محل مهر اللهویردی داروغه][4]

قد وقع الوقف حسبما زبرورقم فیه لدی الاقل. [محل خاتم مرحوم آقاملامحمد باقرستون][5]

تبت مارقم فیه لدی العبدالجانی. [محل مهر مرحوم آقابابا کلانتر][6]

وقع جمیع مارقم وزبر لدی. [محل مهر مرحوم آقا سید رضاالحسینی][7]

وقعت الواقعه لیس لوقعتها کاذبه. [جای مهر][8]

قد وقع الوقف من الواقف المعظم الیه فی المتن کمافی المتن. [جای مهری ناخوانا]

بسم الله تعالی شأنه

قد وقع الوقف من الواقف المعظم زیدعمره حسبما فیه لدی وکتب العبد.

[جای مهری ناخوانا]

سواد مطابق اصل است. [جای مهر][9]

سواد مطابق با اصل است. [جای مهر ادارهٔ معارف استراباد ۱۲ر۹ر۶ رحیمی]

۱ـ مهری با سجع: عبده عیسی الموسوی». ۲ـ مهری با سجع: «عبده الراجی محمداسمعیل». ۳ـ مهری با سجع: «سلام علی ابراهیم» ۴ـ مهری باسجع: «عبده الراجی اللهویردی». ۵ـ مهری با سجع: «یا امام محمدباقر». ۶ـ مهری با سجع: «عبده آقا بابا». ۷ـ مهری باسجع: «عبده رضا الحسینی». ۸ـ مهری با سجع: «ورفعناه مکاناً علیاً». ۹ـ مهری باسجع: «رحیم الحسینی».

۱۲

وقفنامهٔ امیرخان سردار مورخ ۱۳۱۴ ه . ق .

در این وقفنامه امیرخان سردار نصف مشاع کامل از قریـهٔ اوجابن واقع درشمال شهر استراباد را با ملحقات ومنضمات آن و یك باب کاروانسرای جدیدالبنای‌خود را در راسته خیابان و یك‌باب یخچال واقع در چهارباغ متعلقه به شاهکوه و قطعه زمین متصل و متعلق به آن را باکاروانسرا و اطاقهای واقع در قزلق وایوان آن‌را وقف بر مدرسهٔ خودکـرده و شرایط وطرز تقسیم منافع املاك‌مذکور را درمتن یادکرده است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

هوالواقف

الحمدلله المتنقذ من‌الحیرة والضلالة والصلوة والسلام
علی‌محمدالمخصوص‌بالرسالة وآله‌المعصومین بالعدالة

و بعـد غرض از تحریر وتنسیق و تسطیراین‌کلمـات صداقت آیـات آنست کـه وقف عام مؤبد وحبس‌مالاکلام مخلد فرمودند بندگان ذی‌شان کثیرالانعام والاحسان جزیل‌الافضال‌والامتنان سرورخوانین زمان وامیراکابردوران مؤسس قوانین‌نصفت و معدلت و مؤکد قواعد رأفت و مرحمت و مشید مراسم ملت ودین و مروج شریعت ائمهٔ طاهرین سلام‌الله علیهم‌اجمعین الی یوم‌الدین ملجاء فقراء وملاذ اغنیاء عظمت و حشمت وجلالت‌دستگاه ابهت وشهامت‌و بسالت‌انتباه دولت‌وسعادت‌اقبال‌عظیم‌القدر والمنزله والشأن والجلال، المنظور‌بانظارالطاف رحمن‌الموفق‌بتوفیق‌السبحان‌المؤید بتأییدالملك المنان حضرت مستطاب کامکار ذوالمجد والعـز والاقتدار اشرف امجد

ارفــع اکرم اسعد مفخم نواب والا امیرخان سردار لازالت رایات دولته مرفوعه و رایـات اعدائه مقموعه همگی و تمامت نصف مشاع کامل از قریهٔ مدعوه به اوجابن واقعــه در صوب شمال شهر استراباد مینو بنیاد و خالی از خلل و قصور و فساد از بلوك سدن‌رستاق معروفه مــع کل ملحقات شرعیه ومنضمات عرفیهٔ آن ازصحاری و براری ومزارع و مراتـع وآوش رویه و تلال و جبال و وهاد وجناگل وملیارستان و توتستان و جر وخانقاهه و شیوارات و مجری‌المیاه وقنوات دائره و بائره و آسیا و آبدنگ آباده وخرابه ازآنچه نفع توان برد وانتفاع حاصل میشود دون‌استثناء شیئ منهــا القلیل والکثیر والنقیر والقطمیر ممـا ذکر ام لـم یذکر و سمی ام لم یسم من جمیع الجهات کافةً بانضمام یکباب کاروانسروای جدیدالبناء کــه اتصال دارد بصوب مغرب وراستهٔ خیابان بحذافیرها وشراشیرها که تمامت منافع موقوفهٔ مزبوره منقسم بده قسمت شده یــك عشر را حضرت متولی اخذ فرمایند یك عشر را جناب نــاظر دریافت سازد و یــك نیم عشررا مدرس مطالبه نماید و یك نیم عشر را امام جماعت متصرف شود و یك عشر حق مصارف مــاه مبارك رمضان و لیالیهٔ متبرکهٔ قدر مقرر است که افطاروسحوردهند ویك عشررا درایام دههٔ اول محرم مصروف سازند وبقیه که زائد ازچهار عشرو دو نیم عشر معین است بعد ازمصارف سوخت سه چــراغ و بوریا و خادم آقایان مدرسه که جنابان ناظر و مدرس است بین آقایان طلاب بدون اختلاف بنظر ناظر و مدرس تقسیم نمــایند تدریس مدرس از سطح وخارج الی دو درس معین است و زیاده مختار است امام جماعت همانقدر که عرفاً پیش‌نماز صدق کند وصادق آید ومیهمان لیالیه ماه مبارك رمضان و دههٔ عاشورا بنظرمبارك ناظرو مدرس میباشد خادم و حق آن بنظر خیر منظر ناظر منوط است حق حضرت متولی معظم و جناب ناظر معزی‌الیه و جناب مدرس و امام جماعت و مخدومی خادم مقدم

برمصارف لازمهٔ املاك موقوفهٔ مدرسه ونفس مدرسهٔ مزبوره خواهد بود درصورت احتیاج املاك موقوفهٔ مزبوره و مدرسهٔ مسطوره معاً به تعمیرتعمیرات املاك موقوفه مقدم برتعمیر مدرسه میباشد سکونت آقایان طلاب در حجرات موقوف است به اذن ناظر تقسیم حقوق آقایـان طلاب فیمابین عربی خوان موکول است به نظر ناظر و مدرس که اگر بخواهند طلبهٔ مبتدی را بمقدار حق منتهی بدهند وعلاوه مختار بوده باشند تعمیر اعیان موقوفه باید باطلاع واستحضار چهارنفر از رؤسای آقایان طلاب باشد مدرس هرگاه در غیـر مسجد و سردر مدرسه بخواهد تدریس کند مختاراست تعیین مدرس و امام جماعت با ناظر بوده بـاشد طلابی که در نصف ماه باشند حق دارند وچنانا کمتر ازنصف ماه باشند ولو به‌نصف روز حقی‌ندارند سوخت حجرات باید به طلاب داده شود بوریای حجرات وپیش‌حجره و مسجد وبالاخانه بایدکرده شود وازپنج سهم بقیه باید موضوع گردد سه چراغ یکی در مسجد ویکی دردالانو یکی در مبال جناب ناظر منظور نمایـد هرگاه بخواهند احدی حفر قنات در قریهٔ موقوفهٔ مزبوره نماید باید به اذن ناظر باشد و تولیت واگذار ومفوض است به نفس نفیس و شخص شریف واقف موفق دام ظله‌العالی و بعد بـه اولاد ذکور و ذکـور ذکـور ماتوالدوا وتناسلوا بـا شرط اکبریت متوالی و بعد از انقراض العیاذبالله با مجتهد جامع‌الشرایط عادل استراباد بوده باشد و مقرر فرمودند نظارت را به‌جناب مستطاب فضایل وکمالات انتساب قدوةالعلماء و افتخارالفقهاء انسان‌العین اشرف‌ـ الحاج حاجی‌آقا شیخ حسین مد ظله و بعد از ارتحال ایشان بدارالسرور تعیین‌ناظر خیراثر با حضرت متولی دام ظله‌العالی میباشد و حقوقاتی کـه مندرج و معین شده است غیر از دو عشر رمضان‌المبارك و عاشورای محرم بـاید ماه بماه تقسیم فرموده بـرسانند بصاحبان حقوق بقدر سهامهم و همچنین وقف صحیح صریـح و شرعی

فرمودند حضرت مستطاب واقف موفق مؤید دام ظله‌العالی یك بـاب یخچال واقعه درچهارباغ متعلقه بشاهکوه وقطعه زمین‌متصلهٔ متعلقهٔ به‌آنرا باکل ملحقات شرعیه و عرفیه‌آنرا باکاروانسرا و اطاقهای واقعه در قزلق و ایوان آنـرا کائنة ماکانت من‌دون استثناء شیئ که منافع آن‌بعد تعمیرات لازمهٔ عین آنهادرمصرف مدرسه‌هم به‌تفصیلی که درمتن‌نموده شده است مصروف دارند قبض و اقباض که شرط وقف است بعمل آمد فمن بدله مـا سمعه و انما اثمه علی‌الذین یبدلونه صیغهٔ وقف علی‌النهج الشرع ایجاباً و قبولاً بالفارسیة والعربیه تمامها واقع و جاری شد .

وکان ذلك بتاریخ ۵ شهر شوال‌المکرم سنهٔ ۱۳۱۴ هجری قمـری

[جای مهر][1]

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته است :]

هو

قد وقع جمیل‌ما رقم و زبرفیه من‌البدایة الی‌النهایة مع‌القبض والاقباض‌لدی چنانچه اصل وقفنامـه متناً و هامشاً از املاء خط حقیرالفقیرالحـاج ملا حسن روضه‌خـوان استرابادی. [جای مهر][2]

هو قد وقع الوقف من‌السردار کمثل ما فیه لدی الاخیار وانا المعتـدالآثیم .

[جای‌مهر][4]

قد اقرالواقف المعظم زید اجلاله‌العـالی بمافیه من‌الوقف علی‌الکیفیة المرقومة بما فی‌الورقه لدی اقل‌الطلبه فی خامس شهر شوال‌المکرم ۱۳۱۴ . [جای مهر][5]

بسم‌الله تعالی شأنه

قد اجریت صیغة‌الوقف کما هوالمعهود غیـر نقصانها بالوکالة الشقاهیه عن‌الـواقف

۱ـ مهری با سجع : « امیربن سلطان احمد ». ۲ـ مهری با سجع : «حسن‌بن نصرالله » . ۳ ـ مهری بـا سجع : « عبده‌الراجی کریم » . ۴ مهری با سجع : « عبده‌الراجی کریم ». ۵ـ مهری با سجع :« اللهم ارزقنی شفاعة‌الحسین ».

الموفق بمحضر حضور جمع من الاعیان العلماء العظام ادامهم الله الحیاة حسبما سطرو فصل فی الورقه وتحقق القبض والاقباض عنه دام اقباله ختم الوقف عن حضرة السردار المعظم ولزم فی التاریخ التحریر فی الذیل حرره صالح المؤمنین.

هو المستعان

قد وقع مافیه من البدایة الی النهایة وبجمع مافیه رقم وسطر لدی حررته بیدی الاحقر فی شهر شوال ۱۳۱۴ . [جای مهر][1] -

۱۳

وقفنامهٔ آب رودخانهٔ سرخ محله مورخ ۱۳۳۰ ه . ق .

دراین وقفنامه شیخ محمدرضا مشهور به سلطان العلماء قاجارقوانلو چهارسنگ از بیست سنگ آب رودخانهٔ سرخ محله را دربلوك کتول وفندرسك براولاد ذکورخود و برطبقهٔ اولی ازاناث که بلاواسطه از صلب واقف مزبورند به این نحوکه اناث و ذکور درحظ یکسان باشند ، وقف کرده است .

بسم الله الرحمن الرحیم

هو الواقف علی السرائر والمطلع علی الضمائر والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء محمد و آله واصحابه الذینهم خیر القبائل والعشائر

اما بعد توفیق الهی شامل حال فرخنده مآل جناب مستطاب قدسی انتساب فضایل ـ مآب عمدة العلماء العظام آقا شیخ محمدرضا الشهیر بسلطان العلماء قاجار قوانلو گردیدکه وقف مؤبد وحبس مخلد نموده قربة الی الله وطلباً لمرضاته همگی وتمامت مقدار چهار حجر از بیست حجر بعبارة اخری یك خمس از مجری و میاه آن راکه واقع است درحدود بلوك کتول و معروف است به رودخانهٔ سرخ محله که در خارج

۱ـ مهری با سجع: « عبده عباسعلی العقیلی ».

معین ومعلوم است بعبارة اخری یك خمس از رود مزبـور بعد از اینکه تقسیم شده باشد میاه مزبور بین بلوك کتول و فندرسك و جدا شده بـاشد حصهٔ بلوك فندرسك بالاخره وقف نموده واقف مزبور یك خمس از مجری ومیاه رودخانهٔ سرخ‌محله را براولاد ذکور خود نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن ونیز وقف نمود برطبقهٔ اولی از اناث که بلاواسطه از صلب واقف مزبورند باین‌نحو که طبقهٔ اولی ازاناث با ذکور مساوی در حظ و بهره یکسان بوده بـاشند وسایر اناث را مطلقاً و ذکور متولد از اناث را حظ وبهره نخواهد بود ونیزهمهٔ طبقات از ذکور دراستحقاق باهم شریك و یکسان خواهند بود مثلاً طبقهٔ اولی و اطفال آنهـا باهم شریك و یکسانند و هکذا و علی فرض انقراض ذکور و طبقهٔ اولی ازاناث عیاذاً بالله وقف است برتعزیه‌داری و اطعام در تکیهٔ سرپیر در دههٔ عاشورا و بر تقدیر زیـادتی کردن منافع عین موقوفه بهمان نحو اطعام را مستمردارند تا اینکه منافع موقوفهٔ مستوفی او مستوعب گردد و قرارداد تولیت عین‌موقوفه را مادام‌الحیوة با نفس‌خود و بعدالممات با ارشد واتقی از موقوف‌علیهم و علی فـرض انقراض موقوف‌علیهم با پیرمردان تکیهٔ سرپیر ومراد از تکیهٔ مزبوره بنحویست کـه شامل است سقاخانه و فوقـانی آن و دوگوشواره را که کلاً شرکت دارنـد ولیکن خود تکیه دو حصه وسایر اماکن هـر یك یك حصه بجهت مخارج برداشت نمـایند و حق تولیت مادامی که با خود واقف یا با اولاد او هست یك خمس است و مادامی کـه به پیرمردان تکیهٔ مزبوره تعلق گرفت یك عشر خواهد بود و این عشر که حق تولیت است فیمابین دو پیرمرد ازتکیه وچهار پیرمرد از سایر غرفات تقسیم کـرده خواهد شد چنانچه در اقدامات و استیفاء منافـع متفقاً اقدام و تولیت دارند و صیغهٔ وقف عقداً و ایقاعاً جاری گردید و قبض و عمل که از شرایط وقف‌اند بعمل‌آمد فصار وقفاً صحیحاً شرعیاً فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه واضح بـاشد که تصرفات جناب واقف من بعد ذلك‌الیوم بعنوان

تولیت است نه بعنوان مالکیت نوشته شد تا واضح بوده باشد .

وکان وقوع ذلك فی یوم‌الثانی‌من‌جمادی‌-
الاولی‌سنة هزاروسیصدوسی‌هجری ۱۳۳۰.
[جای دو مهر][1]

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

غب الحمد والصلوة قد اعترف الواقف المسطور ما فی‌الورقـه من‌الوقف والقبض لدی خادم فقهاء‌آل عدنان فی بیستم شهر جمادی‌الاولی هزاروسیصدو سی هجری نبوی صلی‌الله علیه وآله . [جای مهر آقا شیخ هادی سرپیری][2]

قد اقرالـواقف بمافیه لدی فی یوم‌الاحد والعشرین من شهر جمـادی‌الاولی فی سنة ۱۳۳۰ حرره‌الاقل محمد قاسم کتولی. [جای مهر][3]

جناب آقای واقف سلمه‌الله اقرار مراتب مسطورهٔ در ورقـهٔ وقفنامه نمودند وفقه الله ان‌شاءالله فی ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۳۰. [جای مهر][4]

قد اعترف‌الواقف‌الموفق بالوقف والقبض بمافیه لدی الاحقر علی‌النحوالمحرر .
[جای مهر آقا سید ابراهیم شریعت][5]

قد اعترف الواقف الموفق بالـوقف والقبض مافیه کمافیه علی‌النحو المسطور لدی.
[جای مهر][6]

قد اعترف‌الواقف الموفق بالوقف والقبض والعمل مافیه کمافیه لـدی الاحقر فی التاریخ . [جای مهر][7]

۱ـ مهری‌باسجع: «سلطان‌العلما» ومهری‌دیگر باسجع: «محمدرضا». ۲ـ مهری باسجع: «یا هادی‌المضلین». ۳ـ مهری باسجع: «عبده محمدقاسم». ۴ـ مهری باسجع: « نجم‌الدین محمدالحسینی» . ۵ ـ مهـری باسجع: «سلام علـی ابراهیـم». ۶ـ مهری باسجع: «علی بن محمد». ۷ـ مهری باسجع: «عبدالله المفید الموسوی» .

قد اقـر و اعترف الـواقف الموفق المکرم زیـد توفیقاته بتمـام مارقم و زبر فیـه من الوقف والقبض والعمل لدی اقل السادات محمد هـاشم المفیدی الموسوی فی چهاردهم جمادی الاولی ۱۳۳۰ . [جای مهر][1]

اعترف الواقف الموفق بالوقف والعمل واعانة علی ذلك حررته فی التاریخ من ۲۱ اولی الجمادیین من شهور ۱۳۳۰. [جای مهر][2]

قد اقـر واعترف الواقف الموفـق المؤید المعظـم المحترم المکـرم زادالله تعـالی شأنه العزیز بما رقم و زبر وسطر وحرر فیه کمافیه بمافیه مـع مافیه فلیحذر المؤمنین عن سخط الله تعالی شأنه عن المخالفة عمافیه فی شهر جمادی الاولی من شهور سنة ۱۳۳۰. [جای مهر][3]

قد اقـر واعترف الـواقف الموفق بالوقف کما زبر فیه لـدی الاحقـر فـی نهم جمادی الاولی ۱۳۳۰ . [جای مهر][4]

قد اعترف الواقف الموفق والعمل بـه حسب مافیه و من فیه لدی الاحقـر الجانی فی التاریخ . [جای سه مهر][5]

بسم الله الرحمن الرحیم

قد اقر واعترف الجناب المستطاب الواقف الموفق بمافیه کمافیه کبیره علیهم بمارقم(؟) اخافهم الله تعالی عن المخالفة والوقوع فیما یخالف مقتضاة وانا الاقل الجانی الفانی.
[جای مهر][6]

۱ـ مهری باسجع: «محمدهاشم الموسوی». ۲ـ مهری باسجع: «محمد کریم العقیلی».
۳ـ مهری باسجع: «محمدباقر ستون». ۴ـ مهری باسجع: «عبده محمدبن غلامعلی».
۵ـ مهری باسجع: «ابوالحسن العقیلی» و مهری دیگـر باسجع: «سرالله العقیلی» و مهـری دیگر باسجع: «یعقوب الحسینی». ۶ـ مهری باسجع: «غلامحسین».

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

وقع‌الوقف‌کمافیه علی مـافیه و من فیه فلیحذر عما بنافیه و انا الاقل خـادم اهل العلم والعمل فی‌التاریخ . [جای دو مهر][1]

قد وقع الوقف والقبض بحذافیر الورقه بالوکالةالحضوریه عن‌جناب‌الواقف‌المعظم دامت توفیقاته لـدی الاحقر فی ثانی اولی‌الجمـادیین من شهور ۱۳۳۰ .

[جای مهر آقا سید ابوتراب][2]

اعترف الواقف الموفق بتمام مافیه‌لدی الاحقرحررته بیمنای القاصره فی‌جمادی‌ـ الاول من ۱۳۳۰. [جای مهر امام جمعه][3]

اقر بمافیه لدی فی ثالث جمادی‌الاولی ۱۳۳۰ حرره محمدحسن. [جای مهرآقا شیخ حسن جزی مجتهد [و] جای مهرآقا شیخ صفی‌الله]

قد اقر بما رقم فیه لـدی فی‌التاریـخ . [جای مهر آقا سید جمال عقیلی مجتهد].

۱ـ مهری باسجع: «الراجی محمد هادی» ومهری دیگـر با سجع : «محمدطاهر بن محمد». ۲ـ مهری باسجع: «عبده‌الراجی ابوتراب العقیلی». ۳ـ مهری باسجع «عباسعلی العقیلی».

۱۴

وقفنامهٔ محمدقلی‌خان مصباح نظام مورخ ۱۳۳۸ هـ . ق.

در این وقفنامه محمدقلی‌خان همگی و تمامی نیم مزرعهٔ لطری از نود و پنج مزرعه از آب رودخانهٔ شصت‌کلاه واقع در بلوك سدن‌رستاق را بردارالشفاء رضوی وقف کرده است که عین جنس را پس وضع مخارج حمل ازمحل الی مشهد مقدس به دارالشفاء برسانند و تولیت این امر را به عهدهٔ حسینقلی‌خان ـ اخوی‌زادهٔ خود ـ وبعد به اولاد ذکور او داده است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمـدلله الـواقـف علی‌الضمـائر والمطلـع علی‌السرائر والصلـوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله‌الطاهرین اما بعد جناب جلالتمآب اجل عالی آقای محمد‌قلیخان مصباح نظام خلف مرحمت و غفران‌مآب حاجی نجفقلی‌خـان هـزارجریبی طلباً لمرضات‌الله وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد ملی فرمودند همگی و تمامی نیم مزرعهٔ لطری از نود و پنج مزرعه از آب رودخانهٔ معروف به شصت‌کلاه واقعه در بلوك سدن‌رستاق استراباد که فی‌محلها مستغنی از تحدید وتوصیف است بردارالشفاء مبارکهٔ رضوی‌علیه‌الصلوة والسلام که منافع آنرا همه‌ساله پس‌ازمنظورنمودن‌مخارج حمل از محل آن الی شهر مقدس عین جنس بدارالشفاء مبارکه حمل نمایند بعبارة اخری برنج خود آن نیم مزرعه عیناً فرستاده شود بدارالشفاء مبارکه و تولیت آنرا واگذار فرمودند بجناب حسینقلی‌خان اخوی‌زاده خود وبعد به اولاد ذکور او نسلاً بعد نسل و در صورت عدم وجود اولاد ذکور با ذکور از اناث وهکذا ودرصورت عدم اولاد با اکبر و ارشد اولاد جناب مستطاب اجل آقای علیقلی‌خان مسعودالملك

اخوی واقف معظم و در صورت فقدان اولاد با اورع و اتقی از علمای دارالمؤمنین استراباد و نظارت آن باتولیت آستانهٔ مبارکهٔ رضوی ع است وصیغهٔ وقف درتاریخ یازدهم شهر شوال المکرم سنهٔ ۱۳۳۸ جاری گردیـد و واقف مزبور خلع ید از نیم مزرعهٔ مزبـوره نموده بتصرف متولی آن دادند و قبض و اقباض شرعی بعمل آمد فصار وقفاً صحیحاً شرعیاً بحیث لایباع ولایوهب ولایرهن.

وکان ذلك تحریراً فی یازدهم شهر شوال المکرم
سنهٔ هزارو سیصدو سی و هشت هجـری ۱۳۳۸.
[جای مهر][1]

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

توضیح آنکه عین برنج که همه ساله بدارالشفاء مبارکه فرستاده شود باید درآشپزخانهٔ مبارکهٔ دارالشفاء بمصرف برسد فی التاریخ. [جای مهر][2]

آقای مصباح نظام اقرار تحریر ثبت مسطورهٔ متن نموده است. [جای مهر][3]

بسم الله الرحمن الرحیم

اعترف بما رقم فیه من الـوقف والقبض والتـولیه والمصـرف حسبما فصل عنـدی فی السابع عشر من شهر شوال ۱۳۳۸ جوادالحسنی الحسینی. [جای مهر][4]

هو الله تعالی شأنه العزیز

اجریت صیغة الـوقف بالـوکالة الشفاهیه عن الـواقف المعظم دام توفیقه کمـا رقم و سطر فی هذه الـورقة متناً و هامشاً فی احـدی عشر خلون من شهر شوال المکرم سنة ثمانیة وثلاثین وثلثمائه بعدالالف من الهجرة و کتبت بیدی القاصر و ثلثة نسخات الاقل خادم اهل العلم والعمل شیخ آقا استرابادی. [جای مهر][5]

---

۱ و ۲ـ مهـری با سجع: « محمدقلی ». ۳ ـ مهـری با سجع : « علیقلی ».
۴ ـ مهری باسجع: «جوادبن زین العابدین الحسنی الحسینی» . ۵ ـ مهری باسجع : «شیخ آقا».

مبایعه نامچه

۱

سند مبایعهٔ مورخ ۱۲۰۰ هـ . ق .

در این سند سیده بیگم تمامی یك ثلث از یك دانگ کامل از کل شش دانگ مزرعهٔ معروف باکرمحله از مزارع نواحی استراباد را به مبلغ شش تومان و هفت هزار دینار رایج العاملهٔ جدیدالضرب بلدهٔ استراباد به بی بی کلثوم بنت آقا محمدرفیع موسوی به بیع قطع فروخته است.

هو المالك بالاستحقاق

الحمدلله الذی احل البیع والشری و حرم الغصب والربوا والصلوة والسلم علی خیر خلقه محمدو آله مصابیح الدجی وسلم تسلیماً کثیراً کثیرا

بفروخت بمبایعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ ملیهٔ اسلامیهٔ لازمهٔ جازمه بالطوع والرغبة لابالاجبار والاکراه درحین صحت نفس و ثبات عقل وجواز تصرف عصمت وخدارت دستگاه سیدهٔ عفیفه بیگمی صبیهٔ مرحوم سید محمدالحسینی الاسترابادی که همشیرهٔ

مرحوم میرزین‌العابدین بوده باشد بعلیا جناب عصمت وعفت و خدارت دستگاه بی‌بی کلثوم صبیهٔ مرحمت و غفران‌پناه رضوان جایگاه آقا محمدرفیع الموسوی همگی وتمامی یك ثلث از یکدانگ‌کامل از کل ششدانگ از مزرعهٔ معروفهٔ مشهوره باکرمحله من‌مزارع نواحی دارالمؤمنین استراباد را که از غایت شهرت وتفرد اسم ستغنی ازتوصیف وبیان بوده ومیباشد مع‌جمیع ملحقات ومنضمات مزرعهٔ مزبوره ازحقابه ورودخانه ونهر وممرومدخل واراضی عامره وغامره وآوش‌رویه ومراعی و مواشی و تلال وجبال و صحاری عن‌آنچه ملکیت را شاید وسزد من‌القلیل والکثیر والنقیر و القطمیر مما ذکرفیه اولم یذکر وسطرفیه اولم یسطر بمبلغ معین و بثمن مشخص یوم‌البیع مبلغ شش‌تومان وهفتهزار دینار رایج المعاملهٔ جدیدالضرب بلدهٔ طیبهٔ استراباد نصفه بیاناً له مبلغ سه تومان وسه‌هزاروپانصددینارموصوف و بعدذلك دعوی غبن وغبن مبیعهٔ موصوفه را بایعهٔ مشارالیهما دانسته وفهمیده ولو کان فاحشاًبل افحش ابراواسقاط نموده و بنیهما قبض و اقباض و تسلیم و تسلم دربدلین مزبورین واقع‌گردیده بایعهٔ مشارالیهما مبیعهٔ موصوفه را از ملکیت خود تخلیه نمود بتصرف مشتریه مشارالیها واگذاشته اورا هست انحاءالتصرف کتصرف‌الملاك فی املاکهم و ذوی‌الحقوق فی‌حقهم وضمان‌الدرك علی‌البایعه عند خروجها مستحقاً للغیرخواهدبود و صیغهٔ مبایعهٔ قطعیهٔ اسلامیه کماهو قانون فی‌الشریعة المطهره بالعربی و الفارسی جاری‌گردید.

وکان ذلك فی‌بیست‌وپنجم شهر
شوال‌المکرم‌من‌شهورسنة ۱۲۰۰.

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

هو قداقرت بجمیعما زبرفیه‌لدی الراجی. [جای مهر][1]

۱ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «قال‌انی عبدالله».

بسم‌الله خیر الاسما

قدوقع البیع منها معروفه وقبض الثمن کلاً واسقاط الخیارات وضمان الدرک کماز بزو سطرفیه بمحضری واناالعبد الحقیر. [جای دو مهر][1]

قداقرت بجمیع مازبز فیه لدی. [جای مهر][2]

وقعت المبایعة القطعیة وقبض الثمن کلاً واسقاط الخیارات وضمان الدرک کماز بر فیه لدی نمقه الجانی العبدالراجی عبدالله. [جای مهر][3]

هو

قد اقرت البایعه بالمبایعة القطعیة و قبض الثمن واسقاط الخیارات وضمان الدرک کما زبر وسطرفیه لدی واناالعبد الحقیر آقاجانی .

۱ــ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده زین‌العابدین‌الموسوی» ومهری بیضی باسجع: «عبده احمد موسوی». ۲ــ مهری چهارگوشه که کلمات « افوض امری الی‌الله» بر آن خوانده می‌شود. ۳ ــ مهری چهارگوشه باسجع: «قال‌انی عبدالله».

۲

مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۴۱ ﻫ . ق .

در این سند مهرعلی‌آقا ولد حاجی رضاخان دولوی قاجار تمامی دوسهم از بیست وچهار سهم ازسه دانگ و یك ربع حق‌الحفر قنات مشهور به‌کیاب واقع در قریهٔ‌کلاجان قاضی با یك سهم از بیست و چهارسهم‌حصهٔ بی‌بی‌نسا خانم همشیرهٔ ابی‌خودرا به مبلغ ده تومان وجه رایج به آقا محمدمحسن شیخ‌الاسلام فروخته است .

هو المالك بالاستحقاق

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدلله الذی هدانا بلطفه الموفود واخرجنا من

ظلمة الضلالة الی النور ومن لم یجعل‌الله له نورا

فماله من نور وصلی‌الله‌علی محمد وآله‌الطیبین‌الطاهرین الی یوم‌النشور

اما بعد

غرض از ارتسام این ارقام شرعیة الانتظام آنستکه بفروخت بمبایعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیهٔ جزمیه طوعاً و رغبةً عالیشان معلی مکان جلیل‌الشأن مهر علی‌آقا خلف مرحمت وغفران‌پناه‌خیر الحاج‌والعمارحاجی‌رضاخان دولوی قاجاربعالیجناب مقدس القاب فضائل و کمالات انتساب عمدة‌العلماء الاعلام و زبدة‌الفضلاء‌الکرام اطیب‌السادات‌العظام بندگان خداوندگاری آقائی آقا محمدمحسن شیخ‌الاسلام زید عمره همگی‌وتمامی دوسهم ازبیست وچهارسهم‌ازسه دانگ ویکربع حق‌الحفر قنات مشهور بکیاب واقعه درقریهٔ‌کلاجان قاضی‌راکه حسب‌الارث منتقل‌بمشارالیه‌گردیده بانضمام یك سهم‌ازبیست وچهارسهم حصهٔ عفت وعصمت‌پناه بی‌بی‌نسا خانم همشیرهٔ

ابی‌خود را که بمبایعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ موافق یکطغرا قبالنامچهٔ علی‌حده منتقل بمشار-الیه گردید، باجمیع ملحقات ومنضمات ازپشت وپیشان و خشکام وآبکام وتحویلات شرعیه که نزدانهدام (؟) باید تحویل داده شود بمبلغ معین وثمن‌المشخص‌المبین ده تومان وجه رایج‌سلطانی‌وبایع‌طایع بعدازاخذ وایفاء ثمن‌عین‌مبیعه مسطوره را ازید تملك و تصرف خود تخلیه و بتصرف مالکانهٔ مشتری‌معظم‌الیه داد ومشتری مکرم‌الیه نیزمتصرف وبسائراملاك خودملحق‌گردانید وبایع طایع‌اسقاط جمیع خیارات مبیعه سیما خیارالغبن و غبن‌الغبن الغبن ولو کان فاحشاً بل افحش نمود و ضامن درك عین مبیعهٔ مسطوره نیزگردید هرگاه عیناً ام منفعة کلاً اوبعضاً مستحقه للغیر برآید ازعهدهٔ آن برآید و صیغهٔ مبایعهٔ مزبوره و اسقاط‌الغبن و ضمان‌الدرك موافق شرعمستطاب جاری‌گردید .

وکان تحریر ذلك فی غرة شهر
شوال‌المکرم من شهور۱۲۴۱.

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این سند عبارات زیر است:]

قد وقع جمیعما رقم فیه‌لدی نمقه‌العبدالجانی. [جای مهر][1]

قد اعترف البایع بمافیه‌لدی. [جای مهر][2]

وقع بمافیه‌لدی نمقه‌الجانی . [جای مهر][3]

اقر بمافیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][4]

اقرالبایع بمافیه طرألدی. [جای مهر][5]

۱- مهری بیضی بزرگ باسجع: «الراجی عبده محمدباقر بن محمدرضا». ۲- مهری چهار گوشه باسجع: «حسین منی وانا من حسین». ۳- مهری بیضی بزرگ با سجع : « عبده‌الراجی محمدالحسینی » . ۴ - مهری بیضی بزرگ باسجع : « عبده‌الراجی رحیم‌الحسینی». ۵- مهری چهار گوشهٔ بزرگ که کلمات «سرورهمهٔ انبیابعد محمدنبی علی‌است » برآن خوانده می‌شود .

هو الله تعالی شأنه

اقرالبایع الطایع بالمبایعة والاسقاط والضمان الدرك واخذالثمن بما رقم فیه لدی.
[جای دو مهر][1]

اقرالبایع الطایع بجمیع مازبر ورقم فیه لدی. [جای دو مهر][2]
ذلك كذلك اناشاهد بذلك. [جای مهر][3]
قد وقع جمیع مارقم فیه‌لدی الخاسر. [جای مهر][4]

۱ ــ مهری بیضی با سجع : « المتوکل علی‌الله محمدبن محمد » و مهری چهارگوشه با سجع : « اللهم‌صل علی محمد وآل‌محمد» . ۲ــ مهری بیضی کوچك باسجع: «عبده علی ۱۲۱۲» و مهری بیضی باسجع: «یاحسین». ۳ــ مهری بیضی باسجع: «عبده‌علی محمد ۱۲۴۰». ۴ــ مهری بیضی بزرگ باسجع : «پیرو دین نبی اروجعلی ».

مصالحه نامچه

۱

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۵۳ ه . ق .

در این سند ملا محمدعلی همگی و تمامی خمس منافع مجرای دوازده بزن از یکصدوهشتادبزن ازچشمه‌سار جلالی وخمس منافع‌مجرای سه‌شبانه روز از بیست شبانه‌روز از قنات یونس‌آباد وخمس منافع قریهٔ یونس‌آباد که عبارت از هشتادخروار است بحسب بذرافشان‌را به‌مال‌المصالحه مبلغ سی‌وهشت تومان وجه‌فضی محمد شاهی به‌آقا علیمحمد موسوی مصالحه کرده است.

مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ اسلامیه‌نمـود جناب شامخ‌الالقاب فضایل‌وکمالات انتساب مجتهدالعصری فریدالدهری ملا محمدعلی[1] دام‌عمره بعالیجناب مقدس‌القاب سلالة‌ـ السادات العظام آقا علیمحمد الموسوی دام‌عمره‌العالی همگی و تمامی‌خمس منافع اعیان مفصلهٔ موقوفه که مشروحاً در مصالحه‌نامچهٔ مصالح معظم‌الیه مندرج است.

---

۱ ـ زیر نام محمدعلی مهری بیضی بزرگ باسجع : «المتوکـل علی‌الله محمدعلی» زده شده است.

باب‌ــــــت	باب‌ــــــت	باب‌ــــــت
خمس منافع مجرای دوازده بزن از یکصد و هشتاد بزن از چشمه سار جلالی	خمس منافع مجرای‌سه شبانه روز از بیست شبانه‌روز ازقنات واقعه در یونس‌آباد	خمس‌منافع‌مزارع‌متعلقه بقریهٔ مزبوره که عبارت از هشتاد خروار است بحسب بذرافشان

بمال‌المصالحه مبلغ سی‌وهشت تومان وجه رایج فضی محمدشاهی ده عدد یکتومان در مدت ده‌عام تام‌کامل‌الشهور والایام بتفصیل مسطور که در سنهٔ اولی مبلغ‌دوتومان وجه موصوف وجه مصالحه مهمسازی نماید و دربقیهٔ مدت هرسالی مبلغ‌چهارتومان وجه موصوف شرط در ضمن عقد آنستکه مخارجی که درباب قنوات حادث شود بقدرخمس‌چهارتومان درسه‌سال‌اولی‌با مصالح‌له معزی‌الیه است ودربقیهٔ مدت‌خمس از چهارده‌تومان بامصالح‌له معزی‌الیه است و آنچه اخراجات دیوانی وغیره که در گذراندن فرمان معافی‌بخصوص منال دیوانی شود خمس‌آن بامصالح‌له است‌وصیغهٔ مصالحه‌کماهو مقررفی الشریعة المقدسه بالعربیة والفارسیه سمت جریان پذیرفت .

تحریرافی بیست‌یکم شهر محرم‌الحرام من‌شهور سنة ۱۲۵۳.

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این‌سند عبارات زیر است:]

قدوقع مازبرفیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][1]

قد وقع جمیع مازبر ورقم فیه لدی. [جای مهر][2]

قد وقع جمیع مارقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][3]

قد وقع جمیع مازبرفیه لدی کربلائی عباس. [جای مهر][4]

۱ـ مهری‌بیضی‌بزرگ باسجع: «عبده الراجی علینقی ۱۲۲۴». ۲ـ مهری‌بیضی بزرگ‌باسجع: «عبده‌الراجی محمدمهدی الحسینی». ۳ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «المتوکل‌علی‌الله عبده‌اسدالله‌الموسوی». ۴ـ مهری بیضی بزرگ‌باسجع: « عبده‌الراجی عباسعلی».

۲

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۵۳ هـ . ق .

در این سند ملامحمدحسن حاجی‌آبادی تمامی منافع مجرای دوازده بزن آب موقوفه از یکصد وهشتاد بزن از چشمه‌سار جلالی وعین‌الحسینی و منافع مجرای سه شبانه روز از بیست شبانه روز ازقنات واقعه در یونس‌آباد با مزارع آن که عبارت از هشتاد خروار بذرافشان است به‌مال‌المصالحه مبلغ یکصد تومان وجه رایج فضی ده عدد یکتومان ریال محمد شاهی با ملا محمدعلی مصالحه کرده است .

قبول مصالحهٔ شرعیهٔ اسلامیه نمود جناب شامخ‌الالقاب فضایل و کمالات انتساب قدوةالمحققین جامع‌المنقول والمعقول مجتهدالعصری وحیدالدهری ملا محمدعلی[1] دام اقباله‌العالی از عالیحضرت مقدس القاب حقایق و معارف اکتساب علامی ملا محمدحسن‌حاجی‌آبادی دام‌عمره‌العالی قیومتهٌ عن‌عالیجناب مقدس‌القاب سلالةالسادات العظام آقا علی‌محمد الموسوی دام عمره‌العالی همگی وتمامی منافع مجرای‌دوازده بزن‌آب موقوفه ازیکصدهشتادبزن ازچشمه‌سار جلالی‌وعین‌الحسینی‌و منافع مجرای سه شبانه روز از بیست شبانه روز از قنات واقعه در قریهٔ یونس‌آباد با مزارع آن که عبارت ازهشتاد خروار بذرافشان است که درقباله و وقفنامچهٔ معتبره مندرج است که اعیان مفصلهٔ وقف برمتولی مذکوروواولاد وطلاب مدرسهٔ محسنیه و تعزیهٔ جناب حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام از قراریکه در وقفنامچه مندرج میباشد در مدت ده عام‌کامل‌الشهور والایام بمال‌المصالحه مبلغ یکصد نود تومان

۱ ــ زیر نام محمدعلی مهری بیضی بزرگ با سجع : « المتوکل علی‌الله محمدعلی » زده شده است .

وجه رایج فضی ده عدد یکتومان ریال محمد شاهی بتفصیل مسطور کـه درسنهٔ اولی مبلغ ده تومان وجه موصوف را وجه مصالحه مهمسازی نمـایند و در باقی مدت هر سالی مبلغ بیست تومان وجه موصوف وشرط درضمن عقد مصالحه آنستکه مخارجی که حادث شود درباب قنوات درسه سال اول بقدرچهارتومان با جناب شامخ الألقاب مصالح له است ودر بقیهٔ مدت بقدرچهارده تومان با مصالح له معظم الیه است وزیاده بر آن با موقوف علیهم است وشرط دیگر آنستکه آنچه عوارضات وتحمیلات دیوانی که حواله واطلاق شود با مصالح له معظم الیه است وموقوف علیهم را دراینخصوص رجوعی نخواهد بود وشرط دیگر اینکه هرگاه تأخیری دروجه مصالحه شود اختیار فسخ بـا متولی میباشد و ضیغهٔ مصالحه کما هو مقرر فی الشریعـة بالعربیة والفارسیه سمت جریان پذیرفت.

کان ذلك بتاریخ بیست یکم شهر محرم الحرام سنة ۱۲۵۳.

[بربالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

قد اعترف المعظم الیه دام ظله بمارقم فیه لدی نمقه الجانی. [جای مهر][1]

قد وضح جمیع مارقم فیه لدی. [جای مهر][2]

قد وقعت المصالحة کما زبر ورقم فیه لدی. [جای مهر][3]

قد وقع جمیع مازبر فیه لدی. [جای مهر][4]

قد اعترف دام ظله العالی مفصلاً بمافیه لدی. [جای مهر][5]

قد وقع جمیع مارقم فیه لدی نمقه الجانی. [جای مهر][6]

۱ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «افوض امری الی الله عبده سید محمد الموسوی».
۲ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبده الراجی عباس الموسوی». ۳ ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبده الراجی محمدمهدی الموسوی». ۴ـ مهری بیضی بزرگ باسجع «عبده الراجی علینقی». ۵ـ مهری باسجع: «عبده الراجی اسحق». ۶ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «المتوکل علی الله عبده اسدالله الموسوی».

قد وقع کما زبر و رقم فیه لدی . کربلائی عباس . [جای مهر][1]

۳

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۷ هـ . ق .

دراین سند آقا سید حسن ـ متولی شرعی املاك موقوفـهٔ حاجی شیخعلی بهرام ـ همگی و تمامی منافع هفتاد سهم ازجمله نود سهم مفروز ومشاع قریهٔ کلاجان‌قاضی واقع در بلوك سدن‌رستاق را با دومزرعه و نیم حقابه ازرودخانهٔ شصت‌کلاته و یکدانگه ودودانگهٔ قنوات واقع در قریهٔ مزبوررا به‌مال‌المصالحه موازی دویست‌و ده خروار شالی‌که شصت خروار آن شالی عنبربو ویکصد و پنجاه خروار آن شالی گرده باشد با حاجی‌محمدباقر خلف آقا محمدجعفر قاضی استرابادی مصالحه کرده است.

صلح صحیح شرعی نمودند جناب فضایل و فواضل اکتساب حقایق و معارف آداب زبدةالعلماء والمتکلمین آقای آقاسید حسن سلمه‌الله خلف مرحمت و غفران‌پناه رضوان‌جایگاه حاجی سید نصرالله طاب‌ثراه که متولی شرعی املاك موقوفهٔ مرحوم حاجی‌شیخعلی‌بهرام میباشدبا عالیحضرت نیکوطویت اشرف‌الحاج حاجی محمدباقر خلف مرحوم آقا محمدجعفر قاضی استرابادی برهمگی وتمامی منافع هفتاد سهم از جمله نود سهم از مفروزی و مشاعی قریهٔ کلاجان قاضی واقعه در بلوك سدن‌رستاق استراباد صینت‌عن‌التفرقة والفسادبانضمام‌کافهٔ محلقات‌ومنضمات آن از مجری‌المیاه از حقابهٔ رودخانهٔ شصت‌کلاته که متعلق است بقریهٔ مزبوره که دو مزرعه‌ونیم حقابهٔ مذکوره است بقدرها ونیز از یکدانگه ودودانگهٔ قنوات‌واقعه

۱ ـ مهری بیضی باسجع: « عبده‌الراجی عباسعلی ۱۲۲۴».

در ملك مفروزی و مشاعی قریهٔ مزبوره و آوش‌رویه وخشکه‌کاری و مراتع‌ازپشت خیابان و زیر خیابان از آنچه ملکیت را سزد و شاید در مدت سه‌سال شمسی‌تمام ابتداء از اول عقرب هذه‌السنهٔ‌یونت‌ئیل بمال‌المصالحه موازی دویست و دو خروار شالی‌خوب بوزن بلدهٔ مزبوره که شصت خروار از آن شالی عنبربو و یکصدو پنجاه خروارگردهٔ سرده باشد مقرر ومشروط آنکه مال‌المصالحه‌را درمدت‌مسطوره اثلاثاً در هرسالی موازی بیست خروار عنبربو وپنجاه خروارشالی‌گرده در آخر آنسال که آخر میزان‌باشد الی‌اول‌حوت‌که چهارماه‌میشود دراین مدت تسلیم جناب‌مصالح یا قائم‌مقام شرعی ایشان یاموقوف‌علیهم هریك بقدر حصصهم در همان قریهٔ‌کلاجان نماید وبعذری از اعذار موقوف ومعطل ندارد وصیغهٔ‌مصالحهٔ منافع بارعایت‌قواعد شرعیه جاری‌گردید و درضمن عقد خارج لازم شرط شرعی شد برمصالح‌له‌که با نرسانیدن مال‌المصالحه در مدت مقرره‌لاجل‌قبض مال‌المصالحه در هریك از سنوات مرقومه بتفصیل مرقوم اختیار فسخ اصل مصالحه در بقیهٔ سه‌سال‌که مدت مصالحهٔ مزبوره است با جناب مصالح باشد.

حرره فی‌شهر رجب سنة ۱۲۸۷.

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر است:]

اعترف جنابه‌المستطاب ادیم‌عزه بوقوع المصالحة و الشرط حسبمارقم فیها .

[جای مهر][2]

بسم‌الله تعالی‌شأنه

فی‌غرة شعبان‌المعظم جناب السیدالمصالح سلمه‌الله تعالی [اعترف] بالمصالحة

۱ـ مهری‌بیضی‌بزرگ‌وناخوانا. ۲ـ مهری‌چهارگوشه‌باسجع: «سلام علی‌ابراهیم».

المسطوره والشرطفیها حرره العبدالخاطی. [جای مهر][1]

اعترف المصالح زید فضله بمارقم فیه‌لدی حرره. [جای مهر][2]

اعترف سلمه‌الله تعالی بما زبرفیه‌لدی حرره‌الآثم. [جای مهر][3]

لقداعترف‌جناب‌السیدالسندالمصالح‌سلمه[الله]بالمصالحة المسطوره والشرط‌المزبور لدی حرره. [جای مهر][4]

اعترف بمارقم فیه لدی. [جای مهر][5]

۱ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبده‌محمدصالح‌بن‌حسن الموسوی». ۲ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «محمدتقی بن‌محمدرضی». ۳ـ مهری بیضی‌بزرگ باسجع: «عبده علی الحسینی». ۴ـ مهری‌بیضی باسجع: «عبدالوهاب». ۵ـ مهری بیضی‌بزرگ باسجع: «حسین‌ابن نصرالله الحسینی».

۴

مصالحه‌نامچه و متارکه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۰۷ ه. ق.

از این مصالحه و متارکه‌نامچه معلوم می‌شود که اختلافی میان ورثهٔ حاجی محمدتقی‌خان و طلاب مدرسه‌ای که نامبرده ساخته بر سر استفاده از موقوفات پیدا شده است و قرار بر این شده است که یك دانگ و نیم از سه‌دانگ ملك کچزی وقف بر طلاب و یك‌دانگ و نیم دیگر وقف بر اولاد باشد و همچنین دو مزرعهٔ حقابهٔ کچزی یك ثلث وقف اولاد و حق متولی و دو ثلث وقف بر طلاب و تعزیه و حق کل وال بهارك نصف وقف بر تعزیه و نصف وقف بر ورثه باشد.

چون درین ایام خجسته‌فرجام بین ورثهٔ مرحمت‌مآب خلدنصاب حاجی محمدتقی‌خان طاب‌ثراه بین طلاب مدرسهٔ مرحمت مآب مزبور که فعلاً موقوف‌علیهمند در باب سه‌دانگ خشکه ملك کچزی و دومزرعهٔ بلای‌آب حقابه از رود دهنهٔ شصت کلاته و حق کل وال‌بهارك فی‌الجمله قول وغائله بوقوع پیوست که بسط و شرح آن باعث طول و بلاثمر است و چون اشرف الخوانین العظام مقرب‌الخاقان معتمدالسلطان سرکارخان سرتیپ نجفقلی‌خان دام‌اقباله‌العالی یکی ازورثه ومتولی موقوفهٔ مدرسه‌و اولاد مرحمت مآب مزبور بوده‌انـد رجوع امر بسرکارایشان وجواب سؤال بایشان تحقق یافت بالاخره ازجهت حسن‌اصلاح ومصالح منظوره ازجهات عدیده ورعایت مصالحه ومتارکه بین طرفین بوکالت حضوریه‌از سرکارخان سرتیپ‌دام‌مجده‌العالی‌و عموم طلاب واقع گردید کـه حاصل و نتیجهٔ صلح واقع آنست کـه گردید حسب

الصلح تمامی یکدانگ و نیم از سه دانگ ملك کچزی مال موقوفه که یکدانگ وقف برطلاب مدرسه و نیم دانگ وقف بر تعزیهٔ حضرت ابی عبدالله وسایر ائمهٔ هدی علیهم السلام و یکدانگ و نیم وقف بر اولاد مرحمت مآب حاجی محمدتقی خان المزبور طاب رمسه و حق متولی بطوریکه در وقفنامچهٔ علیحده مندرج است و نیز گردید دو مزرعه حقابهٔ کچزی یك ثلث وقف بر اولاد مرحمت مآب مزبور و حق متولـی و دوثلث وقف برطلاب مدرسه و تعزیه که ازین دوثلث وقف برطلاب و یك ثلث وقف بر تعزیه است و گردید حق کل وال بهارك نصف وقف بر تعزیهٔ حضرت خامس آل عبا وسایر معصومین و ائمهٔ هدی علیهم الف الاف التحیه والثناء و نصف ملك و مال ورثهٔ مرحمت مآب طاب ثراه برعهدهٔ سرکارخان سرتیپ دام اجلاله العالی بوده باشد ازحال الی یکصد سال قمری که درصورت عدم اسکات یا عدم قبول ورثه کلاً و بعضاً خیار فسخ از برای طلاب وفقهم الیه تعالی ثابت است و نیز مخارج دیوانی درحق کل وال بهارك درصورتیکه رخ دهد باید از تمام محصول طرفین موضوع فیه داده شود و نیز مقرر شرعی آنکه منافع آب و ملك مزبور وحق وال بهارك بعداز رفع محصول وحصول منافع بقبض و برات وحوالهٔ سرکارخان سرتیپ دام مجده کـه متولی شرعی است بـاطلاع جناب مستطاب اشرف الانجاب قدوة الاطیاب آقای آقا سیداحمد روضه خـوان سلمه الله و نظارت جناب مستطاب آخوند ملااسماعیل ناظردر مصرف آقایان طلاب مـدرسه و تعزیه صرف شود وحقوق ورثهٔ مرحمت مآب مزبور را سرکارخان سرتیپ دام مجده بایشان هریك بقدر سهم برسانند تمامی مراتب مسطوره و قرارات شـرعیه بقانـون شرع مطابق موازین وقواعد شرعیه وقوع یافت این چند کلمه بـرسبیل مصالحه و متارکه نامچه قلمی گردید که لدی الحاجة مفید و مستند بوده باشد.

فی یوم خامس عشرین من شهرربیع الثانی سنة ۱۳۰۷.

[برحواشی این متارکه‌نامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

الامر کمارقم و زبرفیه حررته فی‌التاریخ المزبور فیه . [جای دومهر][1]

مراتب مرقومه را من‌البدایة الی النهایه با رعایت‌کمال غبطه وصیغه واقعه وجاریه ساختم حررته‌فی خامس وعشرین شهرربیع‌الثانی ۱۳۰۷. [جای مهر][2]

قد وقع مارقم فیه‌لدی الآثم. [جای مهر][3]

قد وقع مارقم فیه‌لدی الاحقر. [جای مهر][4]

قد وقع مارقم فیه‌لدی واناخادم اهل بیت‌الطاهرین. [جای مهر][5]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «محمدطاهرالحسینی» ومهری دیگر باسجع: «عبده احمد الحسینی». ۲ـ مهری باسجع: «محمدطاهرالحسینی». ۳ـ مهری باسجع: «محمدحسین ابن عباسعلی». ۴ـ مهری باسجع: «محمدابن‌تقی الحسینی». ۵ـ مهری باسجع: «عبده محمدحسن الحسینی».

استشهادنامچه

۱

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۳۰۳ ه. ق.

دراین ورقه از علما وسادات و مؤمنان خواسته‌اند تاعلم واطلاع خود را در بارهٔ باغچهٔ واقع درکوچهٔ حاجی ملامیرزا محمد قاضی در شهر استراباد که از جمله موقوفهٔ ملانبی پیشنماز مصلی برای سوخت همین مصلی بوده است بنویسند.

استشهاد میرود از علمای اعلام وسادات ذوی‌العزة والاحترام ومؤمنین خیراندیش‌و ریش‌سفیدان عافیت‌کیش براینکه هرکه علیم و خبیر وسمیع و بصیر بوده باشد اینکه یکباب باغچهٔ واقعه در کوچهٔ جناب شرایع و محامدآداب قاضی‌القضات العظام واشرف‌الحاج والمعتمرین‌الکرام حاجی ملامیرزا محمد قاضی‌سلمه‌الله‌تعالی میباشدکه باغچهٔ مزبوره من‌جمله موقوفهٔ جناب مرحمت‌مآب علیین‌آرامگاه ملانبی پیشنماز مصلای واقعه در بلدهٔ دارالمؤمنین استراباد میباشدکه تولیت آن با اولاد ذکور واقف مشارالیه بوده‌که آنچه مشاهره و عمل بوقفیت می‌شد تولیت باغچهٔ موقوفهٔ مزبوره بامرحوم جنت‌مکان حاجی‌ملا زکی‌که از اولاد ذکور مرحوم‌واقف

مزبور بوده بعد از آن با مرحومان آقا محمدرضا و ملا محمدهادی ولدان مرحوم حاجی ملا زکی بوده‌اند و بعد از آن حسب‌التولیت درید مرحوم ملا محمدباقر برادرزادهٔ مرحوم حاجی مشارالیه‌بوده که از بابت تولیت هریك ازمشارالیهم باغچهٔ موصوفهٔ موقوفهٔ مزبوره را به اجاره میدادند و حق تولیت آنرا که عشر بوده اخذ می‌نمودند و مابقی را بسوخت مصلای مزبور می‌دادند چونکه باغچهٔ مزبوره وقف سوخت مصلای مزبور میباشد تا زمان حیات مرحمت‌مآبان علیین‌آرامگاهان حاجی ملا رضا و شریعتمداران حاجی ملا آقابابا وملامحمدعلی سروی وحاجی‌ملامحمد‌جعفر استرابادی و ملامحمدعلی اشرفی بطریق مزبور عمل میشد هرکه این‌داستان صدق‌نشان را مطلع باشد بخط و بمهر خود این ورقهٔ صدق‌ترجمه را مزین و محلی فرمایند تا در نزد امنای شرع‌انور وعرف معدلت‌گستر معتبر باشد والسلام علی‌من‌اتبع‌الهدی.

[برحواشی این استشهادنامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

صحیح ومعتبراست بموجب‌این‌سند تولیت باغچهٔ مرقومه با اولاد ذکورمرحمتمآب واقف موفق حاجی ملامحمد نبی‌رحمة‌الله است و جهت دیگری مصرف دراجاره و جهات دیگران جایز نیست حررته فی‌رجب ۱۳۰۳. [جای مهر][1]

بسم‌الله جل‌شأنه

بلی‌واضح بوده باشد برصافی‌طینتان پاکیزه سرشت که آنچه مستشهد مذکور دراین ورقه‌نگارش‌نموده درخصوص اصل وقف... مذکوروقرارمتولی وغیرهمابحذافیرها نزد این احقر عباد خادم شریعة مطهره معلوم و واضح است شرعاً و لهذا حکم‌شرعی برصحت مراتب مرقومه ولزوم عمل بآن و عدم جواز مخالفت از این احقرجاری شد وکس دیگر را نمیرسد که تصرف در آن نماید شرعاً بدون اذن متولی که اولاد

۱ــ مهری باسجع: «اللهم ارزقنی شفاعة الحسین».

واقف باشد والمخالف عاص حرره العبد الجانی. [جای مهر][1]

بسم‌الله خیرالاسماء

بلی از زمان علیین آرامگاهان شریعت‌مداران حاجی ملا محمدجعفر وحاجی‌ملارضا و حاجی‌ملاآقابابا وملا محمدعلی وحاجی ملامحمدتقی اعلی‌الله مقامهم که‌احقرعباد ملاحظه و استماع درمجالس اجاره واستجاره بوده ومی‌نموده تولیت باغچهٔموقوفهٔ مزبوره بااولاد ذکورجنت‌مکان ملانبی که مرحمت‌مآب حاجی‌ملا زکی بوده باشدو بعداز او با مرحومان آقا محمدرضا و ملامحمدهادی خلفان مرحمت مآب حاجی ملا زکی مشارالیه بوده که اجاره واستجاره از مشارالیهم واقع میشد وعشر آنرا متولیان مزبورتان اخذ می‌نمودند ومابقی از مال‌الاجاره را جهت سوخت مصلی مزبور میدادندکه احقر ملاحظهٔ روشنائی‌چراغ آنرا مینمود اکنون نیز متولی‌باغچهٔ مزبوره را اولاد ذکور مرحوم ملا نبی مزبور میدانم که من‌جمله از اولاد ذکور مرحوم مزبوراولاد ذکور مرحمت‌مآب حاجی ملازکی است وماشهدناالابماعلمنا حرره‌الاقل. [جای مهر][2]

بسم‌الله‌العالم

وقف بودن باغچهٔ مزبوره شایع بلامعارض است و اثبات قضیه بشیاع با مشاهدهٔ عمل از اشخاص که تصرف دارند بلاریب است و اماثبوت تولیت خاصه از برای احفاد واقف‌با ملاحظهٔ خطوط وامهاراخیارموجب ظن قوی واطمینان‌است حرره الاقل الدماوندی ۱۳۰۳. [جای پنج مهر][3]

۱ـ مهری باسجع: «محمدمهدی بن اسمعیل». ۲ـ مهری باسجع: «الواثق القاضی عبده محمد بن الصمد» . ۳ ـ مهری باسجع : « عبده محمدحسن » و مهری باسجع: «عبده‌الراجی‌امام وردی» ومهری باسجع : «عبده حاجی‌بابا» ومهری دیگرباسجع: «عبده میرزا بابا الحسینی» ومهر دیگری باسجع : «عبده‌الراجی زین‌العابدین».

بلی آنچه شنیدیم و دیدیم باغچهٔ موقوفهٔ مزبوره را اولاد ذکور جنت‌مکان ملانبی که حاجی ملا زکی مرحمت‌مآب بوده باشد از بابت متولی‌بودن تصرف مینمود بعد ازملا محمد زکی مرحمت‌مآبان ملا محمدهادی و آقا محمدرضا تصرف میکردند و مال‌الاجاره را در سوخت مصلی صرف مینمودند و بعد از ایشان باید ذکور اولاد ملانبی دخل و تصرف نموده در اجاره واستجاره و مال‌الاجاره را ایشان هم کماکان باید صرف و خرج در مصلی نموده مسامحه ننمایند والسلام عن من‌اتبع الهدی حرره‌الاقل. [جای مهر][1]

بلی آنچه بنده دیدم باغچهٔ موقوفه در نزدیکی خانهٔ حاجی‌نجار مرحوم آخوند ملا محمدهادی خلف مرحوم حاجی ملا زکی اجاره میداد چونکه او متولی بود.

[جای مهر][2]

این سند صحیح و متبع و لازم‌العمل است درکمال اتقان و احکام و اعتبار است و بایدحسب‌الشرع ازاولاد واحفاد مرحوم مبرورحاجی ملامحمدزکی ایجارواستیجار شود و المخالف عاصٍ و ... فلیتق‌الله‌فیها حررته بیدی‌البالیه فی‌رجب ۱۳۰۳.

[جای مهر][3]

۱ــ مهری باسجع: «عبده علی‌اکبر بن‌محزون». ۲ــ مهری باسجع: «یا هادی المضلین». ۳ــ مهری باسجع: «عبده‌الراجی عبدالرزاق».

عریضه

۱

عریضهٔ محمدرضا قاجار قوانلو به ولیعهد که ملك او را در قریهٔ ولفرا از بلوك انزان از دست غاصبین درآورده و بدو سپارند با دستخط ولیعهد در بالای آن مورخ ۱۲۶۲ ﻫ . ق .

تصدقت شوم این کمترین محمدرضای قاجار قوانلو ملکی درقریهٔ ولفراء انزان من بلوك استراباد دارم دستخط قبلهٔ عالم وعالمیان روحی و روح‌العالمین فداهم درباب گرفتن همین ملك شرف صدور یافته وسرکار والاهم فرمایش فرموده‌اند که ملك تو خواهدگرفته شد لهذا عرض‌میشود که چون این‌روزها خان‌خانان‌ارادهٔ رفتن‌باستراباد دارد محض التفات حکمی شود که مراقبت شود که ملك این‌جان‌نثار از ید غاصبین درآورده شود و بیش ازاین مردم درصدد اذیت اینجانب برنیایند که بآسودگی‌خاطر مشغول خدمت باشم درهرباب صاحب مروتند لاکن این از انصاف سرکاروالادور است که من در سرخدمت وجان‌نثاری باشم مردم مال‌مرا بدون حق وحساب ببرند و بخورند دیگر اختیار باسرکار والاست یك‌فقره عرض است.

[جای مهر ولیعهد][1]

خان‌خانان کاغذی بمباشرین خودت بنویس که ملك محمدرضا خان را بگیرند بدهند البته بنویس نگذارند بملك و حاصل او دست بزنند و آزارش بکند که نوکر خوب من است فی شهر ذالقعدةالحرام سنة ۱۲۶۲.

۲

عریضهٔ عباس‌خان قاجار به‌دربار شاهی‌درباب قریهٔ میرمحلهٔ‌استراباد که سید استرابادی با دعوی باطل ملك موروثی ومتصرفی او را ضبط کرده و با ارائهٔ احکام‌شرع استرابادو ساری و بارفروش‌ترك دعوی کرده امابازدرمقام بیحسابی‌است دستوردهید اگرسیدحرفی دارد در محضر حکام شرع حاضرشده مرافعه نماید والاحکم‌محکم مرحمت‌کنندکه سید از بیحسابی و تعدی دست بردارد.

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم چون این چاکر قدیمی و غلام غلام‌جان نثار عباس قاجار

فدوی را لازم است که هرگونهٔ مدعیاتی که دارد در ذریعهٔ فدویانه بعرض اقدس شاهنشاه جمجاه روحنا فداه رساند لهذا جسارت مینماید که درسال سابق در باب میرمحلهٔ استراباد که دراول این دولت جاوید عدت تاحال که موروثی ومتصرفی‌این فدوی بود سید استرابادی دعوی باطله کرده این‌غلام حسب‌الامرهمایون‌اعلی روحنا فداه آنچه احکام ازحکام شرع استراباد و ساری وبارفروش وتمام مازندران داشت بنظرمبارك جهانمطاع رسانیده حکم فرمودند که سید را حقی وسخن حسابی‌نیست او هم ترك دعوی باطله نمود حال سید باز در مقام بیحسابی برآمده مزاحم رعایای میرمحلهٔ مزبوره میشود بنابرین‌خیرالحاج حاجی میرزا خانجان‌کس خودرا روانهٔ

۱ــ مهری باسجع: «ولیعهد ۱۲۶۱».

دربار معدلت آثـار اقدس شاهنشاهی روحنا فداه واستدعا مینماید کـه درینخصوص حکم محکم مرحمت فرمایند که سید ازبیحسابی وتعدی دست برداشته هرگاه باآنهمه احکام کـه بنظر مبارك رسید بازحرف دارد در محضر حکام شرع حاضر شده مرافعه نماید وآنچه حکم شرع صادر شود عمل والا ترك دعوی باطله نموده مزاحم اهالی میرمحله نشود ودرملك چندین ساله بی جهت دخل وتصرف ننماید چون این مراتب بارها بعرض سرکارهمایون اعلی روحنا فداه رسید عرض استدعای خودرا اختصاراً عرض کرد مستدعی است ازقراری که عرض شد حکم ومقررفرمایند که باعث ازدیاد امیدواری فدوی شده باشد زیاده جسارت نمیرود همواره مترصد است که بخدمتی سرافراز شود وافتخار نماید.

الباقی امرالاشرف الاعلی مطاع مطاع مطاع

تعلیقات ـ تصحیحات ـ اضافات

۴ /۶ ـ فخرالدین احمد درازگیسو الحسینی صحیح است. نگاه کنید به ص۵/۶.

۵/۵ ـ ظاهراً «هبةالله» صحیح است.

۱۷/۶ـ ثمان و ثلثین و تسعمایه صحیح است.

۱۳/۱۰ ـ ظاهراً : مع‌آب سنبیان که زراعت می‌شود.

۱۸/۱۳ ـ ظاهراً : میرومحله.

۱۶/۱۵ ـ آبحصه و بومحصه صحیح است.

۱۷/۱۸ ـ سه تومان صحیح است نه سی تومان. تومان به ترکی به‌معنی عدد ده ـ هزار است. (قاموس عدن) و تومان زر معادل ده هزار عدد مسکوك طلا موسوم به دینار بوده است. در تسلیةالأخوان ورق ۲۲۴ گوید : « و به هنگام خلوت و فرصت غیبت به موقف عرض رسانیده که فرزند مرحوم [بهاءالدین ابن شمس‌الدین جوینی] ششصدتومان زر که شش هزار هزار دینار باشد از اعمال عراق در مدتی که متصرف آن بوده است به زیادت از واجب استخراج کرده» (حاشیهٔ «مد» ج۱ جهانگشای جوینی).

۱۲/۲۱ ـ ظاهراً «بند جنگل» صحیح است. نگاه کنید به ص ۲۲/۲۲ و ص۲۳/۲.

۲۰/۲۱ ـ انهار آوش با واو صحیح است.

۶/۲۴ ـ ظاهراً مزرعهٔ پایین فندرسك صحیح است. نگاه کنید به سطر ۲۰ همین صفحه.

۹/۲۸ ـ پشت و پیشان و آوش با واو صحیح است.

۱۸/۳۳ ـ قلعهٔ چهامی (؟)

۱۷/۳۵ ـ آوشات با واو صحیح است.

۱۰/۴۰ ـ آقا حسن شهری پدر حاجی محمدجعفر فروشنده است. خریدار در این معامله، محمدتقی خان بالارستاقی هزارجریبی است.

۵/۴۱ ـ آوشات با واو صحیح است.

۱۱/۴۳ ـ مقل‌تمش و میرزائی و میرزینل (؟)

۹/۴۹ ـ الاتقیاء صحیح است.

۱۱/۶۵ ـ ظاهراً «پشتاهنگ» صحیح است. نگاه کنید به ص ۲۱/۸.

۱۲/۶۵ ـ جلالی ظاهراً همان قریهٔ چلابی ص ۲۲/۸ است که درست خوانده نشده است.

۲/۷۵ ـ ظاهراً به جای نسق‌چی‌باشی، قرق‌چی‌باشی صحیح است.

۱۰/۷۵ ـ مزبور با زاء منقوط صحیح است.

۱۱/۷۵ ـ در متن مزبور با ذال است و شکل صحیح آن با زاء منقوط است.

/۷۷ سطر چهارزیرنویس ـ سجع صحیح است.

۷/۷۹ ـ ظاهراً «تپهٔ میرزا اشرف» صحیح است.

۱۳/۷۹ ـ اشکار کلاته صحیح است.

۹/۸۳ ـ بابا بیگ مقانی صحیح است. نگاه کنید به ص ۳/۷۴.

۷/۸۹ ـ آوش‌رویه با واو صحیح است.

۴/۹۰ ـ تیره‌چاه صحیح است.

۱۷/۹۱ ـ ظاهراً : ریال ناصرالدین شاهی ۲۸ نخودی که عدد۲۸ازمتن‌افتاده است.

۱۷/۹۱ ـ المجلس صحیح است. لام در چاپ افتاده است.

۵/۱۱۸ ـ مورخ ۱۲۸۶ صحیح است.

۱۷/۱۲۶ ـ مهدی‌قلی صحیح است. یاء در چاپ افتاده است.

۱۴/۴/۱۳۲ ـ تیرکار ظاهراً سیرکار است. نگاه‌کنید به ص ۱۹/۴۰ .

۱۳/۱۵۰ ـ آوش‌رویه با واو صحیح است.

۱۹/۱۵۷ ـ که از ردی (؟)

۷/۱۶۳ ـ ظاهراً: حسینقلی صحیح است. نگاه‌کنید به ص۸/۱۷۱ و ص۲/۱۷۳.

۱۹/۱۷۸ ـ دارالمؤمنین صحیح است.

۲۰۳ / ۴ ـ والالزم الصلح و سقط‌الخیار صحیح است.

۱۱/۲۲۸ ـ امیرکمالدین محمود صحیح است و الف زائد است.

۲۲/۲۳۱ ـ سوخته‌سرا صحیح است.

۲۰/۲۳۴ ـ تقسیم صحیح است. حرف قاف وارو چاپ شده است.

۱۷/۲۴۶ ـ «برکمترین‌واضح است» صحیح‌است. مقداری ازحروف ریخته است.

۲۰/۲۴۹ ـ چپاکندی با حرف چ سه نقطه و حرف پ سه نقطه صحیح است.

۵/۲۵۳ ـ قریهٔ مذکور غلط و قریهٔ مرزنکلاته صحیح است.

۲/۲۶۹ ـ ظاهراً مرزبان‌کلاته و ابراهیم‌آباد صحیح است.

۱۵/۲۷۰ ـ حاجی عباس صحیح است.

۲۷۵/ عدد سرصفحه به اشتباه ۳۷۵ چاپ شده است.

۱۲/۲۷۸ ـ ظاهراً «علی جان‌گیل» صحیح است. نگاه‌کنید به ص ۱۶/۳۲۰ .

۱۳/۲۷۹ ـ ظاهراً میرحاج صحیح است.

۱۵/۲۹۰ ـ از دارکله صحیح است.

۱۲/۳۱۸ ـ کامل‌الصفات با فاء صحیح است.

۶/۳۳۰ ـ ذرع با ذال معجمه است.

۱۹/۳۳۶ ـ آوش‌رویه با واو صحیح است.

۸/۳۳۷ ـ «تا مدت پنج سال اولی به تعمیر قنات» صحیح است.

۸/۳۴۳ ـ «بیاید» صحیح است.

۷/۳۴۴ ـ نائب مناب شرعی صحیح است.

۱۴/۳۴۵ ـ «تاپل آدینه علی» درست است.

۱۱/۳۴۷ ـ حامشاً در متن با حاءِ حطی است و ظاهراً با هاءِ هوز صحیح است.

۱۸/۳۴۹ ـ آوش‌رویه با واو صحیح است.

۶/۳۵۱ ـ «از آنجائیکه اجرای میاه» صحیح است.

۴/۳۵۵ ـ زرع شود با زاءِ منقوط صحیح است.

۱۰/۳۵۸ ـ هررویه پنج قسمت است وقسمت بیش ازیك هکتاراست چه هرقسمت معادل است با زمینی‌که درازا وپهنای‌آن بیست نی‌است وهر نی مساوی با پنج ذرع شاه است.

۸/۳۶۰ ـ مقنی با قاف صحیح است.

۹/۳۶۱ ـ این سند تنها تقسیم‌نامچه نیست درآخر آن آقاکوچك بن آقا علی‌اصغر مفیدی موسوی سهم خود را به خالوی خودآقا فتح‌الله بن‌آقا میرابراهیم الحسینی مصالحه‌کرده است.

۸/۳۶۸ ـ «عباس کردی» صحیح است.

۷/۳۶۹ ـ رویه مقدار زمینی است‌که از یك نهر یاآب قناتی‌کاشته شود. این‌کلمه به شکل «رویچه» ص ۱۷/۳۴۸ نیز به‌کار رفته است.

۸/۳۶۹ ـ هر نی مساوی با پنج ذرع شاه است.

۱۰/۳۶۹ ـ بست نسق صحیح است. نگاه‌کنید به صفحات ۷/۳۵۵ و ۱۳/۳۵۸ و ۱۰/۳۷۴ و اصطلاحاً «نسق‌بندی» گویند.

۱۲/۳۷۲ ـ «وانا المعتدالاثیم» صحیح است.

۱۷/۳۷۲ ـ علامت سؤال زائد است.

۱۹/۳۷۳ ـ «فی ۵ ثلث الاول» صحیح است.

۶/۳۷۴ ـ مالیه‌کاری درست است.

۱۴/۳۷۶ ـ مختارند بالمآثره او بالشریك (؟)

۱۵/۳۷۶ ـ والافمع الغیر (؟)

۴/۳۷۹ ـ «عمل کرد» صحیح است.

۹/۳۸۹ ـ انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم وامائکم ان‌یکونوا فقراء یغنیهم‌الله من فضله والله واسع علیم (سورة النور ۲۴، آیهٔ ۳۲ .)

۱۲/۳۸۹ ـ شرموتاکم‌العزاب، بدترین مرده‌های‌شما مردان بدون زنند.

۱۵/۴۰۹ ـ معزه بر صرفات‌انفاضه خاطرمخالصت‌آیات راکرد (؟)

۲۱/۴۳۱ ـ پیشخدمت شرفیات خدمت میشد.

۱۲/۴۳۵ ـ مثقال معادل ۲۲ قیراط است.

۲۰/۴۴۲ ـ ظاهراً «کردید» به جای «گردید».

۱۹/۴۴۴ ـ «واضح است» صحیح است.

۸/۴۶۴ ـ استجازه با زاء منقوط صحیح است.

۱۳/۴۷۶ ـ «ختم» صحیح است.

۸/۴۸۲ ـ «از قرار تصدیق» صحیح است.

۶/۵۰۱ ـ ظاهراً «نرسی‌آباد» صحیح است.

۲/۵۰۱ ـ حاجی رحیم‌جد علیمحدآقا است‌که واقف رقبات مذکوردرمتن‌است.

۹/۵۰۶ ـ خبایاءالانام صحیح است. به جای دال همزه باید باشد.

۴/۵۷۱ ـ ظاهراً «عین‌الحسنی» صحیح است.

۸/۵۷۱ ـ «آقا علی‌محمد موسوی» درست است.

هو

در دفتر عالی [illegible] شرعیه بحضور عالم [illegible] فضایل آیات [illegible] و دستگاه

[illegible] العلما و الفضلا ملاذ الاسلام و المسلمین مولانا [illegible] کمال الدین بهرام

ابن الجناب العالی المرحوم المغفور المبرور مولانا شمس الدین بهرام [illegible] صدر

[illegible] مولانا حیدر و مولانا عالمشاه [illegible] کمال [illegible]

[illegible] از بابت [illegible] موقوفه علوی کلاته [illegible]

[illegible] محمد [illegible] اراضی [illegible] کلاته [illegible]

و [illegible] رسم کلاته [illegible]

[illegible] شرعا و عرفا [illegible] المسلم

یکصد و [illegible] دینار [illegible]

[illegible]

[illegible]

مع [illegible] معاینه [illegible] شرعی [illegible]

[illegible] شهر جمادی الاول [illegible] سنه عشرین و تسعمایه

[illegible]

سند مبایعهٔ مورخ ۹۲۰ ه . ق. ص ۳ و ۴

سند مبایعهٔ مورخ ۹۳۸ ه‍ . ق . ص ۴ – ۷

سند مبایعهٔ مورخ ۹۵۴ هـ . ق . ص ۷ ـ ۹

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي احل البيع والشرى وحرم الغصب والربوا والصلوة والسلام على سيدنا محمد المصطفى وآله الاولياء

[illegible]

سند مبايعة مورخ ١٠٤٢ ه . ق . ص ٩ - ١٢

سند مبایعهٔ مورخ ۱۱۲۳ هـ . ق. ص ۱۸ – ۲۰

هو

سند ابتیاعی خانم نستر

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی احلّ البیع و الشری و حرّم الغصب و الربوا

و الصلوة و السلام علی محمّد خیر الوری و علی آله و اولاده

مصابیح الدجی و بعد حمد الله تعالی و صلواته غرض از تحریر این سطور شرعیه [illegible]

[illegible]

سند مبایعهٔ مورخ ۱۱۷۴ ه . ق . ص ۳۱ ـ ۳۳

[illegible]

البایع الشارط

عالیجاه معلی جایگاه محمد ابراهیم خان ولد اکبر و ارشد عالیجاه
معلی جایگاه خیر الحاج والمعتمر حاجی کلبعلی خان سعدلو قاجار

الثمن

مبلغ هشتصد و بیست تومان و چهار ریال در یکهزار دینار
نقره مسکوک شاهی جدید الضرب دو شاهی رایج دار المؤمنین
استرآباد صانها الله تعالی عن المعره والفساد

المدة

المضروبه للاداء الثمن سیزده ماه و پانزده روز

المشتریان المتساویان فی الاشتراء المثمن والثمن

علیحضرتان فضایل و کمالات شعار سیادت پناه ... اعظم اکرم
... حاجی سید مفید و ... رحیم ادام الله عمرهما

المثمن

تمامی ... سهم و ربع سهم از ده سهم و نیم ... دانگ
... شش دانگ ... مزرعه ... مشهور ... محمود
و ... دیگر و سایر متعلقات ... [illegible]
که ... [illegible]
... محمد ابراهیم خان شده بود

المجلس

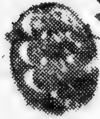
ظرف المدة که ده یوم بوده

در ضمن عقد شرط شرعی بوقوع انجامید که هرگاه بایع معظم الیه بعد از انقضای مدت در ظرف ایام خیار رد ثمن شدن
بسوی مشتریان معظم الیهما نماید قادر بوده باشد بر فسخ مبایعه والا بیع لازم و خیار ساقط و محتاج به بیع جدید
نخواهد بود و بعد ذلک قبول اجاره صحیحه شرعیه اسلامیه نمود بایع از مشتریان مومی الیهما علی مبیعه مزبوره
در مدت مزبوره بمال الاجاره مبلغ هفتصد تومان و ... هزار دینار و چهار ریال در یکهزار دینار که مال الاجاره ...
بعد از انقضای مدت مسطوره مهلتی نباید و بعذری از اعذار که خلاف شرع انور بوده باشد موقوف و معطل ندارد

کان ذلک فی غره شهر رجب المرجب فی شهور سنه ۱۲۳۸

سند بیع شرط مورخ ۱۲۳۸ ه . ق . ص ۳۸ – ۴۰

سند مبایعهٔ مورخ ۱۲۴۸ ه . ق . ص ۴۵ و ۴۶



سند مبایعهٔ مورخ ۱۲۵۶ ه . ق . ص ۴۹ – ۵۳

هبه‌نامهٔ مورخ ۹۴۲ ه‌. ق.

ص ۶۳ و ۶۴

[illegible]

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۹۵۴ ه . ق . ص ۶۵ و ۶۶

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۵۵ ه. ق. ص ۷۸ – ۸۲

هو العالم بحقایق الامور

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین و صلی الله علی محمد و آله

و بعد [illegible]

[illegible]



[illegible]

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۱ ﻫ . ق . ص ۸۳ – ۸۵

[illegible]

غرض از تحریر این کلمات و تسطیر این دالالات آنستکه مصالحه صحیحه شرعیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۲۶۹

[illegible]

مصالحه نامچهٔ مورخ ۱۲۶۹ ه. ق. س ۹۱ و ۹۲

مصالحه نامچهٔ مورخ ۱۲۷۵ هـ. ق. ص ۹۴ – ۹۷

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۷۶ هـ . ق . ص ۹۸ – ۱۰۰



[illegible]

مصالحه نامچهٔ مورخ ۱۲۸۰ هـ . ق . ص ۱۰۷ – ۱۰۹

نحمد الله تعالی کل مقال و نصلی علی النبی و آل

مصالحه نامچهٔ مورخ ۱۲۸۱ ه. ق. ص ۱۱۴ و ۱۱۵

مصالحه مزبوره واقع شد
و بدل هم واصل شد الراقم

لا یخفی که چون کربلائی شیخ رضا [illegible] شمس آلی باذن یکنفر از آقایان سادات

عظام مالکین قریه [illegible] بنا گذاشته قناتی در ملک آن قریه حفر نموده بود بلااذن و رضای

آقایان دیگر از مالکین بقاء و [illegible] و [illegible] بقدری [illegible] حفر نموده بود [illegible] که در این [illegible] ازمنه

آقایانی که راضی نبودند در مقام اصرار بر منع و مزاحمت بلیغ [illegible] را الیه [illegible]

دران قنات برآمدند چون او حفر ممنوع داشت ولی بقاعده المعروف رجع

[illegible] در [illegible] وارد [illegible] رجوع کند به آقایانی که اذن [illegible]

[illegible] رسیده بود و [illegible] در مقام اصلاح برآمدند لهذا [illegible]

مصالحه نمود کربلائی شیخ رضا [illegible] حقوق و دعاوی محققه و محتمله [illegible]

[illegible] قنات محفوره به آقایان عظام و سادات [illegible] آقا سید ابوالقاسم

و آقا میر محمد علی و آقا میر [illegible] آقا علی [illegible] المصالحه [illegible]

[illegible] که [illegible] آقایان [illegible] بدید

و [illegible] مصالحه [illegible] و دعوی [illegible]

[illegible] ۱۲۸۸

مصالحه نامچهٔ مورخ ۱۲۸۸ هـ . ق .

ص ۱۲۰ و ۱۲۱



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] وکان ذلک [illegible]

[illegible] شهر شعبان المعظم من شهور سنة ۱۲۸۸

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۸ ه. ق

ص ۱۲۴ و ۱۲۵



مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۱ ه. ق.

ص ۱۳۴ و ۱۳۵

[illegible]

هو المالک بالاستحقاق

نحمد الله قبل کل مقال
و نصلی علی النبی و آل
و بعد

عرض

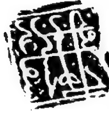
از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات و باعث بر تسطیر این سطور واضحة البیانات

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۱ ه. ق. ص ۱۳۶ – ۱۳۹

بعد الحمد والصلوة

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۹۱ ه‍ . ق . ص ۱۴۰ – ۱۴۲









مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۳۰۵ ه . ق .

ص ۱۶۵ و ۱۶۶











مصالحه‌نامچه مورخ ۱۳۱۲ هـ . ق . ص ۱۷۴ و ۱۷۵

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۰۰۵ ه . ق . ص ۲۲۲ – ۲۲۴

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۰۹۵ ﻫ . ق . ص ۲۲۷ – ۲۳۰

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۱۴۳ ه . ق . ص ۲۳۰ – ۲۲۳

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۱۵۶ ه . ق . ص ۲۳۴ - ۲۳۶

استشهاد و استخبار میرود از علما و اعلام و کسکنه دارالمؤمنین استراباد براینکه علم و خبر دارند حلاجی کرد

و مزارع چوبلانی جمع کثیری در یوم ضبط قریه چوبلانی از فضلا و بزرگان و عالیشانان و

ملک محمدحسین و ملک کاظم و کدخدایان و ملاهای میر محله و چوبلانی و جمعی از زارعین میر محله

بودند و شهادت دادند که ملک حلاجی چوبلانی بدو چنار و خود کمشی خیل داخل چوبلانی است و آب از ریگاب

قوچانی که در سر همان آب و مرا ایستاده همه بلا شک و ریب شهادت دادند که ملک چوبلانی است

و در تصرف زارعین چوبلانی بوده بلانزاع هر که بوده در آن مکان و علم دارد و یا خود در ذهنت نموده

اسامی سامی و امضا گرامی خود را مزین سازند کسی نبات پند بهر دو سر که

استشهادنامچهٔ بدون تاریخ ص ۲۴۵ – ۲۴۸

استشهاد و استعلام و استخبار و استطلاع میرود از اهالی بلد و ملوک استرآباد سیاق

از سر مردان و اهل وقوف و اطلاع و صاحبان خبرت و بصیرت به اینکه هرکه علم و خبر

و مطلع و علم قطعی داشته باشد بر اینکه یک رشته قناتیکه عالیشان شیرخان کربلائی

شمس آبادی در مزرعه و ملک موقوفه مزروعی حوبلائی حفر نموده است صرف

کل املاک مزروعی و محل زراعت ملک موقوفه دارد و هرگاه به همین حال بماند موجب

خسارت و ضررهای کلیه ملک موقوفه و موقوف علیهم میباشد و اهمال حفر

این قنات در آن مکان از ملک که حفر شده است خلاف صرفه و غبطه

وقف بوده است بلکه ابقاء آن خلاف مصلحت بوده است بلکه مفسده

از حفر آن قنات نسبت بملک وقف و موقوف علیهم متحقق و ثابت

اسامی سامی و امهاد کرای خود را در این ورقه نوشته و درج نمایند که

در نزد آقایان عظام و محضر علماء و حکام شرع ذوی العز و الاحترام سبب

وحمت شرعیه بوده باشد والسلام علی من اتبع الهدی

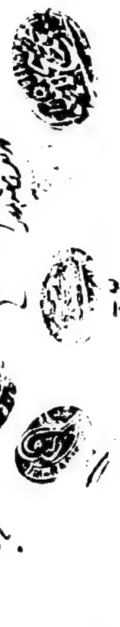
استشهادنامچهٔ مورخ ۱۲۸۳ ه. ق. ص ۲۸۲ و ۲۸۳

استشهادنامهٔ مورخ ۱۳۱۰ ﻫ . ق .

ص ۲۸۷ - ۲۸۹

استشهادنامچهٔ مورخ ۱۳۱۳ هـ . ق . ص۲۹۳ – ۲۹۶





استشهادنامچهٔ مورخ ۱۳۴۲ ه. ق. ص۳۰۰ و ۳۰۱

استشهادنامچهٔ بدون تاریخ ، ص ۳۱۷ و ۳۱۸

شهادت‌نامهٔ بدون تاریخ ،

ص ۳۱۹ - ۳۲۳

التزام‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۳ ه‍ . ق . ص ۳۴۶ ـ ۳۴۸

قرارنامچهٔ مورخ ۱۲۸۵ هـ . ق . ص ۳۵۱ - ۳۵۳

[illegible]

اذن نامچهٔ مورخ ۱۲۹۱ ه. ق. ص ۳۵۷ – ۳۵۹

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قرارنامچهٔ مورخ ۱۳۱۲ ه. ق. ص ۳۶۶ - ۳۶۸

هو

[illegible]

اذن‌نامچهٔ مورخ ۱۳۱۸ هـ . ق.

ص ۳۶۸ – ۳۷۰

عرض الحرکه [illegible] که در متن عقد [illegible] از عقود [illegible] باذن لازم [illegible] ارباب ان قریه جوبلان [illegible] طلبیده راقم الحروف

الحاج السید [illegible] آقا ولی [illegible] از جنبه آقا سید ابراهیم [illegible]

قنات بایر معروف به همان قنات مخروبه بایره واقعه در قریه جوبلان [illegible] دو لسکه است یک لسکه طرف شرق امام زاده

و یک لسکه طرف غرب امام زاده [illegible] بمسافت [illegible] دم دروازه قریه جوبلان هرجا که قابل تعمیر باشد تعمیر نمایند

و هرقدر محتاج بنقب و حفاری باشد [illegible] و ملکا هرگاه در هر رتبه محتاج بحفر [illegible]

در حفر مختار [illegible] مع الشرکه [illegible] در مدت هشت سال [illegible]

از پشته [illegible] حفر نمایند و در [illegible] مختار باشند و ملکا حق اولویت در تعمیر برای

حافران [illegible] در طرف هشت سنه [illegible] و لو در هر رتبه تا بیست سال در هر رتبه

هشت سال و اگر هشت سال گذشت و اقدام نکردند برای ارباب حق فسخ است و قرار شد در حفر چون قنات

بایره [illegible] حافران مسلط باشند [illegible]

قرار [illegible] مختار [illegible] محتاج [illegible] نمایند و بعد از دایر شدن قنات [illegible] دانگ

راجع به ارباب [illegible] دانگ راجع به حافرین [illegible] قنات [illegible]

از [illegible] بقسمت [illegible] حافرین [illegible] واگر محتاج [illegible]

[illegible] حق اولویت زرع با حافرین است [illegible]

[illegible] بوکالت طرفین جاری [illegible]

[illegible] ۱۳۴۱

اذن نامچهٔ مورخ ۱۳۴۱ ه‍ . ق. ص ۳۷۶ و ۳۷۷

سواد نامه‌ایست از مرکز برای حاکم استراباد، ص۴۰۲ - ۴۰۴

[illegible]

نامه‌ایست دوستانه برای
حاجی سید مفید، ص ۴۱۸

[illegible]

نامهٔ مورخ ۱۲۸۵ هـ. ق. ص۳۲۲

نامه‌ایست رسمی و دیوانی ، ص ۴۲۷ و ۴۲۸

[illegible]

نامه‌ای رسمی و دیوانی مورخ ۱۲۶۴ ه . ق . ص ۴۳۲ و ۴۳۳

نامه‌ایست از یکی از مراجع شرع درجواب

نامه‌ای که بدو نوشته بوده است، ص ۴۴۲ - ۴۴۵

نامهٔ مورخ ۱۲۶۰ ه. ق. ص ۴۴۶ و ۴۴۷

عرض می‌شود [illegible] حضور قدسی [illegible] هنگام رفتن به [illegible] کاغذ در رسید [illegible] فرموده [illegible]

آقا سید هادی سلمه الله [illegible] اظهار می‌کند که از قرار احکام مجتهدین و حکم مرحوم مغفور حاجی [illegible] و علی الله [illegible] حکم مرحوم مغفور حاجی [illegible]

و از این که [illegible] هر [illegible] در وقت حیات [illegible] الله [illegible] در املاک [illegible] سال [illegible] از قرار که

معلوم شد در اوایل [illegible] استماع خبر [illegible] همراه [illegible]

حالا که [illegible] احترامات [illegible] که در قرار [illegible]

مهمان [illegible] عمل [illegible] کار [illegible]

۱۲۶۱

و احترام [illegible]

نامهٔ مورخ ۱۲۶۱ ه. ق.

ص ۴۵۱

[illegible]

نامه‌ای به اعتضادالدوله، ص ۴۵۲ و ۴۵۳



ریاست وزراء عظمی

سواد مراسله ریاست وزراء بوزارت مالیه

مورخه ۲۲ میزان ۱۳۰۱

نمره ۸۷۱۴

وزارت جلیله مالیه

موضوع مالیات قریهٔ آزادمحله که چندی است به مکاتبه میگذرد
چون در این دفعه تصمیم قطعی برای رفع شکایت مالک آن اتخاذ نشده است
موجب تکرار شکایت گردیده و اینک شرح مبسوطی از طرف
آقا میرزا محمدمهدی اظهار شده است که سواد آن برای ملاحظه
و اطلاع آن وزارت جلیله ارسال گردید در صورتی که
نسبت بزیادی مالیات قبل از صدور تصویب نامه
راجع بخالصجات انتقالی سابقهٔ شکایت داشته لازم است
هر نوع که با سایر خالصجات انتقالی معامله شده است
نسبت بآزادمحله هم معمول و نصف مالیات فاضل را
مطابق تصویب نامه دریافت نمایند

رئیس الوزراء [امضاء]

کابینه ریاست وزراء

نامهٔ مورخ ۲۲ میزان ۱۳۰۱، ص ۴۵۵ و ۴۵۶



فرمان شاه طهماسب دوم صفوی مورخ ۱۱۳۸ ه . ق . ص ۴۶۰ ـ ۴۶۲

حکم محمدقلی میرزا – پسر فتحعلی شاه – مورخ ۱۲۲۵ هـ . ق . ص ۴۶۷ و ۴۶۸

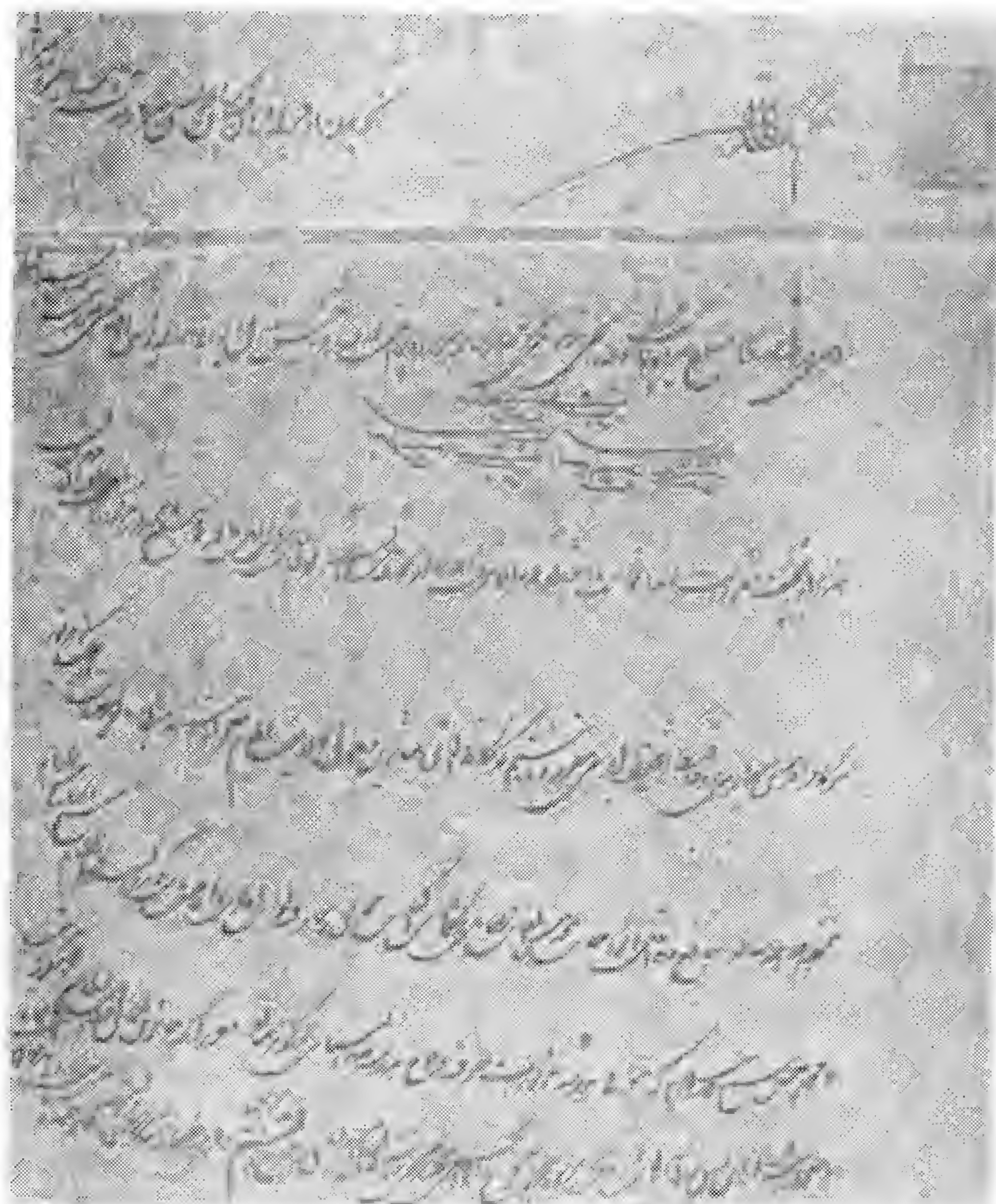
فرمان فتحعلی شاه قاجار مورخ ۱۲۲۵ ه . ق . ص ۴۶۵ و ۴۶۶



[illegible]

حکم محمدقلی میرزا مورخ ۱۲۳۸ ه‍ . ق . ص ۴۷۰ و ۴۷۱

حکم حکمران استراباد مورخ ۱۲۴۸ ه . ق . ص ۴۷۲ و ۴۷۳





چون علی خان ... در قزاق ... این ... وفات یافت

بازماندگان آن مرحوم منظور نظر آفتاب اثر اقدس همایون ملوکانه است لهذا بموجب این فرمان

مبارک نصف بلاکسر حقوق دیوانی آن مرحوم را که مبلغ چهل ... تومان ... [illegible]

پانزده سال دیگر که سال آخر آن پارس ئیل ۱۳۴۴ میباشد بر طبق قانون وظایف در حق ... وراث آن مرحوم

مقرر آنکه ... المقرب جنابان مستوفیان عظام و کتبه کرام شرح فرمان مبارک ...

۹۷۸

فرمان احمد شاه قاجار مورخ ۱۳۳۰ ه . ق . ص ۴۸۵ و ۴۸۶

هو الله الواقف

آقا محمد خان قاجار

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

... الحمد لله الذی خلق السموات والارض ... [illegible]

... فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر

تبارک الله رب العالمین ... صلی الله علیه وآله ... [illegible]

[illegible]

... ابو المظفر ... [illegible]

[illegible]

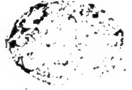
ذلک فی شهر ... سنه ۱۲۰۶

وقفنامهٔ آقا محمد خان قاجار مورخ ۱۲۰۶ ه‍ . ق . ص ۴۹۲ – ۴۹۴

هو المالك بالاستحقاق








بسم الله الرحمن الرحيم و به ثقتی

الحمد لله الذی هدانا بلطفه الموفود و اخرجنا من ظلمات الضلالة الی النور و من لم یجعل الله له نورا فما له من نور و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین الی یوم النشور



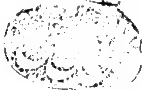
اما بعد

[illegible]

مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۴۱ ه. ق. ص ۵۶۶ - ۵۶۸







مصالحه صحیحه شرعیه اسلامیه نمود جناب شریعتمآب فضائل و کمالات اکتساب

مجتهد العصر [illegible] آقا علی محمد [illegible]



[illegible] مصالح الیه [illegible]

[illegible]

مال المصالحه مبلغ سی و هشت تومان [illegible] در مدت

ده عام تمام [illegible] که در سنه اولی مبلغ [illegible] تومان [illegible]

[illegible] و در بقیه مدت هر سال مبلغ چهار تومان [illegible] شرط در ضمن عقد [illegible]

[illegible] خمس چهار تومان [illegible] مصالح له معزی الیه [illegible]

و در بقیه مدت خمس از چهارده تومان [illegible] مصالح له معزی الیه [illegible]

و غیره [illegible] مصالح له [illegible] صیغه

مصالحه [illegible] باللغة العربیة و الفارسیة [illegible]

در تاریخ [illegible] شهر محرم الحرام من شهور سنه ۱۲۵۳

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۵۳ هـ . ق .

ص ۵۶۹-۵۷۰





قد وضح جمیع ما رقم فیه لدی





مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۵۳ هـ. ق.
ص ۵۷۱ - ۵۷۳

[illegible]

مصالحه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۷ هـ. ق. ص ۵۷۳-۵۷۵

فهرست عمومی

الف

ب

پ

چ

ح

ز

س

غ

ف

فهرست انتشارات انجمن آثار ملی

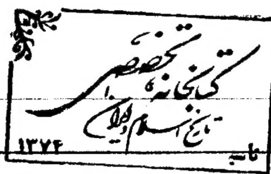
شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱	فهرست مختصری از آثار وابنیهٔ تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲	آثارملی ایران (کنفرانس پروفسور هرتسفلد)	مهر ماه ۱۳۰۴
۳	شاهنامه وتاریخ (کنفرانس پروفسورهرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴	کشف دولوح تاریخی درهمدان (تحقیق پروفسورهرتسفلد ـ ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی)	اسفند ماه ۱۳۰۵
۵	سه خطابه دربارهٔ آثارملی و تاریخی ایران (ازمحمد علی‌فروغی‌و هرتسفلد و هانی‌بال)	مهر ماه ۱۳۰۶
۶	کشف الواح تاریخی تخت جمشید (پرفسور هرتسفلد)	بهمن ماه ۱۳۱۲
۷	کنفرانس محمدعلی فروغی راجع به فردوسی	بهمن ماه ۱۳۱۳
۸	تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی (به قلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹	تجلیل ابوعلی سینا درپنجمین دورهٔ اجلاسیهٔ یونسکو درفلورانس	اسفند ماه ۱۳۲۹
۱۰	رسالهٔ جودیهٔ ابن سینا (به تصحیح آقای دکترمحمودنجم‌آبادی)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۱	رسالهٔ‌نبض ابن‌سینا (به‌تصحیح‌آقای سیدمحمدمشکوة استاددانشگاه)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۲	منطق دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقایان‌سیدمحمدمشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳	طبیعیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به‌تصحیح آقای سیدمحمدمشکوة)	۱۳۳۱
۱۴	ریاضیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقای مجتبی مینوی)	۱۳۳۱
۱۵	الهیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکترمحمد معین)	۱۳۳۱
۱۶	رسالهٔ نفس ابن‌سینا (به تصحیح‌آقای دکترموسی‌عمید استاددانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷	رساله‌ای درحقیقت و کیفیت سلسلهٔ موجودات (به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸	ترجمهٔ رسالهٔ سرگذشت ابن سینا (ازآقای دکترغلامحسین صدیقی)	ـ
۱۹	معراج نامهٔ ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	ـ
۲۰	رسالهٔ تشریح اعضاء ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکترغلامحسین صدیقی)	ـ
۲۱	رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب به ابن‌سینا (به تصحیح‌آقای دکترغلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	ـ

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۲۲ـ	ظفرنامه منسوب به ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	۱۳۲۸
۲۳ـ	رسالهٔ کنوزالمعزمین ابن‌سینا (به تصحیح آقای جلال‌الدین همائی)	۱۳۳۱
۲۴ـ	رسالهٔ معیارالعقول ـ جرثقیل ـ ابن سینا (به تصحیح آقای جلال‌الدین همائی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵ـ	رسالهٔ حی‌بن‌یقظان ابن‌سینا باترجمه وشرح فارسی آن ازیکی ازمعاصران ابن‌سینا (به تصحیح آقای هانری‌کربن)	۱۳۳۱
۲۶ـ	جشن‌نامهٔ ابن سینا (مجلد اول ـ سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن‌سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاددانشگاه	۱۳۳۱
۲۷ـ	ترجمهٔ مجلداول جشن‌نامه به فرانسه (به وسیله آقای سعیدنفیسی)	۱۳۳۱
۲۸ـ	ترجمهٔ اشارات وتنبیهات (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر)	۱۳۳۲
۲۹ـ	پنج رسالهٔ فارسی وعربی از ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰ـ	آثار تاریخی کلات وسرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن ماه ۱۳۳۳
۳۱ـ	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضای کنگرهٔ ابن سینا)	۱۳۳۴
۳۲ـ	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد سوم (کتاب‌المهرجان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا	۱۳۳۵
۳۳ـ	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد چهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگرهٔ ابن سینا به زبانهای آلمانی وانگلیسی وفرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴ـ	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵ـ	جبر ومقابلهٔ خیام (به تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶ـ	شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمدعلی فردوسی ثانی (به تصحیح وتحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷ـ	اشترنامه شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح وتحشیهٔ آقای دکترمهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸ـ	حکیم عمرخیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکترغلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹ـ	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازادهٔ شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰ـ	درهٔ نادره تألیف میرزا مهدی خان (باتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر سید جعفرشهیدی)	۱۳۴۰

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۴۱ـ	شرح احوال ونقد وتحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲ـ	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح واهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳ـ	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمهٔ آقای دکتر علی‌اصغر حریری (به‌اهتمام آقای‌حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴ـ	دیوان غزلیات وقصائد عطار (به‌اهتمام وتصحیح آقای دکتر تقی‌تفضلی)	۱۳۴۱
۴۵ـ	جهانگشای‌نادری‌تألیف میرزا مهدی‌خان استرآبادی (باتصحیح‌وتعلیق آقای سید عبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶ـ	طربخانه (رباعیات حکیم عمرخیام نیشابوری) تألیف یار احمدبن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمهٔ وتصحیح وتحشیهٔ آقای‌جلال‌الدین همائی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷ـ	نادرهٔ ایام، حکیم عمرخیام ورباعیات او به قلم آقای اسماعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸ـ	اقلیم‌پارس (آثار باستانی وابنیهٔ تاریخی‌فارس). تألیف سید محمدتقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹ـ	سفارش‌نامهٔ انجمن آثارملی	اردی‌بهشت۱۳۴۴
۵۰ـ	یادنامهٔ شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱ـ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی، تألیف‌زین‌الدین ابوابراهیم اسماعیل‌جرجانی سنهٔ ۵۰۴ هجری (به اهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمد حسین اعتمادی- دکتر محمد شهراد- دکتر جلال‌مصطفوی (کتاب نخستین)	۲۵شهریور۱۳۴۴
۵۲ـ	دیوان‌صائب، باحواشی‌وتصحیح‌به‌خط‌خود استاد ـ مقدمه وشرح حال به‌خط وخامهٔ استاد امیری فیروزکوهی	۱۳۴۵
۵۳ـ	عرائس‌الجواهر ونفایس‌الاطایب تألیف‌ابوالقاسم‌عبدالله‌کاشانی به سال ۷۰۰ هجری با مقدمه وکوشش آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴ـ	ری باستان (مجلد اول) مباحث جغرافیائی‌شهرری به‌عهدآبادی‌تألیف دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵ـ	خیامی‌نامه (جلد اول) تألیف استاد جلال‌الدین‌همائی	آبان‌ماه ۱۳۴۶

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۵۶ـ	فردوسی وشعرا وتألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان‌ماه ۱۳۴۶
۵۷ـ	خردنامه تألیف ونگارش ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی به‌کوشش آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین۱۳۴۷
۵۸ـ	فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان‌عربی تألیف آقای سید محمدعلی امام شوشتری	تیرماه ۱۳۴۷
۵۹ـ	کتابشناسی فردوسی ، فهرست آثار و تحقیقات در بـارهٔ فردوسی و شاهنامه ، تدوین‌آقای ایرج افشار	مرداد ۱۳۴۷
۶۰ـ	روزبهان‌نامه به‌کوشش‌آقای محمدتقی دانش‌پژوه	اسفند ۱۳۴۷
۶۱ـ	کشف‌الابیات فردوسی(جلداول) به‌کوشش دکترمحمد دبیرسیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۲ـ	زندگی ومرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	خرداد ۱۳۴۸
۶۳ـ	آثار باستانی‌کاشان ونطنزتألیف‌آقای حسن نراقی	مهر ۱۳۴۸
۶۴ـ	بزرگان شیراز تألیف آقای رحمت‌الله مهراز	آبان ۱۳۴۸
۶۵ـ	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان تألیف‌آقای احمد اقتداری	آذر ۱۳۴۸
۶۶ـ	تاریخ بناکتی به‌کوشش‌دکترجعفرشعار	دی ۱۳۴۸
۶۷ـ	عهد اردشیر برگرداننده به فارسی‌سید محمدعلی امام شوشتری	دی ۱۳۴۸
۶۸ـ	یادگارهای یزد (جلد اول) تألیف‌آقای ایرج افشار	بهمن ۱۳۴۸
۶۹ـ	ری‌باستان (مجلد دوم) تألیف‌آقای دکترحسین کریمان	خرداد ۱۳۴۹
۷۰ـ	ازآستارا تا استاراباد (جلد اول بخش اول)، آثار وبناهای تاریخی گیلان بیه‌پس، تألیف دکتر منوچهر ستوده	تیر ۱۳۴۹
۷۱ـ	یادنامهٔ فردوسی حاوی مقالات وچکامه‌ها به مناسبت تجدیدآرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان ۱۳۴۹
۷۲ـ	فردوسی و شاهنامهٔ اوبه اهتمام‌آقای حبیب یغمائی	آذر ۱۳۴۹
۷۳ـ	فیلسوف ری، محمدبن‌زکریای‌رازی تألیف‌آقای‌دکترمهدی‌محقق	آذر ۱۳۴۹
۷۴ـ	سرزمین قزوین تألیف‌آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر ۱۳۴۹
۷۵ـ	یادنامهٔ شادروان سیدحسن تقی‌زادهٔ به اهتمام حبیب یغمائی	بهمن ۱۳۴۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار	
۷۶ـ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین ابو ابراهیم اسماعیل جرجانی سنهٔ ۵۰۴ هجری به اهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی ـ (کتاب دوم)	بهمن	۱۳۴۹
۷۷ـ	نظری اجمالی به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن تألیف آقای دکتر محمدجواد مشکور	بهمن	۱۳۴۹
۷۸ـ	تاریخچهٔ ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان نوشتهٔ آقای یحیی ذکاء	فروردین	۱۳۵۰
۷۹ـ	کشف الابیات شاهنامهٔ فردوسی ـ جلد دوم ـ به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی	خرداد	۱۳۵۰
۸۰ـ	آثار باستانی و تاریخی لرستان ـ جلد نخست ـ تألیف آقای حمید ایزدپناه	تیر	۱۳۵۰
۸۱ـ	دردربار شاهنشاه ایران، تألیف ا. کمپفر آلمانی ـ ترجمهٔ آقای کیکاووس جهانداری	مرداد	۱۳۵۰
۸۲ـ	نگاهی به شاهنامه، تألیف آقای پروفسور فضل‌الله رضا	شهریور	۱۳۵۰
۸۳ـ	مونس‌الاحرار فی‌دقایق‌الاشعار (جلد۲) تألیف محمدبن بدرجاجرمی به سال ۷۴۱ هجری با تحشیه و تفسیر آقای میرصالح طبیبی	شهریور	۱۳۵۰
۸۴ـ	مقدمه‌ای برشناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکتر جهانگیر قائم‌مقامی	شهریور	۱۳۵۰
۸۵ـ	فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضازادهٔ شفق	مهر	۱۳۵۰
۸۶ـ	دانش وخرد فردوسی فراهم‌آوردهٔ دکتر محمود شفیعی	مهر	۱۳۵۰
۸۷ـ	وقفنامهٔ ربع رشیدی (چاپ عکسی) ازروی نسخهٔ مورخ ۷۰۹ قمری زیر نظر آقایان مجتبی مینوی و ایرج افشار	اسفند	۱۳۵۰
۸۸ـ	ذیل جامع‌التواریخ رشیدی تألیف حافظ ابرو مورخ دوران تیموری با مقدمه و تعلیقات آقای دکتر خانبابا بیانی	اسفند	۱۳۵۰
۸۹ـ	از آستارا تا استارباد (مجلد دوم) آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه پیش تألیف دکتر منوچهر ستوده	خرداد	۱۳۵۱
۹۰ـ	نصیحةالملوك تألیف امام محمد غزالی با مقدمه و تصحیح و تحشیهٔ استاد جلال‌الدین همائی	آذرماه	۱۳۵۱
۹۱ـ	آثار باستانی آذربایجان (جلد اول ـ شهرستان تبریز) تألیف آقای عبدالعلی کارنگ	آذرماه	۱۳۵۱
۹۲ـ	مجموعهٔ انتشارات قدیم انجمن	دی‌ماه	۱۳۵۱



شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۹۳	مجموعهٔ مقالات فروغی در بارهٔ شاهنامه و فردوسی باهتمام آقای حبیب یغمائی	بهمن ماه ۱۳۵۱
۹۴	داستان داستانها ـ رستم و اسفندیار ـ تنظیم متن وشرح وتوضیح به کوشش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	اسفندماه ۱۳۵۱
۹۵	فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علاءالملك حسینی شوشتری (قرن ۱۱ هجری) با مقدمه وتصحیح وتعلیق آقای جلال محدث	خردادماه ۱۳۵۲
۹۶	تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری تألیف دکتر محمدجواد مشکور	تیرماه ۱۳۵۲
۹۷	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابوابراهیم اسمعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری باهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی جلدسوم	شهریور ۱۳۵۲
۹۸	ترجمه یك فصل از آثارالباقیه ابوریحان بیرونی بخامه علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه و ملاعلی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر داناسرشت با مقدمه والحاقاتی ازایشان	آبان ۱۳۵۲
۹۹	مادها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران تألیف آقای جلیل ضیاءپور	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰	سیر فرهنگ ایران در بریتانیا یا تاریخ دویست سالهٔ مطالعات ایرانی تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۱	آثار ملی اصفهان تألیف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۲	سیراف (بندرطاهری) تألیف آقای غلامرضا معصومی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۳	فرهنگ فارسی به پهلوی تألیف آقای دکتر بهرام فره‌وشی استاد دانشگاه تهران	فروردین ۱۳۵۳
۱۰۴	کتابشناسی کتابهای خطی تألیف شادروان دکتر مهدی بیانی استاد فقید دانشگاه به کوشش آقای حسین محبوبی اردکانی	خرداد ۱۳۵۳
۱۰۵	تاریخ بافت قدیمی شیراز تألیف آقای کرامت‌الله فسر	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۶	فرار از مدرسه در بارهٔ زندگی و اندیشهٔ ابوحامد غزالی تألیف آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۷	بیرونی نامه ـ پژوهش ونگارش آقای ابوالقاسم قربانی	مهرماه ۱۳۵۳
۱۰۸	جامع جعفری ـ تاریخ یزد دردوران نادری و زندیه وعصر سلطنت فتحعلی‌شاه ـ تألیف محمدجعفر بن محمدحسین نائینی متخلص به «طرب» به کوشش آقای ایرج افشار	آبان ۱۳۵۳

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱۰۹	کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم ، تألیف ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی ، با تجدید نظر و تعلیقات ومقدمهٔ تازه به خامهٔ استاد جلال‌الدین همائی	دی‌ماه ۱۳۵۳
۱۱۰	(دیارشهریاران) آثاروبناهای‌تاریخی خوزستان جلد نخستین بخش اول ـ تألیف آقای احمد اقتداری	خرداد ۱۳۵۴
۱۱۱	(دیارشهریاران) آثاروبناهای تاریخی خوزستان جلد نخستین بخش‌دوم ـ تألیف آقای احمد اقتداری	خرداد ۱۳۵۴
۱۱۲	احوال‌واقوال‌شیخ ابوالحسن‌خرقانی بضمیمه (منتخب‌نورالعلوم) تألیف آن استاد بزرگوار باهتمام استاد مجتبی مینوی	تیرماه ۱۳۵۴
۱۱۳	شرح احوال وآثار دوبیتی‌های باباطاهر عریان به انضمام شرح وترجمه‌کلمات قصار وی منسوب بعین‌القضاة همدانی(؟) با اصل وترجمهٔ‌کتاب (الفتوحات‌الربانیه فی‌مزج‌الاشارات‌الهمدانیه) بشرح وتفسیرمحمدبن ابراهیم مشهور به خطیب وزیری‌بکوشش دکتر جواد مقصود	تیرماه ۱۳۵۴
۱۱۴	کتاب « الغارات » تألیف ابواسحق ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی‌کوهی اصفهانی باهتمام و تصحیح استاد میر جلال‌الدین محدث (بخش نخست)	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۵	کتاب « الغارات » به شرح مذکور درشماره ۱۱۴ (بخش دوم)	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۶	یادگارهای یزد (جلد دوم ـ شهریزد) تألیف‌آقای ایرج افشار	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۷	تاریخ روابط بازرگانی‌وسیاسی‌ایران وانگلیس ازدوران فرمانروائی مغولان‌تاپایان‌عهدقاجاریه جلداول‌تألیف دکترابوالقاسم‌طاهری	مهرماه ۱۳۵۴
۱۱۸	ازآستارا تااستارباد «مجلدششم» شامل‌اسنادتاریخی گرگان‌بکوشش آقایان مسیح ذبیحی ودکترمنوچهر ستوده (بخش نخست)	مهرماه ۱۳۵۴